PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

آثار باستانی و تاریخی لرستان

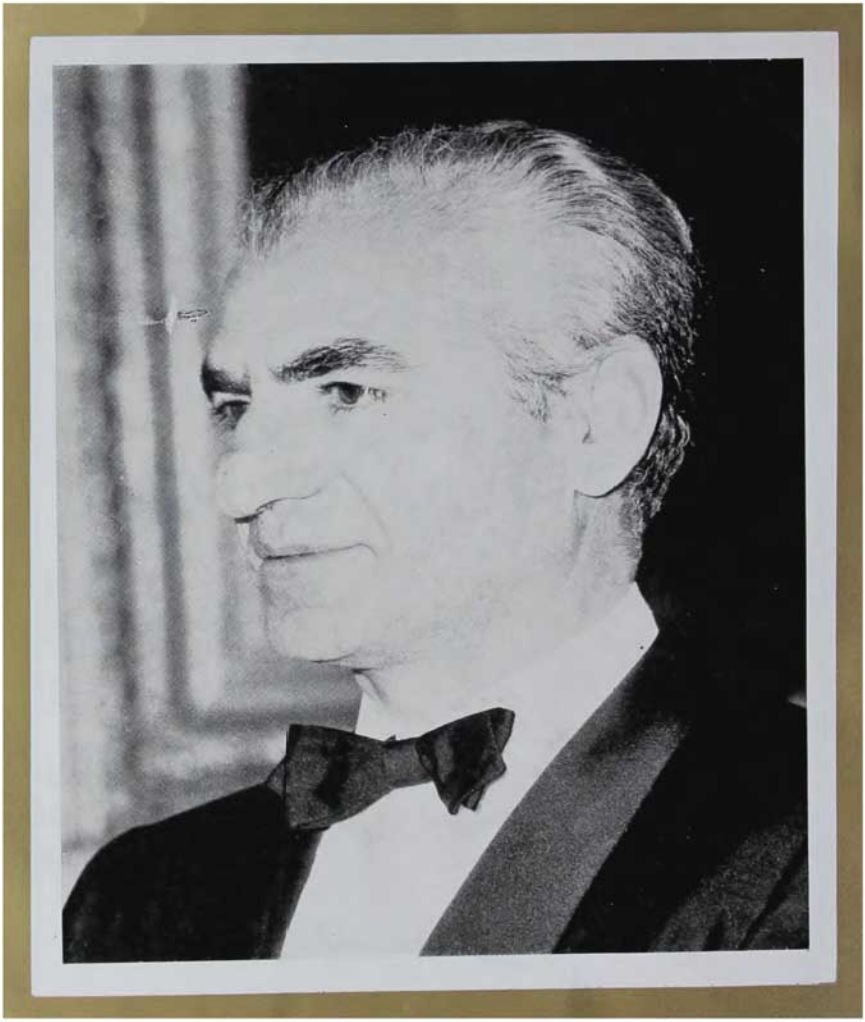
PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org





سلسلهٔ انتشارات انجمن آثار ملی
۱۲۳

آثار باستانی و تاریخی لرستان

جلد دوم

تألیف :
حمید ایزدپناه

فروردین ۲۵۳۵ شاهنشاهی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

از این کتاب یکهزار نسخه در چاپخانه دانش خرم آباد چاپ شد
و در چاپخانه بهمن ــ تهران صحافی گردید
بشماره ۱۵ مورخ ۲۵۳۵/۱/۱۰ در اداره کل فرهنگ هنر لرستان
به ثبت رسید

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

سومین نشریهٔ انجمن آثار ملی در سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی

سال برگزاری جشن پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

سرآغاز

بنام پروردگار بخشندهٔ مهربان

پس از سپاس بی قیاس بدرگاه آفریدگار توانا و درود فراوان بر پیامبر بزرگ اسلام و دودمان گرامی او، در پرتو عنایات همیشگی اعلیحضرت همایون محمدرضا پهلوی آریامهر شاهنشاه دادگستر و دانش پرور ایران، جلد دوم کتاب آثار باستانی و تاریخی لرستان که سومین نشریهٔ انجمن آثار ملی در سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی، سال برگزاری جشنهای پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی، بشمار میرود بمعرض انتشار و استفادهٔ علاقه مندان گذارده میشود.

در سرآغاز جلد اول کتاب حاضر (نشریهٔ شمارهٔ ۸۰ انجمن آثار ملی)، دربارهٔ پیشینهٔ چند هزار ساله تاریخ و فرهنگ و هنر لرستان تا حدی که مناسب دانسته شد اشاره رفت و اینک بیش از آنچه مذکور افتاده است توضیحی را در این زمینه روا نمی بیند. تنها یک رمز اساسی و مهم را شایسته یادآوری میداند که در طول تاریخ چند هزار ساله ایران، سرزمین عزیز لرستان، بیش از دوران فرخندهٔ پهلوی، کمتر زمانی روی آرامش و امنیت دیده است و اهل اطلاع و

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بصیرت میدانند که این خطهٔ دلاور خیز همواره کم و بیش دستخوش ناامنی ها و نابسامانیها بوده
است و همانطور که مؤلف محترم کتاب در پیشگفتار بسیار شیوای همراه با احساسات خود اشاره
نموده اند پیش از عصر درخشان پهلوی سیر و سیاحت در لرستان بر اثر امن نبودن اینجا چه بسا
تو أم با از دست دادن هستی و حیات بود چه رسد به اینکه پژوهنده ای بتواند آثار باستانی
و بناهای تاریخی آن سامان را باز دید و بررسی نماید و امری طبیعی بنظر میرسد که شکر انهٔ
امن و امان روزگار کنونی برای شیفتگان هنر و تاریخ گذشتهٔ میهن عزیز کوشش شایسته در
راه شناختن و شناساندن یادگارهای فرهنگی پیشین سرزمین مشحون از تاریخ لرستان باشد
کاری که مؤلف ارجمند کتاب به کیفیتی که در پیشگفتار خود آورده اند انجام داده اند و ما اینجا
توفیق یافته اند که جلد نخست آن مؤلف را در جمع برندگان جایزهٔ سلطنتی کتابهای سال ۱۳۵۰
در آورد و جلد دوم کتاب هم اکنون از نظر خوانندگان علاقه مند و دوستداران اینگونه خدمات میگذرد

انجمن آثار ملی خرسند است که جلد نخست کتاب حاضر در سال کورش بزرگ، سال برگزاری
جشن دو هزار و پانصدمین سال شاهنشاهی ایران، و جلد دوم آن در سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی
سال برگزاری جشن [illegible] کتاب رسیده انتشار می یابد و چنین می پندارد
که [illegible] انتشار ایران خواه در دوران کورش

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بزرگ و خواه در دوران شناخت آریامهر عامل معنوی و ناپیدای ظاهری چنین تصادف افتخار آمیز باشد و امیدوار است با همکاری فرزندان دانش دوست و پژوهندگان گرامی ایران در راه تحقق هدف همیشگی خود نسبت به معرفی هرچه شایسته‌تر آثار باستانی و تاریخی و مفاخر ملی این مرز و بوم مقدس موفق آید.

بمنه و کرمه

انجمن آثار ملی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

غلطهای چاپی جلد دوم آثار باستانی و تاریخی لرستان

صفحه	سطر	درست
٤٩	١٣	محسوب
١٦١	٢	گیه
٢١٧	١٤	Mâr
٢٥١	٥	محلی
٢٥٥	٧ پاورقی	ج۱
٢٥٥	١٠ پاورقی	الیشتر
٢٥٧	١٦	بووه
٢٦٧	١٦ پاورقی	بالجامع
٢٧١	١٤	بنای خانه
٢٧٤	١ پاورقی	Shina
٢٧٩	٣	خرمدینان
٢٨٩	١٥	روی
٢٩٦	١٩	ایوت۲
٢٩٧	١١	نام طایفه شاهیوند، از قلم افتاده است
٢٩٨	٤	خلیفه موور
٣٠١	٥ پاورقی	Tiltako
٥١٠	١	ساسانیان
٥١٤	٤ پاورقی	شرفنامه بدلیسی

زیرنویس تصاویر صفحات ٥٧٠ تا ٥٨١ جابجا شده‌اند

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

پیشگفتار

درپناه ایزد توانا وباسپاس فراوان بدرگاهش که عمرباقی بود و فرصت کافی، تا قسمتی دیگـر از حاصل کوشش سالهای متمادی عمر خویش را در معرفی آثار باستانی و تاریخی زادگاهم لرستان با انتشار این کتاب که جلد دوم آنست به ساحت دوستداران ایران و فـرهنگ ایرانی تقدیم نمایم.

در طـول مدت نزدیك به ۱۲ سال سیروسفر و بررسی، توانستم نزدیك به‌هشتادوپنج درصد ازپهنه لرستان، این اقلیم افسانه‌ای وسرشار از آثار تمدن کهن وپربار وغنی از فرهنگ ایرانی را باپـای ارادت و عشق بآن بپیمایم ودرهرگوشه و کناری که قصه‌ای واسطوره‌ای بشنوم‌یا استودانی یا اثری ببینم ثبت کنم.

اماکاری آسان نبود. چه‌دراین راه مشکلات فراوان ومخاطرات هرآن درشرف وقوع. ولی هرچه‌بودگذشت وخاطره‌های تلخ وشیرین آن برایم مانده است. راستی چه سخت است شبها درسکوت سنگین‌و تاریك کوهستان‌بردرغاری درکنارشعله‌آتشی نشستن‌ویابربام ویرانه‌های قلعه‌ای خودرا بخواب زدن یا خفتن. چه دشوار است درآن مکانها در کنار صخره‌ای آرمیدن ، مار در بستر و یا عقـرب در آستین داشتن ،

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

خشکه‌هـای نان را با لذت جویدن و قدر آب را دانستن، رنج تشنگی کشیدن وبرمشرقان[1] آفتاب از ستیغ کوه بالارفتن، خار در دست وپای داشتن واز همه سخت‌تر، ترك سروهمسر وفرزندان گفتن ودوروبی خبر ازآنها بودن، خاك خوردن، با قاطر ازروی صخره فروغلطیدن، دردمند و رنجور شدن وبالاخـره آواره کوه وبیابان و دشت‌گشتن وخستگی و بیماری حاصله‌ازاین مرارت‌ها را تحمل کردن.

حقیقتی بالاتر آنکه اگرسایه سکوت کوه سنگین بود اما آرامش وامنیت آن، شکوهی والاداشت.

ولی ازاول هم میدانستم که چه راهی درپیش است. انجام چنین سفرهائی جـز با نیروی عشق میسر نبوده و نیست. براستی حیف است انسان رفیق نیمه راه عشق باشد. باری اگرسفری پررنج وملال بودولی ثمربخش و پربار نیز بود. مهمتر، زمانیکه مـورد قبول افتد، لذت آن هزار چندان است. چنانکه هم شد و جلد اول بعنوان یکی از بهتـرین کتابهای سال انتخاب گردید واین‌افتخار را نصیبم کردکه از دست‌مبارك اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و در حضور شهبانوی مهربان به اخذ فرمان و جایزه مباهی شوم. اینك پس ازگذشت ۱۲ سال و سپری کردن بهترین ایام عمر، به‌پشت‌سر که می‌نگـرم به عمر از دست رفته حسرت نمیبرم وهمهٔ سختیها و رنج‌ها وکام وناکامیها را به آنچه یافته‌ام مقایسه نمیکنم. زیرا آنچه یافته‌ام ـ صد چندان ارزشی بالاتر ازعمر از دست رفته را داراست. احساس میکنم اگـر در پشت سرم لبخندهای

۱ـ مشرقان ، درگویش لری محلی است در برابر تابش خورشیدکه هیچ سایبان وپناهگاهی ندارد.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

حیات‌بخش وچهره‌های خندان و سفرهای کم رنگ وبی‌ریا ونوازش و محبتهای روستائیان خون‌گرم ومهربان هم خونم، و همراهی وهمگامی و راهنمائی آنان نبود چه‌می‌توانستم بکنم وچه عاید من میشد؟[1]

باری نه‌از آنجهت‌که خودرا صاحب همت معرفی‌کنم، ولی‌واقعاً کار تحقیق در چنین شرایطی همت میخواهد وعشق. این پیشه عاشقانی است‌که در انجمنی‌گردهم‌آمده‌اند و به‌شناخت وشناساندن ویافتن آثار گرانبهای ملی، درکوهها و دشتها، یا درکتابخانه بتفحص پرداخته‌اند و تاکنون سرمایه‌ای‌گـرانبها نزدیك به ۱۲۰ جلد کتاب نتیجه‌کار عاشقانه آنان بوده است. آنهم نه‌برای نام وجیزه و دستمزد ناچیزی‌که بهای‌یك لحظه بمخاطره افتادن در این راه نیست، بلکـه هدف جستن و یافتن و شناساندن بیشترتمدن وفرهنگ خانه‌خود ایران‌بوده وهست. تانپندارند که این تنهاکاربیگانگان ایراندوست است وباید همواره ایشان برای ما گامی بردارند و قلمی برصفحه بکشند. باری سعادت یاروعمر پایدار و توفیق بدست‌آمده را ازعنایت ذات حق می‌دانم. شادم‌کـه طلبه مکتب عاشقان بودم و در این راه همگام وهمراهی صادق وعاشقی چون دیگر عاشقان . همهٔ آن سختیها گذشت. آری.....

حکایت‌شب‌هجران‌فروگذاشته‌به بشکرآنکه برافکندپرده‌روزوصال

دراین راه باهمت همهٔ عزیزان هرچه یافتم از برکت سینه‌گشاده

۱ــ روزی در یکی از روستاهای دور افتاده دهستان (هازو) ازگـرما و خستگی وتشنگی به (چادر سیاه) یك روستائی پناه بردم. صاحب خانه‌که پیرزنی مهربان بود ناشناخته و ناآشنا بدون اینکـه نام من وراهنمایم را بپرسد چنان صمیمانه پذیرائی‌کرد و به ماآب وغذا داد وبعد بدرقه‌کردکه احساس غرورکردم که هنوز عاطفه در نهادها شعله‌ور است و تأسف خوردم‌که بعضی‌ها این احساس را چه بدتعبیر می‌کنند. بسی شرمنده‌ام‌که نام آن پیرزن راهم از یادبردم ونمی‌توانم دراینجا از او ذکری بکنم.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آنان بود که موجب روسفیدی بنده شد. اگرچه چهره سوخته از آفتاب کوهسارانم.

شکرخدا که هرچه طلب کردم از خدای
بـرمنتهای همت خود کامـران شدم

اگر همتی بحساب آید وگر خدمتی محسوب شود.

اما دربارهٔ لـرستان: اگر بنا شود محدوده‌ای از نظر پیوندهـای فرهنگی بررسی شود مناطقی در این اقلیم وسیع ودراین دایـرهٔ پیوند قراردارندکـه همه از نوعی ویژگی از آداب و رسوم وگویش مشترك برخوردارند واستان‌های لرستان و ایلام (پیشکوه وپشتکوه) بختیاری، غرب و جنوب غربی استان فارس وتمام استان بوشهر، وکهکیلویه را شامل است. این نکته از بـررسی مجموع مطالعه زندگی، منشهـا و گویشها و سنت‌های مشترك بومیان آنها حاصل میشود، کـه ظاهراً این پیوند از دیرباز وجودداشته و ریشه زمانی آن به قرنها پیش می‌رسدکه بررسی بیشتر این رابطه و ویژگیهـای مشترك تمدن و فرهنگ بومیان مذکور دراین‌مقال‌نگنجد. شاید پس‌ازتدوین مجموعهٔ تحقیقات‌محققان وبررسی تطبیقی ومقایسه‌ای وتهیه اطلسی ازاین کیفیات فرهنگی‌وسنتی، نحوهٔ انتقال وگسترش آن روشن‌گردد.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

چند نکته درباره این کتاب

درجلد نخست تنها معرفی چهار منطقه یا بخش از لرستان میسر شد. دراین جلدکه دنبالهٔ سخن ومطالب جلد نخست است هشت منطقه یا به‌اقتضای تقسیمات سیاسی، هشت بخش‌بررسی و دربارهٔ آنهامطالب آمده‌است. یعنی‌قسمتی‌ازجنوب‌وتمام‌مشرق وشمال‌لرستان را دربردارد وشامل ده فصل مطلب ویك فصل فهرست اعلام است. مناطق بـررسی شده بیشترکوهستانی‌وراههای‌آن دشوار ولی‌ازآثارتمدن‌گذشته سرشار است. بعلت همین موقعیت طبیعی ونیزنبودن امنیت بوده‌که نه‌سیاحی‌از آنجا عبوری تحقیقی داشته ونه پای دانشمندی و محققی بعنوان مطالعه به‌آنجا رسیده است. مگر دراین نیم‌قرن اخیر. ضروری‌است به‌نعمت و برکت امنیتی‌که اکنون درکشور داریم اشاره‌کنم کـه اساس هـرنوع کوششی است . وبموجد آن رضا شاه بزرگ درود بفرستم . چون هر قصه‌ای‌که در دوران کـودکی و نوجوانی از معمرین میشنیدم، داستان سفرهای پرخطر ویا بی‌برگشت و پرملال بود. نه‌جانها درامان بودند و نه‌ثروتها. ممکن بود برهرراهی‌گردن‌کشی و خونریزی باسنگدلی جان رهروان را بازیچه آتش شهوت و بی فـرهنگی خود سازد. در چنین شرایطی جائی برای تحقیق باقی نمی‌ماند. بجاست که نکته‌ای ظریف

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

نقل کنم:

پس از ظهور رضاشاه بزرگ و کوشش او برای برقراری امنیت و یکپارچگی، پدرم برای دادخواهی از پیش‌آمدی که برایش شده بود از حضور رضا شاه بزرگ تقاضای شرفیابی مینماید، و رضا شاه او را میپذیرد، در آن موقع سن پدرم نزدیك به ۷۵ سال بوده است. در روز باریابی مورد مهرشاهانه قرار میگیرد. رضا شاه از پدرم میپرسد: پیرمرد چند سال داری؟ پدرم پاسخ می‌دهد ۱۲ سال. رضاشاه می‌پرسد چطور؟ بعرض می‌رساند که تنها ۱۲ سال‌است که روزگار در امنیت میگذرانم و آنرا عمرحساب میکنم. بقیه آن زندگی مرگباری بود که بادلهره‌وبیم‌از ناامنی برباد شد. که نمیتوان عمر حسابش کرد. و واقع همین بوده است. برای هر سفر وصیتی بجهت نبودن امنیتی که نه عمر است و نه زندگی.

باری وقتی در کوهستانها با یکنفر راهنما میگذشتیم و یا شب میماندیم به‌این وقایع که برایم قصه‌گونه بود می‌اندیشیدم و خود را در بهشت امن‌احساس میکردم. حق‌میدادم که‌درچنان شرایط ناامنی‌چه‌کسی حاضر بود جان برکف سفر پژوهشی و علمی انجام دهد . در حالی که امید بازگشت نداشت. چنین است که در این تحقیق سهمی وحقی اندك برای من باقی میماند، زیرا این حق اول برای کسانی است که در برقراری این امنیت صاحب نقش بوده وهستندکه عرض سپاس چنین نعمتی بزرگ درقالب کلامی بدین مختصرنمی‌گنجد.

باری نخستین هیأتی که به لرستان آمده، هیأت دمورگان بوده و از حاشیه غربی و جنوبی آن عبور نموده و بررسیهائی کرده است. از طرفی مقاومت‌ها ونفوذناپذیری‌ها دربرابر بیگانگان چنان بوده است که

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

حتی اسلام تاقرنها نتوانسته دراین مکانها نفوذی داشته باشد. تیمورلنگ نیز رهوار از اینجا گذشت ونتوانست بمقصود خویش برسد.

درفصل‌های این کتاب مطالبی درباره غارهای بزرگ بابازمانده‌هائی از دوره‌های کهنه سنگی و نوسنگی وعصرسفال و تمدن پیشرفته مفرغ، تپه‌های غنی، قلعه‌های افسانه‌ای، آثاری از دوره مهرپرستی، گنبدهای ساده ولی جالب توجه وپرارزش از نظرمعماری، افسانه‌های تاریخ‌گونه و تاریخهای افسانه‌ای و نیز افسانه سرایان کهنسال که در بررسی هریك ازاین آثار وداستانهای آنها که قصه‌های هم‌نشینی شبهای من وروستائیان مهمان‌نواز و مهربان بودآورده شده‌است.

بایدگفت دوره‌های باستانی درلرستان ناشناخته نیست ولی آنچه که در دفتر دیگران آمده و یاکاوشی انجام شده، در برابر دفتر کهن زندگی وتمدن این‌گوشه از ایران سطری است ازمثنوی هفتادمن کاغذ. از اینرو مدعی آن نیستم که هرچه دراین دوجلد آمده بحدکمال تحقیق است بلکه راهنمائی است برای کسانیکه بخواهند دراین راه به‌تکاپو و بررسی پردازند. سخن کوتاه آنکه در این کتاب بمعرفی آثاری ازاین دوره‌ها تا زمان اسلام ونزدیك به‌حال‌پرداخته‌ام. پس ازبررسیهای‌عینی، به‌آثار مدون جغرافی‌نویسان ایران عصر اسلام و بررسیهای معاصرین نظرداشته و از اظهار نظربسیاری از ایران‌شناسان وایرانیان صاحبنظر بهره‌برده‌ام وچه بسیار نکاتی که درآثار ایران‌شناسان خواندم که نه‌تنها نمیتوان‌برآنهاصحه‌گذاشت، بی‌شك اشتباه‌محض ویا استنباطی‌نادرست بوده و بایدگفت به‌داوری نشستن آنهاگاه درحد بی‌انصافی بوده است نه‌عدالت. زیرا نسبت‌های ناروا داده‌اند ونادرستی فردی یاکارگری را که درخدمت داشته‌اند معیاری برای‌تمام وجمع دانسته‌اند. که لازم‌بود

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دراینمورد توضیح داده شود آنهم درحدی بیطرفانه ودور از برتری‌جوئی وخلاف‌گوئی.

باری هرفصل بیك بخش اختصاص‌یافته وتصاویر آن نیز مانند جلد نخست پس از شرح مطالب آن بخش آمده است.

اصطلاحات و واژه‌های محلی که درمتن بکاررفته، تلفظ آنها با حروف لاتین درحاشیه آمده‌است و بـرای معنی آن معادل فارسی و یا شرح آن ذکرشده‌است. تاخواننده برای‌درك مطلب دچارمشکل‌نگردد.

پس از انتشارجلد نخست، گروهی‌علاقه‌مندکه آنرا مطالعه‌کرده بودند بربنده منت‌نهاده وبا تذکروتوجه دادن به‌کمبودهائی‌که بنظرشان رسیده بود خواسته بودند، در معرفی بیشتر هـربخش لرستان، مطالب بیشتری‌آورده شود . باسپاس از عنایت این عزیزان سعی شد تا آنجـا که ارتباط به موضوع اصلی کتاب داشته باشد تأمین نظرشان بشود . ازآنجمله:

۱ـ در هربخش پس از شرح جغرافیای طبیعی، درباره اوضاع اقتصادی، اجتماعی، جغرافیای انسانی وسابقه تاریخی آن نیز گـذرا و مختصراشاره‌ای شده است. نسب‌نامه و نیز تقسیمات ایلی وطایفه‌ای و شاخه‌بندی کوچکتر آن‌برابرواحدهای‌محلی‌واصطلاحات بومی‌هربخش بررسی وگنجانیده شده است. ضمناً از هربخش نقشه آن تهیه وضمیمه آنست.

۲ـ چون در متن برحسب نیاز برخی واژه‌های خاص‌کشاورزی و دام‌داری وآبیاری و واحدهای زراعی بکار رفته است. درپایان فصل دهم توضیحاتی مختصر درباره هریك از این اصطلاحات و واژه‌هـا و

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

سنت‌های زراعی داده شده است. چه، بانظام جـدید مالکیت حاصله‌از اجرای قانون اصلاحات ارضی، این معیارها و واحدها از میان رفته ویا میرود و بیان آنها شاید مورد نیاز پژوهشگران باشد. اگر ایراد شود که این‌مباحث چه رابطه‌ای بآثار باستانی وتاریخی دارد؟ شخصاً ازدیدگاه خویش وبعقیده خودضروری دانستم که این توضیحات را بیاورم. ودر عین حال به‌عنایات کسانیکه علاقه‌مند بودند این مطالب ذکـرشود، نیز بی‌توجهی نکرده‌باشم، یقین‌دارم کاری بجاست که درجلد نخست‌به‌آنان بی‌اعتنا بودم، خداکند فرصتی دست بدهدکه درتجدید چاپ آن‌جبران این قصور شود.

درسالهای اخیر انگیزه‌ای برای باستانشناسان پیش‌آمدکه اقدام به‌بررسی ویك سلسله انتشارات و اظهارنظرهای مختلف درباره لرستان بشود وآن‌کشف اشیاء مفرغی‌بود، بویژه راه یافتن‌این‌آثار به‌موزه‌های بزرگ جهان، چون تألیفات نسبتاً زیاد ولی همه ازموضوعی واحد بحث میکردند با اختلاف‌نظرهائی‌کم وبیش‌متفاوت، آثاربرجسته و مهمی از مؤلفان مختلف کـه به‌فارسی برگردانده شده وازاین‌جهت لازم دانستم برای سهولت‌کار پژوهندگانی‌که ممکن‌است همه‌این‌آثاررا در دسترس نداشته باشند خلاصه قسمتهای مهم این کتابها را در فصل نهم بیاورم. این جمع‌نظرمحققان و باستانشناسان را (باستانشناسی‌لرستان) نامیده‌ام.

برای تکمیل‌مطالب این‌فصل، لازم دانستم به‌اروپا مسافرت‌نمایم و اززندیك ازآثارسفالی ومفرغی‌وزرین وسیمین‌که درموزه‌های‌بریتانیا ولوور وموزه تاریخ هنر ژنو نگهداری میشود دیدن نمایم. ره‌آورد این سفرمقاله وکتابهائی وتعدادی عکس از این آثار بودکه ترجمه مقاله و کتاب وهمچنین عکسها دراین فصل گنجانیده شده است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

براستی آثار ایران ازجمله مفرغهای بدست آمده از لرستان در این موزه‌ها به کیفیتی درخور وشایسته به‌تماشا گذاشته شده‌است وبازدید کنندگان زیادی هم دارد.

بجهت پیوند تاریخی وسابقه فرهنگی، لازم بود بمعرفی آثار بروجرد که درگذشته جزء لرکوچك محسوب میشد، بپردازم. درفصل دهم، این کار انجام یافته‌است. درشهر، آثار پیش از اسلام وجود نداشت واز بررسیها در آثار ومآخذ نیز مدرکی بدست نیامد. ظاهراً شهری‌است که درسده‌های اول اسلام بناشده است. ولی درتپه‌های حاشیه دشت جنوبی آن سفالهای منقوش مشاهده شد که ارتباط تام وجالبی بافرهنگ سفالی گیان دارند.

دراین فصل آثار تاریخی، مساجد و بقعه‌های متعددی معرفی گشته و در مورد سابقه تاریخی شهر نیز با استفاده از مـآخذ مختلف مطالبی آورده شده‌است.

به آثار عصر حاضر خرم‌آباد نیز لازم است گذرا اشاره شود و اینها عبارتنداز:

۱ــ ساختمان شهرداری سابق که نمونه‌ای ازمعماری ایرانی‌است واولین بنائی که درعصر رضا شاه بزرگ بناگردیده ونیز در حضور آن شاهنشاه گشایش یافته است.

۲ــ پل معروف به خرم آبادی کـه در جنوب قلعه فلك‌الافـلاك بناگردیده ازیادگارهای مردی‌خیربنام حاج‌علی اصغرناصری‌خرم‌آبادی است. طرح ومعماری آن نیز ازمعمار یوسف فشنگچی است، این پل درسالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۷ ساخته شد.

۳ــ پلی که در مسیرخیابان سعدی برروی‌خانهٔ زده شده‌است به پل ولیعهد مشهور است و در سال ۱۳۴۲ بهٔ دست اعلیحضرت همـایون

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

محمدرضاپهلوی‌شاهنشاه آریامهر گشایش یافت.

اینك که حاصل زحمات سالهایم مدون شده‌است باردیگر ازهمهٔ روستائیان مهربان. همشهریان عزیز وهمچنین از انجمن آثارملی که‌این فرصت را بمن داد، از سروان اسماعیل محققیان‌که در سالهـای کارمن فرمانده‌ژاندارمری ملاوی‌بود بخاطر کمکهای‌ارزنده‌اش. ازآقای‌محمد نقوی همکار فرهنگی‌که در عکسبرداری وتحقیق منطقه مازو مرا یاری داد. ازآقای علی‌اکبراحقری‌که طرح روکش‌کتاب را بادقت وحوصله تهیه وترسیم‌کرد، و از همسر مهربانم بخاطر تحمل همه دشواریهائیکه در گردآوری و تهیـه این مطالب نمود ، از دخترم هنگـامهٔ و پسرانم کامیارومازیار بخاطر کمك درتصحیح‌نمونه‌های چاپی‌ونیز تهیهٔفهرست اعلام، پدرشان را تنها نگذاشتند. از میرسید عابدین‌کابلی‌که عکسهائی ازآثارموزهٔ ایران باستان را برایم تهیه کرد. وبالاخره ازهمهٔ عزیزان و کسانیکه بهشکلی یار وهمراه من بودند سپاس فراوان دارم و این‌کتاب را به‌صفای انسانی وسپاس مهربانیهایشان ونیز به‌همهٔ عاشقان ایران‌زمین تقدیم مینمایم.

تاچه قبول افتد و چه درنظرآید

فروردین ۲۵۳۵ شاهنشاهی ـ خرم‌آباد لرستان

حمید ایزدپناه

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

فهرست مطالب

پیشگفتار

فصل اول ـ بخش الوارگرمسیر

بخش اول	دهستان منکره	۲ـ۹
بخش دوم	دهستان قیلاب وحسینیه	۹ـ۱۴
بخش سوم	دهستان مازو	۱۴ـ۱۸

فصل دوم ـ بالاگریوه

بخشهای ملاوی ـ ویسیان

بخش اول	اوضاع جغرافیائی	۱۹ـ۲۲
بخش دوم	آثار باستانی پیش ازاسلام	۲۲ـ۳۲
بخش سوم	آثار اسلامی	۲۲ـ۵۲

فصل سوم ـ بخش‌پاپی

بخش اول	اوضاع طبیعی، اجتماعی، سیاسی	۱۴۵ـ۱۵۰
	سابقهٔ تاریخی و آثارگریت	۱۵۰ـ۱۵۴
بخش دوم	آثار دهستان‌کاکاشرف	۱۵۵ـ۱۶۲
	تصاویر فصل سوم	۱۶۵ـ۱۸۰

فصل چهارم ـ بخش زاغه

اوضاع طبیعی، اقتصادی، اجتماعی جمعیت وگویش	۱۸۱ـ۱۸۹
آثار باستانی وتاریخی	۱۸۹ـ۱۹۶
تصاویر فصل چهارم	۱۹۶ تا ۲۱۷

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

فصل پنجم ـ بخش هرو

اوضاع طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، جمعیت‌گویش ۲۱۷ـ۲۲۴
آثار باستانی ۲۲۴ـ۲۲۸

فصل ششم ـ بخش‌حومه

اوضاع طبیعی، اقتصادی، جمعیت، گویش وضع اجتماعی ۲۲۹-۲۳۱
آثار باستانی ۲۳۳-۲۳۸
تصاویرفصول پنجم وششم ۲۴۱-۲۴۸

فصل هفتم ـ بخش سلسله یا الیشتر

اوضاع طبیعی، اقتصادی، اجتماعی وسیاسی جمعیت‌وگویش ۲۴۹ـ۲۶۰
پیشینه‌های باستانی وتاریخی‌الیشتر ۲۶۰-۲۶۸
آثار پیش ازاسلام ۲۶۸-۲۷۹
آثار اسلامی ۲۸۰-۲۹۱

فصل هشتم ـ بخش دلفان

اوضاع طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، جمعیت، گویش‌ومذهب ۲۹۲-۳۰۰
پیشینه تاریخی وآثارباستانی اسلامی ۳۰۰-۳۱۴
تصاویرفصلهای‌هفتم وهشتم ۳۱۷-۳۵۱

فصل نهم ـ باستان‌شناسی لرستان

باستان‌شناسی لرستان ۳۵۴ـ۳۷۰
عصرمفرغ قدیم ۱و۲ ۳۷۱ـ۳۷۴
عصرمفرغ میانه ۳۷۴ـ۳۷۵
عصرمفرغ جدید ۳۷۵-۳۷۶
عصرآهن اول ۳۷۶-۳۷۸
مفرغ‌شناسی لرستان ۳۷۸ـ۴۵۵
تصاویرفصل‌نهم ۴۵۷ـ۵۰۱

فصل دهم ـ بروجرد

پیشینه تاریخی ۵۰۲-۵۱۱
آثار بروجرد ۵۱۱-۵۴۳

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اضافات

درباره افسانه دخمه انوشیروان ۵۴۴-۵۵۸
واحدهای زراعی ومقیاسات معمول درلرستان ۵۵۸-۵۶۵
تصاویر فصل دهم ۵۶۶-۶۰۵

فصل یازدهم

فهرست اعلام

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

فصل اول

الوار گرمسیری

بخش الوار گرمسیری در جنوب شرقی لرستان واقع‌شده است و محدود است از جنوب‌به استان خوزستان ، از مشرق‌به رود«دز» از شمال به بخش پاپی ، از شمالغربی و غرب‌به بخش‌ملاوی .

مساحت تقریبی آن ۴۳۲ کیلومتر مربع است و جمعیت آن برابر آخرین آمارسرشماری‌سال۱۳۴۵ بالغ بر۱۴۷۴۲ نفراست که‌شامل ۲۳۸۵خانوارمی‌باشد.ساکنین آن‌ازطوایف «میر»و«بهاروند» وقلاوند میباشندوگویش آنهالری‌است. بیشترآن‌کوهستانی‌ودارای جنگلهای انبوه است . یکی از مشکلات مردم شمال این بخش ، وجود کوهستانهای‌مرتفع و راههای سخت و دشوار آنست‌که ارتباط‌مردم را با شهرها برای عرضه کردن محصولات خود با موانعی رو برو ساخته است . آب و هوای آن در قسمتهای شمال و شمال غربی معتدل‌و درجنوب خیلی‌گرم است و شامل‌دهستانهای منگره ، حسینیه و قیلاب و مازو است .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بخش اول

دهستان منگره

دهستان منگره از چند دره تشکیل گردیده و در شمال بخش الوار گرمسیر واقع شده‌است و یکی از مناطق کوهستانی میباشد و محدود است از شمال و غرب به کوه «چوونی» و دورق [۱] . از مشرق به کوه «باریك آب» و از جنوب به‌کوه چناره .

رودخانه‌ای که از دهکدهٔ «گرداب» سرچشمه می‌گیرد ، پس‌از عبور از تنگهٔ «کول‌گاو» به رودخانه «انارکی» می‌پیوندد وجاده سراسری‌را در محلی موسوم‌به«بالارود»قطع می‌کند . ساکنان‌آن‌از طایفهٔ میر «میرعالی‌خانی»[۲] هستند . چون زمینهای زراعتی‌منگره منحصر به سطح دره‌ها است ، اهالی در آنها باغهای انار ایجاد کرده‌اند حتی اغلب ترجیح میدهند که در غارهای دوطرف دره زندگی کنند و زمینهای کف دره را به باغهای انار اختصاص‌دهند. محصول عمدهٔ این دهستان انار دانه است . باغهای انار منگره بسیار خوب پرورش داده میشوند و ثروت خانواده‌های مسکون در این دره محسوب میشوند .

منگره بوسیلهٔ راههای کوهستانی وصعب‌العبور ، به‌دهستانهای

۱- دورق ، Duragh شهری از ناحیه خوزستان بوده است و بنام دورق فرس مشهور بوده‌است که بنظر میرسد این همان دورق باشد. رجوع‌شود به کتاب«برگزیدهٔ مشترك یاقوت‌حموی، ترجمهٔ آقای محمدپروین‌گنابادی ،ص۸۷و حدودالعالم، بکوشش آقای دکتر منوچهر ستوده ، چاپ دانشگاه ص ۴۶ و ۱۳۷ .

۲-تیره‌دیگرطایفهٔ‌میر ،بنام‌میرعباس‌است که‌در کرکی، کره‌گاه‌وماژین، میان‌کوه سکونت دارند .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اطراف خود مربوط میشود. واز گردنه های معروف آن یکی گردنهٔ «شیخ»است درشمال غربی وگردنهٔ مشهور به «ملهتکال» بین منگره وکرکی وگردنهٔ «کول‌گاو» که به دهکدهٔ امیرسیف و گرداب و گردنهٔ چناره که در جنوب آن واقع شده است .

آثار منگره

کلمهٔ «منگره» از زمان حکومت شجاع‌الدین خورشید اولین فرمانروا و سر سلسلهٔ اتابکان لر کوچك ، بعلت موقعیت محلی آن مورد توجه قرار گرفت واغلب مورّخین کـه شرح وقـایع اوایل حکومت این سلسله‌را نوشته‌اند ، آنرا «مانکره» ذکر کرده‌اند .

تپه های باستانی آن معدودند ولی آثار اسلامی آن بیشتر است که این آثار ، اغلب قلعه یا آسیاب و یا مقبره میباشند . دره‌منگره یکی از زیباترین مناظر طبیعی این بخش است وکوههای آن پوشیده از جنگل است . (تصویر شمارهٔ ۱ از دره منگره است)

۱ـ قلعهٔ منـگره

یکی ازقلعه های مهم و تاریخی این قلعه است ، کـه شاید در نیمه دوم قرق پنجم بنا نهاده شده باشد ، قلعه منگره چون از نظر نظامی اهمیت ویژه‌ای داشته ، همواره بر سر آن نزاع و کشمکش بوده ،از آنجمله پس از آنکه شجاع‌الدین خورشید مغضوب دارالخلافه بغداد شد ، از او خواستند تا قلعهٔ منگره را به سپاهیان خلیفه بسپارد ولی شجاع‌الدین خورشید قبول نکرد .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

حمداله مستوفی در این باره در تاریخ گزیده‌چنین آورده‌است:

(... بعداز مدتی‌ازدارالخلافه ، شجاع‌الدین خورشیدوبرادرش نورالدین‌محمد را طلب داشتند و قلعهٔ مانکره از ایشان درخواستند، ایشان ابا نمودند و هر دو را محبوس گردانیدند . نورالدین محمد در حبس متوفی شد و برادر راوصیت‌کرد که‌آن‌سنگ (قلعه) را از دست مده . شجاع‌الدین خورشید دانست که تا قلعه نسپارد خلاص نیابد . از دارالخلافه عوض قلعه خواست . ولایت طرازك از توابع خوزستان در عوض قلعهٔ مانکره بدو دادند .) [۱]

قلعهٔ منگره یا مانکره برروی قله‌ای بنام «دز» در غرب دهکدهٔ «گرداب» ساخته شده‌است.قلّهٔ «دز» (تصویر شمارهٔ ۲) طوری است که بردره‌های اطراف خودمسلط استو ارتفاع آن نزدیك به۱۰۰۰ متر است و راه رسیدن به بالای این قله منحصر به یك معبر سخت است که اهالی آنرا «بزرو» میگویند یعنی راهی که فقط بز میتواند از آن عبور نماید .!

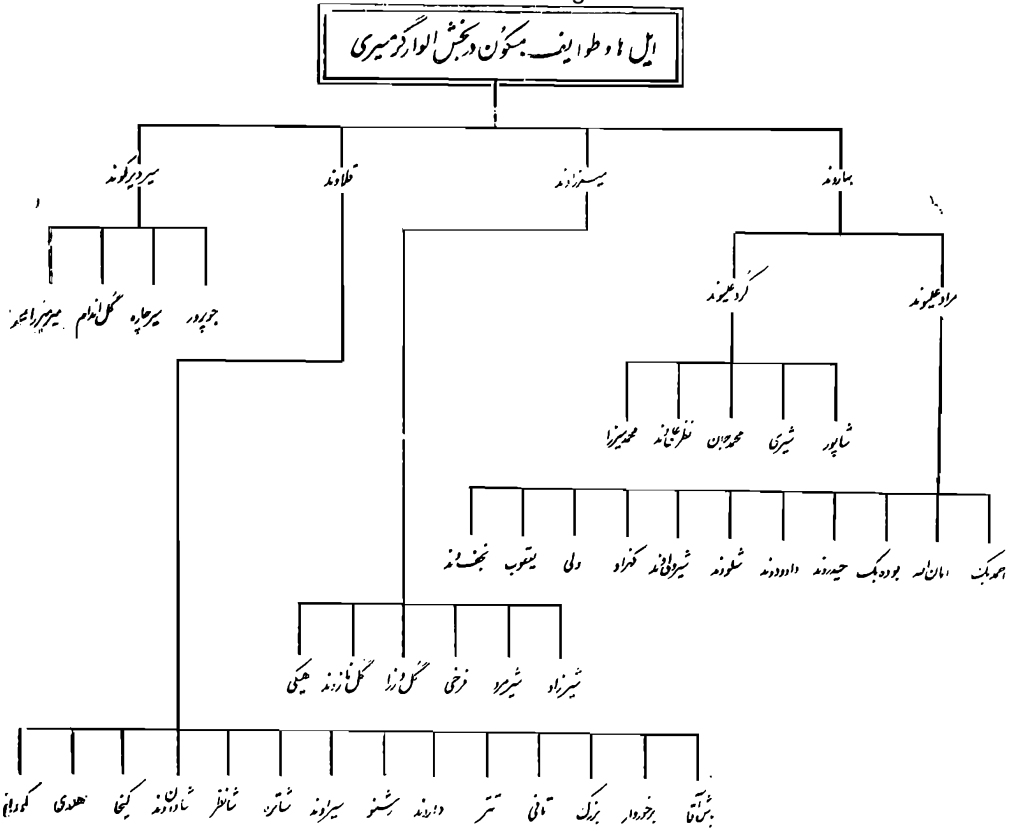
قلعهٔ منگره طوری ساخته شده که دیوار شرقی آن مشرف به پرتگاه قلهٔ دز است . سطح کلی آن نزدیك به ۲۰۰۰ متر مربع و دارای ۱۲ اطاق‌است که‌طول و عرض هریك ۵/۵۰×٤/۵۰ متراست. در ضلع شرقی ، چهار مخزن برای ذخیرهٔ آب کنده شده و دیوار آنها با ملاط و سنگ و روی آن با نوعی ساروج ساختمان گردیده است .

۱- تاریخ گزیده ، چاپ امیرکبیر ص ۵۲۲

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org



مقابل صفحهٔ ۲

PDF.tarikhema.org
PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دیدگاه قلعه طوری است که دشت شرقی که اینك با ایجاد سد محمدرضا شاه آنرا آب فرا گرفته بخوبی نمایان است .

این قلعه تا سال۷۹۵ هجری قمری ، یعنی تاهنگام‌حملهٔامیرتیمور به لرستان ، اهمیت نظامی خود را داشت .(در این سال امیر زاده عمر شیخ ، بار دیگر از خرم‌آبـاد جدا گـردید ، به قلعه مانکره و احشام اکثرلرستان تاخت‌نمودو بحضرت پیوست .)[۱] اکنون از قلعهٔ منگره فقط دیوار و طاقهای فرو ریخته آن بجای مانده است .

۲ـ گرداب

گرداب نام دهکده‌ای است ازمنگره که‌در دره‌ای بین کوههای «حاجی باریك آب»و «دز» واقع شده است .

سراسر دره ، پوشیده از باغهای انار است . بیشتر ساکنان و باغداران این‌دره ، در غارهای دو طرف‌شرقی‌و غربی آن‌زندگی می‌کنند .علت این غارنشینی، کمی زمینهای هموار است که‌هرکس چند صد متر مربع زمین دارد ترجیح داده است که در آن درخت انار غرس کند . تنها چند خانه گلی بالاتر از سطح دره و نزدیك به دیوارهٔ کوه ،مشاهده شد .

باغهای انار، بسیار خوب‌پرورش یافته‌اند . بطوریکه اهـالی میگفتند ، از هر درخت پنج تا شش خروار انار بدست میآورند.؟ هر درخت اناربین۳۰۰۰تا۲۵۰۰ ریال معامله‌میشود.همانطوریکه

۱ـ منتخب‌التواریخ معینی ، ص۳۵۳

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

قبلا اشـاره شد ،که محصول انـار را بعلت دشواری راه، بصورت دانه‌های خشك شده به‌بازار میبرند .

وجه تسمیهٔ این دهکده به گرداب ، آنستکه در منتهی‌الیه شمال شرقی دره ،چشمه‌های متعددو نزدیك بهم‌هست که قرنها پیش ازاین ، اطراف آنهارا باحصاری ازسنگ‌و ملاط بشکل هشت ضلعی‌محصور کرده‌اند و در محل، به‌آن گرداب میگویند . اندازهٔ هـر ضلع آن شش متر و عمق کنونی آن ۸/۵ متر است . آب چشمه‌هـا ، درآن جمع شده و پس‌از بالا آمدن، از مجراهایی که درچهار ضلع‌دیوار حصار ایجاد شده ، آب به نسبت مساوی از آن بیرون میآمده وبه اطراف میرفته است . (تصویرشمارهٔ۳)

در سمت جنوب این گرداب ، مخزن دیگری شبیه به اولی ولی کوچکتر ،ساخته شده که آب چشمه‌های دیگر را نیز بهمان‌صورت تقسیم میکرده است . این مخزن شش ضلعی است و هـر ضلع آن چهار متر و عمق آن شش متر است .

استفادهٔ دیگری که از این مخازن و یا بقول اهالی «گردابها» میشده است ، این بوده که سوراخها و مجاری آنها را می‌بستند ، آب پس از بالاآمدن به نهری که درشرق آنهاساخته شده بودجاری می‌شده و بدین وسیله آسیابهای دهکده که از سطح دره بالاتربودند به گردش درمی‌آمده‌اند .

اکنون دیوارهای این مخازن شکسته شده و از همهٔ آبی که‌از

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

چشمه‌ها جاری میشود غیر از مقدار کمی از آن که برای باغهای انار مصرف میشود ، بقیهٔ آن پس از پیمودن دره‌های عمیق ودشت جنوبی منگره به رود سیمره میریزد .

۳ـ تاج‌الدین

در جنوب دهکدهٔ گرداب ، بردامنهٔ کوه «دز» مقبره‌ای است که گنبد آن فرو ریخته و معروف به سید تاج‌الدین می‌باشد . باعتقاد اهالی ، صاحب قبریکی از اعقاب امام موسی کاظم(ع) میباشداما هیچ سنگ نوشته‌ای روی قبر دیده‌نشد ولی در اطراف آن چندگور قدیمی با سنگ قبرهایی به خط کوفی مشاهده شد که تاریخ آنها نیز محو شده و خواندنشان مشکل بود .

۴ـ داوودخادم*

در شمال باختری دهکدهٔ گرداب بفاصله تقریبی شش کیلومتر ، دهکده‌ای است موسوم به «شیخ». درگورستان دهکده ، مقبره‌ای است که باسنگ وملاط ساخته شده است . گنبد آن مخروطی شکل واندازهٔ داخل مقبره ۳/۴۰×۳/۳۰ متر بوده وشباهت زیادی به گنبدامیرسیف دارد . تنها تفاوتی که این دو مقبره باهم دارند ، دو گلدسته میباشد که بی شك سالهای بعد ساخته شده‌اند . در ورودی مقبره شرقی است . سنگ قبری در این مقبره مشاهده‌نشد . سنگ قبرهای بزرگی

* ـ پس از عکس برداری از این مقبره و گنبد حاجی باریك ، متأسفانه حادثه‌ای در بین راه پیش‌آمد و فیلم‌هائی که از مقبرهٔ داوود خادم گرفته‌شده‌بود به رودخانه افتادند و از بین رفتند و عکسبرداری مجدد ممکن نشد .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

با خط کوفی در گورستان اطراف مقبره دیده شد که تاریخ بعضی از آنها بدشواری خوانده میشود و مربوط به قرن هفتم هجری میباشند. بربالای سر قبرها نیز سنگهایی بطول ۸۰ تا ۹۰ سانتیمتر بطور عمودی کار گذاشته شده و روی بعضی از آنها بـه خط کوفی آیـاتی بطور برجسته حجاری شده است .

صاحب مقبره شاید داوودبن محمد، معروف به خادم الفقرا باشد که مستوفی درتاریخ گزیده ضمن ذکر نام مشایخ زمان خـود از او چنین نام برده است (...مشایخ عالی درجه دراطراف عالم بی شمارند که اگر اسامی هریك یاد کنیم این مختصر ، مطول گردد وبعدازاین جماعتی که مجردنام معلوم شد وزمان وفات ولطایف سخنان بدست نیامد یاد کنیم ،از آن جمله داوودبن محمد معروف به خادم الفقرا....) [۱]

۵ ـ حاجی باریک آب

بربالای کوه حاجی بـاریك و دهکده‌ای بهمین نام ، به فاصلهٔ ۱۰ کیلو متری شرق دره گرداب ،مقبره‌ای است که با سنك وملاط ساخته شده و مشابه گنبد شیخ است .ارتفاع گنبدنزدیك به ۸ متر و اندازهٔ داخل مقبره ۱۰/٤×۲۰/۳ متراست و سنگ‌قبری نیز نداردولی بنام حاجی باریك آب مشهوراست .

غیراز این مقبره، آثار دژی نیز در دهکده وجود دارد .اکنون روستائیان درمحل آن خانه ساخته‌اند .

۱ـ تاریخ گزیده ، ص ٦٧٦ و ٦٧٧

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

٦ـ سیدی محمد و سیدی احمد

در دهکدهٔ «گرداب»، نزدیك‌دومنبع‌آب ، دوقبرهست‌که‌اطراف آنهارا سنگ‌چین نموده‌اند و به‌سیدی محمدوسیدی احمد مشهورند ولی سنگ قبر ندارند.

* * *

بخش دوم

آثار دهستانهای قیلاب و حسینیه

دهستان‌قیلاب، در جنوب‌خاوری‌منگره واقع شده‌است.مساحت تقریبی آن ۱۸۰ کیلومتر مربع می‌باشد. وجه تسمیهٔ آن به«قیلاب» از این‌جهت‌است که‌از چشمه‌ای واقع در محدودهٔ آن «قیر» بیرون می‌آید. آب وهوای‌آن گرم است‌و دارای‌زمینهای زراعتی است‌و محل سکونت طوایف «قلاوند»می‌باشد .

آثاری‌از پیش از اسلام‌دراین‌دهستان هست ولی‌چنان‌ازبین رفته‌اند که قابل بررسی نیستند . از این آثار سکه‌های ساسانی و دوره‌های اسلام و اخیراً سکه‌های زمان امیر تیمور یافت شد. آثار دیگر قیلاب عبارتند از :

شهر چین زال

زال نام دهکده‌ای است از بخش حسینیه . رودخانه‌ای که

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

از این‌دهکده میگذرد نیز بهمین نام مشهوراست. دردامنهٔ کوه گچی آن، آثاری ازیك شهربجای‌مانده‌است که‌این آثاریك‌تپه وقسمتی از حریم اطراف آنرا شامل میشود.

بناهای آن‌بکلی ریخته‌است و مشکل‌است ادعاکرد مربوط‌به‌چه دوره‌ای‌بوده‌است. هیأت‌اورل استین ازآن‌دیدن کرده‌اند. این‌آثار ممکن است‌مربوط بزمان ساسانیان یااوایل‌اسلام باشد. فاصلهٔ این خرابه‌ها تاپل‌زال ۷ کیلومتر است. [۱]

۲- قلعه (سرقلا)

برروی تپه‌ای‌واقع در دهکده‌ای موسوم بـه «امیرسیف»، آثار قلعه‌ای قدیمی‌باقی است که طول وعرض باروی آن ۶۰×۲۰۰متروپهنای دیوارآن سه‌متر است. دیوار غربی، مشرف به‌دره‌ای است به ارتفاع بیش‌از۲۰ متر که‌رودخانه «گرداب» از میان‌این‌درّه‌میگذرد. دیوارشمالی‌وشرقی نیزبیش‌از ۱۰متر ازسطح زمین‌بلندتراست. دیوار شرقی در بزرگی داشته است‌که‌راه‌آن بایك شیب تند، به‌سطح دره مجاور منتهی‌میشده است.

اندازهٔ این در ۲/۴۰×۳/۱۰ متراست. قلعه‌چهار برج داشته‌است کـه اکنون قسمتی از بـرج جنوب غربی آن بجای مانده است. (تصویر شمارهٔ ٤٤).

۱- راههای بـاستانی و پایتخت هـای قدیمی غرب ایران، تـالیف دکتر کریمی، ص ۱۱۵.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

درداخل قلعه چاهی هست به‌عمق تقریبی ۳۰متر که آب مورد نیاز قلعه را تأمین میکرده است .دیوارجنوبی‌نیز دری‌بزرگ داشته‌است به‌بلندی ۲/۸۰وپهنای ۲متر که‌اکنون نیز باقی‌است. (تصویرشمارهٔ۵)

جلواین درو بیرون ازقلعه ، خندقی به‌پهنای چهار متر و به‌طول سراسر دیوار جنوبی، حفرگردیده‌که اکنون اهالی‌آنرا پر نموده‌اند. اطاقهای داخل‌آن‌بوسیله اهالی ترمیم‌شده و در آنهاسکنی‌گزیده‌اند. تمام قلعه باسنگ قلوه‌وملاط ساخته شده فقط درکنار دیوارجنوبی تخته سنگهای بزرگی‌دیده شدکه بناباظهار یکی‌از ساکنین دهکده، از دیوار یکی از اطاقها بدست آمده است . شاید این قلعه ازآثار پیش از اسلام باشد. ولی بطور کلی بنای بسیار جالبی‌است .

۳- بقعهٔ امیر سیف

در شمال غربی قلعهٔ «سرقلا» و دردامنهٔ کوه «سیه» در میان گورستان قدیمی ، بقعه‌ای است که بنام امیر سیف مشهور است . (تصویر شمارهٔ٦) .

اندازهٔ داخل‌آن۳/۳۰×٤/۳۰ متر وهردیوارآن محراب‌کوچکی دارد . دروسط‌قبری‌است‌بطول وعرض۹۵×۱۷۹وارتفاع ۷۰سانتیمتر که تماماً با کاشی سبز تزئین گردیده . بلندی گنبد نزدیك به ۱۲متر است اندازهٔ در ورودی آن۷۵×۱۲۵ سانتیمتراست‌که‌بسمت جنوب باز میشود . تمامی بقعه‌باسنگ قلوه‌وملاط ساخته‌شده‌است .تصویر شمارهٔ ۷ از نمای‌دیگری از بقعه است .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اهالی معتقدندکه امیر سیف یکی‌از امرای لرستان بوده است . سنگ قبر و یا سنگ نوشته‌ای برای شناسائی بیشتر صاحب قبر وجود نداشت . ممکن است امیر سیف یکی از اتابکان لر کوچك باشد .

۴ـ میله‌های پل زال

رودخانهٔ «زال» از دهستان «کـرکی» سرچشمه گـرفته پس از گذشتن از پیچ و خم ها و دره‌های عمیق ، در بستـری ژرف راه قدیمی خرم‌آباد ـ دزفول را قطع مینموده است که اکنون نیز در درهمان‌مکان پل‌متحرکی برروی این‌رودخانه زده‌اندو راه سراسری از روی آن می‌گذرد . از قدیم در دوطـرف پل ، بـرای مشخص بودن مسیر کاروانیان‌در دشت و ماهور زال ، دومیله در دو طرف تنگه رودخانهٔ زال با سنگ قلوه و گچ ساخته‌اند . بلندی هریك از این میله ها ٤/٢٠ متر و فاصله دو میله نزدیك به یك کیلو متر است. (تصویر شمارهٔ ۸).

۵ـ قلعهٔرزه

قلعهٔ رزه از جمله قلعه‌های تاریخی است که منزلگاه کاروانیان راه خرم‌آباد به دزفول بوده است و اکنون نیز جـاده سراسری از کنار آن میگذرد و فاصلهٔ خرم‌آبادتا این قلعه ، ۱۸۰ کیلومتراست.

بنای آن برروی تپه‌ای‌سنگی‌نهاده شده‌است سراسر دیوارجنوبی آن مشرف بردره‌ای است به عمق تقریبی ۱۵ متر. (تصویر شمارهٔ۹)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بلندی دیوار قلعه در بعضی جا تا ۸ مترمیرسد . بـرای ورودو خروج فقط یك در غربی داشته است . (تصویرشمارهٔ۱۰)

صحن آن ۱٤×۲٤ متر است . سیزده اطاق بزرگ و چند اطاق کوچك داشته است که سه اطاق آن شرقی ، دواطاق غربی وچهار اطاق در قسمت شمالی آن ساخته شده‌است . اطاقهای جنوبی آن بهم مربوط بـوده‌اند که شاید بـرای اصطبل از آن استفاده میشده است . (تصویر شمارهٔ۱۱) .

سر در ورودی نیزاطـاقی برای دیده‌بانی و دربانی قلعه داشته که دارای تیرکش های متعددی است . (تصویرشمارهٔ۱۲)

آبریزگاه در جنوب غربی واقع‌شده‌است .پلّه‌هایی‌که به‌پشت‌بام منتهی میگردند، مرکّب ازده‌پلّه‌است . نمای‌کلی‌دیوارها واطاقهای قلعه نشان میدهد کـه سالهای بعد در ترکیب معماری آن تغییراتی داده‌شده‌است . (تصویر شمارهٔ ۱۳)

دومورگان ازآن بنام «قلعه‌رضا»نام برده وآخرین منزلگاه‌او در سفر لرستان بوده که از آن‌جا به‌خوزستان رفته است . ۱

در زمان سلطنت رضاشاه‌کبیر ، این قلعه هنگام تصرف لرستان بوسیلهٔقوای‌دولتی اهمیّت نظامی‌فراوانی داشته‌ویکی ازقرارگاههای

۱- دومورگان نوشته است، درقلعه رضا ما برای راندن گرازها ، گاهی آتش می‌زنیم . اما آتش به علفها درمی‌گیرد و تا دوردست در کوه میکشد . نه روز بعد ما در دزفول هنوز شعله حریق را در معبر خود می‌بینیم . (جغرافیای‌غرب ایران ، تألیف دومورگان ، ترجمهٔ دکتر ودیعی ، حاشیه صفحه ۲۸٦) .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

مهم برای جلوگیری از یاغیگری و غارت بشمار میرفته‌است .تمامی قلعه با گچ و سنگ قلوه ساخته شده است .

درشمال‌این‌قلعه ، قلعهٔ‌دوطبقه‌کوچکتری‌هست‌که‌به حسینیه یا قلعه حسینی مشهور است . این‌قلعه اکنون ویران‌است (تصویرشمارهٔ۱٤)

* * *

بخش سوم

دهستان ه‌ـازو

دهستان مازو درشمال بخش حسینیه واقع شده است . مساحت تقریبی آن ۳٤۰ کیلومترمربع واکنون شامل ۳۲ دهکده است .مرکز آن ، مازواست که یکی از ایستگاههای راه آهن سراسری استو نزدیك به ۵۰۰نفر جمعیّت دارد .

این‌دهستان محل قشلاق طوایف بخش پاپی است . کلمهٔ مازو درگذشته «مازر» بوده‌است و در باره‌آن آمده‌است که :

«مازر ، سلفی‌گویددهکده‌ای درلرستان میان اصفهان‌وخوزستان بود . » [۱] در این دهستان چند بنای تاریخی و قدیمی هست که عبارتند از :

۱ـ سلطان محمود بن علی

این بقعه در دهکده‌ای بهمین نام در جنوب غربی مازو ، واقع

۱ـ برگزیدهٔ مشترك یاقوت حموی ، ترجمهٔ محمد پروین‌گنابادی ، ص۱٦۷

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شده‌است . گنبد آن‌مخروطی‌شکل است . (تصویرشمارهٔ۱۵)

اندازهٔ داخل مقبره ۴/۴۰×۴/۴۰ متر است . قبر در وسط قرار دارد و ابعاد آن ۱/۷۰×۱/۶۰×۱/۵۰ متر میباشد . بلنـدی گنبد از سطح بام مقبره نزدیك به ۸ متراست که از دو طبقه درست شده و دو جداره‌است . یعنی‌بین طاق‌مقبره‌و گنبد، فضااست وبوسیلهٔدریچه‌ای میتوان به آن داخل شد . در جنوب آن اطاقی برای زائران ساخته شده است . ایـن مقبره سنگ قبر نـداشت و مشخصات بیشتری از صاحب او بدست نیامد. اهالی معتقدند که، نام او سلطان محمودبن علی است . بهر جهت بنائی است جالب توجه‌که تمامی آن باسنگ و گچ ساخته شده است .

حریم گنبد با دیواری سنگ چین شده بطول ۲۰ و عرض ۱۶متر محصور گردیده است و اطراف حصار ، قبرستانی کهنه و قـدیمی هست که بعضی سنگ قبرهای‌آن باخط کوفی نوشته‌شده ولی‌بمرور زمان خطوط آنهاازبین رفته‌است .

۲- بابای لنگ [۱]

در شرق دهکـدهٔ «مازو» به فاصلهٔ ۲۰ کیلومتر ، گنبـدی است مخروطی شکل‌که به «بابای‌لنگ» ، مشهور است. (تصویرشمارهٔ۱۶) این گنبد در نوع خود درلرستان بی‌نظیر است و گنبد مخروطی

۱-کلمه بابا در لرستان به‌پیشوایان مذهبی اهل حق اطلاق میشده ، بقعه‌های زیادی هست که بنام بابا .... مشهورند ، مانند : باباعباس- بابا خلیل بابای بزرگ و ازجمله بابای‌لنگ .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بلندی آن نزدیك به ۱۲ متر است . اندازهٔ داخل مقبره ۳×۳متر بوده و در وسط قبری است که بوسیلهٔ کاشیهای سبز تزیین‌شده است که‌اکنون‌قسمتی ازکاشیها رابرداشته و بجای آن‌گچ اندودکرده‌اند. بدون چهار دیواری برزمین‌ساخته و بنانهاده شده است .

در ورودی آن طاقی کوتا دارد واندازهٔ آن ۱×۱/۳۰متر است و محلّ قبر ، دوپلّه پائین‌تر ازسطح‌زمین است و تمامی‌آن باسنگ و گچ ساخته شده ولی سنگ قبر یا کتیبه‌ای مشاهده نشد .

حریم گنبد بادیواری بطول و عرض ۱۶×۲۲و پهنای ۱/۵ متر، محصور گردیده و اطراف‌آن گورستانی است کهنه .

اهالی در بارهٔ صاحب قبر غیر از نام او اطلاعی نـدارند ولی مورد احترام است و درجه اعتقاد مردم‌نسبت به «بابای‌لنگ»بحدّی است که هنگام حرکت بطرف ییلاق ، مازاد لوازم زندگی خود را در حریم مقبره او میگذارند و میروند تا باز باین محلّ برگردند . عجیب است که هیچکس‌جرأت تخلّف و دست درازی‌به‌این اموال را ندارد . این موضوع در بیشتر نقاط لرستان رواج دارد .

بعلّت وفور پیاز نرگس روی تمام قبرها با یك سنت قدیمی ، نرگس‌کشت میکنند. که‌درفصل‌بهار ، فضای‌گورستان‌عطرآگین‌است.

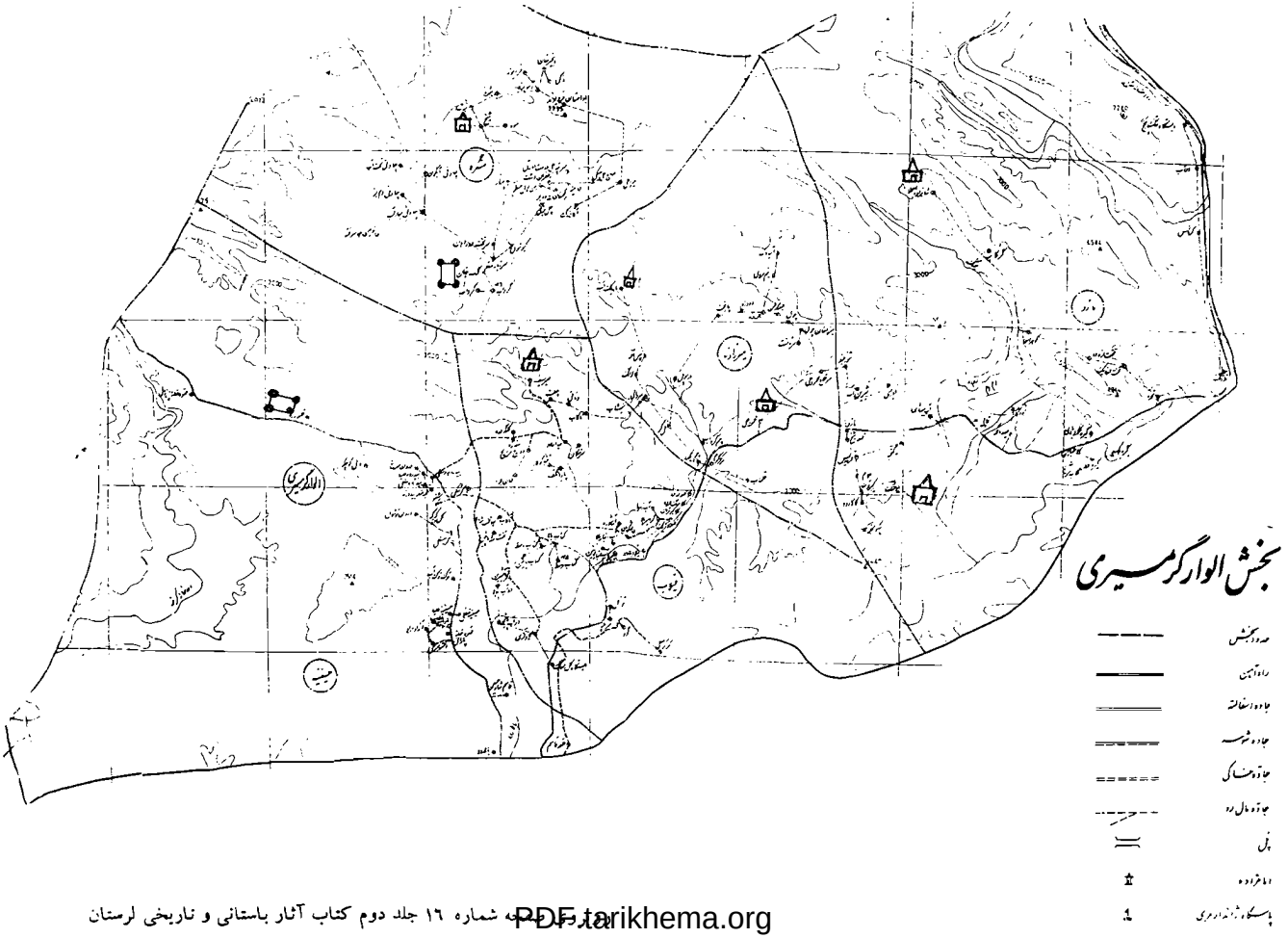
۳ - بقعهٔشاهزاده احمد مشهور به شاه چراغ

در شمال غربی مازو در محلّی موسوم به دشت لاله، بقعه‌ای است معروف به‌شاهزاده‌احمد که به اعتقاد مـردم از اعقاب امـام

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



نقشه شماره ۱۶ جلد دوم کتاب آثار باستانی و تاریخی لرستان

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

موسی کاظم علیه‌السلام است و به شاه چراغ مشهوراست (تصویر شمارهٔ ۱۷) .

مردم ، این امامزاده را به نامهای «گگ احمد» و سید احمد نیز می‌نامند .

بنای مقبره، چهارگوش است و گنبد آن هرمی ۱۰ ترك است. بلندی آن نزدیك به ۱٤ متر است وقندیلی ازطلابه وزن ۲۰۰ مثقال بربالای آن نصب شده است .درورودی مقبره ، شمالی است و دارای دو گلدسته کوچك آجری است. طول وعرض کفش کن هریك ۵ متراست. بر روی قبر ضریحی چوبی گذاشته شده است. در قسمت شمالی مقبره سالهای پیش تغییراتی داده شده است ولی سمت غربی دست نخورده است . (تصویر شماره ۱۸)

خدام این امامزاده عمّامهٔ قرمز بر سر دارند .علّت انتخاب این رنگ راچنین بیان نمودند که: شاهزاده احمد در زمان حیات خویش هرموقع غضبناك میشده است شال قرمز بکمر می‌بسته است؟! [۱]
اگر بین طوایف و یا دو ایل نزاعی درمیگرفت ،خدام، علم را بمیان آنان می‌بردند و مردم بحرمت این علم و به احترام شاه چراغ ،دست از جنگ و برادرکشی می‌کشیدند.

۱ـ درگذشته، سالی یکبار این خدام، علم فولادی امامزاده را در میان طوایف مختلف لرستان به گردش در می‌آوردند و چند نفر که دارای صوتی خوش بودند آهنگی با اشعاری خاص در مدح امامزاده و معجزات او می‌خواندند و مردم نیازهای خود را بوسیله خدام عمامه قرمز تقدیم حرم شاه چراغ مینمودند. بقیه در صفحهٔ بعد:

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

چوب مخصوصی برنگ قهوهٔ (شایدچوب درخت‌کناراباشد) بشکل ۹ می‌سازند و اغلب روی آنها آیات‌و کلمات مقدّسی کنده‌کاری شده و بنام «آسا» مشهوراست.این چوب رامردم‌روستا می‌خرندو بعنوان تبرّك در خانه خود نگهداری می‌کنند.

دیگر اینکه در دشت لاله که آب نداردگل نرگس‌زیادمی‌رویدو بطوری‌که نقل میکردند ،حتی‌دراین‌دشت‌برنج‌کاری‌هم‌میشده‌است .

راه رسیدن به این مقبره بواسطهٔ کوههای متعدد ،بسیار سخت و دشوار است و نزدیك به ۱۰ ساعت کوه پیمائی باید کرد تا به مقصد رسید .

در دشت لاله ، صخره‌ایست نسبتاً بزرگ که بر روی‌آن چهار سطربیادبودتسخیراین‌منطقه‌بوسیلهٔ قوای دولتی‌بطور برجسته حجاری شده است . و متن آن چنین است (تصویر شماره (۱۹)

س-۱یادگارقوای اعزامی

س۲-لشکرجنوب‌تحت‌ریاست

س۳- سرتیپ محمدحسین

س٤- فیروز ،تاریخ ۱۳۰۵ شمسی

مانده از صفحه قبل

این خدام قطعه شعری در حدود سی بیت‌در شرح‌حال‌شاه چراغ، بانوای مخصوصی میخوانند و معجزات او را ذکر میکنند و از بزی موسوم به (بز گیك) که در حمایت امامزاده برده و مشخصات ویژه‌ای داشته است نام میبرند.؟!

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

فصل دوم

بالاگریوه

بخشهای ملاوی و ویسیان

بخش اول

اوضاع جغرافیائی

بخش ملاوی و قسمت اعظم بخش ویسیان، رویهم بالا گریوه نامیده میشود و محدود است از شمال بدشت جنوبی خرم‌آباد ، از جنوب برودخانه سیمره و کوه «کور» از غرب به رودخانه‌های خرم‌آباد و کشکان و از مشرق به بخش پاپی و الوار گرمسیری .

مساحت تقریبی این دو بخش ، ۴۳۰۰ کیلو متر مربع است .

جمعیت آن برابر سرشماری سال۱۳۴۵ بالغ بر ۴۲۵۰۶ نفربوده که از ۴۴۱۱ خانوار تشکیل میشده است .

وجه تسمیهٔ بالا گریوه ممکن است از آنجهت باشد که گریوه بمعنی دشت است و این منطقه تماماً کوهستانی و دارای ارتفاعات زیادی است و بلندتراز دشت«کتره‌گاه» و خرم‌آباد است . قسمت مرکزی این منطقه را (میان کوه) نیز میگویند .

کوههای مهم بالاگریوه عبارتند از :

۱ـ کوه کیالو ، [۱] بطول ۷۸ کیلومتر وبعرض ۶ کیلومتر. ۲ـ کوه

۱ـ Keyalo

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دهلیج، ۱ بطول تقریبی ۶۰ کیلومتر و موازی با کوه کیالان. ۳ـ کوه غزال که در غرب بالاگریوه کشیده شده. ٤ـ کوه هشتاد پهلو. ۵ـ «کوس کووه» ۲

بالا گریوه پوشیده از جنگلهای انبوه درختان بلوط، بادام، انجیر، گلابی زال‌زالك است. مهمترین روخانه‌هایی که از منطقه بالاگریوه سرچشمه میگیرد، یکی روخانه «زال» است که از کوههای «کرکی» ۳ سرچشمه گرفته و به‌رودخانه‌سیمره‌میریزد و نیز آب چشمه‌های چمشك و «کوگان» و «قلعه نصیر» که بنام‌رودخانه غزال نامیده میشود در «افرینه» برود کشکان میریزد.

محصولات عمدهٔ آن گندم و جو است که آنهم بعلت نداشتن راه اتومبیل رو و دوربودن‌از بازار، به‌اندازه‌مصرف کشت میشود، ساکنین اصلی بالا گریوه ایلهای (میردریکوند) و (جودکی) میباشند که طایفهٔ جودکی یکی ازقدیمیترین طوایف مسکون‌دراین منطقه است.

ظاهراً میرها ازاعقاب شاهویردی خان، آخرین اتابك لرکوچك میباشند، که بعلت عصیان و سرکشی شاهویردی، شاه‌عباس کبیر شخصاً باسپاهی به لرستان آمده او را گرفت و کشت.

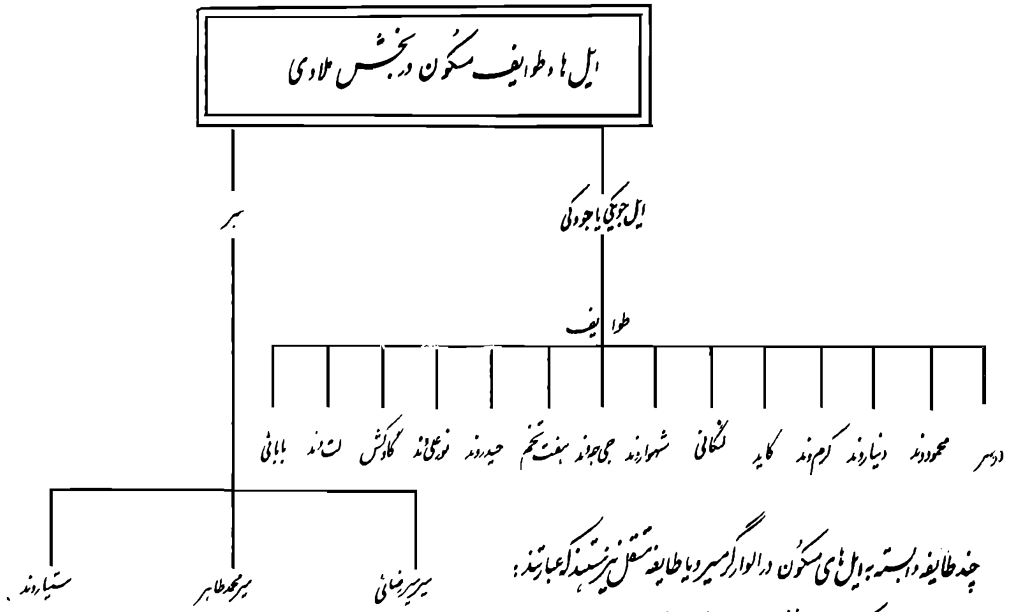
اهمیت بالاگریوه بیشتر بواسطهٔ عبور راه قدیمی از «شاپورخواست» و خرم‌آباد بسوی خوزستان و شوش بوده است. بویژه در زمان شاه عباس بزرگ کاروانسراهایی در مسیر این راه ساخته شده که هنوز هم باقی و برجایند و اغلب آنها امروز نیز محل سکونت

۱- Dalig ۲- Kusekovva ۳- Korki

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

tarikhema.org



چند طایفه وابسته به ایل‌های سکون در الوار گرمسیر و یا طایفه مستقل نیز شنیده گردیده‌اند:
« کردعیوند ـ نظرعلی‌وند ـ پرشنو ـ پنج‌وند »

مقابل صفحهٔ ۲۰

PDF.tarikhema.org
PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اهالی است. [۱]

در بالا گریوه گورستان‌هاو تپه‌های باستانی و غارهای جالب طبیعی و مصنوعی وهمچنین آثار پلهای عظیمی برجاست که‌اهمیت منطقه رااز‌نظرشناخت‌تمدن‌های‌مختلف کاملا روشن میسازد .

tarikhema.org

۱- این قلعه‌ها با فاصله معین از هم یعنی مسافت یك‌منزل‌راه، ساخته‌شده‌است. در اصطلاح قدیم یك‌منزل‌راه عبارت از پنج فرسنگ بود که کاروانیان طی میکردند و اکنون هم فاصله بین هر یك ازاین قلعه‌ها نیز پنج فرسنگ است. بین خرم‌آباد ، دزفول ۷قلعه ساخته شده که اسامی آنها در صفحه ۵۵ جلد اول این کتاب‌آمده‌است.

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بخش دوم

آثارباستانی پیش ازاسلام

۱ - تپه واشیان

واشیان[۱] نام دهکده‌ای است که در شرق پل‌دختر واقع شده است . این تپه در میان دشت واقع شده است و ارتفاع آن نزدیك به ۱۰ متراست.تپه‌ای‌بسیاربزرگ‌است.روی آن سفالهای‌مختلف‌که شاخص چند نوع تمدن است مشاهده شده (تصویرشمارهٔ۲/۱۹)

۲- غار کوگان

کوگان نام‌دهکده‌ای است در جنوب خرم‌آباد بفاصلهٔ ۵۰کیلو متر . راه‌آن قبلامالرو بود ولی اخیراً در مسیر خط لوله‌نفت ،جاده شوسه‌ای کشیده شده است . برای رسیدن به‌دهکدهٔ کوگان ، همین جاده را تا مسافت ٤٤کیلومتر تا پشت تنگهٔ چمشك[۲] بایدطی کردو از آنجا از راه فرعی‌در قسمت تنگه بسوی‌درّه کوگان پیش رفت. از چمشك تادرّه کوگان، ٦ کیلومتر است.

درّه کوگان در شمال دهکده‌ای بهمین نام واقع شده است . نهر آبی از شرق درّه سرچشمه میگیرد وآب چشمه‌های متعدد درّه را در بر گرفته پس ازاستفاده‌اهالی ، مازاد آن به رودخانه‌چمشك میریزد.درّه‌ای است خرم که اطراف آن پوشیده از جنگل است . (تصویر شماره ۲۰)

۱- Vashiyan ۲- Chameshk

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

در شمال دّره کوهی است بنام «اوچنار»[۱] و در جنوب آن کوه دیگری موسوم به «کوگان» ، که غار در آن واقع شده‌است .

برای رسیدن به در غار ، باید از راهی باریك و سخت که از روی تخته سنگهای لغزنده و پرتگاهها ،عبورمیکند و سپس از تنگه‌ای به پهنای سه متر که قبلا پله داشته و اینك سنگ وگچ آن باقیمانده و تبدیل به شیبی تند گردیده ، گذشت، تا بدامنهٔ دیوارهٔ کوه و در غار رسید .

بلندی این قسمت تادر غارنزدیك به۸ متراست که بدون نردبان، بالا رفتن از آن کاری دشوار است. (تصویرشمارهٔ۲۱).

اندازهٔ در ۱/۵۰×۲/۲۰ متر و چهار گوش‌است . مشخصات طبقات غار به شرح زیر است [۲] :

طبقه اول

همانطوریکه ذکر شد، در ورودی‌غار به اولین اطاق غربی باز میشود. طبقه‌اول‌دارای‌چهاراطاق‌ویك آبریزگاه است که دواطاق آن درسمت‌شرق ویك‌اطاق‌درطرف‌غرب‌قراردارد. این دو قسمت‌بوسیلهٔ محوطه‌ای بطول و عرض۴×۳ مترازهم‌جدامی‌شوند و این محل‌برای رفتن به طبقه دوم است .

دهلیزی قسمت غربی را با این محوطه مربوط میسازد به پهنای

۱ - Owchenar ۲ -به‌نقشه‌غار مراجعه شود .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

متوسط ۱ متر (تصویر شمارهٔ ۲۲) قسمتی از دیوار شمالی این‌راه باسنگ‌وملاط ساخته شده‌است.

اندازهٔ اولین اطاق ۵/۵۵×۵/۸۰ متر و بلندی سقف آن ۲/۶۰متر است . در جنوب این اطاق ، مخزن آبی در کف اطاق بطول و عرض ۵۵×۵متر و عمق ۲/۵ متر کنده شده و پوششی نیز داشته که محل پلهای پوشش آن هنوز باقی است .

دومین‌اطاق‌بوسیله راهروای به پهنای یك متر و نیم به‌اطاق‌اولی مربوط‌میشود . دیواروسط این دو اطاق۶۵سانتیمتر است . (تصویر شمارهٔ۲۳) .

اندازهٔ اطاق ،۴/۱۰×۴ متر است.پس از آن‌بایداز تعدادی‌پلّه بالا رفت که به محوطه‌ای‌که‌قبلا ذکر شده رسیدکه‌محل‌رفتن به‌طبقه دوم است. اندازهٔ این محوطه ۳×۲/۵ متر و بلندی آن ۳متراست .

پنج پله پایین‌تر از این اطاق،راهروی است که به آخرین اطاق این طبقه منتهی‌میشود . (تصویرشمارهٔ ۲۴)

اندازهٔ این‌اطاق ۲/۶۷×۶/۸۰متراست. درغرب‌آن آبریزگاهی باندازهٔ ۱/۵×۱/۵ وجود دارد . پهنای دیوار شمالی این طبقه‌یك‌متر است .

طبقهٔ دوم

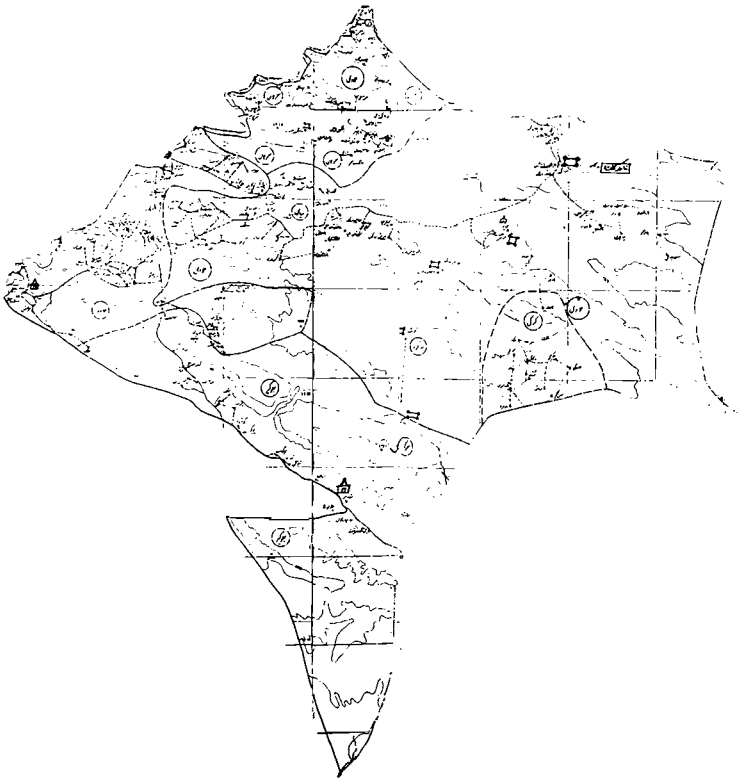
بطور کلی طبقه دوم خیلی‌جالبتراز طبقه اول است،پاگردی که

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org



بخش ملاوی

- سرحد بخش
- راه آهن
- جاده اسفالته
- جاده شوسه
- جاده خاکی
- جاده مال رو
- پل
- امامزاده
- پاسگاه ژاندارمری

نقشه شماره ۲۲ جلد دوم کتاب آثار باستانی و تاریخی لرستان

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

از آن بایدبانردبان به طبقهٔ دوم رفت ، تقریباً طوری است که طبقه بالا را بدو قسمت شرقی و غربی تقسیم میکند ، برای ارتباط بین دو قسمت شرقی‌وغربی این طبقه ،باید حتماً روی این پا گرد که زابط بین طبقات است با روپوش و یا پلی ارتباط بر قرار کرد (تصویر شمارهٔ ۲۵) .

ازاین جهت طبقه فوقانی‌شامل دوقسمت‌شرقی و غربی است . اولین‌محل‌ازسمت‌خاوری، دیدگاهی‌است‌بطول‌وعرض ۱/۱۰×٤/٤۰ متر و بلندی ۲ متر . این دیدگاه برای‌دیدبانی درّه و راهی است که از آن عبور میکرده است .

در جلو دیدگاه راهی است بـا ۲۰ پلّه کم ارتفاع که از کوه کنده شده‌که آخرین آن به دومین اطاق غربی‌میرسد.اندازه‌این‌اطاق ٤/۷۲×٤/۷۲ متر است . در سمت جنوبی‌آن نیز محلی برای ذخیره آب کنده شده .

دیوارهٔ جلو این اطاق با سنگ و گچ محصور شده است‌پهنای آن ۸۰ سانتیمتر میباشد که اکنون قسمتهای‌زیادی از آن ویران‌شده است .(تصویرشمارهٔ۲٦) .

پس از آن اطاقی است که قسمتی ازجلو آن بی‌سقف‌است .در انتهای جنوبی این اطاق و کف آن آب انباری به طول و عرض ۱/۸٤×۳/۵۲ متر وعمق ٤۰سانتیمتر ، اکنون درکف‌آب‌انبارمقدار زیادی خاك وجود دارد.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

این آب انبار نیز دارای پوشش بوده که محل پلهای روپوش دو طرف آن هنوز باقی است . سمت باختری طبقه فوقانی نیز پاگردی دارد سپس ۵ پلّه باید پائین رفت تا به اطاقی بطول و عرض ۱/۹۶×۲/۳۶ متر رسید. اطاق دیگر بوسیلهٔ دیواری بدو قسمت تقسیم شده که هر قسمت آن با سنگ و گچ طاق زده شده و بصورت محراب هائی شکل یافته اند.

دیوار محراب غربی بر اثر حرارت آتش سخت شده و اندازهٔ آن ۱/۲۵×۱/۶۰ متر است ولی محراب شرقی شبیه به معبدی است ، و اندازهٔ آن ۱/۶۵×۱/۶۰ متر میباشد .

پشت محراب غربی دریچه‌ای است چهار گوش که فقط یکنفر نشسته و به سختی میتواند وارد آن شود . داخل آن تاریك است و با پلّه‌هایی که از کوه کنده شده میتوان بداخل آن رفت . چند نفر از اهالی که همراه بودند مانع از ورودم بداخل آن شدند . بدانجهت که میگفتند مار و عقرب زیاد دارد .

در سمت شمالی این محل ، آب انباری است به عمق ۲/۶۰ متر و بطول سراسری دو محراب و عرض ۸۴ سانتیمتر . سپس راهرویی به سمت غرب و به درازای آخرین قسمت هست بطول یك متر و نیم و پهنای ۱/۱۰ متر ، آخرین قسمت ایوانی است با سقف ، بطول و عرض ۵/۹۰×۸/۸۰ متر و ارتفاع ۲/۴۶ متر که در قسمت شمال آن آب انباری ساخته شده است (تصویر شمارهٔ ۲۷)

در گوشهٔ جنوب غربی اطاقی است بطول و عرض ۳/۱۰×۵/۳۷

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

متر و بلندی طاق ،۳/۲۰ متر ،که جهت آن شمالی جنوبی است . (تصویرشمارهٔ۲۸).

سرتاسرآن با سنگ و گچ طاق زده شده‌است . در دیوارهای آن چهار طاقچه نیز ساخته‌اند (تصویرشمارهٔ ۲۹).

در ضلع شمال باختری‌ایوان ، آبریزگاهی است بطول وعرض ۱/۵×۱/۵ متر و بلندی دو متر که دارای نشیمنگاه‌نیزهست و فاضل آب آن بدرّه شمالی میریخته است .

دیوار شمالی‌هر دو طبقه ، هر جا که دیوار کوه ریخته ،آنرا بوسیلهٔ سنگ و گچ محصور کرده‌اند و بـرای روشنائی اطاقها ، پنجره‌های متعدّدی تعبیه‌گردیده است (تصویرشمارهٔ۳۰)

دردیوار بعضی از آنها،طاقچه‌هایی نیز کنده‌شده است(تصویر شمارهٔ ۳۱) .

قسمت‌هایی از راهرو و اطاقها نیز با سنگ‌وملاط طاق‌زده‌شده است . سکه‌هایی که از اطراف غار بدست آمده مشخص میسازد که‌این بنا،مربوط‌بدورهٔاشکانی‌است‌و ممکن‌است‌مربوط‌بمهرپرستان باشد . بهرصورت این‌غارکه یادگاری‌از تمدن گذشته ایران است یکی از بهترین‌نمونه‌های ذوق‌وآثار پیشینیان است.

۳ ـ قلعهٔ‌کوگان

بر سراسر قلّه‌ای‌که غار دو طبقهٔ کوگان‌در آن‌کنده‌شده‌است، آثار یك دژ باقی است . طول باروی قلعه نزدیك بهٔ ۲۰۰متراست

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

که دیوار شمالی لبالب تیغهٔ کوه بناگردیده‌است. عرض باروی قلعه نیز متجاوز از ۱۰۰ متر است که در قسمت شمال آن آثار چنداطاق بجای مانده است (تصویر شمارهٔ ۳۲).

اندازهٔ هر اطاق ۳/۳۰×۵/۲۰ متر بوده و پهنای دیوار هریك از آنها یك متر است. سطح کل قلعه نزدیك به ۲۵۰۰ مترمربع است.

در جنوب اطاقها، باقیمانده یك مخزن بزرگ آب دیده میشود که دیوار آن ساروج کشی شده است. راه ورود به قلعه فقط ازاین سمت و از راهی است که از درّه کشیده شده است. اهمیت این قلعه بواسطهٔ تسلّط آن بر درّه‌های اطراف وهمچنین وسعت دید آنست. در داخل قلعه نقبی عجیب وجالب توجه‌هست که موجب حیرت هر بیننده‌ای‌است.

دهانهٔ این نقب، به بلندی انسانی است که اکنون گل ولای آنرا پر کرده و باید در حدود سه متر از آن‌را بحال خزیده پیمودتاوارد آن شد، سپس میتوان ایستاد. حتی در قسمتهای پائین‌تر، دست به سقف آن نمیرسد.

از دهانهٔ آن تا ۱۰ متر بطرف خاور و پس از آن ۱۰ متر با شیبی تند بجانب جنوب می‌پیچد. یعنی تاعمق ۱۵ متر به زیرزمین پیش میرود.

سقف این نقب با نوعی ساروج و بصورت قالب‌بندی طاق زده شده است (تصویر شمارهٔ ۳۳).

در انتهای این راهرو، چاهی است که قطر دهانهٔ آن یك متراست

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اطرافش سنگ چین شده‌و عمق آن ۲۲ متر است‌ولی‌آب نداشت .

نگارنده باتفاق دو نفر از افراد محلی با چراغ‌گاز به‌این‌راهرو وارد شدیم . ابتدا کمی دچار کمبود اکسیژن بودیم ولی جلوتر که رسیدیم نسیم خنکی وزید که بعداً معلوم شد ازدهانهٔ‌چاه‌بیرون‌میآید.

شاید این چاه به غارمربوط میشده‌است‌که‌هم‌مفرّی‌بوده‌است، وهم آب غار بدانوسیله تأمین میگردیده‌است . این ادّعا بدانجهت است که حد اقل ارتفاع دهانه کف درّه ۳۰ متر پرتگاه است که امکان نداشته است آب از درّه‌بالا آورده ومخازن داخل‌غاررا‌پر کرده باشند . سکه‌هائی نیز که ازاین محل بدست آمده‌است‌مربوط به دوره‌اشکانی‌است .

۴ ـ گورستان چمشک[۱]

در پشت تنگهٔ «چمشك» و درمحلی بنام«می‌چاکو» [۲] گورستانی است از عهد اشکانیان . سطح آن نزدیك به سه‌هزارمترمربع‌است. این گورستان نزدیك تپّه‌ای باستانی واقع شده است .

فاصلهٔ‌گورهاازیکدیگرچهار یا پنج‌متراست.گورهادرچندردیف کنده شده و جهت آنها ، شمالی جنوبی است .

هرقبر ۵ تا۴/۵ مترطول ویك‌مترو نیم پهنادارد و بوسیلهٔ‌سنگهائی بطول ۱/۵ متر و عرض ۸۰ سانتیمتر طاق زده شده باینصورت که سر سنگها را بشکل‌عدد(۸) بهم‌تکیه‌داده‌اند.(تصاویرشمارهٔ۳۴و۳۵).

سالها قبل این گورستان بوسیلهٔ اهالی بخاطر پیدا کردن گنج

۱- Chameshk ۲- Michako

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

حفاری و در هم ریخته شده واکنون‌بیش از چند قبر غارت شده از آنها باقی نمانده است .

بر روی تپه ،سفالهای منقوش نیز یافت شد ولی سفالهایی که‌از گورها بیرون آورده شده . همگی مربوط به دورهٔپارتها میباشند .

یکی از اهالی که ناظر حفاریهای غارتگرانهٔ مردم بوده است ، میگفت در هر قبر بین ۵ تـا ۱۰ کـوزه بزرگ‌وکـوچـك در کنار اسکلتهای پوسیده‌قرار داشت . برخی از این کوزه‌هاپرازخـاکستر و بعضی خالی بـودند.

همچنین از آنها گردن‌بندهای عقیق‌وسکه‌نیزبـدست‌آمده‌است‌پس‌از مشاهده یکی از این سکه‌ها معلوم شد اشکـانی است . نزد یکی از اهالی یك خمرهٔ سفالی بود که توسط مأمورین اخذ و به اداره‌کل باستان‌شناسی تحویل‌گردید(تصویر شمارهٔ ۳۶) .

۵-آحررخش

در دهکده‌ای بنام «چم‌گرداب» واقـع در ۱۴۵ کیلو متری راه خرم‌آباد به اندیمشك ، درکنار شرقی‌رود سیمره کوهی‌است‌رسوبی و کم ارتفاع که به«آحررخش» [۱] مشهوراست .وجه‌تسمیهٔاین کوه بعلت ایجاد سه طبقهٔ پلّه مانند است که در آن ایجاد شده و مردم آنرا «آحررخش » مینامند(تصویر شمارهٔ۳۷) .

فاصله آن تا رود سیمره نزدیك۲۵ متراست. هریك‌ازاین‌طبقات

۱-Ahor : درگویش لری بمعنی آخر است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دارای پایه و ستون‌هائی است که از کوه کنده شده و یا باحتمال زیاد این پایه‌ها ، ستون‌هائی برای نگاهداری سقف طبقات ساخته شده‌اند.

طول و پهنای طبقهٔ اول ۵×۲/۴۰ متراست که چهار پایه وستون داشته وبلندی دیوار آن ۲/۷۰ متر است و ارتفاع آن تا کف‌زمین چهار متر میباشد .

درازا و پهنای طبقهٔ دوم ۵×۵ و بلندی آن ۱/۹۰ متر است . فاصلهٔ بین دو پایه و ستون ،۸۵ سانتیمتر است.پهنای‌طبقهٔ سوم بیشتر است (تصویر شمارهٔ ۳۸) .

این بنا شباهت به‌استودان‌ویابه یك معبد مهرپرستی دارد.اکنون مردم در بارهٔ‌آن افسانه‌های جالب توجهی دارند .[۱]

در شمال «آحررخش »بر دو طرف رود سیمره‌که دراین محل‌از تنگنایی‌که از کوهپایه‌های رسوبی‌ایجاد کرده ، آثار پلی باقی‌است که قسمتی از دو پایه شرقی بر روی سطح کوه بنا گردیده است . (تصویرشمارهٔ۳۹).

۱ـاین افسانه چنین‌است:هنگامیکه‌رستم‌میخواست ازشهر چین‌به‌ماچین برود، رخش فرارکرد. رستم‌رخش‌رادراین‌نقطه‌گرفت و چهل‌تازیانه بربدن‌اوزد. بدن رخش براثر ضربات،زخم‌شد . چنانکه‌قدرت‌حرکت‌نداشت. رستم برای‌رخش این‌آخررا‌ساخت و به معالجه‌اش‌پرداخت . چهل رو زطول‌کشید.تا‌رخش‌بهبودی یافت . آنگاه رستم به شهرماچین‌رفت؟! دوشهرچین‌وماچین هم‌دراین‌نقطه بودند(منظورگویندهٔ‌این افسانه ازشهرچین‌همانست که‌درفصل‌دوم‌بنام(چین‌زال) معرفی‌شده است‌و ماچین نیز امروز «ماژین» گفته میشود که درغرب‌این‌محل‌واقع‌شد و پیش ازاین‌درفصل هفتم جلداول ضمن‌معرفی‌آثارسیمره‌ازآن‌یادشده‌است) درماژین‌آثاریك‌دژوچندبنای‌ساسانی و نیز یك‌رشته‌قنات‌وجوددارد. این‌رشته‌قنات‌ازدامنهٔ‌کوه«کور»بسمت‌شمال‌و محل آثاری که‌ذکرشدحفرشده‌اند .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

طول وعرض هر یك از این پایه‌ها ۲/۴۰×۲/۵۰ متر است و با سنگ قلوه و ملاط ساخته شده است .

در زمینهای اطراف این آثار ، ساختمان فراوانی بوده‌است که ممکن است شهری بوده‌باشد . چند سفال منقوش ویك‌سنگ‌ریشه‌دار که‌بشکل ناودان حجاری شده «تصویر شمارهٔ ۴۰» مشاهده شد.

بخش سوم

آثار تاریخی اسلامی

۱- پل کلهر مشهور به‌پل «ممولو» [۱]

در بخش ملاوی ، آثاردو پل تاریخی بجای‌مانده‌است که هردو برروی رود «کشکان»زده‌شده‌اند. از آندویکی‌پل کلهراست‌ودیگری پل «کَرو دختر» بفاصلهٔ ۵۶کیلومتر در جنوب آن.

آثار پل ممولو، یا کلهر ، درتنگه‌ای‌واقع‌درشمال‌دهکدهٔ زیبای ممولو قرار دارد و بر سر راهی قدیمی که‌ازطرهان‌به « میان‌کوه » میرفته‌است ، ساخته شده است .

مشخصات‌پل

این پل‌دودهنه‌طاق‌بزرگ داشته است که اندازهٔ‌هریك۱۴متربوده است.دوطاق‌انحرافی‌درغرب‌و برکنار رودخانه در امتداد سطح پل داشته‌که‌کم‌کم با راه غربی‌هم‌سطح می‌شده‌است.(تصویرشماره۴۱

اندازهٔ هر یك از پایه‌های میانی پل، ۱۰/۵×۱۵/۵ متر است که پنج متر از پایین پایه‌ها با سنگهای بزرگ وحجاری شده بناگردیده است . بلندترین طاق‌آن تاکف رودخانه ۲۳ متر ارتفاع‌داشته‌است.

۱ - Mamulo

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

جالب توجّه است که رود «کشکو» ، راه خود را در مرمره‌های کوه باز کرده و پهنای بستر آن در این نقطه ،۱/۵ متر میشود. وقتی آب از این تنگنای میگذرد ، ۱۰ متر پایین‌تر ، بستری وسیع میسازد به پهنای تقریبی ۶۰ متر.

انتهای غربی پل به دوراه متّصل میگردیده است. یکی راه شمالی که بوسیلهٔ چند طاق با تپهٔ مجاور هم‌سطح میشده ، راه دیگر از یك سطح سنگ‌چین شده میگذشته و بجانب غرب میرفته است. این راه از دره‌ای میگذرد که دو طرف آنرا تیغه‌های کوه محصور نموده‌اند و ممکن است در قدیم راهی را به رو بوده باشد.

بر دوطرف غربی و شرقی پل ، دو کتیبه با خط کوفی و بطور برجسته وجود داشت که تاریخ بنا و سازندهٔ آنرا مشخّص میسازد . کتیبهٔ غربی بر سطح کوه کنده شده که سالها پیش اطراف آن را با دیواری از سنگ و گل محصور نموده بودند و سال قبل ویران شد «در تصویر شمارهٔ ۴۲ با علامت × محل کتیبه مشخّص شده است». این کتیبه اکنون نیز وجود دارد (تصویر شمارهٔ ۴۳) .

کتیبهٔ شرقی ، اخیراً بعلّت ایجاد تونل در مسیر راه سراسری ، از بین رفت ولی نگارنده قبلا از آن عکسی گرفته بودم «تصویر شمارهٔ ۴۴» . این دو کتیبه از هر نظر شبیه بهم بودند. ومتن آنها یکی است. برابر حکایت این کتیبه‌ها ، پل کلهر در سال ۳۷۴ هجری قمری بدستور بدر پسر حسنویه ساخته شده است . متن آنها چنین است : [۱]

۱- این کتیبه در شمارهٔ ۱۲ سال نوزدهم مجلهٔ یغما معرفی شده است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۱ـ بسم الله الرّحمن الرّحیم

۲ـ هذا ما امر ببنائه الامیر الاجل

۳ـ ابوالنجم بدربن حسنویه بن الحسین

٤ـ اطال الله بقائه ابتغاء ثواب الله عزّو جلّ

۵ـ فی سنته اربع وسبعین وثلثمائة انا به الله عنه

«هرتسفلد» درسال ۱۹۲۸ ازاین کتیبه کپیه‌ای تهیّه کرده بود که ضمن یادداشتهای او بچاپ رسیده است (تصویر شمارهٔ ٤۵)[۱]

۲ ـ پل «کرودختر» درجایدر

در لرستان این دو مین پلی است که بنام «کرّ ودختر» مشهور است. اوّلی در غرب طرهان و بر روی رود سیمره زده شده است که در صفحات ۳۲۷ و ۳۲۸ جلد اوّل این کتاب شرح آن آمده است.

پل «کرّ و دختر» جایدر، در بخش ملاوی و بفاصلهٔ ۱۱۰ کیلو متری راه خرم‌آباد ـ اندیمشك، در محلّی که امروز بنام «جایدر» و نیز «پل کرّودختر» مشهور است، بر روی رود «کشکو» زده شده و خرابه‌های آن نشان دهندهٔ عظمت آن در گذشته بوده است.

به‌احتمال زیاد، بنای اصلی پل مربوط به‌دورهٔ ساسانی است [۲] ولی در قرن چهارم هجری ترمیم یا تجدید بنا گردیده است.

۱ـ از جناب آقای دکتر منوچهر ستوده سپاسگزارم که عکسی از کپیهٔ هرتسفلد در اختیار بنده نهادند.

۲ـ راههای باستانی و پایتخت‌های قدیمی ایران تألیف دکتر کریمی، ص ۱۴۴

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

معمّرین دربارهٔ این پل افسانه‌ای نقل کرده‌اندو افسانه‌های مختلفی در اینمورد باقی است.[۱]

مشخصات پل

جهت پل، شرقی غربی است ونزدیك به ۲۰۰ متر طول آنست. طرفین آن بکوه منتهی میگردد. طاقهائی که در مسیر آن بوده‌اند، ویران شده‌اند و بعضی از پایه‌ها هنوز باقی مانده‌اند (تصاویر شمارهٔ ٤٦و٤٧).

طرفین پل با طاقهای کوچکتر ادامه یافته تا با راه دو طرف آن هم سطح میشوند. راه غربی که دو شعبه می‌شده است، یکی بطرف سیمرهٔ و دیگری بجانب طرحان میرفته است (تصویر شمارهٔ ٤٨).

این پل دوازده پایه داشته است که طول و عرض هر یك ۹×۱۳ متر و اندازهٔ هر دهانهٔ طاق ۱۱/۵ متر بوده است.

آخرین طاق غربی هنوز برجاست وراه سراسری از آن میگذرد. بلندی آن ۲۲/۵ متراست. زنجیرهٔ طاق آن، آجری است، و از نوع طاقهای تیزه دار است.

(تصاویر شمارهٔ ٤٩و٥٠).

کتیبهٔ پل سالها قبل از میان رفته است. ولی باحتمال زیاد این

۱- میگویند در دو طرف رود «کشکو» پسرو دختری دلداده هم‌بودندولی عبور از رودخانه برایشان میسر نبود. تصمیم گرفتند پلی برروود کشکان بزنند. پادشاه، وقتی ازموضوع عشق آنها آگاه شد، امر کرد پلی بسازندواین پل ساخته شد. وبنام «کرو دختر» نامیده شد.؟!

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

پل نیز بفرمان بدربن حسنویه ترمیم و یا تجدید ساختمان شده است.

۳ـ قلعه بهرام

درجنوب دهکدهٔ «جلگهٔ خلج»[۱]، ۱۰ کیلومتر مانده به در بندملاوی، تنگه‌ای است که رود «کشکو» وجاده سراسری از آن عبور مینماید.
درشرق درّه، بین دو تیغهٔ کوه، از دامنه تا بالا، آثار دژ حصاری قدیمی دیده میشود. دهانهٔ درّه با دیواری از سنگ وملاط محصور میشده است وفقط یك در داشته است. ساختمان دژ در یك نقطه نبوده، بلکه در قسمتهای یعنی درسطح درّه و یا نزدیك به دیوارهٔ کوه و بالای بعضی از تیغه‌های آن اطاق‌هایی داشته است. در بالای درّه نیز چند دیوار دیده میشود. دیوار حصار، ۲ متر پهنا داشته که با سنگ وگچ ساخته شده است (تصویر شمارهٔ ۵۱).

این قلعه بنام بهرام مشهور است موقعیّت آن طوری بوده است. که تسلّط کامل بر معبر و تنگه داشته است. برای شناسائی بیشتر این آثار و اینکه منظور از بهرام چه کسی است مدرکی بدست نیامد.

۴ـ شاه احمد

بربالای یکی از قلل کوه «کور»[۲] قبری است که هر سال در

۱- Khalag ۲- Kavar

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

فصل بهارعده‌زیادی به زیارت آن‌میروند . تا دهکده «پل‌تنگ»[۱] که بر سر راه‌خرم‌آباد به اندیمشك‌واقع‌شده بااتومبیل وبقیه آنرا بایستی پیاده‌پیمود. راهی‌که ازدره‌ها وتیغه‌های کوه‌مذکورعبورمینمایدبسیار سخت و توانفرسااست ، تقریباً ٦ ساعت کوه‌پیمائی باید کردتابمحل‌قبر رسید .

مقبره با سنگ وگچ ساخته شده و اطراف آنرا جنگلی انبوه از درختان بلوط پوشانیده است. به‌اعتقادمردم‌شاه‌احمدیکی‌از اعقاب امام‌کاظم(ع)میباشدمحمد بن‌علی‌اردبیلی صاحب‌جامع‌الرواة‌بنقل از فهرست رجال شیخ منتخب‌الدین‌دربارهٔ آن‌چنین‌مینویسد :

احمدبن‌الحسن‌بن‌علی‌الحسینی‌المرعشی ، نزیل‌الجبل‌الکبیر ـ السید بهاءالدین ابوالشرف‌صالح. [۲]

به اعتقاد نگارنده‌ممکن است‌منظور جامع الرواة‌شخص دیگری باشداکنون خرابه‌های گنبدومقبره‌اودر «ماژین»برجاست وبنام‌مهدی صالح‌مشهوراست.

۵- شهنشاه (بقعه‌شجاع‌الدین‌خورشید)

در ۲۰ کیلو متری‌جنوب‌خرّم‌آباد ، دهکده‌ای است سبز وخرّم

۲ ـ وجه تسمیهٔ دهکده به«پل‌تنگ» آنستکه‌در این مکان که تنگ‌ترین بستر رودسیمره است پلی‌برآن زده‌اند «پل‌تنگ» یکی از عجیب‌ترین‌نقطه سیمره‌است . زیرااین‌رودپس‌ازجریان یافتن در یك بستر عریض و عمیق ناگهان خود را جمع کرده ودرحوالی‌پل‌تنگ بسترخودرادرمرمره‌هاحفر میکند.عمق‌مغاك هابه ۴۰متررو عرض آنهادربعضی‌نقاط بیشترازسه‌مترنمیباشد. ۲ـجامع‌الرواةمحمدبن‌علی‌اردبیلی ج ۱ ص ۴۵

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

که بر روی کوه«پهنامیل» [۱] و «کوس»[۲] قرار دارد و بنام «گوشه» مشهوراست وگاهی به این کلمه «شهنشاه» را نیز اضافه مینمایندویا شهنشاه میگویند. (تصویر شمارهٔ ۵۲) .

وجه تسمیهٔ دهکده به شهنشاه ، بواسطهٔ گنبدی است، به‌این نام که مورد احترام مردم است و در جنوب دهکده واقع‌شده‌است.

مقبر، کفش‌کنی دارد که طرفین‌آن دارای دوسکواست.اندازهٔ آن ۳×۴/۲۰ متر است (تصویر شمارهٔ ۵۳) .

در ورودی آن شمالی است و دو لنگه است که متأسفانه آنرا خراب کرده‌اند ، روی آن حلبی کوبیده و رنگ زده‌اند. ولی‌دری قدیمی است .

داخل‌مقبره هشت‌ضلعی است که‌اندازهٔ‌هر ضلع ۲/۵متر میبا شد. در وسط ، قبر قرار دارد و برای آن صندوقی چوبی‌گذاشته‌شده که دارای‌کنده‌کاریهای زیادی‌است. خطوط‌آن‌خوانده نشد، اندازهٔ‌آن ۹۰×۱۰۳×۲۰۰ سانیمتراست. نقوش‌صندوق از کثیرالاضلاعهای‌بهم پیوسته ، درست شده است.

برروی‌صندوق، معجری‌چوبی‌بطول‌وعرض۲×۲/۹۴ متروارتفاع ۱۹۵ سانتیمترگذاشته شده است که‌دولنگه‌دردارد.(تصویرشمارهٔ۵۴) بربالای‌آنهانام‌سازنده‌ونیازکننده‌وتاریخ‌ساختن‌آن‌نقرشده‌است.

۱-Panamil ۲-Kus این‌کلمه ممکن‌است همان‌کلمهٔ کوست و به‌معنی‌بخش یااستان باشد. درمیانکوه ،کوه دیگری بنام «کوس‌کووه:Kus-e-Kowa»نیز وجوددارد.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

به این صورت .

سمت راست (حسب‌الفرمان نواب والاشأن شاهویردیخان)[۱].

سمت چپ (محمدمهدی نجار اصفهانی باتمام رسانید فی سنة ۱۱۳۳).(تصویرشمارهٔ۵۵)

ارتفاع گنبد ۱۲متر و دو جداره است.وباآجرساخته‌شده، ولی دیوارهای مقبره با سنگ وگچ‌درست‌شده‌ودرسالهای اخیر به‌علّت خرابی، تعمیراتی در دیوارغربی داده‌اند . (تصویرشمارهٔ۵۶)

یك‌گورستان قدیمی‌با سنگ قبرهای‌متعددو با شکلهای مختلف که برروی آنها آیاتی از قرآن کریم‌وکلماتی مقدّس بطوربرجسته و با خط کوفی بسیار خوبی حجاری‌شده‌است، دیده‌میشود.درداخل مقبره چند جای شمعی چوبی و سنگی وجود دارد که بسیار جالب ساخته شده‌اند . (تصویرشمارهٔ۵۷)

به احتمال زیاد و بنا بر آنچه عنوان‌شده‌ومشهور است این‌گنبد مربوط به اتابك شجاع‌الدّین خورشید سر سلسلهٔ اتابکان لرکوچك میباشد [۲].وی‌درمدت‌حکومت‌خویش‌چنان‌خوش‌رفتاری‌ودادگستری نمود که« بسبب عدالت او گورش از مزار متبّرك لران باشد [۳] .

۱- شاهوردیخان فرزند حسین‌خان متوفی ۱۰۵۱ هجری‌قمری دومین‌والی لرستان بوده‌است .

۲و۳-شجاع‌الدین‌ابوبکرمحمدبن‌خورشیدسر-سلسلهٔاتابکان‌لرکوچك‌درسال ۵۸۰ هجری‌قمری‌ازطرف‌اهالی‌لرکوچك به‌فرمانروائی‌رسید.مردی بغایت عادل و منصف وفاضل‌بود.مدت‌سی‌سال‌حکومت‌کرد وچون پیر شد حکومت را به‌پسرو برادرزادهٔ خویش‌سپرد. وی‌پس‌ازیکصد سال عمر درسال ۶۲۱ هجری قمری درگذشت . تاریخ گزیده، ص۵۵۲و۵۵۳-تاریخ‌جهان‌آراءص ۱۷۲ .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۶- قبر حسین خان اولین والی لرستان

در سمت غربی در ورودی مقبرهٔ شهنشاه ، سنگ قبری بر دیوار نصب شده که اندازهٔ آن ۳۰×۴۸ سانتیمتر است و بر آن هشت سطر نوشته شده که متن آن چنین است :

س۱ـ تاریخ وفات مرحمت ،
س۲ـ وغفران پناه رضوان آرامگاه ،
س۳ـ حسین خان فیلی طاب ثراه ،
س۴ـ وجعل الجنة مثواه فی سنة ،
س۵ـ ثلاث واربعین بعد الالف ،
س۶ـ من الهجرة النبویه صلی الله ،
س۷ـ علیه و آله الطاهرین ،
س۸ـ سنة هزار و چهل وسه ۱۰۴۳ (تصویر شمارهٔ ۵۸).

حسین خان فیلی [۱] ، پسر منصور بیك اولین حکمران و والی لرستان است که شاه عباس کبیر پس از کشتن شاهوردیخان ، آخرین حکمران از اتابکان لر کوچك ، (او را تربیت فرمود و حکومت لرستان سوای «صدمره» [سیمره] و هندمس و محال قریه بغداد که به طهماسب قلی سلطان اینانلو شفقت شد ، به حسین خان مذکور ، تفویض یافت .) [۲]

۱ـ شاید فیلی از کلمهٔ فهله یا پهله یا پهلوی باشد. لرستان را نیز «فیلی» میگفتند بدانجهت که جزء منطقه پهله بوده است.
۲ـ عالم آرای عباسی ، ص ۵۴ .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

قلعه نصیر

قلعه نصیر یکی از دهکده‌های بخش ملاوی است. این دهکده نیز در «میان کوه» واقع شده و فاصلهٔ آن تا خرم آباد نزدیک به ۶۰ کیلومتر است. اخیراً یك جاده خاکی که در مسیر خط لوله نفت کشیده شده است. از غرب این دهکده میگذرد.

۷- مقبره خلیل اکبر

در جنوب دهکده و در دامنهٔ کوه «لّره» [۱] مقبره‌ای است بنام «خلیل اکبر» که اهالی آنرا «خلیل کر» میگویند. (تصویر شمارهٔ ۵۹)

مقبره دارای کفش کنی است بطول و عرض ۳/۴۰×۳/۴۰ متر که در ورودی آن شمالی است. اندازهٔ داخل مقبره ۳/۶۰×۴ متر میباشد. در وسط، قبری است به ابعاد ۷۰×۱۱۵×۱۹۰ سانتیمتر (تصویر شمارهٔ ۶۰)

برروی آن گنبدی ساخته شده است به ارتفاع تقریبی ۱۰ متر. اطراف مقبره چند اطاق و یك دیوار سنگی داشته است که ویران شده‌اند.

نام صاحب مقبره و سازنده و بانی آن بر چهارچوب در قدیمی آن بطور برجسته کنده شده است که قطعات آن از یکدیگر جدا شده‌اند.

۱- Larra

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

متن آن چنین است :

۱ـبسم‌اللهالرّحمن‌الرّحیم .

۲ـبابا خلیل اکبرابن پیر احمد.

۳ـبانی باباقلندر و باباابراهیم .

٤ـعمل بهاءِ الدّین سمنانی . سنه سبع و تسعمأة فی‌شهر محرم .

۵ـدر عهد شاه رستم ابن شاه حسین عباسی .[۱](تصویرشمارهٔ٦١)

در اینصورت میتوان ادّعا کرد که‌خلیل اکبر یکی‌ازپیشوایان مذهبی‌است که‌اورا«بابا» میگفته‌اند.

قبری بنام پیراحمدنیزدردهکده«باده» واقع در شمال خرم‌آباد، هست که امکان دارد پدر خلیل اکبر باشد ولی بیش‌ازاین اطلاعی حاصل نشد .

۸ـطاق‌سید

در شرق دهکدهٔ «تایی»[۲]دهکده‌ای‌است بنام«درّه سیّد » .وجه تسمیهٔ این محل ، بعلت وجود مقبره‌ای بنام «طاق سید» است. این مقبره که‌اکنون تجدید بناگردیده است محل قبر شخصی بنام‌سیدعلی بن‌سیدمحمد بن‌سید عبدالله بن‌امام موسی‌کاظم علیه‌السلام میباشد .

۱ـشاه‌رستم‌پسرشاه‌حسین‌یکی‌ازاتابکان‌لرکوچك‌بوده‌است که‌درسال۸۷۳ پس از قتل‌پدر حکومت‌یافت‌و بحضورشاه‌اسماعیل‌صفوی‌رسیده‌و بنوازش‌خـروانه مفتخرشد.

۲ـ Tayi

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

طایفه سادات آهوقلندری لرستان ، سید علی راجدّ خویش میدانند[۱].

۹ـ قلعه نصیر

این قلعه برروی تپّه‌ای ساخته شده است که محدود است ازغرب به کوه «مین‌او»[۱] واز شرق بکوه «کوچیل» (تصویر شمارهٔ ۶۲).

اندازهٔ حصار قلعه ، ۳۰×۳۰ متراست و دارای چهار برج است که ارتفاع هریك ۱۵ متر وبلندی دیوار قلعه ۱۰ متر و پهنای آن ۱/۵

۱ـ سیدعلی اهل مدینه طیبه بود. وی ضمن مسافرتی به ایران ، در دهکدهٔ «آب سرد قلعه نصیر» با یکی از بزرگان آنجا بنام باباخلیل [خلیل اکبر بن پیر احمد که پیش از این معرفی شد] آشنا میشود . او از سیدعلی درخواست میکند که در آنجا اقامت کند. سیدعلی نیز قبول نموده ودختر شخصی بنام بهاءالدین را بزوجیت قبول میکند [شاید بهاءالدین همان کسی باشد که گنبدی بر قبر خلیل اکبر بنانهاده است .] سال ۹۰۷ هجری قمری نتیجه این ازدواج سه فرزند بنامهای سیدسلیمان و سیداحمد و سید علی بوده است . سید سلیمان در اصفهان فوت نموده و سیداحمد در بختیاری به نشر احکام اسلامی میپردازد وهم در آنجا فوت میکند که سادات (احمدفداله) از نسل او هستند . سید علی دوم درلرستان باقی مانده و ازدواج نموده و از او سه فرزند پسر باقی میماند ، باسامی سیدمحمد سیدحیدر و سیدمحمد . ازسیدمحمد سه فرزند بنامهای خلف ، مرتضی و نادر ، بجای میماند که سادات خلف‌وند مقیم لرستان و سادات مرتضی‌وند مقیم دزفول و سادات نادروند مقیم لرستان از اعقاب این سه میباشد.

ازسیدحیدر چهار فرزند باسامی طاهر ، شاهرخ ، قاسم ، شهنشاه ، بجای میماند که سادات طاهروند و شاهرخ‌وند و قاسم‌وند و شاهیوند از اعقاب آنها هستند. وجه تسمیهٔ طایفه آهوقلندری بدانجمت بوده است که سیدعلی بزرگ مانند قلندران و درویشان در یکی از کوههای اطراف ، زندگی می‌نمود وازشیر آهو تغذیه میکرده است .

(این اطلاعات راحجة‌الاسلام آقای حاج سیداحمد طاهری در اختیار نگارنده گذاشته اند که بدینوسیله از لطف ایشان سپاسگزاری میشود).

۱ـ Menow

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

متر میباشد . قلعه اطاقی نداشته‌است ولی درقسمت غربی آن سکوی سراسری به بلندی ۷۵./. سانتیمتر از زمین ، بناگردیده‌است . در چهار دیوار قلعه میخهای چوبی برای طویله کردن چهار پایان وجود دارد.

برجها دوطبقه‌اند که در اطراف طبقه بالا مزقل هایی برای دیده‌بانی یا تیراندازی تعبیه شده است .(تصویرشمارهٔ ٦٣) .

در هر برج پلّه‌ای برای رفتن به پشت بام آن نیز ساخته شده است . این قلعه فقط یك‌در بزرگ دارد (تصویر شمارهٔ ٦٤) .

آب آن‌از چاهی که در داخل آن کنده شده تهیه میشده است . ساختمان‌قلعه از سنگ وگچ است .

درشرق‌قلعه بفاصله ۱۰۰ متر قلعهٔ‌دیگری بوده‌است که‌برج‌نداشته‌ولی اطاقهای زیادی‌داشته که‌ازنظر ساختمان‌شبیه به‌دو قلعه شهنشاه‌و چمشك است.این‌قلعه‌از آثاردوره‌صفویه‌است.اندکی‌دورترازاین آثار، قلعه دیگروجود دارد که اهمیّت چندانی ندارد و از آن ویرانه‌ای پیش نمانده‌است، ولی بنظررسید که‌قدیمی‌تراز دوقلعه دیگر باشد .

۱۰ - بقعهٔ بابازید

در ۸ کیلومتری شمال پلّ «کرّ و دختر» ، در محل سه راهی (کرمانشاه ، اندیمشك ،خرم‌آباد) . بروی تپه‌ای ، مقبره‌ای‌است که بنام «بابازید» مشهور است. این‌بقعه درمیان‌گورستان قدیمی دهقرار

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دارد. در ورودی آن شمالی است و اندازه داخل آن ۳/۵×۳/۵ متر و بلندی گنبد آن ۸ متر است (تصویر شمارهٔ ٦۵) .

داخل مقبره قبری است که سنگ نوشته‌ای ندارد. قسمتی از طاق آن ریخته است. تمامی آن با سنگ و گچ ساخته شده است. اهالی محل او را «بویزه»[۱] میگویند.

۱۱ - بقعهٔ سید سهم الدین

«تایی» نام دهکده‌ای است که در جنوب غربی «چمشك» واقع شده است. در این دهکده مقبره‌ای است از سنگ و گچ و از نظر سبك ساختمان منحصر است، زیرا چنین بنائی در دیگر نقاط لرستان مشاهده نشده و از نظر معماری، مشخصات ویژه‌ای دارد (تصویر شماره ٦٦) .

مقبره چهارگوش است و اندازهٔ آن ٤/۱۰×۵/۲۰ متر و بلندی گنبد آن ۸/۵ متر است. در ورودی آن شمالی است و اطراف حصاری سنگی داشته که ویران شده است. بطوری که در محل مشهور است، این مقبره متعلّق به سید سهم الدّین است. مشخصات بیشتری بدست نیامد و سنگ نوشته‌ای روی قبر دیده نشد ولی نوشتهٔ سنگ بعضی از قبور اطراف آن کوفی بود.

۱- Bowiza: بو- Bow بمعنی بابا است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۱۲ گنبد جمال اکبر

دردهستان « دره نسو » از بخش ویسیان ،واقع درجنوب‌دشت «کّره‌گه»بفاصلهٔ‌تقریبی‌چهل‌کیلومتر ، بین‌دوکوه«کیرف»[۱]و«گوشواره» ،مقبره‌ای‌است‌که‌بنام جمال‌اکبرمشهور است.گنبدآن‌مخروطی‌شکل است که چهار دیوارآن باسنگ وگنبد آن باآجرساخته‌شده‌است .

در ورودی مقبره به کفش‌کنی بطول‌وعرض ۲×۵ و بلندی ۲ متر که با آجر طاق زده شده است، باز میشود .

اندازهٔ داخل مقبره ۳/۴۰×۳/۴۰ متر و ارتفاع آن ۹ متر است. «تصویر شمارهٔ ۶۷ » . اطراف آن‌گورستانی است‌که اغلب خطوط سنگ قبرهای آن کوفی است .

نام صاحب مقبره جمال‌الدین اکبربن‌محمد می باشد ولی‌سنگ قبر ندارد .

۱۳.شاهزاده‌محمد

در دو کیلو متری جنوب دهکدهٔ «ممولو» ، سمت غربی جادهٔ سراسری ، قبری است‌که مورد احترام اهالی است ،این قبرگنبدی

۱- Kiref

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

داشته‌است که سالها پیش ویران شده اکنون اطراف آن‌چهاردیواری کشیده‌اند. بر روی سنگ‌قبر اصلی ، تاریخ‌وفات‌مدفون ۷۴۷هجری قمری بوده که در سال ۱۳۴۷ هجری چند نفر سنگ تراش سنگ کنونی آنرا وقف نموده و بر روی قبر نهاده‌اند و تاریخ قبلی رانیز ذکر کرده‌اند. متن این سنگ چنین است :

(وقف‌مؤبد وقف مخلد نمودند ،استادان‌حجار بنان عراق[1] و قم و ملایر و همدان ـ تاریخ آقا شاه زاده محمداز اولاد امام‌زاده موسی کاظم علیه‌السلام ، فیسنة ۱۳۴۷ فیسنة۷۴۷).(تصویرشماره۶۸).

۱۴ـگنبد طالب‌علی

در دهستان «کرکی»ازبخش‌ملاوی مقبره‌ای‌است‌از سنگ‌وگچ، باگنبدی بشکل مخروط‌که به « طالب علی» مشهوراست. درورودی آن، شمالی‌است‌واندازهٔ داخل آن ۳/۵×۴/۵ متر و بلندی‌گنبد آن نزدیك۱۰ متراست تمام‌آن با سنگ و آجر ساخته‌شده‌است.(تصویر شمارهٔ۶۹) .

۱۵ - بابا خوارزم

در جنوب غربی جایدر ، بر سر راه پل «کرودختر» به سیمره، در حاشیه شرقی رود « کشکو » نزدیك محلی که آب دو رود

۱ـمنظور اراك‌است.

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

سیمره و «کشکو» بهم میریزند ، دهکده‌ای است‌بنام (بوخارز یا بابا خوارزم).

در گورستان این دهکده قبری هست که اطراف آن‌سنگ چین شده است . آثاری از بنای مقبره هنوز برجاست.قبر تزییناتی با کاشی داشته است که قطعات آن هنوز هم وجود دارد. روی قبر سنگ‌نوشته‌ای وجود نداشت این قبر بنام باباخوارزم مشهور است

۱۶-قلعه‌شهنشاه یا قلعه‌گوشه

در دهکدهٔ «گوشه»ودر کنار گنبد شهنشاه، قلعه‌ای‌قدیمی است‌که اکنون‌نیز اطاقهای‌آن مورداستفاده اهالی است و مسکن‌عده‌ای از روستائیان است . صحن‌این قلعه۱۲×۲۵ متر است و دارای پـانزده رواق و اطاق نشیمن میباشد .هر اطاق بـوسیلـهٔ دیواری بدو قسمت تقسیم میشود که عقب آن‌برای نگاهداری چهار پایان و جلو آن که۳×۳متراست برای‌نشیمن کاروانیـان‌ساخته‌شده‌است. بلندی دیوار قلعه ۵ متر است.(تصویرشمارهٔ ۷۰) .

درگوشهٔ جنوب غربی، پله‌های‌سنگی‌برای رفتن به‌پشت بام‌قلعه ساخته شده .

محیط قلعه یکصد و شانزده متر و تمام زمین زیر بنا نزدیك به دو هزار متر مربع است . قلعه جملگی با سنگ وگچ ساخته شده و

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

طاق‌اطاقها هنوز بااستواری و محکمی برجاست. (تصویرشمارهٔ۷۱) .

این قلعه که برسر راه خرم‌آباد به خوزستان بناگردیده اولین ، منزل بسوی دزفول و آخرین منزل بجانب خرم‌آباد بوده است . درهر پنج فرسنگ ، یك قلعه ساخته اندزیرا درقدیم مقدار مسافتی که یك کاروان در روز طی میکرد پنج فرسنگ بود . قلعه یاکاروانسراهای بعدی به سوی دزفول عبارتنداز :

۱ ـ چمشك [۱] ۲ـ قلعه نصیر ۳ ـ قلعهٔ اوسر [۲] معروف به سراب «اودلی» [۳] ٤ـ قلعهٔ میش‌وند [۴] ۵ـ قلعهٔ سروگل ٦ ـ قلعهٔ رزه ۷ـ چارتا [۵]

بنا به اظهاریکی از معمرین دهکده ، که اوازکسی دیگر نقل میکرد این قلعه یکبار در زمان سلطنت ناصرالدین شاه تعمیر شده است.

قلعه چمشك

چمشك یکی از قراء «بالاگریوه» محصوب میشود که فاصلهٔ آن تا خرم‌آباد (٤۰) کیلومتراست وجزء بخش ملاوی است . کوهی این قریه را بدو بخش «زیرتنگ» و « پشت تنگ » تقسیم نموده وتنگه‌ای که این دو را بهم مربوط میسازد ، معبری است که درگذشته نیز مسیر کاروانیان بوده است. اکنون نیز جادهٔ خاکی اتومبیل رو که از «گوشه» تا پل دختر در کنار لوله سراسری نفت کشیده شده ، از این تنگه عبور مینماید

۱- ChameshK ۲- Owsar ۳- Audali ۴- Mishvan ۵- Charta

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

طوایف مسکون در چمشك از ایل جودکی هستند. جودکی‌ها از قرن‌هشتم‌هجری‌درلرستان‌مسکون‌بوده‌و به‌همین‌نام‌نیز مشهور بوده‌اند واکنون‌نیز آداب،وسنن کهن خویش‌رادارا هستند.

در «پشت تنگ»و بر دامنه‌کوه«شخسك»[1] درمیان درّه ،قلعه‌ای بزرگتر از قلعه شهنشاه‌هست . طول و عرض و باروی آن٤٤×٤٨ متر و از لحاظ استحکام بنا و طرز ساختمان نیز جالبتر و بهتراز آنست ، (تصویرشمارهٔ ۷۲) در ورودی قلعه بسوی جنوب است و اندازهٔ آن ۲×۳/۵ متر و غیر از این در باید از دری دیگرگذشت تا وارد صحن‌قلعه‌شد .طول راهروازدر اول تا صحن ۱۷متروعرض‌آن ۲/۵ متر است (تصویر شمارهٔ ۷۳).

در دوسمت‌این راهرو ،دو حیاط مشابه‌با چهاراطاق‌ودواصطبل ساخته‌شده‌است که‌ازهرنظرشبیه بهمدیگرند(تصویرشمارهٔ۷٤)

این دو حیاط میان‌دودر ورود به‌راهرو و صحن، قرارگرفته‌اند قلعه اصلی ۱۲ اطاق دارد که هراطاق بدوقسمت جلو برای‌سکونت کاروانیان و عقب‌برای نگهداری چهارپایان آنان تقسیم شده‌است. این دومین منزل از خرم‌آباد بسوی‌دزفول است، و تاقلعه‌شهنشاه، پنج فرسنگ راه است . قلعهٔ با سنگ و آجر و گچ بنا گردیده ، ناودانهای آن همه سنگی است .باروی‌قلعه‌شرف‌وکنگره‌هائی دارد اکنون‌اهالی برای‌سکونت از این قلعه استفاده مینمایند.

۱- Shaxsak

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

مقبره سیدنعمت‌الله جزایری

در جنوب پل دختر و بفاصلهٔ ۳ کیلو متر از آن، مقبره‌ای است بشکل هشت ضلعی که هر ضلع آن ۱/۵ متر است و با آجر و گچ ساخته شده (تصویر شمارهٔ ۷۵).

این بنا اخیراً ساخته شده است ولی بنای اصلی آن ، آجری است و در داخل بنای جدید قرار دارد. بلندی طاق بنای اصلی ۵/۵ متر است. در ضلع شمال غربی، سنگ نوشته‌ای به دیوار مقبره نصب شده که قسمتی از کلمات آن شکسته است و متن بقیه آن چنین است (تصویر شمارهٔ ۷۶).

درعهد دولت سلطان صاحبقران ناصرالدین شاه قاجار
وولایت .... حضرت والا
ظل السلطان و حکومت .... الملك
الحاج محسن خان بنانمود قبه تازه رابرمرقد منور سیدنعمت‌الله
جزایری در ماه رمضان سال ۱۳۰۲

همانطوریکه دراین سنگ نوشته نیز آمده است. مقبره متعلق به مرحوم سید نعمت‌الله جزایری یکی از اعاظم عالم تشیع و سرسلسله سادات جزایری مقیم لرستان و خوزستان و تهران و عراق و هندوستان و آفریقا میباشد . مرحوم سید نعمت‌الله در سال ۱۰۴۵ هجری قمری متولد شده و پس از تحصیلات مقدماتی از هویزه به شیراز رفت و به

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

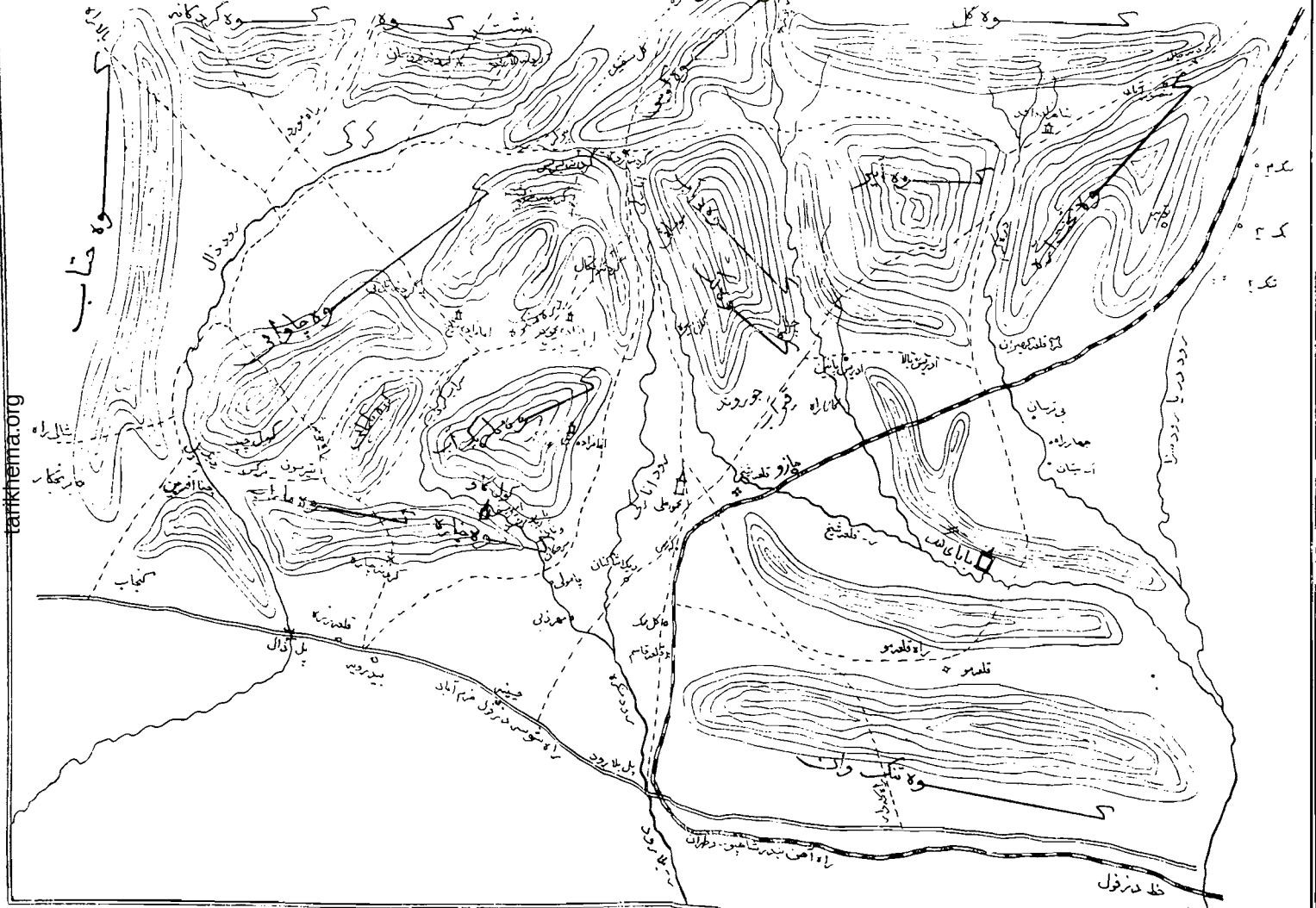
کسب علوم عقلی و نقلی پرداخت واز مجلس درس علامهٔ مجلسی رضوان‌الله علیه نیز تلمّذ نموده و سپس به نجف اشرف مسافرت کرده ، پس از مدتی به شوشتر رفت درآنجا بتدریس علوم مشغول شد عاقبت در سال ۱۱۱۲ هجری قمری از شوشتر برای تشرف بارض اقدس رضوی حرکت نموده و در مراجعت مریض میشود . در این محل مرض او شدت مییابد و فوت مینماید ، بنا بوصیت خودش‌او را در همین محل‌دفن میکنند . از تألیفات او شرح‌تهذیب و انواز نعمانیه ، شرح صحیفه سجادیه و شرح کافی است.درعلم کلام نیز آثاری‌دارد که هنوزبچاپ نرسیده‌اند .[۱]

۱-شرح حال مرحوم سیدر احجة الاسلام آقای حاج سیدعماد الدین جزایری در اختیار نگارنده گذاشته‌اند که‌از ایشان سپاس‌دارم.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org


وه خاب
وه کاوه
وه کل
وه تنگ ولک
وه ایکل
وه کرچکانه
وه کک
وه کل سفید
وه کل
کوه کل
کوه کل
کو

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

تصاویر

فصل اول ودوم

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۱ - درهٔ سنگ.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۲ ـ تلهٔ «دژ» که قلعهٔ سنگرد بر روی آن ساخته شده است

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

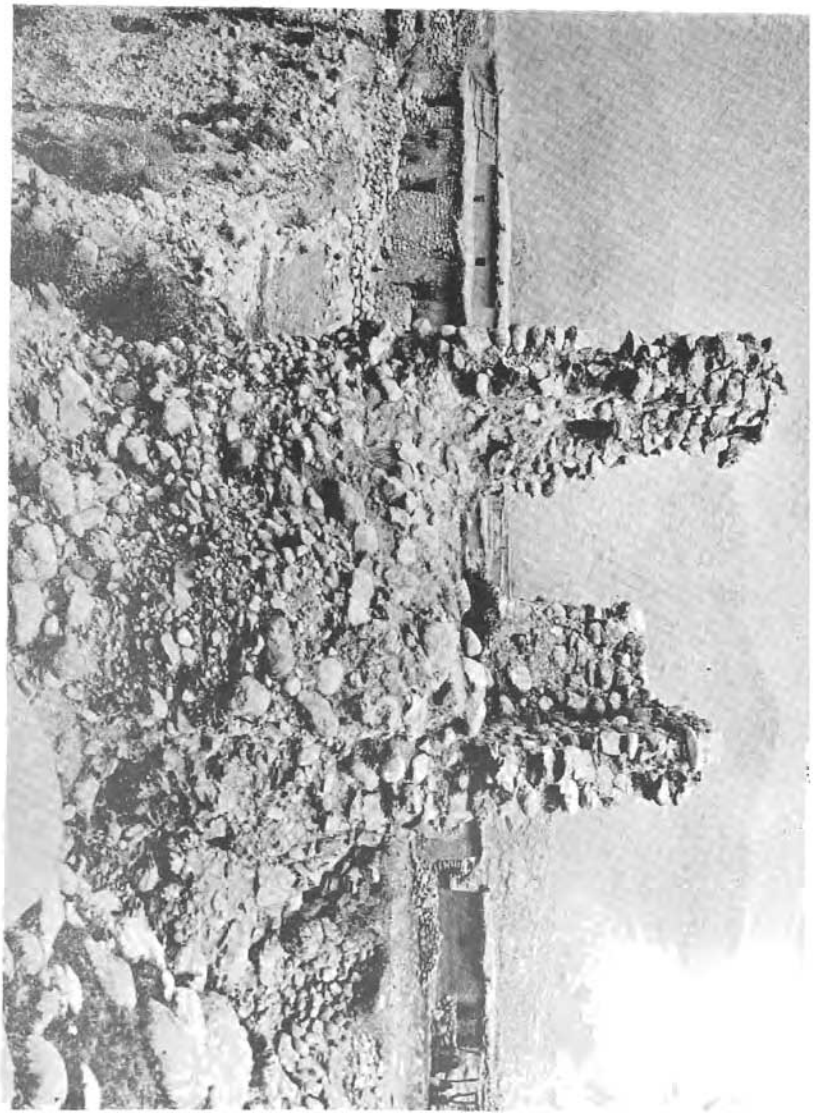
PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۲ - گرداب سنگر، مخرج تقسیم آب

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شمارهٔ ۴ – قسمتی از برج غربی قلعهٔ «سرتل»

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۵- در و قسمتی از نمای جنوبی قلعهٔ «سرمله»

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شمارهٔ ٦- نمای جنوبی بقعهٔ امیر سیف

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

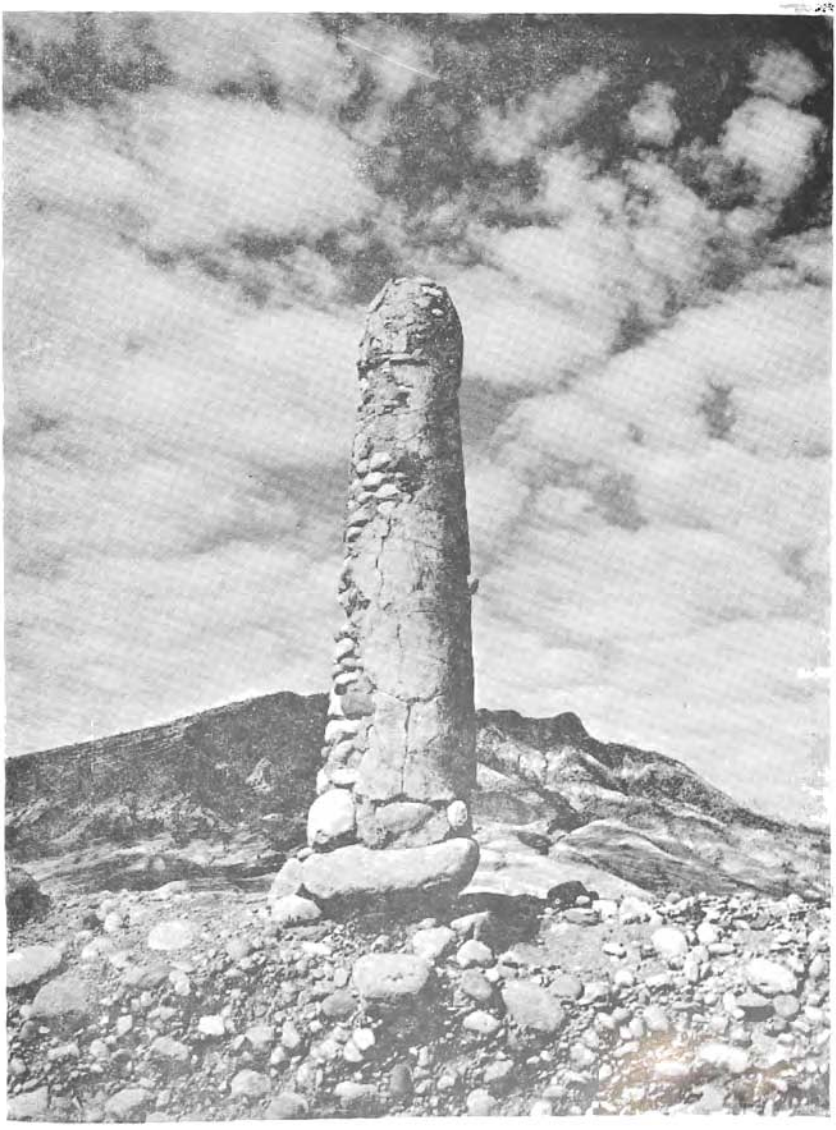


تصویر شمارهٔ ۷ ـ نمای شمالی بقعهٔ امیر سیف

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شمارهٔ ۸ - یکی از میله های بازال

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۹ - نمای کلی قلعهٔ رزه

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

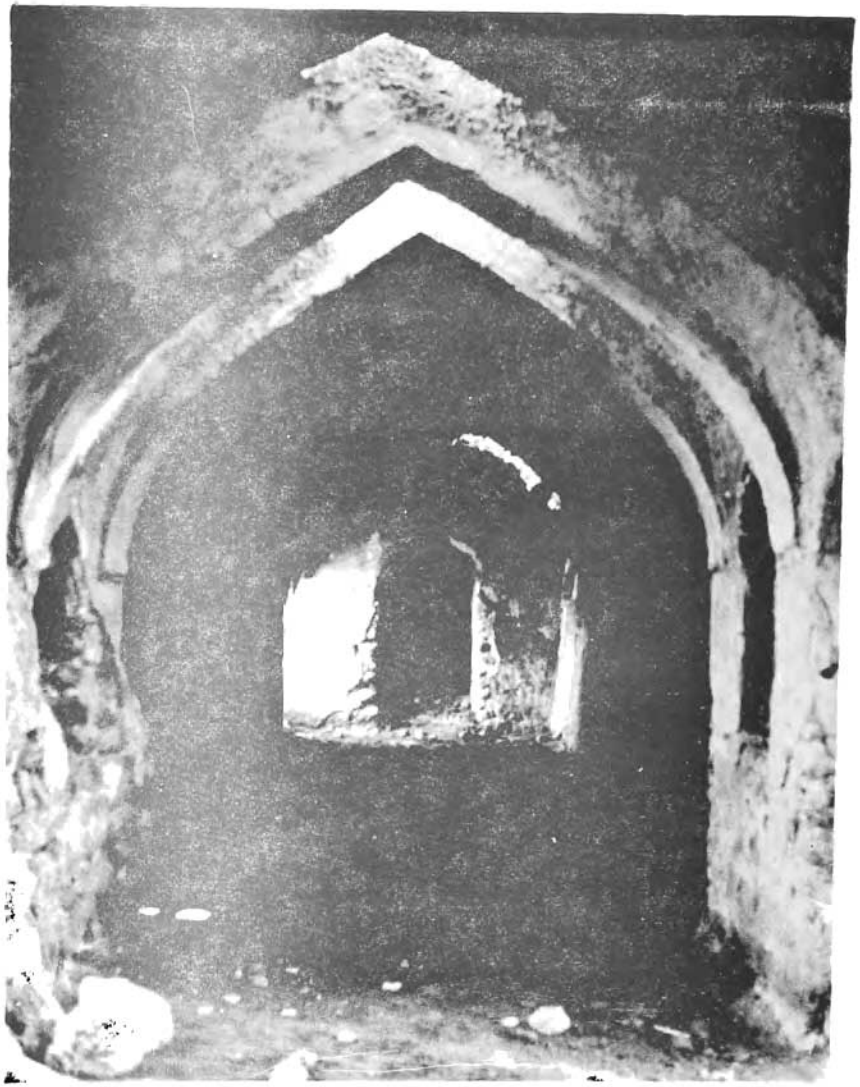


تصویر شمارهٔ ۱۰ ـ نمای غربی و درورودی قلعهٔ رزه

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

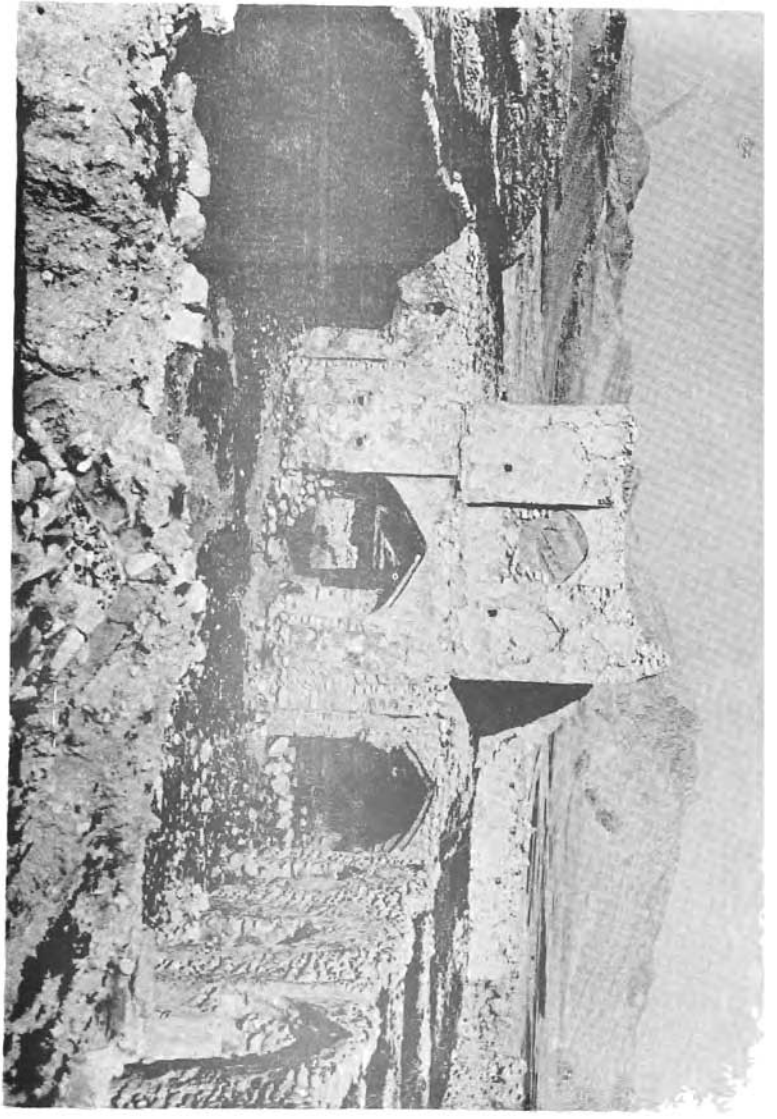


تصویر شمارهٔ ۱۱ - اطاقهای جنوبی قلعهٔ رزه

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شمارهٔ ۱۲ ـ سردورودی وقسمت دیواری تلفزره

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

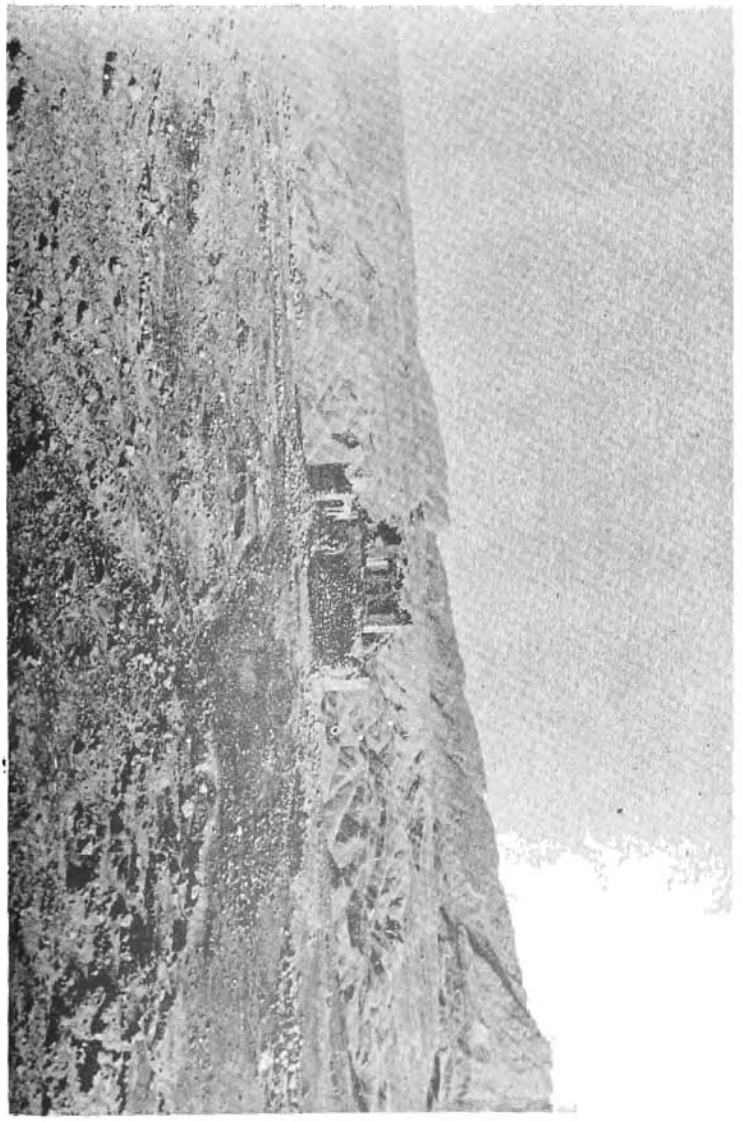
PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۱۳ - نمای داخلی جنوبی قلعهٔ رزه

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شمارهٔ ۱۴ - قلعهٔ حسینی واقع در شمال قلعهٔ رزه

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصوير شمارة ١٥ - بقعة سلطان محمود بن علي

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شمارهٔ ۱۶ - «باپای لنگ»

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

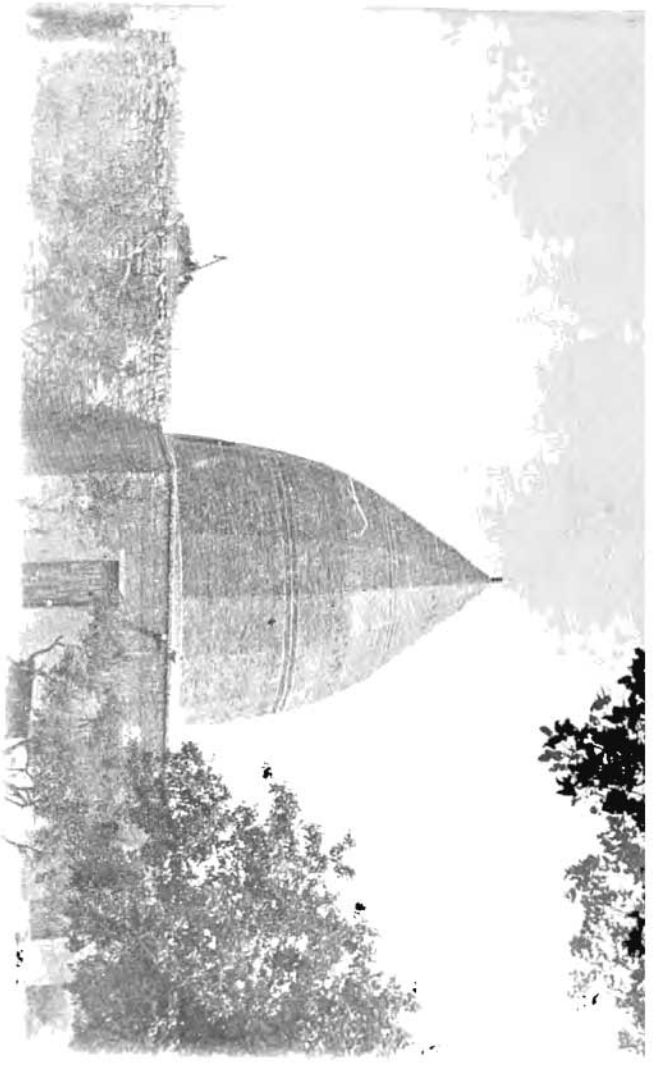
PDF.tarikhema.org

تصویر شمارہ ۱۷ - بقعہ شاہزادہ احمد مشہور بہ شاہ چراغ

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شمارهٔ ۱۸ - نمای دیگری از بقعهٔ شاه چراغ

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

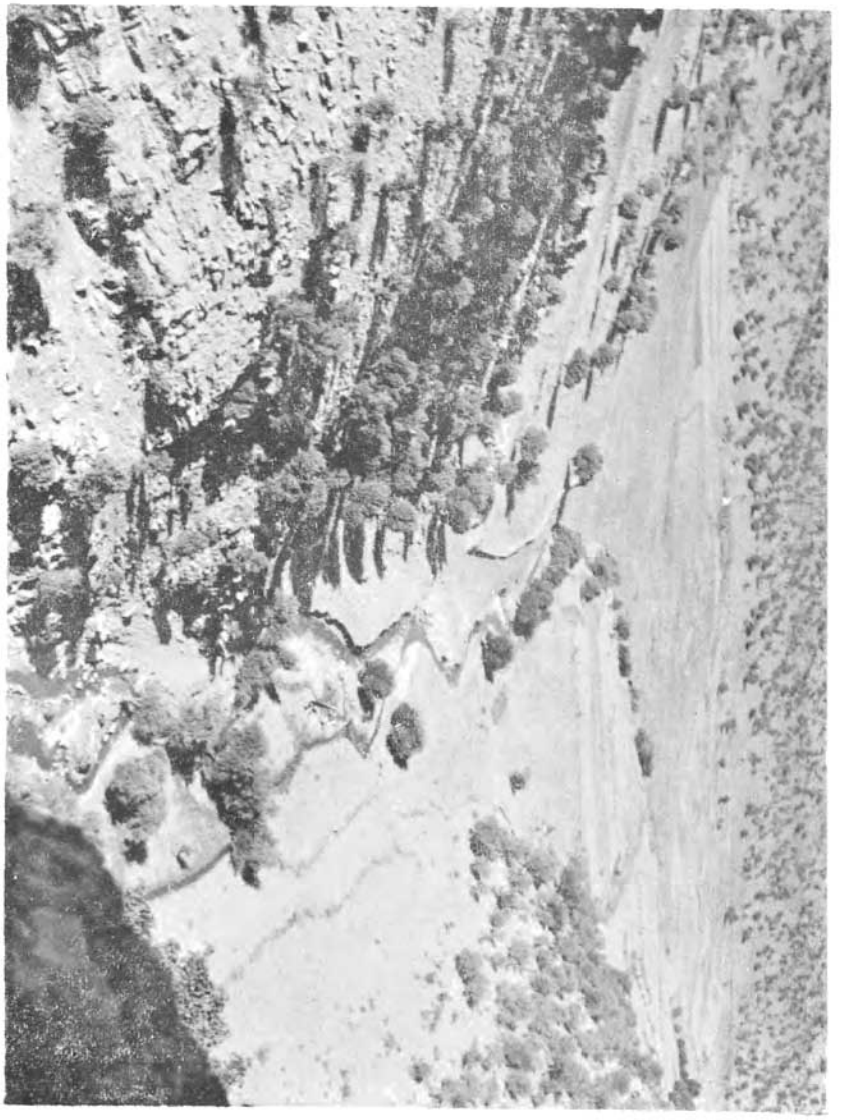
PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۱۹ - سنگ نوشته دشت لاله

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org
نصرت شاه ۲۰ - دره گوگان

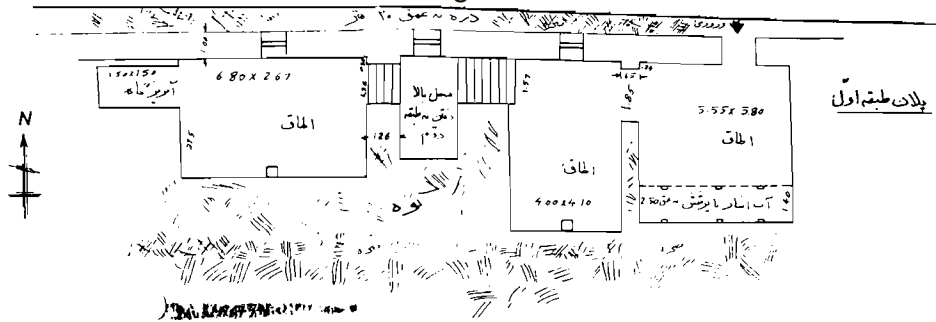
PDF.tarikhema.org

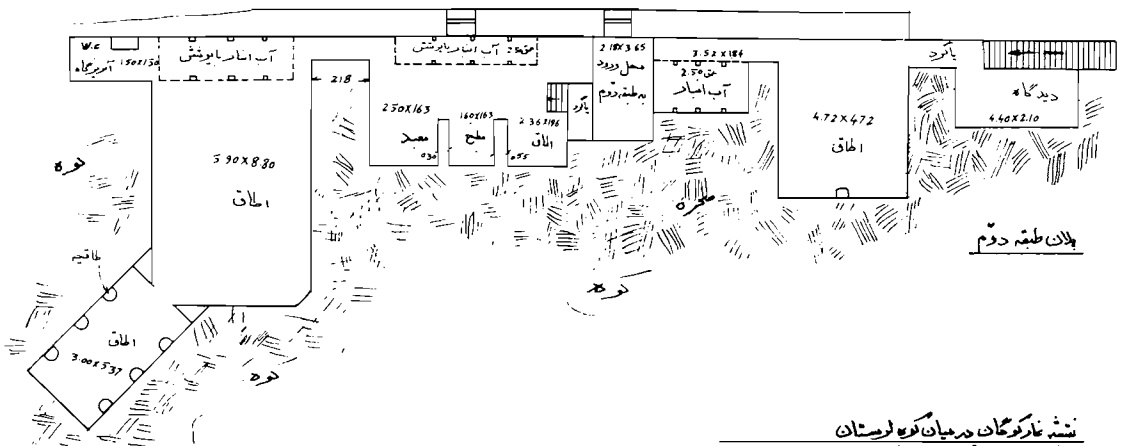
PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

qare-kögo

LORESTAN





نقشه غار کوگان در میان کوه لرستان

مقیاس 1:100 تهیه: حمید امیرپناه - ترسیم: مهرداد اشتری

مقابل صفحه ۷۶

نقشه کلی در طبقه غار کوگان

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

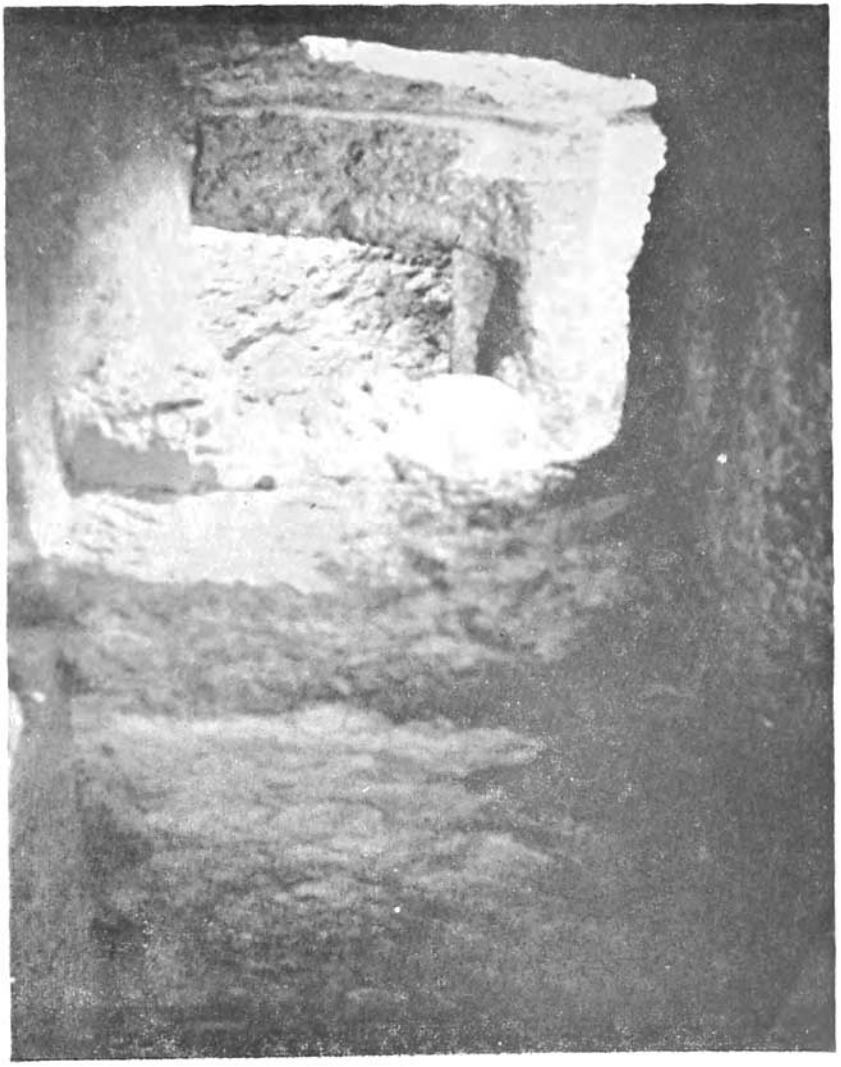


تصویر شمارهٔ ۲۱- در غار کوگان

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شمارهٔ ۲۲- راهرو قسمت غربی طبقهٔ اول غار کرگان

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شمارهٔ ۲۳ـ راهرو بین دو اطاق قسمت غربی طبقهٔ اول غار کوگان

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۲۴ - آخرین اطاق قسمت غربی طبقهٔ اول غار کرگان

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۲۵ـ سعی بالا آمدن به طبقه دوم و اولین اطاق غربی طبقه دوم غار کوگان

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شمارهٔ ۲۶- قسمتی از دیوار محصور شده با سنگ و گچ طبقه نوقانی غار کوگان

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شماره ۲۷ - درورودی به آخرین اطاق سمت غربی طبقه فوقانی غار کوگان و آبانبار آن

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۲۸ - یکی از اتاق های غربی طبقهٔ فوقانی غار کرگان

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

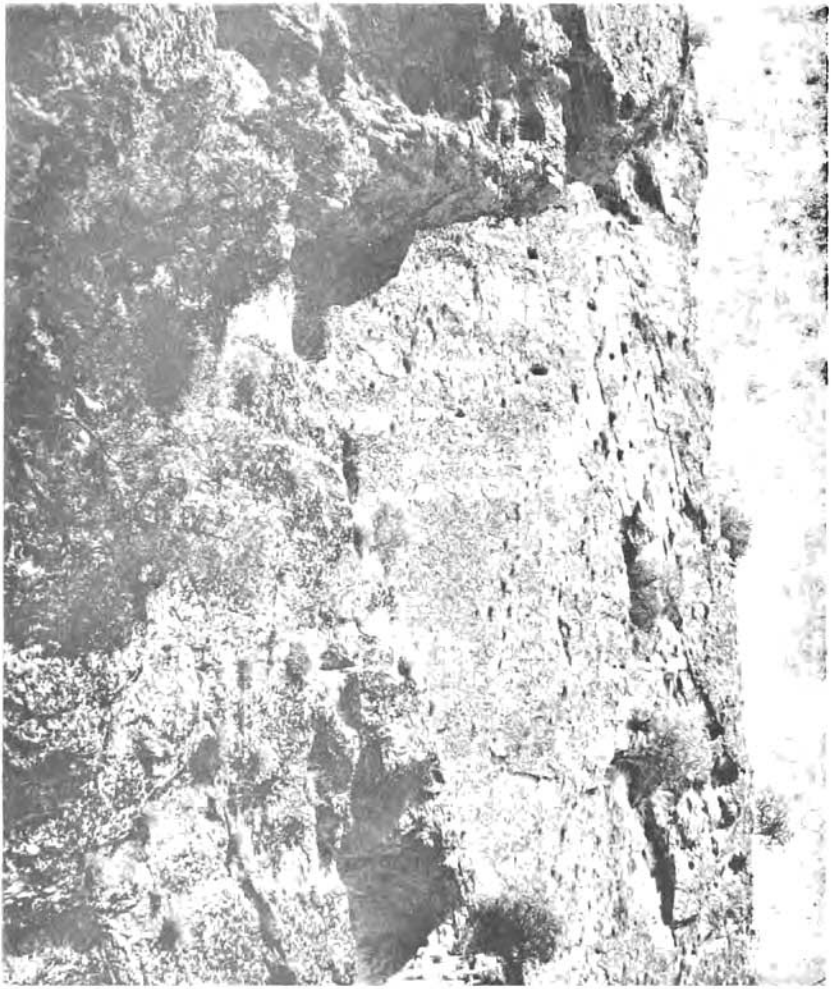
PDF.tarikhema.org

تصویر شماره ۲۹ - یکی از اطاقهای طبقه دوم غار کوگان که با سنگ و ملاط تزیین شده است

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۳۱ - طاق یکی از اطاق‌ها و طاقچه کنده شده آن

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۳۲- قسمتی از تلهٔ کرگان

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شماره ۳۲- نقش قلعه گرگان (گرگی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شماره ۲۵- یکی از گودرهای آتشفانی در چمنك

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شماره ۳۶- یکی از خمره‌های مکشوفه از گورستان اشکانی چینک

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شماره ۲۷۰- نمای کلی آسمر رخش

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شماره ۳۸ - پایه ستونهای آجر ریخی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شماره ۲۹۰ - خرابه‌پلی که بر رود دیبر زده شده است (در سمل آحر رخش)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شماره ۴۰
که بشکل ناودان حجاری شده است

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شماره ۴۱ - پل تاریخی کلهر سولو

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

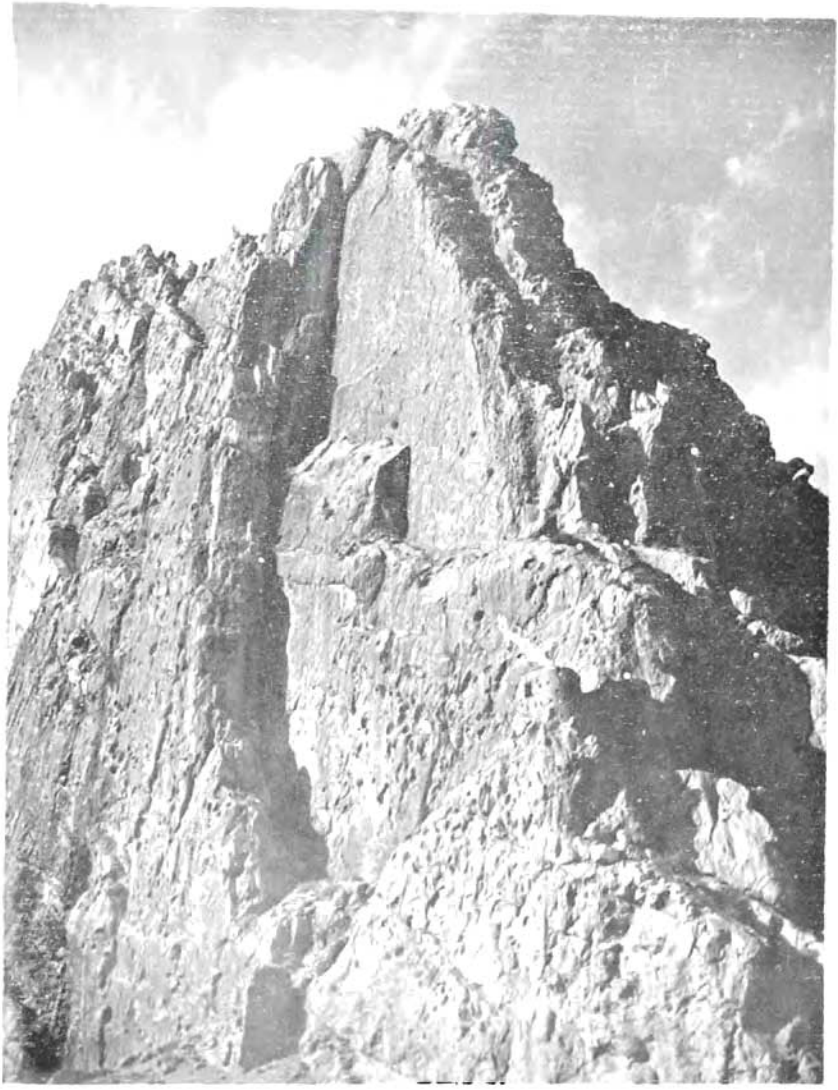
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویرشماره۴۳ محل کتیبه غربی که با علامت × مشخص شده است

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

UKE RAINER COLLECTION, VIENNA (INV. AR. PAP.



IG. 11—INSCRIPTION OF QAL'EH MĀMULĀN IN POL-E ALHOR. (After the copy in E. Herzfeld's Notebook of his Journey in October, 1928, unpublished MS.)

تصویرشمارہ ۴۵ - کتیبہ ہر تسفلد از کتیبہ شرقی پل کلھر

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شماره ۴۷- نمای جنوبی باقیمانده پل تاریخی کرودختر

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

نقشه پل تاریخی (کرو دختر) طرح اصلی از کتاب راههای باستانی و پایتخت های قدیمی ایران - تألیف دکتر گریمی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شماره ۴۸ - راه سنگ چین شده منتهی از پل که بسوی سیمرد کشیده شده است

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شماره ۴۹ - نمای جنوبی آخرین دهنه طاق باقی مانده پل (کر و دختر)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شماره ۵۰ - نمای شمالی طاق آجری پل (کرد دختر)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شماره ۵۱ - آثار باتجاناله از «قله پیرام»

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

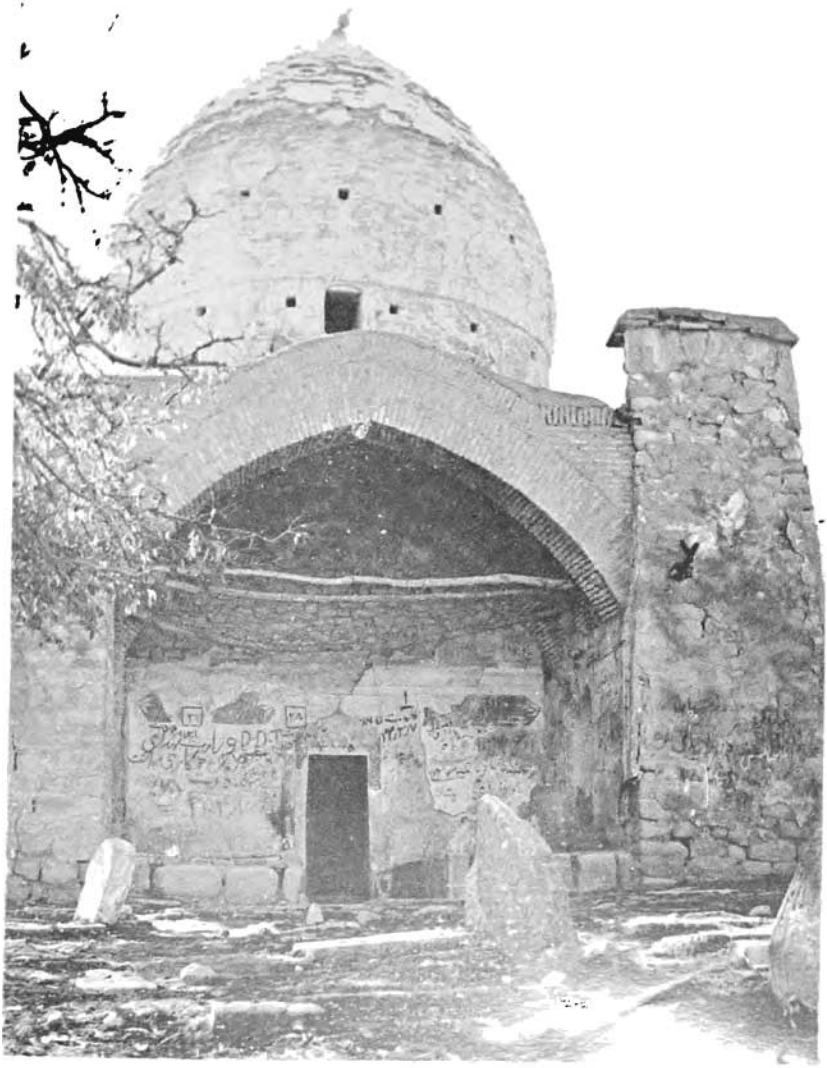
PDF.tarikhema.org

تصویر شماره ۵۲ - دهکده گرته یا شهنشاه، ریخته شهنشاه

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

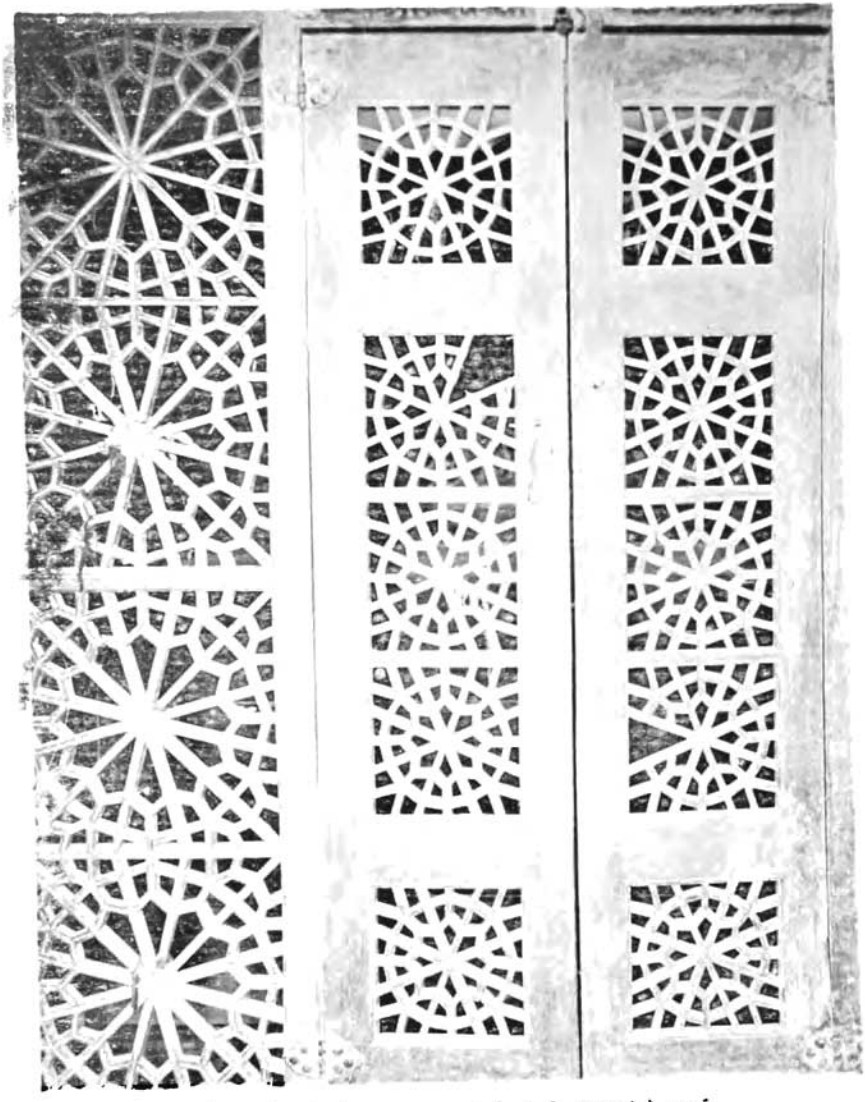


تصویر شمارهٔ ۵۳ - کاشی کن و در ورودی بقعه شهنشاه

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شماره ۵۴ ـ قسمتی از ضریح چوبی روی قبر شهنشاه و در آن

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شمارهٔ ۵۶ ـ نمای کلی بقعه و قسمتی از دیوار که تعمیر شده است

PDF.tarikhema.org
PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۵۷ - چند جای شمعی چوبی و سنگی در داخل بقعه شهنشاه

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویرشماره ۵۸ - سنگ قبر حسین خان والی ، اولین والی لرستان

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شمارہ ۵۹ - گنبد خانہ اکبری واقع در دھکہ ۲۰۰ نامنصیر

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شمارهٔ ۶۰ - قبر اصلی خلیل اکبر در داخل مقبره

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شماره ۶۱ - کتیبه های چوبی بقعه خلیل اکبر

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

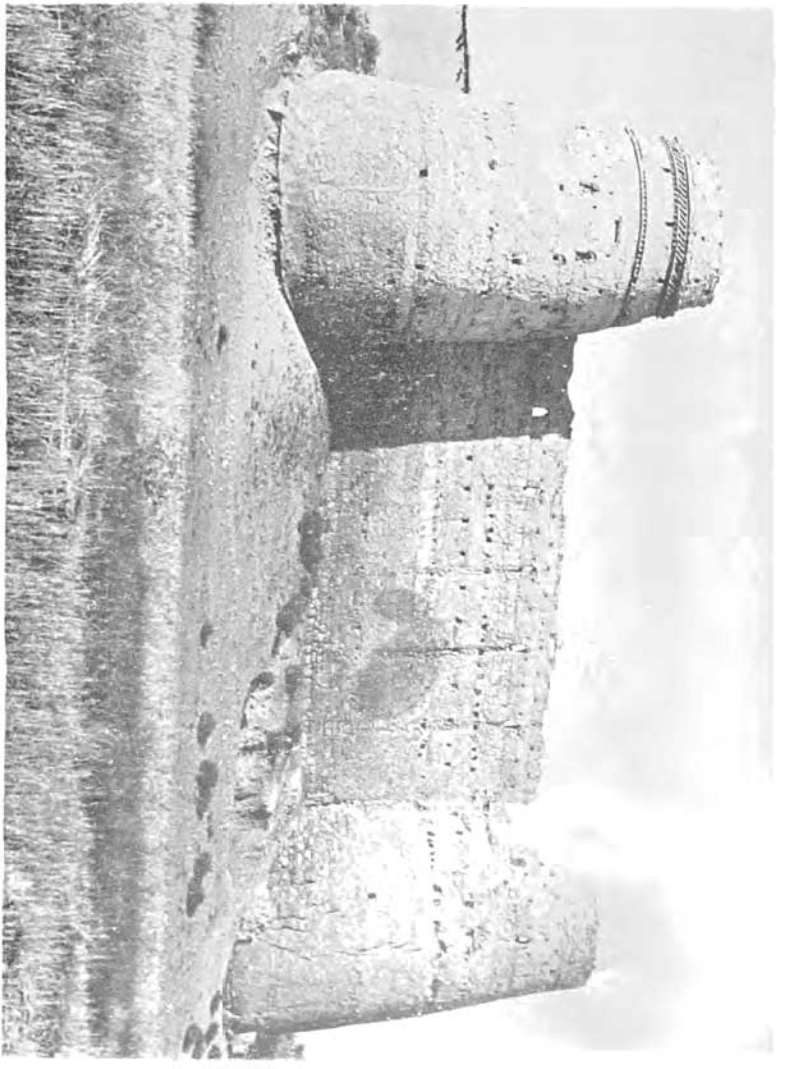
PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۶۲ - نمای کلی قلعه نصیر

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

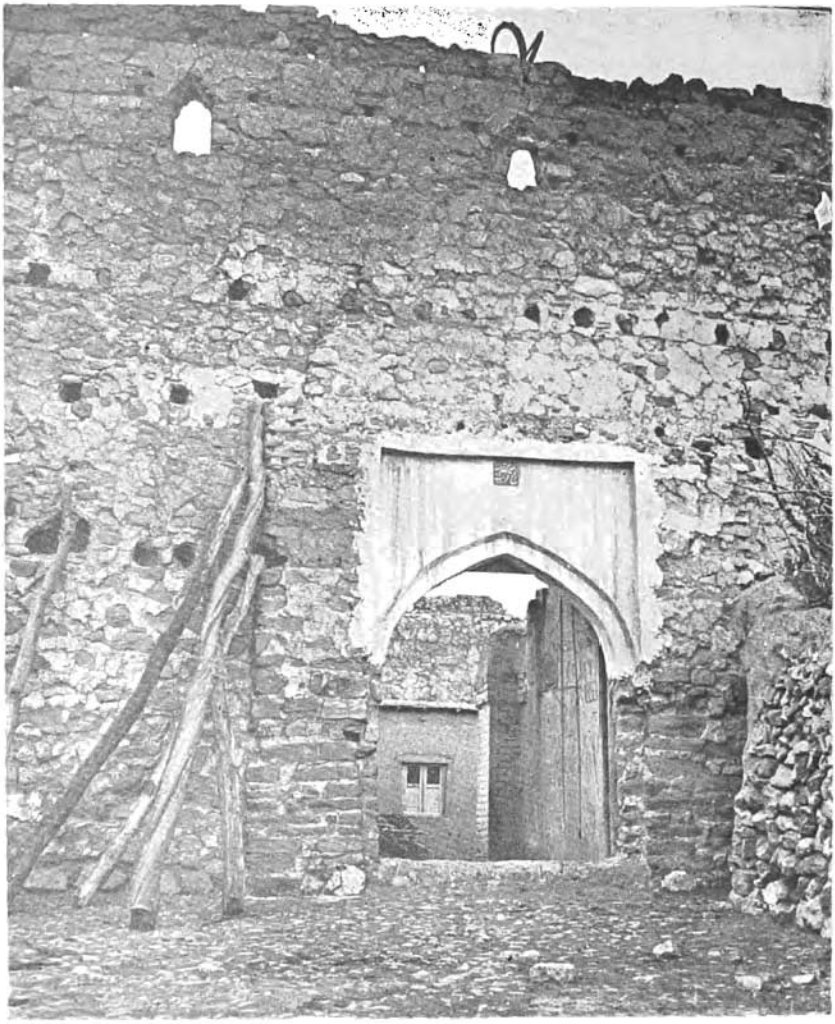


تصویر شمارهٔ ۶۳ - برجهای قلعه نصیر و منزلهای آن

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شمارہ ۶۵ - بقیہ بالائی دیوار

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شماره ۶۶ - بقعه سید سهم‌الدین در تابی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

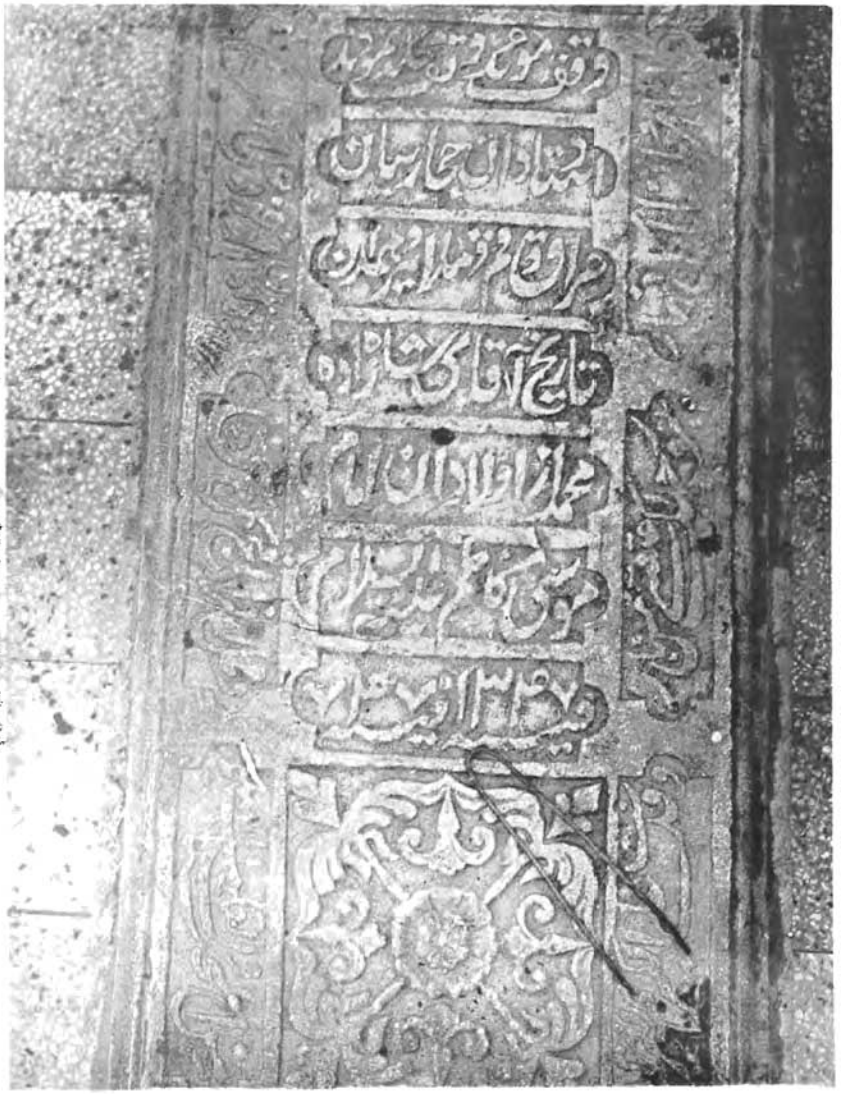
PDF.tarikhema.org

تصویر شمار ۸۱ - گنبد جامع مسجد بیجاپور (کرناٹک) کا گول ڈھانچہ

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شماره ۶۸ - سنگ قبر شاهزاده احمد

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

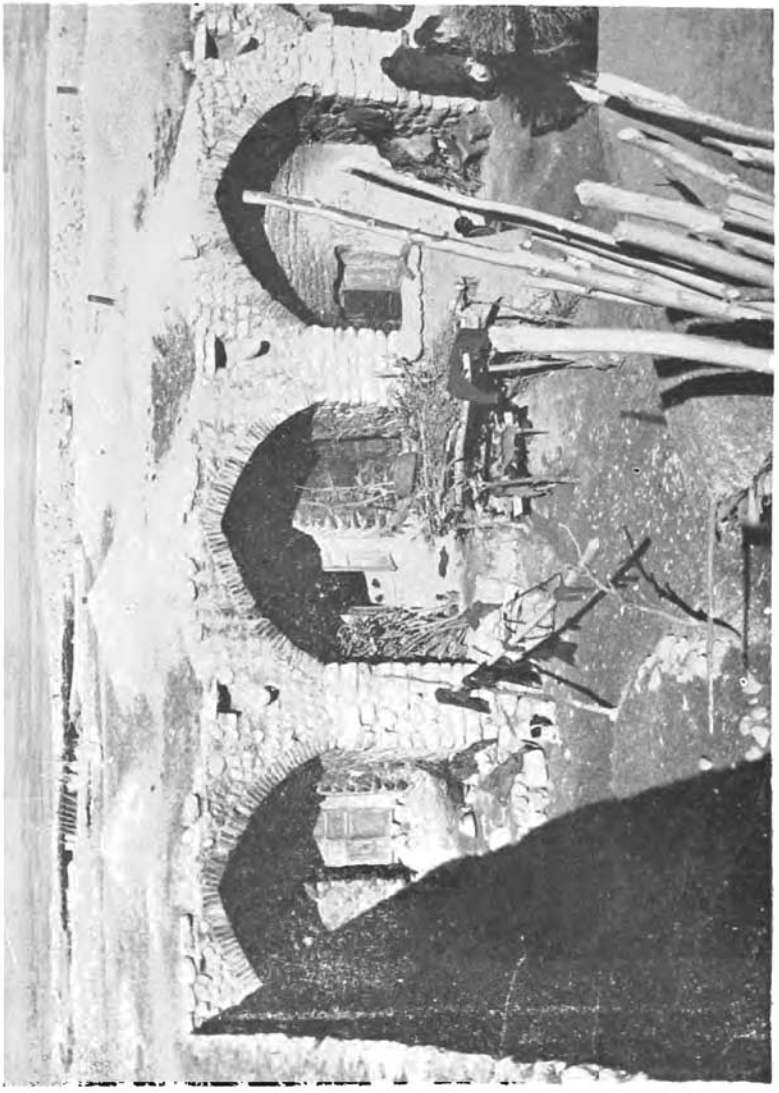


تصویر شمارهٔ ۶۹ ـ گنبد طالب علی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

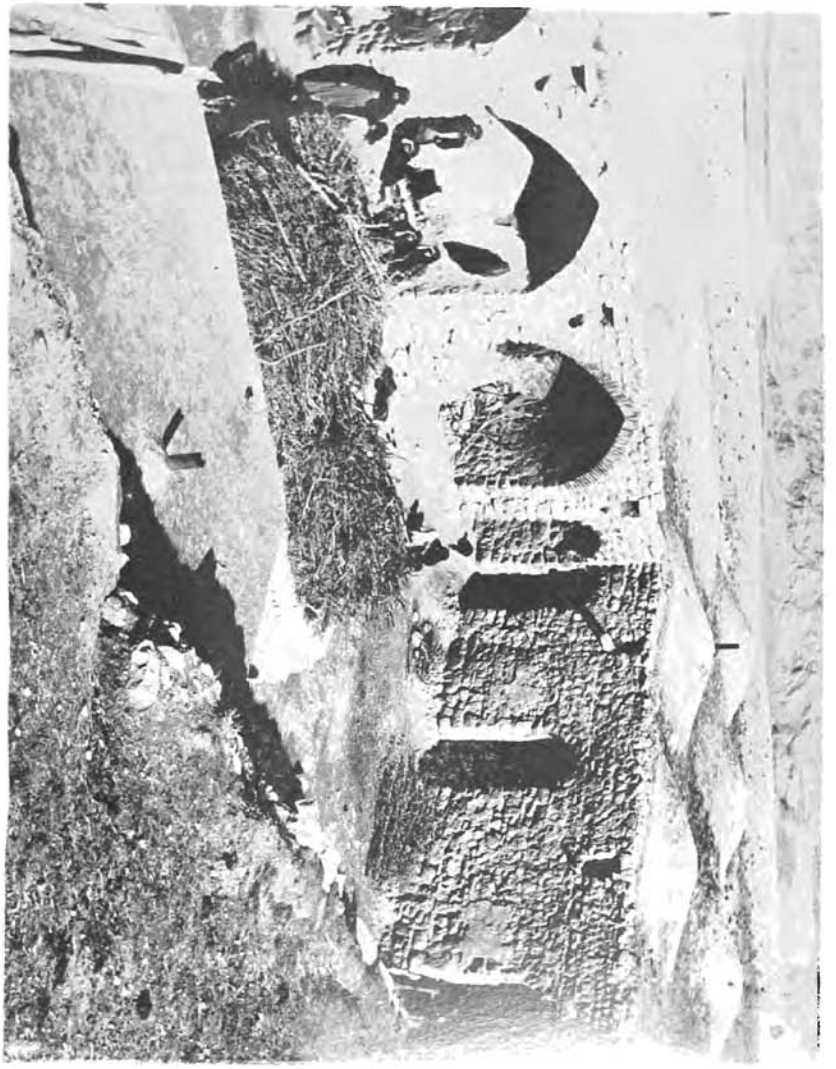


تصویر شماره ۷۰ - قله شهنشاه یا گوشه

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شماره ۷۱ - قسمتی دیگر از تله شهداد

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

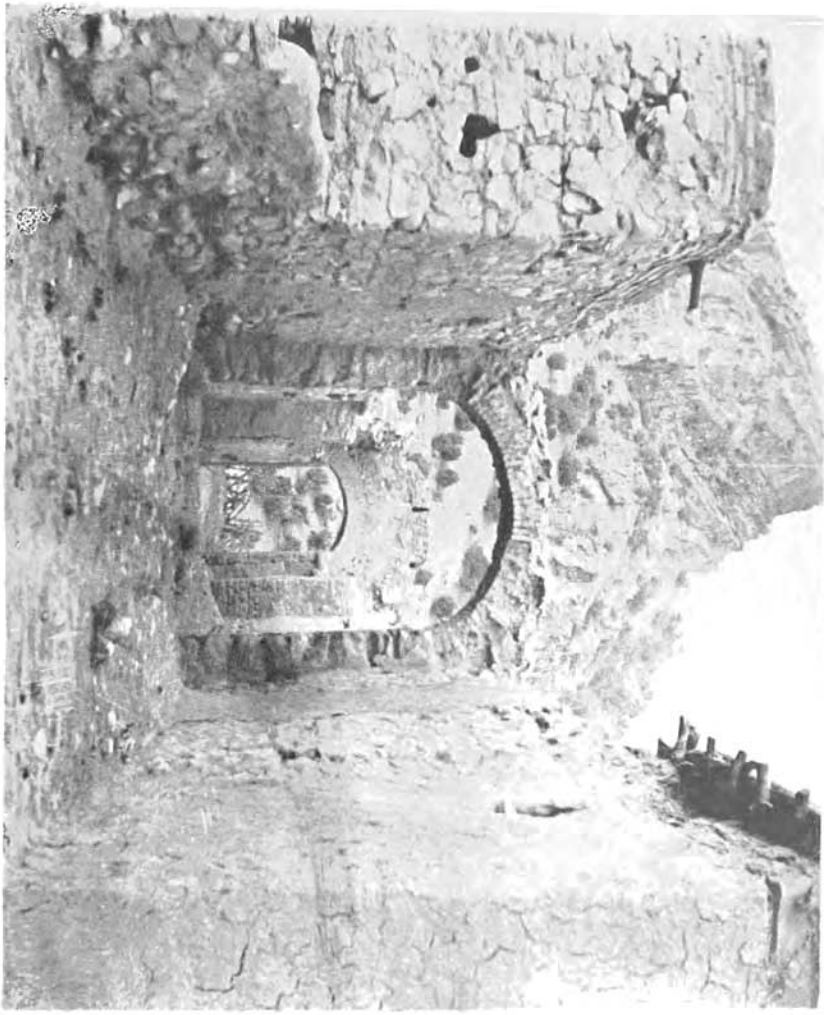
PDF.tarikhema.org

تصویر شماره ۷۲ - نمای کلی قلعه چینك

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

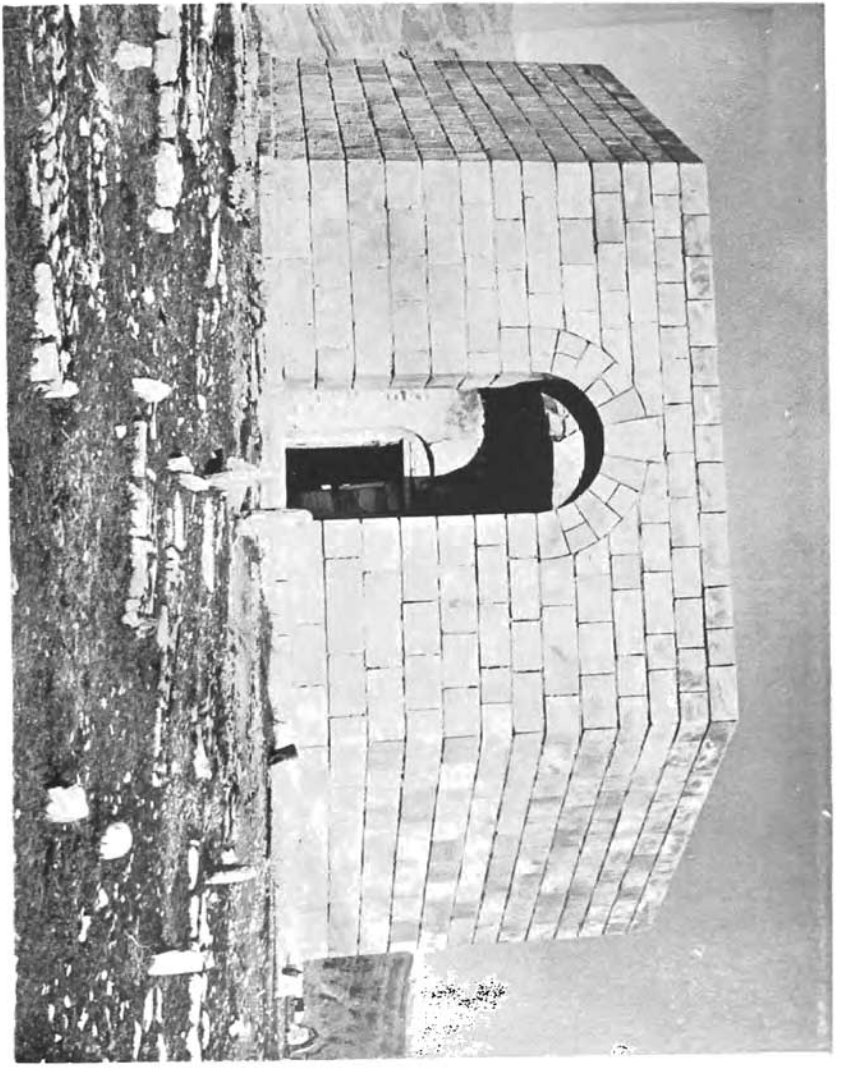


تصویر شمارهٔ ۷۴ ـ قسمتی از نمای داخلی قلعه چمشك

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شماره ۷۵ - بنای هشت ضلعی نورساز مقبره سید نعمت‌الله جزایری رحمة‌الله علیه

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویرشماره ۷۶ - کتیبه داخل مقبره

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

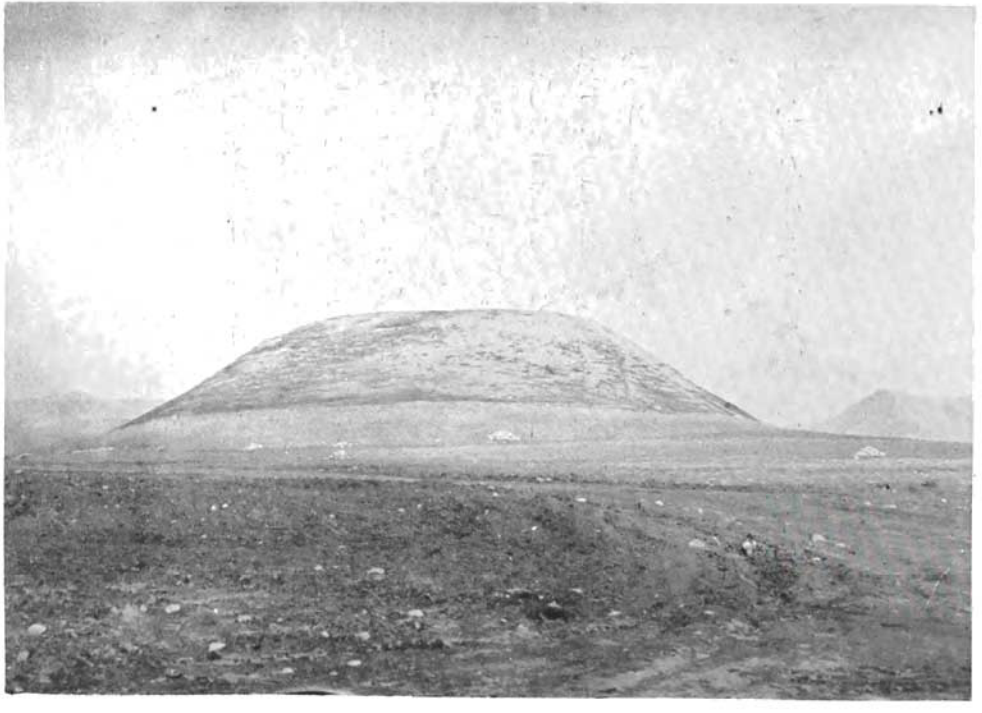


۷۷ ـ سنگ‌نوشته یاد گشایش راه سراسری

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شماره ۲/۱۹ - تپه واشیان یکی‌از تپه‌های مهم باستانی لرستان که‌مطلب‌آن در صفحه ۲۲ آمده است

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

توضیحی برای چند تصویر سنگ قبر دربخش الوارگرمسیری

* * *

برابرسنت معمول ، عشایر بخش الوارگرمسیر لرستان روی‌قبر مردگان‌لاله میکارند وبنشانه‌دلاوری وجنگاوری‌ودرخورشأن مرده ، روی سنگ قبر او تصاویری نقش می‌کنند که سه نمونه آن برای خوانندگان‌گرامی در اینجا آمده است .

این‌نقوش مربوط به قبرستان اطراف گنبد«محمودعلی»واقع در دهستان «مازو» می‌باشد . دردیگر نقاط لرستان‌نیز معمول است که نقش سوارو نیزه وتیروکمان‌برروی سنگ‌کنده وآنرا بطور عمودی و بالای سنگ اصلی روی قبرها کارمیگذارند که در این مورد یادداشتهائی تهیه شده‌است وامید است توفیق‌چاپ‌ونشرآن‌دست‌دهد.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

پل سنگ درشتر خواب و برج دیدبانی آن

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

فصل سوم

بخش اول

بخش پاپی

الف ـ اوضاع طبیعی

۱ـ بخش پاپی در خاور لرستان قرارگرفته است.از جنوب وجنوب باختری به‌بخشهای الوارگـرمسیری و ملاوی و ازخـاور برودخانه سزاروازباختربه حومهٔشهر و ازشمال به‌بخش زاغه‌محدود است. مساحت تقریبی آن ۱۲٤۰ کیلومتر مربع است و شامل چهار دهستان بنامهای‌زیر است :

۱ـ گریت ۲ـکشور ۳ـگازه ٤ـ کاکا شرف که جمعاً دارای ۸۲ قریه هستند .

کوههای پاپی عبارتند از :

۱ـ کوه‌کلو[۱] در تاف و جنوب کـاکا شرف ۲ـتیل‌مـرو ۳ـ کرناس[۲] ٤ـ یـووز[۳] ۵ـ تاف ٦ـ تـرس[۴] ۷ـ کیرف[۵] که بیشتر آنهـا از جنگلهای انبوه بلوط ـ گیرج[٦] ـ امرود ـ کیکم

۱- Kokelö در تواریخ بنام‌کوه‌کلاه آمده‌است. ۲-Kornâs ۳-Yowez
۴- Tars ۵- Kiref ٦ـ بمعنی‌زال‌زالك

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

و میوه‌های جنگلی مانند گلابی و انگور پوشیده است . درختان این‌جنگلها همه کهنسال وانبوه بودند که متاسفانه سالهای متمادی ساکنان پاپی یکی‌از درآمده سالیانه خودرا ازراه ذغال‌کردن این جنگلها قرار داده‌بودندکه اغلب یك‌رقم‌صادرات بخش مذکور به شهرها دیگر محسوب میشد .خوشبختانه با تصویب قانون ملی‌شدن جنگلها ازقطع آنها جلوگیری‌شد و اینك درمدت ده سال‌جوانه‌های درختان‌بریده خوددرختی شده‌اند که‌میتوانندجبران گذشته‌رابنمایند.

۲ـ رودها :

غیراز رود (سزار[۱]) یا دز که دربخش پاپی‌جاریست‌وهمان است کـه‌درجنوب لرستان سد محمدرضاشاه را بروی آن زده‌اند رودهای بزرگی در داخل بخش‌پاپی به‌آن معنی وجود نـداردبلکه آنچه بنام رودخانه ذکر میشود فاضل‌آب‌چشمه‌های متعددی‌است‌که پس‌از مصرف و استفاده‌زراعتی، مازادآنها دردرّه‌هاجاری‌میشود وآنهاهم به رود سزار می‌ریزند . مهمترین آنها عبارتند از :

۱ـ رودخانه کشور که ازکوه«تاف[۲]» سرچشمه مـی‌گیرد و چون از دهکده «وارك[۳]» میگذرد به‌این نام نیز مشهور است .

۲ـرود کرناس که از کوهی بهمین نام سرچشمه‌گرفته‌پس‌از مشروب‌ساختن زمینهای‌مسیرخود. اضافه‌آن‌به‌رودسزاریا«دز»میریزد.

۳ـ رودخانهٔ گریت‌که ازمرکز دهستان گریت سرچشمه‌میگیرد

۱- Sezâr ۲- Tâff ۳- Vârk

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

و پس‌از مشروب ساختن زمینهای «استربها» «سرکانه» ولیریائی[۱] اضافات آن به (دز) می‌ریزد .

٤ـ رودخانه کاکا شرف که‌از بهم پیوستن دورشته آبهای «ازنا» و «چنارکل[۲]»تشکیل‌شده‌وپس‌ازمشروب‌ساختن‌قسمتی‌ازدشت (کره‌گه[۳])درجنوب خرم‌آباد ، فاضل‌آب‌آن در محلّی‌موسوم به «می‌گلال[۴]» به رودخانه خرم‌آباد میریزد .

۳ـ آب‌وهواو محصولات:

بخش پاپی‌از برکت کوههای پربرف و نیز ارتفاع زیاد و جنگلهای انبوه آب‌وهوای ییلاقی داردوقسمتهای زیادی ازراههای آن در زمستانها بعلت برف‌زیاد غیر قابل عبور است . وچون‌هوای سردسیری دارد پایگاه بسیار خوب و مناسبی است برای سکونت ساکنان‌کوچ نشین آن‌که زمستانها را دراطراف‌اندیمشك‌و دربخش الوارگرمسیری میگذرانند میباشند. ولی‌یك‌نکته مهم که‌درباره‌کوچ این‌طوایف بایدگفته‌شود و آنهم‌عبور آنها و احشامشان‌میباشد ،از راههای کوهستانی سختی‌که هر سال‌دوبار برای رفت وبرگشت‌باید از آنها بگذرند . واین‌خود موجب زیان اقتصادی ازنظر دامداری است .

بیشتر زمینهای این بخش دیم است‌که قسمتی ازآنهانیزمراتع

۱- Liryâiy ۲- Chenârkol ۳- Korrega

۴- Megelâl (بمعنی زمینی‌است که‌بین‌دورودخانه‌باشد «گلال» یعنی‌رودخانه

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

طبیعی و یا محدودهٔ جنگلی است. محصولات عمدهٔ آنها: گندم ،جو و حبوبات است که اخیراً بواسطه کشیدن دوجاده خاکی به‌گریت و تاف روستائیان قادرند محصولات خود رابه‌بازار عرضه نمایند. گله‌داری شغل دیگری رای ینان این‌بخش‌بکـوچ‌نشـ است .

ب : وضع اجتماعی و سیاسی

۱ـ وجه تسمیه : وجه تسمیهٔ این بخش به‌پاپی بدرستی‌معلوم نیست، ازطرفی درهیچ یك از کتب‌تاریخی که‌وقایع‌قرنهای اسلامی این حدود را ثبت کرده‌اند چنین نـامی ذکـر نشده ولی نـام برخی دهستانها و ساکنین آنرا ثبت کرده‌اند . کـه باآنچه امـروز هست مطابقت دارد. ولی کلمهٔ پاپی دیده نشداما کلمهٔ «پپی[۱]» در گویش آنها هست که‌بمعنی پروانه است ظاهراًو بنا بـرآنچه معمّرین این بخش‌عنوان میکردند،چون، درمحدودهٔاین بخش(نه‌ازنظر تقسیمات کشوری بلکه‌ازلحاظ تقسیمات‌طایفه‌ای‌ومنطقه‌ای‌وایلی) امامزاده‌ای است موسوم به شاهزاده احمد شاه‌چراغ که‌در صفحات ۱٦تـا۱۸ این کتاب بتفصیل معرفی شده‌است وخدّام امامزاده همگی عمامهٔ قرمزبسردارند. ملقب به‌پاپی هستند که‌این کلمه بنام مادری واصلی آنها اضافه میشود. مثلا پاپی احمد یاپاپی‌رضا و غیره و یا فقط‌بـه کلمه «پاپی» برای تسمیهٔ افراد اکتفا شده‌است ، چون همهٔمردم‌این

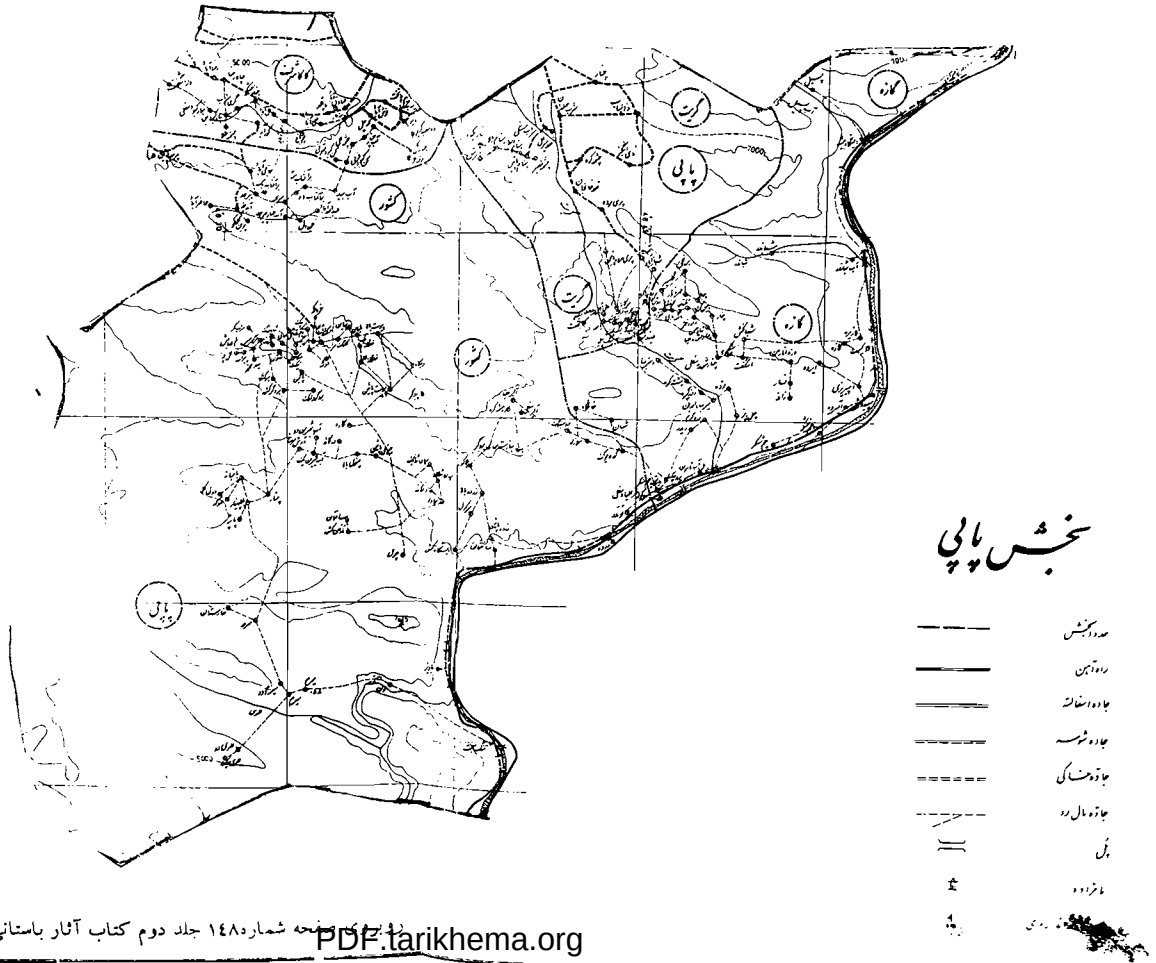
۱- PaPi

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org



نقشه شماره ۱۴۸ جلد دوم کتاب آثار باستانی و تاریخی لرستان

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بخش از نظر احترام، خودرا جزءخدمهٔ امامزاده‌میدانند از اینجهت نام پاپی به‌این محل و ساکنان آن اطلاق شده‌است .

۲ـ جمعیّت‌وگـویش : جمعیت آن نـزدیك به/۲۴۰۰۰ نفر است که شامل/۳۰۷۵ خانوارمیشود .مرکز بخش پاپی «سپیددشت» است که هم مرکز بخش‌وهم یکی‌از ایستاههای‌راه‌آهن بین دورود به‌اندیمشك است .گویش مردم‌آن لری‌است ولی‌باگویش لری شهر ودیگر بخشها تفاوتهائی دارد . و ازنظر دستورزبان و قاعده ابدال دارای موارد ویژه‌ای‌است. امّـااز نظرآداب‌ورسوم، اختلافی‌نیست دین آنان مانند ساکنان دیگر نقاط لرستان اسلام و مذهبشان شیعه دوازده امامی است . ازنظر اعتقادات مـذهبی متعصّب ولی‌روش عبادتشان آسان است .

نـام تیره‌های مسکون درایـن بخش عبـارتند از : بك‌بك، بگری، توه‌یی، جعفری، جودکی ، خدمه ، درویش‌وند ، رگی[۱] زهره، ساد، سیرمی، شیخ، صادقی،کشوری، گراوند،گیمری‌وند للری،لیریایی،مال‌زیری ، مـدهنی[۲] ،مراد ، مـرادی ، منجری[۳]، مهرعلی ، ناصری،هرشیروند[۴]، یاقوند، می‌باشند که برخی ازآنها درگذشته دور، از بختیاری به‌پاپی کوچ‌کرده و مسکون شده‌اند . معتقدات‌آنان‌مجموعه‌ای‌است ازدستورات دین مقدس اسلام وبرخی سنت‌های‌قدیمی ایران. از قبیل آتش را محترم داشتن و مانندآن .

۱-Regi ۲-Madhonni ۳-Monjeri ۴-Horsheirvan

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۳ـ صنایع دستی : زنان پاپی در بافتن نوعی «خورج» که نام محلی آن «هورسبو[۱]» است و برای نگهداری وسایل و لباس از آن استفاده میشود، مهارت دارند . رویه آن نقش و نگاری دارد که نـوعی نقش بومی و خاص محل محسوب میشود. غیراز این، قالی، چادرسیاه و جل می بافند .

آثار مهـّم این بخش عبارتنداز : تپه های گریت، قلعه مهرعلی، تپه سراب، طویله پاپی موسوم به قلعه خانجان، سیف الدین و تپه های کاکاشرف.

۱ـ سابقه تاریخی و آثار گریت

گریت، امروز از نظر تقسیمـات کشوری یکی از دهستانهای بخش پاپی است که شامل ۳۹ روستا و دهکده است. (تصویر شماره ۱) دهکدهٔ «سرتنگ قلا» مرکز گـریت را نشان میـدهد اما در گذشته نیز منطقهٔ پررونق و صاحب نامی بـوده است و اوج تـرقی آن مربوط به دوره حکام اتابکان لر کوچك می باشد . در تواریخ از آن بنامهای «گریت» و گاهـی بنام شهر گریت یـادشده است . حمدالله مستوفی از جمله شهرهای لرکوچك مینویسد: سه شهر خرابند، گریت ، لورشت وصیمره، معلوم میشود در این زمـان شهری خـراب بـوده است در صورتیکه تختگاه ییلاقی شجاع الدین خورشید بود و بعداز مرگ او سیف الدین رستم نیز آنجا را مقر حکمرانی خود ساخت .

از آثاری که در محدوده و مجموعه گریت باقی است مؤید این نکته

۱ـ Horrasbo

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

است. از جمله گورستانی بزرگ و آثار دیوارهای آجری و از همه مهمتر قلعهٔ گریت کـه مشرف برصحرای گریت بـوده است که مشخصات فعلی آن بشرح زیر است .

۲ ـ دژ گریت

درجنوب غربی گریت کوهی است بنام «دیرو[۱]». درشمال آن کوهی است کوچکتر که فقط دره‌ی بـاریکی آنرا از کـوه اولی جدا میسازد . این کوه بنام «سرتنگ» مشهوراست (تصویر شماره۲). برروی این کوه گونه آثار دژیابنابر آنچه از نقل مورخان حاصل میشود کاخی برجاست که امروز به «سرتنگ قلا» معروف است . دردره جنوبی این آثار، رودخانه‌ای است که از دوسراب «الی[۲]» و «جلدو[۳]» سرچشمه میگیرد و دو آسیاب را بگـردش درمی آورده است که اینك آثار و سنگ یـکی از آنها باقی است . (تصویر شماره۳) .

سطح این دژ ۱۶۰×۳۰۰ متر بوده که وسیله باروئی محصور میشده است . ارتفاع از قلعه تا پائین نزدیك به ۲۵ متر است . امـا موقعیّت طبیعی دژ بسیار جالب بوده که دیوارهای آن درسه طرف شرق و جنوب و شمال برتیغه کوه بنانهاده شده و ارتفاع زیاد آن مانع از هرنوع دست یافتن و تجاوز به آن میشده است . تنهاقسمت

۱- Dirow ۲- Ali :وجه تسمیهٔ این چشمه به «الی» ازآنجهت می باشد کـه دراطراف آب آن درختان آلوی وحشی زیاد است .
۳- Jaldo

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

غربی آن نیازبه‌حفاظت بیشتر داشته است . در جانب‌شرقی این‌آثار برجهائی که باسنگ و ملاط‌ساخته شده باقی‌است. (تصویرشماره٤) در سطح‌آن باقیمانده دیوار چند اطاق‌باقی‌است که متأسفانه برخی ازآنها بوسیله شیادان‌آفت‌آثار فرهنگی این سرزمین ،حفاری شده است (تصویرشماره۵) .

بهر صورت موقعیّت‌این دژ طوری بوده‌است که‌تمام‌شهر گریت،راهها وچشم اندازهای‌شمالی‌وشرقی رادر تسلّط دیدداشته است . آب این دژوسیلهٔ لوله‌های‌سفالی از «سراب‌الی»تأمین میشده ومسلماً چون‌چشمه «الی» درسطح خیلی بالاتری قرارداشته (تصویر شماره ٦) لولهٔ سفالی را بااینکه در مسیر تـه‌دره نیز کشیده امـاباز فشار زیادی داشته است ومیتوانسته آب را براحتی به دژبرساند. قسمتی ازاین لوله سفالی چون اکنون در مسیر راه قرار گرفته واز خاك بیرون‌افتاده بود ازبین‌رفته‌است. اندازه قطر تمام آن ۲/۵ اینچ واندازه‌مجرای‌آبرسانی یك‌اینچ‌است . (تصویرشماره ۷)

درشمال‌غربی‌دژ ، آثاردیوارآجری‌شهروبردامنهٔ‌آن‌گورستانی بزرگ وقدیمی است‌که‌متأسفانه چند قبرآن را غـارتگران به طمع گنج، بازکرده واستخوان‌های پوسیده رابیرون ریخته‌اند . (تصویر شماره۸) .

بروی این‌قبور تخته‌سنگهای‌بزرگ گذاشته شده است‌برروی **تپه‌ودژ گریت،سفالهای لعاب‌دار به‌رنگهای لاجورد وسبزونیزگلدار**

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بحد زیاد دیده می‌شود. در آنجا ظرفی سفالی پیداشده بود و شکسته بود که خود نمونه‌ای از ظروف سفالی این دره است (تصویر شماره ۹).

احتمالا گریت از پیش از اسلام نیز شهرکی بوده نسبتاً بارونق ولی در دورهٔ اسلامی بویژه در زمان حکومت اتابکان لرکوچك به اوج ترقی خود رسید. بخصوص هم در این دوره اهمیّت خود را از دست داد و این کیفیّت از آثار بجای مانده معلوم و هم مورخین از حوادثی که در آن اتفاق افتاده است مطالبی نگاشته‌اند.

پس از شجاع‌الدین خورشید برادر زاده او سیف‌الدین رستم (۶۲۱ هجری قمری) بحکومت نشست. ظاهراً مرکز حکمرانی و مقر حکومتش گریت بود. در باب دوران حکومت او مینویسند که: (در عمارت و زراعت بکوشید و مملکت را چنان آبادان گردانید که لرستان در سایه معدلت اورشك جنان گشت[1]).

در جای دیگر نیز از قلعه گریت ذکری شده است که:

«عزّالدین گرشاسف[2]» متصدی کار حکومت شد و ملکه خاتون خواهر شهاب‌الدین سلیمان شاه ایوه را که زن برادرش بود در حباله آورد. چون اخبار ببغداد به حسام‌الدین خلیل رسید برآهنگ ملك لرستان، بخوزستان رفت و بالشگری تمام، قاصد عزّالدین گرشاسف شد. عزّالدین گرشاسف قصد او نداشت و صلح خواست

۱- منتخب‌التواریخ معینی. ص ۵۵.

۲- چهارمین اتابك از اتابکان لرکوچك تقریباً ۶۳۵ تا ۶۴۰ هجری قمری.

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کرد . برآن که ملك تسلیم او کند ؟ خواهرانش همه مانع شدند ، که اگر بجنگ او نروی ما باوجود زنی ، کار مردان کنیم و بجنگ او رویم . عزّالدین گرشاسف ناچار عازم جنگ او شد .

بحدود (مردم[1]) [؟] فریقین بهم رسیدند . اکثر لران جانب حسام‌الدین خلیل داشتند . شکست بر عزّالدین گرشاسف افتاد . قصد قلعهٔ گریت کرد که زنش ملکه خاتون برآنجا بود . حسام‌الدین بفرستاد تا قلعه بربگرفتند و اورا برقلعه راه ندادند تا حسام‌الدین آنجا رسید و اورا بجان امان داد و قلعه محصور گردانید . بعداز سه روز بسخن عزّالدین گرشاسف ملکه خاتون در قلعه بگشاد و فتنه‌ها آرام گرفت[2]).

پس از این ، عاقبت قلعه گریت بتصرف حسام‌الدین خلیل درآمد و بعداز مدت کوتاهی دست بدست گشت . ولی بطور قطع معلوم نیست ازچه زمان ویران شده‌است . شاید بهنگام حمله امیر تیمور به‌لرستان برای دستیگری عزّالدین حسین بن محمود (۷۲۰تا۷۵۰هجری قمری) ویران شده باشد : زیرا ازاین تاریخ به بعد دیگر ذکری از گریت درجائی دیده نمیشود .

۱ـ ظاهراً شاید «سرخ‌دم» که در گویش محلی «سردم» گفته میشود باشد . (مؤلف)
۲ـ تاریخ گزیده چاپ امیرکبیر ، صفحات ۵۵۵ و ۵۵٦ ومنتخب التواریخ معینی صفحه ۵۸ .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بخش دوم

آثار دهستان کاکاشرف*

کاشرف یا کاکاشرف نام دهستانی است که در جنوب غربی «گریت» و در جنوب خاوری دشت «کره‌گه[۱]» قرار دارد. کوه مشهور «کلو[۲]» (به کسر اول) در جنوب آن قرار دارد. از مناطق خرم، پرآب و ییلاقی لرستان بشمار میرود (تصویر شماره ۱۰).

فاصله آن تا خرم‌آباد در حدود ۵۰/ کیلومتر است. جادهٔ آن شوسه اتومبیل‌رو میباشد که اخیراً از طرف شرکت ملی نفت ایران در مسیر جاده قدیم، بمناسبت وجود تلمبه‌خانه «پله‌بواس[۳]» کشیده شده‌است. زمینهای هموار آن کم است و بیشتر بصورت تپه ماهور دیده‌میشود، لهجه آنها همان نوع (لری) است که سایر ساکنان پایی به آن تکلّم میکنند روستاهای آن عبارتند از:

۱ـ نوشووه[۴] ۲ـ کاکاشرف ۳ـ چنارهشکه ٤ـ چنارکل ۵ـ چه‌رضا ٦ـ حاجی‌آباد ۷ـ تاف ۸ـ تپه‌دار ۹ـ چشمه‌تلاسه (بکسر، ت) ۱۰ـ چم‌باغ ۱۱ـ پشت‌قلا ۱۲ـ پنگووه ۱۳ـ پیرجید

* کاکه در گویش‌لری بمعنی برادراست و کاکا هم بهمان معنی است. درمورد وجه تسمیهٔ آن، ممکن است به این علت باشد که ظاهراً قبر شرف‌الدین ابوبکر برادر سیف‌الدین رستم در آنجا بوده‌ویا محل ومقر حکمرانی کوتاه او بوده باشد.

۱- Korrega ۲- Kelow ۳- Pelabowâs ۴- Nushowwa

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۱۴ـ بنارکیوه[۱] ۱۵ـ بن‌ریز ، است .

تاف و دهکدهٔ «نوژیو[۲]» یکی از زیباترین ییلاقهای لرستان و شاید جنوب غربی ایران است . در ابتدای سلطنت رضاشاه کبیر ، پس از تسخیر لرستان بوسیله قشون ، در تاف و «نوژیو» برای نظامیان اردوگاه تابستانی ساخته شده که هنوز هم باقی است . این راه از همان جاده شوسه منشعب میگردد . چنانچه از طرف دولت برای تعریض راه و آسفالت آن اقدامی بشود ، میتوان آنرا در زمستان برای ورزش اسکی و در تابستان برای گردشگاه و اقامتگاه تابستانی مردم خوزستان و لرستان مورد استفاده قرارداد.

کاکاشرف شاید در دوران ترقی گریت دارای اهمیّت بوده است . در کاکاشرف دو تپه بزرگ بفاصله ۵۰۰/ متر وجود دارد که تپهٔ شمالی را «تپه‌دار» و جنوبی را «پاقلا» میگویند .

تپه پاقلا نزدیك به ۲۰ متر بلندی دارد . در اطـراف آن آثار دیواری باسنگ و ملاط مشاهده شد که به‌احتمال زیاد قلعه‌ای بوده است . دراطراف آن خانه‌های روستائی ساخته شده‌است.

«تصویرشماره ۱۱» نشان دهنـده قسمتی از دره سرسبز و تپهٔ باستانی است ونیز در جنوب آن (سمت‌راست عکس) نیزقسمتی از «کوکلو» یاکوه کلادیده‌میشود .

سفالهای زیادی که براطراف و روی تپه مشاهده شد بیشتر

۱- Benarkiyowa ۲- Nozhiyo

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

مربوط به‌دوره‌های مختلف اسلامی به ویژه قرن‌هفتم هجری هستند.

در طویله منزل کدخداسهراب (کدخدای‌دهکده)نقبی‌مشاهده شد به بلندی ۱/۵ مترکه به مرکز تپه منتهی میشد. با چراغ بادی تا مقداری بداخل آن‌رفتم‌ولی بعلّت‌کمبودهوا ناچاربه‌برگشتن‌شدم.

از این تپه کوزه کوچکی به‌ارتفاع ۱۷ سانتیمتر یافت‌شده‌بود که ظاهراً مربوط به قرن هفتم و همزمان؛ سفالهای گریت است ، (تصویر شماره ۱۲)

برروی «تپه‌دار»که‌درشمال «پاقلا[1]» قراردارد نیزسفالهای همزمان مشاهده شد . ساکنین این ده از سادات تیره خلف‌وند میباشند که با اجرای قانون‌اصلاحات ارضی‌مالك شده‌اند .مالکین قدیمی آن «جعفریها» بوده‌اند .

سودین [2]

یا مدفن سیف‌الدین رستم

یکی از آثار مهّم کاکاشرف ، قبرسیف‌الدین رستم دومین حکمران‌اتابك لرکوچك می‌باشد . این قبردرمیان گورستان دهکده برروی تپه‌ای در شرق آن قرار دارد (تصویرشماره۱۳)

درمیان این گورستان قسمت وسیعی با سنگهای بزرگ

۱- Pâqelâ ـ پاقلعه ۲- Sevedi : سودی درگویش لری پاپی است و همان کلمه سیف‌الدین است .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

سنگچین وحصار کشیده شده و در وسط آن باقیماندهٔ قبری است که مشخّص است قبلا گنبدی‌هم داشته که بمرور زمان خراب شده یا آنرا ویران کرده‌اند. ولی‌آثاری ازکاشیهای ریشه‌دار روی قبر مشاهده شد.(تصویرشماره ۱٤) .

این قبر به «سودی» مشهور بوده ومورد احترام اهالی‌است و آنرا امامزاده می‌پندارند وروی سنگ‌هائی درمحدود قبر نذورات مردم از قبیل مهره‌هـای مختلف و سکه‌های‌یکریالی دیده‌شد .

به احتمال نزدیك به یقین میتوان گفت این قبر سیف‌الدین رستم دومین حکمران از اتابکان لر کوچك است بدلایل زیر:

۱ـ نام‌صاحب‌این‌قبربنا برآنچه‌بین اهالی‌مشهوراست‌به‌گویش محلی«سودی[۱]» (بکسراول‌ودوم) است‌که همان‌سیف‌الدین می‌باشد.

۲ـ بنابرآنچه‌در تواریخ ذکر شده سیف‌الدین رستم در دامنه «کوکلو» کشته‌شده‌است. (سیف‌الدین پس‌از رسیدن به حکومت در ولایت، عدل وداد‌ورزیدبمرتبه‌ای که‌زنی درآن‌عهددرده واشجان[۲] جو، در تنور بسوزانیدو بدان‌نان‌پخت. چون این‌سخن به‌سیف‌الدین رستم رسید ازآن زن‌بازخواست می‌نمود.زن‌گفت بدان سبب‌کردم تا بروزگار بازگویند که در عهد تو امن‌و رخص بمرتبه‌ای بود که زنان بجای هیمه ، جودر تنور می‌سوختند و بدان نان می‌پختند. در

۱- Sevedi ۲-Vâshjân ـ ظاهراً دهکده‌ای باشد که امـروز «واشیو» گفته میشود .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

عهداو از دلاوران لران شصت مرد قاطع‌الطریق بودند و راههائی ازایشان مخوف ومنقطع‌وحکام عراق ازدفع ایشان عاجز.اوتمامت را بعداز محاربه اسیر گردانید . هریك رابه شصت سراستریك‌رنگ بازمی‌خریدند . نپذیرفت وگفت بروزگار بازگویند کـه رستم دزد فروشی کرد . تمامت را بقتل رسانید .

چون لران این‌عدل‌وداد‌برنمی‌تافتند [این‌درهرزمانی‌بوده‌است که اجرای عدالت بردوش عده‌ای سنگینی میکرده‌است] با برادرش شرف‌الدّین ابوبکرمتفّق شدند وقاصد[جان]او گشتند . اواز حمام سر ناشسته بیرون دوید وبایك مرد گریزان شد . قوم درپی اوکردند چون بر (کوکلا[1]) رفت آن‌مرد که‌بااوبود [بادشمنان هم‌عهد] بود اسب او را پی‌کرد . سیف‌الدین رستم بیفتاد ناچار برسنگی نشست برادرش شرف‌الدّین‌ابوبکر بدورسید اورا تیری زد و بامیر علی‌بن بدر، گفت تابقصاص پدرسرش برداشت[2]).منتخب‌التواریخ‌معینی نیز مطالبی بااین کیفیت ذکر کرده‌است ولی‌نام کوه‌را نیاورده است . بااین‌تفصیل‌و توضیح‌از مورخین و نامها و آثار موجود میتوان‌گفت که«سودی»همان‌قبری‌است که سیف‌الدین رستم‌درآن‌مدفون‌است‌چه خوب بود اگرمقامات مسئول، قبوریا مقبرااین امرا وحکامی‌راکه

۱- Kokelâ همانست که به کوه‌کلا در اینجا آمده‌است وامروز هم بهمین بهمین نام مشهور و بگویش لری Kelâ گفته میشود.

۲- تاریخ گزیده چاپ امیرکبیر ص۵۵۳ و ۵۵٤ و منتخب‌التواریخ معینی صفحات ۵۵ و ۵٦ .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

درگوشه‌ای از ایران قهرمانان تاریخ عصر خود بوده‌اند اکنون نیز حفظ میکرد .

مقبره مارگیمه

در دهکده‌ای واقع در شرق کاکاشرف ، برسر راهی که به «تاف» و «نوژیو» میرود و نزدیك پلی که امروز به (پل موسی خانی) مشهور است و درشمال دهکده (چوتاش[۱]) [بمعنی چوب‌تراش] برروی تپه‌ای به ارتفاع تقریبی ۱۸ متر، گنبدی است ازسنگ و آجر و ملاط وبسبك و آثار قرن هفتم، که بشکل مربع ساخته شده‌است . اندازه هرضلع آن ۳/۲۵ متراست برروی زوایای آن مقرنس‌هائی تعبیه شده و آنگاه طاق اصلی برروی آنها مخروطی شکل ساخته شده‌است ارتفاع گنبد ۱۲ متراست «تصویرشماره ۱۵».

قبر در داخل مقبره باکاشیهای سبزریشه‌دار تزیین شده بوده‌است که متأسفانه درسال ۱۳۴۷ عده‌ای دزدو بی فرهنگ برای یافتن گنج قبررا درهم ریخته‌اند. برروی سقف و فاصله بین مقرنس‌ها نوعی گچ بری ساده زیك زائ وجوددارد و اینها تنهاتزئین مقبره هستند . «تصویرشماره ۱۶»

نام صاحب مقبره بنابرآنچه درمحل ونزد اهالی مشهوراست «مارگیمه» نامیده میشود که این ترکیب از دو کلمه «مار» بمعنی مادر [البته در گویش دزفولی است] . در صورتیکه در بخش پاپی مادر

۱- Chutâsh

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

را دایه میگویند کلمه دیگر «گیمه‌است» که ظاهراً این‌هم از دوجزء «گیمه Geya» درگویش پاپی بمعنی برادر است‌ودومی‌بمعنی‌احمد یا محمد است‌که معتقدنداین‌مقبره خواهرشاهزاده احمد (که‌شرح‌اودر درصفحات ۱۶و ۱۷ این کتاب آمده‌است)می‌باشد .متأسفانه سنگ قبری هم درآنجا مشاهده نشده که مشخص‌کند صاحب قبرکیست . به‌اعتباری شاید مدفن ملکه خاتون خواهر شهاب‌الدین سلیمان شاه ایوه و زن برادر عزالدین گرشاسف باشد . ملکه خاتون درارکان دولت شرف‌الدین‌وتحوّلات‌زمان‌خودنقش مؤثرو اساسی‌داشته‌است.

سرخابن علی

قارون نام دهکده‌ای از بخش پاپی است و اکنون نیز اولین ایستگاه راه‌آهن بین دورود و اندیمشك است .

درغرب آن و درمیان گورستان قدیمی قبری است که‌مورد احترام مردم است و سرخابن‌علی [سرخاب‌بن‌علی می‌باشد].

ازجمله صاحب نامان دورهٔ اتابکان لرکوچك شخصی بوده است بنام سرخاب‌بن‌عیار که‌بین او وشجـاع‌الدین همواره‌اختلاف بود وبنا به‌نقل‌حمدالله‌مستوفی درتاریخ گزیده[. . .ازقوم‌جنگروی[1] محمد وکرامی‌بخدمت شوهله رفتند ومرتبه‌یافتند . ایشان‌رافرزندان معتبر خواستند ، از جمله شجاع‌الدین خورشیدبن‌ابی‌بکربن‌محمدبن

۱- چنگری

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

خورشید وسرخاب عیار هم‌خدمت حسام‌الدین شوهله کردی. بناگاه میان شجاع‌الدین خورشید و سرخاب در شکار برسر خرگوشی مخاصمت شد. دست بتیغ کردند. حسام‌الدین شوهله ایشان را از هم جدا کرد [آن گرددرمیان بماند]. بعداز مدتی حسام‌الدین‌شوهله شحنگی بعضی ولایات‌لرکوچك شجاع‌الدین‌خورشیدرا داد وبعضی سرخاب‌عیار را. درآن وقت ظلمی تمام‌ازحکام عراق برآن‌ولایت رفتی. خواستند که‌بدفع آن قیام نمایند. شجاع‌الدین‌خورشید را حکم ساختند که از فرموده‌او تجاوز نمایند تا اوآن ظلم‌دفع‌کند و براین‌موجب خط دادند. دراثنای این‌حال‌حسام‌الدین‌شوهله‌درگذشت و شجاع‌الدین خورشید باستقلال حاکم آن موضع شد وبتدریج ملك از تصرف سرخاب عیار فروگشاد تا سرخاب‌را بدان رسانید که‌از قبل اوبه‌شحنگی مانرود قانع شد وملك لرکوچك بیکبار بر شجاع‌الدین خورشید قرارگرفت . . . . [۱]

ممکن است این‌قبر مربوط به سرخاب بن‌عیار باشد.

۱- تاریخ گزیده چاپ امیرکبیر صفحات ۵۵۱ و ۵۵۲

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

تصاویر
فصل سوم

PDF.tarikhema.org

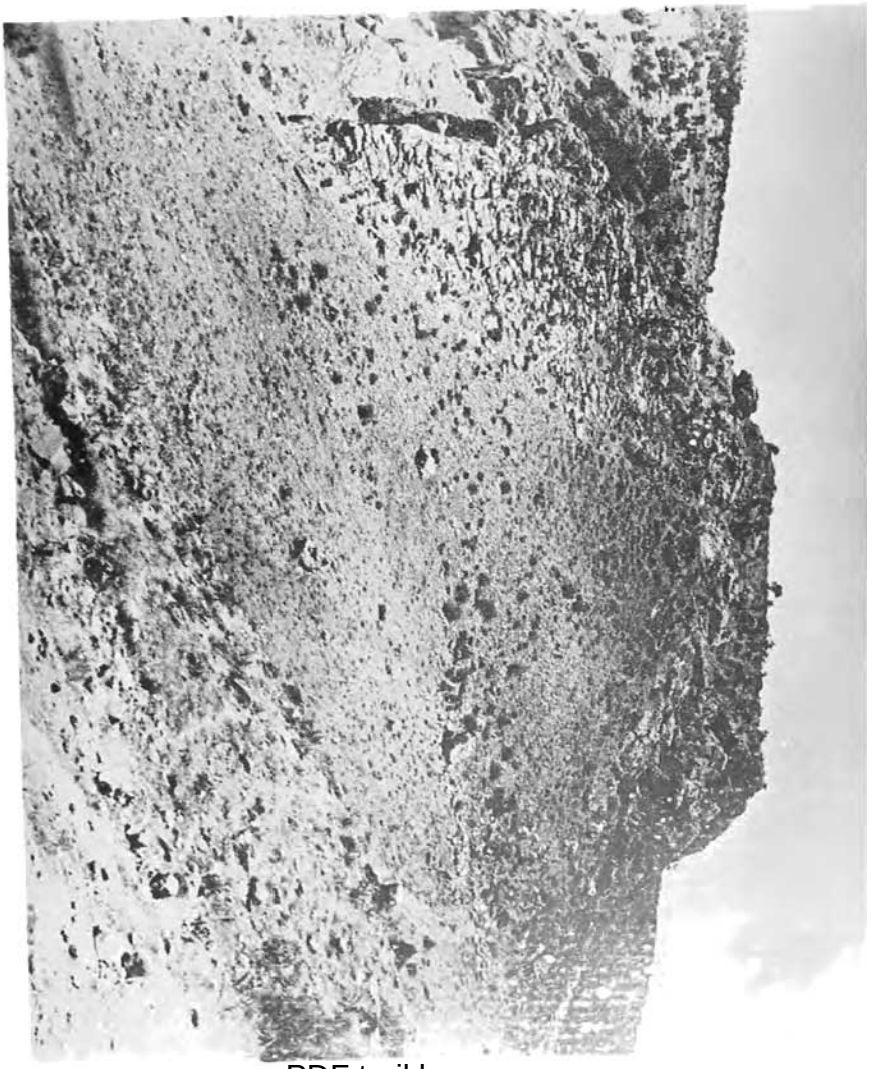
PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۱ – منظره‌ای از دهکده سرتنگ تلا مرکز کریت

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شمارہ ۱۔ تیونگ یاو

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شمارهٔ ۳ – سنگ آسیاب قدیمی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ٤ – پایه‌های برج کرانه‌نگار tarikhema.org ساخته شده است

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۵ - یك قسمت حفاری شده از تپهٔ سرتنگ تلا

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ٦ – محل چشمهٔ آبگرم* مشخص شده است

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۷ – نمونه لوله‌های سفالی که از چشمه الی یا دژگربت کشیده شده است

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۸ – یکی از گورهای گریت کاوه‌ای در نزدیکی مجاز قرار گرفته است

PDF.tarikhema.org

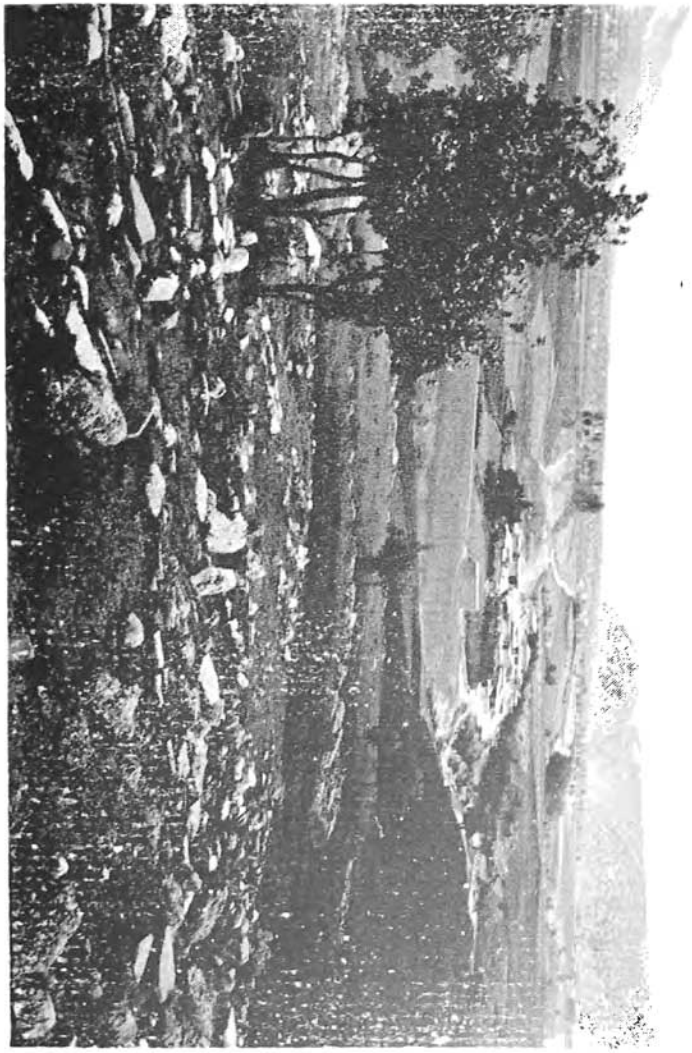
PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۹ ـ یك ظرف سفالی که در خرابه‌های گربت یافت شده است

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۱۱ – منظره‌ای از درهٔ کاکشرف و تپه‌های باستانی آن

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

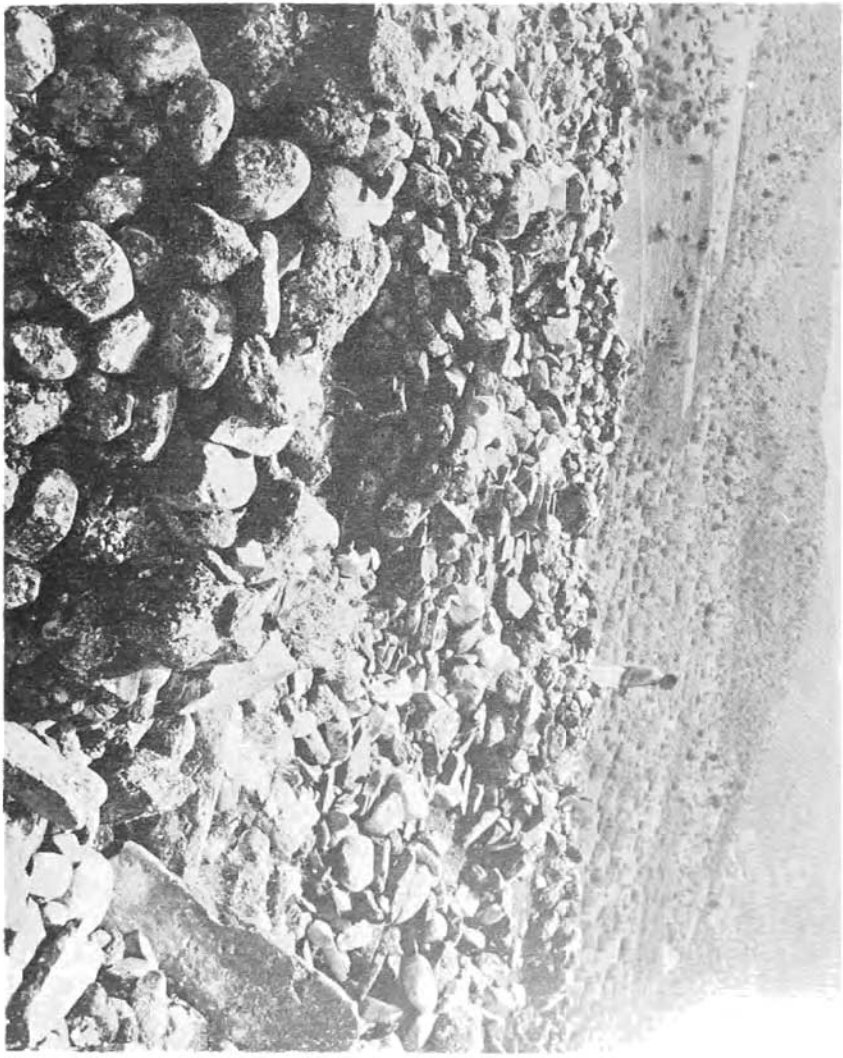
PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۱۳ - دورنمای تپه و گور سیف‌الدین

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۱۵ – گنبد « مارگیمه »

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۱۶ - کچ بری داخل گنبد مهابرکهه

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

فصل چهارم

بخش اول

زاغه *

الف ـ اوضاع طبیعی

۱ـ بخش زاغه تقریباً درشمال غربی لرستان واقع شده‌است. محدوداست ازشمال‌و شمال‌خاوری به‌شهرستان‌بروجرد، از غرب‌به بخش چقلوندی، از جنوب ومشرق به بخش پاپی و بخش حومه .

مساحت تقـریبی آن ۲۷۷ کیلومتر مـربع است[۱] . این‌بخش قبلا بنام سکوند مشهور بود و اخیراً در تقسیمات کشوری «زاغه» نام داه شده است و شامل چهارنهستان بنامهای :

۱ـسکوند ۲ـدالوند ۳ـرازان ٤ـکارمه«قائدرحمت»»

و۱۸۰ ده‌می‌باشد . مرکز بخش آن زاغه‌است که‌بر سرراه سراسری قراردارد .

---

*درگویش لکی‌این کلمه«زاخه»تلفظ‌می‌شود.

۱- جغرافیای نظامی ایران ، لرستان ، تألیف‌سپهبدرزم‌آراء ص ۱٦٦

۲- Karama

** سکوند،دالوند وکارمه،علاوه براینکه‌نام دهستان می باشند، نام‌طوایف مهم مسکون دراین بخشند که هر یك به تیره وزیرتیره هائی تقسیم میشوند ,

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کوههای زاغه عبارتند از :

۱ـ دنبالهٔ کوه سیاه‌کمر که‌ازشمال دهکدهٔ ازنا میگذرد. این کوه «مخملکوه»هم گفته میشود . ۲ـ کوه کنگرزرد ۳ـ چال‌خایه ۵ـ تاریك‌در ۶ـ باغ‌میر ۷ـ کلوفرنگی، دردالوند ۸ـ کوه‌گردله . ۹ـ باوو[1] ۱۰ـ ازگنه و خاك‌مالگه ۱۱ـ کوه دم‌غزنیه[2] ۱۲ـ کوه سرنجه دردهکده ساکی . اغلب این‌کوهها دارای درختان کیکم ، بلوط و ملهو می‌باشد .

رودخانه‌های ،هم‌این‌بخش عبارت‌است از :

۱ـ رودی که‌ازکوههای ازگنه و خاك‌مالگه‌سرچشمه میگیرید وراه سراسری را دردهکدهٔ مشهور به «پیل‌هرّو»قطع نموده که بعداً دربخش الشتر «کشکو» نامیده میشود .

۲ـ رودخانه «آوسو»که‌پس ازطی دامنه جنوبی کوههای این بخش بنام«کرگونه[3]»به‌رودخانهٔ خرم‌آباد می‌ریزد .

وضع اقتصادی

هوای‌برخی ازنواحی‌این‌بخش معتدل‌وبعضی‌سردسیری‌است . محصول‌عمده‌آنها گندم وجو و محصولات صنعتی‌است . پرورش دام‌یکی دیگر ازراههای درآمدمردم این بخش‌است‌که به‌این منظور ناچاراکثر آنها زندگی کوچ نشینی دارند. بویژه سکوندهاکه‌بدنبال

۱ـ Belovo ۲ـ Domghazina ۳ـ Kargona

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

گله‌چرانی تا اطراف دزفول کوچ می‌کنند و اکنون نیز طایفه‌ای از این ایل بزرگ در شوش مسکون هستند که به‌سکوند رحیم‌خانی مشهورند (طایفه سکوند مسکون در بخش زاغه عالیخانی می‌باشند).

درآمد مردم از زندگی مشقت‌بار کوچ‌نشینی چندان چشم‌گیر نیست زیرا عوامل مهم طبیعی مانند، خشکسالیها، کمبود گیاه، و بیماریهای دام، هرساله بزرگترین رقم تلفات را برای آنان به‌ارمغان می‌آورد. آنچه باقی میماند تکافوی زندگی آنان را ندارد.

وضع اجتماعی و سیاسی

درمورد وجه تسمیهٔ آن به زاغه، مدرکی بدست نیامده ولی ژاك دومرگان درسال ۱۸۹۱ در مورد «زاغه» در یادداشتهای خود نامی آورده‌است[۱]. درباره نام قبلی آن یعنی سکوند، چون یکی از ایلهای مقیم این بخش به‌این نام مشهور بوده و نفوذ بیشتری داشته‌اند این بخش به سکوند اشتهار یافته است. اما آنچه در بارهٔ تسمیهٔ این ایل به سکوند درجغرافیای رزم‌آراء مطالبی آمده است دور از حقیقت بوده و هست ونیاز به بررسی بیشتری دارد. شاید اجداد آنها از «سکاها» بوده وسپس اعقاب این قوم با تحریف این کلمه و با پسوند

۲- اومینویسد: (صبح زود خرم‌آباد را ترك و شب دردرهٔ **هورو** چادر می‌زنیم. ما کوتاهترین راه بین خرم‌آباد ـ بروجرد را انتخاب کرده‌ایم و این راه جز دومنزل نیست درحالیکه راه کاروان‌رو که از **زاغه** میگذرد چهارروز طول میکشد). جغرافیای غرب ایران ترجمهٔ دکتر ودیعی حاشیه صفحه ۲۰۲.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اضافه به این نام مشهور شده‌اند و الا بعید بلکه ناروا است که اطلاق این نام را به این ایل از آنجهت بدانیم که جد آنان «سگ» پرورش میداده و یا نام سگ داشته‌است. این منطقی است که گفته شود ممکن است (سك) در اصطلاح به مفهوم (پاك و ارجمند) آمده باشد و لقبی برای سکاها است و ترکیبی آن سکستان و سکزی هم‌هست که نمی تواند بمعنی محل سگ وحالت نسبی و نوع آن باشد. اما در مورد اینکه اینان باقیمانده‌ای از قوم سکاها باشند مطلبی قابل بحث است که‌می‌توان با توجه به نفوذی که این قوم‌داشت و برخوردها و جنگهایی که با مادها داشتند و همچنین مسیر نفوذ آنها، این ادعا را عنوان کرد.

جمعیت و گویش

همانطوریکه گفته شد، بخش زاعه شامل ٤ دهستان: سگوند ـ رازان ـ قائدرحمت و دالوند است که جمعیت تمامی آنها ۳٦٥٤٦ نفر و شامل ۵۳۲۰ خانواده می‌شود. تمامی آنان مذهب شیعه ۱۲ امامی دارند. گویش آنها غیراز چند تیره لك مهاجراز هرّو، که درقسمت شمالی این بخش مسکونند، بقیه گویش لری دارند.

نام طوایف و تیره‌های مسکون در این بخش عبارتند از: آرووا[۱]، ایناتو، ایوه‌شو[۲]، باجول‌وند، بگری (به‌فتح اول)، پمّه‌خر[۳]

۱- Arevo ۲- Ivasho ۳- Pamahar (بمعنی «پشه‌خور» است)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

پورسرتیپ، پیامنی ، جشنیو[۱] ، جویکی ، چکمه‌سی[۲] ، چگنی[۳] حسن‌گایار، حسینخانی، خدایی، خرمی ، خسروی ، خلف، خلیفه‌وند خلیلو ، خوپرر[۴]، دلفو[۵] ، رش، زنجفیل (از مهاجرین چقلوندی می‌باشند) زینل، ساکی[۶]، سیفلو[۷] ،شووو[۸]، شووردی[۹]، صافی، صفر ، صنوبر ، صوفی‌وند ، طاهروند (تیره‌ای از سادات لرستان میباشند) عالیخانی ، علی‌دوست ، فراش ، قلی ، کاظمی ، کاید، کر ، کرنوکر (بضم اول) کورکور، کوسه ، گرگووی[۱۰]، لك ، ماکنالی ، مرضا ، مختوا ، مسخالی[۱۱]، ملکشاهی ،میخك، نخود ، ندروند ـ نماله[۱۲] .

معتقدات آنان‌نیزمانندسایر لرهای لرستان است که‌مجموعه‌ای از دستورات دینی و عادات و سنت‌های بومی‌و قومی‌است .

در مورد سابقه تاریخی‌دراین بخش، غیرازتپه‌هاوآثاری‌چند در هیچیك از کتب قدیم نامی نیست.فقط ژاك‌دومرگان بهنگام گردش علمی خود وهیئتش، ازقسمت جنوبی آن‌عبور نموده و توضیحی گذرا ومختصر دربارهٔ این بخش داده‌است .

۱- jashniyo ۲- Chakmasi چکمه‌سیاه ۳-اینها اصلا اهل چگنی‌هستندکه‌به این بخش آمده‌اند . ٤- Xoperar

۵- اینها نیز از مهاجرین بخش دلفان هستند ٦- قدیمیترین طایفهٔ مقیم لرستان هستند وبنا به نقل صاحب منتخب‌التواریخ معینی ، قوم ساکی اگرچه‌زبان‌لری‌دارند اما دراصل لرنبوده‌اند . منتخب‌التواریخ معینی ،ص ۵۳

۷- Seyfelo ۸- Showo ۹- Showerdi ۱۰- Gorgowi ۱۱- Masxyâli ۱۲- Nemâla

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ولی میتوان گفت ارتباط مستقیم بین آثار این بخش و آنچه در «گریت» و «کاکاشرف» بجای مانده برقرار است.

درمورد نام رازان که یکی از دهستانهای این بخش است یاقوت حموی به این نام اشارد دارد ومینویسد: (کوی بزرگیست در بروجرد[1]) و بیش از این مدرکی بدست نیامد.

کیو ۲ (کیان)

نام یکی ازمناطق خوب وپرآب بخش زاغه است. ازشمال به کوه زردلی ازجنوب به «یاسی کوه» و تنگه «سی زیوا» و «ازگنه» ازمشرق نیز به کوه ازگنه وازباختر به «آوسو».

کیو، یکی از مناطق سردسیر وخوش آب وهوای زاغه است زمینهای خوب آن آماده برای انواع زراعتهای بومی وسردسیری است. راه ماشین رو هنوز برای آن کشیده نشده است. ارتباط آن هنوز از باریکه راههای پیاده رواست که فقط با جیپ میتوان مسافتی را طی کرد.

آوسو ۳

«آوسو» که قلمی آنرا امروزه «آبستان» ذکر کرده‌اند ؟

۱ـ برگزیده مشترك یاقوت حموی ترجمهٔ پروین گنابادی ص ۹۳.
۲ـ Koyo ۳ـ Owoso: نام منطقه دیگری در زاغه شامل چند دهکده.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

منطقه‌ای است‌شامل دهکده‌های :خره‌سی[۱] ـ میل میلك ـ می گرد ـ بایه ـ اکبرآباد ـ تقی‌آباد ـ محمدآباد ـ جمشیدآبـاد ـ فتح‌آبـاد که‌آن هم نیزاز مناطق سرسبز و پرآب بخش‌زاغه محسوب میشود .

زراعت عمده آن گندم و جو و مقداری صیفی‌کاری است ولی‌آنطور که باید وشاید از امکانات طبیعی و آب و زمین مستعد استفادهٔ نمی‌شود و اکتفا به‌کشت مقداری گنـدم وجو درحـد نیاز خانوادگی‌میگردد.در دهکدهٔ «بایه»و «خرّه‌سی»فعالیتهای کشاورزی و دامداری گسترده‌تری در چند سال اخیرشده و میشود .

برنجکاری یك زراعت خوب بومی‌بوده‌که نوعی برنج چمپا محصول آن بود . متأسفانه این زراعت امروز نمی‌شود . زمینهای آن برای کشت خربزه‌و هندوانه و خیار نیز آمـاده است امّـابعلت عدم آشنائی در اینمورد نیز کار عمده‌ای انجام نمی‌شود .

ازنا [۲]

دشتی است نسبتاً وسیع با نهرهای پرآب و محصور بوسیله کوههای پایی‌در جنوب‌و کوههای«مَمیل»و«سیاه‌کمر» درشمال .از مناطق ونقاط خوب و مستعد برای کشاورزی و دامداری در بخش

۱- Xarrasi (خره) گل‌یا ترکیب‌آب‌وخاك راگویندو(سی) بمنی‌سیاه‌است

۲- Aznâ نام دهکده‌ایست جزء دهستان سگوند وهمچنین نام بخشی‌است جزء الیگودرز که قبلا به بخش چالانی مشهور بود .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

زاغه‌است . فاصلهٔ آن تاخرم‌آباد در حدود ۳۰ کیلومتراست .مردم آن نسبت به سایردهات بخش، ازمزایای بهداشتی‌وفرهنگی بیشتری برخوردارند .

کشت خشخاش یکی‌از راههای درآمد مـردم این منطقه بود کارهای دستی آن قالی‌وزیلوو«هورسبو[۱]» و خور و خورجك‌بافی است که‌ازجمله‌صنایع بومی‌منطقه‌است که‌زنان می‌بافند. همانطوریکه قبلا اشاره‌شد ، دربخش پاپی‌و نیز درازنا که هم‌جوارآنست‌میتوان این‌صنایع راتقویت‌کرد وبا امکانات‌بیشتری که‌دراختیارروستائیان گذاشته میشود رقم‌درآمد مردم‌را از این راه بالا برد .

وجود تپه تاریخی و بزرگ علی‌آباد در ازنـا نشان دهنـده آبادی‌و سکونت قبایل قدیمی درآنست . ازنا برسر راه پاپی قرار گرفته، زیراراهی که‌به «گریت»میرودازاین دهکده‌میگذرد.رفت‌وآمد ازآن‌حتی بامینی‌بوس نیز انجام میگردد.

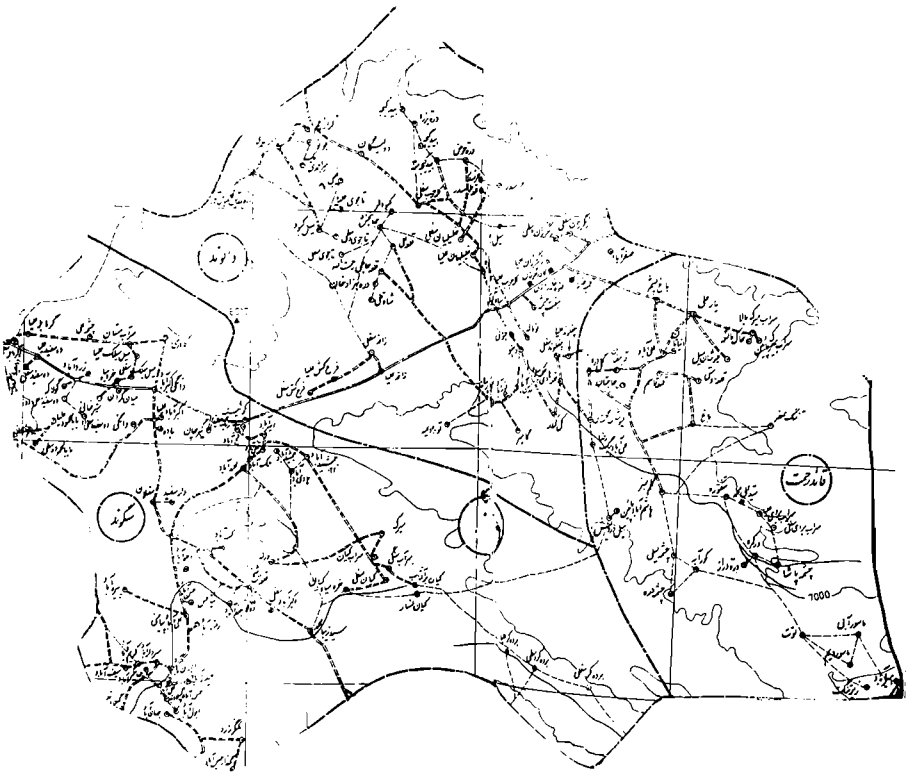
طوایف خسروی و عالیخانی در ازنا مسکون هستند .

۱ـ Hoorasbo : نوعی «خور»است که‌رویه‌آن‌بانقوش‌وپودی مانندقالی بافته میشود وبرای نگهداری وسایل‌خانه در روستاها از آن استفاده میگردد . هورسبو حتماً یك قلم از جهیزیه عروس در روستاست .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



نقشه شماره ۱۸۸ جلد دوم کتاب آثار باستانی و تاریخی لرستان

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آثار باستانی و تاریخی

الف : تپه‌ها

۱ـ در دهستان سکوند تعداد تپه‌های باستان و آثار قبور متبرکه بیشتر از سایر دهستانهاست .دارای ۲۰ تپه است .اولین اثر قدیمی ، تپه‌ای بسیار بزرگ است در مرکز بخش که به (تپه زاغه) مشهور است.(تصویر شماره ۱) .

این تپه که خانه‌های روستائی زیادی بر روی آن و در حریمش ساخته شده ، از تپه‌های مهمی است که تمدن های مختلفی از دوره‌های گذشته را در آن میتوان مطالعه و بررسی کرد .

۲ـ تپه علی آباد از ناکه یکی از تپه‌های با اهمیت این بخش محسوب میشود و سفالهای منقوش مربوط به پیش از تاریخ بر روی آن مشاهده شد .

۳ـ تپه «میرفلا» واقع در دهکدهٔ میل میلك .

٤ـ تپه حسین خان ساکی واقع در دهکده ملك آباد آوسو (تصویر شماره ۲) این تپه آثاری از پیش از اسلام و دوره‌های اسلامی را در بردارد.

٦ـ تپه «پیامنی [۱]» واقع در دهکده‌ای بهمین نام که در ٤٥ کیلومتری شمال غربی خرم آباد و شمال دهکده ازنا و در دامنه کوهی بنام بلکیس کوه [۲] قرار گرفته است .

۱ـ Peyâmeni ۲ـ Balkisko

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بعلت خاکبرداری ازاین تپه و بمرورزمان یك دیوار بزرگ باسنگ وملاط بیرون افتاده‌است . (تصویر شماره ۳)

ارتفاع این تپه نزدیك به۱۰متراست . راهی که‌ازشمال‌غربی این‌تپه گذشته وبدهکده«بایه»میرودبه‌نام(مغولو)مشهور است .برخی ازاهالی معتقدند که‌لشگریان مغول ازایـن‌راه عبـور کرده‌اند .ولی چنین یورشی را درجایی و تاریخی ثبت نـکرده‌اند و یـا اشاره‌ای نرفته است .

فقط امیرتیمور بدنبال شورش ملك عزالدین اتابك لرکوچك به لرستان لشگر کشید و یك شب هم در خرم‌آباد بسربرد ۱. (۷۸۸ هجری‌قمری).ممکن‌است‌لشگریان‌تیموراز‌این‌راه‌گذشته وبه «گریت»

۱ـ موضوع حمله امیرتیمور برای سرکوبی ملك‌عزالدین در ظفـرنامه چنین آمده است :

(روز جمعه غره ربیع‌آلاخر بمبارکی وطالع‌سعد به‌وروجرد نزول فرمود و امیرزاده عمرشیخ از قرون گذشته بپایه سریراعلی رسید واجـازت طلبیده (بمورچل خود)بجوانغار رفت وحضرت صاحب قران سیف‌الـدین قلداش را بکوتوالی قلعه‌وروجرد نصب فرمودوشیخ‌میکائیل رابه‌ضبط نهاوندبازداشت وازآنجا بسعادت و اقبال روان شده روز سیوم بفیروزی وخرمی بخرم‌آباد رسید . ملك‌عزالدین‌چون توقف نیارست‌نمود بضرورت واضطرار فراراختیار کرد . صاحب‌قران‌کامکار یك‌شب‌به‌سعادت‌آنجا بگذرانید وروزدیگر بجهت محاصره قلعه جماعتی را ازسپاه تعیین فـرمود و امیرزاده عمرشیخ راطلب داشته بتکامشی ملك‌عزالدین فرستاد و لشگرها ازبرای دفع متمردان‌وقلع‌و قمع ایشان به‌اطراف و جوانب روانه‌گـردانید و به‌نفس‌مبارك ازخرم‌آباد نهضت فرموده) ظفرنامه شرف‌الدین علی‌یزدی ، ج ۱ ، ص ۴۲۰ .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

حمله کرده‌باشند .

تپه‌های مهم‌دیگر عبارتند از : تپه بایه در دهکدای بهمین‌نام، تپه‌باغ درتقی‌آباد، تپه«کیووه»درامیرآباد ،تپه‌گیرچو[۱] ، تپه‌کنگرزرد درازناو تپه«سراب‌دیگه»درهادی‌آباد، تپه ممیل‌دردهکده‌ای‌بهمین‌نام

ب: آثار دیگر بخش زاغه

پیرسلیمان

قبری است درجنوب دهکدهٔ ازنا که اطراف آنرا سنگ‌چین کرده‌اند ، در وسط آن قبر قرار دارد . این قبر نزد اهـالی محترم است و به‌پیرسلیمان مشهوراست . (تصویرشماره٤) .راجع‌به‌صاحب قبر هیچ اطلاعی غیرازاین بدست نیامد .

پیراحمد

در دهکده بایه[۲] واقع در ۳۵کیلومتری راه اسفالته خرم‌آباد خرم‌آباد به بروجرد ،بردامنهٔ کوه (بنه‌سره[۳]) قبری است کـه‌اطراف آنرا سنگ چین کرده‌اند . قبرگویا دارای طاق ورواقی بـوده که بمرور زمان از میان رفته است . بامشخصاتیکه از نوع سنگ قبرو نوشته ها کوفی مشخص میشود، احتمالااین اثر مربوط به قـرن‌ششم هجری باشد وشاید پیراحمد پـدر خلیل‌اکبراز بزرگان همان عصر باشدکه قبراودر «قلعه‌نصیر» میان‌کوه‌واقع شده‌است (به‌تفصیل‌صفحه

۱- Gircho ۲- Bâya ۳- Bonasera

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۴۱ و ۴۲ همین کتاب که در اینمورد هست‌مراجعه شود.)

دو سنگ‌قبر از محل همین قبر مشاهده شد که روی یکی با خط کوفی بصورت برجسته کلماتی بود. (تصویرشماره۵).

یکنوع دیگر سنگ قبرهائیست که مخصوص اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم بوده و دردورهٔ حکومت برسقیان بیشترمعمول بود. (تصویرشماره ٦)

آسیاب ازنا

در دهکده ازنا باقیمانده یك آسیاب قدیمی مشاهده شد. این آسیاب ظاهراً بسیار بزرگ بوده است وساختمان آن با دیگر آثاری که‌از آسیابها قدیمی‌بجای‌مانده‌تفاوت‌زیاددارد. بیشترشباهت به‌ساختمان آسیابهای بادی اروپائی دارد. (تصویرشماره۷)

اکنون ارتفاع این بناکه بصورت مخروط ناقص‌است‌نزدیك به٦ متراست. تمام این‌بنابا‌سنگ‌و ملاط‌ساخته‌شده. به‌تاف مشهوراست

بقعهٔ سید زیوا

(سید زیبا مشهور به زیبا محمد)

در دهکده «سیدزیوا» واقع در «ممیل» بفاصله ۵۰ کیلومتری شمال‌شرقی‌خرم‌آباد، مقبره‌ای‌است‌مشهور به(سی‌زیو[۱]) که دومرگان

۱- Say Ziva

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

از آن بنام «زیبامحمد» یادکرده‌است.

این مقبره در دامنهٔ کوه (برفتو[۱]) و کوه (یاسی‌کو[۲]) قرار دارد. (تصویر شماره ۸) بقعه‌دارای کفش‌کنی‌است بطول وعرض ۵×۳/۵ متر. درورودی آن بطرف جنوب بازمیشود. بقعه محل قبر مربع‌شکل است که هرضلع آن ۳/۶۵متراست. قبردروسط قراردارد وارتفاع آن۱۱۵ سانتیمتر وطول وعرض آن۱۷۷×۷۷سانتیمتراست. اطراف و حاشیه و لبه‌ها قبر گچ بریهایی دارد بشکل پیچ. تصویر شماره۹. برروی‌قبریك‌معجرچوبی‌بطول‌وعرض‌وبلندی۲۰۰×۹×۱۱۵ سانتیمتر قرار دارد که از نظر هنری نقش‌ونگاری ندارد.

ارتفاع طاق‌نزدیك‌به ۱۱متراست وگنبد آن دو جداره میباشد بنابه اظهار اهالی، «سیدزیوا» یازیبامحمد ازاعقاب‌امام‌جعفرصادق علیه‌السلام است. هیچ شجره و یا مدرکی دراین مورد بدست‌نیامد بعضی دیگر از اهالی اورا محمد دیباج میدانند.

درگورستان اطراف آن سه‌قطعه سنگ قبر از همان‌نوع سنگهائی که در دهکده «بایه» و نیز الیشتربدست آمده، دیده شدکه میتواند تا اندازه‌ای قدمت بنارا مشخص کند (تصویر شماره ۱۰).

سنگ دیگرباحاشیه‌ای‌استمنقوش و باشکل خاصی که‌دراین منطقه بی‌سابقه‌می‌باشد. دروسط، نام‌صاحب‌قبربروی آن‌کنده‌شده که متأسفانه‌بعلت فرسودگی‌خواندن‌آن‌میسّر نشد. (تصویرشماره۱۱)

۱- Beraftow : در لرستان مناطق آفتاب‌گیر را به‌این‌نام مینامند.
۲- Yâsiko

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بقعهٔ بو ممیل ۱

کلمهٔ«ممیل» که دراین‌بخش جندین بـار ذکر شد، نام دهکده کوه و محلی است . برسینه کوه «ممیل» دهکده‌ای است موسوم به «بوممیل». وجه تسمیهٔ این دهکده به لحاظ بقعه‌ای‌بوده‌است که‌بهمین نام اکنون هم مشهور است .

باقیمانده بقعه «بوممیل» اکنون در میـان گورستان دهکـده قرار دارد . و نشان دهنده کیفیت بنا می‌تواند باشد . این بقعه هشت ضلعی و هـرضلع آن ۱/۳۳ متـر بـوده است . جنـوب آن محراب گونه‌ای داشته است . تمامی بنا بـا آجر و مـلاط ساخته شده که متأسفانه اکنـون قسمتی از طبقه زیرین آن بـاقی است . (تصویـر شمارهٔ ۱۲) .

نام صاحب بقعه بدرستی معلوم نیست.ولی اهالی او را احمد بن‌محمود میدانند .

بقعهٔ محمد حنفیه

در دهکدهٔ رازان واقع در دهستانی‌بهمین‌نام،در دامنه‌کوهی بنام «چویرشا[۱]» قبرستانی‌است کهنه و قدیمی.در میان این گورستان

۱- Bowmamil: در گویش‌لری« بو Bow»همان معنی بابارادارد ودرمحل اعتقاد داشتند کلمه «ممیل» همان‌محمود است‌که نمیتوان‌این موردرا باورکرد ,

۱- Choveirsha

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بقعه‌ای است که قسمتی از طاق ساختمان قدیمی آن چند سال پیش براثر زلزله فروریخته است . وبه همت اهالی سعی شده‌است بهمان کیفیت ساخته شود . (تصویر شماره ۱۳) .

ارتفاع کنونی بقعه نزدیك به ۹متراست. برروی قبرمعجری چوبی گذاشته‌شده‌است. قبر رابوسیله آجرهائی که نقش ستاره‌دارند به ارتفاع ۳۵ سانتیمتر اززمین ساخته‌اند .اهالی معتقدند که محمد حنفیه فرزند امام علی نقی علیه‌السلام‌میباشد . درگورستان اطراف بقعه ، برروی قبرها ، سنگ های حجاری شده‌ای بانقش های سوار و شکار مشاهده شد که گویا حجار آن یکی از اهالی این ده بوده است.. اکنون هم‌اعقاب‌او این شغل را دارند . (تصاویرشماره ۱۴و۱۵) . دونمونه دیگر سنگ قبر دیده شدکه بااینکه سنگ آن نازك و آهکی بود ولی خط نسبتاً زیبائی‌با اشعار وعباراتی روی آن حجاری‌شده بود . (تصویرشماره۱۶).

شاه محمود ـ شاه عبدالله

در جنوب غربی بقعه‌محمد حنفیه و دردرّه‌ای ازکوه «چویر» دو قبر هست که اطراف آن سنگ چین شده‌است . نام صاحبان‌این قبرهاشاه‌محمود و شاه عبدالله می‌باشد . ولی‌سنگ قبری‌برروی‌آنها نیست و اطلاع بیشتری بدست نیامد .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بقعه شاه زیدعلی

در دهکده «میراحمدی» جزء دهستان رازان ، واقع درمنتهی‌الیه شمالی خاك لرستان ودر میان گورستان دهکده بقعه‌ای است موسوم به شاه‌زیدعلی . شکل آن مربع و انـدازه آن ۳×۳ متراست .اهـالی جز این نام چیزی درباره او نمیدانند . (تصویرشماره۱۷)

در میان گورستان این دهکده بربالای بعضی از قبورسنگهای منقوش به‌اشکال تیرانداز و شکارچی دیده‌شد که‌بربالای قبرها بطور عمودی کارگذاشته شده‌بود . (تصاویرشماره۱۸و۱۹).

گویش مردم این دهکده ترکیبی از لری و بروجردی است .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

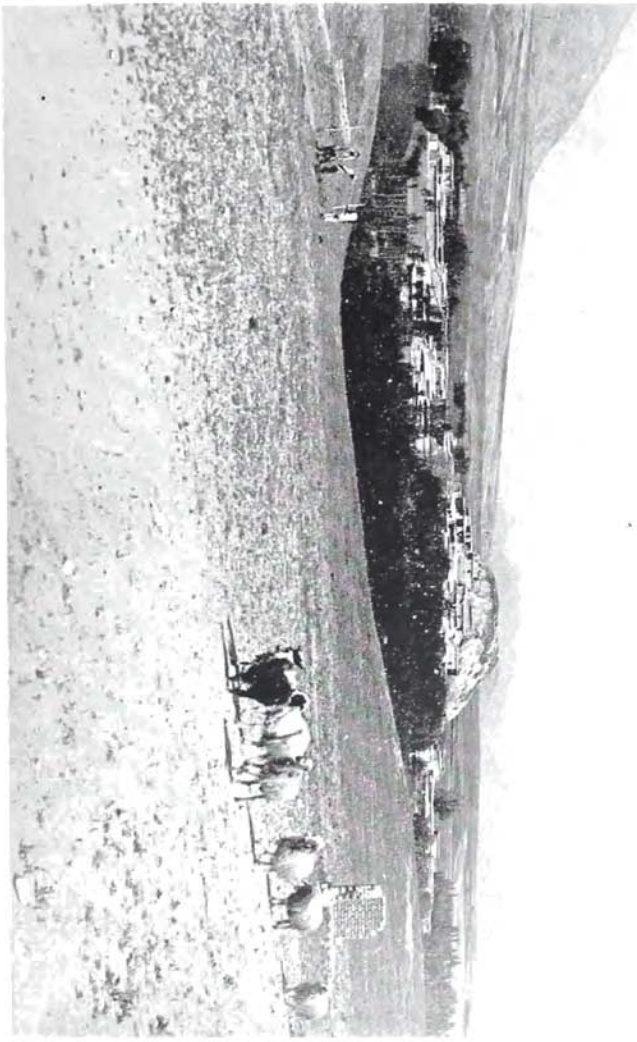
PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

تصاویر
فصل چهارم

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

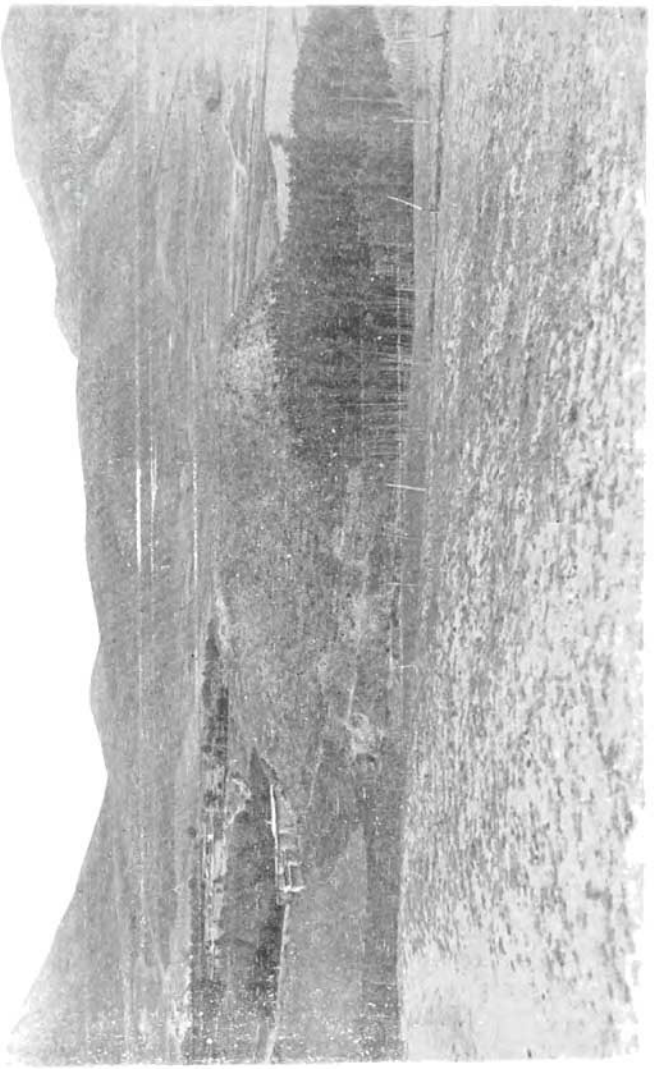


تصویر شمارهٔ ۱ – تپهٔ زاغه و خانه‌های روستائی روی آن

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شمارهٔ ۲ - تپهٔ مشهور به حسین‌خان ساکی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شماره ۳۰ – دیوار تپه پیامی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شماره ۶ – تیر اسلیمان و الهه دا از نقاب سنگ تند

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۵ – سنگنبشتهٔ که ممکن است مربوط به پیر احمد واقع در «دایه» سکوند باشد

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شمارهٔ ٦ ـ نوع دیگری ازسنگ قبرکه فقط درقرن نهم معمول بوده‌است

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

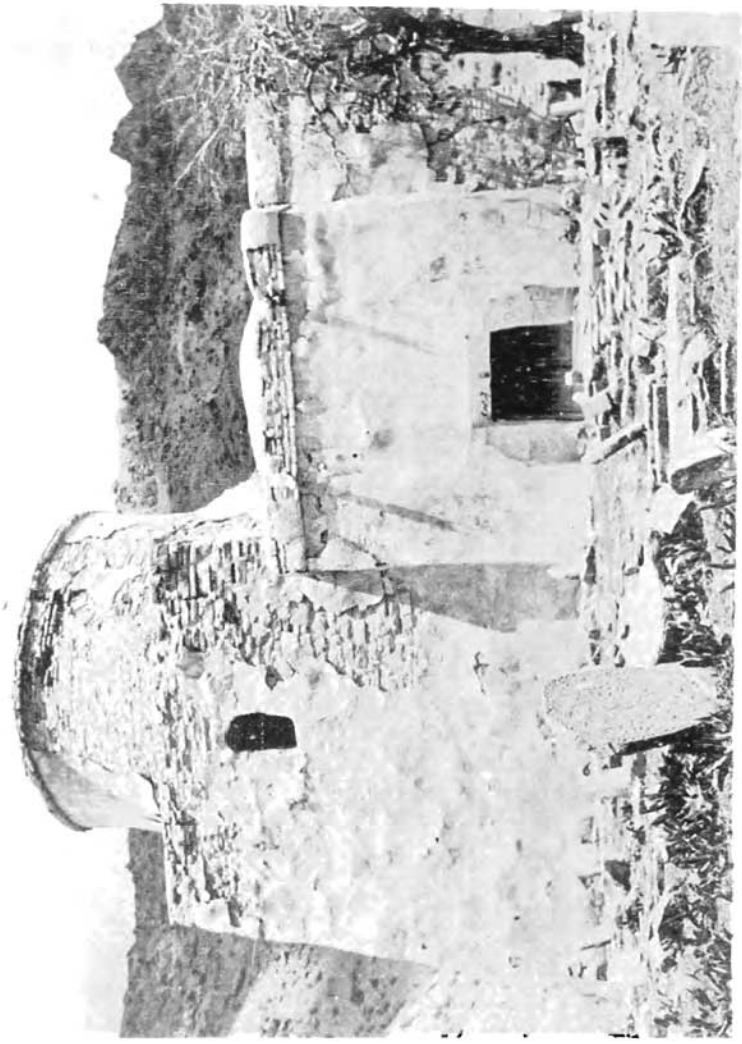
PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۷ – آبشار دهکدهٔ زناکم سکوند

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

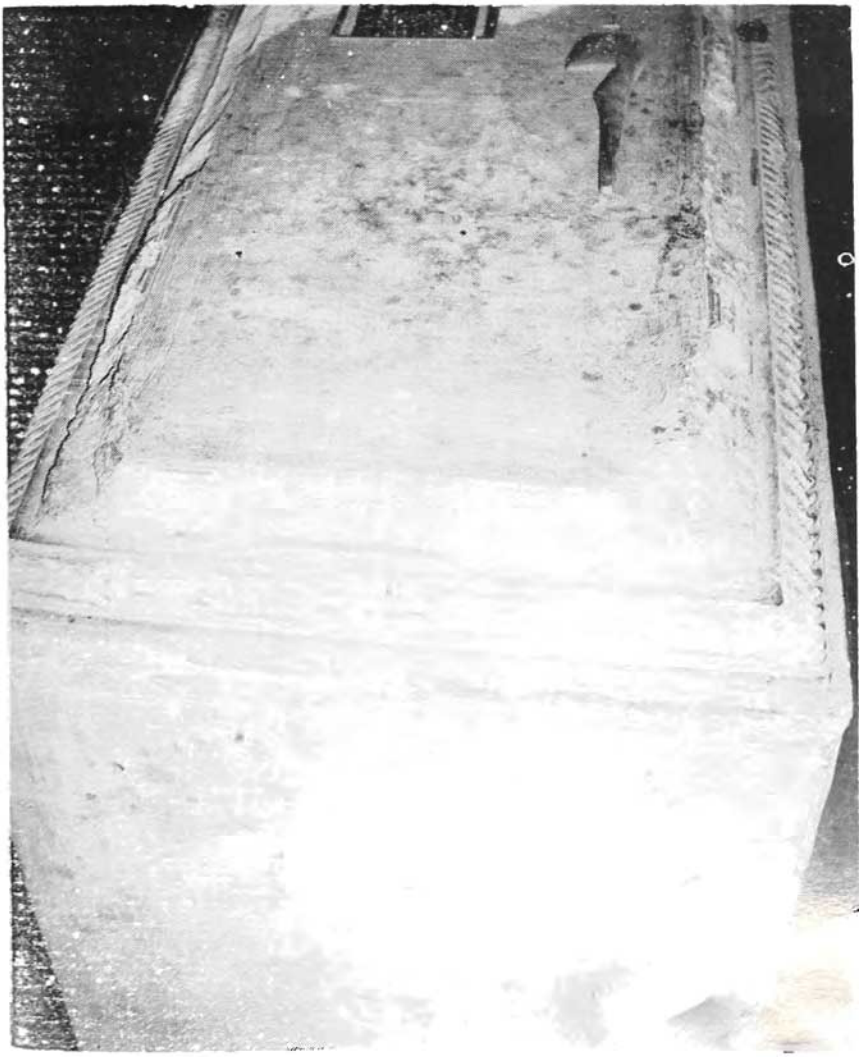


تصویر شمارهٔ ۸ – بقعهٔ سید زیوا یا زیامحمد واقع درمیل

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org
PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

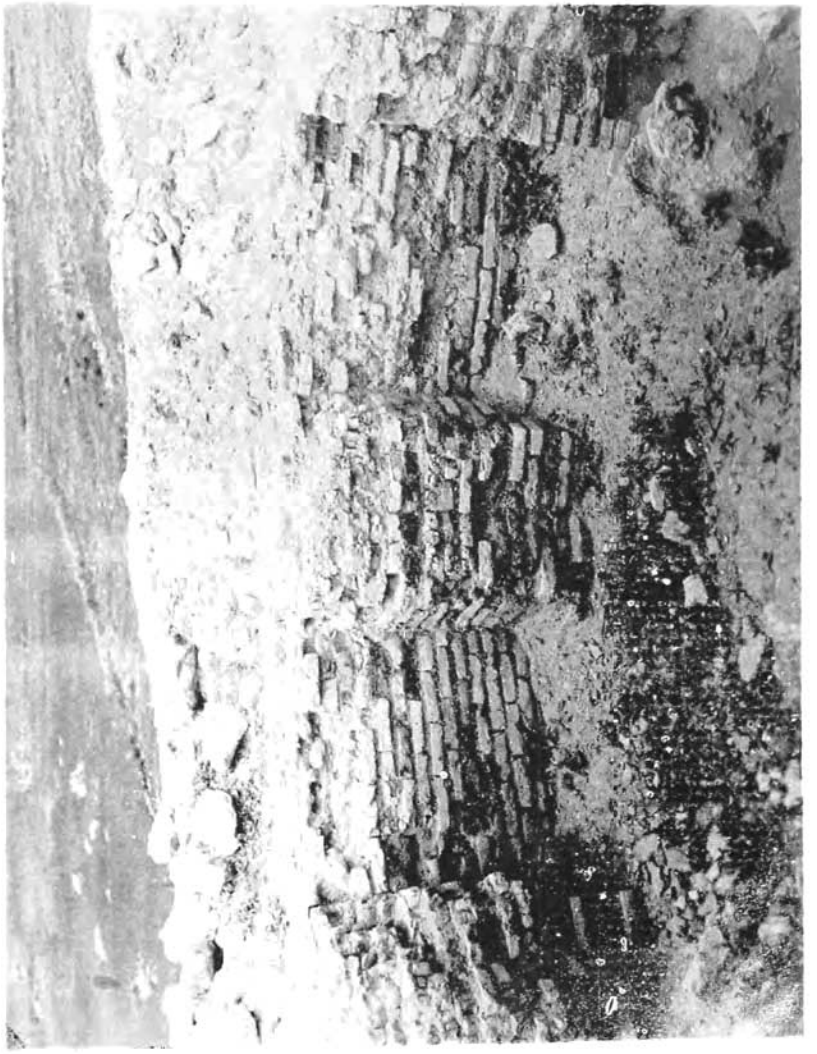


تصویر شمارهٔ ۱۱ – سنگ قبر با خط کوفی

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

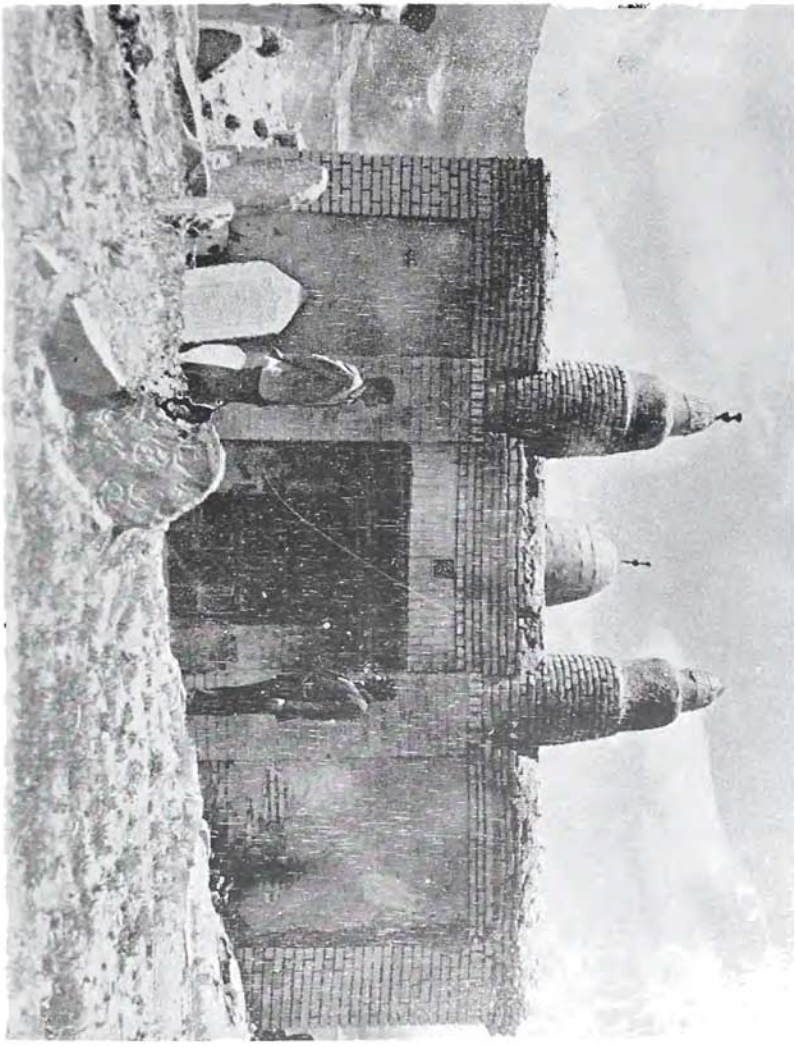


تصویر شمارهٔ ۱۲ – باقیمانده بنای « بومیل »

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شمارهٔ ۱٤ ـ یکی ازسنگ قبرهای دهکدهٔ رازان

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

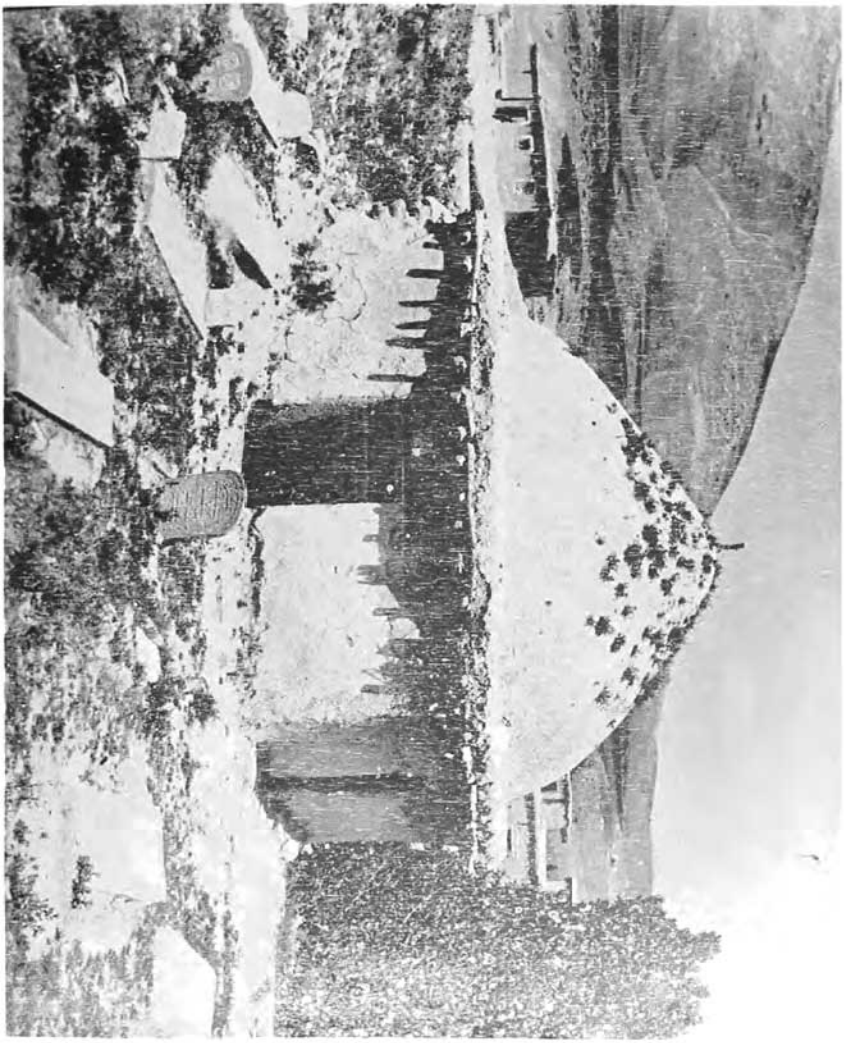


تصویر شمارهٔ ۱۶ ـ سنگ قبر دیگری در گورستان دهکدهٔ رازان

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شمارهٔ ۱۸ ـ سنگ قبری در گورستان دهکدهٔ میراحمدی

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۱۹ - سنگ‌قبر دیگری از گورستان دهکدهٔ میراحمدی

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

فصل پنجم

هرو ۱ (چقلوندی)

اوضاع طبیعی

جلگه هرّو که در تقسیمات کشوری امروز به‌چقلوندی مشهور است، یکی‌ازمناطق پرآب‌وسردسیر لرستان بوده و درشمال آن واقع‌است . حدود آن محدوداست از شمال به‌بروجرد ازباختر به‌بخش سلسله (الیشتر) ازجنوب و جنوب باختری به‌بخش‌حومه واز خاور به‌بخش زاعه . فاصله‌آن‌تا شهر خرم‌آباد درحدود۴۰ کیلومتر است مساحت آن ۱۰۸۰ کیلومتر مربع است ۲ وشامل پنج دهستان است‌به این شرح :

۱ـ مال‌اسد ۲ـ اوسرده۳ (آب سرده) ۳ـ سراب نرم ۴ـ ورکوه ۵ـ بووالی .

کوهها : جلگه هرو محصور است بین‌کوههائی که مهمترین آنها عبارتند از :

۱ـHorru ۲ـجغرافیای نظامی ایران (لرستان) تألیف سپهبد رزم‌آراء ص۳۸ ۳ـ Owsarda

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۱ـ کوه «گرّی» در شمال که ادامه کوه گـری بخش‌الیشتر است . ازقلل مهم آن «پینه»است. این کوه تا کارون ادامه می‌یابد و در بختیاری به اشتران کوه مشهور است .

۲ـ کوه شاه‌نشین ۳ـ کوه شیشه ٤ـ کوه رنجه ۵ـکوه بلومو ٦ـشترمل ۷ـچهارشاخ ۸ـگیر[۱] ۹ـمارمژ[۲] ۱۰ـریمله. این کوهها فاقد جنگل هستند .

رود : مهمترین رودخانه‌ای که در این بخش جاری است آنست که از کوههای «ازگنه» و«خاك مالگه»دربخش زاغه‌سرچشمه‌میگیرد و بواسطه سدی که‌سالهـا پیش دولت بـرآن زده است، قسمتی از زمینهای آنرا مشروب نمود ، مازادآن از مرکز بخش (چقلوندی) عبور کرده و دربخش سلسله«کشکو» نامیده میشود.

چشمه‌های آب فراوانی دربخش هرو هست که مشهورترین آنها عبارتند از :

۱ـ سراب‌دارا ۲ـ ملاقربانی ۳ـسراب‌سیل‌گرگی ٤ـسراب الیاس ۵ـسراب‌گنجعلی ٦ـسراب‌نرم ۷ـسراب‌اوسرده ۸ـسراب کورله .

این چشمه‌ها، پرآب‌و بین ۳ تا ۵ سنگ آسیاب آب دارنـدو بیشترآب‌آنها مورد استفاده مردم قرار میگیرد .

۱ـ Geyer ۲ـ Marmezh (مژ = مکیدن)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

وضع اقتصادی

از استعداد طبیعی و زمینهای زراعتی و مرغوب این بخش تاکنون چنانکه باید و شاید استفاده نشده است. و اغلب زمینهای آن آبی است ولی میزان برداشت ناچیز است. بیشتر این زمینها در دهستان (مال اسد) واقع شده اند. درآمد مردم از کشاورزی به اندازه نیاز سالیانه آنهاست. تنها مقداری لوبیا، ذرت، عدس، نخود به بازار صادر میشود. علت این امر هم از آنجهت است که مردم کوچ نشینی را ترجیح میدهند. در گذشته کشت خشخاش نیز یك قلم مهم درآمد آنها بود که اکنون آنرا هم ندارند. کشت هندوانه و خربزه بعلت سرمای زودرس پائیز مقدور نیست.

دامداری یکی دیگر از درآمدهای این بخش است که آن نیز بعلت کوچ و حرکت و طی فاصله زیاد یعنی بیش از ۳۵۰ کیلومتر راههای کوهستانی و نیز بروز امراض دامی، نمی توانند سود چشمگیری داشته باشند. محل های گرمسیری ایل های بیرانوند در «قیلاب» و دامنه های جنوبی کوه «کور» و حسینیه.

در دهکده نمك که در دره سرسبزی قرار گرفته چشمهٔ آب شوری هست که آب آنرا در تابستان به کرت هامی بندند و پس از تبخیر آب، نمك آنرا جمع و برای مصرف بفروش میرسانند. در سال فقط چهار ماه آب شور به کرت ها بسته میشود. کل نمك بدست آمده در سال به ۳۰۰ تن میرسد. (تصویر شماره ۱ درهٔ دهکده نمك و تصویر شماره ۲ کرت های نمك).

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

وضع اجتماعی و سیاسی

همانطوریکه اشاره شد، نام اصلی این بخش «هـرّو» است. اما وجه تسمیه کنونی آن بـه«چقلوندی[۱]» بعلت آنست کـه ادارات دولتی در دهکده «چقلوندی» مستقر شده و اکنون مرکز بخش است. از اینجهت تمام بخش نیز بهمین نام مشهور است.

طوایف مسکون در این بخش که بانامهای مختلف هر یك در دهستانی مسکونند، همگی به‌ایل بیرانوند مشهورند. این ایل یکی از قبایل قدیمی لرستان است که دراین منطقه مسکون بوده و هستند. صاحب‌منتخب‌التواریخ معینی در ذکر شعب لر کوچك از آنها یـاد کرده و نوشته است: (هر قبیله‌ای بجهت علفخوار روی بموضعی نهادند و بعضی بلقب پـدر و بعضی به‌اسم موضعی کـه قرارگرفتند بدان مشهور شدند مثل روزبهانی و فضلی و داوود عباسی و ایازکی و عبدالملکی و ابوالعباسی کـه بنام پـدر موسوم‌اند و سلورزی و وچنگروئی و لك . . . . . وبراوند[۲] وزنگنه‌ومانگره . . . . به‌اسامی مواضع خود مشهوراند[۳])

بااین شرح ممکن است درقدیم منطقه هرو بنام ایل «براوند» یا بیرانوندهم مشهور بوده باشد.

۱ـ Chaghal درگویش لری ولکی بمعنی «شغال» است

۲ـ ظاهراً همان کلمه بیرانوند امروز است که شاید در آنموقع (براوند) گفته میشده‌اند و یا اینکه تحریف شده است.

۳ـ منتخب‌التواریخ معینی تألیف معینی‌الدین‌نطنزی، ص ۵۳

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آنچه مسلم است در دوره‌های ملوك‌الطوایفی وضع آشفته و وپرآشوبی داشته‌است .از آنجهت‌بعلت‌وجودچپاولگران وغارتگران همیشه قوافلی که مسیرشان از خرم‌آباد به‌بروجرد بود ناچار از هرو میگذشته‌اند، کمترتوانسته‌اند بسلامت از آنجا عبورکنند .

یکی‌ازسیاحانیکه‌ازاین‌راه‌عبورکرده، ژاك‌دومورگان فرانسوی است که‌باهیأت علمی خود یك‌شب‌در«هرّو»مانده‌وضمن‌یاداشتهای خود شرحی دراینمورد نگاشته است[1] .

این ناامنی تااواخر حکومت قاجاریه نیز باقی بود .پس از کودتای سوم‌اسفند و تشکیل قوادرزمان‌رضاشاه کبیر، بالشکرکشی

۱- ژاك‌دومورگان مینویسد : صبح‌زود خرم‌آباد را ترك‌وشب دردره **(هرو)** چادرمی‌زنیم .ماکوتاهترین‌راه بین خرم‌آباد-بررجرد را انتخاب‌کرده‌ایم این‌راه جزد ومنزل‌نیست . در حالیکه راه کاروان روی که‌از زاغه میگذرد چهل روز طول می‌کشد . اماراهی‌راکه‌مادنبال می‌کنیم بدلخواه انتخاب‌نمیکنند زیرا این‌راه‌ازمناطق‌اشغالی کوچ‌نشینان چپاولگرو خطرناك‌عبورمی‌کند.

اخیراً حاکم‌مجبورشدآنهارابخاطرراهزنی تنبیه‌کند. ناگهانی بچادرهای آنها حمله برد و دو تن رایکجا کشت و دونفر بتوپ بست وگوش دونفر دیگر رابریده‌ومچ دست هشت‌نفررا قطع کرد . جملگی‌مردند .

ما درفاصله‌کمی از چادرهائی که‌اعدام ۱۳تن از راهزنان با امرحاکم‌در آنجا انجام گرفته میگذریم . چادرها عزاد رند و مافریادوای‌وای زنان گریان را برمرده‌های خودمیشنویم.

تنبیه‌ودرسی وحشتناك ولی‌لازم بوده‌است . امروز منطقه برای مدت مدیدی‌آرام است .

(یاداشتهای ۱۳ ژوئن ۱۸۹۱ کتاب جغرافیای غرب ایران نوشته دومرگان .ترجمه دکترودیعی حاشیه صفحه ۲۰۲ .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

های پی‌درپی لرستان به‌تسخیر قوای دولتی‌درآمد . یکی‌ازاقدامات فرماندهان نظامی، اسکان‌عشایرکوچ‌نشین بود و حوادثی دیگر که تفصیلی‌ازآن را مرحوم سپهبدرزم‌آرا که خود یکی ازقهرمانان‌این ماجراهاست درکتاب جغرافیای‌نظامی ایران (لرستان) آورده است.

ازآن پس‌امنیت برسراسر لرستان‌واز جمله‌برمنطقه هرّوسایه افکن‌شد و مدتی تزدیك به۱۰ سال عشایر نتوانستند بزندگی‌کوچ نشینی بپردازند . پس‌از وقایع شهریور ۱۳۲۰ مجدداً ایل بیرانوند به کوچ‌نشینی پرداختند وهنوزهم ادامه‌دارد . اما با دوروحیه‌متفاوت یعنی امروز دیگرمیکوشند بازحمت خویش‌کسب‌درآمد زندگی‌کنند نه‌ازراه چپاول وغارت.

اما کوچ‌نشینی‌اکنون مشکل بزرگی است‌که نه‌میتوان بدون مطالعه‌آنرا موقوف ودگرگون ساخت نه‌وضع‌کنونی قابل تحمل است . زیرا چنانکه اشاره‌شد ازاین وضع سخت‌ودشوار، درآمدی کم‌وناچیزحاصل میگردد . اسکان آنها نیز موضوعی ساده نیست و بایستی بامطالعه ودقت خاصی انجام شود .

جمعیت وگویش و مذهب

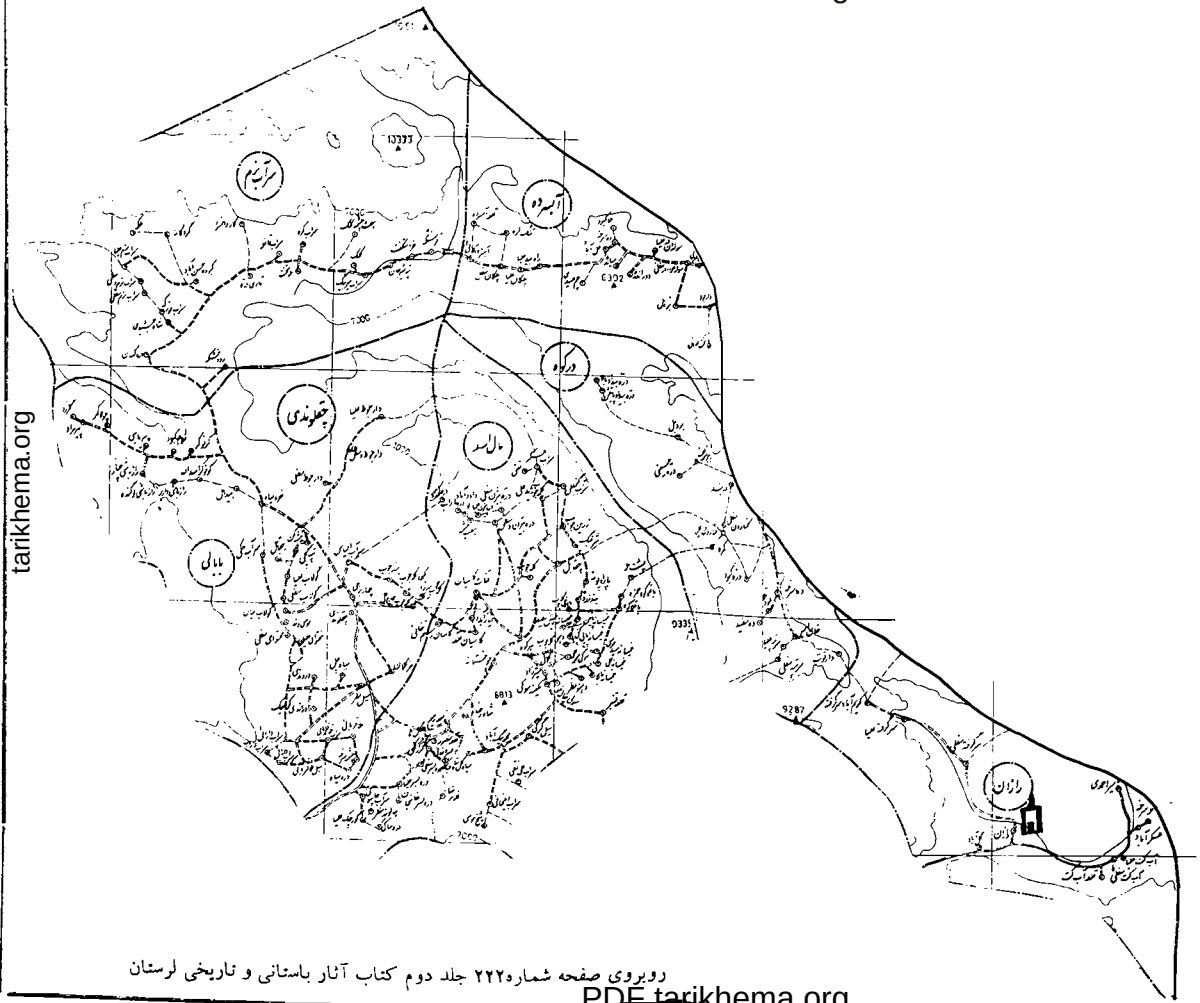
قبلا گفته شد که هرو ا زپنج دهستان تشکیل گردیده است . جمعیت تمام این بخش ۳۵۸۹۰ نفر و شامل ۲۷۲۶ خانوار است .

مذهب آنهاشیعه۱۲امامی‌است. معتقدات آنهامانند سایرعشایر مجموعه‌ای است‌از دستورات‌دینی‌است که شکل خاصی گرفته‌ونیز

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

رویروی صفحه شماره۲۲۲ جلد دوم کتاب آثار باستانی و تاریخی لرستان

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

سنتهای بومی که تلفیق آنها بنای اعتقادی آنهاست .

گویش مردم آن لکی است . آداب و عادات و رسوم ایران پیش از اسلام نزد آنها هنوز باقی است . نام طوایف و تیره‌های مسکون دراین بخش بشرح زیر است .

ایل بیرانوند از دوطایفه مهم بنامهای «دشی‌نو[۱]» و «آلای‌نو[۲]» تشکیل گردیده که هریك از دوطایفه بالا به‌تیره‌ها و زیرتیره‌هائی به این شرح تقسیم شده است .

الف : طایفه «دشنی‌نو» از تیره‌ها «پیردایه» ، چقلوند ، رش ، شلکه[۳] شوردی ، دلیرو[۴] ، دیوه‌کو[۵] ، لری ، تشکیل شده که هریك از این تیره‌ها به‌زیر تیره‌هائی تقسیم میشوند .

ب : طایفه «آلای‌نو» شامل تیره‌های مال‌اسد ، یاراحمد ، کر[۶] ، زیدعلی ، بارانی و هنّی[۷] است که هریك بۀ زیرتیره‌هائی تقسیم شده‌اند .

زیر تیره‌های وابسته به «دشینو» عبارتند از قمربك ، الماس ، طهماسب ، مرید ، قاسمعلی ، حسینعلی و چقل و زیرتیره‌های وابسته به «آلای‌نو» عبارتند از : کر ـ مهراب ـ دارچین ـ زنجفیل ـ چرم آرن ـ صفر ـ میخك ـ زیدعلی ـ بارانی ـ نقـی ـ حسین‌بك ـ اصله‌مرز بزن ـ تاری ـ لور ، متش ـ مصطفی‌وند ـ شمسی ـ جی‌جه‌وند ـ چلوی ـ سبزعلی ـ ایمانقلی ، گلاب ، سی ، علی‌صالح ، صفرعلی

۱- Dasheyno ۲- Alayno ۳- Shaleka ۴- Deliro
۵- Divako ۶- Karr ۷- Honni

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

گنجعلی ، محمد ، خلیل‌بك ، شره‌بك ، آخرباندر .

آثار باستانی و تاریخی

در بخش‌هرو آثار مهم‌باستانی منحصراست به‌تعدادی‌تپه‌های بزرگ که سفالهای‌مختلفی را دربردارند و قبوری اسلامی که‌مورد احترام اهالی‌است که البته دارای گنبدو طاق و رواقی هم‌نیستند .

بااهمیت منطقه لرستان بخصوص قسمت شمالی و غرب آن درتمدن پیش‌ازتاریخ ودوره‌های تاریخی و بااینکه‌هروبابخش مهم الیشتر یا «سلسله» همجوار بوده و ساکنان هر دو منطقه گویش‌لکی دارند ولی‌تا کنون‌آثاری که‌مبین‌رابطه فرهنگی و هنری‌ساکنان این نقاط باهم باشد بدست نیامده‌است .

بااینکه «هرو»نقطه خوش‌آب‌وهوا و پر چشمه و کوه است بخش «سلسله» یا الیشتر نیز این خصوصیات را دارا هست اما درگذشته راجع به «هرو» مطلبی درجائی نوشته نشده‌است .

نگارنده با اینکهٔ همه نقطه «هرو» را باپای عشق برای یافتن اثری گشتم ولی غیراز طبیعت زیبا و مردمی‌ساده‌دل و چندتپه‌وقبور متبرکه، چیزی نیافتم که بشرح زیربه‌معرفی‌یافته‌هامیپردازم.

تپه قلعه رحیم

در دهستان «مال‌اسد» در غرب منطقه هرو جلگه‌ای سرسبز

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

وپرآب هست که یکی ازدهات آن بنام «قلعه‌رحیم» مشهوراست . دراین ده اکنون قلعه‌ای وجود ندارد ولی تپه بزرگ و جالبی باقی است که بنام همان ده «قلعه‌رحیم» نامیده میشود (تصویرشماره۳) .

ارتفاع این تپه نزدیک به ۲۵ متراست وسطح آن وسیع. برروی آن سفالهای مختلف از آثاردوره‌های پیش‌ازاسلام واسلامی مشاهدشد.

تپه قلعه کاسیو

در شمال دهکده قلعه‌رحیم ودردامنه کوه «کله‌جو[1]» دهکده‌ایست که بنام قلعه «کاسیو[2]» مشهوراست و درحدود ۱۵۰ نفر جمعیت دارد در گذشته قلعه نسبتاً بزرگی داشته است که عکسی از این قلعه درصفحه ٦١ کتاب جغرافیای نظامی ایران «لرستان» نوشته شادروان رزم‌آراء چاپ شده است. اکنون از این قلعه اثری نیست و برخرابه‌های آن تعدادی خانه‌های گلی ساخته شده‌است . (تصویرشماره ٤) ساکنان این دهکده از طایفه «مال‌اسد» میباشد .

درباره وجه تسمیه آن به «کاسیو» و رابطه این اسم باقوم کاسی وکاسیا یا کاسیتها موضوعی است قابل تأمل . ولی جزاین نام حتی تا کنون ازآنجا آثار مفرغی هم بدست نیامده‌است .

۱- Kolaju ۲- Kasio

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تپه کر نوکر

تپه کُر نوکردر دهکده«گلم‌کیو[۱]» واقع‌در دهستان«بووالی» قرار دارد . تپه‌ای است نسبتاً بزرگ ، آثار سفالی آن‌بیشتر اسلامی است . فاصله‌آن تا مرکز بخش نزدیك به ۲۰ کیلومتر است .

تپه «بله» یا تپه لم دره[۲]

در شرق دهکده «تیشه‌کن»و باخترمرکزبخش قرارگرفته‌است و شامل دو قسمت است آثار سفالی مربوط به پیش‌ازاسلام‌و دوره اسلامی برروی آن دیده شده.

تپه‌گجی [۳]

تپه گجی در دهکده‌ای بهمین نام قرار دارد . بیشترسطح‌آن را روستائیان خانه ساخته‌اند .

تپه چغابل

درغرب دهکده «گجی» دهکده ایست بنام «چغابل» شکل تپه منظم‌تر از تپه‌های دیگر است و آثار سفالی دوره‌های پیش‌ازاسلام برروی‌آن مشاهده شد .

۱ـ Golemkiyoo«گلم»درگویش‌لری بمعنی گودالی است‌که‌آب درآن‌جمع شده‌باشد و «کیو» بمعنی کبود است .

۲ـ Lamderra درگویش لکی بمعنی «شکم‌دریده»است.

۳ـ Goji ٤ـ Cheqabal چغا بمعنی‌تپه و«بل»بمعنی بلنداست.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تپه‌های دیگر عبارتنداز: تپه‌سراب‌دارا واقع‌در دامنه‌کوههای «ریمله» و «دارمرو». تپه‌موسیوند‌در دهکده‌ای‌بهمین‌نام. تپه«گنل‌کو»[۱] وتپه «خره‌سی» واقع در دهکده‌ای بهمین‌نام .

قبور متبرکه

آنچه امروز نزد اهالی هرّو از قبورمتبرکه ، مقدس شمرده شده و مورد احترام‌است عبارتنداز چندقبرکه‌اطراف آن‌ها سنگ‌چین شده ویا باصطلاح‌محلی اطراف آنها «کلك[۲]»بسته‌اند . تنهااسمی از آنها هست اما در مورد شجره و یا نام اصلی آنها مدرکی دردست نیست . اینها عبارتند از :

پیر ماهی

قبری است درکنار دهکده‌ای که به‌این نام مشهور است . قبر مورد احترام مردم است ونیازهای اطراف قبر ازمهره‌هـای رنـگی است .

سیدین [۳]

درگردنه یاباصطلاح محلی (مله‌تخت[۴]» قبری که‌سخت‌مورد

۱- Ganalkoo «گنل» ماده گیاهی‌ادت که‌برای مایه‌رنگ برای‌رنگرزی ازآن استفاده میشود. «کو» هم بمعنی محل‌روئیدن آن

۲- Kelak ۳- Seyedin ۴- Mella درگویشهای لری‌ولکی راه کوهستانی که‌ازتنگه‌ای ویا ازگردنه‌ای‌بگذرد آنرا «مله» گویند .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

احترام مردم است و مردم بهنگام عبورازاین‌راه بزیارت آن‌میروند و یا گاهی نیز عده‌ای مستقیم بقصد زیارت به‌آنجا میروند . قبر نیز بصورت سنگچین در وسط و اطراف آن حصار یا «کلك» نیزکشیده شده‌است.

درباره نام و اینکه صاحب‌قبر چه‌کسی بوده است مطلبی بدست نیامد.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

فصل ششم

بخش حومه

اوضاع طبیعی

شخصاً نمی‌خواستم فصلی تحت عنوان بخش حومه در اینجا بیاورم . زیرا هرقسمت ازاین بخش جزء یکی ازبخشهائی است که قبلا معرفی شده و یا میشوند . اماچون اصل پایه تحقیق را برمبنای تقسیم‌بندی کشوری گذاشته‌ام‌از این جهت دراین‌تقسیمات‌محدوده‌ای را بنام حومه نام‌گذاری کرده‌اند که اینك باپیروی از اصل مذکور معرفی‌میشود .

بخش حومه محدود است از شمال بـه‌بخش‌الیشتر ازشرق به بخشهای هرو وزاغه ، از جنوب به شهر خرم‌آباد از غرب به بخش چگنی و الیشتر .

بخش حومه از سه‌دهستان بنامهای : ۱ـ‌ده‌پیر ۲ـ ریمله [۱]

۱ـ Rimela : یکی‌از تابستانگاههای خوش آب و هوای لرستان است .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۳ـ رباط‌نمکی، تشکیل شده‌است ومساحت تمامی آن نزدیك به۱۵۰ کیلومتر مربع است.

کوهها : قسمت اعظم این‌بخش کوهستانی است . ازاینجهت آب‌وهوای بیشتر نقاط آن سردسیری است . مهمترین این‌کوهها عبارتند از : ۱ـ بزگیر واقع در سیل‌میش ۲ـ چال غورچ در ریمله ۳ـ چلك‌ریزکلن و «دایاراق[۱]»در برالیکه۵ـ سیاه‌کمر یامخمل‌کوه‌که چون دیواری درشمال خرم‌آباد کشیده‌شده‌است .

وجه تسمیهٔ مخمل‌کوه از اینجهت است که‌روی تمامی‌آن را گلسنگ پوشانیده است .

رود : مهمترین رودخانه‌هائیکه دراین بخش جاری است عبارتند از : ۱ـ رودخانه رباط که از سراب رباط سرچشمه‌میگیرد ودر محل رباط‌نمکی‌آب چشمه«ماهی‌بازان»را نیز در برگرفته‌پس‌از طی‌مسافتی آب چشمه «کیو» نیز به‌آن‌میریزدو سپس‌از وسط‌خرم‌آباد گذشته شهررا بدوقسمت‌می‌کند . درخرم‌آباد به‌آن«گلال[۲]»میگویند

۲ـ رودخانه کرگانه که از بهم‌پیوستن آبهای دهستان ده‌پیر ونیز دهکده«گراو[۳]»درست‌شده وپس ازگذشتن‌ازدره‌دهکده‌کمالوند به رودخانه خرم‌آبادمی‌ریزد . این رودخانه‌در زمستان وبهار، آب زیادی دارد. بطورکلی دراین‌بخش‌چشمه‌های‌آب فراوانند .

۱ـ Dayaraq:«دایا» درگویش‌لری بمعنی پیرزن است و «راق» هم کسی که ازسرما خشك شده باشد .

۲ـ Gelal درگویش لری بمعنی رودخانه است . ۳ـ Garow

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

وضع اقتصادی

زمینهای حاصلخیزی در این بخش وجود دارد . اخیراً بعلت کوششهای تازه در زمینه‌هـای کشاورزی تـولیدات بیشتری بدست می‌آید . درقسمت دهستان «ریمله» که هـوای سردتری دارد سابقاً منحصراً گندم وجوکشت میشدولی اخیراً باغات سیب‌درآنجاایجاد شده که محصول آن مرغوب و رضایت بخش است درآمد مردم‌از کشاورزی ودامداری‌است محصولات‌زراعتی آن گندم وجووذرت و محصولات سیفی است.

در دهستان رباط نمکی که بعلت وجود دوچشمه آب شور و تولید نمك به‌این نام مشهور شده است یکی‌ازمحصولات آن‌نمکی است که ازکرت هائی‌که در تابستان آب شور به‌آنها بسته شده و پس‌از تبخیرآب نمك آنراخشك‌کرده‌وبه‌بازار عرضه می‌کند. تولید نمك آن درسال‌به ۱۰۰۰ تن میرسد .

معادن گچ‌زیادی که در رباط هست موجب‌شده‌است که‌چند کارگاه گچ‌پزی در رباط ایجاد شود .

اخیراً دررباط باغهای انگور نیز غرس‌شده‌است .

اما بطورکلی در قسمت های شمالی و بویژه در دهستانهای ده‌پیرو ریمله بعلت نداشتن‌راههای اتومبیل‌رو مناسب‌زارعان‌به‌سختی میتوانند فرآورده‌های خودرا به‌بازار عرضه‌نمایند .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

وضع اجتماعی وسیاسی

همانطوریکه قبلاذکرشده بخش حومه بعلت مجاورت بابخشهای دیگر طبیعتاً اهالی مسکون در آن نیز اغلب تیره‌ای ازایلهای ساکن آن بخشها هستند . مرکز اداری آن درشهر خرم‌آباد واقع است ولی ازنظر سازمان ایلی وقبیله‌ای مانند سایرقبایل هستند وبخلاف سایر بخشها ، مردم کوچ‌نشین آن کم هستند .

جمعیت و گویش و مذهب

جمعیت این بخش ۲۵۶۴۲ نفراست که شامل ۳۵۲۲ خانوار میشود . مذهب آنان شیعه ۱۲ امامی‌است و معتقدات آنان نیزمانند آنچه که‌درباره سایر عشایرگفته‌شده میباشد .

گویش ساکنان این‌بخش لکی‌ولری است . تیره‌های وابسته به‌ایل‌های حسنوند و بیرانوند گویش لکی‌دارند وبقیه باگویش لری تکلم‌میکنند . محل‌های لك‌نشین عبارتند از ریمله ـ ربـاط شمالی و وجنوب غربی ، قسمتی‌ازدهستان ده‌پیر .

اسامی‌تیره‌های مسکون دراین بخش عبارتنداز :

اصغر وابسته به طایفه مرادی ، اصله مرز، اکبر ، بازگیر ، بور ، چنگائی ، حسین خان ، دلفو ، (تیره‌ایست مهاجر) دوله‌شه ، رباطی ، رکرك ، رموشه [رحمان‌شه] ، زهووی ، زیدعلی ، زین العابدین ، سادات شاهرخوند ، سادات طاهری ، سلار[1] ،سپهوند،

۱- Salar

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

سیکه‌وند ـ کُر ـ کمالوند ـ گرزی[۱] ـ گله‌دار ـ مرادی ـ مصطفی‌وند ملك‌احمد ـ مهدی‌خان ـ یارسین.

آثار باستانی و تاریخی

دراین بخش تپه‌های مهمی وجود دارد که آثارسفالی منقوش ومربوط به‌دوره‌های‌مختلف، هم‌زمان باشوش وادوار بعدی‌برروی آنهامشاهده‌شد. و اسامی بعضی ازآنها عبارتند از :

تپه توره ریز [۲]

این‌تپه‌در شرق دهستان ده‌پیره واقع‌شده وتپه‌ای است بزرگ و با شکل منظم. وجه‌تسمیه آنرا اهالی‌با افسانه‌ای‌چنین، میگویند که (حاکمی بالشکر ازاین‌منطقه‌عبور کردو دستورداد هریك ازسواران توبره‌ای خاك در اینجا بریزد تا عظمت لشکراومعلوم شود ؟!!)ولی حقیقت آنست دراین‌جلگه میتوان تمدنهایی‌را یافت همزمان بادیگر نقاط پیش‌ازتاریخ درغرب ایران. تپه توره‌ریز شاخص خوبی برای یافتن آثار تمدنی آن دوره‌ها است. (تصویر شماره ۵)

۱- Gorzey ۲- Tura : درگویش لری بمعنی «توبره» که درآن‌کاه میریزند بسر اسب یا خر می‌زنند

*: جلگه‌ده‌پیرادرقباله‌های‌قدیمی‌که نزدآقای محمدرضامعجزی دیدم بنام (دشت‌رستاق) هم آمده‌است. ازآقای معجزی ممنونم.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تپهٔ کله‌جو [۱]

این‌تپه بااینکه کوچك است وشکل منظمی‌هم دارد ولی‌یکی ازتپه‌های‌مهم ازنظر سفالینه‌های بـانگار درلـرستان‌است . قطعاً تپه بزرگتر بوده وبتدریج از بی‌همتی و نادانی مردم اطراف آنرا تخت کرده و هموار نموده‌اند .

نقوش روی سفال آن وضع ممتازی را دارند.ومیتوان‌گفت باآثار سفال (تپه‌گیان) ونیز تپه (درکه) درکوهدشت و آثار جلگه رومشکان هم عصرمی‌باشد.نقوش‌سفالها ازتمدن وانسان وحیوانی حکایت دارندکه میشود گفت خاص منطقه بوده است . بهر صورت اثری ارزنده و بسیار جالب است .

فاصله خرم‌آبادتا این تپه نزدیك‌به ۲۰کیلومتر است. وبرسراه خرم‌آباد به‌الیشتربین‌رباط نمکی و رباط بالاواقع شده‌است .

تپه سنگر

تپه «سنگر» در ۱۸ کیلومتری راه خـرم‌آباد ـ دلفان در محل رباط نمکی قراردارد . این تپه‌نیزچون‌تپه‌های دیگر دارای اهمیـت است وبیشتر آثارسفالی اسلامی دارد .

تپه خانجان خانی

درجنوب دهستان ده‌پیرودردامنه‌کوه (سیاه‌کمر) دهکده‌ایست

۱ـ Kolaju : کل بمعنی کوتاه است .

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

که برروی تپه‌ای قراردارد . این تپه بنام «خانجان‌خانی» مشهوراست . آثارسفالی بدست آمده ازتپه : مشخص میداردکه‌دوره‌های مختلفی را در بردارد و مهمترین آن آثار پارتی و بویژه دوره ساسانی است . کوزه‌های محتوی استخوان‌ازقسمت‌های بریده آن‌پیداست آمد. بهر صورت‌بعلت خاکبرداری‌های ناشیانه‌و تخریب جاهلانه آن ، مشکلات زیادی‌برای‌شناسائی بیشترایجادکرده‌است. برروی آن‌درمیان‌خانه‌های روستائی قبری‌است‌که مورداحترام‌بوده وبه«سَرمگو»مشهور است ؟!

امانکته مهم پایه ستون های سنگی متعددی است که در این محل دیده میشود (تصویرشماره٦).

مشابه‌این‌پایه ستونها قبلا در دهستان تشکن بخش چگنی نیز مشاهده شد که درجلد اول معرفی شده‌است . به‌احتمال زیاد ممکن است مربوط به دورهٔپارتها باشند . از آثار دورهٔ اسلام نیز سنگ قبرهائی به‌خط کوفی مشاهده‌شدکه آنها نیز ازتپه‌بدست‌آمده بودند. امادرمورداینکه‌امامزاده دهکده‌چه‌کسی‌است ویا«سرمگو» چه‌چیزی است؟ کسی‌خبرندارد. ولی‌مردم به‌آنجانیازمیدهند وسنگهای‌کروی شکل را که‌در اطراف پایه‌ستونها بود لمس‌میکردند و بعنوان حال‌و آینده‌یابی‌بانهادن‌انگشت‌خنصر(انگشت‌کوچك)برسطح اتکائی‌مدور اگرسنگ گلوله میچرخید معتقد بودند که حاجت برآورده میشود .

یکی‌از معمرین ده میگفت که‌در قدیم دشت ده‌پیر بنام‌رستاق مشهور و برروی‌این تپه قلعه‌ای که به(قلعه‌شعیب) مشهوربوده‌است .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

وجود داشته است .

پیرجید[۱]

درشمال غربی خرم‌آباد بفاصلهٔ دوکیلومتری از جاده خاکی خرم‌آبادبه الیشتر، واقع در دهستان رباط نمکی درّه‌ای‌است که‌بنام «پیرجید»مشهور است.

در میان درّه‌حصاری سنگ‌چین‌شده‌است که‌دروسط آن‌قبری است‌بدون سنگ قبرو شاخص . این‌قبر بنام «پیرجید» مشهور است ومورد احترام مردم روستااست . این‌قبر نیز مورد تجاوز غارتگرانه مردمی‌جاهل قرارگرفته و درهم ریخته شده‌است . (تصویرشماره۷).

برروی قبر کاشیهای ریشه‌دار که شاید مربوط به قرن هشتم هجری باشد یافت شد .

قلا بردی [۲]

در محدودهٔ «قلابردی» چه در حاشیه رودجانه ونزدیک‌دهکده فعلی پیشاهنگی و چه در کوهپایه سیاه‌کمر تاکنون قبور پراکنده‌ای بطور اتفاقی پیدا شده که‌سفالهای مربوط به‌دوره‌پارتها رادارا بودند غیراز این،اکنون نیزتپه‌ای‌روبروی دهکده پیشاهنگی هست که‌آثار سفالی‌دوره‌های مختلف‌را دربردارد .

۱- Pirjeyd ۲- qelâbardi : قلا = قلعه و برد = سنگ : یعنی قلعه سنگی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

مارگیمه [۱]

در غرب دهکدهٔ قاسم‌آباد واقع در «سراب‌تلخ» در جنوب شرقی دهستان رباط‌نمکی برروی‌تپه‌ای بزرگ‌قبری هست که‌متأسفانه این نیز شبانه حفاری شده‌است .

این قبر را مردم، «مارگیمه» میگویند .اندازهٔ سنگ قبر آن ۹۵×۴۵ سانتیمتر است . مشخصات مدفون باخط‌نسخ درهمی براین سنگ، چنین‌نوشته شده‌است(هذالمرحوم‌نیك‌زاده بنت‌القاص فی‌تاریخ شهر ربیع‌الثانی سنه۸۵).معلوم نشد مبداء تاریخ چیست که تاریخ سنگ برآن مبنا نوشته شده است . سنگ‌قبر دیگری‌نیز بانقش سوار دیده‌شد که ذیحجه سنه۹۱ تاریخ‌آن بود (تصویرشماره۸)

در نزدیك‌وجنوب قبر دوتپه بزرگ و باستانی هست که‌روی آنها قطعات سفال ساده‌و رنگی و منقوش زیاد دیده میشود . روی تپه‌را حفاری‌نموده و سنگ‌های‌بزرگ‌وسختی ازآن‌بیرون‌آورده‌اند. این دوتپه بنامهای ، سهراب وسرهنگ موسومند .

« قلا جق [۲] »

قلعه‌ای‌است که‌بربالای‌یکی‌از قله‌های «سیاه‌کمر» . ازسنگ‌و گچ‌ساختهٔ شده‌است. ممکن است ازآثا قبل‌ازاسلام‌باشد .دیوارهای

۱- Mârgeyma ۲- Ghela Jogh

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

این قلعه ویران شده ، اطاقهای آن بهم پیوسته بوده و بیکدیگر راه داشته‌اند. اندازه هر اطاق ۳/۲۰×۴/۲۰ متر است.

در اطراف و داخل قلعه، سفال شکسته‌های زیادی دیده میشود که در بین آنها سفالهای شبیه پارتی نیز موجود بود ، این قلعه ممکن است در دوره‌های اسلامی هم مورد استفاده قرار گرفته باشد .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

تصاویر

فصل پنجم و ششم

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

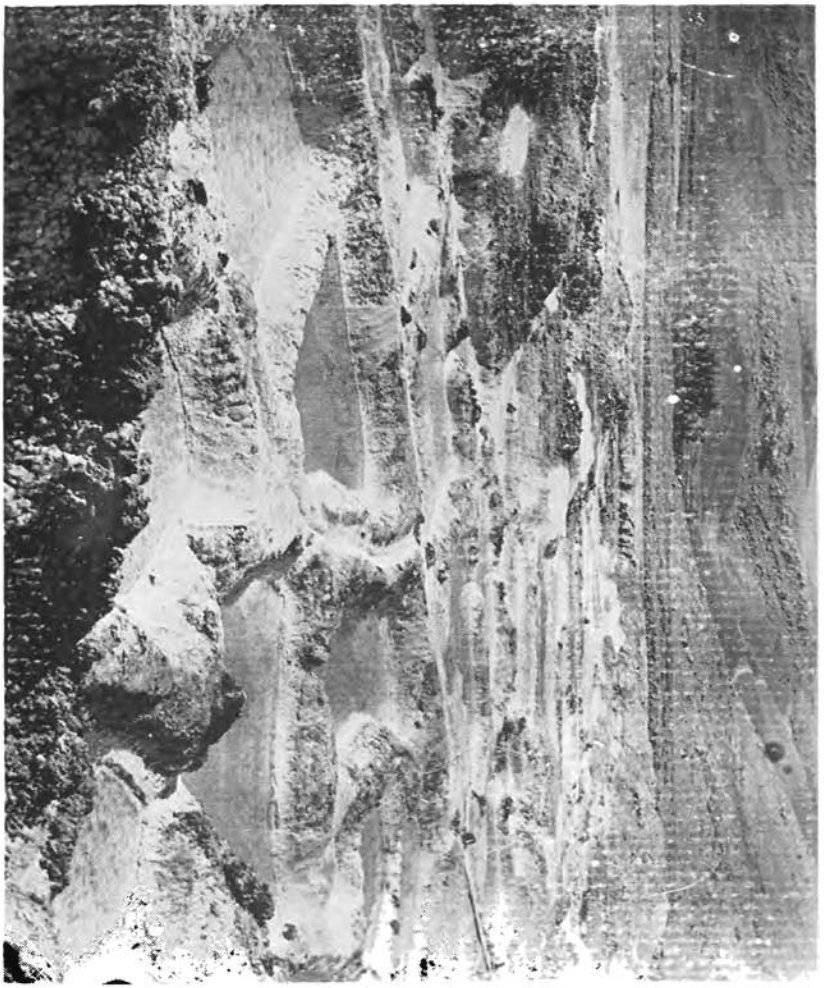


تصویر شمارهٔ ۱ ــ منظره‌ای از دهکده نمك

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شمارهٔ ۲ – منظره کرت بندی نمک که آب شوررا به آبهامی بندند و نمک آنرا بدست می آورند

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۳ ـ تپه قلعه رحیم واقع در دهکدهای بهمین نام

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصوير شمارهٔ ٤ – دمکدهٔ قلعهٔ کاسپو

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۵ – تپهٔ تورتریز در دهبیر

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ٦ – پایه ستونهای تپه خانجان‌خانی واقع در دهپیر

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

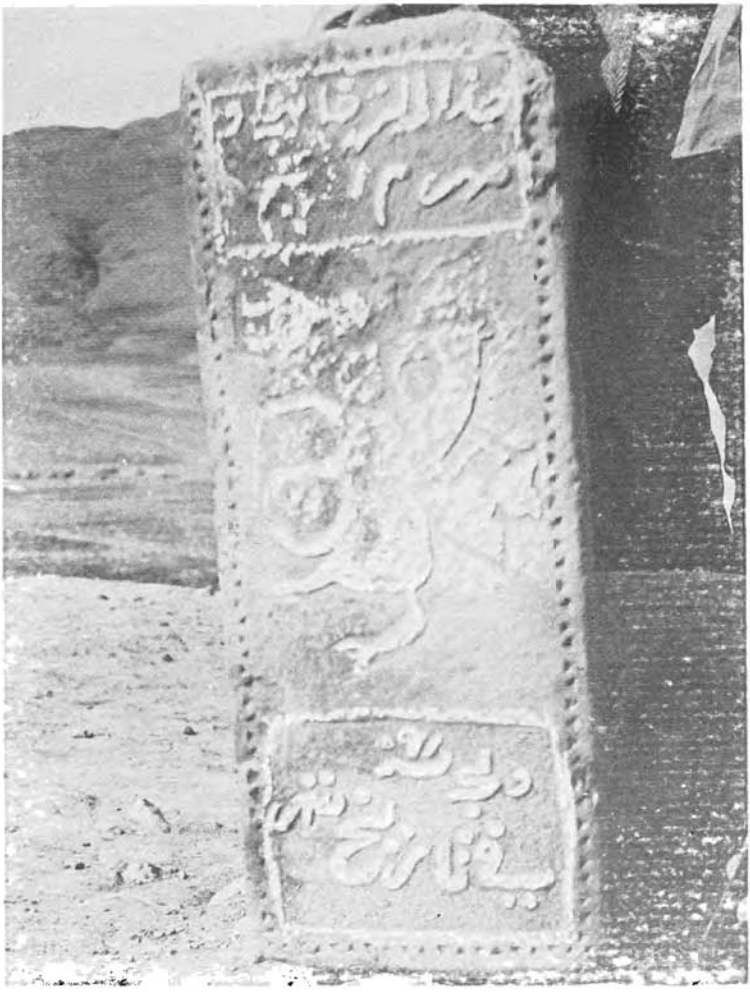
PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۷ – قبر «پیرجیه» در دهستان ریاضنکی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شمارهٔ ۸ – سنگ قبری که از دهستان رباط نمکی پیدا شده‌است

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

فصل هفتم

بخش سلسله۱ یا الیشتر۲
وضع جغرافیائی

سلسله یکی از بخش‌های بزرگ و حاصلخیز و سرسبز و خوش آب‌و هواوپر برکت است که در شمال‌لرستان قراردارد محدود است از شمال به رشته کوه « گَرّی۳ » که سرتا سر شمال لرستان را مانند دیواری محصور کرده است‌و دنباله آن تا کارون کشیده شده و اشترانکوه یکی از قلل‌آن در بختیاری است . از قلّه‌های مهم‌آن درلرستان «چل‌نووالقو٤» نام دارد که ٤۵۰۰ متر

۱-SelaSela. وسلسله‌نیزمیگویند. ۲-Alishtar

۳ - Garri : این‌کلمه به‌غلط در برخی نوشته‌ها «گرون» آمده‌است.

٤-Chelnowâlegh0 : بمعنی چهل‌نابالغان‌وخودداستانی‌دارد. وجه‌تسمیه آن بطوریکه مشهور است میگویند : برفراز قله قبر چهل کودك و نوجوان هست.چون‌در گویش لری کودك و نوجوان را نابالغ میگویند، قله را به این نام نامگذاری کرده‌اندومعتقدندپس از حمله عرب در جنگ‌جلولا ونهاوندعده‌ای ازفرزندان‌وخانواده‌پادشاه‌ساسانی‌ودرباریان بسوی... بقیه‌درحاشیه‌صفحهٔ بعد

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ارتفاع آنست. همچنین از باختر به‌بخش «دلفو۱» ازخاور به بخش هرّو و از جنوب به سفیدکوه و بخش‌حومه .

فاصله مرکز آن (قلعه مظفری) تاخرم‌آباد ۵۰ کیلومتر بوده ومساحت کلی‌بخش، ۳۰۰۰کیلو مترمربع‌می‌باشد. ۲ وازهفت‌دهستان بنامهای، ده‌رحم، قلعه مظفری ،فیروزآباد، قلائی ؛ بسّوم۳ [ظاهراً بسطام] ،دوآب ، وهنوم تشکیل یافته است .

آب و هوای دامنه‌های کوه (گّری) وهمچنین خاوری و باختری آن‌سردسیر و بقیه معتدل است .

کوهها: کوههای مهم‌این‌بخش‌عبارتند از گّری ؛ دوریژه٤ که یکی از قلل گری است ، سرخه‌کوه درفیروزآباد ؛سرسام‌گور در دهستان قلائی ، زری‌مشت ،در «نووله» ۵ ، شترمل [بکسرمیم] [مل=گردن] ، کوسه درشمال‌دهستان «بسّوم» ، نسارنیزه دردهکده نیله ؛ ولاش ، و هی گّره، ازبلندترین‌قله‌های«گّری » است.

رودها : مهمترین رودهای‌الیشتر ۱ـ یکی رودخانه‌کاکارضا است‌که به «رودولم٦» نیزمشهور است . این همان‌رودخانه‌ایست‌که

بقیه پاورقی‌صفحه قبل

...لرستان فرارکردند.ولی‌در این‌مکان بدام‌عربها درافتادندو همگی‌به‌قتل‌رسیدند و در همانجا دفن شدند. گیرشمن‌این کلمهٔرادر کتاب‌خود(هنرایران)«جبت‌نبلیقا» ذکرکرده است که اشتباهٔاست .ولی دمورگان‌آنرا صحیح ضبط‌کرده است .

۱ـ Delfo ۲ ـ جغرافیای ایران (لرستان) نوشته شادروان سپهبد رزم‌آراء .ص ۹۲ ۳ـ Bessom ٤ـ Durizha ۵ـ Aznowela

٦ـ Valm

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

از شمال شرقی بخش زاغه، از کوههای «کای‌رمه» سرچشمه گرفته و پس از گذشتن از بخش هرّو در الیشتر به این نام مشهور است و بعداً در «قلائی» بنام «کشکو» نامیده میشود .

۲ـ رودخانه‌ای که از دهستان «هنوم» سرچشمه میگیرد و به آب«زز۱» هم‌مشهور است‌و بعداًدر محل بنام «دوآب»به‌رودخانه‌ای که از «کوه‌گری» سرچشمه میگیرد میریزد .

۳ـ همان‌رودخانه‌ایکه‌اشاره‌شد وازتنگهٔ«کهمو۲»ازکوه‌گری سرچشمه‌گرفته وپرآب‌ترین رودخانه الیشتر است‌که بعداًبارودخانه «زز» یکی میشود .

غیرازاین رودخانه‌ها، چشمه‌های متعددی درجلگه‌الیشتراست که‌پرآب‌نیزهستندوبنام «سرآب»مشهورند، وجوددارند که‌مازادآب آنهابه‌این رودخانه‌ها می‌ریزند . مهمترین این سراب‌ها عبارتند از :

سراب امیری ، سراب آهنگران ، سراب فتح‌الله ، چشمه برقی که مشهور است این چشمه براثر صاعقه در سالهای پیش‌زمین شکافته شدو از آن‌پس به‌چشمه‌آب‌مبدل گردید . سرآب‌کشت‌ورزه و سراب چهار شاخ .

«وضع اقتصادی»

اصولا باید گفت که طبقه دهقان الیشتر تا کنون نتوانسته‌اند از این همه مواهب طبیعت که در اختیار دارندبطور صحیح وکامل

۱- Zaz ۲- Kamo : باکشش(کاف)

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

استفاده نمایند . یکی از دلایل آن را میتوان ناشی از نفوذطبقه‌خان دانست که‌خود وخانواده‌اش کم‌زحمت‌ترین وپردرآمدترین قشر طبقه راتشکیل‌میداد. زمینهارا دراختیارمیگرفت و درمسیرکسب سودخود کشت میکرد و بهره می‌برد .

دیکر اینکه‌خـود دهقانان نیز علاقه‌ای بیش‌از حـد معاش در جهت درآمد بیشترنشان‌نمیدادند .

عامل‌مهم دیگر زندگی کوچ‌نشینی‌است که تا ۱۰ سال‌پیش تا ۷۵ در صدمردم به‌این‌زندگی خوکرده بودند. درصورتیکه‌موقعیت بسیار مناسب و کم نظیر بخش‌سله‌سله یا الیشتر چنان‌است که‌میتواند قطب بزرگی از کشاورزی باشد،زیرا بیشتر زمینهای زراعتی آبی هستند و حاصلخیز .

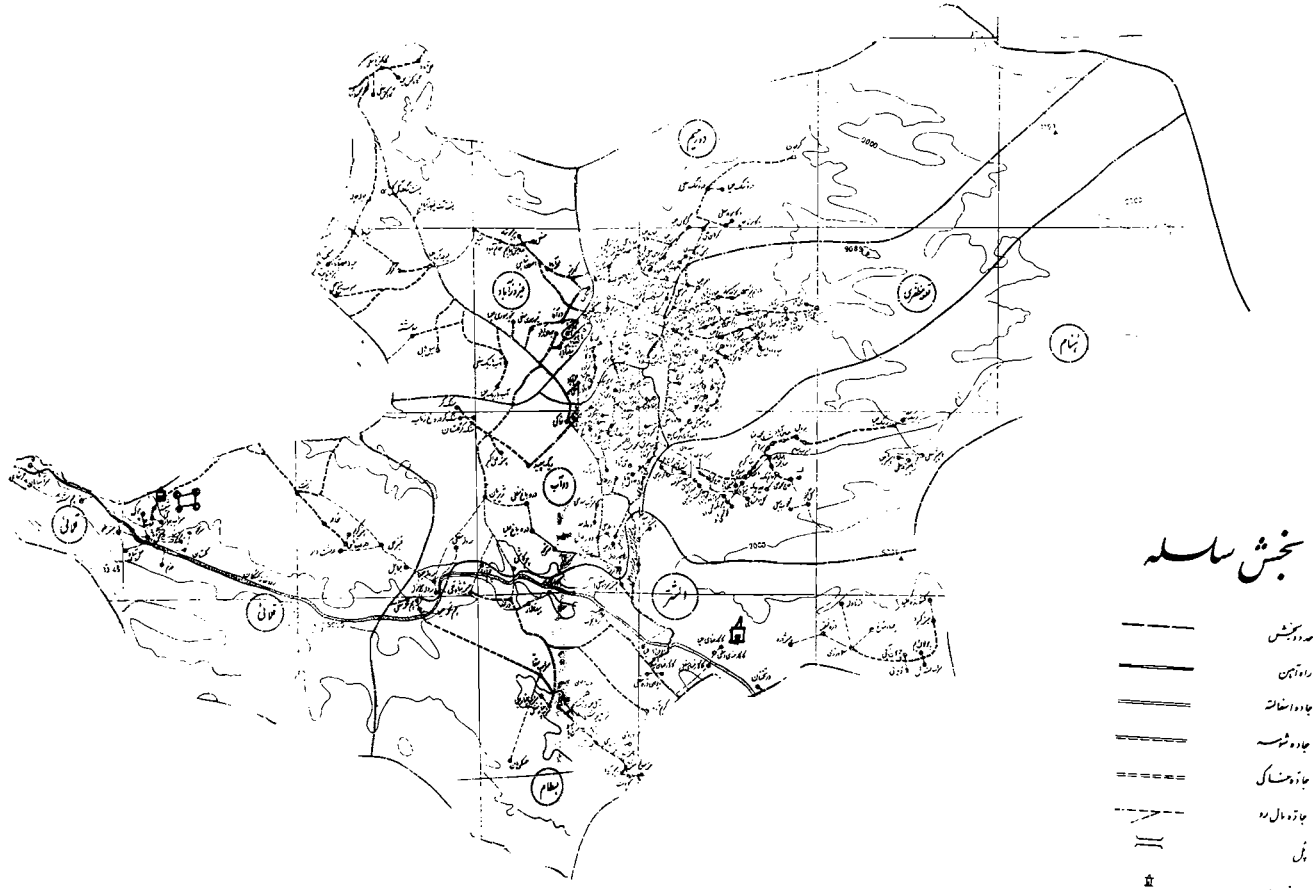
محصولات مهم کشاورزی گندم و جو و حبوبات است و اخیراً چغندر قندو دانه‌های روغنی نیزمیکارند . و استعداد پرورش درختان میوه را نیز دارد .

چنانکه‌برابرنوشته مورّخین، الیشتر یکی از مراکز مهم‌کشت زعفران بوده و بـاغهای فندق زیـاد داشته است . مشکل دیگر این بخش‌نبودن راه است بتمام‌دهکده‌هاو دهستانها . مثلا دهستان قلائی هنوزراه‌مالروداردد .در صورتیکه از هر نظر دست‌نخورده و درخور مطالعه‌است.تاسالهای‌پیش یکی از اقلام درآمد مردم «قلائی» مازو بودکه ازدرختان جنگلی بدست‌می‌آوردند ویا کتیرا و نوعی صمغ

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



نقشه شماره ۲۵۲ جلد دوم کتاب آثار باستانی و تاریخی لرستان

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بنام (ژوی۱) که برای سر شستن از آن استفاده میشد و یا شکری که از نوعی درخت جنگلی بدست می‌آمد و آنرا «گزوله۲» می‌گویند. اکنون هم ساکنان این منطقه راه اتومبیل‌رو ندارند. غیر از این، مناطق دیگر هم هست که فاقد راه به بازار هستند.

وضع اجتماعی و سیاسی

مرکز بخش سلسله یا الیشتر اکنون قلعه مظفری است که در درّهٔ غربی دشت الیشتر قرار گرفته‌است.

در این بخش همانطوریکه اشاره شد زندگی کوچ‌نشینی نقش مهمی در زندگی ساکنان دارد. البته با این تفاوت که این اثر در نقاط مختلف به‌نسبت رفاه عموی، تعلیف دام وجودمراتع، متفاوت است. عموماً مردمی زیرك؛ با هوش و دراخذ تصمیم تندرو هستند. حس عاطفه اجتماعی در آنان ضعیف است. در میان آنان شاعرانی بوده‌اند که به گویش لکی و فارسی شعر گفته‌اندو آثاری از آنان تاامروز باقی مانده‌است.

سرسبزی دشت الیشتر و نعم طبیعی در چشم‌انداز زندگی مردم

۱- Zhevi : شیره نوعی درخت بلوط‌است. مخلوطی از آن و زرده تخم مرغ را زنان برای شستن موی خود بکار می‌بردند.

۲- Gazula : [شاید آنرا گزانگبین بتوان گفت] بهر صورت شکری است که‌از برگ درختان‌جنگلی بدست میآید و در طب عامیانه مصرف میشود و برای درمان یبوست ها در کودکان و در مداوای مرض حصبه نیز مصرف داشته‌است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کم‌اثر بوده‌است. ولی‌در حاشیه جنوبی در میان دره‌ها و جنگلهای انبوه با ساختمان طبیعی تری‌ازنظام‌اجتماعی[راکد]روبرو میشویم.

مثلا ایل قلائی در دهستانی بهمین‌نام شرایط زندگی ویژه‌ای دارند. این تفاوت اول از گویش آنها آغاز می‌گردد. زیرا در حلقه طوایفی که گویش‌لکی‌دارند، این ایل‌به‌گویش‌لری تکلم‌می‌کند آنهم باکیفیتی خاص. ازلحاظ وضع جسمی نیز زن و مرد اندامی بلند و متناسب دارند. ونسل آنها باگذشت‌زمان‌بعلت پیوندهای‌داخل ایل یکدست مانده است.

جمعیت وگویش‌ومذهب

جمعیت بخش‌سلسله، ۵٤۷٤۱نفرو شامل ۷۲۷۰ خانوار است نظم ایلی از نظر تقسیمات داخلی‌در این بخش جالب‌است. ساکنان بخش از ٤ ایل حسنوند، یوسف‌وند، کولیوند وقلائی، تشکیل شده است. که سه ایل اول گویش‌لکی دارند ولی ایل قلائی با گویش لری تکلم می‌کنند. ساکنان دشت الیشترخودرا نواده اردشیرپاپکان دانسته و یکی‌ازمعمرین‌ایل، بنام‌حاج‌مریدحسنوند که پیرمردی‌خوش محضر و اهل فضل بود، در اینمورد داستانی نقل‌کرد که درحاشیه برای آگاهی علاقمندان می‌آید.

بنا به نقل‌مرحوم حسنوند۱، از«سل‌سل» سه‌فرزندپسر، بنامهای

۱- مرحوم حاجی مرید حسنوند گفت: نقل‌شده است، شخصی‌بنام سل‌سل (بکسراول و سوم) که‌از اعقاب اردشیرپاپکان ... بقیه درصفحهٔ بعد

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

حسن ، یوسف ، قیاس برجای ماند که اجداد ایل های حسنوند ، یوسف‌وندو قیاس‌وند می‌باشند . پس ازمرگ سل‌سل ،بین حسن و یوسف از یکطرف وقیاس‌ازجانب‌دیگر، نزاع و کشمکش درگرفت و سرانجام قیاس به نهاوند فرار کرد وحسن و یوسف در منطقهٔ موروثی‌خود باقی ماندند . تیره‌های دیگر از نسل این دونفرهستند .

اما در منتخب‌التواریخ معینی و نیز تاریخ گزیده که اسامی ایل‌های مسکون لرکوچك‌را نام برده، چنین نامهائی‌نیست جزاینکه کلمه «لك»آمده است که اگر این‌نام همانطوریکه امروز باصطلاح کلی به‌آنان «لك»اطلاق میگردد، همه‌ایلهائی راکه‌گویش لکی‌دارند شامل شود، میتواند شاهد بربیان مطلب‌باشد .

بطورکلی ۱۰۴طایفه و تیر دراین‌بخش‌مسکون‌هستند که‌برخی از آنها از مکانهای دیگر به‌این‌نقطه مهاجرت نموده‌اند ازآنجمله :

۱ـ طایفه هنی۱ : که امروزبا ایل یوسف‌وند آمیخته شده‌اند

دنبالهٔ پاورقی صفحه قبل

...بود در (حسین‌آباد) یاایلام امروزی سکونت‌داشت‌تا زمان نادرشاه . سل‌سل مردی شجاع بود . درزمان نادرشاه داوطلب جنگ با عثمانیها شد. دراین جنگ، سردار عثمانی، توپال پاشایاعثمان پاشا بود. سل‌سل دریك پیکار سخت عثمانیها را شکست داد و سرفرمانده عثمانی‌را بپای نادرشاه‌افکند . نادر او را مورد مرحمت‌قرارداد و به اوگفت‌در مقابل‌این‌شجاعت‌چیزی ازمابخواه. سل‌سل، دشت خاوه‌را تقاضا کرد. [درتاریخ‌عالم‌آرای نادری‌ج ۵صفحات۱۹۶تا ۲۰۷شرح‌چنین جنگی آمده‌است . مؤلف]

نادر خاوه‌را به‌او بخشید وسل‌سل مرتباً املاك مجاور را به‌عطیه ملوکانه افزود واز جمله دشت‌الیشرا وازآنروز نام«سلسله»به‌این‌پهنه‌نهاده‌شده‌است.؟!

۱-Henni = هندی

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ودر دهی بهمین‌نام زندگی میکنند . بنابر آنچه امروز مشهوراست، این طایفه‌ازهندوستان‌به‌الیشترمهاجرت کرده‌اند .البته‌وضع جسمانی‌و قیافه ظاهری آنان نیز میتواند مؤید این مطلب باشد .

۲ـ طـایفه امیر : ایـن طایفه در «سراب‌عمارت»واقع در ٤ کیلومتری شمال قلعهٔ مظفری سکونت دارند.کلمه امیر بمناسبت نام امیر منصور بیك جداعلای آنها می‌باشد .

بطوریکه یکی از معمّرین این طایفه بنام حاجی احمد خان اظهار میداشت، اینان قبلادرپشتکوه‌ساکن‌بوده‌اندو نزدیك به‌دویست سال پیش به‌پیشکوه آمده‌اند . گروهی از آنان دربخش چگنی دهکده (ملّه‌امیری) وبقیه نیز درهمین مکان از بخش الشتر سکونت‌یافته‌اند ازدو تیره مرشدخان و مهدیخان تشکیل شده‌اند .

۳ـ طایفه ساکی . این طایفه نیزپس‌از پراکنده‌شدن ایل‌بزرگ ساکی که از قرنها پیش دربخش زاغه لرستان‌مسکون بوده‌اند،پس از شکست حسین‌خان ،بزرگ‌ایل، به‌اطراف پراکنده‌شدند گروهی‌به دزفول رفتند ، عده‌ای به بختیاری مهاجرت نمودند که امروز بنام «بساکی» مشهورند وبقیه نیز درسراسرلرستان . سکونت یافتند .

ایل‌های‌دیگرمسکون سلسله‌نیزهریك‌از چندطایفه‌وتیره‌یا (پدر) تشکیل شده‌اند بشرح زیر :

۱ـایل‌حسنوند :

جداعلای این‌ایل‌مردی بوده است‌بنام«خدایی‌خان»که‌دوهمسر

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

داشته است بنامهای «فرخ‌جان» و «جان‌سلطان» . از بطن این دو زن ۲٤ فرزند پسر بوجود آمده که هر یك از آنها جدتیره‌ای که امروز هستند بوده است . بنا به روایت مرحوم حاجی مرید حسنوند ، از این ۲٤ نفر ، آنهائیکه‌در برابر حکومت وقت تعهد مینمودند مالیات معینه را بپردازند.و نیز برای اطمینان حکومت وتضمین‌این پردازانه فردی‌راازخانواده‌خود بعنوان‌گروگان به مرکزحکومت میفرستادند بعنوان رئیس طایفه ویاده‌برگزیده‌شده‌وزندگی میکردند. ولی‌عده‌ای که به این کیفیت تن در ندادند به انزوا قانع شدند و به زراعت پرداختند . چون دادن گروگان را ننگ شمردند . بهر صورت تقسیمات ایل حسنوند بشرح زیر است .

الف : طوایف فرخ‌جان مادری :

۱ـ دوله‌شه(دولتشاه)ازتیره‌های‌پشم۱ ؛ رحمان‌شه ، پهلوان‌قلی

۲ـ«ندر۲» که ازپنج بووه۳» یا پدرباسامی‌جوانمرد ـ عوضعلی صفرالی ، نادعلی ، سوخته‌زار ، تشکیل گردیده است . مجموع این طایفه‌ها و وابسته‌های آنها را مفرّ٤ نیز میگویند .

۳ ـ کاکول‌وند، از«بوو. یاپدر»هایی‌به‌اسامی‌زیر ، حیدرخان میرزا جان ، ابراهیم خان ، محمدجان ؛ ایمان جان ، اتابك و روتینه‌وند ۵ و نیز تیره‌های‌وابسته‌بنامهای ، پولاد ، قل‌نره‌شی٦ زیویار

۱- Pasham ۲- Nadar (ظاهراً اصل نادر بوده است).
۳-Bowa بمعنی‌پدراست. ٤-Mafarr ۵-Rotinavan
٦- Ghalnarashi (شاید قلندر حبشی باشد)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اورضا ، رزمی- سلار۱ ، بوحسین ؛ نصرالهی ، ملکی ؛ صادقی، فتح‌اللهی، کرم‌الهی ، فرج‌الهی ، نورالهی ؛ ذکرالهی و سیاه‌پوش تشکیل شده است . اینها اغلب کسانی بودندکه با حکومت سازش کردند و طبق قراردادی که در بالا به آن اشاره شد عمل کردند.

ب- طوایف جان سلطان مادری :

۱- خمسه: شامل پنج «بووه»به‌اسامی: میمی ۲ [محمد!؟]: تیخن؛ زهووی۳ [زهابی] ، گرزین٤ و یارحسین می‌باشد و بهمین علت‌هم «خمسه» نامیده شده است.

٦- بسّوم٥یا[بسطام]: از دوتیره‌یکی‌بنام«چراغ‌بگ»که از ۷ بووه یا پدر » به‌اسامی: یمین ،کل‌رضا،زرینی؛ امرائی ؛ ایناخ ؛ کرد ، آهنگر و تیره یوسف بك شامل‌رحمتعلی ؛ دم‌دار ، بختوبك امرائی ، خسربك٦ بووه [بابا] ، نام خدا ، مشل۷ ، سماعیل وند حاجی ،هومنی ،تشکیل شده‌است .

ایل یوسف‌وند :

از طوایف‌زیربنامهای‌چهارتخمه - حق‌نیبر۸[حق‌ندر] - پیرکه دکوم‌وند - کرد - کلوکچ [کلاه کج] - علی صالح - محمد صالح ویس ویس - کره‌جان - اکبری - دکومیبی - علی محمدی تشکیل گردیده است .

۱-Salâr ۲-Meyamy ۳-Zehowi ٤-Gorzeyn
٥-Bessom ٦-Xaserbak ۷-Meshal ۸-Haghniyar

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ایل کولیوند :

شامل طوایف : فـرخشه ، تـالو۱ ، اصلوشه [اصلانشاه] بماشه ، کرکر۲ ،شیرالله ، هوویل۳ ،نورمحمدخان، فرج، اسدالهی

ایل قلائی :

شامل طوایف «عوض» ،محمدرحیم ، هاشم ، یاره ، احمد و«لرکه٤»می‌باشد . که‌هریك از این طوایف ازتیره‌هایا «بووه»های زیر تشکیل گردیده‌است .

عوض : حیدر ـ آزادخان ـ حسین‌خان

محمدرحیم : هپلو۵ ـ ملکه ـ علی ـ علی‌مهت

هاشم : علی‌صالح ـ رشیدی‌ـ صید هاشمی٦

یاره : شه‌جو [شه‌جان] ـ شفیع

احمد : نقدعلی ـ احمدعلی ـ رحمتعلی

لرکه : کردی ـ بگلر

غیراز ایل قلایی ، سایر ایلهای مسکون در بخش سلسله بـا گویش لکی تکلم می‌نمایند .

تنها ایل قلایی با اینکه در محصور سایرایلها و طوایف‌قرار دارند گویش لری دارند و به‌این نکته نیز درجلد نخست اشاره شده است . مردم الیشتر پیرو مذهب شیعه ۱۲ امامی هستند .

Hapelo-۵ Lareka-۴ Howil-۳ Karkar-۲ Tâlo-۱

٦ـ کلمه (صید) جلو اسم مردان درلرستان معمول‌است شایدازمفهوم «صیادی» صیدمراد باشد .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

پیشینه‌های باستانی و تاریخی الیشتر

کلمه الیشتر درکتب مسالك وممالك و تواریخ ،بصورتهای مختلف ؛ لیشتر ، لاشتر،و الاشتر، واشتر ضبط شده ودر موردآن اظهار نظرهای گوناگونی شده است .

بعقیده بعضی ممکن است « ال » حرف تعریف بوده و کلمه اصل آن «اشتر» باشدو نیز بعضی معتقدند که این کلمه شاید دراصل «الایشتر۱»بوده‌است.

قبلاتوضیح دادهٔ شد چشمه‌آبی‌در ۱۰کیلومتری جنوب شرقی نهاونداز کوه «گری» سرچشمه‌میگیردو به«گاماسیو۲»مشهوراست:

ابودلف ضمن سفرنامه‌خویش‌مینویسد:

(از همدان به نهاوند میروید ، در این شهر یك گاو و یك ماهی سنگی زیبا موجود است.که‌میگویندابن دو مجسمه‌طلسمی‌است که برای بعضی بیماریها که در آنجا شیوع داشته ساخته شده ۳)

معجم‌البلدان نیز آورده که:(...در نزدیکی«الیشتر»دوصورت در کوه نهاوند هست ، یکی بشکل گاو و دیگری به شکل ماهی.) گویند این دو صورت حافظ آب نهاوند هستند وآب‌نهاوند

۱-خاتون‌هفت‌قلعه تألیف‌دکتر باستانی‌پاریزی‌ص ۲۸٤ ۲- Gâmasyo «گو» درگویش لری بمعنی گاواست ۳- ترجمه‌سفرنامه‌ابودلف ص۶۹و۷۰ .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

را تأمین میکنند . اهالی ؛ این تصویر را «گاوماسا» گویند ، منبع اصلی آن رودخانه از دل سنگ در کوه خارج و بطرف بیستون کرمانشاه روانه میشود .۱)

امروز نیز این‌عقیده در بین‌مردم روستای نهاوند شایع است و همان گاو ماهی است که ابودلف عنوان کرده و اکنون بنام «گاماسیو» مشهور است . و«ماسا»در«سانسکریت بمعنی ماهی است (تصویر شماره ۱ منظره چشمه گوماسیواست)

و ممکن است الایشتر با حذف صرف تعریف « ال » که در بابل بصورت « ایشتار» و «ایشتر » و در سریانی «عشترته» شده و در ایران بصورت استرواستار و ستاره آمده؛ گرفته‌شده باشد.«ایشتار» نام یکی از خدایان آشور بوده‌است۲. (تصویر شمارهٔ ۲ ظاهراً مجسمه‌ای از ایشتار است.)

شادروان استاد پورداوودعقیده داشت که الیشتر باید مرکز اصلی همان سرزمینی‌باشد که داریوش در کتیبه‌های‌خود از آن‌بنام «نیسا» نام برده است . سرزمینی که‌اسبان‌خوب ومردان خوب‌دارد. بویژه آنکه در الیشتر آتشکده ای قدیمی موسوم به « اروخش » یا «ارخش» وجود داشته است.

این تندیس گاو وماهی«درکوه‌گری»خودنشان‌آب‌و آبادانی

۱- مرآت‌البلدان ؛ ج ۱ ص ۴۱

۲- خاتون هفت قلعه نوشته ؛ دکتر باستانی پاریزی ص ۲۸۴

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

و زایش است .۱

سایر جغرافی نویسان و مورخین اسلامی ایرانی نیز هریك در اینخصوص مطلبی دارند . از آنجمله :

صاحب حدودالعالم مینویسد : (لیشتر شهر کیست بـاهـوای درست و بسیار واز وی بندق خیزد .) ۲

ابن حوقل این نام‌را«لاشتر» ضبط کرده‌ومینویسد :

(درناحیه جبال تنها درشهر لاشترفندق هست وفراوان بدست می‌آید .)۳

اصطخری مینویسد (از نهاوند تا «لاشتر» ده فرسنگ ، و از لاشتر تا «شابرخواست» دوازده فرسنگ ...) ٤

مستوفی زیر عنوان «ذکر بقاع کردستان» مینویسد :

(الیشتر شهری وسط است و جای نزه و درو آتش خـانه‌یی اروخش نام بوده است ۵)

و بالاخره ظهرالدین نیشابوری٦ آنرا «اشتر» و راوندی۷ نیز «لیشتر» ضبط نموده است.

۱ـ خاتون هفت‌قلعه ص ۲۸٤ و ۲۸۵

۲ـ حدودالعالم چاپ‌دانشگاه باهتمام آقای دکتر منوچهرستوده‌ص۱٤۱

۳ـ صورةالارض ترجمهٔ دکتر شعار، ص۱۱۳ ذیل‌کلمهٔ «قم»

٤ـ مسالك و ممالك اصطخری باهتمام آقای ایرج افشار ، ص ۱٦۳

۵ـ نزهت‌القلوب باهتمام آقای دبیرسیاقی ص۱۲۷

٦ـ سلجوقنامه ص ۵۵

۷ـ راحةالصدور ص ۲۲۹

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

لسترنج به مطلب مستوفی بیشتر توجه داشته و پس‌از نقل آن درباره محل الیشتر چنین آورده است:

(... ولی متاسفانه‌هیچکدام‌ازجغرافی نویسان موضع این‌شهر را ذکر نکرده‌اند. فقط دشت الیشتر هنوز معروف و شاید یکی‌از مواضع ویران‌آن همان شهری باشد که حمدالله‌مستوفی به‌آن اشاره کرده‌است. این شهر بی‌شك مطابق است با «لیشتر» یا «اشتر» که ابن‌حوقل و دیگران نام برده و گفته‌اند در ده فرسخی جنوب غربی نهاوند و دوازده فرسخی شمال «شابرخواست» قراردارد.)

محلی که‌امروز الیشتر نامیده‌میشوددرهمان فاصله ازخرم‌آباد یا (شاپور خواست شهر باستانی که ویرانه‌های‌آن دریك کیلومتری جنوب خاوری خرم‌آباد باقی است) و نهاوند که در کتب مذکور آمده قراردارد و مرکز کنونی آن بنام «قلعه مظفری» مشهوراست. که مرکزبخش محسوب میشود.اتلاق کلمهٔ الیشتر بمعنی‌ویژه دشت وسیعی را گویند که درشمال خاوری این بخش واقع شده است.

از شهرهائیکه مستوفی و دیگران نام برده‌اندائری نیست ولی چند تپه مصنوعی و مشهور دراین دشت هست که نشان دهنده‌اهمیت و رونق گذشته آنست.

الیشتر درسال ۲۱ هجری بوسیله سپاهیان‌عرب بفرماندهی ابوموسی مورد حمله قرار گرفت و بتصرف‌اسلام درآمد. حکام

۱- سرزمینهای خلافت شرقی ترجمه آقای عرفان ص ۲۰۹

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اسلامی دینور ، برالیشتر نیز حکومت مینمودند و «ماه‌کوفه» شامل الیشتر نیز میشد . مالیات‌بردرآمد سالیانه آن (ماه‌کوفه) درسال پنج میلیون‌درهم‌بود.۱

درقرن‌چهارم حسنویه پسرحسین‌برزیکانی۲ وفرزنداو «بدر»۳ برالیشترحکومت راندند .

درزمان سلاجقه و بهنگام سلطنت‌محمد پسر ملکشاه وسلطان محمود پسرمحمد ملکشاه ،چندتن‌از امرای آنها بر شاپورخواست و الیشتر حکومت نموده‌اند ، و اینها بخاندان «برسق» مشهورند .

از جمله حوادثی‌که‌در قرن‌ششم در الیشتر اتفاق‌افتاد ، یکی آن بود ، وقتی طغرل‌پسرمحمد پسرملکشاه باسمت ولایت عهدی سنجر بعراق‌میرفت ، میان‌او وبرادرش‌مسعود، چند بار مصاف بود و از جانبین ظفرو هزیمت روی نمود. یك‌نوبت ، درهزیمت‌بجانب خوزستان میرفت ، خواجه قوام‌الدین درگزینی را که‌وزیراو بود بر در لیشتر بیاویخت که‌سرگردانی خویش همه‌ازاو میدانست. ٤

این واقعه در سال ۵۲۷ هجری قمری اتفاق افتاد و عاقبت طغرل در سال ۵۲۹ درهمدان درگذشت .

پس‌از شنیدن خبر مرگ طغرل ، سلطان مسعود پسر ملکشاه

۱ـ تاریخ تمدن ایران ساسانی چاپ دانشگاه تالیف شادروان نفیسی . ص ۳۱٤ و۳۱۵.
۲ـ متوفی (۳٦۹) هجری .
۳ـمتوفی ٤۰۵ هجری.
٤ـ راحته‌الصدور، ص ۲۰۸ و ۲۰۹.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

قبل از برادر خود داوود بهمدان رسید و زمام امور مملکت را به دست گرفت . و داوو را ولیعهد خود ساخت . در اینوقت خلیفه « مسترشد » برای جنگ با سلطان مسعود از بغداد بیرون آمد . دو طرف در دینور بهم‌رسیدند و بجنگ پرداختند. در این جنگ سپاهیان خلیفه منهزم شده و خلیفه بدست سپاهیان سلطان مسعود گرفتار شدو عاقبت در ذیقعده ۵۲۷ بدست باطنیان کشته شد .

سلطان‌مسعود با سپاهی عظیم‌بجانب بغداد، رهسپارشده راشد پسر مسترشد عزم‌لشکرکشی‌و قصد انتقام‌خون پدرخویش‌را داشت. در همهٔ عراق و کوهستان قحط سالی عظیمی بود . راشد از بغداد بقصداصفهان بیرون آمد.مدتی شهر اصفهان رامحاصره‌کرد.عاقبت «راشد» بدست ملاحده کشته شد و سلطان مسعودبا «المقتفی» برای خلافت بیعت کرد و از بغداد به همدان باز گشت . ۱

در این‌وقت مردمی‌که از سلطان و کار او ناراضی بودند با «برسق خداوند لیشتر » بر مخالفت با سلطان هم‌عهد شدند و همواره درخواستهای مختلفی میکردند.بدر«لیشتر» بمرغزاری‌بودند . سلطان از همدان اول شب برنشست و نمازپیشین وقت قیلوله « در لیشتر » بدیشان پیوست. همه خفته ؛ کسی را نیازرد، و در میان لشگرگاه در خیمه ایشان فرود آمد.چون امرا را خبر شد یگان،دوگان‌زمین می‌بوسیدند همه را قبول کرد وازسر گناهشان درگذشت۲.

۱- تاریخ گزیده ص ۴۵۵

۲-راحةالصدور،ص۲۲۸و۲۲۹وسلجوقنامه‌ظهیرالدین‌نیشابوری‌ص۵۶و۵۷

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

به این‌ترتیب‌حکام برسقی۱ در دستگاه سلاجقه نفوذداشته‌اند، دستهٔدیگر از این خاندان در شهر « شاپورخواست » حکومت داشته که مهمتر از همه امیر اسفهسالار برسق کبیربوده است .

در باره برسقیان مطالبی پراکنده‌در برخی کتب تواریخ ذکر شده. در دورهٔسلطنت محمودبن محمدبن‌ملکشاه، یکی‌ازاین‌خاندان بنام ابوسعید اسفهسالار « برسق » ، بر شاپورخواست ، حکمرانی میکرده واواز کتیبه‌ای‌معتبر بجای مانده‌که درجلداول‌صفحات ۱۱٦ تا۱۲۰ معرفی گردیده است . برابر این سنگ نوشته ، برسق حاکم «شاپورخواست»از اعقاب حسنویه (؟)میباشدکه بی‌شك‌حکام‌برسقی اليشتر نیز باآن‌ها وابستگی داشته‌و از این خاندان بوده‌اند.ولی این نکته‌روشن نیست که«حسنویه»برزیکانی «کرد»منظوراست یا شخصی دیگر به‌این نام مشهور بوده‌است. درصورتیکه دستهٔدیگری از حکام برسقی کارگزارو فرمانروایان دست نشانده و وابسته به پادشاهان سلجوقی‌درموصل بوده‌اند و از ترکان محسوبند۲ .

۱- برسق بضم اول و سوم

۲- ابوسعید آقسنقر برسقی ، ملقب به سیف‌الدین قسیم‌الدوله ، صاحب موصل و رحبه و دیگر نواحی . اوپس‌از سپهسالار «مودود» از طرف سلطان ملکشاه سلجوقی امارت یافت و مودود در سال ۵۰۷ هجری بدست جماعتی از باطنیان کشته شد و آق‌سنقر دراینوقت شحنه بغداد بود واین منصب را سلطان محمد در سال ٤۹۸ هجری یعنی پس‌از مرگ برادر خود برکیارق ، آنگاه‌که بسلطنت رسید به آق سنقردادو درسال ٤۹۹ سلطان محمد ،آق سنقر رابه...

بقیه درحاشیه صفحه بعد

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

صاحب مجمل‌التواریخ و القصص ضمن شرح وقایع زمان سلطان سنجر مینویسد ، (... و سلطان محمد به ارّانیه و آن حدود مملکت بود . و سلطان‌سنجر را، امیر سپاه سالار، برسق کبیر سوی خراسان برد و پادشاهی‌بر وی‌مستقیم گشت‌و درهمانجایگاه؛ برسق شهیدگشت از زخم کارد بواطنه ...۱).

سنگ قبرهائی در الیشترموجود است‌که مربوط به قرن ششم بوده؛وروی آنهانام‌افرادی‌از برسقیان‌کنده‌شده است . ازجمله‌سنگ

بقیه حاشیه صفحه‌قبل

... محاربه کیقباد این هزار اسب دیدمی منسوب به باطنیه به‌محاصره تکریت مامور کرد ، و او در رجب اینسال بتکریت شد و آن شهر را تا محرم سنه ۵۰۰ محصور داشت . وآنگاه که‌تسخیر قلعه تکریت نزدیك‌شد ، سیف‌الدوله صدقه ،بدانجا شد و او قلعه را تسلیم کرد . وبا اموال و ذخایر خویش بیرون شد. و زمانیکه به حله رسیدبمرد.و وقتیکه خبر مرگ مودوداسپهسالاربسلطان محمد رسید ، به‌آق‌سنقر امرکردکه تجهیزجیش کرده‌وبموصل برای قتال بامردم فرنگ ، بشام شود . وآق‌سنقر به موصل شد و موصل را قبضه‌کرد و با مردم فرنگ جنگ و آنان را از حلب دفع کرد و سپس به موصل بازگشت و بدانجا بزیست ، تا درجمعهٔ نهم ذیقعده سال ۵۲۰ بقول عماد ، جماعتی ازباطنیان در زی صوفیه ، بجامع موصل درآمده و آنگاه‌که او از نمازباز میگشت وی را بزخم‌ها بکشتند . و ابن‌جوزی گوید ، قتل او در مقصوره جامع موصل درسال ۵۱۹ بود [لغت‌نامه‌دهخدا ص۵۰۶ ستون ۲و۳، ذیل کلمه « ابوسعید»]

کامل‌ابن اثیر ضمن شرح حوادث سال ۵۲۰ چنین مطلبی دارد :

فی‌هذاالسنه ثامن‌ذالقعده ، قتل‌قسیم‌الدوله‌آقسنقر البرسقی صاحب‌الموصل بمدینه‌الموصل ، قتلته‌الباطنیه یوم‌جمعه بالمجامع و کان یصلی‌الجمعه‌العامه کامل ج ۱۰ ص ۲۴۱

پس‌از کشته‌شدن آق سنقر برسقی ، عزالدین مسعودجانشین او شد .

۱-مجمل‌التواریخ والقصص ص۴۰۹.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

قبری است که نوشته شده است :

(هـذا قبرالحسین بن عثمان الفـراس البرسقی مات فی سنه خمیسن وخمس‌مأیه) تصویرشماره ۳

لاکن‌در بارهٔ این‌خاندان هنوز اطلاعات ما اندك است۱

از حکام‌بعدی الیشتر آگاهی زیادی نداریم ، شاید در دورهٔ امارت‌اتابکان لرکوچك، حکام‌این سلسله برالیشتر نیز فرمانروائی مینموده‌اند . ولی مدرکی برای‌تایید و استناد به آن در دست‌نیست.

یکی‌از علل مهمیکه‌موجب‌شد که‌نام الیشتر درمآخذ و تواریخ باقیماندعلاوه، بروقایع‌وحوادثی‌که درآن اتفاق افتاده ، قرارگرفتن این منطقه برسر شاهراه باستانی ایران بوده است .

آثار پیش‌ازاسلام‌الیشتر

متأسفانه دردشت و بخش الیشتر آثاری‌از قبل ازحملهٔ عرب وپیش‌تر ازآن ، جز چند تپه ، باقی نمانده است . حتی از آتشکده اروخش‌یا ارخش که حمدالله مستوفی در نزهت‌القلوب۲ از آن نام برده اثری نیست وعلل نابودی‌آنها نیز برما معلوم‌نگردید که‌چه‌بوده است. دراینمورد، مورّخین هم چیزی‌ننوشته‌اند. شایدنا بودی‌آثاری

۱- برای آگاهی‌بیشتر رجوع شود به‌مقاله نگارنده در (نامه‌مینوی)راجع به‌دودمان برسقی تحت عنوان (خاندان برسقیان لـرستان) صفحات ۵۴ تا ۵۹

۲- نزهت‌القلوب ص ۱۲۷

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هم اگر وجود داشته بعلّت نزدیك‌بودن به‌نهاوندو مسیر اولیه عربها وبرسر شاهراه قرارگرفتن این منطقه و نفوذ توام‌باتعصب وغارتگری آنها بوده‌است . تنها چیزیکه مؤیّدوجود تمدن و کیفیت آن میتواند باشد ، اشیاء مفرغی‌و مهرهائی‌ازپیش‌ازاسلام است ، که روستائیان ازقبور یافته‌اند که هیچیك از آنها نیزبا روش علمی حفاری ، بدست نیامده.

بقول پروفسور گیرشمن (...این‌قبور [قبورالیشتر] گودالهایی هستند که گاهی سنگ فرش شده‌اند ؛ و همواره‌روی‌آنهارا با لوحه سنگی بزرگی که به‌پهناگذاشته‌شده ، پوشیده است . غالباً تل خاکی که‌روی قبر ساخته‌اند بوسیله دایره‌ای از سنگها مشخص‌است۱ .

شاید هم این استنتاج‌صحیح باشدکه‌علّت کم نبودن آثار روخاکی دراین بخش آنستکه این‌اشیاء باید متعلق به‌خاندانی منتخب از سواران یاگردونه‌رانان جنگجوباشد ، که به‌اقامت درمحلی‌پابند نبودند ، وبدین‌علّت اشیاء قابل حمل را دوست داشتند. که این‌نظر بافقدان هرگونه آثار اقامت درجوار قبور تأییدمیشود۲ .

آثار بعداز اسلام نیز کم هستند ، و بیشترآنها وسیله مردم بویژه درسالهای اخیر ویران گردید. برخی از آنهاکه بجای‌مانده‌ویا اثری‌ازآنهاهست ، شرحی‌درمعرفی‌آنهاازنظرخواننده‌مشتاق میگذرد.

۱و۲- ایران از آغاز تا اسلام‌نوشته پروفسور گیرشمن ترجمه شادروان دکترمعین ص ۱۰۰ و ۱۰۱

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

غارسمسا

این غار در دهانهٔ تنگهٔ (دره آش)قرار دارد ودرگویش لکی محلی به«مَرسمسا۱»(بکسررا) مشهوراست.در باره کلمهٔ«سمسا» در نزهت‌القلوب شرحی آمده‌است ، او مینویسد :

(سمسا ولایتیست ،ازحساب مایرود بوده سی‌پاره دیه‌است ودرو قلعه‌ای است‌که دزسیا خوانند۱)

در شرفنامه این‌کلمه «سمها»نوشته شده ولی تفصیل آن‌همان است که در نزهت‌القلوب آمده‌است .

اما اینکه آثار موجود در دهانهٔ تنگه‌دره‌آش قسمتی‌ازولایت «سمسا»بوده‌است ، موضوعی‌است‌قابل‌بحث. زیرا«مایرود» که‌ظاهراً همان مانرود است‌که‌نهری‌خشك‌است‌که هنوزدرکوهدشت‌به‌این نام مشهوراست آیادرالیشترهم‌چنین‌نامی‌بوده‌یااینکه‌اصلاسمسا همین‌محل است‌که‌امروزغاری‌باهمان‌نام از آن مانده‌است ؟. نمی‌توان اهمیت مطلب‌را نادیده گرفت بویژه آنکه آثاری که‌امروز باقی است بسیار جالب‌و درخور مطالعه است که‌بعدازاین به‌آنها اشاره خواهدشد .

طول غار نزدیك‌به ۷۰ مترو عرض دهانهٔ آن ٦ متر وپهنای داخل‌آن ۷متروبلندی دهانه آن ۳/۷۰ متر است. سنگ‌های‌چخماق

۱- Marre Samsâ : درگویش لری «مر»بمعنی‌اشکفت یاغار است.

۲- نزهت‌القلوب‌به تصحیح دبیرسیاقی صفحات ۷۸ و ۷۹

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

درداخل آن مشاهده‌شد : (تصویر شماره ٤) .

بربالای غار، درهمـان «دره‌آش» محلـی است که سنگ‌های تراشیده برای ساختمان کردن ازکوه کنده شده و نشان میدهدبیشتر سنگهای بنا و آثار مهم‌الیشتر و یاسنگ‌قبور رااز این‌مکان آورده‌اند.

تپه‌های باستانی

تپهٔ گریران[۱] :

درشش کیلومتری شمال باختری شهرکنونی‌الیشتر و دردامنهٔ کوه«گـری»، درمحل‌تنگهٔ موسوم‌به «دره‌آش»[۲]، تپه نسبتاً بزرگی‌است است به ارتفاع تقریبی ۲۰ متر که‌به «گریران» مشهوراست .(تصویر شماره ۵)

بخوبی پیداست که‌تپه شاخص تمدن‌های‌مختلف پیش ازمیلاد مسیح تا عهداسلامی‌است .در سراسر آن‌قطعات سفال‌منقوش‌وساده، به‌سبک‌گیان دیده شد . در طبقه میانی آن وسیله اهالی خاک‌برداری شده ، چند بنا خانه با سنگ قلوه ظاهر گردیده و در سمت باختری آن اخیراً راهروی پیداشده‌که تاطبقه زیرین‌تپه پیش میرود ولی‌بعلت نبودن هوای کافی هیچکس‌تابحال بانتهای آن نتوانسته‌است برسد.

۱- Gereyro : در ترجمه کتاب باستان شناسی ایران تألیف واندنبرگ این کلمه (ژیرآیران) ترجمه شده‌و درحاشیه «گریلان» نیز نوشته‌شده. صحیح آن «گریران» است .

۲- Dera-âsh

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دراین‌تپه ابزار و گرزهای سنگی بدست آمده‌است.

دریکی‌ازطبقات، مجسمه‌ای گلی که‌پاهای آن‌شکسته‌بودوظاهراً خدای آشوری‌است‌پیداشده که‌گویامانند آن‌بازهم‌یافت‌شده‌است‌مجدداً (تصویرشماره۲) رابه‌بینیدوهمچنین برروی‌دکمه‌ای دایره‌ای که شکل روباهی که‌دم آن چندبارپیچ‌خورده، نقرگردیده‌است (تصویرشماره٦)

اورل استین در سال ۱۳۱۵ از این تپه دیدن نموده و درسطح آن گمانه‌زنی کرده‌است. قدمت آنرا تاسه‌هزار سال‌قبل‌دانسته‌است. وآثاری از هخامنشیان و ساسانیان نیز دیده است[۱]. شاید آتشکده اروخش‌نیزدرحدوداین‌محل‌بوده. قبرستانی‌ازقرن پنجم‌وششم‌درشرق تپه هست که‌اکنون هم‌گورستان ده‌گریران است. درآنجا چندسنگ قبر بزرگ‌بخط کوفی‌و فارسی‌دیده‌شد، که‌ازجمله یکی‌از آنهاسنگ قبر، شخصی‌است‌که نام(امیرسپهسالار برداوود) بطور برجسته‌روی آن نوشته‌شده.

تپه‌های‌زیادی درالیشترهست‌که‌همه باستانی‌و درخور اهمیت اند که مهمترین آنها:

۱ـ تپه کرت‌آباد نزدیك الیشترکه آثار سفالی‌آن‌مبین قدمت آنست.

۲ـ تپه امرائی که قسمت بالای‌آن آثار دوره اسلامی دارد:

۳ـتپه شهسوار آقا

۱ـ راههای باستانی‌وپایتخت های‌غرب‌ایران ص ۱٦۰

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۴ـ تپه طرهانی

۵ـ تپه اصلانشاه

۶ـ تپه نیاز آباد

۷ـتپه رومشته دارمرو

۸ـ تپه بتکی

۹ـ تپه امیری

۱۰ـتپه‌چم‌تکله و چم‌سرکه و برد بل

۱۱ـ تپه شترمل‌دار ماهی سول‌برجه

۱۲ـتپه‌چم تکله علیاء

۱۳ـ تپه نقی آباد کاکارضا

۱۴ـ تپه زشت عدل‌آبادوسرنجه

۱۵ـ تپه قنبرعلی علیا و سفلی

۱۶ـ تپه شکر آباد (چقاپهن)

۱۷ـ تپه سراب چنار

۱۸ـ تپه گل‌زرد

۱۹ـ تپه حسین آباد خیاط

۲۰ـ تپه کرت آباد

۲۱ـ تپه‌شینه قلائی

۲۲ـ تپه‌هسکوان

۲۳ـ تپه گرکو

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۲٤ـ تپه بساط آباد

۲۵ـ تپه‌چشمه شاقلی

۲٦ـ تپه‌بید قطار بسطام

۲۷ـ تپه چشمه بید

۲۸ ـ تپه کلابندپیل گلستان

۲۹ـتپه نرگس دول‌چشمه قلی‌بسطام

۳۰ـ تپه‌مالگه حاجی‌علی

۳۱- تپه‌کلاخرابه عالم آباد

۳۲ـ تپه‌قلابردی

۳۳ـتپه شه‌سراب شیخ آباد تتر

۳٤ـ تپه‌هندی

۳۵ـتپه اولادعلی

۳٦ـ تپه‌کاظم آباد

دهکدهٔ (شینه۱) وآثارآن

یکی از دهستانهای‌بخش الیشتر ، قلایی است که در جنوب باختری این بخش واقع شده ،وحدّ جنوبی آن رود کشکان وکوه «سفیدکوه» میباشد .

قلایی، پوشیده از جنگلهای انبوه بلوط،مازو و مهلب‌است

۱- Snima

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

و اهالی از برگ بعضی درختان بلوط ، یك نوع ماده شیرین شبیه شکر بدست می‌آورند که نام‌محلی آن «گزوله[۱]»است که‌شاید همان است که‌در فارسی به «گزانگبین» مشهور است .

این دهستان شامل چهارقریه شینه ، زشت ، بیژنوند ، وتودار است . کوههای بلند و وجود جنگلهای کهن، موجب‌هوای معتدل آنست ، زمینهای قابل کشت‌و چشمه‌های آب فراوان دارد. ساکنین بومی آن گویش لری دارند واز لحاظ نژاد و قیافه ، ظاهرا بامردم دیگر این بخش تفاوت کلی دارند . اکثراً اندامی کشیده ومتناسب وقوی ، چشمان نافذ و دماغ گوژداشته وباآداب ورسوم ویژه‌خود نمونه‌ای‌ازنژاد آریائی‌هستندکه بازندگی‌دردرّه‌هاوبرفرازقلل‌کوهها ودر میان جنگلهای پرنعمت ؛عنصراصلی وخصوصیات نژادی؛حتی گویش خویش را حفظ نموده‌اند .

دراین دهستان آثار وبناهای باستانی ومعابرکوهستانی‌ترمیم شده ؛ و زیارتگاههای زیادی هست که بیشتر آنها بمرور زمان از بین‌رفته‌اندکه‌ازمهمترین آنهاکه‌تااندازه‌ای‌مشخص‌است ، آثاری‌است که‌درقریه «شینه» باقیمانده است .

راه تنگه گاو شمار[۱]

این راه یك راه قدیمی وباستانی است که از تنگه مشهور به

۱- Gazula

۲- Gowshemâb : به‌معنی‌آنست که عبور ازتنگه طوری است که باید یکنفرو یا یکی‌یکی ازآن عبور کرد .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

«گاوشمار» عبور مینماید. این تنگهٔ معبر رودکشکان نیزهست که پس از عبور از آن مسیر خودرا بسمت جنوب تغیر میدهد.

در تنگه «گاوشمار» قسمت ضعیف وباریك راه باسنگ‌وگچ تعریض شده‌و درپشت تنگه [شمال آن] آثارساختمانهائی که ازسنگ وگچ بنا گردیده مشهود است . بی‌شك‌این بناها مربوط بدوره‌های پیش‌ازاسلام است و شاید از عهد اشکانیان بجای مانده‌اند . در کنار آن گورستانی است‌کهن که روی‌آنها تخته سنگ‌های بزرگ گذاشته شده. درسمت جنوبی‌آن نیز راهی‌است‌که‌به‌بالای‌کوه، منتهی میشود ، گفته میشد که‌در بالای سفیدکوه نیز آثار ساختمانی زیاد هست و این راه به‌این آثار که ممکن است روزی دژی بوده است منتهی میگردد .

تنگه «گاو شمار» بخشهای شمالی ؛ یعنی دلفان و الیشتر را به‌بخشهای جنوبی ، یعنی چگنی و کوهدشت مربوط‌میسازد .

دژ شینه [۱]

قریه و دهکدهٔ شینه در انتهای جنوب غربی بخش الیشتر واقع شده و «سفیدکوه» با ستیغ بلند خود مانند دیواری در جنوب آن کشیده شده است .

در شمال این دهکده کوهی بزرگ با دیواره‌های صاف و

۱- Shina

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تیغه‌های متعدد قرار دارد که ارتفاع آن نزدیك به ۱۰۰۰ متر است و تنگه‌ای این کوه را بدوقسمت خاوری و باختری تقسیم نموده که راه دهکده بسمت‌شمال، ازاین تنگه میگذرد و به (دروازه) مشهور است . قلّه شرقی بنام «شاه‌نشین» وقله‌غربی را «شایی‌لو[۱]» مینامند . (تصویرشماره۷)

قله «شاه‌نشین» دوتیغه دارد . برتیغهٔ مشرف به معبر «دروازه» آثار یك دژ بزرگ و وسیع موجود است . (تصویرشماره۸) این دژ ده اطاق داشته وطول وعرض‌هریك ازآنها ۳/۴۰×۵/۶۵ متر وپهنای دیوار آنهابیش‌از ۱/۵متراست. این تیغه‌را اهالی«باریگاه»[۲] میگویند . تمام بنا از قلوه‌سنگ و نوعی ملاط ساخته شده است . (تصویرشماره۹)

درجنوب‌دژ ، آثارحوض سنگی بزرگی دیده‌میشودکه مخزن آب ساکنین دژبوده است. ساختمان این دژ مربوط به‌پیش‌ازاسلام است . و دردورهٔ اسلام نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند .

برتیغه‌دوم‌آثاردژی دیگرهست که‌دوازده اطاق‌داشته وحصارو دیوارآن نیزباقی‌است. اندازهٔبعضی‌ازاطاق‌ها ۴/۳۰×۴/۳۰وبرخی ۳/۵×۴/۵ متر است . چنداطاق آن دو طبقه بوده که طبقه زیرین از سنگ وملاط و طبقه بالا باسنگ وآجرهای‌قرمز بزرگ ساخته‌شده است (تصویر شماره ۱۰)

۱- Shâyilo ۲- Bârigâ

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

در اطراف هردو دژ قطعات سفال قرمز و پیکانهای مفرغی دیده‌شد .

یکی از اهالی ادعا کرد که سالهاپیش ،از یکی از اطاقهای زیرین تیغه شرقی، حفره‌ای پیداشد که‌درآن مقداری‌گردوی پوسیده بود. دوآب انبار درکنار این‌دژ درزمین کنده شده که اندازهٔ طول و عرض وعمق هریك۲×۳×۸ متراست. دیوارهٔ داخلی آنها بانوعی ساروج اندود شده‌است . هنوزهم آب باران درآنها جمع شده و تامدتها باقی میماند . تنها راه‌رسیدن‌به‌این قلّه ودژها، راهی‌باریك است که‌اهالی آنرا«بزرو[1]»میگویند وازسمت‌شمال اززوی‌دیواره‌ای پرشیب و لغزان میگذرد ، که‌اینك نیز عبور از آن بدشواری ممکن است . سطح این دودژ واطاقهای آن وسیله مردم حفاری شده .در دامنه قلهٔ «شایی‌لو» سکه‌های عهد سلوکی‌پیداشده است .

میان‌شهر

درّه‌جنوبی‌قلّه‌شاه‌نشین، بنام «میان شهر»موسوم‌است. دهانه درّه بوسیله دیواری عظیم وپهن وبلندمحصوربوده ، پهنای‌این‌دیوار ۲/۵ متر و تمامی آن از قطعه سنگ‌های بزرگ وگچ وآهك‌ساخته شده‌است . در داخل درّه‌نیز آثار ساختمانها و دوآب انبار بزرگ ونیز ، در سراسر درّه‌قطعات سفال برنگهای گوناگون و فراوان

۱- راهی که‌یك بز میتواند از آن عبور کند .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دیده میشود و همه این آثار نشانه آنست که این درّه شهردژی بوده است .

بعید نیست اگر بگوئیم این‌دژ روزی در دست خرمدنیان و مدافعان ایران دربرابر تجاوزات و حملات عرب بوده و تحقیق جامع شادروان سعید نفیسی مؤید آنست . وی محدوده و سرزمین های خرمدینیان‌را در تحقیق خود مشخص نموده‌است[۱] .

پل کاکارضا

راهی که‌از الیشتر به خرم‌آباد ویاشاپورخواست میرفته‌است دردرّه‌ای که امروزبنام «کاکارضا»مشهوراست ورودخانه‌ای‌که‌در این‌محل به «ولم» مشهوراست[۲] ،واز این‌دره عبور نموده‌واززیرپلی میگذشته که خرابه‌های آن اکنون درفاصلهٔ ۸۰۰ متری پل کنونی‌در تنگ ترین بستر رودخانه باقی مانده‌است . آثار پل از سنگ وملاط است . پایه مربوط‌به‌پیش ازاسلام است ولی‌ظاهراً در عهد اسلامی‌و شایددردورهٔ‌حکمرانی‌بدرپسرحسنویه ، این پل‌نیز تجدیدبناگردیداست .

۱- بابك خرم‌دین ص ۳۳ و ۳٤

۲- Valm: شرح‌ومسیراین‌رود دراول‌همین‌بخش ضمن‌اوضاع‌طبیعی آمده‌است

* - پل‌کنونی کاکارضا ونیزپلی که در محلی بنام دوآب برروی رودخانه الیشتر زده شده ازآثار عصر سلطنت رضاشاه کبیر است .این پل وپـــــلی‌که برسرراه خرم‌آباد به کوهدشت بر رود «کشکو» زده‌شده و همچنین پـلی‌که در جنوب قلعه فلك‌الافلاك‌درخرم‌آبادبرروی رودخانه‌خرم‌آباد زده‌شده‌است بوسیله شادروان معمار یوسف فشنگچی ساخته شده‌اند .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آثار اسلامی الیشتر

آثار دهکدهٔ «گرکو»[۱]

در شمال‌غربی قلعهٔ مظفری (مرکزبخش‌الیشتر) ودرکنارتنگه مشهور «دره‌آش» دهکده‌ایست بنام «گَرکـو». این دهکده درگذشته آبادان بوده است . این ادعا بدلیل آثار موجود دراین دهکده است اولا یك رشته نهر که ساختمان‌آن امروزهم باکمی تعمیر واصلاح قابل استفاده خواهد بود، تمام زمینهای دهکدهٔ «گرکو» را ازآب «کهمو» مشروب‌میساخته‌است .

برای تقسیم آب از لوله‌های سفالی استفاده میشده که‌اکنون هم از مسیرهای این تقسیم ولوله‌های آن آثاری هست .

تپه‌کاروانسرا و آثاردیگر عبارتند از :

«رودگه» عباس علی ۲ [باقیمانده آتشکدهٔ اروخش ؟!]

در جنوب غربی دهکده گرکو و در دامنه دهـانه «دره‌آش» حصاری سنگ‌چین شده‌است که به «رودگه عباس» مشهور است .

۱- Garreko «گر» درگویش لری کوه‌کوچکی‌را گویند که‌سطح‌آن‌خاکی است .

۲- Ravadga :درگویش‌لری محل عبور یا «گذرگاه» مقدس را گویند .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

در میان این سنگ چین، چند پایه ستون تراشیده دیده شد. (تصویر شماره ۱۱) قطر یکی از آنها ٦٤ و بلندیش ۳۲ سانتیمتر بود. (تصویر شماره ۱۲).

بعقیده مردم، این «کلك[1]» یا سنگچین گذرگاه شخصی بنام «عباس علی» بوده است و مورد احترام مردم است.

اما آنچه میتوان ادعا کرد، شاید این پایه ستونها باقیمانده آتشکده مشهور (اروخش یا ارخش) بوده باشد که قبلاز این به آن اشاره شد. مؤیّد این ادعا نیز آئینی بوده است که هرسال درنوروز تمام ساکنان دشت الیشتر در آنجا گردهم می آمده اند و برپا میکرده اند. وتا ۲۵ سال قبل نیز انجام میشده است. بنا به نقل چندتن از سالمندان دهکده «گرکو» که مراتا کنار این آثار همراهی کردند. این آئین باشکوه به این کیفیت برپا میشده است:

در سمت خاوری این سنگ چین، درخت بلوط کهنسالی بوده است. باید اضافه کنم که تنها درخت در این منطقه بوده است و اکنون هم هیچ نوع درخت جنگلی وجود ندارد.

اولین روز سال نو مردم ساکن سراسر دشت الیشتر، اززن و مرد و پیروجوان و کودکان، در این مکان گردهم میامدند. ازدحام جمعیت چنان بود که تمام محوطه اطراف پر میشد. در این روز مردم باسرنا «سورنای» و دهل به رقص و شادی و سوارکاری و تیراندازی

۱ - Kelak : درگویش لری حصار سنگچین را گویند

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

میپرداختند . ازجمله آئین این روز آن بود که همهٔ کسانیکه باهم دشمنی داشتند و یا غبار کدورتی بر دلشان بود، باروبوسی و آشتی کردن ، همه را فراموش میکردند و بقول یکی از اهالی : (به آنجا می آمدند تا کدورتها و دشمنی ها و غم ها را بجای بگذارند و بادوستی و شادی و خرمی سال نورا آغاز نمایند) در پایان روز ، به گرد «رودگه» یا گذرگاه عباس علی جمع میشدند و نیاز میکردند و شمع ها و پنبه های فتیله شده و روغنی را روشن نموده و آئین نیایش بجای می آوردند و بشاخه های درخت بلوط (درخت مراد) بند نیاز می بستند . و هر کس با دلی شاد و روحی پاك شده از غبارهای غم و دشمنی به خانه خود برمیگشت .

این خود میتواند دلیل بر اهمیت موضوع باشد و بی رابطه به سنت های باستانی هم نمی باشد .

اما واقعهٔ تأسف آوری که به یك باره هم از مردم دشت الیشتر شادی یکروزه را گرفت و هم محوطه را برای همیشه خاموش کرد ، نه بلای آسمانی بود و عذاب الهی ، بلکه دست شخصی بود بنام شیخ امید علی که از تبدین او نیز صحبت میکنند . این مرد متدین روحانی برگرد آمدن مردم در این محل بی مهری کرده و این آئین را خلاف دین و مذهب شمرد و فریاد برآورد که این آئین گبرو بت پرستی است ، و یکروز بی خبر مردم باتنی چند از یاران خود، به صحرای (دره آش) میرود و به خلاف دستور دین با تبر واره بیداد، درخت کهنسال و سایه گستر را

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بخاك نیستی میافکندو از آن پس شادی یکروزه عموم ی از مردم گرفته شد.[۱]
بهرصورت شایدبتوان گفت آثار این مکان باقیمانده آتشکده مشهور اروخش باشد.

آسیاب و دیوار سنگی «گرکو»

در دامنهٔ کوه «زینب‌مرده» در یك کیلومتری دهکدهٔ «گرکو» در محلی بنام «ورازره»[۲] آثاری ازیك دیوار و یك آسیاب که تماماً باسنگ و ملاط ساخته‌شده، باقی است. (تصویرشماره۱۳) نهر این آسیاب تمامی از سنگ و ملاط است. پهنای دیوار آن به ۱۰ متر میرسد.

۱ـ اهالی نقل کردند که شیخ امیدعلی بی‌عقبه از دنیارفت و فرزندی‌هم بجای او نماند. من نمی‌خواهم رابطه‌ای بین اعتقادات مردم و انتقام بخاطر قطع درخت ازمرحوم شیخ‌امیدعلی قایل شوم، ولی اینکار انسانی هم‌نبوده‌است در چندجای دیگردیدم که کسانی بعنوان تبلیغ دین به دهات رفته هرجا درخت تناورو سایه‌گستری بوده‌حکم به‌قتل‌وقطع آن داده‌اند. درصورتیکه نه‌تنهاقوانین اسلام‌چنین‌حکمی‌نداده بلکه قطع درخت، دراسلام کراهت‌دارد واضافه‌برآن‌اسلام باقانون وحکم‌مساقات‌سعی‌داشته‌وواداردکه‌مردم رابه درختکاری تشویق نماید. شایدبرخی‌درختان‌را«نظرکرده»دانسته‌اندویامشهورشده‌اند، بخاطرسیاست اسلامی بوده‌است که‌از قطع آن‌جلوگیری‌شود. قطعاً دینی‌بنام‌درخت پرستی‌هم‌سابقه‌ندارد که نوعی شرك‌باشد. اسفا که با بی‌توجهی عده‌ای درلباس مبلغ وشاید بخاطر ارضای نفس خود مردم را به‌گمراهی می‌کشند وبجای بیان حقایقی از مکتب والاو مترقی اسلام چنین دستوراتی بی‌خردانه و ویرانگرانه میدهد.

۲ـ Verâz-ra: «وراز» درگویش‌لری‌ولکی بمعنی «گراز»است. (یعنی‌راه‌گراز)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ارتفاع دیوارهٔ تنوره آسیاب، نزدیك به ۱۲متر است و قطر دهانه‌تنوره[۱] آن ۱/۲۰ متر است . (تصویرشماره۱٤)

گورستان‌قدیمی گرکو

درقسمت خاوری‌دهکده «گرکو» گورستانی‌قدیمی (از قرن ششم هجری‌به‌بعد) باقی است . (تصویر شمار۱۵)

برروی‌قبور ،سنگهای‌بزرگ، باخط کوفی‌قرارداده‌شده‌است (تصاویر شماره ۱٦-۱۷-۱۸) . این تنها گورستان‌قدیمی‌نیست. در دهکدهٔ امیر «گریرو» نیز دوگورستان بزرگ باسنگ قبرهای جالبی وجوددارد که درجای‌خود معرفی خواهند شد

مقبرهٔ حاج بکتاش[۲]

در دهکدهٔ شینه قلائی، برروی‌تپه‌ای، مقبرهٔ دایره شکلی هست که سقف آن ویران شده وتمام‌آن باآجرهای قرمز ساخته‌شداست. سطح‌داخل آن نزدیك به۳۰متر مربع‌وبلندی دیوار آن دومتراست . در سمت جنوب دیوار مقبره ،محراب کوچکی ساخته‌اند وقرینه‌آن درسمت شمال درورودی مقبره‌میباشد . (تصویرشماره۱۹).

قبری که‌دروسط این مقبره‌بوده باکاشیهای سفیدوسبز مزین

۱- درگویش‌لری، تنوره آسیاب را «سرسیل Sarsil» میگویند .
۲- بکتاش درلغت بمعنی لشکری است . (فرهنگ نفیسی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بوده که اینك تعدادی از آنها بجای مانده که ظاهراً مربوط به قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری می‌باشند . لعاب کاشیها براثرمرور زمان‌جبوه‌ای شده است.

روی قبر ویا بردیوار مقبره نوشته‌ای نبود که شاخص‌نام مدفون باشد . ولی اهالی اورا «حاج‌بکتاش» میگویند . چندی قبل این‌قبربوسیله‌افرادی به‌امید یافتن‌گنج ، شبانه بازشده‌واستخوان‌های پوسیده رابیرون ریخته بودند و بدیوار مقبره نیز آسیب فراوان وارد آورده‌اند .

سلطان مشرق

سلطان مشرق نام‌تپه‌ای‌بزرگ ومناره‌ای آجری بوده‌است دردامنهٔ کوهی بنام«فقایی[۱]»واقع در دهکده «سراب‌امیر» دردو کیلومتری شمال شهرالیشتر. (تصویرشماره۲۰) .

ارتفاع‌این‌تپه‌نزدیك به‌چهار متر است‌ولی اطراف آن‌دیواری سنگی دارد که ممکن است آثار دژی باشد . برروی تپه قطعات شفال زیاد دیده میشود . بربالای‌تپه، ستون‌چهارگوش آجری بوده که مردم آنرا ویران کرده و ازآجرهای آن برای بنای شهرکنونی الیشتر استفاده کرده‌اند .

دراطراف تپه گورستانی ازقرن ششم بوددکه حتی مردم‌سنگ

۱- Faghâyi

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

قبرهای آنرا برای پله و بنای خانه‌های خود بیغما برده و یا نابود کرده‌اند.

چند سنگ قبر جالب که بجای مانده بروی تپه افتاده بودند که اندازهٔ هریك ۶۵×۱۴۰ سانتیمتر و بقطر ۳۰ سانتیمتر و بشکل مستطیل میباشند و چهار گوشه هرسنگ چهارپایه دارد . برحاشیه یکی از این سنگها با خط نیم کوفی، قسمتی از «آیة‌الکرسی» و در وسط مشخصات مدفون را چنین نوشته‌است

(هذا قبر الحسین بن عثمان الفراس البرسقی رحمه‌الله ، مات المحرم سنه تسع و خمسین خمسمائه.[۱])[تصویر شماره۳ را ملاحظه فرمائید]

بر سنگ قبر دیگری این جمله نوشته شده بود (هذا قبرالامیر اسفهسالار... رحمه‌الله) که نام اصلی شکسته‌شده بود . با این کیفیت میتوان گفت که سلطان مشرق‌ممکن است مقر حکومت فرمانروایان برسقی درالیشتربوده است . و یا مرکزهمان شهر قدیمی الیشتر بوده است که مورخین از آن نام برده‌اند .

اخیراً درغرب این تپه هنگامیکه اهالی زمین‌رابرای خانه‌سازی می‌کندند، به‌یك‌راهرو زیرزمینی میرسندکه این‌راه دوشعبه میشود، یکی بجانب تپه‌می‌رودودیگری بسمت باختر ومنتهی به‌چاهی . بردهانه چاه سنگ قبری یافته‌اندکه بـرروی آن پنج سطر بخط کوفی‌نوشته شده ولی تاریخ آن ذکر نشده است (تصویرشماره۲۱) .

عمق‌چاه به۱۰ مترمیرسد . چندسنگ‌نوشته کوفی هم درخانه

۱ـ این سنگ قبر با زحمت زیاد به خرم‌آباد حمـل شد و اکنون در قلعه فلك‌الافلاك نگهداری میشود .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

های‌روستائیان‌دیده شدکه آنها را بجای‌پله گذاشته‌بودند. ودوسنگ هم‌دریکی‌از خانه‌های روستائی دهکده گریران دیدم که هریك خود سندی برای الیشتر بود خطوط‌بعضی ازآنها ازبین رفته‌است •

امام زاده محمدی

درغرب دهکدهٔ «سراب امیر» ودر محلی موسوم به « گامیش کشته» مقبره‌ای هست وازسطح زمین پائین‌تراست وتنها طاق‌گنبدآن مقداری از سطح زمین بالاتر وبرجسته‌تراست . روی طاق راهم‌خاك گرفته که‌از دور تپه‌ای‌بنظر میرسد.

تا سالها پیش کسی خیال نمیکرد که این تپه کـوچك طاق و گنبدی باشد . هنگامیکه در اطراف آن شخم میزدندتصادفاً حفره‌ای پیدا شد که اهالی باخاك‌برداری‌آن‌قسمت، درمقبره را یافتند.قسمتی از آنرا از زیرخاك نمایان ساختند . یکی‌از اهالی نیز داستانی‌اضافه کرد که یکی از معمرین شب خواب دید و کسی به اوگفت در زیر این تپه قبر یکی از فرزندان پیغمبر قراردارد . فردای آنروز باکمك مردم تپه راشکافتند و سردابه و گنبد پیداشد .

دریغاکه پس‌از مدتی عده‌ای غارتگراز خدا بی خبر، بدنبال یافتن گنج‌وبطمع دست یافتن به‌ثروت، قبراین اولاد پیغمبر را شبانه شکافتندو استخوانهای اورا بیرون ریختند . ایکـاش آن مردخواب نمی‌دید و کاربه اینجانمی‌کشید .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

مقبره بشکل مربع وطول هرضلع ٤/٥ متر میباشد . نیم متراز دیوار باسنگ‌و بقیه آن با آجرساخته شده . طـاق‌های مقبره دارای مقرنس و هشت‌بالی‌است که یك درمیان بهم متصل شده‌اند . فاصلهٔ هردهنه ۲/۵ متر و ارتفاع گنبد تاکف مقبره ۳/۸۰ متر است . درمیان آن‌قبری بوده ، که شبانه‌افرادی‌آنراکنده‌واسکلت‌مـدفون‌را در آن‌بیرون‌ریخته‌اند .

سنگ قبر منشوری شکلی داشته که اینك در مـوزه اداره‌کل فرهنگ وهنر لرستان نگهداری میشود :

روی این سنگ کلماتی که نام مدفون بوده شکسته و ازبین رفته است ، ولی برطرفین‌آن باخط کوفی نوشته‌شده[بسم‌الله‌الرحمن الرحیم . شهدالله انه لااله‌الا هووالملائکة واولوالعلم .]۲

اهالی آنرا مقبرهٔ شخصی بنام «محمدی»میدانند وادعامیکنند که برسنگ نوشته‌ای این‌نام بوده‌است(؟) . (تصاویرشماره۲۲و۲۳) دوطرف سنگ منشوری است .

بابا کاووس

قبری دردامنه کوه «هنّوم۱» درجنوب بخش الیشتر در میان گورستانی قدیمی باقی است ، که مشهور به باباکـاووس میباشد ، سنگ قبربا خط کوفی نوشته شده بودبدستور طلبهٔ بی‌اطلاعی‌شکسته شده و دیوارسنگ چین‌قبر آنرا درهم ریخته‌اند . از اینجهت قرائت

۱- Henom ۲- سورهٔ آل عمران آیه ۱۶

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

نام و مشخصات روی سنگ ممکن نشد . ولی دو سنگ دیگر در اطراف بود که تاریخ یکی از آنها ۵۸۵ هجری بود .

کاکارضا

دردرّه‌ای واقع بر سر راه خرم‌آباد به الیشتر، بردامنهٔ کوه گنبدی است که اینك ویران شده است . صاحب گنبدرا مردم بنام «کاکارضا» مینامند . تمام این دهکده نیزاز این گنبدنام گرفته‌است امروزنیز مردم، صاحب قبررا احترام میکنند ولی‌سنگ‌قبری درآنجا مشاهده نشد ومعلوم‌نشد «کاکارضا» چه‌کسی بوده‌است.

ظاهراً میتوان گفت که از مبلغان مذهب اهل‌حق بوده زیرا قرائنی دراینمورد موجود هست .

گورستان بته کی[۱]

«بته کی» نام دهکده‌ایست درغرب قلعهٔ مظفری، مرکز بخش الیشتر درنزدیکی این دهکده نیز گورستانی است که‌دارای همان‌سنگ‌قبرهائی است که‌از قرن‌ششم‌هجری‌برروی گورهامیگذاشتند (تصویرشماره۱٤)

برروی یکی ازسنگ‌قبرها نوشته‌شده‌است(هذاقبرالاسفهسالار [ظاهراً جعفر است] ابرداودرحمه‌الله)«تصاویر۲۵و۲٦مربوط‌به‌قسمت های یك‌سنگ قبراست .

۱- Botakki

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

همانطوریکه قبلا اشاره شد، قرن‌ششم، دورهٔ طلایی الیشتر بوده است و حکام برسقی که امرای سلاجقه بودند، در این منطقه و نیز «شاپورخواست» شهر باستانی که آثار آن درجنوب خرم‌آباد قراردارد حکمرانی میکردند. باآنچه درباره الیشتر آمده بازناگفته‌ها بسیارند و کاوش‌های بیشتر باستان‌شناسی میتواند خبرهای تازه‌ای ازاین سرزمین سرسبز و زیبا و کوهستانی بدست دهد.

تخت شاه

دره «کهمان» واقع در شش کیلومتری شمال قلعه مظفری مرکز بخش الیشتراست. دره‌ای بسیار زیبا و باطراوت است. زیرا دردامنه قله «چهل‌نابالغان» قراردارد. چشمه بزرگ آبی مشابه چشمه سراب «گوماسیو» نهاوند درست درطرف دیگر قله از زمین میجوشد. سرتاسر کنار این رودخانه را که‌ازچشمه‌جاری‌میشود درختان کهنسال گردو و برخی درختان جنگلی پوشیده و منظره جالبی را از طبیعت بوجود آورده است. (تصویرشماره۲۷).

آب چشمه باندازه‌ای سرد است که درجه آن درحدود ۳تا٤ درجه بالای صفراست. دروسط چشمه، نشست‌گاهی‌درمیان درختان گردو در سالهای پیش ساخته‌اند که اینك نیز بقایای آن باقی‌است. بعضی میگفتند برای ناصرالدینشاه قاجار ساخته شده که بعید بنظر میرسد. عده‌ای نیز اعتقاد داشتند برای‌یکی‌از حکام قاجار ساخته‌شده

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

است که باز اسم او مختلف گفته‌میشد :

وجه تسمیهٔ آن را بخاطر روایت بالابه تخت شاه میدانندولی بنایی که چشمیگر و جالب باشد نیست .

• • •

آنچه تا کنون نگاشته شده‌و آثاری که معرفی‌شده‌اند هریك در برسی باستان‌شناسی‌و کاوشهای علمی‌میتوانندنمایانگر مجهولات و موضوعهای تاریخی تازه‌ای‌ازگذشته‌دورباشند . بویژه آنکه‌دشت الیشتر و همجوارآن دشت خاوه از قرون پیش‌ازتـاریخ ، تا عصر اسلام، هم‌ازنظرمحل‌سکونت‌وهم‌ازلحاظ‌کیفیت‌زندگی ورخدادهای زمان اهمیت خاصی داشته است . این به‌همّت مردان سخت کوش و پرتلاش باستان‌شناسی ایران بسته‌است که‌باپژوهشهای‌خود، رازی را بگشایند و ورقی براوراق طلائی تاریخ این سرزمین بیافزایند .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

فصل هشتم

بخش دلفو۱ یا دلفان
اوضاع طبیعی

دلفان یکی‌از بخش‌های وسیع کوهستانی وپرجمعیت لرستان است . از شمال وشمال‌غربی‌به‌نهاوند ، وهرسین و رودگاماسیواز جنوب‌به بخش‌های چگنی وطرهان ، از باختر به‌کرمانشاهان .

مساحت آن نزدیك به ۱۶۷۰ کیلومتر مربع است وشامل‌پنج دهستان به اسامی :

۱ـ ای‌بت‌ون یا اولاقوا . ۲ـنیرالی. ۳ـ خاوه. ٤ـکاکاوند. ۵ـ میربك . تشکیل شده است .

۱ـ درگویش‌محلی Delfo گفته‌میشود. چون‌الف‌و نون آخر اسامی‌فارسی درگویش لری بدل‌به‌صدای «و» میشود ولی‌در مکاتبات اداری دلفان مینویسند اخیراً جایزه یکی‌از جشنواره‌های سینمائی طرحی‌از مفرغی بود که‌دراین منطقه بدست آمده‌است وکار خوبی که کرده‌بودندنام‌منطقه‌را برجایزه‌جشنواره‌گذاشته بوده و مجسمه (دلفان)نام‌گرفته . خدا به آدم‌های قدرشناس کمك کند .

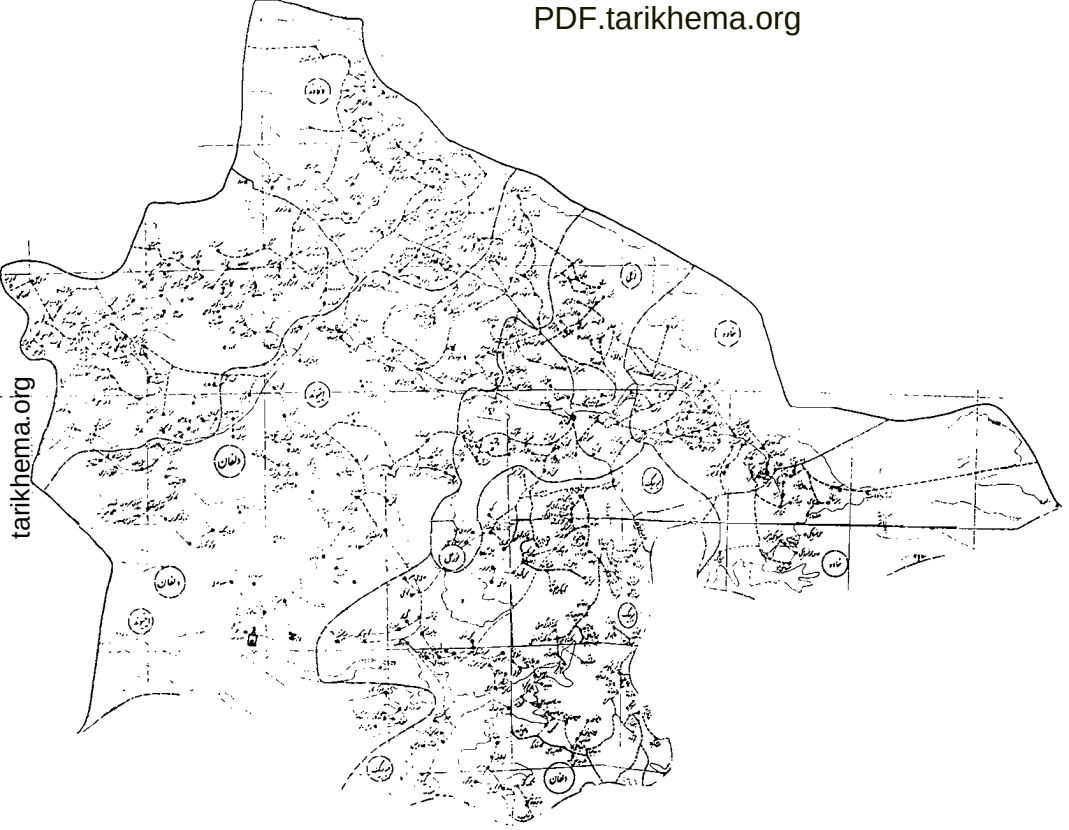
۲ـ Iyat van: این کلمه‌را به‌غلط«ای‌تی‌ون»تلفظ کرده‌اند. آنرا اولاقوانیزمیگویند

۳ـ Nirâli (نورعلی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

روبروی صفحه شماره۲۹۳ جلد دوم کتاب آثار باستانی و تاریخی لرستان

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کوهها :

۱ـ دنبالهٔ کوه «گری» که در مورد آن در بخش الیشتر نیز اشاره شد مرتفع ترین قله این کوه در این بخش به ۲۸۰۰ متر میرسد .

۲ـ کوه سرکشتی درغرب دلفان .

۳ـ مهراب کوه که یکی از مهمترین کوههای این بخش است و پوشیده از جنگلهای انبوه و کهن است .

٤ـ کوه کل نام

۵ـ جیازه و بوه میری در دهکده گرکه کاکاوند .

٦ـ بزکن درغرب دهکده گل باغی .

۷ـ خوپری در دهکده کوله مرز

۸ـ دم هر[1] در دهستان ای بت ون . و مله ارجنه

چون تمام منطقه کوهستانی است در نتیجه کوههای زیادی در این بخش هست که در اینجا مجال ذکر نام همه آنها نیست و بهمین اکتفا میشود.

رود:

تنها رودخانه مهم بخش «دلفو» بنام «تیزاو[2]» نامیده میشود که از «دم آویزه» و نورآباد میگذرد و به «بای ور» مشهور است . مازاد آب و سرابها و چشمه های غرب «دلفو» را در برمیگیرد و درشمال تنگه «گوشمار[3]» درجنوب این بخش به رود «کشکو» می ریزد .

۱ـ Dombarr ۲ـ Tizow ۳ـ Gowshemâr (گاوشمار)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آب و هوا :

آب و هوای این‌بخش، سردسیری است و بیشتر از پنج ماه‌در سال پوشیده از برف است.

جنگلهای انبوه و کهنسال و وجود نزدیك بـه ۲۰ سراب و چشمه پر آب، طراوت وسرسبزی ولطافت‌ویژه‌ای به مناظرو هوای آن داده است. علاوه برجنگلهای‌طبیعی، مردم بابرخورداری‌از آب زیاد، جنگلهای‌مصنوعی تبریزی، سپیدار و بیدایجاد کرده‌اند.

گیاهان طبی، شقایق‌های سرخ ،صورتی وبیش از۵۰ نوع گل در کوهها و مراتع آن مشاهده‌شده‌است. درجه سرمای آن‌در زمستان تا ۳۰ درجه زیرصفر نیز میرسد.

وضع اقتصادی

به‌برکت آب فراوان‌و هوای‌مناسب، وضع کشت‌گندم‌وجو وحبوبات دراین‌بخش بهتراز مناطق‌دیگر است. ولی محصولات دیم مانند همه‌جا به‌بارانهای‌بهاری بسته وچشم به‌آسمان‌بایدبود.

محصولات، دستی این‌محل نوعی گلیم است‌که بسیارجالب است‌و طرحی‌خاص‌دارد. زنان‌درساعات فراغت‌گلیم‌ـفرش‌ـجل‌اسب چادرسیاه، برای‌کوچ‌نشینی می‌بافند. صنعتگران دیگری دراین‌بخش فعالیت دارند که‌البته‌در دیگر نقاط لرستان هم مشاهده شد امابه‌این استادی‌و خوبی مصنوع که نکته‌ای جالب برای بحث‌است ودرباره

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آنها تفصیلی خواهد آمد نیست. این صنعتگران راه «کولی» میگویند. ولی از نظر فرهنگ و آداب و رسوم و گویش چیزی کم از سایر ساکنان دیگر ندارند و به اضافه گویش خاص خود را دارند. وسایلی که آنان میسازند مقداری وسایل آهنی، مانند سیخ، میخ طویله، چکش، لگام اسب است ولی با وسایل خراطی مخصوص، کاسه، چمچه، جفته[۱]، کموله[۲] قندان و گرز و چوب سیگار و مانند آن است که البته خریدار آنها هم خود بومیان هستند و بیشتر از آنها بخاطر زندگی کوچ نشینی استفاده میکنند که در بار و بنه بهنگام حرکت نمی شکنند.[۳]

عدهٔ زیادی از ساکنان «دلفو» برای گله چرانی در پائیز به بخشهای طرهان و چگنی کوچ میکنند و تا آخر فروردین در آنجا هستند. تعداد آنها نزدیک ۴۰٪ کل ساکنان هست و عده ای هم که اسکان یافته سرمای ۳۰ درجه را ترجیح به کوچ در فضای گرمتر میدهند، معمولا ثروتمندان و کسانی هستند که میتوانند زندگی مرفهی داشته باشند که اغلب گله های خود را با گله چرانان و چوپانان و یک سرپرست به گرمسیر میفرستند و باطبقه تهیدست است که چیزی ندارند. در نتیجه دامداری یکی از راههای درآمد آنهاست که نقش اصلی و مهمی در اقتصاد منطقه را

۱- Jefna طاسی چوبی است که در آن آرد خمیر میکنند و معتقدند زودتر آماده نان پختن میشود.

۲- Kamula : نوعی کاسه بزرگ چوبی است.

۳- متاسفانه نفوذ وسایل پلاستیکی جای مقداری از وسایل بالا را در سالهای اخیر گرفته است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دارد . چون بین خرم‌آبادو کرمانشاه و نهاوند واقع شده‌است‌مرکز دادوستد ساکنان بامعامله‌گران خرم‌آبادی‌و کرمانشاهی و نهاوندی است و قسمتی از روغن لرستان از این راه به کرمانشاه میرود و کرمانشاهی‌میشود .؟!

وضع‌اجتماعی وسیاسی

مرکز بخش«دلفو»محلی است‌که قبلا بنام «دم‌آویزه[1]»مشهور بوده و امروز «نورآباد» نام دارد . فاصلهٔ خرم‌آبادتا نورآبادنزدیك به۹۵ کیلومتر است‌وتمام‌راه‌آن خاکی است. ازنورآباد تاکرمانشاه نیز مسافتی‌است در اینحدودکه آنهم‌خاکی‌است ولی ازخیلی‌جهات وضع استثنائی دارد که درجای خودبیان خواهدشد .

در مورد وجه تسمیهٔ آن به «دلفو» یادلفان معمرین محلی داستانها و افسانه‌هائی میگویند که مبنای تاریخی ندارد و نمیتوان به‌آنها اعتماد کرد . از آنجمله معتقدند . یکی‌از خاندان عرب دلفی در اینجا حکومت داشته‌واز اینرو به دلفان‌مشهور شده‌است. دیگری میگفت عده‌ای از مردم این منطقه در اسارت اعراب به میان طایفه دلفی فرستاده شدند . پس‌از مدتی یکی از آنها به ایران‌فرار کرد و پس‌از توقفی درسیمره به این محل‌آمده و چون‌نامش «دلفو» بوداین منطقه‌بنام‌او معروف‌شدوپنج‌طایفه‌موجوداعقاب‌پنج وفرزنداو به‌اسامی ایوت، مومه، بیژن، کاکا، میربك‌میباشند. که‌بااین کیفیت معلوم‌نیست

۱- Domâviza ۲- Ivat

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۱تکلیف بقیه طوایف چیست و کجائی هستند .[۱]

چون سندقاطع و روشنی بدست‌نیامد، به این‌افسانه‌ها قناعت میشود . ولی در مورد پیشینهٔ تاریخی آن، درجای خود بحث‌خواهد شد .

جمعیت ـ گویش و مذهب

همانطوریکه قبلا اشاره‌شد «دلفو» ازپنج دهستان تشکیل شده است . کل‌جمعیت این بخش ۷۲۳۶۹ نفر است که شامل ۱۲۶۴۹ خانوار میشود . تراکم‌جمعیت درقسمت‌های جنوبی وغربی بیشتر از سایر نقاط است .

اسامی طوایف مسکون در دلفو عبارتنداز :

۱ـ طایفه میربك که ازتیره‌های کوسه ،مال‌مومه ،بووالی ، بیژنوند ،حاتم و رالی تشکیل شده است.

۲ـ طایفه نیرالی(نورعلی) از دوتیره بزرگ (قوتل[۲] ورعیت) تشکیل یافته که‌هر یك‌ازاین‌دوتیره تقسیمات‌کوچکتری نیز دارند.

الف: قوتل، از بوه[۳] یاپدرهای(مخورزا، باله، بختیار، همیوند پشم[۴]) تشکیل یافته است .

۱- مرحوم سپهبد رزم‌آرا هم تحت تأثیر این‌قصه‌ها ، قصه‌اخیررادرباره‌وجه تسمیه انتخاب نموده است و درصفحه ۱۱۹ کتاب خود آورده‌است .

۲ـ Ghotel جمعیت و طایفه‌ای را گویند که در یك‌ده زندگی میکنند و از دستور یك‌رئیس طایفه یا قبیله اطاعت میکنند .

۳- Bowa = پدر ۴-Pasham

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ب: رعیت بدو پدر یا «بوه» بنام سهل علی و خلیفه تقسیم میشوند که هریك از این پدرها نیز تقسیمات دیگری دارند بدین شرح: سهل علی از (میان تنگی ـ بهمن ـ پیرولی وند ـ سهل علی) و خلیفه بوور[۱] از (خلیفه حلاله ـ زنگی وند ـ کمال جمال، دپل دو[۲]) و خلیفه موور[۳] از تقسیمات (دم آبیزه ـ شهباز بگی، پنه بر[۴] و فریا) تشکیل یافته است.

میربك و نیرالی دو برادر بودند که دو طایفه تشکیل دادند. نام این دو طایفه رویهم مومونه نیز گفته میشود.

۳ ـ طایفهٔ اولاقوا [اولادقباد] از تیره‌های (جافر ـ صالح ـ کرم ویس) تشکیل شده است.

٤ ـ ایوت ین[۵] ـ از تیره‌های (دسنه وند، خالوند؛ طالب وند، آخیسه وند، هونابی، تونابی؛ سادات شاابدالانی، دراویش بابای بزرگ) تشکیل شده است.

۵ ـ طایفه کاکاوند: از تیره‌های (غیب غلام ـ علی ـ مظفر باریکه وند، تاجینه وند، ولدوند، زید بهرام) تشکیل یافته است.

٦ ـ فلك الدین: از تیره‌های (مرادآباد، ده نو فرخشه، محمد جان، علی میرزائی ـ حیدرآباد، علی آباد کن سرخه، برخور دار، شیخ آباد، حسن آباد، یادگار؛ الفسونه) تشکیل شده است.

۱- Bover ۲- Dapaldo ۳- Mover

٤- penaber: «پنه بر» یا کسیکه پناه کسی را میبرد. (پنه) در گویش لکی پناهگاه است.

۵- Ivatyan

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۷ ـ کرمعلی : از تیره‌های (توشمال . مهرعلی . خانه‌که : آقاخان . خالی) تشکیل گردیده است.

۸ ـ طایفه چواری : از دو تیره (اسبی و گیلاس) تشکیل یافته‌است.

۹ ـ طایفه سنجابی : از دو طایفه بنام‌های جمی و اختیار تشکیل شده و اصلا از کردان مهاجر سنجابی‌کردستان هستند .

مذهب

مردم « دلفو » همگی دین اسلام دارند . اما در مورد مذهب دو طایفه نیرالی و چواری‌پیرو مذهب اهل حق هستند و مرکز آنان اکنون در (دم‌آیزه) یا نورآباداست و دارای تشکیلات مذهبی‌بوده و جمع‌خانه‌ای‌دارندکه‌درآن‌به ذکرومدح علی‌بن ابیطالب علیه‌السلام و پیشوایان دیگر خود میپردازند. گروهی دیگراز اینان دردهکده‌ای بنام **بلوران** درطرهان‌زندگی‌میکنند.درحاشیه ، مطالبی‌درباره‌برخی ازآداب و سنن مذهبی‌اینان میآید . باید اضافه کرد که این فرقه از ایرانیان اصیل و وطن‌پرستند.[۱]

۱ـ اینان مردمی هستند با اعتقادات خاص خود و میگویند علی‌بن ابوطالب علیه‌السلام خدا نیست و از خداهم‌جدا نیست. در جمع خانه نورآباد آئین روحانی برپا میکنند که بسیار جالب و دیدنی است . در بلوران برسرقله کوهی‌باین‌نام‌آتشکده‌ای‌هست‌که‌درهرسال موقع‌جشن‌آتش، همه‌ازاین‌کوه بالارفته

بقیه‌پاورقی درصفحه بعد

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

پیشینه‌باستانی وتاریخی

گر چه منطقه دلفان بعلت دوری از شاهراه تجارتی و جنگی و دور بودن از رخدادهای مهم زمان، ازآن نامی درکتب مسالك و ممالك و تواریخ نیامده است. ولی خود محوری حادثه‌ساز در

دنباله پاورقی صفحه‌قبل

وهر دس نسبت بتوانائی‌خود، حتی زنان آبستن برای فرزندی‌که در شکم دارند باید مقداری هیزم همراه برده وبراین‌آتش مقدس بگذارند . پس‌ازروشن‌نمودن آتش، یکی‌از رهبران یا روحانیون و پیشوایان‌مذهبی،اشعاری میخواندودیگران در حالیکه درکنار آتش زانو زده، سرمی‌جنبانندو میگویند (حق‌و حق علی‌حق) آنقدر حق‌حق میگویند تا بحال‌اغما میرسند .

سالی‌یکبار برای مدت چهار شب‌یا یك‌هفته، مراسمی برپامیشود وتعین روزجشن بعهده پیشوای اعظم میباشد . برای هرشب از چهارشب نامی است بدین‌ترتیب،شب‌اول(کامریجان Kâmerijân)دوم (شیرقتی Shir ghoti) سوم(شاعلی Shâali) و آخرین شب(پیرموسی Pirmusi). دراین شبها حتماً بایستی‌غذا برنج و گوشت باشد و لباسها نو واگر کسی قدرت مالی ندارد باید لباسهای‌خودرا کاملا تمیزکرده‌و شسته، بپوشد .

رهبر مذهبی هر محل، شب بتمام‌منازل پیروان مذهب سرکشی نموده و بغذای آنها دعای‌مخصوص‌میخواند .

این عید که یکی از اعیادبزرگ آنهاست بنام [قلن‌داز Ghelan dâs) مشهور است و معمولا این آئین‌بین‌دهم تابیستم‌دی‌ماه‌برگزارمیگردد. ازرهبران قدیمی آنها ؛ خان الماس است که اشعاری نیز بلهجهٔ لکی سروده و همچنین (ترك امیر Tork amir)و علاءالدین وملانیازمشهورند .

پیروان مذهب‌اهل‌حق،راستگوئی‌ودرستکرداری ونیك‌پنداری‌را شعارخودکرده و تجاوز بمال و ناموس مردم را گناهی بزرگ و غیر قابل بخشش میدانند .

بقیه پاورقی درصفحهٔ بعد

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دوره‌های باستانی بوده است . دارای آثار تمدن دوره‌های غارنشینی و نیز دشت نشینی بوده که از این بابت نیز غنی می‌باشد :

دنباله پاورقی صفحهٔ قبل

آتش را مقدس دانسته و آب‌ریختن به‌شعلهٔ آتش را گناه‌میدانند . ابتدای‌هرماه را جشن گرفته و آخر آنرا بعنوان مرگ ماه (منظور از هر ماه ماههای‌قمری است نه جلالی) دعا میکنند . اولین روز هر فصل را نیز جشن میگیرند وجشن اول پائیز بنام (تیل تکو Til Tiko)مشهوراست .

عید نوروز را (عید سلطان یا عید شاه) مینامند و با شکوه خاصی آنرا برگزار میکنند .چهار شنبهٔ آخر سال نیز برای پیروان این مذهب آئین خاصی دارد. در جشن چهارشنبه‌سوری مراسم دعا و آتش‌افروزی انجام میشود باینصورت که‌ابتدا کودکان به‌تعداد افراد خانوادهٔ خود مقداری که‌حتی اگر هم یك شاخه چوب باشد همراه میبرند و بر شعلهٔ آتش میگذارند و هر چوب بنام صاحبش در آتش افکنده میشود. که آتش‌تمام پلیدیها و زشتی‌ها؛ سختی و تلخ کامیهای آنکس را در خود بسوزاند و آنگاه از روی‌آتش میپرند ودعامیکنند. پنجشنبه شب از هر هفته وقت جشن‌و نذر و قربانی است . هرکس نذر یاقربانی دارد به پیشوای محل خود اطلاع میدهد. پیشوایا (سید) نیز بهمهٔ مردم اعلام میکند که‌دراین هفته نذر و قربانی می‌شود . صبح روز پنجشنبه تمام افرادیکه باید در مراسم نذر و قربانی شرکت‌کنند غسل نموده و عصر روز پنجشنبه تا نزدیك‌غروب دعا میخوانند وگوسفند قربانی شده راکه پخته وآماده است‌تقسیم می‌کنند و البته استخوانهای این گوسفند هم مقدس است و اصولا نباید هنگام سربریدن و پوست کندن و پختن قربانی ، سگی حتی از ۳۰ متری آن عبور نماید . وقتی استخوانها را از گوشت جدا کردند آنها را در زمین خاك میکنند آئین نامگذاری فرزندان هم‌بطورخاصی برپا میشود و قرعه میزنندکه این قرعه را (Tireali)میگویند و آن چنان است‌که پیشوای مذهبی به پیشنهاد پدر نوزاد،چند قطعه چوب‌یا سنگ در دست میگیرد و هر یك از آنهارا نامی می‌دهد که خود به‌تنهایی‌از آن آگاه است. البته به‌نسبت جنس نریا ماده‌بودن نوزادنام

بقیه‌پاورقی درصفحه بعد

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تپه‌های باستانی دلفان از اهمیت ویژه‌ای از نظر دربر داشتن آثار مفرغی و سفالی برخوردار است که از نیم‌قرن پیش به این طرف توجه دانشمندان جهان را بخود جلب کرده است.

دلفان که گاهی بنام «دشت خاوه» از آن یاد شده است محل سکونت کاسیت‌های دامدار و بیابانگرد و جنگجو بود ، که بگفتهٔ استراین « گاه توانسته بودند برای مقابله بـا سپاه شوش و بابل تـا ۱۳۰۰۰ کماندار در اختیار ایلامی‌ها بگذارند» و بقول مرحوم پروفسور گدار بیشتر آنان اغلب فصول سال را در دشتهای مرتفـع دشت خاوه و دشت الیشتر و ماهیدشت ، به بیابان گردی و پرورش اسب میگذراندند [۱] .

باکاوشهای هیأتهای علمی وبدست آمدن اشیاء و پیکره‌های سنگی از دورهٔ هخامنشی و اشکانی و ساسانی ، مشخص میشود که در

دنباله پاورقی صفحه قبل

مناسب انتخاب میکردد، آنگاه ازیك نفرمیخواهد که یکی از قطعات را بردارد نام آن قطعه سنگ یا چوب انتخابی نام نوزاد است .

اهل حق نماز نمی‌خـوانند و میگویند نماز خودنمائی و تظاهر است و بجای آن نیاز و بخشش می‌نمایند و معتقدند که هر کس نیاز کند میتواند از جان خودهم بگذرد . کشیدن دود از قبیل چپق و قلیان وسیگار در میان این گروه زشت ومذموم است و علت هم آنست کهیـکی از پیشوایـان قدیمی بواسطه عارضه‌ای که براثر کشیدن دود پیدا کرده‌است آنرا تحریم نموده‌است وهر کس از اینان دودبکشد اورا از فرقه‌خودخارج میدانند. ساز محلی ایشان تنبوراست اینان سبیلهای خودرا نیز کوتاه نمیکنند .

۱- هنر ایران ، ترجمه دکتر بهروز حبیبی ، ص ۲۶

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

طول این دوره نیز از اهمیت خاص این منطقه کاسته نشده و در مورد آثار مفرغی و اشیاء یافت شده فصلی است جداگانه که به تفصیل در باره آنها مطالبی خواهد آمد .

در تقسیمات پیش از اسلام «دلفان» جزء منطقه پهله و به دوره اسلام نیز قسمتی از ایالت جبال و جزء دینور و «ماه کوفه» بوده است که خراج آن به کوفه میرفته است .

دلفان یاخاوه و کوهستانهای آن در قیام‌های ایرانیان از جمله خرمدینان پناهگاه خوبی برای مقاومت‌ها، در برابر بیگانگان بوده است که مؤید بر این ادعا وجود آثار دژهای معتبر و جالبی است که مسلط بر معابر کوهستانی و یا بر بالای قلل، با تمام پیش بینی‌های دفاعی ساخته شده است .

در قرن یازدهم باز بنام «خاوه» مشهور بود و با الیشتر یك حاکم داشت که اسکندر بیك ترکمان در تاریخ عالم آرای عباسی از آن بنام ولایت لر کوچك یاد نموده و مینویسد :

مجملا طایفه لر کوچك که در ولایت خرماباد [۱] و خاوه و الیشتر وصّدمره [۲] و هدمین [۳] اقامت دارند از قدیم الایام به تشیع فطری .... موصوفند [۴].)

آثار روخاکی در دلفان بصورت بنای جالبی که نشانه‌ای از

۱- منظور خرم‌آباد است .
۲- یعنی سیمره
۳- ظاهراً باید هرسین باشد
٤- عالم‌آرای عباسی ج ۱ ص ٤٦۹

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

معماری گذشته باشد، جز گنبد بابا بزرگ نیست. اما همانطوریکه اشاره شد تپه‌های فراوان و گورستانهای قدیمی دارد که درگذشته قسمت هائی از آنها با حفاریهای غارتگرانه مورد تجاوز قرار گرفته و آثارمفرغی بدست آمده از آنها رافروخته‌اندکه اینك در موزه‌های مهم دنیا و شخصی نگهداری می‌شوند.

علت مهم هم آنست که تا بحال فقط یك بار آنهم بوسیله یك هیأت انگلیسی در آنجا کاوش و گمانه زنی شده است که نتیجه آن هم بسیار عالی و درخشان بوده است.

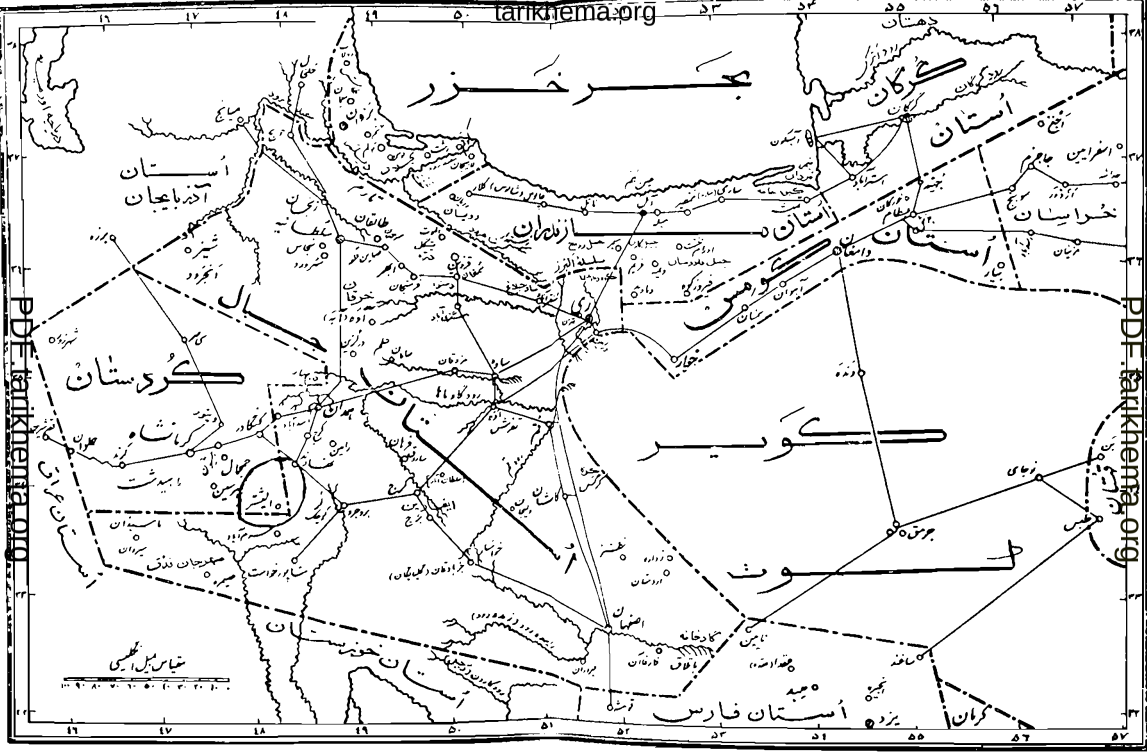
درسال ۱۳۱۵شمسی، هیأت استین از تنگه گاوشمارازچگنی به دلفان آمده است و از دهکده چم ذکریا بدون هیچ تحقیقی در این منطقه بسوی الشتر رفته است.

بهر صورت برابر نقشه‌ای که لسترنج‌ازدینور و الشتر میدهد نامی از این منطقه باز نیست ولی معلوم است جزء دینور محسوب میشده است.(رجوع‌شودبه نقشه‌مقابل‌وبیضی‌محدوده‌الیشتر و خاوه) امروزه یکی دو منطقه از نورآباد با نامهای جالب باقی است که برای هر یك داستانی نقل میکنند که من نیز برای اطلاع خواننده گرامی آنرانقل می‌کنم باشد که از این رهگذر شاید نامی، ما رابه مدرکی‌هدایت کند.چون در این‌دیار، تاریخ همه چیز با افسانه‌ای شیرین درهم‌آمیخته و بجای مانده است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org



PDF.tarikhema.org

مقابل صفحه ۳۰۴

نقشه، از کتاب سرزمینهای خلافت شرقی نوشته لسترنج ، ترجمه آقای عرفان

PDF.tarikhema.org

سرکشتی ـ محل بگل‌نشستن کشتی نوح !؟

در غرب منطقه دلفـان رشته کـوهی هست که مربوط بـه دوران اول یا دوم است . و بنام سرکشتی مشهـور است . این کوه که دارای رگه‌های ته نشسته فراوان‌است بمرور زمان فرسایش زیاد داشته و آنچه نیز امروز از آن بـاقی‌مانده دارای شـکوه خـاصی است . فاصله آن تا مرکز بخش نزدیك به ٤٠ کیلو متر است و راه آن مالرو می‌باشد . و یکی از سردترین نقاط بخش دلفان است . در دامنه کوه، چشمه‌های آب سرد و درختان کهنسال گردو، وانگور وحشی فراوانست ومنظره‌ای بدیع دارد. قدیمی‌ترین داستانی که در میان ساکنان این کوهپایه‌مشهور است. داستان طوفان نوح وبگل نشستن کشتی او در اینجاست .

مرحوم حاج حیدر ایوتین که کهنسالترین مرد قبیله بود در باره وجه‌تسمیهٔ این کوه به«سرکشتی»داستان‌طوفان نوح‌را درقالبی خاص بیان‌کرد وگفت: پس از فرونشستن‌طـوفان و آب ، کشتی نوح بر بالای این کوه به گل نشست و از حرکت باز ایستاد . و برای تأییدمطلب خود گفت در مرتفع‌ترین نقطه‌کوه گودالی بزرگ هست که میگویند این همان نقطه توقف‌کشتی است .!!؟

چشمه شفا

همانطوریکه‌در بالا اشاره شده در کوهپایه‌سرکشتی‌چشمه‌های

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آب زیاد هست . یکی از این‌چشمه‌ها که آب آن‌نیز سرد است، بنام «چشمه‌شفا» مشهور است . مردم دردمند، خود را در آب‌این چشمه شستشو میدهند و از آن شفا می‌طلبند . جالب آنستکه اغلب نیز از برخی امراض بهبودی حاصل می‌کنند . باید متذکر شد که مراسم غسل فقط در تابستان انجام میشود : زیرا در زمستان بعلت سرمای زیاد غیر مقدور است .

خاوه-ایرانشهر ـ کفراچ

نقطه دیگری در این بخش که درباره آن قصه‌ها میگویند ، دشت خاوه است که‌درشرق «دم‌آویزه» یا نورآباد قراردارد .بعقیده اهالی‌این‌نام‌قبلا«خاور زمین» بوده و مقرّحکومت سرداران‌ساسانی و یا تابستانگاه‌آنها بوده‌است. قلعهٔ‌کفراچ‌یاکفراش‌که اینک‌بصورت تپه‌ای است، محل فرمانروائی‌آنان‌بوده است و پایگاه دیگر آنان دهکده‌ای است که امروز ایرانشه یا ایرانشهر نامیده میشود. ؟!

اشکفت پیردوسی

دهکده پیردوسی درغرب نورآباد بفاصله تقریبی ۴۰ کیلومتر قرار دارد. نزدیك به ۲۵کیلومتر آن اتومبیل‌رو و بقیه مالرو است . وجه‌تسمیهٔ‌آن‌بعلت وجودمحلی سنگ‌چین‌شده‌است‌که، از نظر اهالی مقدس‌است وبنام «پیردوستی» مشهور است .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اشکفت یا «غار»، در کوهی بهمین نام قرار دارد ارتفاع تا دهانه آن از ۵۰ متر میگذرد که بایستی از راهی دشوار گذشت تا به آن رسید . درداخل دهانه اشکفت، دریکطرف آن راهی از کوه کنده شده واین راه از داخل تابالای کوه ادامه داردوشایدبرای دیدبانی و یا دست یافتن به گذرگاه مجاور مورد استفاده قرار میگرفته است احتمالا پارتها درایجاد راه آن نقشی داشته‌اند و بعداً نیز درقیام ایرانیان در دورهٔ حمله‌عربها نیز مورد استفاده قرارگرفته است.

روبروی دهکده تپه‌ای بزرگ و مهم قراردارد که بربالای آن گذرگاه «پیردوستی» واقع شده‌است .

تپهٔ حمام در یارآباد

این تپه در دهکده یارآباد ،واقع در جنوب دلفان و بفاصله ۲۵ کیلومتری مرکز آن واقع شده‌است. تپه برجستگی و ارتفاع زیادی ندارد . چند سال قبل که روی این تپه را شخم زده بودند ، هنگام آبیاری ، یکی از اهالی متوجه میشود که در زمین حفره بزرگی ایجاد شد که تمام نهر آب بداخل آن جاری شده و آب باصدای مخصوصی درآن میریزد . ناچار آب را قطع نموده و حفره رامی‌بندند ؛ گویا زیر تپه خالی باشد . زیرا وقتی باپا ضربه بزمین زده میشود لرزشی ایجاد میگردد .

این محل ازقدیم به‌حمام مشهور بوده‌است در اطراف تپهٔ قبور

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

باستانی زیادی بوده که اهالی ناشیانه و وحشیانه بیشتر آنها را حفاری نموده و اغلب اشیاء بدست آمده بنا به نقل قول یکی از اهالی ازطلا ساخته شده و منقوش بنقوش فراوان بوده‌اند . باز آن شخص میگفت در هر قبر یك اسکلت و جهت آن قبرها شمالی وجنوبی بوده و در کنار و بالای سر و پائین پای اسکلت شش کوزه کتابی لعاب‌دار گذاشته شده و در داخل دهان جمجمه نیز سکه‌ای دیده شده‌است ، که گویا یکی از آئین تدفین ، نهادن سکه دردهان مردگان بوده ، و این کار عمومیت داشته‌است . زیرا اگر در قبری افزار دیگری نبوده ، حتماً سکه دردهان جمجمه پیداشده است. وجالب است که یکی ازسکه‌های ارائه شده مربوط بدوره ساسانی بود . برروی تپه حمام سفال‌شکسته های فراوانی دیده‌شد که اغلب آنها منقوش بودند .

تپه‌های باستانی دلفان

تپه‌های عمده و مهم باستانی دلفان بشرح زیرند. غیر ازاینها گورستانهائی هست که مربوط به دورهٔ کاسیتهاست و مردم نادان و غارتگران میراث ملی برخی از آنها را شکافته و آثار گرانبهای آنها را به یغما برده‌اند . ولی اکنون با همت وزارت فرهنگ وهنر برای هر یك از این تپه‌ها و آثار ، انجمنی از ساکنان همان محل تشکیل شده و با توجیه و آگاه کردن مردم نسبت به تاریخ وطنشان اینك شدیداً خود مردم آنهارا پاسداری میکنند .این تپه‌هاعبارتنداز:

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۱ـ تپه‌های حبیب‌وند ، کفراچ ، عبدالحسین (دارای سنگ چخماق‌اند) ؛ بهمن یکرزگی ، دو آب زالی ، شریف‌داریاراحمد که همگی در خاوه قرار دارند .

۲ـ تپه‌های حسن‌آباد و بابا محمد در سنجابی

۳ـ تپه‌های شهن‌آباد ـ قلعه‌بی‌بی ، رمضان‌آباد ؛ باباجان ، گوهرگوش ، گاباغی فرهاد ، در دهستان میربك قراردارند .

٤ـ تپه‌های تلیاب بووالی ، نصرت‌آباد ، پشت‌تنگ‌دوستعلی زرده‌سوار ، در دهستان کاکاوند.

۵ـ تپه‌های‌پیردوستی و روشت ، خسرو خانی ، تنگ پری ، قمش در ایوت‌ین واقع شده‌اند .

٦ـ تپه‌های سیکوند در چوواری ، کلّك دریارآبادخان‌آباد در سراب‌گر ، نورآباد درمرکز بخش ، از تپه‌های دیگر این بخش هستند که از نظر باستان شناسی همگی دارای اهمیت خاصی هستند.

آثاراسلامی

در دلفان آثار دوره اسلامی از نظر بنا تنها منحصر است به گنبد بابای بزرگ در باختر این منطقه و چند قبر سنگچین که غیراز گنبد بابا بزرگ بقیه اهمیت فراوانی ندارند. با اینوجود شرحی در مورد هر یك از آنها خواهد آمد.

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

گنبد بابای بزرگ

در باختر دلفان ، بفاصله نزدیك به ۵۰ کیلو متر در دره‌ای بین کوه مهراب و دامنه‌های سرکشتی ، گنبدی است که به بابای بزرگ مشهور است و میگویند نام صاحب این گنبد ابراهیم از فرزندان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است . (تصویر شمار ۲۸) اندازه کفش کن آن ۳/۴۰×۴/۹۰متر است. در دو طرف آن دستك‌هائی برای نشستن هست که اندازه هر یك ۲/۷۵×۳/۹۰ متر است.

داخل حرم۸ ضلعی است و طاق آن دارای مقرنس‌های جالبی است . اندازه هر ضلع ۲/۳۰ متر است. در دو طرف شرقی و غربی دو محراب ساخته شده است . ارتفاع طاق گنبد، نزدیك به ۲۲ متر است و دارای دو پوشش است و بین دو پوشش طاق ، فضا هست. پوشش دوم دارای ساقه‌ای است که گنبد هرمی بر آن گذاشته شده است . تصویر شماره ۲۹ .

گلدسته های استوانه‌ای ظاهراً بعداً ساخته شده‌اند. روی گنبد دارای کاشیکاریهای معرقی بوده است که قسمتی از آنها در تصویر۲۹ نیز دیده میشود . قسمتی از این بقعه در سال ۱۳۴۰ خراب شد که مجددا در سال ۱۳۴۲ به همت مردم، باز سازی شده است تمام گنبد باسنگ و آجر ساخته شده است داخل حرم بطرز بسیار جالبی کاشیکاری شده است که در لرستان نظیر آن کمتر دیده شد . تصویر شماره ۳۰

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دولنگه در ورودی آن هر یك به اندازه ۴۵×۲۰۰ سانتیمتر است . بر روی در سمت چپ چنین نوشته شده است .

در آستان ملایك پاسبان بقعه متبرکه شاهزاده ابراهیم

این غلام خادم این آستان کمترین کلب امیر مؤمنان
یوسف ابن رضا دلفان نسب صارم السلطان زشه آمد لقب

عمل اسماعیل سنه ۱۲۲۹ .(تصویر شماره ۳۱) از در نقره کاری شاهزاده ابراهیم (بابا بزرگ) است

جای دیگر چنین نوشته شده است .

هو الله

این غلام خادم ابن آستان کمترین کلب امیر مؤمنان
یوسف ابن رضا دلفان نسب امیر بهادر زشه آمد لقب
۱۳۳۶

سنگ قبری مرمری با حاشیه‌ای بخط کوفی بسیار زیبائی در داخل حرم بود . این سنگ متعلق به قرن ششم هجری است . در سالهای اخیر یکی از سران طایفه بنام خان بابا فوت نموده و بازماندگان از روی جهالت نام اصلی روی سنگ را تراشیده و نام خان بابا ابن عبدالعلی را روی آن کنده‌اند (تصویر شماره ۳۲)

کال نازار[۱]

در ضلع جنوب غربی گنبد بابای بزرگ گنبد کوچکتری هست که بنام «کال نازار» مشهور است . به تصویر شماره ۲۸ نگاه کنید .

۱- Kâle nâzâr

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اندازه کفش کن ۳×۵متر و داخل گنبد، مربع‌شکل به‌اندازه ۲/۵×۲/۵ متر و ارتفاع گنبد ۶متر است .

این گنبد نیز با آجر ساخته شده‌است . تصویرشماره۳۳ نمای پشت گنبد «کال‌نازار» است.

بیشتر زائران این بقاع، از ملایر، بروجرد، نهاوند و سراسر لرستان شمالی و شرقی واهالی محلی‌هستند . * (تصویر شماره ۳٤) از یك قافله زایر می‌باشد .

*فصل زیارت آن نیز منحصر به اردیبهشت‌تا پایان خرداد است . راه رسیدن‌به این بقاع راهی است بسیار سخت و باید از چندین کوه و گردنه عبور کرد . مقداری از راه را میتوان با اتومبیل طی کرد تا دهکده‌ای بنام شرف‌آباد . از آنجا از گردنه «مله ارجنه» که راهی است کمر شکن و سخت ، بایدگذشت گروه ما صبح از نورآباد «مرکزبخش» با اتومبیل حرکت کردیم و نزدیك به ۲۰ کیلو متر آنرا با اتومبیل‌طی کردیم تا دهکده‌ای‌واقع دردامنه «مله‌ارجنه» ازآنجا بوسیلهٔ‌قاطرهائی که از طرف یکی از اهالی بنام کاظم کاظمی برای ما فرستاده شده بود گردنه را طی‌کردیم . زائران پیر و جوان وکودك رامیدیدیم که‌با چه سختی و رنجی از کوه بالا می‌آمدند . عده‌ای خسته‌و مانده توان‌رفتن نداشتند. مسیر راه پوشیده از جنگلهای‌کهنسال‌و انبوه از درختان‌بلوط وانجیر و ارجن بود. گروه ما ناهار را در زیر چادر سیاه‌های کاظم‌خان کاظمی خورد و مجددا به اتفاق چند نفر از بومیان براه افتادیم . ما نزدیك به٤ ساعت قاطرسواری کردیم تا به در گنبد رسیدیم و دربرگشتن نیز همین‌مدت سواری. سفر پر رنجی بود ولی مناظر زیبای طبیعت‌خستگی ما را تسکین میداد. جمعیت زوار آنشب به ۵۰۰ نفر میرسیدند. آئین زیارت بومیان بسیار جالب و دیدنی بود . اینان‌بهمراه زن و فرزندان به در کنبدکه میرسیدند یا هو یاهوکنان‌وارد حرم‌میشدند واورادی می‌خواندند معلوم شد اینان پیرو مذهب اهل حق‌هستند

بقیه‌پاورقی درصفحه بعد

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

امام حسن

در فاصلهٔ ۱۵ کیلومتری مرکز بخش نورآباد، در محلی موسوم به «چم زکریا[۱]» بر بالای تپه‌ای آثار سنگی دیوارهای مقبره‌ای از سنگ و گچ باقی مانده و طاق آن فرو ریخته‌است. شکل مقبره، مربع و اندازهٔ هر ضلع هفت‌متراست. قبر آن‌نیز با کاشیهای سبز پوشیده‌شده که اغلب لعاب آنها جیوه‌ای شده است.

سنگی که مشخصات صاحب قبر را داشته‌باشد، وجود نداشت، اهالی آنرا، قبر امام حسن میگویند و برای آن نیاز میدهند (یعنی نذورات خودرادر داخل قبر میریزند و این تنها اصطلاح محلی است).

درداخل مقبره درخت بلوط کهن پرشاخ و برگی وجود دارد که بر تمام مقبره سایه افکنده و برشاخهای آن بند دخیل فراوان بسته شده (تصویر شماره ۳۵)

دنباله پاورقی صفحه‌قبل

از این‌رهگذر احتمالا بابا بزرگ از پیشوایان این فرقه باشد.

در مسیر راه تعدادی چادر سیاه بودند. میگفتند اینها «اوسا» یا کولی هستند. اینان افزاری از قبیل کاسه، قندان، گرز، چمچه ازچوب ساخته بودندوبرای فروش به زائران ارائه میدادند که دیدن کاراین مردم و مقدادی از کارهای آهنگری آنان مراتحت‌تاثیر این فکر قرارداد که ممکن است این گروه بازمانده مفرغ کاران گذشته این منطقه باشد.

۱- Cham zakariâ

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شیخ مهدی

بر روی‌تپه‌ای دردهکدهٔ «هرّه‌باغ[۱] »واقع در شرق ده‌بزرگ «یارآباد» قبرستانی قدیمی است. برخی ازسنگ قبور باخط کوفی و مربوط به قرن پنجم و ششم هجری بود ، که خطوط آنها نیز به مرور زمان از بین رفته بود . یکی از قبور مورد احترام مردم بودو بنام شیخ مهدی مشهور است مدرکی در شناسائی بیشتر آن بدست نیامد.

شاه‌ابدالان ـ پیرمحمد

بر سینه کوه «گنجره» در جنوب بخش دلفان قبرستانی قدیمی و کهنه هست . یکی از این قبور مورد احترام است و بنام پیر محمد مشهور است . بالاتر از آن نیز قبری است بنام «شاه‌ابدالان » که آن نیز مورداحترام اهالی‌است .درگذشته گنبدی داشته‌است که فرو ریخته ولی‌سنگ قبری نداشت . میگفتند برخی اشتاء آهنی بشکل مار از جمله نیازهائی بوده‌است که به این بقعه آورده‌اند و ازنظر هنری با ارزش بوده اند ولی از آنها اثری نبود .

۱- Harra bâg

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

تصاویر

فصل هفتم و فصل هشتم

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

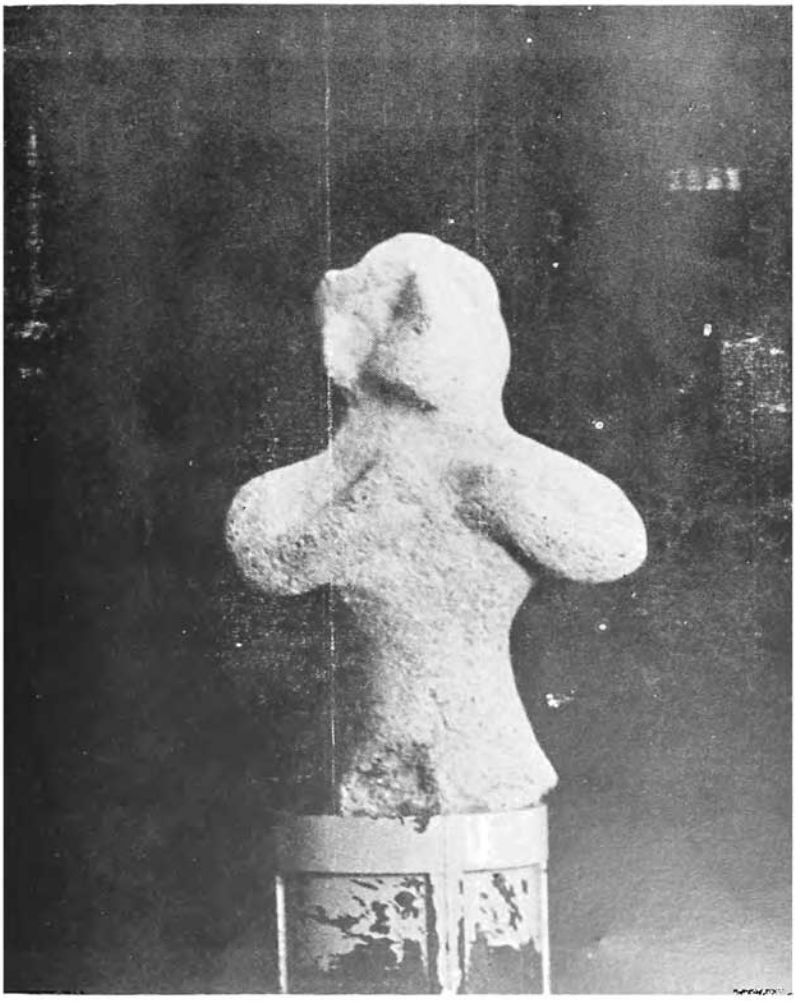


تصویر شماره ۱ ـ سرچشمه آب وغار «گوماسیو» واقع درکوه گُرِی

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شماره ۲ ـ مجسمه‌ای از گل پخته ظاهراً از «ایشتار»

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

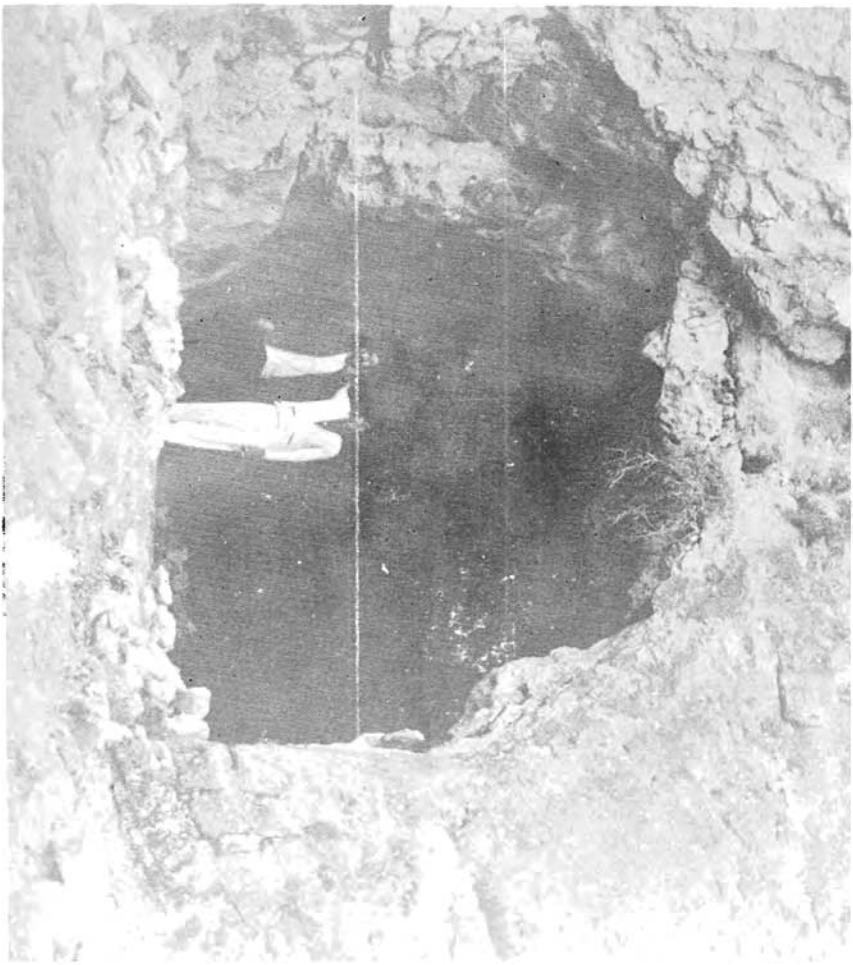
tarikhema.org



تصویر شماره ۳ـ سنگ قبری از قرن ششم‌هجری مربوط به خاندان برسقی

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شماره ۵ ـ نمائی از تپه گریران

PDF.tarikhema.org
PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

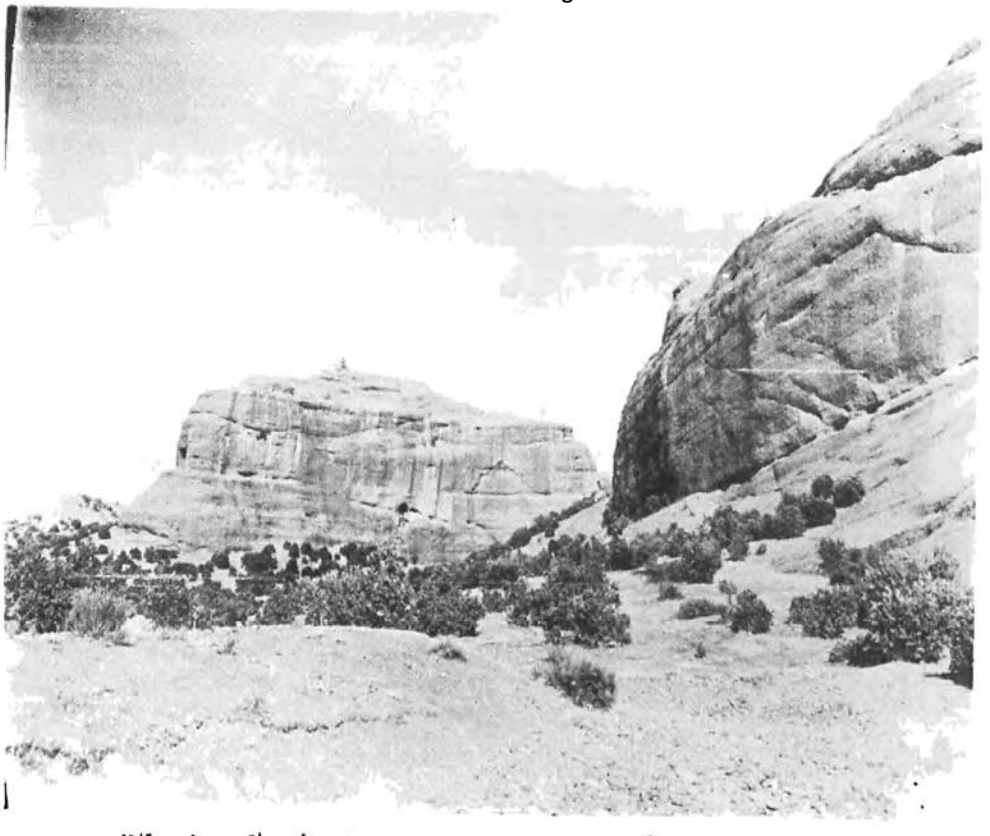


تصویر شماره ٦ ـ مهردکمه‌ای که برروی آن تصویرروباه نقش شده است

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شماره ۷ ـ تنگه دروازه و دو قله شاه‌نشین و «شایی‌لو» واقع در شینه قلائی

PDF.tarikhema.org
PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شماره ۸ – آثار دژ برروی قله شاه‌نشین

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شماره ۹ ـ قسمتی از آثار دژ برقله «باریگا»

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شماره ۱۰ - قسمتی از آثار دژ بر تپه دوم شاه‌نشین

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

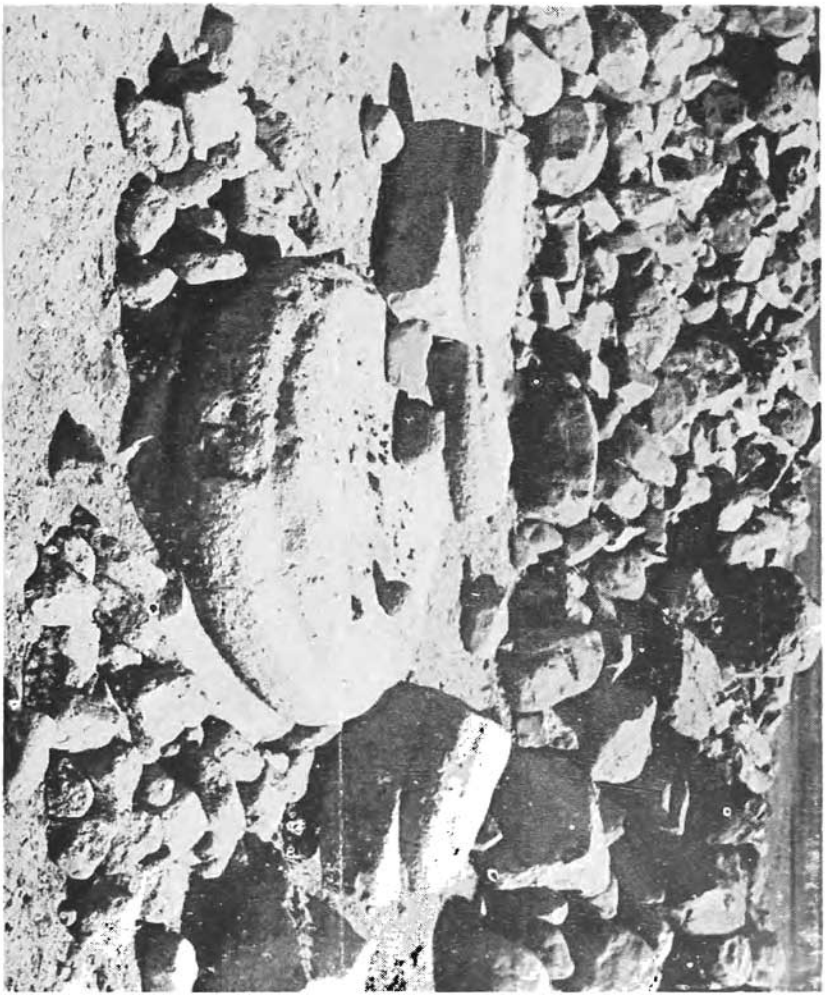


تصویر شماره ۱۱ ـ رودگه عباس‌علی در دهکده «گرکو»

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

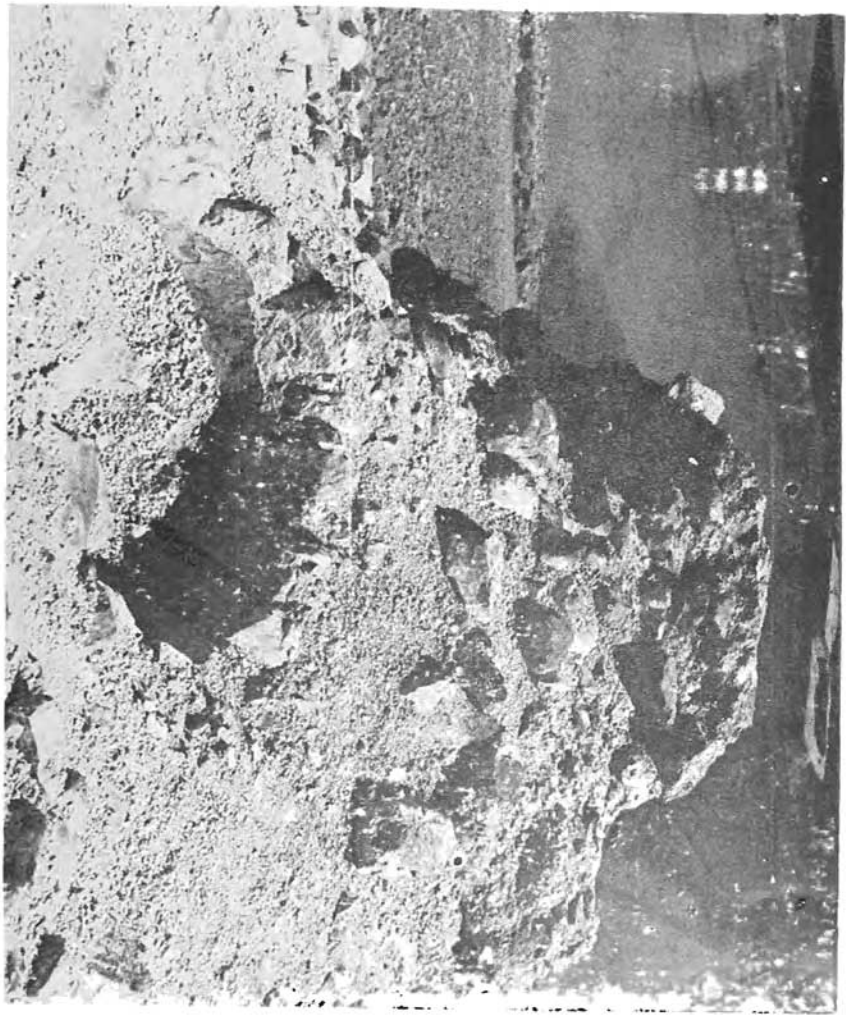


تصویر شماره ۱۳ ـ باقیمانده آسیاب «گرکو»

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شماره ۱۵ ـ گورستان قدیمی «گنرکو»

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شماره ۱۷ ـ سنگ قبر دیگری از گورستان گڑکو

PDF.tarikhema.org
PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

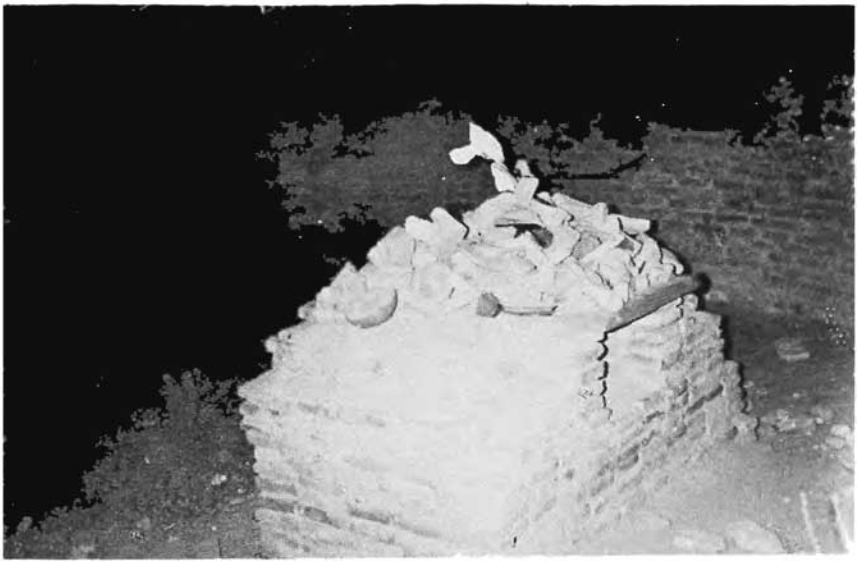


tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شماره ۱۹ ـ مقبره حاج بکتاش واقع در شینه قلائی

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شماره ۲۰ - نمائی از تپه قلعه در شمال البشر

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شماره ۲۱ ـ سنگ قبری که از ابراهیم زیر زمینی دیکده امیر بدست آمده‌است

PDF.tarikhema.org
tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شماره ۲۲ ـ کتیبه سنگی قبر امامزاده محمدی

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شماره ۲۳ـ طرف دیگر سنگ قبر امامزاده محمدی

PDF.tarikhema.org
PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شماره ۲۵ ـ سنگ قبری از گورستان بتکی

PDF.tarikhema.org
PDF.tarikhema.org

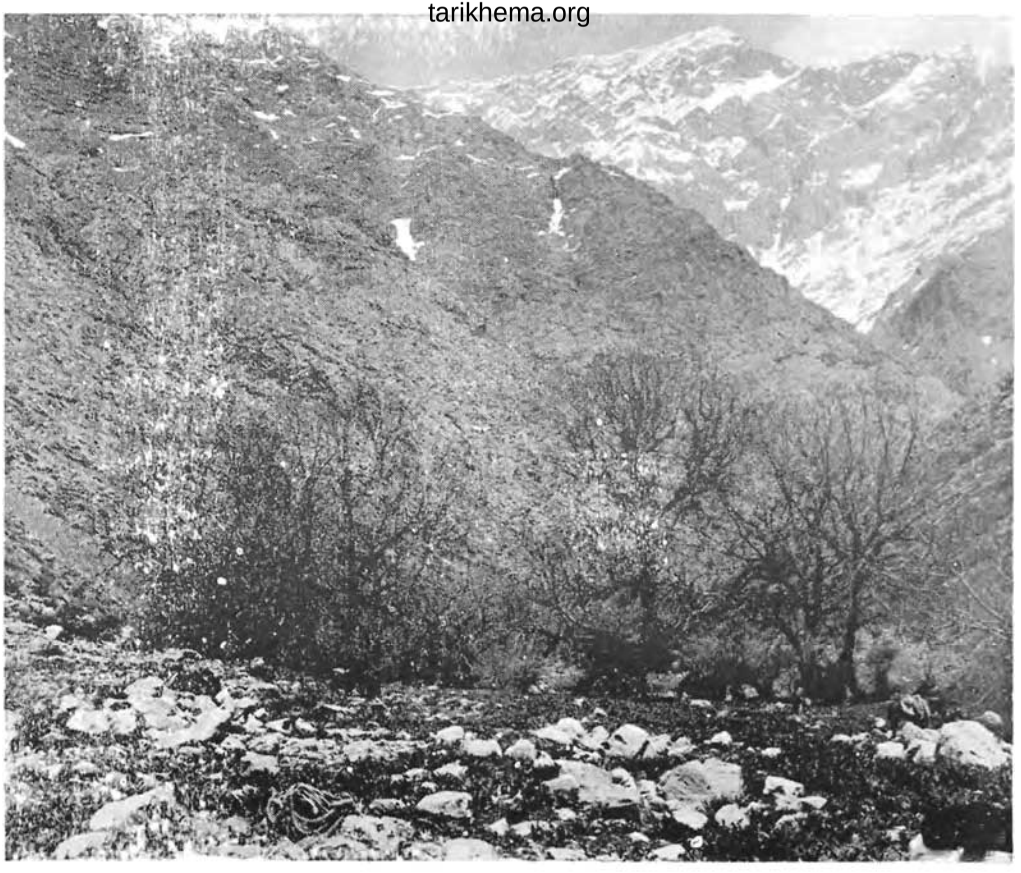
PDF.tarikhema.org



تصویر شمارہ ۲۶ - پتھر پر کندہ کتبہ از گورستان بنکی

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شماره ۲۷ ـ منظره‌ای از سراب کهمان و محل تخت شاه

PDF.tarikhema.org
PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

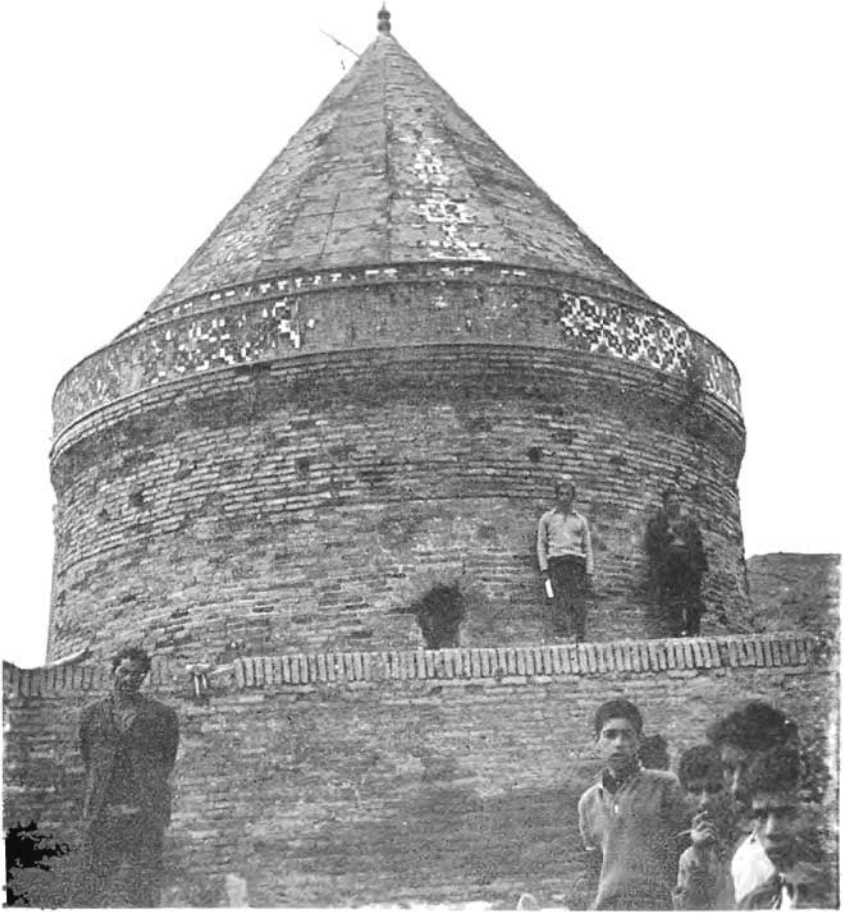
تصویر شماره ۲۸ ـ گنبد بابا بزرگ

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

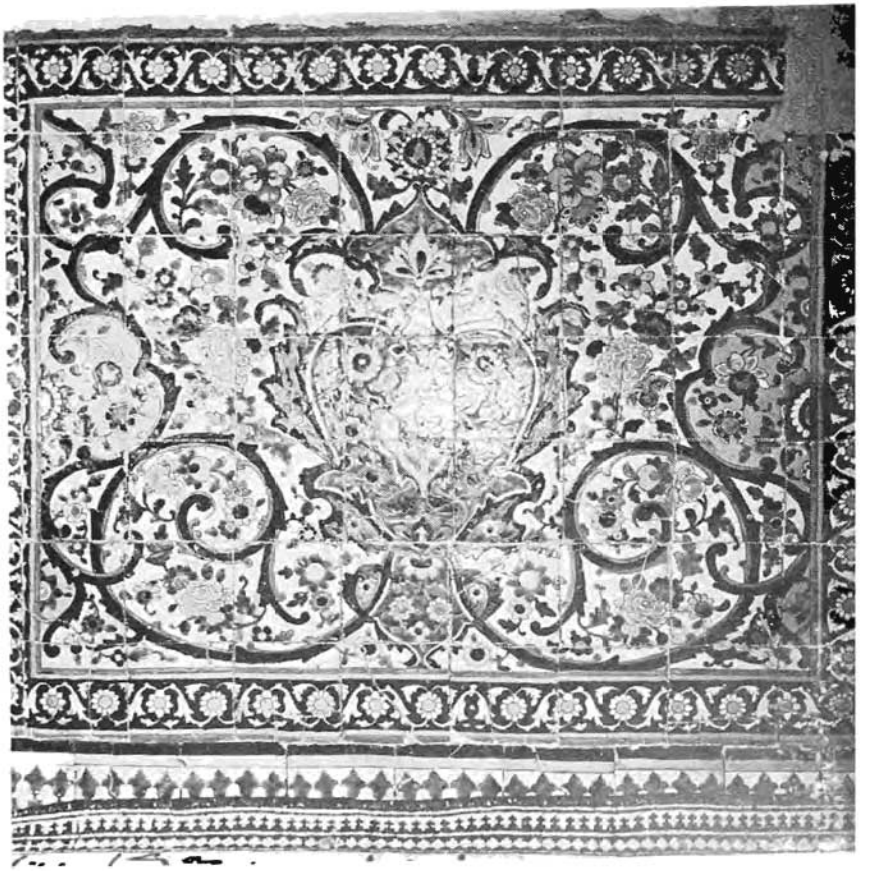
tarikhema.org



تصویر شماره ۲۹ ساقه گنبد بابا بزرگ

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

شماره ۳۰ ـ قسمتی از کاشیکاری دیوار حرم بابا بزرگ

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

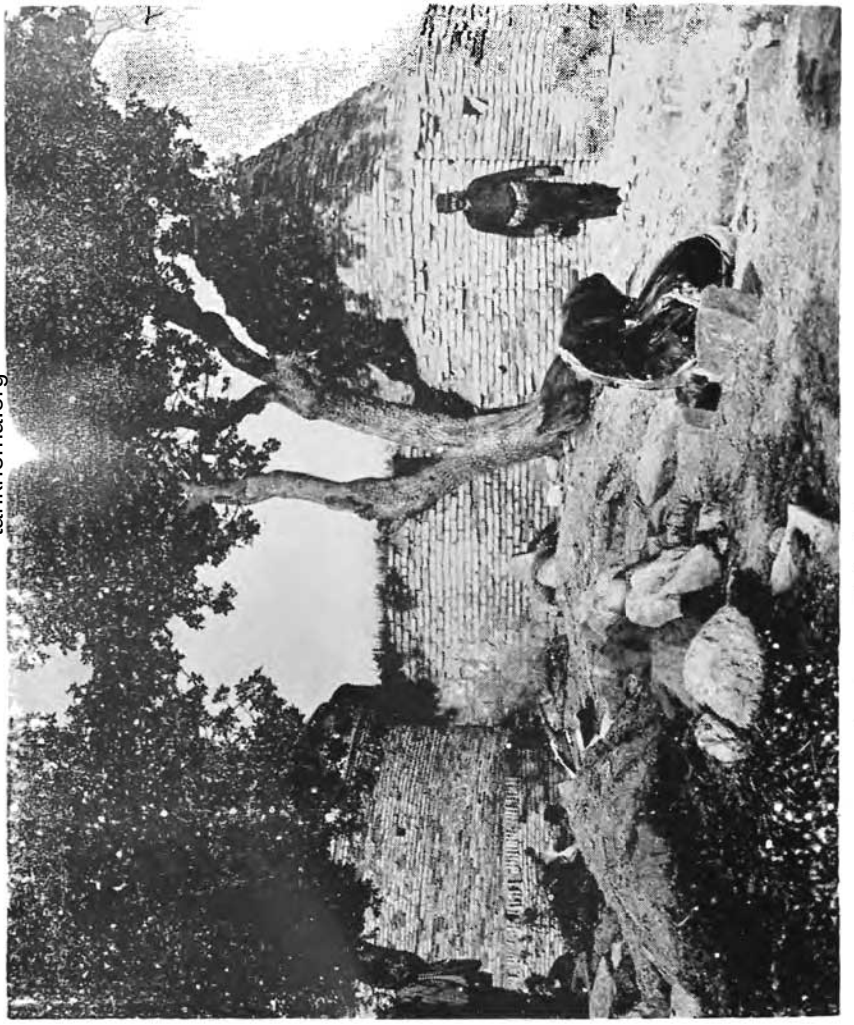
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شماره ۳۳ ـ منظره‌ای از گنبد « کال‌نازار »

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شماره ۳٤ تکراری ـ قبر مشهور به امام حسن در چم زکریا

PDF.tarikhema.org
PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

فصل نهم

باستان‌شناسی لرستان*

پاره‌ای از اظهار نظرهای محققان و باستانشناسان

اظهار نظرهای باستان‌شناسان در بارهٔ لرستان، از دوره‌های مختلف، باهر کاوشی که انجام میشود از دورهٔ قدیمی‌تری و پاتنه‌هائی از تمدن و تاریخ‌های کهن تری همراه هست. هیأتهای امریکائی، دانمارکی، تحقیقاتی در غارها و برخی مناطق دیگر انجام دادند که کار گروه آقای دکتر فرانک‌هول از همه مهمتر و در سطحی گسترده‌تر بود.

این تحقیق مربوط پارینه‌سنگی و میانهٔ سنگی و نوسنگی بوده و از دره خرم‌آباد و غارهای قمری، کنجی[1]، گرارجنه[2] و پاسنگر خرم‌آباد و غار «یافته» و نیز کاوشهائی در پشتکوه (دهلران) انجام

---

*- دراین فصل کوشش شد تا آنجاکه مقدور بود اظهارنظرونتیجه‌تحقیقات محققان باستان‌شناس، در باره سرزمین لرستان و مفرغ کاران آن آورده شود و عکسهائی نیز از مفرغ‌های لرستان که در موزه‌های انگلستان و لوور فرانسه نگهداری‌میشوند، برای آگاهی علاقمندان چاپ گردد

۱- Konji ۲- Gar Arjena : گردر گویش لری، کوه کوچك ویا تپه سنگی را گویند. (مؤلف)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

گرفته که نتایج حاصله نیز بسیار خوب بوده است . این بررسی مربوط است به :

۱ـ دورهٔ شکار و گردآوری خوراك، شامل صنایع خورده‌سنگی موستری ، زارزی؛ اسکان و طرزمعاش و تاریخ حاصله از رادیـو کربن مربوط به آنها میباشد

۲ـ دورهٔ اهلی کردن حیوانات و آغاز کشاورزی ۱۰۰۰۰ تا ۵۵۰۰ قبل از میلاد. شامل اسکان و طرزمعیشت و محل‌های باستانی این دوره و نیز چینه شناسی آن .

۳ـ دورهٔ آبیاری و اهلی کردن گاو ، نحوهٔ اسکان و محل‌های باستانی این دوره ، و در پایان «اکوسیستم» و بررسی دوران پیش از تاریخ در ایران .

این تحقیق گروهی، گزارش کاملی را ارائه میدهد که قسمتی از این گزارش از طرف دانشگاه رایس [۱] بنام (گزارش مقدماتی دورانهای پیش از تاریخ در جنوب غربی ایران *) منتشر شده است .

۱ـ در سال ۱۳۵۲ این گزارش از طرف اداره کل فرهنگ و هنر لرستان با ترجمهٔ آقای سکندر امان‌الهی بهاروند ، بمناسبت ششمین جشن فرهنگ و هنر چاپ و منتشر گردید .

* The prehistory of south western Iran
Apreliminart . By Fran khole
Rice University amd kent . Flannery

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

درجلد اول این کتاب قسمتهائی از این گزارش نقل شده است.[۱]*

آخرین تحقیق در بارهٔ دورهٔ شکار ؛ مربوط به آقای پروفسور مك‌بورنی استاد دانشگاه کمبریج است که در درّه هومیان واقع در شمال کوهدشت ، نزدیك نقوش باستانی کاوشهائی انجام داد و آخرین اظهار نظر او چنین است :

(مهمترین نکته‌ای که باید به آن توجه داشت کشف غیرمترقبه بقایای آثار دورهٔ پالئولتیك میانه در هومیان است که از فرهنگ دورهٔ موستری حکایت می‌کند . همین مطالب ، این امید را تقویت می‌کند که بتوان اطلاعاتی از نحوهٔ زندگی مردم در دورهٔ شکارواز وضع این منطقه و آب و هوای غرب ایران در طول زمانهای میان ۴۰۰۰۰ ـ ۶۰۰۰۰ سال پیش بدست آورد .

رویهمرفته از نتیجهٔ آزمایشات کربن ۱۴ از نمونه‌های «غاربرد سفید» و مقایسه آن با آثار مکشوفه بوسیله آقای فرانك هول ، در منطقه خرم آباد ، میتوان به این نتیجه رسید که آثار پالئولتیك فوقانی در ایران بسی قدیمیتر از اروپای غربی است.[۲]) با این کیفیت آقای بورنی در

۱ـ به صفحات ۶۳ تا ۹۰ جلد اول آثار باستانی وتاریخی لرستان مراجعه فرمائید .

* : نباید تحقیق دمورگان و گروه علمی او را در لرستان نادیده گرفت زیرا اولین بررسی علمی را درشرایط بسیار بدی از زمان که ناامنی‌های منطقه‌ای درایران ایجاد کرده بود ، انجام داد و او بخاطر علم و آگاهی از دگرگونیهای طبیعی و بررسی‌های باستان‌شناسی درلرستان کار کرده است. روانش شاد باد .

۲ـ شماره سوم مجله باستان‌شناسی و هنر ایران صفحه ۱۶

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

غارهای کوهدشت برای بررسی تاریخ زندگی نه تنها در لرستان بلکه‌در جهان ، شاخص تازه‌ای بدست میدهد .

و این‌چیزی است که در گذشته مسلم نبوده است وتحقیقات آقای‌بورنی آن را کشف‌وارائه نموده است ، ومیتواند در پاره‌ای نظرات برخی از باستان‌شناسان مانند دیاکونف و یا گدار تغییرات تازه‌ای را موجب گردد.

در مورد دوران حجر جدیدکه‌برخی از جمله‌دیاکونف معتقد بودند کم است و یا وجود ندارد . نتیجه این‌کاوشهای‌میتواندپاسخ و مکمل بررسیهای ایشان باشد .

کشف نقوش باستانی در پناهگاهها و غارها در بخش‌های طرهان و چگنی، حادثه و پایگاه تازه‌ای در بررسیهای‌فرهنگی و باستان‌شناسای در لرستان بود [۱]

اظهارنظرهای مختلفی از جانب باستان‌شناسان و دانشمندان ایرانی و خارجی و دیگر ایران شناسان شد. از آنجمله آقای دکتر گیرشمن نوشتند :

« کشف نقاشیها در یك غار لرستان ، مطلبی حائز درجه اول اهمیت است . در طول تمام تجسس هائی که در باره کاوشهای مربوط بغارهای‌ایران انجام یافته،اعم‌از آنچه اینجانب

۱ـ‌این‌نقوش‌اولین‌بار وسیله مؤلف این کتاب کشف شدند . برای آگاهی بیشتر از این نقوش ، به شماره‌های سوم و چهارم مجله باستان‌شناسی و هنر ایران و نیز جلد اول این درکتاب بخشهای طرحان و چگنی مراجعه‌شود.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

در کوههای بختیاری بعمل آورده‌ام ویا آنچه پروفسور «کون[۱]» در بیستون و البرز و کوههای خراسان معمول داشته است و همچنین آنچه بوسیله دانشمندان امریکائی درافغانستان صورت پذیرفته، در هیچ جا نقاشیهائی برروی بدنهٔ سنگ کوهستان، مشهود نیفتاده است از اینجا اهمیت موضوع بخوبی روشن میگردد.

من تصور میکنم که نقاشیهای مزبور بوسیله ساکنین لرستان در دوران جمع آوری غذا، ترسیم شده باشد. یعنی چندین هزار سال پیش از آنکه درّه‌ها خشك شود و انسان بتواند از کوهسار پائین آمده و در دشت زندگی نماید.

گزارش مقدماتی وجامع آقای پروفسور ملك‌بورنی درمورد تاریخ گذاری موقت این نقوش بسیارجالب و ارزنده است که قسمتی از آن چنین است :

(کشف نقوش روی صخره‌هادر ایران، از دیرباز موردتوجه بوده است و بنظر اینجانب تاکنون نمونه و مثال جامعی در تمام طول امتداد منطقه مدیترانه تا شبه‌جزیره هندوستان بجز چند نمونه‌در ترکیه و منطقه «کیلوو» در اردن دیده نشده است.

نقوش روی صخره‌های کوهدشت شبیه نقوش مکشوفه در شرق اسپانیا، در دوره‌های اخیر، مربوط به دورهٔ ماقبل تاریخ است و تمامی نقوش صخره‌های کوهدشت بر روی بلندیهای متراکم و

۱- Coon

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

در چند کیلومتری شمال شرقی کوهدشت در یك ردیف دایره شکل قرار گرفته است .

سبك نقوش اکثراً ذهنی و هیکلهای انسان بصورت خطوط مختلف نقش‌شده و یك خط مستقیم نشان دهنده‌بدن و خطوط‌متقاطع برآن، نمایش دهنده اعضاء دیگر بدن مانند سرو دست و پا میباشد در میان این نوع نقوش گاهی صورت حیوانات نیز بشکل طبیعی و حقیقی نقاشی شده‌اند.....)

نتیجه : در هر چهار منطقه باستانی که از اول تا هفدهم ماه اگوست امسال (منظور سال ۱۹۶۸است) مورد حفاری قرارگرفت نشان میدهد که اغلب نقوش قدیمیتر از دورهٔ نئولتیك (حداکثرشش تا هفت هزار سال) نمی‌باشد و در سایر نقاط مذکورگر چه هنوز تاریخ گذاری دقیق نشده است و از نظر سبك نیز طبقه‌بندی بعمل نیامده، احتمالا ممکن‌است مربوط به دوره‌ای‌جلوتر باشدوبا توجه به انواع نقوش در «هومیان»، نقوش مزبوربایدجدید باشد.وصریحاً معلوم است که قدمت برخی از صورتها در هر دو منطقه از عصر مفرغ بیشتر نمی باشد[۱])

اهمیت نقوش مذکور از جهت دیگر : آنست که‌اولین‌تجلیات ذوق هنری و اعتقادی غارنشینان لرستان بوده که در قرن هـا بعد

۱ - برای آگاهی بیشتر از نظریات پروفسور مك‌بورنی ، به ترجمه‌متن اظهار نظر ایشان در شماره سوم مجله‌باستان‌شناسی و هنر ایران صفحات ۱۴ تا ۱۶ و صفحات ۳۵۱تا ۳۵۵ جلد اول این کتاب مراجعه شود .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تکامل یافته آن در هزاره اول قبل از میلاد با مهارت خاص برروی اشیاء مفرغی لرستان ظاهر گردیده است ، که این اشیاء از لحاظ صنعت و هنر، بعنوان بهترین هنر فلزکاری و مفرغ لرستان معروفیت جهانی یافته است .

تا قبل از کشف این نقوش معمولا وقتی در بارهٔ تاریخ هنر که در آنها از هنر بحث میشد به نقوش روی سفالهای بدون لعاب و یا لعاب‌دار توجه میشد. ولی اینك این تاریخ به عقب برده شده و موجب اظهار نظرهای مختلفی گردیده است و با نقوش «لاسگو» در فرانسه و آلتامیرا در اسپانیا مقایسه شده‌اند . اگرچه از نظر قدمت و تکامل به پای نقوش غارهای مذکور نمی‌رسند ولی از نظر مطالعهٔ روحیه‌ای که در تصویر کردن آنها بکار رفته است، میان آنها و نقوش فوق روابطی نزدیك میتوان یافت .

همانطوریکه در آثار غارهای پیش از تاریخ اروپا بیشتر این نقوش براساس اعتقادات جادویی و آثار سحرانگیزی که بر تصویر مترتب است ، بوجود آمده است . بهمین نحو نقاشیهای غارهای لرستان را نیز می‌توان متعلق به جهانی مشابه که در آن نظر انسان بسوی افقهای مرموز بوده، دانست .

باید اضافه شود که آنچه نقاشیهای لرستان را از آثار مشابه اروپا متمایز میسازد و بدانها ارزش خاص میدهد، آنستکه یك فاصله زمانی بیش از ده هزار سال ، نقاشیهای غارهای اروپا را از هنر

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شناخته شده در این قاره جدا میسازدکه در آن هیچ اطلاعی‌از هنر مردمان آن سامان در دست نیست و معلوم نشده است چه رابطه ای میان مردمانی‌که تصاویر غارهارا بوجود آورده‌اند و مردمیکه‌بعد از چندین هزارسال‌پس‌از آنان در اروپا مستقر شده‌اند ، ممکن‌است وجود داشته باشد . درصورتیکه نقوش غارهـای لرستان از نظر تاریخی و تداوم، کاملا با هنرنقاشی ایران تاروزگـارما پیوستگی دارد.

در نقوش این غارها بیشتر به صحنه‌های‌رزم‌و شکار وتصویر حیوانات گوناگون ،بویژه گوزن و آهو وگل ،توجه شده‌است. و خواسته‌اند در این تصاویر پیروزی صاحب تصویر را بر دشمن یـا بهنگام شکار مجسم نمایند و ازاثرجادوئی ، نقش این پیروزی را قطعی‌تر ساخته باشند .

این نمود را می‌توان در تمام دوره‌های هنرانسانی نه تنها در میان اقوام غارنشین و قبایل ابتدائی ؛ قدم‌به‌قدم دنبال‌نمود وآثاریرا که تحت تأثیر این عقیده بوجود آمده است تشخیص داد، بلکه در نقاشیها و پیکرسازیهای انسان متمدن نیز میتوان‌توجه به‌این‌تأثیرات زا باز یافت . بر روی غارهای لرستان نقش‌های دیگر که پـاره‌ای از آنها بصورت نشانه «سمبل»بکار رفته است نیز دیده میشود که‌از نظر مطالعه مفاهیم این‌نشانه‌ها اهمیت ویژه دارد [۱]

۱ ـ نقاشیهای ایرانی از کهن‌ترین روزگار تا دوران صفوی نوشته آقای دکتر جویدی،ص ۲۱ و ۲۲

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بهرحال ، پیوستگی این نقوش از نظر مفاهیم ، یا آنچه در مفرغ نقش یافته همه حکایت از نحوه‌های مختلف فکری برای آرامش زندگی و یا پیروزی بر دشمن و مانند آن را دارد که بوضوح مشخص است.

دورهٔ مفرغ در لرستان

دورهٔ مفرغ ، دورهٔ طلائی هنر لرستان است. زیرا صنعتکاران مفرغ ، هنرمندان زمان خود بوده و با اینکه تمدن‌های رقیب هم مرز و هم زمان آنها ظاهراً ریشه‌دارتر و آمیخته با فرهنگ قدیمی‌تری بوده است ، ولی هیچگاه نتوانستند رقیب این هنرمندان کوه‌نشین تازه بدشت آمده شوند .

مطالعات باستان‌شناسان هم بیشتر مصروف بر تحقیق در اینمورد شده است که لازم است تا آنجا که مقدور باشد مطالب پراکنده ، از کتب مختلف را در اینجا آورد که هم جمع‌نظری شده باشد و هم برای علاقمندان پیوستگی ذهنی حاصل شود .

برای این منظور باید و لازم است بار دیگر اشاره شود که سرزمین لرستان یا محل سکونت مفرغ کاران ، منطقه‌ای وسیع بوده است شامل پشت کوه و غرب پیشکوه یعنی استان ایلام کنونی و استان لرستان و قسمتی از نهاوند که در تمام این منطقه نیز کاوشهای زیادی نشده است . مثلا هنوز اطلاعات ما در بارهٔ این هنرمندان در بخش کنونی دلفان محدود و اندك است . زیرا تحقیقی بعمل نیامده و آنچه نیز

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بدست آمده صرفاً بنام لرستان بوده است . ولی در طرحان و رومشکان تا اندازه‌ای موضوع روشن است. بدلیل آنکه دانشمندانی چون دمورگان، اشمیت، گیرشمن و استین و اخیراً واندنبرگ و دیگران در آنحدود مطالعات بیشتری داشته‌اند . اینك اظهار نظرهای برخی از آنان آورده میشود .

در جلد نخست در باره صنعتگران مفرغ یعنی کاسیت‌ها به تفصیل بیان مطلب شده است و اینجا بضرورت و نیاز، اشاره‌ای گذرا خواهد شد.

کاسیتها مدت ۵۰۰ سال یعنی تا سال ۱۱۸۰ قبل از میلاد بر بابل حکومت کردند و مردم دشت بوسیله کاسیت‌ها بوجود اسب و استفاده از آن آشنایی پیدا کردند.

بعقیده استرابن جغرافی‌دان معروف ، کاسیت‌ها از «مادی» و کرانه‌های دریای خزر باین نقطه آمده‌اند . دمورگان به آثاری از آنها در قفقاز ، دست‌یافت. از زبان آنان با اینکه اطلاع زیادی در دست نیست ، ولی اسامی پادشاهان و خدایان آنها نشان میدهد که زبان آنها با زبان مردم قفقاز یك ریشه داشته و شباهت زیادی بزبان هند و اروپائی دارد.

بنا بر این میتوان چنین تصور نمود که این اقوام از همان نژادهای آریائی بوده‌اند که پیش از مادها و پارسها به این سرزمین و در دوره‌های بعد نیز دسته‌هائی از آنها بجانب اروپا رهسپار شده

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

مانهای امروزه اروپا را تشکیل داده‌اند .

یکی از دلایل خویشاوندی این اقوام با ساکنین اروپا، وجود شباهت فراوان اشیاء مفرغی لرستان و طالش و قفقازیه با آثار مفرغی مکشوف، در مجارستان ، بلغارستان ، آلمان ، سویس و شبه جزیره اسکاندیناو و شمال فرانسه میباشد. این شباهت در آثار مفرغی مانند شاخ‌های مفرغی ـ سنجاق ـ قفلها، گردن‌بند، صلیب شکسته که بعضی از دانشمندان آنرا نشانهٔ نژاد آریائی میدانند و بر روی اشیاء بدست آمده در لرستان زیاد هست، موجب این ارتباط است [۱]

نظر دیگر آنستکه کاسیت‌ها را برخی اجداد لرهای کنونی دانسته و آنانرا آریائی ذکر کرده‌اند. بعضی دیگر آنان را نژاد مهاجری می‌دانند که با آریائی‌ها درآمیختند که این آمیزش بهیچوجهٔ یگانگی مردم بومی را دگرگون نکرد [۲]

بعقیده گدار کاسیت‌ها در دشتهای مرتفع خاوه و الیشتر و نیز ماهیدشت و نیز نوار غربی لرستان کنونی سکنی گزیدند و کار اصلی آنان نیز پرورش اسب بود . و بهمین سبب بیشتر آثار مفرغی بصورت خنجر ، شمشیر ، گرز ، تیرو تیردان ، نوك پیکان رکاب و لگام ساخته شده است . اشیاء دیگری نیز مانند انگشتری گوشواره ،

۱ ـ مجله بررسی‌های تاریخی ، شماره ۶ سال دوم؛ از صفحه ۱۳ ی به بعد؛ مقاله آقای دکتر بهمن کریمی و مآخذ معرفی شده .

۲ ـ هنر ایران ؛ نوشته گدار ، ترجمه دکتر بهروز حبیبی ، ص ۲۵

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

سنجاق‌گیسو ، گل‌کمر و ساغر ، دکمه ، زنگوله ، یراقهای کمر است.

«برخی از تصاویر روی این اشیاء ، برداشتی از هنر آشوری است که این مطلب از هدایای تقدیمی بمعابد از جمله معبد آشوری سرخ‌دم کوهدشت که بدست آمده است واضح است. نظر اشمیت نیز چنین است . بهر صورت بر روی مهرهای گرد و مهرهای غلطان استوانه‌ای ، تصاویر خدای بزرگ و الهه بزرگ و بیش از همه تصاویر قهرمانان بین‌النهرین ، بویژه گیلگمش ، مرد نیرومند و نگهدارنده گاه‌ها و مغلوب کننده دیوهارا نقش کرده‌اند .*

* . گیل‌گمش GilgamoSh : از جمله قهرمانان آشوری و بابلی و باگمان مشهورتر از همه ، گیل‌گمش است که شخصیت و کارهای برجسته او دریکی از شعرهای بزرگ ؛ شاهکار ادبیات بابلی جاودانی گشته است . گیل‌گمش به یك تعبیر «کسی است که سرچشمه را کشف کرده است» و به تعبیر دیگر «کسی است که همه‌چیر دیده‌است» ، لقب داشت .

چنین است که گیل‌گمش قهرمان ، صرفا زاینده‌خیال نبوده است . بطور کلی دراین باره اتفاق نظروجود داردکه وی پادشاه سرزمین سومریان بود وسه هزارسال پیش‌ازمیلاد در شهر **اوروك** فرمانروائی‌داشت . از میان سرکردگان شهرهای کوچك سومر ، بی‌گمان گیل‌گمش ازنظر دلاوری و کامیابی و جاهدتهای خویش از همه شاخص‌تر است .

در اطراف گیل‌گمش افسانه‌هائی پدیدآمد و او راقهرمان اصلی یك سلسله داستانهای شگفت‌انگیز قرار داد . از جمله داستان او وانکیدو است که در ۱۲ لوح بر جای مانده و در بین النهرین کشف شده است برای اطلاع بیشتر از این داستان شورانگیز و کهن ترین افسانه انسان ، کتاب هفته شماره ۱٦ را مطالعه فرمائید .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر گیلگمش برگردن زنان ؛ فرمان ارابه‌ها و دسته دشنه‌ها ، نزدزندگان و درون‌گورها یافت شده و نشان میدهد که او را خدا نمی‌دانند بلکه طلسمی بوده در برابر بیماریهاوچشم‌زخمها که ارزش‌نگهدارنده‌ای آنها بتدریج از تصویرخود وی به حیوانات درنده‌ای‌که بنا بررسوم، باوی آمیزش‌داشته‌اند تفویض گردیده‌است.

به‌کمك این مدارك گوناگون ، زندگی این‌شبانان درمدت معینی از سال ، پیشه ، گرفتاریها و بالاخره هنر آنها و مصالحی که بکار برده‌اند ـ باز شناخته میشوند . اما از زندگی باقی سال که در شهر میزیسته‌اند ؛ تا سال ۱۹۳۸ میلادی خبری بدست نیامده است .

ما گمان میکردیم که گرمسیرگاه لرهای امروز باید همان مناطقی باشند که اجدادشان یعنی کاسیت‌ها در آنها اسکان داشتند . اما اگر نتیجه کاوشهای هیات باستان شناسی دانشگاه شیکاگو نمی‌بود ، در بارهٔ آن هیچ‌نمیدانستیم . هیأت مزبور، درکوهدشت لرستان .مرکز محل اسکان کشاورزان، و اشیائی از همان فلزات وباهمان‌کار.ولی با روحیه‌ای کاملا متفاوت یافته‌است.

فقدان آلات جنگی مگر نمونه‌های‌دو تا شش سانتیمتری تبر و دهنه اسب ما را به این فکر رهبری می‌کند که آنان اسب را نمی‌شناختند و فقدان لوازم کار مورد احتیاج زندگان که ایشان‌را به واگذاشتن آن به معبد مجاز گرداندو در عوض اشیائی یافت شده

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

که بمنظور نذر ساخته‌شده‌اند. از قبیل سنجاقهای مفرغی و مسی که در شکافهای دیوار فرو می‌برده‌اند و دکمه‌ای با نقوش مذهبی بر سردارند و جواهراتی که مرد و زن بهمراه داشته‌اند تا در موارد پیش‌بینی‌نشده به معبد هدیه کنند.

با این وجود پرورش دهندگان اسب که در دشتهای مرتفع شمالی و کشاورزان ناحیهٔ مرکزی لرستان تفاوتشان تنهادر این‌بود که یکی شبان و دیگری کشاورز بوده است و موضوع دو تمدّن و دو هنر متفاوت برخلاف آنچه گفته شده است، مطرح نیست، بلکه گوئی میراث‌دو برادر است که یکی ماجراجو و سوارکار و سلاح دوست و بی‌قرارو دیگری دهقان وخانه‌نشین که زندگی درهٔخویش و خانه‌نشینی دهقانان را پذیرفته است.

اشیاء مفرغی زیادی که‌بدست آمده؛ بیشتر نظیر نمونه‌های اولند ولی ازلحاظ تزیین وکیفیت ساخت آنهاتفاوتی دارند. اشیاء باز یافته در شمال و مرکز لرستان؛یك نوع بوده و پایه و اساس یکسانی را میرساند. درشمال اشیاء مربوط به اسب و اسلحه و در مرکز اشیائی که جنبه مذهبی دارند بطوریکه میتوان چنین خلاصه کرد:

تمدن یکسانی که نزد هر یك از دو گروه از خصوصیات و گرفتاریهایشان متأثر بوده است. بعبارت دیگر اسب و سلاح نزد بیابانگردان و مذهب نزد خانه‌نشینان و کشاورزان.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ولی حقیقت به این سادگی هم نیست . (و قاعدتاً هم نباید باشد) . زیرا نه شبانان بی‌مذهب بودند و نه کشاورزان بی‌سلاح واسب. درست‌تر آنست که بگوئیم اگر اشیائی راکه درمعابدیافت) شده و در قبور مشابه آنها بدست نیامد بسبب بینش‌های مذهبی و اجتماعی آنهاست ، چه در حال زندگی و چه پس‌از مرگ:

مردان را با سلاح و دهنه اسبشان و زنان را با وسایل‌زینتی مربوط به آنها . بخاك‌می‌سپردند. و این‌شاید بعلت اعتقاد به‌زندگی بعد از مرگ بوده است یا به‌سبب آنکه استفاده از اشیاء کسانیکه میمردند از نظر مذهبی حرام بشمار می‌آمده است . ولی برای ما (یعنی آقای گدار) پذیرفتنی نیست‌که زندگان، آلات و لوازم با ارزش کار روزانه یا وسائل دفاعی خودرا به این آسانی رهاکنند.

ممکن است در برخی موارد و موقعیت‌ها و اوقات خاص مذهبی ؛ دستبند مفرغی ، آویزه ؛ سنجان و یا سنگ تیع تیزکنی و یا اشیاء دیگری را به خزانه معبد بخشنده ولی نه دهنه اسب یادشنه واین مطلبی است که با کاوشهای سال ۱۹۳۸ روشن میشود [۱]

آقای‌گیرشمن نیز این اظهارنظردیگران را درمورد مهاجرت کاسیت‌ها میپذیردو میگوید :

شاید این مطلب مورد قبول واقع شودکه آنها از ناحیه‌قفقاز عبور کرده‌اند ، زیرا در قبرهای آن نواحی تعدادزیادی سلاح‌های

۱ ــ هنر ایران نوشته اندره گدار برگردان آقای بهروز حبیبی ص ۴۰ تا ۴۱

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

مفرغی و تزئینات و وسایل مربوط به زین و برگ اسب پیدا شده‌که نظایرش در قبرهای ناحیه لرستان بسیار زیاددیده میشود.[۱]

هیأت علمی بلژیکی به ریاست لوئی واندنبرگ کاوشها و بررسیهائی درلرستان پشت‌کوه، انجام داد. قسمتی از گزارش این هیأت * بشرح زیر است :

برابر مدارك‌موجودمیتوان استنباط‌کرد کاسیت‌درهزارد دوم در لرستان زندگی میکرده و در حوالی ۱٦۰۰ قبل از میلاد به بین‌النهرین راه یافته و بابل را فتح نموده و در آنجا بمدت پنج‌قرن حکمرانی کردند.

تا کنون بیش از ۲۵۰بارمطالعات و تحقیقات پرثمری‌توسط دانشمندان کشورهای مختلف‌ازجمله استین‌گدار ، شیفر، گیرشمن خانم پورادا ، دمورگان ، هایش‌و بسیاری دیگر انجام‌گرفته‌است متأسفانه باید قبول‌کرد که این بررسیهای قابل تحسین نتوانسته است

۱ـ هنرایران نوشته‌دکتر گیرشمن، ترجمه‌آقای‌عیسی‌بهنام، ص ٤۲.

*: آقای‌واندنبرگ‌درباره‌جغرافیای لرستان میویسد : (بخش میانی سلسله جبال‌زاگرس و کناره‌های باختری سرزمین ایران را تشکیل‌میدهد.....در مسیر رودخانه راهی‌کشیده‌شده‌که مهمترین‌آن ،راه‌سیمره است.که لرستان را به دو استان پیشکوه در شرق و پشتکوه در غرب‌تقسیم مینماید.)

این نظر آقای واندنبرگ اشتباه است : زیرا همانطوریکه‌در جلد اول‌این کتاب‌تذکرداده‌شده، کوه«کورKavar»لرستان را به‌دومنطقه تقسیم‌نموده‌است . تمامی این‌منطقه اقلیم‌لرستان‌است که نژاد وفرهنگ و آداب‌ورسومی یکپارچه دارد. ولی در تقسیمات سیاسی امروز، به‌دو استان تقسیم شده که مرکز استان پشتکوه ایلام‌و مرکز پیشکوه خرم‌آباد است.(مؤلف)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

مشکلی که ناشی از موقعیت خاص جغرافیائی و حفاریهای غیرمجاز و غیر علمی است، حل نماید. تنها حفاریهای جدید و دامنه‌دار علمی در نقاط مختلف لرستان توانسته است بطور شایسته‌ای چگونگی آنچه را که ما امروز (عصر تمدن مفرغهای لرستان) نام نهاده‌ایم، روشن نماید. هر چند بدبختانه این مجاهدتهای علمی بعلت دخالت کشاورزان و زیر و رو شدن زمین‌های مزروعی و پوشیده شدن قبرهای قدیمی بی‌ثمر مانده‌است. بطوریکه کیفیت قبرهای دستکاری شده وضعیت نامطلوبی را بوجود آورده است. تا جائیکه کمتر قبری را میتوان پیدا کرد که دست نخورده باشد. ولی جای بسی خوشبختی است که دولت ایران به این حفاریهای غیر مجاز خاتمه داده‌است.

از بین هیأت‌های باستان شناسی؛ معدودی که در لرستان به حفاری دست زده‌اند، حفاریهای استین، در سال ۹۳۶ و نیز هیأت اریك اشمیت در ناحیه سرخ‌دم کوهدشت و دلفان در سال‌های ۱۹۳٤ و ۱۹۳٤ میلادی یا ۱۳۱٤ و ۱۳۱۷ شمسی و یك هیأت دانمارکی به سرپرستی مل‌گارد و تراین در سالهای ۱۹۳٦ و ۱۹٦٤ میلادی در نواحی هلیلان و طرهان؛ نتایج نیکوئی داشته است.

هیأت به‌سرپرستی مرحوم اریك اشمیت[۱] نخست در دره رومشکان[۲]

۱- این هیأت موسوم به The Holmes Lurestan Expedition The American Institute For Persian Art And Archaeology

۲- این کلمه در برخی ترجمه‌ها «رامشگان» آمد است و اشتباه است. صحیح آن رومشکو = رومشکان است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

وسیمره بررسیهائی انجام داد. درچغاسبزسفالی بدست آورد که متعلق به هزارهٔ سوم تا هـزارهٔ اول‌پیش‌ازمیلاد بود، و مهمترین آنهاظرفی بود که شکل سر انسان داشت.

مرحـوم اشمیت در تپـه‌های «کفتارلـو» در رومشکـان و «دوماویزه»[۱] واقع‌میان راه هرسین به‌خرم‌آباد بررسیهائی انجام‌داد و سفالهائی بدست آورد که با سفالهای طبقات ۵ تـا ۳ گیان و طبقه ۲ شوش شباهت داشت. سفال طبقـه دوم «کفتارلـو» شامـل ظرفهای سه پایه‌ای بود شبیه به‌ظروف طبقه۳گیان. در دوماویزه‌قبری بدست آمد که سفال آن‌شبیه طبقه ۵ تپه گیان بود. ولی‌درخشانترین و پر بارترین کار بررسی‌اشمیت‌و هیأت‌او، کشف معبد«سرخ‌دم» در کوهدشت بود.

در سال ۱۸۶۵ هیـأت بلژیـکی با همـکاری نـزدیك بخش باستان شناسی ایران، در پشتکوه این تحقیقات را ادامه داد.

بنظر واندنبرگ برای روشن شدن بیشتر موضوع مفرغ‌های لرستان، به ذکر مراحل مختلفه اکتشافات، مخصوصاً آنچه که‌مربوط‌به کوزه‌هاو اشیاءفلزی‌بدست‌آمده‌درداخل قبرهامی‌باشد، اقدام‌میشود.

سیرتاریخی

از نظر علم‌باستان‌شناسی و طبق سنت معمول و متـداول، ادوار تاریخی به دورهٔ‌قبل از تاریخ‌مفرغ قدیم ـ مفرغ‌میانی ومفرغ

۱ـ «دوماویزه». همین نورآبادکنونی است‌که فعلا مرکز بخش‌دلفان‌است

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

جدید و عصر آهن تقسیم می‌شود. این دوره‌ها نیز هر کدام به مراحلی تقسیم‌بندی شده است.

این تقسیم‌بندی عمومی نیاز به تصحیح محلی دارد، تا بدینوسیله بتوان بکمك آن، مراحل گوناگون کشفیات علمی و مخصوصی را که در بعضی از نقاط بعمل آمده، به ادوار مختلفه تاریخی مرتبط نمود. با توجه به مراتب فوق، تاریخ عصر مفرغ را میتوان به حدود هزاره سوم قبل از میلاد نسبت داد. در واقع، اشیاء قبل از ۲۶۰۰ قبل از میلاد را نتوانسته‌ایم بدست آوریم.

۱ـ عصر مفرغ قدیم

مرحله اول از ۲۶۰۰ تا ۲۴۰۰ پیش از میلاد

حفاریهای «بن سرمه» و قلعه نیسار، دارتنه، ورکبود و تخت خان آبدانان که از مشخصات آنها دالانها و غارهای دسته جمعی بزرگی است که با سنگهای آهکی پوشیده شده و دارای سقف‌های طاقی شکل می‌باشد. این آرامگاههای خانوادگی، بین ٦ تا ١٦ متر طول دارند.

در این قبرها، مردگان، باسلاح و وسایل و افزارکار خود و زنها با زیور و گردن‌بند و سنجاقهای زینتی منقوش، از قبیل انگشتری، و دستبند، دفن شده و مواد غذایی و مشروبات آنزمان را در ظروف گلی خام منقوش و یا در ظروف مفرغی، همراه با آنها در قبر گذاشته‌اند. این ظروف سفالی، برنگهای گوناگون که پس از پخته شدن، با رنگهای قهوه‌ای تیره یا قرمز و نارنجی همراه با اشکال هندسی و یا تصویر حیوانات نقاشی شده‌اند، دیده می‌شوند.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

مهرهای استوانه‌ای شکل که منشاء اصلی آن بین‌النهرین‌بوده و ازجنس‌سنگ نرم و کربنات‌آهك بعنوان نشانه‌ای‌ازهویت‌صاحب قبر ؛ قسمتی از وسایل دفن مرده را تشکیل میدهند .

این مهرها را گاهی هم بعنوان تبرك باخود حمل میکرده‌اند ولی آندسته از مهرها که اختصاص به قبرها دارد ، فقط از نظر اشکال‌هندسی‌مورد توجه‌قرار دارند.

نقوش این مهرها ، اغلب بز کوهی با شاخهای بلندکه در کنار چشمه‌ای‌مشغول نوشیدن‌آب است ویا تصاویری‌است ازجنگ حیوانات وحشی مانند شیر ، ببر و پلنگ و یا گوزن و گاو و بالاخره نقش اشخاص و یا تابلوهای مذهبی که در میان‌آنهاگاهی هم تصاویر نیم تنهٔ خدایان نشان داده شده‌است .

در این عصر که اوایل و مبداءصنعت فلزکاری مفرغی محسوب میشود، قلع‌کمیاب بود و معادن دور افتادهٔ آن، دسترسی به این فلزرا نامیسّرساخته بود .

فلزات مورد استفاده در این عصر بیشتر مس‌و مفرغ است که برای ساختن ظروف غذا ، اشیاء قیمتی و سلاح و افزار بکار میرفته است .

نقره در این عصربطور رایج،مورداستفاده‌قرار میگرفته‌است ا از آن برای ساختن گیره‌های فنری مخصوص مو ؛ گوشوار و انگشتری و گردن‌بند با ترکیب‌هائی ازصدف ، استفاده‌میشده‌است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

صدف‌ها . بویژه از سنگواره‌های تازه و موجود در قسمت‌های ته‌نشین شده دریایی و یا از حلزونها. فراهم میشده‌است. بهمین نسبت از سنگهای کم قیمت مانند لاجورد ، عقیق ، سنگ یشم و غیره که اغلب از بدخشان افغانستان بدست می آمده ، استفاده میشده‌است.

این اشیاء که در قبرهای دسته‌جمعی پیدا شده‌اند، مربوط به مرحلهٔ اول عصر مفرغ قدیم بوده و مشابه نوع اشیاء قبور دورهٔ سومریهای قدیم و نقاط مختلف بین‌النهرین ، اور ، کیش، تل‌اسمر، تل‌شعرا می‌باشند . این قبور فامیلی را میتوان به‌عهدسومریهای قدیم و به حدود سالهای ۲۶۰۰ تا ۲۴۰۰ قبل ازمیلاد منسوب نمود .

از کشف مربوط به این‌عصر ، چنین میتوان نتیجه گرفت که قبایل ساکن پشتکوه لرستان بخوبی در فلزکاری استادبوده‌اند. گرچه گاهی این تصور پیش می آید که ممکن است برعکس، مفرغهای لرستان توسط ایلامیهای شوش به سومر صادرشده باشند . ولی در حقیقت بین‌النهرین برای رفع نیازمندیهای خود نابع معادن و صنعت فلزکاری ناحیه زاگروس بوده و احتیاجات خود را بدینوسیله برآورده‌اند ، و ایلام نیز نقش فوق‌العاده مهمی در گسترش صنعت فلزکاری در قلب آسیای باختری داشته‌است.

۲ ـ عصر مفرغ قدیم
مرحله دوم از ۲۴۰۰ تا ۲۰۰۰ پیش‌ازمیلاد

مرحله دوم از ۲۴۰۰ تا ۲۰۰۰ قبل از میلاد است . گرچه در

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

این‌مرحله نیز همچنان از قبرهای دسته‌جمعی استفـاده میشده است. معهذاکشف قبور انفـرادی قلعه نیسار و «دروند»این مرحله‌راکاملا مشخّص مینماید.

این‌قبور سه‌دیواره معمولا از سنگ پـوشیده‌شده و چهارمین دیواره طرف کوچك، آن‌فاقدقلوه‌سنگ‌و یاسنگهای بزرگ‌می‌باشند. بطوریکه میتوان‌تصور کرد که‌جنازه‌از این راه برده و در قبرگذاشته وباگل مخصوص می‌پوشانیده‌اند.

ظروف سفالی این قبور از نوع ایرانی و شباهت‌تامی به‌انواع‌سفال تپه گیان و شوش دوم دارند. رنگ آنها اغلب‌بژ، با تصاویر هندسی قهوه‌ای‌مایل‌به‌قرمزمی‌باشد.

بعقیدهٔما، قبورانفرادی‌متعلق‌به‌گروه‌دیگری‌است که‌ممکن‌است قبایل‌کوه‌نشین«گوتی‌ها»باشند. این‌تصورو عقیده‌ناشی ازتغییری‌است که‌درنحوهٔ‌بخاك سپردن مردگان‌و ساختن‌قبرهای‌دسته‌جمعی‌درنواحی دور وبالاخره‌نوع‌وسایلی‌است که‌همراه‌بامردگان‌درقبر می‌نهاده‌اند.

ضمناً نبایدفراموش‌کردکه از همان اوایل هزاره سوم قبل از میلاد قبایل‌گوناگون‌آسیائی در جوار ایلامی‌ها درلـرستان زندگی می‌کرده‌اند.

۳ ـ عصر مفرغ‌میانه
۲۰۰۰تا۱٦۰۰ قبل‌ازمیلاد

اطلاعات ما درباره مفرغهای‌عصر میانه لرستان خیلی مبهم

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

است. یگانه قبر دستجمعی قلعه «نیسار» که از آن برای دومین بار وسایلی مربوط به زمان «ایزین لارسا[۱]» که به اوایل عهد بابل قدیم مربوط میشود، بدست آمده است.

این وسایل عبارتند از: کاسه‌های کوچك، لیوانهای پایه‌دار و مدور؛ مهرهای استوانه شکل با نقوش افسانه‌ای و چند قطعه اشیاء مفرغی دیگر. نوعی از این کاسه‌ها که با روش چکش کاری و از یك ورقه فلزی ساخته شده است، تا عصر اول آهن نیز متداول بوده است.

۴ـ عصر مفرغ جدید
از ۱۶۰۰ تا ۱۳۰۰ قبل از میلاد

ما هنوز موفق به کشف و یا کاوش قبرهای عصر مفرغ جدید نشده‌ایم. فقط در یك قبر در تپه «سراب باغ» واقع در آبدانان ـ مقداری کوزه‌های گلی پخته به رنگ بژ، با نقوش قرمز تیره، شیشه‌های دهن گشاد مخصوص با نقش‌های پهن نواری شکل، لیوان‌های آب‌خوری که با نوارهای موازی تزیین شده است و دو عدد تبر هاشوری شده بدست آمد.

این کوزه‌ها شباهت زیادی به نوع سفالهای تپه گیان ۲ نهاوند داشته و مربوط به حد فاصل عصر مفرغ میانه و مرحله دوم عصر قدیم می‌باشد. بعضی از انواع آن از نوع سفالهای تپه حسنلو بوده و تخمیناً میتوان آنهارا مربوط به عصر مفرغ جدید، یعنی سالهای بین

۱ـ lsinlârsâ

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۱۶۰۰ و ۱۳۰۰ پیش ازمیلاددانست. اشیاء فلزی این عصر منحصربه سنجاقهای مفرغی ساده‌است‌که نظیر آنها در هزارهٔ سوم نیـز دیده شده است .

مفرغهای‌عصر میانه و عصر جدیدکه بطورکلی‌میتوان‌آنهارا به دومین هزاره قبل ازمیلاد دانست شکاف بزرگی درکاوشهای ما بوجودآورده‌است . بطوریکه میتوان‌گفت این‌عصردر اکثر نقاط و نواحی ایران‌کاملا ناشناخته مانده‌است . در حقیقت باید از خـود پرسیدکه «اطلاعات‌فرهنگی ما ازاشیاء عهدکاسیت‌ها در بین‌النهرین چیست ؟ » .

ولی بطور قطع میتوان تصور نمودکه مفرغهای عصر میانه‌و جدیدمربوط‌به‌عهددرخشان تمدن‌مفرغ در لرستان میشود.

۵- عصر آهن اول
۱۳۰۰/۱۲۵۰ تا ۹۰۰/۱۰۰۰ پیش‌از میلاد

عصر آهن اول یا در حقیقت، پایان این عصر ، یعنی ۹۰۰تا ۱۰۰۰ قبـل از میـلاد ، با کاوشهای محل‌های موسوم به بردبل [۱] شورآبه، وکتل‌گل‌گل، مشخص‌و معلوم‌میگردد. دیواره وکف‌قبرهای این عصر از چندین‌رج قلوه سنگ و سنگهای بزرگ تراشیده‌ساخته شده است و روی آنها باتخته سنگهای بزرگ پوشیده شده‌است .

۱- Bard-ball (برد، درگویش لری بمعنی‌سنگ است) .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

یك ضلع کوچك این قبور که با سنگ بزرگ و پهنی پوشیده شده است ، به بیرون راه دارد و از آن برای دفن اجساد انفرادی و بندرت دوتائی استفاده میشده است . در این عصر اسلحه و افزار و اشیاء زینتی منحصراً از مفرغ ساخته شده و نوع آهنی این اشیاء کاملا کمیاب است. درمیان اشیاء مفرغی بدست آمده، وسایل زیر قابل ذکر هستند .

الف : تبرهای انگشتی که محل دستهٔ آنها دارای سوراخی است و در کنار آن چهار شیار موجود است که هریك به چهاربخش هرمی شکل ختم میگردند. تیغه اینگونه تبرها دارای برآمدگی کناری است کنارهٔ تحتانی ، برگشتگی زیادی دارد و زاویه تیغه نسبت به دسته طوری است که بخوبی میرساند که از آن برای بریدن استفاده نمیشده بلکه بعنوان نشان و علامت یا در تشریفات مربوط به تشییع جنازه و دفن مردگان بکار میرفته است.

ب : خنجرهای پره‌دار که دارای دسته‌ای کوتاه هستند که در قسمت بالا ، کمی پهن‌تر میشود. این اسلحه ، یك پارچه و دارای تیغه دراز و نوك تیز میباشند کناره‌های آنها با ضربات چکش ، پهن شده که در آن دستهٔ چوبی یا استخوانی قرار میگرفته.

از خنجرهائی که در لرستان پیدا شده اند و روی آنها نام «مردوك» و «کودورنانخونته» ، خدا و پادشاه بابل منقوش گردیده است ، در موزه انگلستان نگهداری میشود.

ج : خنجرهائی با دستهٔ بادبزنی که دارای دسته‌ای دایره شکل

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بوده و در انتهای آن دو برجستگی بادبزنی شکل بهم پیوسته وجود دارد. نظیر اینگونه خنجرهای عتیقه لرستان، درطالش و قفقاز نیز بدست آمده است [۱].

مفرغ شناسی لرستان

مفرغهای لرستان ازنظر تاریخ ساختمان ومحل ساختن آنها

بعقیده بعضی از دانشمندان [۲] تاریخ واقعی مفرغها مبهم است ودر این مورد اختلاف عقایدی که ناشی از اشتهار تجارتی و عدم بررسی دامنه‌دار آنست موجود میباشد. بعقیده ما، سه نوع تعبیر وتفسیر دراین‌موردبشرح زیر میتوان بیان کرد.

۱ـ مفرغ‌هایی که در لرستان پیدا شده است

این دستهٔ مهم، شامل اشیائی است که درلرستان پیداشده وقدمت آنها ممکن است به سومین هزاره عصرهخامنشی مربوط شود. احتمالا این اشیاء، ساخت ناحیه نبوده بلکه بصورت غنائم جنگی و یا هدایا و یا از راه بازرگانی و دادوستدبه این سرزمین وارد شده باشد.

۲ـ مفرغ‌های ساخته شده در لرستان

نظیر اینگونه مفرغهائی که در لرستان پیدا شده و ساخت این

۱ و ۲ ـ مفرغهای لرستان، نوشته دکترلولی‌واندنبرگ سرپرست هیات باستان‌شناسی بلژیك؛ ترجمه آقای دکتر مصطفی اعلم

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

منطقه می‌باشند ، در بین النهرین و ایلام و سایر نواحی ایران از جمله خوزستان ، آذربایجان ـ طالش، قفقاز و بویژه در کاوشهای ناحیه خوروین ؛ تپه سیلك و منطقه املش و تپه مارلیك نیز بدست آمده است.

فهرست اشیاء بدست آمده که مخصوص لرستان است به این شرح است

الف : سلاح و جنگ افزار ، خنجر ، شمشیر ، پیکان ؛ نیزه ، کمان، ترکش ، سپر ، کلاه‌خود ، تبرصاف، تبردسته‌دار، تبر دو طرفه، نیزه‌تبردار ؛ درفش، چکش، ارّه ، داس، انبر ، چنگال آهنی، دسته‌سوهان سنگی .

ب: قطعات زین و برگ ـ لگام ـ حلقه‌های مهار ـ قطعات آهن لگام ـ زنگوله ـ آویزه.

ج: اشیاء زینتی : گردن‌بند و آویزه گوشواره های حلقه‌ای زنگوله ، انواع پرندگان و حیوانات از قبیل : مرغابی ـ طاووس کبك ، بزکوهی ، اسب ـ پلنگ و تصاویر مختلفه چهره‌انسان و یا تصاویر خیالی خدایان و بالاخره گردن‌بندهای مخصوص ، گوشواره انگشتری، دستبند، پابند، حلقه کمر ، سنجاقهای تزئینی؛ سنجاقهای موی سر وغیره.

د ـ اشیاء نذری : علائم و نشانها ، پا ، بت‌های کوچك ، سنجاقهای نذری حیوانات، سنجاقهای نذری با صفحات بزرگ که بطور جالبی تزیین یافته است .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هـ ـ ظروف غـذا خوری : ساغر ، کاسه ، لیوان و ظروف نوك‌دار مخصوص .

۳ ـ مفرغ‌های مشخص و مخصوص لرستان

باری نکته‌مهم ، پذیرش همگانی‌وجودمفرغ‌هایی است‌کاملا مشخّص ومربوط بخود لرستان‌که‌نظیر آنها در نقاط دیگری بدست نیامده‌است‌وبهمین علت . آنهامفرغ‌های مشخص‌و مخصوص‌لرستان نام‌گرفته‌اند .

این مفرغ‌ها ، با اشکال ابتدائی و اصلی خود (اورژینال)و مجموعه تصاویر اولیه خـویش ، مشخص شده و وجه اشتراکی بـا تمدن‌مشهور آسیائی پیشین ندارند.پس مفرغهای مخصوص‌ومشخص لرستان عبارتند از :

الف‌ـ تبرهای دوطرفه‌که‌باآثار انگشت مزین شده‌اند وروی بعضی‌از آنها نقوش‌انسان وحیوانات‌دیده‌میشودکه‌بعضی‌ازانواع‌آن تیغه از دهان باز شده و یك شیر از آن بیرون آمـده است . زاویه انحرافی بین‌تیغه تبر و محل دسته آن طوری‌است‌که به‌آسانی‌میتوان تصور نمودکه در آیین ویژه‌ای مانند سوگواری از آن‌استفاده‌میشده است. گو اینگه نظیر اینگونه تبرها رادرجاهای‌دیگر ساخته‌اند، ولی مسلماً هنرمندان مفرغ‌ساز لرستانی دراین صنعت پیشگام بوده‌اند!

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

روکش تیردان : با تزیینات بسیار جالب و لایه‌های مختلف اغلب این روکش‌ها با نقش گاو بالدار خوابیده مزّین شده و در برخی از آنها تصاویری از حیوانات دیگری که روبروی هم درحالتی که درخت مقدس را در برگرفته‌اند ، و یا مردی دلیر که حیوان درنده‌ای را با دستهای خود مهار کرده و بالاخره در بعضی از آنها مناظری از شکار حیوانات ، منقوش گردیده‌است

صفحه مرکزی سپر ، مصوّر ومزّین به‌حیوانات مختلف و یا انسان‌است

دسته اسباب تیزکنی : که به‌کله‌گوزنی مخصوص که دارای گردن و شاخهائی دراز می‌باشد، ختم میشودوبر روی گردن گوزن نقش پرنده‌ای بحالت‌نشسته دیده میشود .

لگام اسب : دارای تیغه‌ای دوطرفه و مشبك میباشدولوله‌ای درآن فرورفته است . این مجموعه ، رویهم‌برای ثابت‌نگاهداشتن مهار، بکارمیرفته است .

سطح تیغه‌لگامها ، عموماً با تصاویر حیواناتی نظیر اسب ، گاومیش، گاو ، شیر باشیوهٔ‌آلیستی‌مزّین گردیده است. گاهی نیز اشکال حیوانات دیگری مانند بزکوهی بالدار ؛ یا دیوهای‌شاخدار بطور تجملی نقش شده و بالاخره منظره دسته جمعی شکار و نقش پهلوان افسانه‌ای آشور؛ گیل‌گمش ؛ در حالیکه حیوانات ودیوها را به زانو درآورده است ؛جلب توجه می‌کند.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

حلقه‌های لگام : که ازحلقه‌های مخصوص‌ساخته‌شده و روی آنها تصاویر بز کوهی و یا سر گاومیش بـا شاخهـای دراز وپیـچ خورده ،که روی حلقه‌اصلی برگشته و ثابت‌شده است و نیز صفحه فلزی‌کمربندکه روکشهائی است مـزّین‌به مناظـر شکار، جنگ و موضوعات مذهبی و غیره .

نشان‌هایا بت‌ها : مجسمه‌ها و ابزار پرستش با تصاویری از حیوانات گوناگون ،اغلب بزکوهی یاشیرکه روبروی هم وبحالت جنگ ساخته شده‌اند.

نشان و بت‌هائی ، باهیکل زنانه،کشیده که دستهای خودرا روی سینه قراده و روی شانه‌آنها اغلب‌شکل پرنده‌هائی‌دیده‌میشود.

نشان‌ها و بت‌های‌گوناگون که ترکیبی از هیکل زن و مرد دارنداغلب صفات مشخصه حیوانات درآنها نشان داده شده است .

سرسنجاق‌ها مزین‌به‌کله‌حیوانات‌و اغلب بزکوهی ویادرخت زندگی و یا دلاوری که حیوانـاتی در طـرفین او دیـده میشود و یا سنجاقهای صفحه‌دارکه‌بعنوان نذربه معابد هدیه‌شده‌اند، مـزّین‌به‌کله شیر ؛ شکل زن و مرد و یا در وسط صفحه آنهااغلب‌کله یك‌دیوکه وسیله گاوهای بالدار احاطه شده مشاهده میشود.

جالبترین نوع‌این‌سنجاقها‌آنهاهستندکه صحنه‌هائی‌از اشخاص مختلف راکه بازگوکننده‌افسانه‌های ایران‌باستان‌است نشان‌میدهند.

کاسه‌های مفرغی : مشخص‌ترین کاسه‌هـای مفرغی لرستان

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

عبـارتند از : ساغر و لیوان که به صحنه‌هـائی از جشن ، شکار و یا جنگ مزین گردیده‌است. رویهمرفته تزیین کاسه‌های مفرغی باستانی لرستان با شکل حیواناتی که در زندگی روزانه‌مردم چـادرنشین آن زمان‌مؤثر بوده‌اند ؛ مانند اسب ، گاو ، گـوسفند و بز و پرندگان مخصوص که دارای بالهای قوی ومنقاربرگشته و بلند و پنجهٔ‌درشت بوده‌اند، صورت گرفته‌است .

بعضی از اشکال‌نقوش‌باشیوهٔ خاص و ابتکارمخصوص‌خود نشان دهنده نبوغ خارق‌العاده صنعتکاران‌عصر خویش میباشند.

گر چه مفرغ‌های لرستان بمعنی‌بسیط ، به هزاره سوم‌مربوط میشود ، ولی مفرغهای خاص این سامان در حقیقت‌به‌قرن‌دوازدهم پیش‌از میلاد و بالاخره به عصر انحطاط و زوال‌بین‌قرون ۹تا۷ پیش از میلاد مربوط می‌شوند .

اسلحه ، زین و برگ و لوازم خانگی ، یعنی وسایل مـورد نیاز زندگی و اشیاء زینتی؛ همگی بازگوکنندهٔ زندگی مردم چادر نشین یا نیمه چادرنشین ، چوپانها و تربیت‌کنندگان اسب‌وپهلوانان آن روزگار است .

این قبیل مفرغ‌ها اغلب درگورهائی‌که در کنار رودخانه‌ها ویاچشمه‌سارها و یا مکانهای‌مقدسه قدیمی قرار گرفته‌اند ، بدست آمده‌وحاکی از نوعی زندگی شبیه به زندگی لرهای امروزی است که‌به‌گله‌داری و زندگی چادرنشینی عمر میگذرانند. و بنا به‌کیفیت

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

فصل ؛ ییلاق و قشلاق نموده و گاهی به‌کشاورزی میپردازند. [۱]

نگاهی به نقشگری درصنعت مفرغ‌کاری

موضوع تزیین نو که بیگمان از هنر آشوربه لرستان رسیده در میان‌اسبداران ثروتمند زاگرس شمالی مورد پسندزیادقرارگرفت و میتوان گفت‌که نمایش حقیقت‌گرای‌جانوران و صحنه‌های شکار برای مردم دشتهای همسایه آشورکه دارای برجسته‌ترین مجسمه‌های جانوران در تمام اعصار بود پسندیده‌ترین موضوع هنری گردید.در هنرآشور همانقدر که نقوش‌انسانی خشن و یکنواخت و قراردادی است ، بهمان پایه نقش جانوران ، حقیقی و زنده‌است.

هرچه‌تماس دامداران‌زاگرس بامشتریان آشوری‌شان زیادتر گردیده‌گسترش نیز بیشترشده ولی ایجادپیوندوهمبستگی‌ننموده‌است. شاید به‌سبت اختلاف، سلیقه‌هاو عقیده‌ها باشد.

دردهکده‌ها، مردم دهنشین؛ که اهالی بکمك‌دیوارهای‌سنگی ازگزند درندگان‌برکنار بودند ؛ نقش مار بردست گیل‌گمش نهاده شده است . مار، از نقوش‌باستانی‌ایرانست و چون حاشیه‌ای برای تزیین در ظروف قدیمی‌بدون اینکه لازم باشد ؛ خاصیت وکیفیت دیگر جز تزیین برای آن پیدا کرد ، بکاررفته است.

۱ـ مفرغهای ایران؛ لرستان؛ قفقاز؛ نوشته‌آقای واندنبرگ: ترجمه‌آقای دکتر مصطفی اعلم

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بعدها نشانه نیکی یا بدی و یا فراوانی آب، اهریمنی بکار گرفته شده است. آنرا در طول تاریخ هنر لرستان حتی در آخرین دوره‌ها، بر سنگهای ظروف آب می‌یابیم که بجای دو باریکه آب بهر سمتی، دومار نقش شده‌است.

جای دیگر گیل‌گمش درحال دویدن، دو انار که شاید در لرستان نشانهٔ فراوانی بوده است، بدست‌دارد. حامل مار و انار بیگمان نشانه‌های‌دیگر آیین کشاورزی است که‌شایداز آنهابی‌خبریم.

نخل و مار و گاو که منسوب به خدای بزرگ باروری‌هستند توجه مارا به ایلام و «اون‌تاش هوبان[1]» جلب میکندکه قطعاً ملهم مفرغ‌سازان‌لرستان مرکزی در تمام نیمه‌دوم‌هزاره دوم پیش‌ازمیلاد بوده‌است. همانطوریکه الهه عریان در هیچ یك ازنقاط جلگه‌وسیع لرستان شمالی بدون مصاحبت حریف نرینه خود دیده نشده است. خدای‌بزرگ باروری‌هم‌بدون‌الهه‌باروری‌نزد خانه‌نشینان نرفته‌است. بنابه گفته« ژ ـکنتنو » یگانگی خدا و الهه برای برانگیختن یگانگی انسانها و ازدیاد و تکثیر گله‌ها وحتی یگانگی عواملی‌که اتحادشان موجب ریزش باران میشود ضروری است.

یادآوری این نکته ضروری است‌که؛ اگر چه الهه بزرگ پرورش دهندگان اسب را میشناسیم. اما نمیدانیم الهه خانه‌نشینان بچه‌شکلی نشان‌داده‌شده‌جزاینکه فرض‌کنیم‌مسلماً همان‌کسی‌است‌که درکوهدشت‌نقشی‌از اوبدست‌آمد.

۱- Untâsh Hubân

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

از معتقدات مذهبی خانه‌نشینان لرستان‌مرکزی هم تا اندازه‌ای خدای بزرگ باروری و پیامبر اوگیل‌گمش قهرمان وحامی‌گله و همچنین الهه‌بزرگشان را می‌شناسیم.تصوری هم از خدای خورشید نزد آنها داریم . چنانکه در وسط تعدای از سنجاقها ؛ سر انسانی برجسته‌که ازاشعه محاط شده، بنظر میرسد.و نیزخدای ماه داشته‌اند که ریشی از سنگ لاجوردی داشته ولی در هیچیك از اشیاء بدست آمده درکوهدشت ، مدرکی‌که مؤید این‌معنی‌باشد، دیده‌نشد مگر نقش هلالی در مهرهای استوانه‌ای‌که تنها وجه نسبت به ماه‌است.

مؤمنین‌با وفای معابدنیز برما ناشناس نیستند.چه‌درکاوشهای لرستان در مجاورت سنجاقهائیکه نقش آنها صحنه‌های مذهبی را نشان میدهد عده زیادی مجسمه‌های‌کوچك‌هم‌بطول فقط چندسانتیمتر بدست آمده‌که میتوان آنهارا بنظایرشان‌که در شوش و بین‌النهرین یافت شده تشبیه نمود. ولی درموردآنهاهرگزبحث‌زیادی نشده‌است و عموماً اینها رانماینده پرستندگان میدانند .

در لرستان از نیمه هزاره دوّم پیش از میلاد ، سنجاقهائی میساختند که مرکز لوحه آنها با قپه‌های خیلی برجسته ، شبیه به برآمدگیهای وسط سپر ، تزیین‌شده‌که‌گاهی روی آنها صاف بوده یا کله انسانی برآنها نقش میشده‌است .

این نوع برآمدگی‌ها در سطح مدوری که مخصوصاً برای تزیین آمادگی داشت ولی از آن کم یا ناقص استفاده شده غالباً از

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

مرکز لوحه جدا میشد و در جایی صحنه‌ها با شخصیت‌هایش چنان ترکیب میگردند که گوئی قبه مرکزی اصلا وجود نداشته‌است. به‌این ترتیب یك نوع تناسب، نسبت به محور اصلی لوحه، نه‌نسبت‌بمرکز آن‌بوجودمیآمد و نتیجه‌این میشدکه بی‌ترتیبی‌وعدم هم‌آهنگی‌فراهم گردد.

بدون‌تردید درچنین‌وقتی‌بوده است‌که روی‌قبه‌های‌سنجاقهای ساخت‌آشوریها، نقوش جانوران تزیینی باسلیقه وذوق خاصی‌نقش گردیده است‌که نمونه جالبی از مهارت آنها بوده است. دراین‌حال ظاهراً مردم‌کوهدشت باحسن نظر و حتی با شور و شوق‌این‌آرایش هنری تازه را پذیرفته و هنر خویش‌رانادیده‌گرفته‌اند امّا بعداً ازاین گرایش و پذیرش طرفی نبستند. با این وجود، دریافتندکه یك سر انسان یا حیوان میتواند به تنهائی موضوع تزیینی جالبی برای تمام سطح‌لوحه‌یك‌سنجاق‌باشد. پوزه‌یك حیوان‌درنده که‌هنرمندان‌لرستان‌با آن مدتها اشیاءگوناگونی از قبیل ظروف گردن‌دراز، النگو، دسته خنجر و غیره را تزیین‌کرده بودند و بخوبی می‌شناختند، در این تقلید رواج واهمیت فوق‌العاده‌کسب‌کردولی دوام نیاورد ومنسوخ شد.

سرانسان برای‌طراحان‌لرستان، درآغاز کارمشکلات بسیاری داشته‌است. بدون‌شك بدین‌علت‌که آنهاکمتراز پوزه‌حیوان‌با آن‌انس و آشنائی‌داشتند. نقاب نیمدایره‌ای شکل اولیه، کم‌کم خصوصیت

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بیشتری پیداکرد. اما چون ذوق در آن مداخله نکرده بود ، ترقی و پیشرفتی بدست نیاورد.

زنان لرستان عادت کردند که میان سنجاقهائیکه بازار به آنها عرضه میکرد ، آنهائیرا که زیباتر و جدیدتر بودند انتخاب نمایند و گاهی سرهای خودراهم بشکل آنها آراسته و به نمونه روز درآورند شاید عجیب بنظر برسد. اما اگر مجسمه‌های کوچکی که از گل پخته است و منقوش که از دخمه‌های این قوم در «تنگره» کشف شد، مشاهده نمائیم که اعضاء خانواده و دوستان مردگان در آنها خودرا درلباس زمان نشان داده‌اند ، عجیب‌ترخواهدبود.

با شرحی که درباره صورتها و نقشگریها داده شده ؛ تمام آنها متعلق به قومی است خانه‌نشین، متدین وهوشمندودوستاراسب‌زیبا وسگ‌های کوچك ، نه‌جنگجو و شکاری . هریك‌ازآنها بما چیزی آموختند وهمه آنها دررنگ‌آمیزی، تابلوئی که ما در صدد پرداختن آن از قسمتی از لرستان قدیم هستیم، اثری گذاشته‌اند. اما صور دیگری هم هستندکه‌از همین منبع کشفیات بدست آمده که باید از آنها هم‌صحبت کنیم ولی‌ارزش معنوی آنها را ندارند . اما بوضع بهتری ساخته شده‌اند . ظاهراً اینها دربرابر اولیها فاقد ارزش‌هنری‌زمخت هستند. اما همیشه شاخص چگونگی‌حالات انسانی و طرزتفکرزمان خویش می‌باشند و معرف چیزهائی هستند که از خارج‌ازمحدوده تمدن خویش وارد میشده است که بخلاف مصنوعات خودشان زیبا

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

و خوش ساخت ولی مبتذل و فاقد ارزش .

اینك بنا بفرض ورود اشیاء آشوری به لرستان ؛ کشف یکی از آنها را درکوهدشت، شاهد مثال قرار میدهیم. شیئی موردبحث جامی‌است از مس زردبقطر ۱٤/۵ سانتیمتر که بخوبی‌محفوظ‌مانده است . ته آن مانند مرکز لوحهٔ غالب سنجاقهای‌کوهدشت ، با برآمدگیهائی‌بشکل تکمه تزیین شده است. این برجستگی‌ازشعاعهای متحدالمرکز و بعد از سه دایرهٔ باریك بشکل قیطان محاط‌شده است بین دایره سوم و لبه جام ، سطح مدوری است به پهنای ۳ سانتیمتر که چهارحیوان همدیگر را دنبال میکنند وچهار درخت در فواصل حیوانها؛سطح‌جام را تزیین نموده است . درخت؛نخل‌آشوری‌است که روی دو مار پیچ واژگون قرار دارد. حیوان که بسیار ماهرانه نقاشی شده، چارپای بالداری‌است که‌سرانسان دارد واین نوع‌کار در حکاکی‌های آشوری معروف، است‌و در نقش آن‌درست ازهمان سبك صنعتی و ظریف آشوری،پیروی شده است‌که قبلا به آن‌اشاره شد و مانند بسیاری از نقوش آن عهد، یکی از بالها در پشت سرو دیگری در جلو نقش شده ، آشکارا پیداست که تمام جزئیات نقش از حیوانات‌مرموز ، نخل‌ها، روش نقاشی و حکاکی ، تا ماده و جنس‌جام‌که در مس زرد است، از مختصات‌آشوری‌است. محققاً این‌یك نمونه مشخص از اشیاء آشوری‌است‌که در طی قرون نهم و هشتم پیش از میلاد به لرستان وارد شده است .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

چنانکه اشاره شد ، سنجاقها و لوحه‌هائیکه جنبه‌مذهبی‌دارند و همچنین مجسمه‌های کوچك مؤمنین معبد در نیمه هزارهٔ دوم پیش از میلاد ظاهر شدند . بنابر این اشیایی هم‌که درکـوهدشت بدست آمده‌اند به دو دوره‌مشخص هنری تقسیم میشوند:

دورهٔاول‌ازنیمه‌دوم‌هزاره دوم‌تاآغاز قرن نهم پیش ازمیلاد.

دورهٔ دوم از آغاز قرن نهم تا دوره هـخامنشیان یعنی قرن ششم پیش از میلاد.

دورهٔ اول تحت تأثیر هنر درخشان ایلامی درعصر «اون‌تاش هوبان»و دورهٔدوم متأثرازهنر آشوری «آشورنازیرپال‌دوم»میدانیم.

در طی معرفی مختصر اشیاء مفرغی لرستان ، مناسبت‌دیدم‌از لحاظ آسان کردن‌کار خـواننده ، اشیاء نامبرده را از حیث نـوع طبقه‌بندی نموده تا بدین‌وسیله هنررا با افکار و معتقدات مردمی‌که مرور زمان و نفوذ تمدنهای همسایه؛ همواره این‌افکارو معتقدات رادستخوش‌تحول‌و دگرگونی‌ساخته با هم‌همراه‌کرده و آمیخته‌باشم.

هنر زاگرسی‌ها هم،مانند هرهنر دیگری‌در دوران‌وجودخود مراحل ابتدائی و ناپختگی ، دورهٔ تکامل و کمال و بالاخره فرود و انحطاط را پیموده است . بطوریکه درطی نیمه دوم هزارهٔ دوم‌به اوج‌کمال خود رسید.گاهی از پیدایش‌ناگهانی‌و سیر تکامل‌عجیب آن ، تعجب‌می‌کنند، بدون‌توجه‌به قدمت‌آن‌که مدتها موردداعتراض وانکاربوده‌است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

من میخواهم اینجا چند توضیح تکمیلی داده و عوامل چنین ترقی سریعی را به‌اختصار بیان کرده و در ضمن، فترت ظاهری آنرا نیز توجیه کنم.

تاریخ مفرغ‌های لرستان، بطور خلاصه و بدون توجه‌واشاره به سلطه کاسیت‌ها بر بابل بیان شد. چنانکه گوئی این امر عجیب هیچگونه نشانی در هنر زاگروسی در آخر هزاره دوم پیش ازمیلاد نگذاشته است. ظاهراً هم شاید چنین بوده‌است.

در حقیقت تا کنون هیچ چیز مفرغی از لرستان درجلگه بین‌النهرین بدست نیامده است. در کاوشهایی هم‌که در محوطهٔشهر « دورکوریگالزو[1] » انجام یافته حتی یك قطعه هم بدست نیامده و چندتایی از آن هم‌که در ویترین‌های موزه بغداد دیده میشود، توسط مأمورین گمرك در مرز از افرادکشف و ضبط شده است یا اینکه‌از بازار خریداری شده است. و این‌حقیقی است‌که‌من با اجازهٔرئیس سرویس عتیقه‌جات‌عراق ومراجعه به دفترواردات‌موزه‌بدست‌آوردم پس‌چگونه میتوان فقدان مطلق اشیاء مفرغی لرستان، یعنی اشیایی دارای مشخصات خاص هنر لرستان را در جلگه بین‌النهرین‌ووجود تعداد خیلی زیاد آنرا در کوههای زاگرس توجیه‌کرد؟. ظاهراً به این پرسش تنها یك پاسخ میتوان دادو آن اینکه غیر ازسلاح‌هائیکه

۱ ـ Dur Kurigalzu : توسط پادشاه‌کاسیت، کوری‌گالزوی اول که آنجا را پایتخت‌خودقرار داد، ساخته‌شده.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

از آن صحبت خواهم کرد و شاید لگامهای اسب و چندنوع اسباب خیلی ساده مانند حلقه و غیره و سایر اشیاءِ مفرغی از قبیل سنجاقها جامها و فنجانهای مفرغی در دوران اشغال بابل توسط کاسیت‌ها هنوز بوجود نیامده بودند. هنگامی بوجود آمدند که اشغالگران بکوهستانهای خود باز گشتند.

من گمان میکنم بیشتر اشیائیکه «شافر[1]» بنام لرستان قدیم جمع آوری کرده، سلاح‌های خیلی قدیم هستند که گر چه درلرستان کشف شده‌اند اما محل ساختشان ایلام یا بین‌النهرین بوده و بعداً عواملی مانند خارجیها یا از راه تجارت وارد زاگرس شده و یا از روی آنها ساخته شده‌اند.

باتکای این فرض؛ من میتوانم تقریباً تمام انواع سلاح‌های لرستان را نام ببرم. مثلا تبری که از این ناحیه بدست آمده واکنون در موزهٔ تهران نگهداری میشود، روی آن کتیبه‌ایست بخط بابلی به نام (بلی‌سرشاه توانا، شاه همه) و ممکن است تاریخ آن همزمان دورهٔ «اگده[2]» باشد. این تبر شبیه تبردیگری است که از «تل احمر[3]» بدست آمده و شافر در تاریخ آنرا ۲۰۰۰ تا ۱۹۰۰ پیش از میلاد تعیین کرده است.

---

۱ - G. schâeffer

۲- سلسله پادشاهی موسوم به «اگده» مقارن ۲۴۰۰ پیش‌ازمیلاد با سارگن شروع شده ودرسال ۲۰۶۰ با «نارام‌سن» Nârâmsin که جای خود را بسلسله Uruk میدهد بپایان میرسد.

۳ - تل‌احمر همان تل «پارسیپ» قدیم است که درساحل فرات واقع در ۲۰ کیلو متری کرکمیش قراردارد.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تبر دیگری که محققاً از لرستان بدست آمده و شبیه تبر « نارام سن[۱] » بهمان صورتی است که در کتیبهٔ موجود در موزهٔ لوور دیده میشود و تاریخ آنرا اواسط هزارهٔ سوم پیش از میلاد ذکر کرده‌اند و نظیر دیگر آن در تپهٔ « گورا » واقع درشرق نینوا پایتخت قدیم آشور یافت شده است، «شافر» آنرا در رگه‌شناسی خود نشان داده و تاریخ آنرا بین ۱۹۰۰ و ۱۷۰۰ و ۲۲۰۰ و ۲۰۰۰ پیش از میلاد تخمین زده است.

حالا تبرهائیرا که از نوع معروف‌ترین تبرهای شوش هستند بررسی میکنیم.

یکی از آنها که متعلق به موزه تهران است در شوش توسط «مکنم» کشف شده و تاریخ آنرا خود او به تقریب ۲۲۰۰ پیش از میلاد تعیین کرده است.

یکی دیگر که آنهم در شوش در گنجینه نذورات معبد «شوشنیگ» کشف شده تبری متعلق به لرستان است . شکل آن شبیه تبرهای دیگر لرستان است. و مفرغ آن همچنان خاکستری رنگ و زبر و ناهموار است. گمان میکنم کافی باشد که یك تبر از همین نوع که آنهم متعلق به لرستان است، اما کارش خیلی لطیف تر و از مفرغ روشن‌تر است، نشان دهم تا تقریباً محقق شود که تبرهای سابق الذکر دارای اصل ایلامی هستند و تنها این آخری است که میتواند در سرزمین خشکی که شاید زاگروس باشد ساخته شده باشد .

بحث خود را با ارائه تیشه‌ای که متعلق به موزه بغداد است

۲- نارام‌سن، پادشاه اگده نوهٔ سارگن، بعداز ۲۵۰۰ پیش از میلاد .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ادامه میدهم . تاریخ آنرا هزارهٔ سوم پیش از میلاد تعیین کرده‌اند نظیرش در لرستان بدست آمده و در موزه تهران نگاهداری‌میشود . یك نمونه دیگر ، اما بدون دندانه که آنهم در لرستان بدست آمده و در موزه لوور است شبیه نمونه «تل‌احمر»می‌باشدکه«شافر» تاریخ آنرا ۲۲۰۰ تا ۱۹۰۰ پیش از میلادتعیین‌کرده است. خنجری‌که پیش از همه در لرستان بکار میرفته است مفرغی و اغلب یکپارچه‌است‌و در دو طرف‌دسته، دوپره تعبیه‌شده‌که‌روی‌زینتی‌از چوب یااستخوان برمیگردد . این خنجر در «رأس‌شمرا[1] » بدست آمده و شافر تاریخ آنرا ۱٤۵۰ تا ۱۳٦۵ پیش از میلاد تعیین‌کرده و نظیر آن‌در تپهٔ‌گیان بدست آمده‌که تاریخش ۱۵۵۰ تا ۱۲۰۰ است و جـای دیگر خنجر دیگری‌که‌کمیاب‌تر و آنهم تماماً از مفرغ‌است ،دارای دسته‌گردی است و انتهای دسته مانند ته میخ پهن است.

این خنجر شبیه خنجری است‌که در «وری[2] » بدست آمده و «شافر» تاریخ آنرا از۱۲۵۰تا ۱۲۰۰ پیش از میلاد تعیین‌کرده است.

سنگ تیزکن که از لوازم ضروری‌خنجر مفـرغی است باید از زمان پیدایش خود خنجر وجود داشته‌باشد.

بدون شك بهمین دلیل‌است‌که «شافر»تاریخ آنهایی راکه من (یعنی‌مرحوم‌گدار) در مفرغهای لرستان منتشرکرده‌ام ۱۵۰۰تا۱۲۰۰

۱- رأس‌شمرا، اوکاریت قدیم‌است و در ساحل‌سوریه‌درعرض نقطه شمالی جزیره قبرس واقع شده است .

۲- Veri ، در طالش روسیه‌واقع شده است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

پیش از میلاد تعیین گردیده است . دستهٔ مفرغی یکی از آنها منقوش است.

بنابر آنچه گذشت ، تبرها، تیشه‌ها، خنجرهائیکه از سلاح‌های کشورهای همسایه اقتباس شده، سنگ تیز کن‌ها و بدون تردید ابزار و اشیاء زینتی خیلی ساده ممکن است بیش از زمان اشغال بابل توسط کاسیت‌ها و یا در جریان آن در دّره‌های لرستان ساخته شده باشد . اما در بارهٔ اشیائیکه بنظر ما از لحاظ نفاست فلز و مهارت و تبحر در ساخت و تزیین، محققاً از مفرغهای لرستان هستند، چنانکه پیش از اینهم اشاره شد، اینها حقیقتاً پس از بازگشت اشغالگران بابل بکوهستانهای خود یعنی زاگروس می‌باشند. دلیل قاطعی در تأیید این فرض وجود دارد که به آن اشاره کردم و آن اینست که هیچ شئی مفرغی از این قبیل در بین‌النهرین یافت نشده در صورتیکه کشور نامبرده مدت سه قرن از ۱۵۰۰ تا ۱۱۶۸ پیش از میلاد زیر سلطه و فرمانروائی کاسیت‌ها بوده است .

دلیل دیگری هم وجود دارد که اگر قوی‌تر از اولی نباشد ضعیف‌تر از آنهم نیست .

با مشاهده نمونه‌های زیادی، ثابت شد که مفرغکاران لرستان ابتدا بدون تصرف و تغییر محسوسی سلاح‌هائیرا که مال همسایگانشان بود عیناً ساختند. امامقارن سال ۱۲۰۰ پیش از میلاد در آسیای غربی پیش آمدی رخ داد که میتواند عامل اصلی یا یکی از عوامل تغییرات

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بزرگی باشدکه ما در هنر زاگروس مشاهده می‌کنیم.

درکشور قدیم سومر ؛ فلزکاری‌حرفه‌آزادی‌نبود وفلزکاران شدیداً وابسته به اقتصاد و حکومت معبد بودند واین از خصوصیات تمدّن آن دوره در این قسمت ازدنیا بود.او مطیع حکام مذهبی و حرفه‌اش زیر بازرسی یك کاهن فلزکاربود . با وجود این ، اوبرده مقامات مزبور نبود .

در مدت سلطنت حمورابی و جانشینان او ، اقتصاد قدیم سومری دستخوش انحطاط گردیده بود . اصناف و صاحبان حرف وابسته به معبد، فقیرشدند .گرچه تا اندازه‌ای وجهه مذهبی خود را حفظ کرده‌بودند ، با وجود این دو چار بحران‌اقتصادی سختی‌شده بودند و این بحران در دورهٔ کاسیت‌ها شدیدتر شد تا آنجاکه آنها خود را از قید تابعیت معبد رها ساخته و بصورت صنعتگران آزاد درآمدند. چه ، علیرغم رسوم کهن،این وضع برای‌توسعه بسط‌هنری جدیدی مساعد نبود.

مقارن ۱۲۰۰ پیش از میلاد، بر اثر هجوم مهاجرین بالکان امپراطوری هیت‌ها فرو ریخت و ساختن اشیاءآهنی‌که مدت چندین قرن در انحصار آن‌دولت‌بود از میان رفت‌و فلزکاران بکشورهای همسایه متفرق شدند. شاید بتوان پیدایش بسیاری‌ازکارهارا درهنر ایران این دوره‌که اثر دست صنعتگران‌ماهر یا شاگردان آنها درآن شناخته میشود با بروز این حادثه ربط داد.ازآنجمله شیرهای‌منقوش

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

در کاسهٔ طلائی کلار دشت در گیلان و یا بطور کلی سرها ، آرایش موهـا. البسه ، وضع و هیئت اشخاص و رانـنده ارابه در حقیقـت فراوانی اشیاء مفرغی لرستان بنظر من معلـول دارائی بازرگانان اسب کاسیتی که مقاطعه‌کاران ارتش آشوری بودند میباشد و ممکن است فلزکاران ماهـر هم در توسعه و ترقی سریع و قابل ملاحظه صنعت مفرغ‌کاری زاگروس سهمی‌داشته‌باشند. موردی‌پیش‌میآید که در مسئله‌اصل‌و ریشه هنر زاگروس دقیق‌تر شویم و آن تبری است که برروی آن‌نوشته‌ای‌حک‌شده‌بنام « اون‌تاش‌هوبان» . ایـن تبر در چغا زنبیل واقع در چهـل کیلومتری شوش بدست‌آمده‌است. این سلاحی است از نوع خیلی قدیمی که در پشت آن‌نقش‌حیوانی از طلادیده می‌شود. این حیوان در میان اشیاءمفرغی‌نقش‌برجستهٔ ایلامی‌مشاهده شده و ما آنرا هنر لرستان می‌شناسیم . کاسیت‌ها اصول تزیین آنرا اختیارکرده و در پیشرفت و تـرقی آن راه افـراط پیموده و تا حـد شاهکار توسعه‌داده‌اند.

می‌توان تعدادی تبـرهای لرستان را بـررسی کردکه سلاحی قدیمی با چهارپایان کوچك تزیین شده‌اندکه‌ایستاده‌یا خوابیده‌نشان داده‌شده‌اند .

در حقیقت این تبر ایلامی متعلق‌بزمان‌اون‌تاش هوبان[1] است که‌اگر کاملا بانام صاحبش مشخص‌نشده‌ومحل‌کشف آن معلوم‌نبود

۱- Untâsh · Hubân

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

میتوانست مانندیکی از اولین مفرغهای لرستان ، درردیف‌مفرغهائی قرار گیرد، که قیافه تزیینی هنرزاگرس را تثبیت کرده‌اند.

مجموع اشیاء ساخت لرستان‌که درطی این تحقیق بررسی شدند فوق‌العاده بسیط می‌باشند. مفرغ، نقره، طلا وبعد از آن‌آهن چکش‌کاری شده یا تراشیده که ابتدا حتی از طلا گرانبهاتر بود ، مصالحی بودندکه صنعتگران‌کاسیت برای ایجاد یك هنر اصیل در زاگرس بکاربردند.

در این مصنوعات اثری از نفوذ هیت‌ها و همچنین از هنر کرکوك نزد صحرانشینان جلگه‌های علیای‌لرستان‌شمالی و نفوذعمیق ایلامی ، نزد صحرانشینان لرستان مرکزی دیده می‌شود.

در شمال و در ناحیه «منائی[1]» هنر زاگرس‌که تحول‌عادی آن در اثر مجاورت و تماس با جامعهٔ آشوری، تفاوتی‌با هنرویژه لرستان پیداکرده بود، توسط هیت‌های صحرانشین هنگامیکه کشور مادرااشغال‌کردند پذیرفته‌شد و بنام هنر سیت قدیم نامیده شد .

این‌هنر «منائی»که‌به هنر «سیت» تغییر نام‌داد، یعنی‌هنرقسمت شمال زاگرس ، بعد از انتقال به جنوب روسیه ، بسرعت بوسیله «سارمات»ها تغییر قیافه داد و آنها ذوق خشن خود را در آن وارد کردند. در صورتیکه در ایران وکشور «منائی ،که همان ماد باشد

۱ – Mannâi : که در تورات ؛ کشور«مان» نامیده‌شده از ساحل‌جنوبی دریاچه‌رضائیه‌تا نزدیکی تبریزوازسمت‌جنوب تانزدیکی کرمانشاه‌رادربرمیگرفت

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

و توسط اورارتو » با آشور رابطه داشت؛

هنر مزبور که از زمان سقوط نینوا با هنر آشوری رابطه داشت حجاران ماهر و کاردان تخت جمشید را بوجود آورد . اکنون انتهای دسته خنجری که از گنجینه «زیویه» بدست آمده شاهد میآوریم این یك شئی کوچکی است از طلا که با نقش حیوان مخصوص هنر زاگرس تزیین شده و بسیار قابل تحسین است . این شئی از زینت غلاف خنجر کمانداران ارتش ماد تخت جمشید تقلید شده امادربارهٔ هنر لرستان با آنچه از آن باقیمانده بود به مرحله‌ای تازه میرسیم زیرا کاسیت‌ها در سال ۶۹۱ پیش از میلاد کاملامقهور سناخریب[۱] آشوری شده بودند. باید گفت بطور خیلی ساده با هنرهخامنشیان درهم آمیخت[۲]

این بودگزیده از نظریه‌های شادروان آقای گدار دربارهٔمفرغ و مفرغ کاران لرستان

* * *

در شاهکارهای هنر ایران تألیف شادروان پوب ؛ در بارهٔ مفرغهای لرستان‌مطالبی آمده‌است که قسمتی‌از آن ازنظرخوانندگان گرامی میگذرد .

---

۱ - Sennâcherib : پادشاه‌آشور که‌از۶۸۱ پیش ازمیلاد پادشاهی کرده است.

۲- به‌نقل‌ازکتاب هنرایران‌نوشته‌شادروان‌پروفسور اندره‌گدار با برگردان دکتربهروز حبیبی؛ ازانتشارات دانشگاه‌ملی صفحات۴۱-۴۲-۵۹-۶۱-۶۲-۷۲ ۷۳-۷۷-۷۹-۸۶

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

در حدود سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۲۰۰ پیش از میلاد و شاید از آغازی قدیمیتر، گروهی از مفرغ‌کاران در امتداد کنارهٔ فلات ایران، از آذربایجان بطرف جنوب حرکت کردند و در چمنزارهای مرتفع و دره‌های سبز ناحیه‌ای که امروز لرستان نامیده میشود اقامت گزیدند و همراه ایشان طایفه‌ای پرورندهٔ اسب که این سرزمین را برای کار خود مناسبت دیدند بآن سو روی آوردند.

نمونه‌های آلات مفرغی لرستان اولین بار در سال ۱۹۲۹ در بازار پاریس مشاهده شد و محل کشف آنها نامعلوم بود. دو یا سه قطعه بسیار شبیه آنها در موزه بریتانیا یافت شد. اما از آن قطعات هم بر دانش محققان چیزی نیفزود. زیرا اصل و تاریخ آنها نیز مشکلی لاینحل بود. پس از چند ماه، اطلاعات دقیق متوالی درباره کشفیات مزبور از ایران رسید. مردم لرستان اولین نمونه‌ها را به تصادف از خاك درآورده بودند. و چون پی بردند که این اشیاء در بازار ارزشی دارد، دیری نگذشت که از روی نظم و قاعده؛ درمقام جستجو برآمدند و قبرهائی را که روی آنها با لوح سنگی پوشیده بود خالی کردند. بدین طریق آثار تمدنی که تا آنگاه بکلی ناشناس بود آشکار شد.

این تمدن علاوه برمفرغ‌کاریهای بسیار دیدنی که دارای شیوه خاص فردی و از لحاظ فنی بسیار ماهرانه است، شیشه‌کاریهای خوب (منجوق‌های سبز رنگ سنگین و بزرگ و النگوهای شیشه‌ای

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

رنگارنگ) و مهره‌های سنگی پراکنده و ظروف سفالی درشتی که اغلب آنها فقط با رنگ سرخ آهنی آراسته می‌شد بوجود آورده بود.

امّا معنی اشکال و نقوش مفرغی؛ مخصوصاً در شکل‌های مرکب و درهم آمیخته، هنوز معمائی بود. با وجود این، چون با نظر کلی‌تر و وسیعتر بنگریم مواد اصلی آداب و مراسم دینی، نخستین بار آشکار میشود و یك مرحلهٔ خاص و مهمّ را مشخص میسازد که بشر دنیای خود را، درك کرده است:

مذهب این مردم از مذهب همان نقاشان ظروف سفالی، متفرع شده بود و هنوز بر قدرت آسمانی تکیه داشت. اساس دین بر اعتقاد به خدای بزرگی که بر موجودات آسمانی و فصول و تمام امور زندگی استیلا داشت، مبتنی بود. حتی از زمان نگارگران سفالینه‌های قدیم این قدرت آسمانی یکی از صورتهائی که می‌پذیرفت صورت بشر بود؛ و گاهی صورت بشر، با بعضی از اجزاء صورتهای حیوانات آمیخته بود:

این تلفیق صورت انسان و حیوان؛ در آثار لرستان و هنر سلسله‌های باستانی چین، بهم شبیه است و علاوه بر این، حکم خدای بزرگ واحد و خدایان تابع او در دو زمینه جاری بود.

یکی در آسمان و دیگری در زمین. خاصه در قوّه نامیه نباتی. این معنی، بشیوه‌های مختلف، در بعضی از مفرغهای لرستان؛ بویژه

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

در اشیائی که طلسم خوانده میشود، بخوبی نمایش داده شده‌است.

مثلا در یك دسته از این اشیاء، خدای آسمان را نشان میدهد در حالی که برگربه‌های بزرگ، نماینده خورشید، یاجانوران شاخ‌دار، نمایندهٔ ماه، حکومت می‌کند. دریك نمونه، دو جلوهٔ الوهیّت درشکل واحدی بهم آمیخته است[۱]. سر و صورت دومی نیمه حیوانی است و تصویر بطریقی ساخته شده که تهیگاه یکی ؛ شانه‌های دیگری است و دستهای دومی که به تهیگاه تکیه داده؛ پاهای پیکر اولی است. سرهای خروس که از دو سوی کلاهك شکل بالائی واز گردنهای شیران بیرون جسته ، مکمل صورت کلی است که گردن نقوش انسانی و حیوانی آن به گردن‌بندها و قلاده‌های مرصع، آراسته است.

اما صورت ترکیبی خاص این پیکر از آنجا حاصل شده که شانه و تهیگاه صورتهای انسانی، بمنزله کفل شیرانی است که روبروی هم ایستاده‌اند و به این طریق صفات الهی و حیوانی در شکل واحدی برهم منطبق شده و درآمیخته است : نظیر این شیوه را در مفرغ‌های چینی همین زمان میتوان یافت :

اما در بعضی موارد ، «آسمان‌خدا»ی لرستان که از نام محلی او اثری نداریم بسیار ساده‌تر از این است.

در یکجا این خدا بصورت مردی که دارای ریش سه شاخه

۱ – تصویر در صفحه ۱۵۸ جلد اول چاپ شده است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

است تصویر شده (و نظیر آن در چین هم بدست آمده) که گلوی بزهائی را که به تنهٔ نخل، دندان میزنند، گرفته است ۱:

گاونر روزگار نخستین بسبک دره سندکه روی لیوان مکشوف در «سیلك» دیده میشود، در مفرغهای لرستان نیز وجود دارد که از گوشت و اعضای آن گیاهها روئیده است ۲. امّا در این نقش آفریننده گیاهان، دارای سرخداثی است که باشاخ و برجستگی فالوس تکمیل شده و دارای موهای تابیده‌ای است که تصور قدرت نامیهٔ گیاهی یعنی یکی از صفات «آسمان‌خدا»ی بزرگ را نیز شامل است.

این وجودهای انسانی یانیمه انسانی، نه تنها نتراشیده و زمخت بلکه زشت و بی‌اندامند و قدرت آنها در نخستین مرحله از شدت زشتی آنهاست. حتی صورتی که با قیافهٔ معهود خدا با ریش سه‌شاخه ساخته شده پیش از آنچه انتظار میرود؛ مؤثر و قوی است. این قدرت تأثیر از طرح کلی آنها و از اثر تلقینی منحنی‌های پیچان و زاویه‌های تیز با پیچ و تاب شاخها که در حلقه‌های متعدد گیر کرده است حاصل میشود. این نیرو خاصه درشکلهای حیوانی آشکارتر است. مثلا نقش شیرانی که گردن لاغر منحنی دارند و گردن گوزنها را گرفته‌اند، پهلوی یك خط عمودی، مکرر شده است: (و این نشانهٔ آنستکه هر چه در آسمان اتفاق می‌افتد باید ۱۲ ساعت بعد در عالم زیرین هم روی دهد) یابزهائیکه به چابکی و با یال و دمی ترسناك میرقصند:

۱ـ تصویر در صفحهٔ ۱۶۹ جلد اول چاپ شده است. ۲ـ تصویر در صفحهٔ ۱۶۷ جلد اول.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بعضی جانوران تك ؛ طبیعی‌ترند و حالات خاصی را نشان میدهند. مانند بز وحشی که آمادهٔ گریز است و باوجود آرامش؛ چابك بنظر می‌آید. و یك کرّه اسب ظریف که ظاهراً توسن است[۱]

رویهم رفته اسبها زنده‌تر و گوناگونترند و با نظر دقیق که از جامعهٔ پرورندگان اسب انتظار میرود ، دیده شده‌اند. اما حتی نقش اسبهای تازندهٔ هنری هم از تغییراتی که در نظر مردم امروز قدری به نقش هجوآمیز (کاریکاتور) نزدیك میشود، برکنار نیست.

سلاحهای جنگی نیز باتزئینات تمثیلی آراسته میشد. مخصوصاً تبرزینهائی که دارای تیغه‌هایی به شکل هلال یا شکل‌های دیگر بوده و ظاهراً بیشتر جنبهٔ تشریفاتی داشته است. زیرا که ساختمان آنها برای مقاصد عملی، مناسب بنظر نمی‌رسد. از آنجمله نکته مهم پیوستگی تیغه و دسته » اغلب فروگذار شده است .

بیشتر تیغه‌های اسلحه از مفرغ است. اما چند تبر و چندخنجر و معدودی هم شمشیر آهنی دیده شده است. و این نشانه تاریخی است که به آغاز هزارهٔ اول پیش از میلاد منتهی میشود. یعنی هنگامی که استعمال آهن خصوصاً در دره‌های این سرزمین مرتفع و نزدساکنان متمدّن آن بتدریج معمول‌تر شده‌است .

فلزکاران لرستان ؛ ظرفهای ریختگی میان تهی هم‌ساخته‌اند مانند گلدان و آفتابه‌های لوله‌دار، نظیر آنچه در میان ظرفهای سفالی

۱- تصاویر در صفحات ۱۶۴ و ۱۶۵ جلد اول چاپ ششم است .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

سیلك میتوان دید و نیز فنجان و کاسه. امابهترین نمونه آنها، جامی است که روی ساقه کوتاهی با پایه پهن قراردارد. ضخامت فنجان را حلقه‌های متوالی نزدیك بهم مضاعف کرده است.[۱]

در مجموعهٔ مفرغ کاریهای لرستان، چند نمونه چکش کاری هم دیده میشود. بیشتر هنر این دوره، ابزارهای ریختگی صفحه‌ای یا میان تهی است و خلاف این روش بسیارکم دیده میشود. در سرخ‌دم، بخلاف این ظرفهای چکش کاری‌شده بیشتراست وظرفهای ریختگی، فقط وقتی که استحکام آن منظور بوده‌ساخته‌میشده‌است.

پیداست که‌ساکنان آن ناحیه که ازسرزمین دیگری با فلزکاری آشنا بوده‌اند، آمده‌بودند و بعضی نکته‌های دیگر از قبیل تاج‌پر، نشان میدهدکه‌محل‌اصلی این مهاجران ناحیه دوری‌در مغرب، یعنی منطقه «آناطولی» بوده است.

چیزی که‌در «سرخ‌دم» از آن نمونه‌های‌بیشتری بدست آمده، صفحه مدّوری‌است روی‌میله سنجاقی‌قراردارددوبرروی آن‌مجالس و علامتهای مذهبی منقوش است. نقشی که در اغلب مجالس دیده میشود؛ همان نقش «آسمان خدا»ی است که بر حیوانات سماوی فرمانروائی می‌کند. اما جلوه‌های‌این‌نقش متعدّد ومختلف‌است. در یکی‌ازآنهاکه طبیعی‌تر است،خدااایستاده وقبائی‌بلنددربرکرده‌وتاجی از پر بر سر گذاشته است. همهٔ اندامهای او بجز چهاربال‌بزرگ که

۱ـ تصویر در صفحهٔ ۱۷۰ جلد اول‌مراجعه‌شود.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

از شانه‌هایش بیرون آمده است ، جنبه انسانی دارد و دم حیوانی گربه مانند را گرفته تکان میدهد [۱] . جانوران شاخ‌دار و اشکال گیاهی کوچك‌نیز ، فواصل نقش راپر کرده‌اند.

در یك‌روکش‌تیردان‌که شاهکار این نمونه‌های ساده محلی است، همین خدا ظاهر میشود. ظاهراً نقوش پیکرهای خیالی این روکش‌تیردان، از آشوریان اقتباس شده و پیکرمکرر خدا، صورت مقتبس‌محلی است‌که‌از اصل‌آشوری‌آن، تنها دوبال‌آن عیناً بجای مانده‌است.

نفوذآشوریان در«سرخ‌دم»کوهدشت ، درمیان هزاره دوم و هزارهٔ اول پیش ازمیلاد، موجب استیلای سبك هنری ایشان برسبك لرستان‌گردید و این‌معنی را از مطالعهٔ یك سلسله لیوان‌هایا جامهای نازك استوانه‌ای‌می‌توان‌یافت [۲] .

روی‌این‌لیوانهارا نقشهای‌درشت‌کنده‌کاری فراگرفته‌که‌جنبه تمثیلی ندارد بلکه بیشتر تصویری است. این نقشها غالباً نمونه‌خاص مجالس سلطنتی یا شکار آشوریان است .

نقش شکارچی‌که پیاده دنبال عقاب خشمگین جوانی میرود از خصائص هنر آشوری بشمار میآید:

مفرغهای لرستان محصول صنایع‌محلی بوده و هنری‌است‌که

۱- تصویر پائین صفحهٔ ۱۶۲ جلد اول این کتاب.
۲- تصاویرصفحهٔ ۱۶۸ جلد اول این کتاب.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

درحاشیهٔ تمدنی بوجود آمده است. در این موارد است که مهارت فنی میتواند بی‌آسیب، دوام بیابد. اما باید دانست که شیوهٔ آن خشن و ناهنجار و یکنواخت بوده است. بااینحال اهمیت مذهبی و شدت و قوت طبیعی آن مانع شده است که نمونه‌های خوب این هنر بوسیلهٔ تکرار و تقلید که معمولا موجب انحطاط سنتهای هنری است ضایع شود[۱].

* * *

اظهار نظر آقای دکتر گیرشمن نیز بر مبنای بررسیها و تحقیقات خود و دیگر باستان‌شناسان همکار و همقطار خویش است که اغلب میتوان گفت از نظر نتیجه‌گیری، به‌مفهومی واحد میرسند. خلاصه‌ای از این نظرها و بررسیها به این شرح است:

اگر بگوییم ساکنان گله‌چران لرستان شباهتی به «سمریها» داشتند تصور نمی‌رود راه اشتباهی پیموده باشیم. در نتیجه تحقیقات دانشمندان شوروی؛ پیوتروسکی [۲] و ملی‌کیش‌ویلی [۳] و دیاکونوف، این نظر هر روز بیشتر از سابق، موردتوجه و قبول دانشمندان واقع میشود. سیمریها از اوایل قرن هشتم پیش از میلاد، با مردم «اورارتو» عقد اتحاد بسته بودند و در همان موقع دسته‌ای از آنها به عنوان سربازان مزدور، برای آشوریها می‌جنگیدند. در حالی که عده‌ای دیگر از همان مردمان، با «مادی‌ها» که در آن موقع بر علیه آشوریها

۱- از مقاله فیلیس اکرمان در کتاب شاهکارهای هنر ایران تألیف شادروان پوپ با برگردان استاد دکتر پرویز ناتل خانلری.

۲- Piotrovsky ۳- Melikishvili

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

قیام کرده بودند متحّدشده بودند. بنابراین میتوان گفت که سیمریها بدو دسته تقسیم شده بودند، یکی از آنها راه آسیای صغیر رادرپیش گرفته بود و دسته دیگردر مشرق آشور جایگزین شده بودند. وبه ناحیه‌ای رسیده بودندکه هنوز نام کاسیتها روی آن بود و آنجا همان ارستان کنونی است.

ساکنان لرستان قبل از آن زمان عبادتگاه‌هایی نیز داشتند و یکی از آنها درناحیه «سرخ‌دم»، طبق اصول علمی کشف گردیده است. این عبادت‌گاه نشان میدهدکه مردمان مزبورکه از نواحی مختلف لرستان بودند در مرکز مقدّسی عادات و رسوم مذهبی واحدی را معمول می‌داشتند. در حال حاضرنیز گله‌چرانان لر، مانندا جدادشان گاهگاهی درمراکز مذهبی مقدسی (که اکنون اسلامی است) به‌زیارت می‌روند و شاید این یادگاری از عادات ورسوم قدیمی آنان باشد.

مقابلهٔ نتایج فوق، باتحقیقات علمی و بااطلاعاتی که از مطالعهٔ تصاویری که ساکنان قدیم لرستان از خود بجای گذاشته‌اند، بدست آمده دنیای عجیبی را به مامعرفی مینماید، که تااین تاریخ فقط اطلاع ناقصی از آن داشتیم.

قصد ما این نیست که هزاران شئی راکه در ناحیهٔ لرستان، در گورها یا عبادتگاهها پیدا شده، در اینجا دقیقاً مطالعه نماییم. یك نظر اجمالی روی عکسهای هر دسته از اشیاء مزبور، خصوصیات و تنوّع آنها را برای ما روشن میسازد، ولی آنچه که برای ما مهم

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

است این است که وارد جزئیات زندگی ملتی گردیم که بعلت کم بودن اطلاعات کتبی، نتوانسته ایم تاکنون آن طوری که باید از آن آگاهی یابیم. به این طریق خواهیم توانست راجع به آن ملت، نظر روشن تر و زنده تری کسب نماییم.

در این مطالعه، ابتدا به موضوعی برمی خوریم، که بی اهمیت نیست، و آن این است که تاکنون هیچ خانه مسکونی از کوه نشینان لرستان کشف نگردیده است. بنا بر این آنچه که ما از انسان ساکن در نواحی مزبور و امور مربوط به زندگی روزانه او میدانیم، کامل نیست. چون اطلاعات ما از زندگی ساکنان قدیم لرستان فقط از منابع غیر مستقیم بدست آمده است.

ولی از سوی دیگر تعداد اشیائی که در قبرها، همراه مردگان دفن کرده اند، مانند آلات و ابزار کار و اشیاء مربوط به زندگی در خانه و سلاح های جنگی و زینت آلات بقدری زیاد و متنوع است که کمبود اطلاعات دیگر ما را در این مورد جبران می کند.

ضمناً مطالعهٔ موضوع های مربوط به هر یك از اشیاء نیز این اطلاعات را کاملتر مینماید. در نتیجه این تحقیقات معلوم میشود، که انسان در آن زمان سرگرم زندگی در دنیای دیگر بوده و اعتقاد داشت که وسایل زندگی مورد احتیاج در این دنیا در جهان دیگر نیز مورد استفاده قرار خواهد گرفت. شاید بهمین دلیل باشد که هنر بنظر آنها تجلیلی از نیروهایی بوده است که بر زندگی و بر مرگ انسان

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

حکومت میکرده‌اند . نیروهائیکه دایماً باهم در ستیز بوده‌اند وانسان وآنچه راکه مربوط به او است ، درکنار موجودات فرضی و سحر انگیز بدنبال خود می‌کشانده‌اند.

بت که در واقع مظهر موجودبالاتر از انسان است، از این نظر اطلاعات دقیقی دراختیار ما می‌گذارد.

بهترین نمونه‌های بت ، برنزی مشبك آنهایی است ، که موضوع باستانی مربوط به داستانهای مذهبی بین‌النهرین ، یعنی قهرمانی راکه با دو حیوان درستیز است ، نشان میدهد.

این «بت» به‌صورت انسانی است ، که دوصورت روی یك سر دارد ، و فقط نیم‌تنهٔ بالای او مجسم شده ، و با دستهایش که در دو طرف گسترده‌شده ؛ دوحیوان را از گلو گرفته خفه‌می‌کند ، و حیوانها دهان خودرا بازکرده ، دندانهایشان را ظاهر ساخته‌اند . کمربندی که این انسان برکمردارد ، بدوسرخروس منتهی میشود. درقسمت پایین بدن او ، ران وساق پاهای حیوانات فرضی غریب و عجیبی مجسم شده ، که با او در ستیزاند .

یك میلهٔ برنزی ، از سوراخی که از بالای سرتا پای بت تعبیه شده ، عبور می‌نماید ؛ و آن را به پایهٔ بت ؛ که مانند فنجان برگشته‌ای است ، متصل می‌نماید.

این طور بنظر می‌رسد که این «بت» مظهر خدای عدالت ، موسوم به «سروش» است ، که چند سردارد ، و قسمتهای مختلف بدن

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

او که از حیوانات مختلف تشکیل یافته ؛ به‌شکل‌های مختلف متظاهر میشود.

داشتن چندین سر، که هرکدام دو صورت ، که یکی از مقابل و یکی درعقب ؛ دارند، باعث گردیده است ، که تعدادزیادی چشم‌های برجسته و گوشهای قوی، به این «بت» داده‌اند و این مطلب : که نشانه‌ای از قدرت بی‌پایان خداوند است ، مارا به یاد خدای مهر یا «میترا» می‌اندازد؛ که در «اوستا» در بارهٔ او گفته شده است : که هزار گوش و ده‌هزار چشم دارد.

بنابراین رب‌النوع «سروش» چیزی نظیر « میترا» بوده ، و پرستش او مربوط به‌پرستش «میترا» می‌شده:

سلاح جنگی او گرز است، که باآن با موجودات موذی. که دشمنان اهورمزدامی‌باشند ، به ستیز می‌پردازد:

پایه‌ای که این «بت» روی آن قرارداده‌می‌شود ، به شکل سر گرز است :

خروس مظهر و نشانهٔ این خدا است، و یکی از وظایف او این است، که باصدای خودپرستندگان را بیدار کند، تا به‌ادای تشریفات دینی بپردازند .

نام این خدا از «سروش» مشتق میگرددکه احتمالا بمعنای تنبیه است، و ارتباط باخدای عدالت (میترا) ؛ و «رشنو» دارد ودربارهٔ روح مردگان به هنگام عبور از روی پل «چینوت» داوری میکند .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

وی برعکس آنچه که تا کنون تصور میشد، رام‌کنندهٔ حیوانات ، یا سرور حیوانات نمی‌باشد ، بلکه پروردگاری است ،که در تـاریخ اساطیر ایران «مزدائی» قدیم؛ سهم مهمی را برعهده داشته است.

بنابر این در تجسّم این برنزهاهیچ‌نوع مراسم «شمنی» درنظر گرفته نشده است: بلکه از نظر ما قدیم‌ترین تصاویر دینی ایران را مینمایانندکه‌متعلق به‌زمانی هستندکه «یشت‌ها»یعنی کهن‌ترین قسمتهای اوستا شفاهاً به وجود آمدند:

شباهتی که‌ما میان این‌برنزها واصول دینی‌ایران‌کهن میبینیم، ما را در بارهٔ این اشیاء،که‌به تعداد زیاد در قبور مردگان‌پیدا شده، روشن مینماید، و نشان‌میدهدکه‌کلی‌یا جزیی‌با مراسم به‌خاك‌سپردن مردگان‌ارتباط داشته‌اند.

این هنرمندان فلزکار؛ برای پیداکردن رموز جدیدی، ازنظر تجسّم خدایان فوق، هوشمندی خودرا بکاربسته‌اند، و بااستفاده‌از فنون‌هنر برنزکاری مشبك‌دسته‌ای ازیك‌میلهٔ‌مفرغی بوجودآورده‌اند.

معمولا این میله‌هارا در دو قسمت میساختند، یکی سرمیله؛و دیگری تیغهٔ میلـه، و بعد آن دو قسمت را بـه هم جوش میدادند. مثلاگاهی تیغهٔ بلند میله از آهن، و سرآن از مفرغ‌بود. اینطوربنظر می‌رسدکه بیشتر این میله‌ها در قالبهای‌یك‌طرفه ریخته‌میشدند، وفقط از یك‌طرف نقش داربودند. احتمال داده‌میشود که تمام این میلـه‌ها

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

جنبهٔ نذری داشته‌اند، و برای همین منظور در کنار مردگان قرار داده شده‌اند. نقش رب‌النوع‌ها، که از شاخشان شناخته میشوند، گاهی جای خود را به درخت می‌دهند.

قابل توجه‌ترین این گروه میله‌ها را ذیلا مطالعه می‌نمائیم:

ابتدا به رب‌النوعی برمیخوریم، که هم زن است و هم مرد و پاهای خود را روی پایه‌ای قرار داده؛ که از قسمت قدامی دو خروس تشکیل شده؛ و دشمنان خود را از پایشان گرفته، و تشکیل گروهی را داده است که در اصطلاح علمی به «پوتنیاترون[۱]» یا «پروردگار حیوانات» معروف است، و این پروردگار حیوانات گاهی زن، و گاهی مرد است، و در هنر آسیای غربی، به دنبالهٔ سنن هنری بین‌النهرین؛ از هزاران سال پیش شناخته شده بود، و بعداً وارد سنن یونانی گردید.

در جای دیگر، خدای «سروش» را در مفرغ مجسم کرده‌اند، که درمیان حیواناتی قرار گرفته که از هر طرف او را به سوی خود می‌کشند.

در این تجسم «سروش» به صورت انسانی است، و لبهٔ قبای او با منگوله‌هایی زینت شده، و تاجی شبیه به آنچه که روی نقوش برجستهٔ تخت جمشید دیده می‌شود؛ و ظاهراً کلاه «مادی‌ها» است؛ برسر دارد. بعداً «پارسی‌ها» این کلاه را از «مادی‌ها» اقتباس کردند.

متا مطلب خود را با ذکر خصوصیات خدایی؛ که صورت حیوانی

۱- potnia theron

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دارد ؛ و روی مسندی نشسته است که از سر غـزالی ترکیب یافته ، پایان میدهیم :

میله‌های دیگری وجود دارد، که ساخت و موضوع آن‌ها با میله‌های فوق اختلاف دارند، و به زحمت میتوان آنها را تفسیر کرد.

در قاب مربعی، که از مارپیچ‌ها تشکیل‌شده ، و گاهی نیز به شکل تیغ ماهی، به صورت برجسته است، سرهای بزکوهی‌را روی یك‌یاچند محور به‌هم چسبانده، یا مقابل‌هم‌قرارداده‌اند.

دستهٔ دیگری‌از این اشیاء مجسمه‌های‌کوچکی از برنزند ، که که‌به‌صورت‌خدایانی هستند؛ که‌درمحلهای دیگری‌نیز شناخته‌شده‌اند، ولی در اینجا به آنها خصوصیات دیگری داده‌اندکه نشانهٔ نیروهای الهی‌است.

این پیکرها به صورت استوانه‌های تو خـالی هستند، و مانند «ژانوس» های ایرانی دوصورت‌ندارند:

لباس آنها همان لباس خداوند «سروش»است ، و دو خروس از شانه‌هایش‌سربرآورده‌اند ولی‌سروش خدای‌مذکر بود، درحالیکه اینها مجسمه‌های الههٔای هستند ، کـه با دو دست پستانهای خود را گرفته‌است. گاهی نیزاین‌نوع مجسمه‌هـا برهنه‌اند؛ و درآن صورت حالت « ونوس پرهیزکار » را به‌آنها داده‌اندگاهـی نیزکلاه هرمی شکلی‌بر سر گذاشته‌اند و در این صورت جنبهٔ الهی وی‌کمی‌نقصان یافته است:

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

نوع دیگر از میله‌های مفرغی، آنهایی هستند که به یك صفحه مدور منتهی میگردند و در مرکز صفحه، شکل سر انسان بصورت برجسته نشان داده شده. بیشتر این میله‌ها در میان درز و شکاف سنگهای عبادتگاهی در «سرخ‌دم» پیدا شده و گاهی نیز درداخل خود دیوار کشف گردیده‌اند. دانشمندانی که این اشیاء را در آن محل پیدا کرده‌اند، عقیده دارند، که آنها مانند ترکش‌ها و سپرها، بصورت نذر در آن عبادتگاه قرار داده شده بودند.

آقای گدار کشف این اشیاء را که بوسیله «آقای اشمیت» انجام گرفته، بدین طریق شرح میدهند:

«دراین محل عبادتگاهی پیدا شد که، دیوارهای آن باسنگهای تراشیده ساخته شده بود و در روی کف زمین این معبد، و درداخل درز سنگهای دیوار آن و حتی داخل دیوارها، تعداد زیادی اشیاء مفرغی پیداشد، که بعضی از آنها شناخته شده بودند؛ و بعضی دیگر برای اولین بار پیدا میشد و جالبترین آنها میله‌هائی بود که به صفحه مدوری منتهی میشد و روی آنها موضوع‌های دینی رسم شده بود و یا مجسمه‌های کوچکی بود از مرد یا زن و یا آینه‌های مفرغی، و مهرهای استوانه‌ای شکل ولی در میان این میله‌ها، نقش اسب یا چیزی که مربوط به آن باشد، پیدا نشد.»

علت این امر روشن است، چون آنچه که مربوط به اسب بود؛ مربوط به بخاك سپردن مردگان میگردید وطبعاً درون قبرها بود، در

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

حالیکه اشیاء عبادتگاه نذرهایی بود ، که اشخاصی به آن عبادتگاه آورده بودند تاخدایان، خواسته های آنان را انجام دهند. ممکن است بعضی از این اشیاء که ذیلا آنهارا مطالعه خواهیم کرد ازقبرهابیرون آمده باشد و بهمین طریق نیز ممکن است اشیایی که بدست مارسیده و گفته اند در قبرها پیدا شده ، چون نتیجه کاوشهای علمی نبوده ، از عبادتگاهها پیدا شده باشد، و فروشندگان ، حقیقت راکتمان کرده باشند، زیرا پیش از اینکه آقای «اشمیت» در «سرخ دم» مشغول کاوش شود، کاوش کنندگان بطور قاچاق در آنجا مشغول کار شده بودند. و تمام اشیایی که ازدست اشخاص متفرقه خریداری شده اند. چاپ و نشر نتایج کاوش هایی که در آن محل شده ، تاحدی این مطالب را روشن خواهد کرد.

ما تصور میکنیم تصویری که در مرکز این صفحه نقش شده « الهه مادر[1] » ملل « آسیایی» باشد که از آسیای صغیر تا شوش مورد پرستش بود. ممکن است این الهه کهن ؛ که مظهر آبادانی و بارداری بود، در این زمان بصورت الههٔ «اشی» خواهر خدای سروش در آمده باشد، و این همان الهه ایست که درقبرها نیز دیده شده . این فرض را دلایل دیگری نیز تأیید میکند. مثلا ماهی و اناری که اطراف این صفحه مدور نقش شده ، نیز از مظاهر این الهه میباشد :

گاهی الهه مزبور همراه با شیرها ، بزهای کوهی است که

۱- به تصویر شماره ۳ صفحه ۱۶۰ جلد اول این کتاب مراجعه شود.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آنها نیز مظاهر وی هستند. تمام زنانی که بخواهند باردار شوند، برای الهه، نذر می کنند و پس از انجام آرزویشان یا پیش از آن؛ تصویر آن الهه را در حالیکه نوزادی را بدنیا می آورد، روی میله ای که به صفحه مدوری منتهی میگردد؛ نصب کرده و در عبادتگاه قرار میدهند.

در میان اشیایی که بصورت نذر برای الههٔ « اشی » نثار شده، شکل دو شیر دیده میشود که یك سر دارند و تعجب در این است که این نقش، ضمن قرنهای متمادی، به حیات خود ادامه داده حتی در قرون وسطای اروپا نیز ظاهر گردیده است. در ابتدا، این نقش از یك تبر سرچشمه میگیرد. تیغه تبر دوسر، از دهان شیری خارج میشود که بدن دو نیم شده اش، دسته تبر را تشکیل میدهد. این طور به نظر میرسد که صفحه مدوری که هنرمند فلزکار لرستان روی آن این موضوع را نقش کرده، قدیم ترین اثر ایرانی مربوط به این موضوع باشد. این مدرك ذیقیمتی است که بما اجازه میدهد به اصل و منشاء مطالب؛ باکمال اطمینان دست یابیم

از طرف دیگر، روی همین صفحه مدور، برای نخستین بار در هنر ایران نمایش کوه دیده میشود. روی میلهٔ مفرغی دیگری، هنرمند این نقش را خلاصه کرده و از آن فقط سر دو شیر را حفظ کرده است. آقای «دوسو» تصور میکند که این نقش لانهٔ مارهاست، که مظهر زمینی است که مار بزرگ کوشش دارد به آن برسد. چون مار مظهر « میترا » نیز می باشد.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

پس از مطالعهٔ نقش خدایان، اینك به تحقیق در بارهٔ انسان در پیش خداوند میپردازیم.

هنرمند فلزکار لرستان، برای نشان دادن نقش انسان، غالباً او را در حال ستایش یا عبادت مجسّم کرده است. شاید همراه هر مرده‌ای مجسمه‌ای از خود او در حال ستایش در قبر قرار داده میشد و کار این مجسمه این بوده است که در برابر داور سختی که در اینجا خدای «سروش» است جواب گو باشد.

این موضوع در محیطی گسترش می‌یافت که مأخذ الهامش یك عالم فوق انسانی غریب و عجیب بود. در نتیجه یك سبك غریب بر نقشی که فاقد تناسب و تصور حجم بود پیوند شده است. این نقش را معمولا در کارگاههایی که در کنار گورستان‌ها بود از پیش میشناختند و در موقع لزوم از آنها استفاده می‌شد. بنابراین طبعاً نقوش مزبور نمی‌توانستند شباهتی با خود مردگان داشته باشند.

مجسمه برنزی کوچکی از ناحیهٔ لرستان بدست آمده که احتمالا چون در موقع ساختن خراب شده، آنرا بصورت ناتمام بدور انداخته‌اند. اتفاقاً به همین دلیل اطلاعات دقیقی راجع به هنر فلزکاری در آن زمان به‌ما میدهد. این مجسمه کوچك ناتمام از نظر موضوع ما را آگاه میسازد که قربانی گوسفند برای خدایان در میان ساکنان ناحیهٔ لرستان، در آن زمان معمول بوده است. زیرا این مجسمهٔ برنزی کوچك، گوسفندی را در بغل گرفته و برای قربانی می‌برد.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

علاوه‌بر این مجسمهٔ مزبور شب‌کلاهی برسرداردکه دارای سه چین است و شباهت به کلاهی پیدا می‌کندکه «مادی‌ها» در روی نقش تخت جمشید برسردارند.

بنابراین، این سئوال پیش میآیدکه آیاکلاه‌مادی‌ها از ساکنان لرستان اقتباس نشده است ؟ و آیا ساکنان ناحیهٔ لرستان مخلوطی از مادی‌ها و سیمری‌هابوده‌اند.؟

احتمالا زن‌هایی بوده‌اندکه هنگام انجام مراسم تدفین آنها را اجیر میکرده‌اند تا گریه و زاری‌کنند وموهای‌خودرا بکنند.زیرا دو مجسمه کوچك مفرغی نیز در میان این اشیاءوجوددارد‌که‌دوزن را درحال‌گریه وکندن موی خود نشان میدهد.

در ناحیهٔ لرستان، هنرمندان پیکرساز، به‌ساختن مجسمه‌های کوچك مفرغی حیوانات بیشتر از مجسمه های انسان علاقمند بوده‌اند .

این مجسمه‌ها به انواع مختلف هستند، و از نظر هنری‌نیز با هم اختلاف زیاد دارند، و چون تاریخ دقیق‌آنها بر ما معلوم‌نیست، هیچ دلیلی دردست نداریم، که‌بعضی‌از آنهارا مربوط به ابتدای‌هنر لرستان، و برخی را مربوط به انتهای آن بدانیم، و خوبی و بدی هریك از آنهارا، دلیل برپیشرفت یا تّوقف‌هنری نمی‌توان‌دانست.در قبرهای‌خوروین، تعدادی‌مجسمه‌های کوچك‌حیوانات‌پیداشد، که‌مانند «نظرقربانی» به‌گردن‌بند، یا دستبند یاکمربند، آویزان‌می‌شده‌اند .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

این سنت در ناحیهٔ لرستان نیز وجود داشته، زیرا صدها؛ وحتی هزاران نمونه از آن، در قبرها بدست آمده، که عده‌ای مربوط به حیوانات، و عده‌ای مربوط به مرغان می‌باشند.

ممکن است این حیوانات مظاهر خدایانی بوده باشند، و برای جلب حمایت آن خدایان این مجسمه‌های کوچك را به خود آویزان می‌کرده‌اند.

شاید هم این مجسمه‌های کوچك مربوط به حیواناتی بوده‌اند که انسان آنرا شکار می‌کرده، و تجسم آن باعث می‌شده، که شکار زیادتری بنماید.

احتمالا این مجسمه‌های کوچك مربوط به یکی از این دو موضوع بوده است.

در میان این مجسمه‌ها، تصویر حیوانات اهلی نیز دیده میشود، و احتمال دارد که تجسم آن برای این بوده است. که آنها را تحت حمایت خدایان قرار دهند.

این نوع تجسمات گاهی نیز روی اشیایی، که رابطه‌ای با دین نداشتند، دیده شده، مانند مهره‌ها، و آلات و ابزار کار، یا گردونه‌ها و اثاث منزل.

یك غزال مفرغی، میان اشیاء دیگر، توجّه را جلب می‌نماید. این مجسمهٔ کوچك، بجای این که مانند معمول ریخته شود، با چکش کوبیده شده، و قسمت‌های مختلف آن به هم پرچ شده است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

این پیکر دو بعدی، نشانه‌ای از ذوق هنری سازندهٔ آن است و از نظر سبك ساختمان آن، و خلاصه‌شدن، وهندسی‌شدن خطوط متشکله‌اش، با کارهای عصر حاضر رقابت می‌کند.

شکارچی لرستان با بزکوهی آشنایی دارد، و بهمین دلیل هنرمند، دقیق سعی کرده است، ترس حیوان، وواکنش سریع اورا، در مقابل صیّادباکمال مهارت مجسم نماید.

یك ردیف تجربیات فنی، برای نشان‌دادن چهار پایان به‌کار برده شده، مثلا در موردی، برای این‌که چهار پایی را روی سطح محدودی قرار دهند، با مهارت خاصی پاهای او را به‌هم نزدیك کرده‌اندو مطالعهٔ این موضوع ما را به‌این نتیجه می‌رساندکه‌عقیدهٔ آنهائی راکه معتقدندروش کاربرنزکاران‌لرستان تقلیدی ازسبك کار معمول در مراتع شمال شرقی است‌ردکنیم. در واقع موضوع این مجسمه‌های کوچك ممکن است درهردومحل مستقلا به نظرهنرمندان رسیده‌باشد وعلت این‌انتخاب‌روشن‌است. ازیك‌طرف‌فنی بوده و از طرف‌دیگراز طبیعت‌تقلیدشده‌است! ولی‌درموردموجودات‌چندعنصری، که‌مثلا از قسمت‌قدامی‌دوحیوان تشکیل‌شده‌اند، نمیتوان گفت‌که‌این موجودات‌زائیدهٔ فکرساکنان لرستان‌اند، زیرانظایرآن درقارهٔ‌اروپا و درقفقاز و حتی در نواحی شرقی هندوستان یعنی «موهنجودارو» نیز دیده شده است.

با‌این‌حال، باید وجود این حیوانات فرضی، دوعنصری را،

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بصورت پیش‌قراول سرستونهای دوعنصری‌دوران هخامنشی‌دانست.

این سر ستونها به‌این‌طریق وارد اصول معمـاری شاهنشاهی ایران شدنـد و سپس‌از آنجا به نقاط دیگری ، مـانند هنـدوستان در مشرق وجزایراژه در مغرب گردیدند. درصورتی‌کـه چنین فرضی را قبول‌کنیم ، فرض‌قبلی ، که‌طبق آن‌عقیده‌داشتندسر ستونهای‌دوعنصری از مهرهای دوران (پروتوایلامی) گرفته شده‌انـد، باطل میگـردد . اگراین برنزهای را یك‌یك‌با دقت ملاحظه کنیم ؛ احتمال داردکه‌به مرکز الهام‌هنرمندانی ، که‌از میان‌گله‌داران‌مادو (سیمری) بیرون‌آمده و درکوههای‌لرستان مستقرگردیده‌بودند ، پی‌ببریم. نفوذبابل‌وآشور ، و خصوصاً (اورارتو) در این هنر قابل‌انکار نیست .

چیزتازه‌ای‌که درآن دیده میشود ، این‌است که‌حدقهٔ‌چشم را با یك خط‌افقی‌ازمیان‌دونیم می‌کنند. این‌روش مربوط به هنر(اورارتو) است و مخصوص لرستان نیست. سلاح‌ها وزینت‌های مربوط‌به‌زین وبرگ اسب ؛ که درگورستان‌ها وعبادتگاه‌هـای لرستان پیدا شده همیشه در زندگی‌عادی مورد استفاده قرار می‌گرفته است .یك عده از آنها ، به‌عنوان نذر در عبادتگاه‌هاقرار داده‌شده‌و عده‌ای‌دیگررا درقبرهای مردگان‌می‌گذاشتند ، وتصورمی‌کردندمورد استفادهٔ آنها دردنیای‌دیگرقرار خواهدگرفت .

قابل‌توجّه‌ترین این نوع‌اشیاء مجسمه‌های‌کوچك اسب‌تك ، یا جفت ، برای بستن‌به‌گردونه‌است که‌بصورت‌نشانه‌ای از اسبهای‌واقعی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

درقبرها قرار میگرفت.

همان‌طوری که در ایام پیش‌از تاریخ معمول بود، در این ایام نیز مجسمهٔ اسب، نشانهٔ «مرگ» یانماینده او بود؛ که مرده را به دنیای دیگر می‌برد.

پیشتر دیدیم که «سیت‌ها»، یاسکاها، و تمام مللی که با آنها قرابت داشتند، مردگان خود را با اسبها به‌خاك می‌سپردند. در یکی ازقبرهای حسنلو نیز اسب با مرده بخاك سپرده شده‌است. ولی احتمال داردکه در نقاط دیگری نظیراین قبرها پیدا شود.

ساکنان لرستان اسب را با مردگان، دفن نمی‌کردند، ولی به‌جای اسب نشانه‌ای ازآن، یعنی لگام اسب را از مفرغ می‌ساختند و در زیرسرمرده قرار میدادند و به همین‌دلیل دهقانانی که اکنون آن لگام‌ها را درقبرها پیدا میکنند، آنرا «زیرسری» می‌نامند و این دهانه‌ها به «زیرسری» معروف شده‌اند.

با قراردادن این لگام‌ها در زیرسرمردگان، ورود روح آنان را به دنیای جاودانی تأمین می‌کردند و به این طریق دیگر احتیاجی به تدفین اسب آنها نبود.

تعداد زیادی از این «زیرسری»ها پیدا شده، وکاملا معلوم است که هیچ یك از آنها به‌کار برده نشده‌اند و نشانهٔ سائیدگی؛ که درنتیجهٔ فشار دندان روی آب خوری، دهانه ایجاد میشود، درآنها دیده نشده است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

یکی از نمونه‌های جالب‌توجه، دهانهٔ بزرگی است، که بیش از دوکیلوگرم وزن دارد؛ و گوزنی را نشان می‌دهد، که به گردنش نوارهایی بسته شده.

میله‌مرکزی آن یك قطعه، و از نوع دهانه‌های سه سوراخی است؛ که درقبرهای سیلك و حسنلو نیز دیده می‌شود. آشوریها نیز این‌نوع دهانه را، از قرن نهم پیش‌از میلادبکارمی‌بردند.

مطالعهٔ این زیرسری‌ها، از نظرسبك هنری، و موضوع‌مجسم شدهٔ آنها؛ نشان می‌دهدکه بیشتر آنها اسب را تجسم نموده‌اند، و گاهی انسان نیز مجسم‌شده، و نفوذهای‌هنری خارجی؛ باسنن‌محلی باهم درآمیخته‌اند، ولی قدرت سنن محلی زیادتر از نفوذ خارجی است.

نمونه‌های مهم این «زیرسری»ها دارای خصوصیات زیراند: یك زیرسری ازمجموعهٔ «گدار»، به‌صورت (x) در محل، وتحت نفوذهنر خارجی، ساخته شده؛ وسراسبی از نوع‌اسبهای «سکاها» را نشان میدهد.

نمونهٔ دیگری، ترکیبی از شکل حیوانات را؛ با روحیهٔ هنرمندان «سکائی» بوجودآورده.

نقش ترکیبی از حیوانات؛ از قرنها پیش‌معمول بوده، ولی در این‌مورد معانی جدیدی به خودگرفته؛ و به موضوع‌های دینی مربوط گشته‌است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شاید هم این موضوع‌های جدید ارتباط با موضوع‌های اساطیری یا رزمی ملت جدیدی داشته باشد، که از نظر نژادی با آنهایی که قبلا در همان محل سکونت داشته‌اند، اختلاف داشته‌اند.

بهر حال زیرسری‌های لرستان، زائیدهٔ افکار هنری مردمان گله‌دار است.

یکی از خصوصیات هنر محلی این ناحیه، این است، که برنقش روی این «زیرسری» ها که به شکل اسب‌اند، بالی می‌چسباندند و آنرا بصورت حیوانی خیالی در می‌آورند، وضمناً «زیرسری» بصورت قسمت قدامی دو حیوان که بعدها، درزمان هخامنشی، برای ساختن سرستونها مورد تقلید قرار گرفت، نیز جزو همین دسته می‌باشد.

در میان اشیاء مربوط به زینت زین و برگ اسب، باید زنگوله‌هایی راکه به گردن اسب‌ها آویزان می‌کردند نام برد (این زنگوله‌ها در میان اشیاء هنری سیلك نیز دیده شده).

زنگوله‌های مزبور به شکل یك حیوان یا یك میوهٔ خوراکی، که نشانه‌ای از بارآوری بوده است، ساخته می‌شده. در این زمان نیز گردو نه مورد استفادهٔ مردم بوده است، ومال‌بند آن با نقوش ظریفی تزیین می‌شده.

سر مال‌بند به شکل موجودات وحشتناکی است، که در دل دشمن ترس می‌انداخت و در طرفین، پرنده‌ای قرار گرفته‌اند، که نقش آن روی ظروف گلی سیلك نیز دیده می‌شود.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

روی دوحلقه‌ای که به‌مال‌بند متصل‌است، و افسارِ اسبها از آن می‌گذرد، موضوع‌های مربوط به هنر بین‌النهرین و آشور نقش‌شده.

موضوع تسلیم شهرها و موضوع انتقال قدرت از خدا به پادشاه نیز، روی این اشیاء دیده شده‌است و این، هر دوموضوع مربوط به امور جنگجویی و رزم‌آوری است و در مقابل، موضوع‌های دیگری نیز هست که فقط جنبهٔ تزیینی و قرینه‌سازی در آن‌ها در نظر گرفته شده است.

هنرمندان لرستان سعی کرده‌اند بیشتر به جنبهٔ تزیینی این نقوش توجه‌داشته‌باشند؛ واین مطلب در تزیین حلقه‌هایی که افسار حیوان از آن‌عبور می‌کند؛ و درروی سینهٔ اسب به‌هم متصل می‌شود، به حداعلی رعایت شده است. طریق مصرف یکی از اشیاء برنزی برای ما نامعلوم است ولی این‌طور بنظرمی‌رسدکه موضوع آن مربوط به‌یکی از امور رزمی می‌باشد؟. به‌هرحال نظیر آن در هنر لرستان دیده‌نشده، و از حیث ترکیب اشکال بسیار قابل‌توجه است. بایدچندکلمه‌از تبرهایی که درقبرها پیداشده صحبت کنیم.

چون‌تعداد آنها زیاداست مشکل است بتوانیم بگوئیم که فقط جنبهٔ تشریفاتی داشته‌اند.

تصورمی‌رود این تبرها را به‌صورت نشانه‌درقبرها قرارداده‌اند، تا معناً آن‌طوری که آنها معتقدبودند؛ مورداستفاده‌مردگان، دردنیای دیگر قرارگیرند.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

این تبرها از نظر شکل، مخصوص به هنر لرستان نیستند. زیرا پیش از آنها در نقاط دیگر نظایر آن دیده شده است.

در آسیا، در هزارهٔ سوم پیش از میلاد، تبرهایی مانند تبرهای مورد بحث ساخته می شد و آنهایی که تیغه هایشان از دهان حیوان خارج میشود، از اواسط هزارهٔ دوم پیش از میلاد در همان ناحیه شناخته شده بوده اند.

علاوه بر این اشکال، هنرمندان چوپان، شکلهای دیگری به وجود آوردند، که دنیای جدیدی را نشان می دهند و بیشتر نقوش آن ها نشانه هایی از معانی خاصی است، که بیشتر با امور مذهبی در امر به خاك سپردن مردگان ارتباط دارد. بطور کلی دستهٔ تبر از دو طرف باز است، فقط در یك مورد یك طرف آن به وسیلهٔ نقش سر شیری بسته شده، و نقش شیر مزبور با مهارت مجسم گردیده است.

در میان نقوش تیغه و دستهٔ تبر، تعادلی برقرار است و غالباً روی تیغه، نقش زیاد وجود ندارد ولی دستهٔ آن تزیینات زیاد دارد.

مثلاً گاهی روی تیغهٔ تبر فقط نقش مختصری به صورت اشکال هندسی دیده می شود؛ در حالیکه دستهٔ آن بشکل سر حیوانات است و گاهی بجای سر حیوانات؛ سر انسان با کلاه «مادی» مجسم گردیده است.

جالب توجه ترین این تبرها آن است، که کمانداری را، که کلاه «مادی» برسر دارد، و درحال کشیدن کمان است، نشان می دهد.

دو ردیف برآمدگی، به صورت میخ، روی دستهٔ این تبر دیده

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

میشود، و تیغهٔ آن نسبت به دسته‌اش بازاویهٔ مستقیم طوری ساخته شده، که استفاده عملی آن را برای زدوخورد، غیرممکن می‌سازد. بنابراین باید تصور کرد که این تبر فقط جنبهٔ تشریفاتی داشته است.

روی دسته یکی از این تبرها دو سر شیر مجسم شده، و از دهان آن شیرها دسته و تیغهٔ تبر بیرون می آیند.

روی دستهٔ تبر دیگری شخصی نشان داده شده، که بر اسبی سوار است، و به اسب دم پرنده داده شده است، و تمام این موضوع نشانه‌ای از تصوری است، که بصورت «سمبل» مجسم گردیده است.

روی دستهٔ یك تبر دوسر، شکل انسانی نقش شده، که آن را به تیغهٔ تبر وصل میکند؛ و تبر دیگری دارای دو سوراخ بزرگ است، و به تبرهای شبکه‌دار سوریه شباهت پیدا می کند. این هر دو تبر نشانهٔ قدرت و حکومت‌اند. تبرها بیشتر جنبهٔ تشریفاتی داشته‌اند، ولی دشنه‌ها و خنجرها و شمشیرها در واقع سلاح‌هایی بوده‌اند، که به کار برده میشدند. خنجرهائی که بیشتر در این قبرها دیده میشود، آنهایی هستند که روی دسته‌هایشان خالی شده، و در قسمت خالی شده، قطعاتی از عاج، یا استخوان، یا چوب، مزین به نقوش مختلف، قرارداده شده است، و روی تیغهٔ آنها نیز نقوشی کنده شده. غالباً، دستهٔ این خنجرها به شکل هلال است، و یا به صورت مجسمه‌های کوچك مجسم شده و یا نقوشی مربوط به رزم آوران در روی آن نقش شده است. در میان این نوع اخیر، خنجری دیده شد، که احتمالا متعلق به امیر بزرگی بوده است؛

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

زیرا دسته آن ازنقره ساخته‌شده است، و نقوش بسیار زیبایی روی آن کنده‌شده. خنجر دیگری از آهن ساخته‌شده و تیغهٔ آن چکشی شده و دستهٔ آن نقوش زیبایی دارد. سردستهٔ این خنجر بصورت هلالی است که در دو طرف آن دو سر انسان و یا دو سر شیر مجسم شده است. گرزهای برنزی ابتدا به‌شکل ساده‌ای هستند و دستهٔ لوله‌ای شکلی دارند، و روی آن دسته هنرمندان نقوشی به وجود آورده‌اند. دستهٔ چاقو یا خنجر تیزکن نیز باسلاح‌های دیگر رابطهٔ مستقیم دارد و برنزکاران لرستان روی دستهٔ آن نقوش زیبایی، از تصویر حیوانات به‌وجود آورده‌اند. بعضی از این اشیاء بسیار ظریف‌اند و دستهٔ عده‌ای از آنها از شاخ گوزن است. که به‌صورت حلقهٔ بزرگی در بالای سر حیوان مجسم شده، واحتمال دارد که برای مصرف عادی به‌کار رفته‌اند. این طور تصور میشود که بیشتر سپرهای نذری لرستان، در عبادتگاه «سرخ‌دم» کشف گردیده. در این صورت باید متذکر شویم؛ که میان مردم (اورارتو) چنین رسم بوده، که سپرهای خود را به‌دیوار عبادتگاه آویزان میکردند. روی یکی از نقوش برجستهٔ شهر نینوا دیده میشود، که تعداد زیادی سپر روی دیوار نمای معبد (موزازیر) آویزان است و این معبد مرکز بزرگ مذهبی مربوط به خدای (حلدی) درمغرب دریاچهٔ ارومیه بوده. این عبادتگاه را سربازان (سارگن) دوم پادشاه آشور درسال ۷۱۴ پیش از میلاد غارت کردند، و در گزارش این غارت که به وسیلهٔ کاتبان آشوری نوشته شده،

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

صحبت ازشش (سپرزرین)و دوازده سپر بزرگ سیمین‌است، که در طرف‌راست‌وچپ خانهٔ خدای (حلدی) آویزان‌بودند و مانند قرص خورشیدمیدرخشیدند ، و روی‌هریك از آنها نقش‌سگی ،که دهانش رابازکرده بود ودندانهایش رانشان‌میداد و سر اژدها و شیر و گاو وحشی‌مجسم شده بود .

در لرستان سپرهایی که‌درقسمت مرکزی آنها، تصویرحیوانی باشد دیده نشده .

چنین‌تصورمی‌رودکه منظور از قراردادن شکل سرانسان در روی قسمت‌برآمدهٔ مرکزی سپر دورکردن ارواح خبیثه بوده، ایجاد چنین‌نقوشی‌روی‌سپر خیلی محتمل‌است‌که ازابتکارات ایرانی‌بوده باشد .

زیرابدون شك ترکیب نقوش آن، از صفحات مدورمربوط به‌میله‌های برنزی لرستان اقتباس شده‌است.

اگر به این مطلب‌توجه‌شودکه‌ممکن‌است ایرانیها زمانی‌مانند اعضای یك خانواده بوده‌باشند ارزش چنین نقشی بالا میرود ؛ زیرا ما را بـه سوی اصل و منشأ تاریخ هنرهـای مغرب زمین راهنمائی می‌کند.

در واقع سپرگرد بانقش برجسته‌ای در قسمت مرکزی آن ؛ اختراع یونانیهانیست ودر مشرق‌زمین به‌وجود آمده‌است‌و دریونان برای‌نخستین بار در اواخر قـرن هشتم پیش از میلاد روی یك طرف

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

سفالین منقوش دیده‌شده .

درناحیهٔ «اورارتو» همین‌نوع سپر که‌قسمت مرکزی و برآمدهٔ آن به‌شکل سر حیوان‌است، پیدا شده‌است .

تنها نقطه‌ای که‌در آن سپرهایی باقسمت‌مرکزی‌برآمده‌بشکل‌سر انسان بوجودآورده‌باشند، ناحیهٔ لرستان‌است. در آنجاپیش ازاین‌که سازندگان‌سلاح‌های‌جنگی یونان و رم‌به‌آن آشنایی پیداکنند؛ این نوع سپرهاساخته میشد.

تعدادی‌اشیاءبرنزی نیز ازناحیه لرستان بدست‌آمده‌که‌مصرف واقعی آنهاکاملا معلوم نیست . این اشیاء بصورت نوارهای خم شده‌ای هستند ،که در طرفین آنها سوراخ‌هایی برای الصاق آنها احتمالا به‌پشت سپربوده است. ممکن‌است‌اینها دسته‌هایی بوده‌اندکه از داخل به‌سپر الصاق‌میشده‌اند تابازوی رزم‌آوران‌ازآن عبورکند و بتواند با اطمینان بیشتری حلقهٔ مرکزی‌سپررا بر دست‌گیرند. نظایر این‌اشیاء در ناحیهٔ المپ، دریونان نیز پیداشده وقدیمیترین آنها از قرن‌هفتم‌پیش ازمیلاداست. موضوعی که‌روی‌این‌اشیاءنقش‌شده‌همان است‌که تاکنون‌نظایر آنهارادیده‌ایم .

صفحه‌های برنزی‌که در «سرخ‌دم»پیداشده‌اند، از حیث‌نقوش بسیارقابل‌توجه‌اند. این‌صفحه‌هادرطرفین‌ترکش‌چرمی‌یاچوبی الصاق می‌شده‌و ماآنهاراجزءدسته‌اشیاءنذری برای‌عبادتگاه‌قرارمیدهیم[1] .

۱- به‌تصویرشماره ٤ صفحه ۱٦۱ جلد اول این‌کتاب نگاه‌کنید .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

یکی از این صفحات که سابقاً به ترکش الصاق بوده و امروز در موزهٔ «متروپولیتن» درنیویورك محفوظ است، بیشتر توجه را جلب مینماید. ماهم «یعنی آقای گیرشمن» مانند آقای «دوسو» عقیده داریم که موضوع نقش این ترکش مربوط به روز قیامت در دین ایرانی پیش از زرتشت است. آقای «دومزیل» و عده‌ای دیگر از دانشمندان عقیده دارند که اشیاء برنزی لرستان متعلق به «کاسیت‌ها» می‌باشد که خدایانشان با خدایان آریائی هندوستان، مانند «سوریا» و ماروتا شباهت دارند. بنابراین، به عقیده وی باید مآخذ هنرهای آنها را در میان اقوام هندی جستجو کرد؛ در صورتیکه این عقیده را بپذیریم؛ می‌توانیم قبول کنیم که سومین مجلس این نقش، خدایان «واروتا» و میترا و چهارمین آن «ایندرا» یا «رودرا» یا «پرجیاتا» یعنی خدایان طوفان را نشان میدهد.

هر نقدی باید بر پایه و اساس محکمی استوار باشد و ما نمیتوانیم بجای تفسیرهای فوق چیزی دیگر بیاوریم. فقط متذکر میشویم که تاریخی که برای مفرغ‌های لرستان داده شده مانع از اینست که آنها را به کاسی نسبت دهیم، و این مطلب اشکال مهمی ایجاد مینماید و ما نمی‌توانیم بدون احتیاط، فرضی را قبول کنیم که بنابر آن علم الادیان ایرانیان را بنا بر کتاب مقدس آریایی‌های هند ترتیب می‌دهند. مطالعهٔ اجمالی هنر دوران پیش از تاریخ ایران، آنطوریکه اشاره شد طبعاً قسمت مهمی از مسایل را در تاریکی باقی میگذارد و یکی از این

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

مسایل مشخص نمودن شرایطی است که در آن هنر مفرغ کاری در قرن هشتم پیش از میلادتا این اندازه پیشرفت کرده است .

هیچ تمدنی -جز تمدن «اتروسک‌ها» تا این اندازه اشیاء فلزی به وجود نیاورده است.

نه تنها تعداد این اشیاء زیاد است بلکه شکلهای آنها نیز بسیار متنوع است و موضوع نقوش آنها نیز هریك با دیگری اختلاف دارد و به‌طریق دیگری نقش شده است.

اتفاقاً ناحیهٔ لرستان یکی از آن نواحی است که سابقه هنری قدیمی ندارد و در ایام کهن، چیزی در آن وجود نداشته که از آن بتوان نتیجه گرفت که روزگاری هنر مفرغ کاری آن تا این اندازه ترقی کرده است.

این صنعت در محلی نشو و نما کرده است که زیاد سهل‌العبور نیست و هیچ وقت در زندگی سیاسی و اقتصادی و هنری فلات ایران سهم بزرگی نداشته است.

بنابراین چند عنصر باعث این هنر گردیده است. یکی از آنها ورود مردمی است که از نظر نژاد با ساکنان پیش از آنها اختلاف داشته‌اند. ولی این کافی نیست زیرا بهرحال لازم بود که تازه واردان محیط مناسبی برای فعالیت هنری خود بیابند.

شاید شرایط سیاسی آن زمان باعث شده که راه تجارتی میان ایلام و شمال فلات ایران تغییر کرد و هنگامیکه این راه از دره‌های واقع درمیان جبال مغرب ایران گذشت، روابط میان ناحیهٔ لرستان و «ماد»

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بامراکز ایلامی نزدیك‌شد. دراین موقع قدرت ایلام‌رو بزوال بودکمی بعد بکلی منقرض‌شد بنابراین اثر هنرش روی‌لرستان‌خیلی‌شدیدنیست. و همچنین دربارهٔ‌تأثیر هنرآشورو بابل نیز نمیتوان مبالغه‌کرد. و نیز نمیتوان‌کاملامنکراین تأثیرشد ، ولی با این حال هنرفلزکاری ایران سبك‌مخصوصی‌داردکه باعث حفظ استقلال‌آن‌گردیده‌است[۱] .

این‌جمع‌نظرهادریك‌جا، به‌خواننده‌علاقمندبه‌مطالعه‌آثارمفرغی این فرصت رامیدهدکه‌نظرهاراخیلی بهم‌نزدیك یا منطبق بهم بیابد.تا اینجاآنچه بدست‌میدهد، برداشتهای واحدی‌درزمینه‌های‌مختلف ویا احیاناً اعلام‌نظرهای تازه‌ای در مورد مفرغ‌ها است . مبنای‌بررسی بر ارائه و اظهارنظرهایی است‌که ازشادروان «گدار» بجای ماند و سایرنظرات‌درمحدوده همان است. بندرت نکات اجمالی‌تازه‌ارائه شده‌ای‌ازجانب دیگردانشمندان‌مشاهده‌میشود. آخرین قسمت‌این‌فصل ترجمهٔ سه مقاله پی درپی ازآقای « ژان‌پل[۲] باربیه » است‌که درباره مفرغهای‌لرستان‌که‌درموزه‌تاریخ و هنر ژنونگهداری میشوند، نوشته شده‌است[۳] ، که‌ترجمهٔ‌آن چنین است :

۱ـهنر ایران تألیف دکترگیرشمن‌ترجمه‌آقای دکترعیسی‌بهنام: گزیده‌ای از قسمت‌دوم،سیرهاوهنرلرستان.

۲ـJean paul Barbier

۳ـبه‌نقل‌ازشماره اول اکتبر۱۹۵۷تاسه شماره روزنامه تریبیون دوژنو . این سه نوشته راجناب آقای جلال ستاری دراختیارنگارنده قراردادندکه ازلطف ایشان‌صمیمانه‌متشکرم.ضمناًآقای م ـ میرزایان‌آنرابه‌فارسی برگردانده‌اند.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ناحیه ناشناخته هنرخاورمیانه
مفرغهای لرستان

موزه تاریخ ژنو، مجموعهٔ بسیار با ارزشی از اشیـاء مفرغی لرستان را در اختیار دارد که مدتی است در چندو یترین بنحو بسیار خوبی بنمایش گذاشته است.

متأسفانه چنین بنظر می‌رسد که تماشاگران موزه، استقبال چندانی از این مجموعه نفیس نمی‌نمایند و بسوی اشیاء دیگری که از نظر حجم بزرگتر ولی از نقطه نظر هنری کم ارزش‌ترند، کشیده میشوند. پس علیرغم سردی و بی‌تفاوتی شیفتگان اشیـاء عتیقه که اغلب هنـوز به این اشیاء گرانبهای هنری بی‌تـوجهنـد ضروری بنظر میرسد که این هنـر ظریف و اصیل لرستان، مورد مطالعه قرار گیرد و دربارهٔ آن بحث و گفتگو نمائیم.

جامعهٔ کوه نشینان سرکش

تمامی اشیاء مفرغی این مجموعه [مفرغهای موزه ژنو] از ناحیهٔ لرستان ایران، منطقه کوهستانی و صعب العبور سلسله جبال زاگرس که در حدفاصل ایران و دشت‌های بین النهرین واقع است، بدست آمده‌اند.

در این سرزمین حادثه آفرین؛ هم اکنون طوایف لر، زندگی میکنند. اینان مردمانی بیابانگردند که زمستانها به دره‌ها سرازیر مـی‌شوند و تابستانها به ارتفاعات، سعود کرده و گله‌های خود را به مراتع سرسبز

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کوهستان به‌چرا میبرند.

لرها مردمی سرکش، سخت‌کوش و دیرآشنا هستند. اولین هیأت باستان‌شناس در سال ۱۹۳۴ از طرف دولت ایران مأمور کاوش و حفاریهای باستان‌شناسی در این منطقه شد و بعلت ناامنی‌های منطقه مجبور شدند از دولت، درخواست کمك و حمایت نمایند.

خشونت و عدم مهمان‌نوازی و پذیرا نبودن مردم این سرزمین موضوع تازه‌ای نبود[۱]؛ چه؛ بهنگام قدرت امپراطوری‌های سومریان و بابلیان نیز از ساکنان آن زمان لرستان که از حکومت سومریان و بابلیان ناراضی بودند، از ترس اینکه مبادا کوهستان زاگرس بدست امپراطوریها بیفتد و مجبور به اطاعت از این امپراطوریها نگردند؛ بارها به لشکریان آنها یورش بردند و به آنان شبیخون زدند و حتی گاه از کوهستان بزیر آمده و به اعماق دره‌ها پناه بردند تا حملات دشمن را خنثی نمایند.

در آغاز، کوتیان، سرزمین «اکد» را ویران ساختند و آنگاه پس از چند قرن، یعنی در اواسط هزارهٔ دوم قبل از میلاد، کاسیت‌ها بابلیان را از تخت بزیر کشیده و خود بر اریکه نخستین سلسلهٔ بابلیان که معروفترین و نامدارترین امپراطوری آن حمورابی است، تکیه زدند. کاسیت‌ها تقریباً

۱ـ لرها مردمی مهمان‌نواز، پاکدل و صادقند. ولی موقعیت‌های زمانی در هرجا موجب سودجوئی عده‌ای آشوبگر و بد نهاد میشود که نمی‌توان موردی برای داوری برای کلیه مردم یك سرزمین یا یك ملت باشد. این هم از مواردی است که بعلت کمی آگاهی خاورشناسان، به اشتباه داوری می‌کند. زیرا زمان توقف آنان کوتاه بوده و طبعاً داوریشان نیز درست نیست. قطعاً آقای باربیه از مقاله دیگری رونویس کرده و غائبانه شهادت میدهد ـ مؤلف.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تااواخر هزارهٔ قبل از میلاد مسیح بر بابل حکومت کردند.

برخی از صاحب نظران باستان شناس، عقیده دارند که قوم کاسیت سازنده اصلی اشیاء مفرغی لرستان و نیز بنیانگزار هنر مفرغ سازی در این سرزمین هستند. لکن آنچه به یقین میتوان اظهار کرد این است که قوم کاسیت ساکن کوهستان زاگرس بوده است. یونانیها کاسیت ها را کوسن مینامیدند و مفرغها را به آنان نسبت میدهند و آشوریها آنان را «کاششو» میگفتند. (رجوع شود به استرابون، جلد دوم بخش دوم صفحهٔ ۴۵۱)

سازندگان اشیاء مفرغی چه کسانی بودند؟

آقای «گدار» رئیس حفاری لرستان، که از طرف دولت ایران مأمور کاوش در این منطقه شده بود؛ عقیده داشت، در اواخر هزارهٔ قبل از میلاد که کاسیت ها از بین النهرین رانده شده و به سرزمین آباء و اجدادی خود مراجعت کردند، این اشیاء مفرغی را ساخته اند.

این نظریه چندان صحیح بنظر نمیرسد. چه، کاسیت ها در مدت اقامت خود در بابل؛ در آداب و رسوم و سنن و اعتقادات مردمان این سرزمین؛ تحلیل رفتند. ثانیاً در مدت اقامت خود در بابل هرگز اشیاء مشابه آنچه در لرستان بدست آمده نساخته اند.

بنابراین فکر، که فاتحان مخلوع پس از بازگشت به سرزمین اجدادی خود، تمام ظرایف زندگی بابلیان را فراموش کرده و بلافاصله اشیایی ساختند که هیچگاه در زندگی پیشین آنها نمونه و اثری از این

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اشیاء بدست نیامده، کاملا نادرست است.

پس منطقی است. بیندیشیم که این کوه‌نشینان، یعنی بازماندگان کاسیت‌ها، تحت‌تأثیر نفوذ همسایگان بین‌النهرین خود قرار گرفته. برخی از آداب و رسوم و اعتقادات آنها را نپذیرفتند. با همین منطق و اندیشه، میتوان در اشیاء ساخت لرها، نشانه‌های کهن و استعارات باستانی سومریان را که آمیخته با دیگر ظرایف و ریزه‌کاریها بوده و در نتیجه این اشیاء را به یقین غیر قابل شناسائی مینماید؛ باز شناخت. همچنین با قبول این نظریه میتوان چنین نتیجه گرفت که این اشیاء که تنها جنبهٔ تزیینی مطلق دارد، نه استعاری و یا کیفیتی که فکری را دارا باشد، بتوسط بازماندگان لرها ساخته شده است.

کشف هنری که از یاد رفته بود

از سال ۱۹۱۴ ببعد، یعنی پس از جنگ جهانی اول، نخستین نمونه هنر غنی و پربار لرستان، به بازار اروپا عرضه شد. این اثر، تندیس یکی از اساطیر باستانی، یعنی گیل گمش بود، که بر دوش خود دو جانور داشت (نمونه‌های بسیاری از این تندیس‌ها در قفسه‌های سالن اشیاء لرستان در موزهٔ ژنو موجود است.)

این تندیس بعنوان یک نمونه هنری، متعلق به آسیای صغیر، به موزه لوور پاریس فروخته شد. در حقیقت در آنزمان کسی نمیدانست که این تندیس متعلق به کدام سرزمین است.

تنها برخی از علائم و نشانه‌ها، موجب میشد، آنها را به سکاها و

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دیگر اقوام سیبری قدیم نسبت دهند . همین علائم موجب شد در آسیای صغیری بودن این اشیاء تردید شود.

این معما در تابستان ۱۹۲۸ حل شد. در این سال یکی از کشاورزان لر که زمین را شخم میزد، قبری یافت و از درون آن اشیاء بسیاری بدست آورد. این اشیاء را به نزدیکترین قصبه، یعنی «هرسین[۱]» برده نا گهان عتیقه فروشان تهران و بغداد مانند مور وملخ برای تاراج این اشیاء به لرستان سرازیر شدند و طمع روستاییان لر نیز بجوش آمد و به جستجو و حفاری و چپاول قبور پرداختند. بعلت آنکه این قبور یکسان و مشابه بودند، بومیان در اندك مدتی به شناسائی و بعد حفاری میپرداختند و این اشیاء گرانبها و پر ارزش را به یغما میبردند .

قبور حفر شده، عموماً در بلندی دره، مجاور ت چشمه های آب و کنار تپه هایی که محل اطراق طوایف بهنگام ییلاق و قشلاق بود، قرار داشت .

تاکنون در دشت اثری از قبرهای یك دهکده و یا احتمالا شهری که نمایانگر اسکان دسته جمعی لرها باشد بدست نیامده است. و کمتر هم در این باره مطالعه و کاوش در دشتها شده است. و همین امر ما را امیدوار می کند که اگر در دشت و اقامتگاه های زمستانی آنان کاوشی شود، شاید موفق به کشف کوره های ذوب فلز و وسایل ساخت اشیاء مفرغی که امروز توجه باستان شناسان جهان را بخود معطوف داشته، نماید.

در پی ظهور و کشف این آثار هنری ، پرسشهائی افکار

۱ـ ظاهراً این مفرغ از دلفان بدست آمده و به هرسین برده شده است. دلفان اصولا یکی از مناطق مهم باستانی ایران است. مؤلف

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

باستان‌شناسان رابخود مشغول داشته است که آیا قدمت واقعی این اشیاء به چندسال میرسد؟. چه کسانی آنها را ساخته است؟ . این مردمان از چه منابعی الهام گرفته‌اند؟. تخیل و تجسم آنها از کجاسرچشمه گرفته‌است .؟ طرز ساخت و ذوب با موم گداخته را از کجافراگرفته بودند؟.

اینها پرسش‌هایی بود که میبایستی پاسخی برای آنها یافت. لکن باید اذعان داشت که دربسیاری ازموارد پاسخ‌های ابرازشده چندان چنگی بدل نمی‌زند.

هنرلرستان قبل از هرچیزیك هنر طبیعت‌گرا است . اشیایی که با تصویرجانوران ، صحنه‌های شکار و یا چهره انسان که به‌نحو بسیار ظریفی باخطوط ساده ، منقوش شده باشد، فراوان بدست آمده است .

همین ظرافت و خطوط ساده ، دربسیاری از موارد، تشخیص این آثار و اشیاء را دشوار میسازد .

قبضهٔ شمشیری به‌شکل پوزه یك شیر ، ساخته شده که با لب‌های برگشته خودبه‌تیغه شمشیر آب دهان می‌افکند . یا سنجاقی بشکل یك تندیس ساخته شده که نوك آن بتدریج باریك و نوك تیزمیشود. یاسنگ تیز کنی بشکل یك بزکوهی که شاخهای قوسی شکل دارد و این قوسها بتدریج بشکل یك دایره کامل درمی آیند.

تندیس‌های لرستان همیشه «گیل گمش» اسطورهٔ سومری را نشان میدهد که دوجانور درنده برسینه یادوش او سوارند. بطوریکه بدشواری

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

میتوان اجزاء بدن جانوران درنده را از اعضاء بدن اسطوره تمیز داد.

در نگاه اول نمیتوان بدرستی تشخیص داد که گیل گمش با چند جانور درنده همراست. زیرا هنرمندلر، عناصر و اجزاء موضوع انتخابی را به نحوی از یکدیگر تفکیک یا ترکیب نموده که تنها بوسیله چشم‌ها و یا سوراخهای بینی و گوشها که آنهم بادقت و حوصله درمحل مفاصل و اجزاء منحنی بدن، به یکدیگر جفت شده در بدن قرار داده شده‌اند، قابل تشخیص می‌باشند. بطوریکه شکل منحنی وار بدن جانور رادرمقایسه به بدن انسانی که درحال فشردن گردن جانور است، تداعی می‌نماید.

همین امر زیبایی و اصالت این روش هندسی را بنحو بارزی به نمایش میگذارد و بدین سان هنرمند لرعلیرغم ترکیب عناصر چندگونه به‌اثر، خودحالت خشنی می‌بخشد و این امر سبب شده که آثار هنرمندان لر، سرشار از یك حالت و حرکت و حیات باشد. این حالات تنها در تعدادی از نقوش جانوران که از اقوام «سیت» و یا اقوام سیبریه که شاید پیشینیان هنر لرها باشند، دیده میشود. زیرا این اقوام نیز مانند لرها مردمانی بیابانگرد و سوارکار بوده‌اند.

تأثیر تمدن و هنر سومریان و بابلیان

باید خاطر نشان ساخت که نقوش با خطوط ساده و بی پیرایه، بی نیاز به تفکیك اجزاء برای خلق موجودی دیگر؛ پیچ و تاب‌ها و حالت‌های ساده و مختلف و متضاد، اوج خلاقیت و خاص هنر لرستان نیست.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

زیرا این کیفیت در آغاز هزارهٔ چهارم پیش از میلاد در هنر سومریان دیده میشود. جانوران خیالی و موهومی که روی ستونهای کشف شده در «فارا» و لوله‌هائی که از «کرکوك» بدست آمده است «گیل گمش» را در حال جنگ با جانوران وحشی عجیبی نشان میدهد. حتی جانوران وحشی را که دارای پوزه برگشته مانند شاخك‌های حسی پروانه بوده و حاصل خطوط منحنی هنر «سیت» و تغییر شکل نهایی شیرهای بالدار است، بنمایش در آورده است.

در واقع عناصری که بتوسط هنرمندان لرستان روی اشیاء بشکل برگ درخت خرما، گلهای ساده و حواشی هندسی بکار گرفته میشود از هنر سومر و بابل سرچشمه گرفته است. صحنه‌های شکار جانوران که بر روی جامهای لرستان دیده میشود. همانهایی است که بر روی ستونهای معابد «اور ۱» و «لاگاش ۲» و بابل نیز مشاهده میگردد.

لاکن این امر مانع از قدرت هنرمندان لر در خلق شاهکارهای اصیل هنری و بومی لرستان نیست، زیرا این آثار همواره از اصالت ویژه خود برخوردارند. اشیاء ساخته شده بوسیلهٔ ساکنان لرستان در اندازه‌های کوچك خود؛ ظرافت ویژه و چشم گیری را دارا است، بنحوی که هیچ نوع زایده و زمختی و زشتی در آنها دیده نمیشود.

با اینکه بیشتر این اشیاء و سایل مصرفی روزمره بوده‌اند و بعنوان یك اثر هنری یا تزیینی و یا نمایشی ساخته نشده‌اند از مطالعهٔ آنها به ظرافت

Our-۱ Lâgâsh-۲

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

روح شگفتی آفرین سازندگان لرستان پی میبریم.

تاکنون هیچ اثری از بناهای باشکوه یا معماری و برانه‌های کاخی و یا ستونها و سرستونهای حجاری شده‌ای از محل هنرمندان مفرغکار لرستان بدست نیامده و بدلیل نبودن چنین اسناد و آثاری تعیین قدمت فرهنگ و تمدن این مردم نیز دشوار است. و نمیتوان فهمید که هنرمندانی که این آثار را درست کرده‌اند در چه قرنی میزیسته‌اند. چون با تمدنهای شناخته شده هیچ ارتباط نداشته‌اند.

چگونه میتوان عمر جامی که فقط چند سانتیمتر «طول دارد و هیچ نوشته و نقشی نیز ندارد، تعیین کرد ؟.

چگونه میتوان عصر و تاریخ زندگی این هنرمندان با ذوق و استعداد را که در کوهستانها با دشواریها و مشکلات طاقت فرسای طبیعت مبارزه میکرده‌اند و بدون داشتن ارتباط با خارج از سرزمین خود و یا بعاریت گرفتن وسایل، قدرت خلاقه‌ای چنین داشته‌اند، پی ببریم؟.

شاید اگر وسیله کوچکی را بعاریت میگرفتند، وسیله‌ای که از آشور؛ بابل و یا ایلام باشد ، احتمالا امروز قادر بودیم بیاری همین وسیله که منشاء تمدن آن امروز شناخته شده‌است، پرده از این معمای حیات استادان مفرغکار برداریم .

بعضی از مورخین و باستان‌شناسان ، آغاز عصر مفرغ را بین ۱۴۰۰ تا ۱۱۰۰ پیش از میلاد مسیح میدانند. آقای گدار آغاز عصر مفرغ را بین قرن نهم تا ششم پیش از میلاد اعلام داشته‌است . دکتر

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

«گیرشمن» و «کنتنو» آغـازعصر مفرغ را بدلیل شباهت‌های‌زیادی که‌میان‌ظروف‌سفالی که‌از تپه‌سیلك وهمچنین‌از تپه‌های لرستان بدست آمده‌وبررسی و نامرغوبی‌جنس آنها؛ بین‌قرن دوازدهم تاهفتم پیش از میلاد میدانند. مقایسه عقایدو آراء بـالا و درپی اثبات این عقاید رفتن، کاری است‌عبث. اما دو موضوع کاملاروشن‌و آشکاراست:

۱ـاشیاءبسیاری که‌بوسیله‌مفرغ‌سازان لرستان ازمفرغ وآهن ساخته شده‌اند، مانند سنجاقهایی که نوك‌آهنی وانتهای‌مفرغی دارند تاریخ ساخت‌آنهابه اوایل عصرآهن می‌رسدکه‌همزمان با شکوفائی فرهنگ‌لرستان درحدود قرن‌دوازده‌تایازده‌قبل ازمیلاداست.

۲ـنام‌یکی‌ازخدایان‌بابل ویکی ازپادشاهان‌آنها «مردوك۱» و «نادین‌آهه۲» روی اسلحه‌هایی که‌ازقبورلرستان‌که درزمان حیات این‌پادشاه‌بدست‌آمده، دیده‌میشود.

آقای «اونگناد۳» تاریخ حکومت این پادشاه را بین سالهای ۱۱۰۸تا۱۰۹۰پیش‌ازمیلادمیداند.

گمگشتگی هنرلرستان درزمان آشوریان

بعضی از اشیاء و وسایل مانندکاسه، جام شراب و ظروف پایه‌دارکه‌اخیراً کشف‌شده‌است‌نفوذکامل هنری‌آشوری‌را درلرستان حکایت‌می‌کند. بویژه‌تزیینات کاملامشابه بانمونه‌های‌آشوری متعلق

۱-Marduk ۲-Nâdin Ahe ۳-Ungnad

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

به قرن هشتم پیش از میلاد است .

چنین اشیائی که در آغاز هنر لرستان ساخته شده باشد ، تاکنون بدست نیامده است. بنابراین چنین میتوان استنباط کرد که هنر لرستان در عصر عظمت امپراطوری آشور ، یعنی در حدود قرن هفتم پیش از میلاد دورهٔ خاموشی و انحطاط را میگذرانده است.

آیا این در عصر مفرغکاران چیره دست و هنرمندان خلاق چه شده اند؟. آیا به جبر و با زور امپراطور آشور وارد سپاه او شدند یا از برابر مهاجمین آشور گریختند و به سرحدات ایران پناه بردند ؟. هنوز تا این زمان کسی برای این پرسشها ، پاسخی نیافته است. شاید در آینده بتوان به پاسخی منطقی دست یافت.

« منشأ قبایل لر »

موضوع و مسأله پراکندگی قوم لر ، بعکس مسأله منشاء و نژاد آنها است. این قوم از کجا آمده اند؟. از کدامین نژادند ؟. به چه زبانی سخن گفته اند؟.

در پاسخ این سؤالها ، عده‌ای سازندگان مفرغ را به قوم کاسیت نسبت داده اند. هرچند بعضی مدعی هستند کاسیتها از نژاد اصیل هندو اروپائی اند که با هجوم آریائی ها در اواسط هزاره دوم پیش از میلاد یعنی هنگامی که کاسیت ها ، کوهستان زاگرس را برای فتح امپراطوری بابل ترک کردند این اقوام به لرستان روی آوردند و آنان را آریایی میدانند.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

این فرض از آنجاناشی میشود که اولا شباهت فراوانی بین اشیاء بدست آمده از سیبری و قفقاز و اشیاء یافت شده در لرستان هست زیرا این دو منطقه محل زندگی آریائیها بوده است .

ثانیاً قوم لر، اسب پرورش میدادند که اینهم جزء رسوم آریائیها می باشد. از سوی دیگر بدون اینکه مدرك قاطعی در دست باشد چنین فرض میکنیم که لرها در اصل از نژاد آریائی مشتق شده اند. قومیکه در هزارهٔ سوم پیش از میلاد تمام آسیای مرکزی را بتصرف خود در آوردند لکن قوم سامی اندك اندك جای این اقوام را در آسیای صغیر و بین النهرین و سوریه گرفتند. هرچند برخی از اشیاء مانند سنجاق بدون تردید اگر منشاء لرستانی نداشته باشد ، منشاء ناشناخته شمالی ، یعنی جنوب قفقاز را داراست. و این ثابت میکند که هنر لرستان در سنت ها و وطرز ساخت اقوام آسیائی مانند «هیتی» های وسطی ؛ یا سومریان و یا حتی «هیتی-سومری» که از سومر قدیم مشتق شده اند ، رخنه کرده بود.

تبرهایی که در شوش در دست شاهان «هیتی» بدست آمده دارای یك برجستگی است که شاخص هنر آناطولی است. این تبرها بشکل نیزه بوده ومنشاء ایلامی دارند. زنگوله هایی که از قبور لرها پیدا شده گلابی شکل است و مشابه آویزه هایی است که در «رأس شمرا» یا «اوگاریت» باستان در ساحل سوریه کشف شده است. معهذا اشیایی که در بین النهرین بدست آمده ، مانند کمربند و آینه های مفرغی ، قوریهای لوله دار ، خنجر با دسته مجوّف ، طلسم هایی بشکل جانوران مختلف ، در حدود قرن هشتم

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

پیش از میلاد، احتمالا در عصر شکوفایی آشور که لرها بسوی دشت‌های ایران؛ محل زندگی اقوام ماد بامنشاء نژادی هند و اروپایی سرازیر شدند، در لرستان ساخته شده‌اند. نقوش این اشیاء به سومریان و بابلیان نیز نسبت داده میشود.

عین این نقوش روی مفرغها، ظروف و تندیس قهرمانان، الهه‌های عریان و جانوران و غیره سومر و بابل مشاهده میشود. بنابراین میتوان نتیجه گرفت که هنر لرستان از سومر و بابل تأثیر پذیرفته است. این بدیهی است. لکن هنرمندان لرستان هرگز در انتقال، آن، در حفظ اصالت این هنر اصرار نورزیده و موضوع‌های سومریان را عیناً تکرار نکرده و همین خلاقیت و تازگی موضوع، و جود یک نیروی تازه را در قلب و روح و اندیشه این بومیان هنرمند قوت می بخشد. قدرتی که میتوان آن را به اقوام هندو اروپایی و حتی آریائیها نسبت داد. زیرا مادها و سیت‌ها که هنرشان خویشاوند هنر لرها است، متعلق به این نژاد می باشد.

در اینجا مناسب دیدیم که اشیاء بدست آمده از قبور لرستان را تشریح کنیم و در ضمن به خوانندگان خود گوشزد نمایم (یعنی ساکنان شهر ژنو) که حتماً بدیدار اشیاء نفیس و گرانبهای این مجموعه بروند

مفرغهای منسوب به لرستان بدون استثناء در اندازه‌های کوچک ساخته شده. بزرگترین نمونه‌ای که در این مجموعه بنمایش درآمده، ظرفی است با لوله‌ای بلند که در حدود ۳۵ سانتیمتر طول و ۳۰ سانتیمتر ارتفاع دارد.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

فن ساخت

تمام اشیاء مفرغی بدست آمده، آغشته به موم هستند به استثنای ظروف و برخی از دیگ‌ها که بتوسط یك ورقه مفرغ چکش کاری صیقل یافته است. در این میان باید توجه به کوزه‌هایی نمود که در تزیینات آن دقت فراوان شده است.

این اشیاء زنگاری از سبز روشن تا سبز تیره، غالباً در اثر رطوبت خاك محل دفن و نیز بدلیل وجود چشمه‌هایی که در جوار قبور وجود داشته، فرسوده شده‌اند. همچنین رطوبت موجب از بین رفتن تقریباً تمامی اشیاء آهنی موجود در قبر گشته است. بهمین دلیل سنجاقهای زینتی، با سر آهنی و انتهای مفرغی، قسمت آهنی خود را از دست داده‌اند و یا شمشیرهایی که تیغهٔ آنها از آهن بوده، تنها بخشی از آن که با مفرغ پوشیده شده، باقی مانده است.

پیش از این اشاره شد که هنر لرستان هنری طبیعت گرا بوده و با نقوش و خطوط ساده مشخّص میشوند.

ضمناً با مشاهده نمونه‌های یافت شده، چنین احساس میشود که هنرمند لر سعی داشته تمامی سطح و فضای آزادی را که در اختیار داشته برای جای دادن در یك نقش ساده و یك قوس، بکار گیرد. همین وسواس و کوشش برای استفاده از تمامی سطح؛ یك جلوهٔ اضافی به تزیینات هنر لرستان می‌بخشد. اما هنرمندان لرستان هرگز به زرق و برق و تجمل، توسل

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

نجسته‌اند. نیز این جلوه و بار تزیناتی اضافی شگفت و حجم‌هایی که با یکدیگر ادغام میشوند ، موجب حذف یـا تغییر شکل و صورت اصلی جانور یا انسان نمیگردد. بطوریکه، ممکن نیست هیچگاه در آثار لرستان شکل بز کوهی را با شیر ، اشتباه گرفت. حتی اگر این دو بال دار و یا مزّین به‌سه و یا چهار شاخ باشند. همچنین روی افزار و وسایل عمومی ، مانند ظروف غذا و غیره نیز این شگفتی و فراوانی تزیین ، مشاهده میشود. آنگاه که انسان به‌یك قطعه ساده مفرغی برخورد می کند، احساس آرامش میکند .

بطور کلی کوچکترین تبر و ناچیزترین سنجاق، بواسطه نقوش حیوانات و فواصل پرشده هندسی خود، مزین به‌خطوط راست و مقطّع غالباً تکراری بوده که در هنر ایران عصر هخامنشی که عاری از هرگونه تزیینی است ، مورد تحسین و ستایش قرار میگیرد .

سبك اصیل

در تمام این قطعات ، تازگی و طراوتی مشاهده میشود حتی برای چشمی که تمرین چندانی نداشته باشد ، غیرممکـن است کـه یك نقش هنرمند لرستانی را با سایر نقوش موجود روی مفرغهای ساخته اقوام دیگر یعنی « سیت‌ها» و کردها اشتباه کند. خواه ظروف لوله‌دار که در قسمت انتها و محل اتصال دارای لوله به بدنه باشد، خواه تبرهایی که انتهای آنها دارای زوایدی برای تعادل بخشیدن به لبهٔ تیز اسلحه باشد،

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

خواه ظروف و برخی دیگر از لوازم مزّین به خطوط راست و مرتب، نقوش خدایان خطوط مارپیچی، خواه سنجاق‌هایی باشد که سر آنها پهن است و طول آن به ده سانتیمتر میرسد و یا تندیس گیل گمش باشد که در میان دست افزارهای خود در محاصره است.

در پایان میتوان فقط چند کلمه از اشیاء بسیار جالب دیگری از هنر لرستان که در موزهٔ تاریخ هنر «ژنو» وجود دارند، یعنی تندیسها، سخن گفت.

این تندیس‌ها که بزرگترین آنها در حدود ۲۰ سانتیمتر طول دارند، بتوسط سنجاقی که از سر تندیس میگذرد، روی پایه‌ای مفرغی محکم شده و با مرده در قبر دفن میشده. بجز چند استثنا که این تندیس بشکل یك اسطوره غضبناك و عریان بابل در آمده، در دیگر تندیس‌ها این اسطوره و نیمه خدایان بین النهرین، در محاصره دو جانور درنده، دیده میشوند.

گیل گمش، یا هرکول شرق، باقدرت افسانه‌ای و خداوار خود، بخاطر نبردهایش با هیولاهای مختلف ودفاع از جنگل مقدس که در مواقع ضروری و نیاز به کمك، باصدا، دوست خود «انکیدو» ی نیمه انسان و نیمه گاو را بیاری می‌طلبد، مشهور است. نقوشی از ایندوروی ستونهای کاخ‌های بین النهرین؛ فراوان دیده شده و صحنهٔ نبرد آنها با جانوران و هیولاها، در آسیای مرکزی؛ فراوان مشاهده شده است. اخیراً در افغانستان لوحی کشف شده که صحنه نبرد این دو اسطوره معروف روی این لوح بسبکی که نشان دهندهٔ وجود هنری

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کهن در این‌سرزمین است؛ بنمایش درآمده‌است.

همچنین روی دستهٔ چاقـویی از سنگ چخماق مصـری، این قهرمـان ریشو را درمصاف بادوشیر که گلوی آنهارا بسختی میفشارد ، نشان میدهد.

اقوام‌خاورمیانه‌هریك‌به‌نحوی این اسطوره سومری‌را پذیرفته ودرآن به‌تناسب با ذوق‌وسلیقـه‌وآداب ورسوم وهنرخـود تغییراتی داده‌اند.

لرستان‌نیزازاین‌قاعده بدور نبوده‌است. تندیس«خدایان» مردم لرستان‌ازیك‌محورمرکزی‌مدورکه‌بدن‌اسطوره‌است و اورا درمقابل دو جانورنشان میدهدکه بصورت دو قوس دایره کامل بتوسط یـك دهان، لب‌هاوچشم‌وگوشها مشخص‌میشود .

ازقطعات‌قدیمی‌تر نیز ، «گیل‌گمش»درنقشی‌که شیرانی رادر بازوان خودمیفشارد دیده‌میشود. اما در ادامه همین موضوع شیر و انسان درهم‌ادغام میشوند. بنحوی‌که تشخیص آنهااز یکدیگرآسان نیست. زیراهنرمندلرستانی، باناديده‌گرفتن‌معنی‌ومنظور، در اثرخود ، بسادگی انسان را حذف میکندوفقط دوجانوررا رودرروی‌یکدیگر باقی‌میگذارد. جالب‌این‌است‌که‌پس‌ازعصر«سارگونیت‌ها[۱]» اواسط هزاره‌سوم قبل ازمیلاد، درنقوش‌بین‌النهرین، «گیل‌گمش» کاملاعریان که دورکمرش ؛ کمربندی سه‌شاخه بسته است ویـکی ازقسمت‌های

۱- Sârgonite

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کمربند، برروی رانهایش افتاده و «انکیدو» بـا پاهای گاومانند و گوشهای بزرگ و گاه‌چین‌خورده‌نشان‌داده‌میشود.

درتندیس‌های لرستان، «گیل‌گمش»بهمراه «انکیدو»ی‌گوش دراز نشان‌داده میشوند. امـا برچهره«گیل‌گمش» ، بواسطه‌گـوشهای دراز، دوست خود؛ غمی‌گنگ‌نقش شده است . ولی درتمام موارد «گیل‌گمش»کمربندسه‌پاره‌ای خودراحفظ میکند واین موجب‌میشود که‌بلافاصله‌اورابشناسیم. زیراگاه هنرمند او رابصورت محورمرکزی با یك برامدگی بینی با دوسوراخ فرضی‌شکل بجای چشم‌ها مجسم می‌کند.

باید خاطـرنشان‌کردکـه بتـدریج بجای جـانوران درنده ، غنچه‌هایی‌درکنار«گیل‌گمش»می‌نشیندواسطوره‌معدوم‌کنندهٔ‌جانوران وهیولاها، به‌گیل‌گمش‌نگهبان‌و پشتیبان گله‌ها، نگهبان‌غلات، نگهبان انسانها تبدیل‌میگردد و همین فکر احتمالا به وجود این‌لوح منقوش درقبور، طلسم‌نگهبان مرده‌رادر مقابل جانوران‌وحشی‌که مرده را از گزند و آزار واذیت‌آنها دردنیای‌دیگرمصون‌خواهدداشت، زندگی می‌بخشد ۱۰

* * *

۱ـمتن‌بقلم‌ژان‌پل‌باریه‌از روزنامهٔ تریبیون دوژنو سال۱۹۵۷ بابرگردان م ـ میرزایان ، که بدینوسیله ازهمکاری‌آقای میرزایان اظهارامتنان میشود.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آخرین تحقیق در لرستان بوسیله هیأت مشترك ایران و انگلیس و بریاست خانم «کلیر گاف» عضو باستان‌شناسی دانشگاه لندن بمدت چهار سال در تپه باباجان واقع درجنوب غربی نورآباد مرکز بخش «دلفان» انجام گرفت.

فرضیه مربوط به کوچ ساکنان فلات ایران، بر اثر کاوش‌های خانم «گاف» در تپهٔ باباجان دلفان تأییدشد. از اشیاء مهم بدست آمده از این تپه ، آثار و بقایای تمدن مردمانی بود که درحدود سدهٔ نهم و هشتم پیش از میلاد در این قسمت از لرستان می‌زیسته‌اند .

حفاریهای تپه باباجان که درچهار نوبت ازسال ۱۹۶۶ تا ۱۹۶۹ میلادی صورت گرفت، نشان داد که ساکنان این ناحیه، در دوسده نهم و هشتم پیش از میلاد، مهاجرانی ایرانی بودند که از شمال متوجه لرستان گردیدند و در ده کوچکی متشکل از خانه‌های کوچك سنگی در دامنهٔ تپه باباجان مستقر شدند.

در دوران بعدی، کلبه‌های این دهکده، جای خود را به خانه‌ای اعیانی و بزرگ داده که حیاطی مرکزی و در دوسوی حیاط، اطاقهایی بشکل مربع مستطیل و دورهمه ساختمان، نه برج داشته و بعدها نیز این خانه اعیانی هم تغییر شکل داده از نو ساخته شده است.

بهرتقدیر، از تپه باباجان و تپه کوچکتری واقع در مشرق آن مقادیری سفالینه و اشیاء مختلف پیدا شد که گذشتهٔ بسیار دور و تمدنهای ادوار آن ناحیه را بخوبی روشن کرد و نشان داد که ساکنان

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

این آثار، دراواخرسده ششم‌پیش‌ازمیلاد ناگهان آنجارا بعللی ترك گفته‌اند. بطورکلی چهار دورهٔ مختلف ازتپهٔ باباجان‌کشف شدکه مربوط‌به هخامنشیان، ماد و درعمق‌شش‌متری تپه، آثار دوره چهارم باسفالهایی شبیه‌به‌سفالهای گیان‌سوم‌بدست آمد[۱].

آنچه گذشت‌بیان‌وتوضیحی بود از دیدگاه‌گروه صاحبنظران باستان‌شناس، درباره مفرغ لرستان‌یامنشأقومی‌که‌امروز«لر» نامیده میشود. گرچه‌برخی‌نظرات تکراری بودولی‌ازآنجاکه تأکیدبرمراتب موضوع میباشدنقل‌شد. ولی آنچه آمددربارهٔ مفرغکاران هنرمندکوه نشین لرستان بود، که برخی تنهابه‌مطالعهٔ نقوش آثارمفرغی‌پرداخته بدون‌مشاهدات محلی، و برخی‌نیز خرد درمحل به‌کاوش پرداخته‌اند ودست‌یافته‌های‌خودرابابررسیهای عینی توام‌کرده بودندکه متأخران ازاین‌مطالب نیزبرای تأییدپاره‌ای‌ازنظرات‌خوداز اظهار نظرمتقدمان سودجسته‌اند. ازاین‌گروه محققان، کسانی نیز بوده‌اندکه‌گذرا به‌نقل مطالبی درباره لرستان و مردم‌آن، بداوری خلقیات اجتماعی آنان پرداخته‌اندکه نشان میدهد داوری آنهـا ازدور و از فاصله هزاران کیلومتربوده‌است، ومبنای‌داوریشان‌نیزبرپایه‌تحقیقات‌منطقی‌ویامردم شناسی‌استوار نبوده‌وگاهی شرارت معدودی را ملاك داوری برای جمع، دانسته‌که نمیتواند منطقی باشد. تازه آنچـه درباره مفـرغ و

۱ـ سیرفرهنگ ایران دربریتانیاتألیف دکترابوالقاسم‌طاهری صفحه ۴۷۵ و ۴۷۶ و مجلهٔ باستان‌شناسی‌وهنرایران شماره‌سوم صفحهٔ ۸۶.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

مفرغکاران هنرمند عنوان شده نیز هنوز هم بر اساس حدس و گمان است و استدلال، که خود تفرقه آراء و نظرات را، بدنبال دارد.

باری شناخت لرستان نیاز به بررسی و تحقیق و تدقیق بیشتری دارد و همت والائی.

تردید نیست که رابطهٔ تاریخی این منطقه بعلل وجود راه‌های کوهستانی گسسته است بخصوص از نظر کیفیات اجتماعی در بعدهای مختلف. شاید این نیز بخاطر تعصبات قومی بوده است و حکومتهای ایلی، که فرصت دیدار سیاحان و جهانگردان و مورّخین را نداده و اینکه از جهت بینش‌های مردمی و انسانی، آن کشتارها که در شرق ایران رخ داده و از کله‌ها مناره ساخته‌اند، در لرستان که در غرب این ناحیه آشوب زده قرار داشته؛ هنوز عواطف اجتماعی در دلها نمرده بود. باری بررسیهای باستان‌شناسی در آثار فراوان لرستان، میتواند پر بار باشد، تا فاصله برای داوری کم گردد و حقایق آشکار. اینک تصاویری از آثار مفرغی که در موزه‌های لندن (موزهٔ بریتانیا) و پاریس (موزهٔ لوور) که خود با پای عشق رفتم و گشتم و جمع آوری کردم به خوانندگان عزیز عرضه میشود.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصاویر مربوط به فصل نهم

* * *

درتابستان سال ۱۳۵۲ برای جمع آوری اطلاعات وعکسهائی از آثار مفرغی ارستان به لندن، پاریس، مونیخ، رم، ژنو رفتم نتیجه این سفر مطالب وعکسهائی بود که در این فصل گنجانیده شده‌اند.

لازم میدانم از همکاری صمیمانه آقای داریوش پیرنیا مسئول وقت روابط فرهنگی ایران درلندن، آقای نادرزاد رایزن فرهنگی ایران ایران درفرانسه، آقای دکتر مصطفی اعلم دوست عزیزم و آقای محمد عاصمی معاون رایزنی ایران درمونیخ و نیز دوست عزیز آقای علی کرباسی دانشجوی کرمانی خون گرم مهربان که مرا یاری دادند سپاسگزاری نمایم.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

یکی از ظروف سفالی مکشوف از طرهان (موزه بریتانیا)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ظروف سفالی لرستان (موزه بریتانیا)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



فنجان مغرغی ارتفاع ١٦سانتیمتر(موزه بریتانیا)

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



آبخوری مفرغی منقوش: در حدود ۸۰۰ پیش از میلاد. ارتفاع ۱٤ سانتیمتر (موزه بریتانیا)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



لیوان مفرغی منقوش در دار ارتفاع ۱۸ سانتیمتر (موزه بریتانیا)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



لیوان مفرغی منقوش (موزه لوور)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



لیوان مفرغی منقوش (موزه‌لوور)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



آبخوری مفرغی (موزه لوور)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

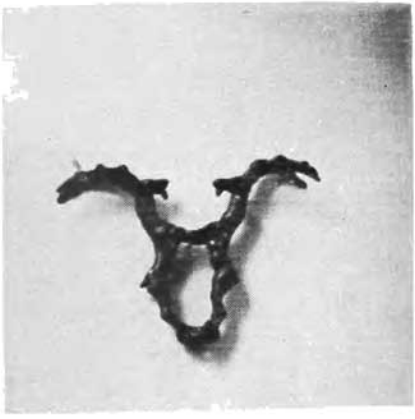
BRITISH MUSEUM

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org







دسته‌خنجری بانقش شیرو بزدوگوزن‌که روبروی هم‌ایستاده‌اند
ارتفاع ۱۱ سانتیمترقرن۸تا۷ پیش‌ازمیلاد (موزه‌لوور)
تصاویرصفحهٔسمت‌راست : دستبندهای مفرغی‌قرن ۸تا۷ پیش‌ازمیلاد

tarikhema.org
PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



سنجاق و همچنین میله با صفحهٔ منقوش (کاهنهٔ خد، تگزارناهید) (موزه بریتانیا)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



روکش تیردان منقوش ۸ تا ۷ پیش از میلاد (موزه لوور)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



دسته خنجر : قرن ۸ تا ۷ پیش از میلاد (موزه بریتانیا)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

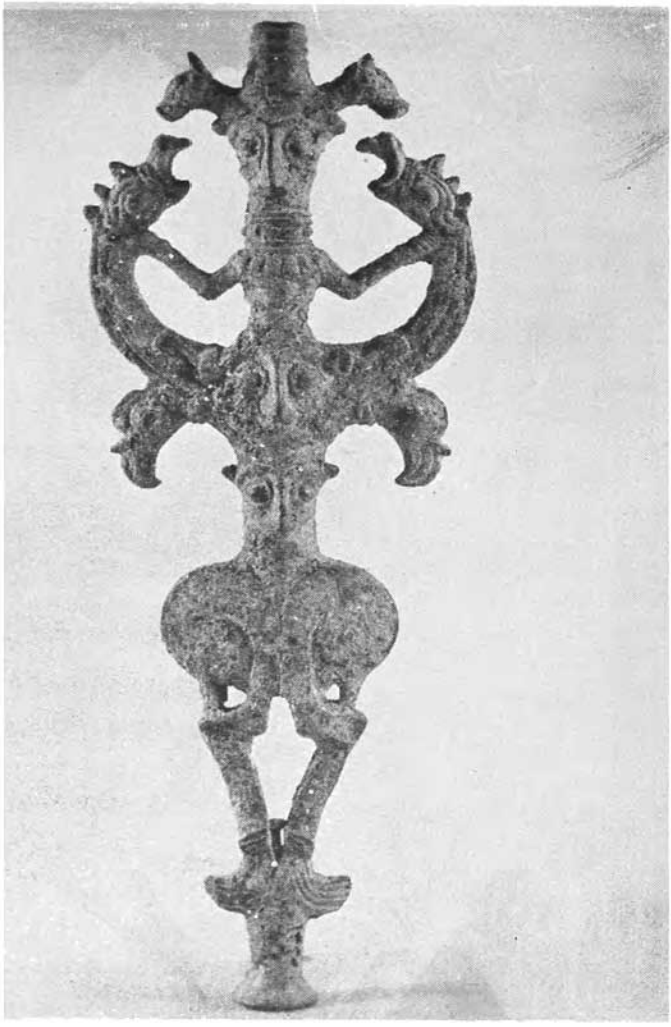


نقشی از گیل گمش ارتفاع ۱۸ سانتیمتر ۱۰۰۰ تا ۹۰۰ پیش از میلاد (موزه بریتانیا)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



نقشی دیگر از گیل گمش (موزه تهران)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

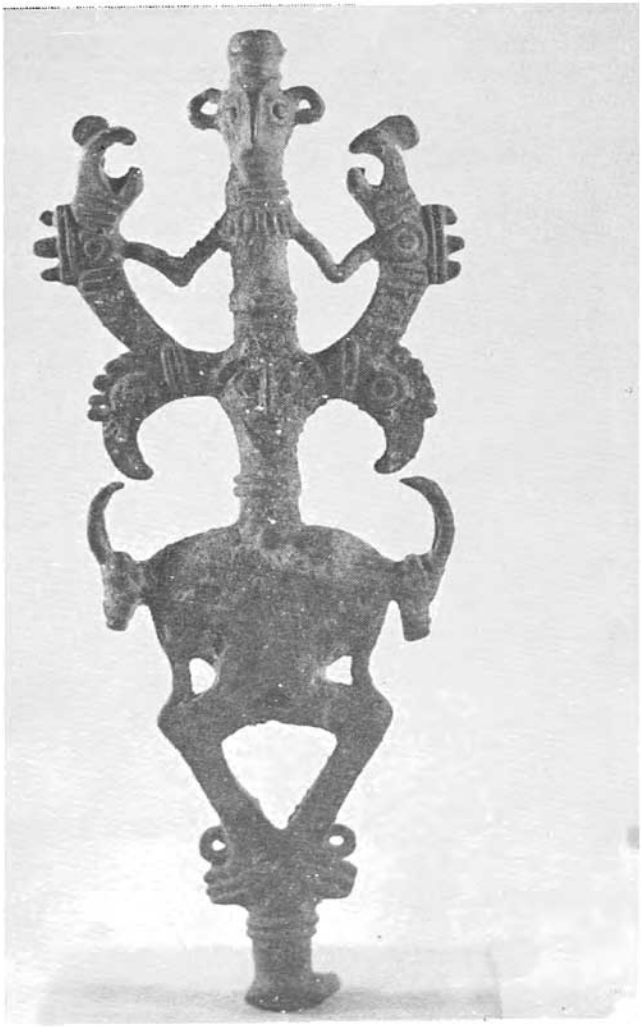


نقشی دیگر از گیل گمش (موزه بریتانیا)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



گیل گمش (موزه تهران)

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



مجسمه‌ای مفرغی درحال نیایش (موزه لوور)

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



مجسمه نیایش‌کننده‌مفرغی (موزه لوور)

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



رب‌النوع مفرغی قرن ۸تا۷ پیش‌ازمیلاد (موزه بریتانیا)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



دو پیکره رب‌النوع ۱۰۰۰ تا ۹۰۰ پیش از میلاد (موزه بریتانیا)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

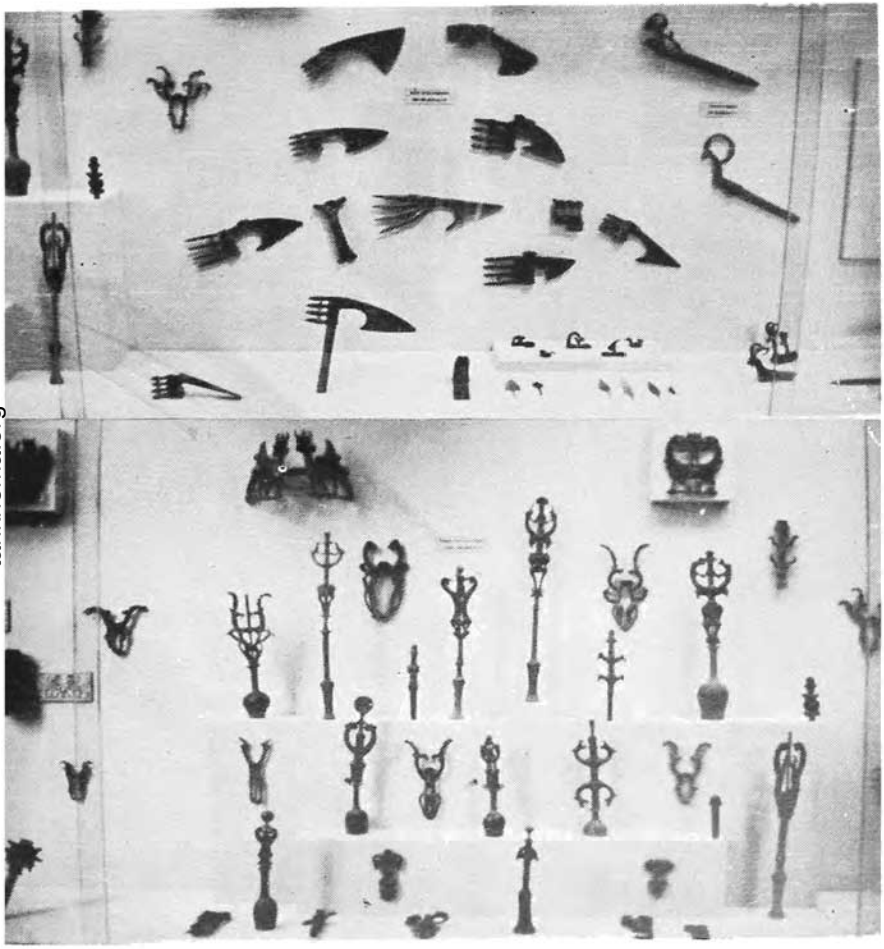
PDF.tarikhema.org

دو زنگوله مفرغی (موزه بریتانیا)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

اشیاءمختلف‌مفرغی یکی ازقفسه‌های موزه‌لوور

PDF.tarikhema.org

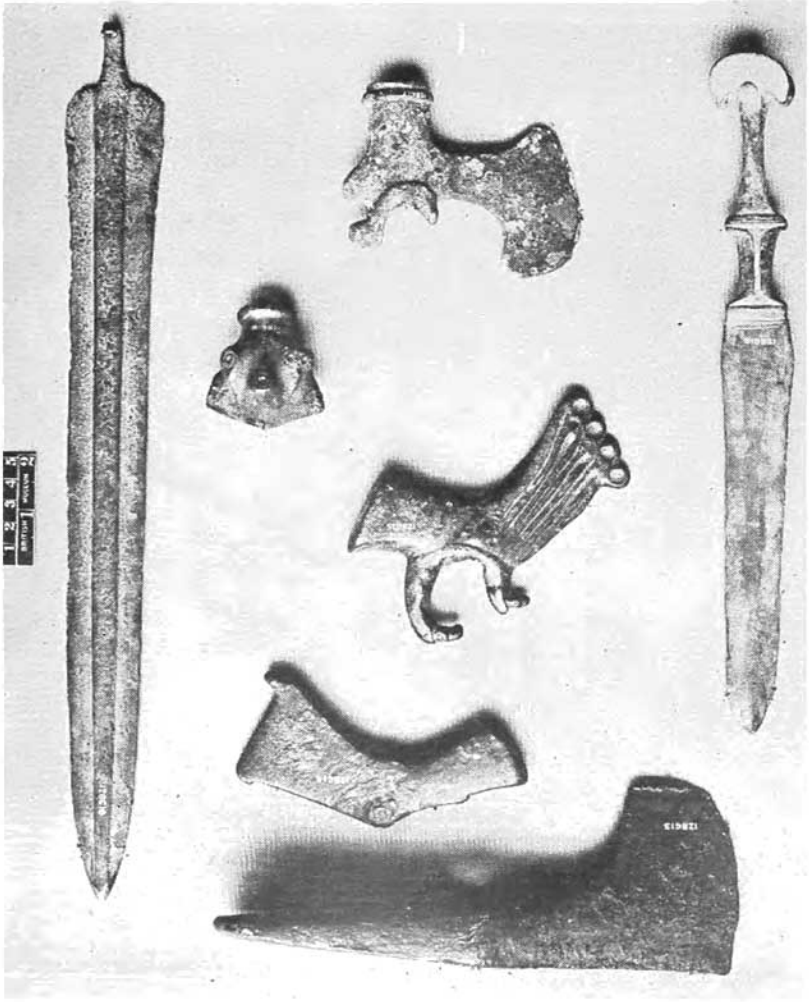
PDF.tarikhema.org

مجسمه مفرغی گوزن (موزه بریتانیا)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

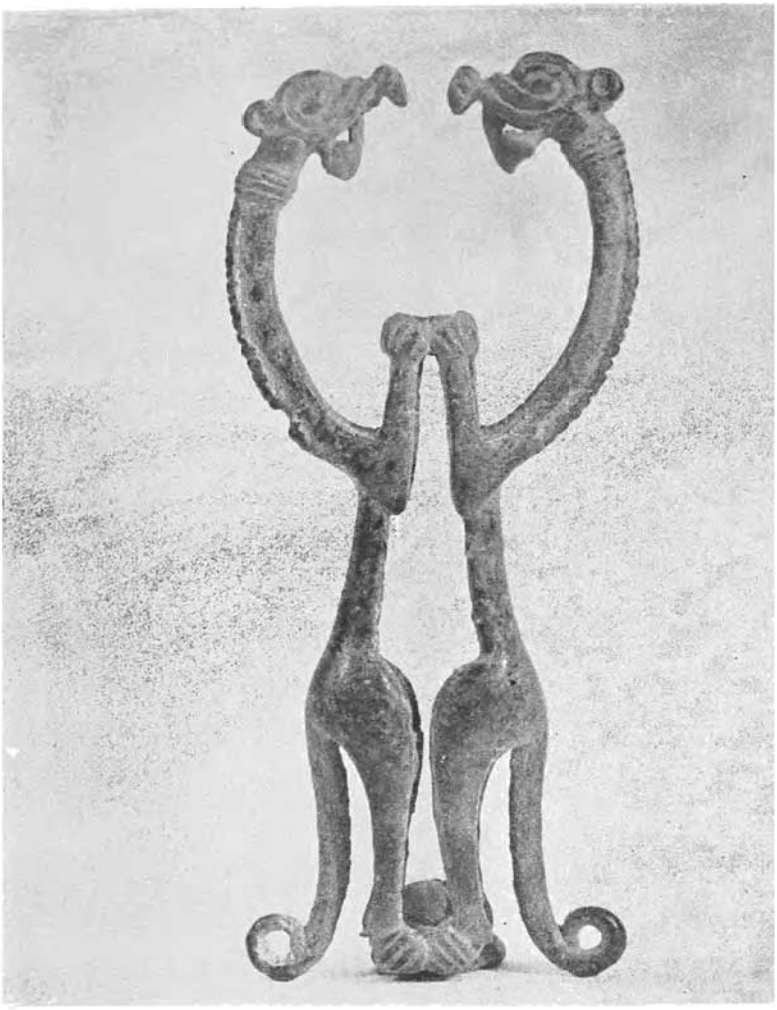


چند نوع سلاح مفرغی (کارد، گرز، خنجر، تبر) (موزه بریتانیا)

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



نقش دوبت‌نذری ، (موزه‌تهران ـ ایران‌باستان)

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



مجسمه مفرغی دو شکار و دو مجسمه در برابر هم (موزه تهران ـ ایران باستان)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



مجسمه مفرغی (موزه‌تهران)

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تبرمفرغی هزاره اول پیش از میلاد (موزه تهران ـ ایران‌باستان)

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تبرمغرغی (موزه تهران)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

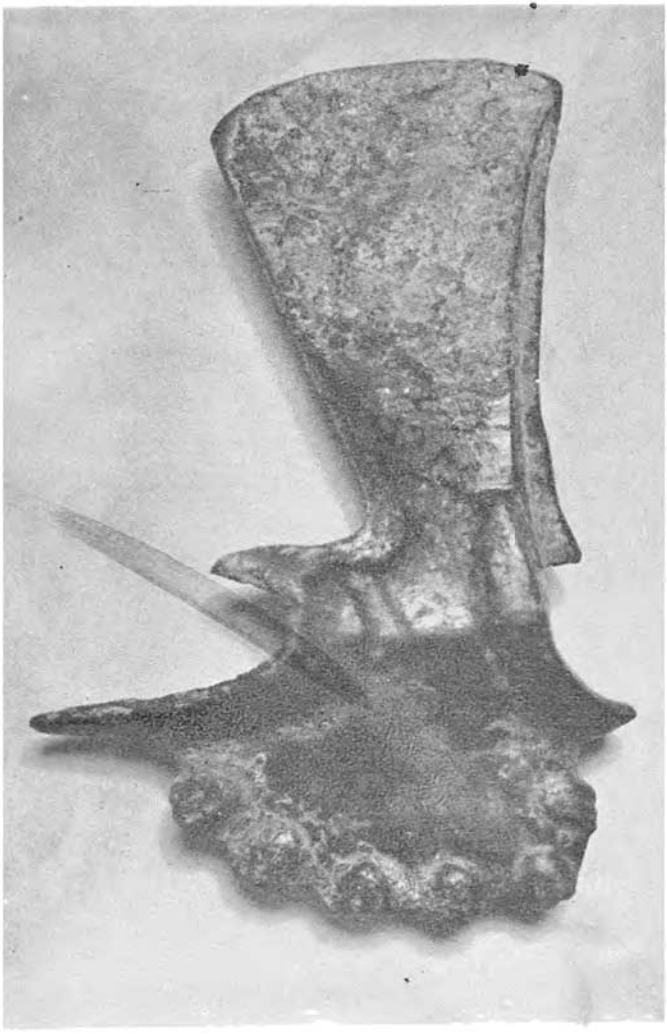


تبر مفرغی (موزه‌لوور)

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تبرمفرغی (موزه تهران)

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دهنه مفرغی اسب (موزه بریتانیا)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

لگام مفرغی اسب قرن ۸ تا ۷ (موزه بریتانیا)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

لگام مفرغی اسب قرن ۸ تا ۷ (موزه بریتانیا)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تیغه دهنه اسب (موزه لوور)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ارابه مفرغی ۹۰۰تا۸۰۰ پیش ازمیلاد (موزه بریتانیا)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دو نمونه از لگام مفرغی اسب (موزه بریتانیا و لوور)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

نمونه‌های دیگر از تندیس شکار و دهنه‌لگام (موزه لوور)

PDF.tarikhema.org

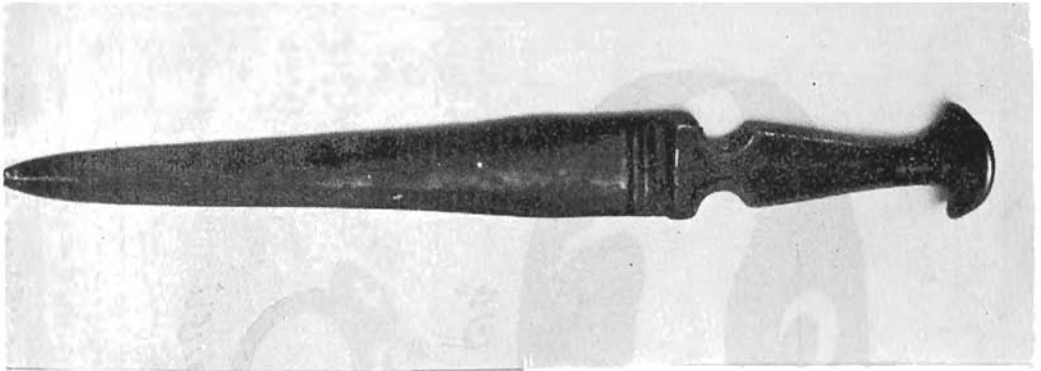
PDF.tarikhema.org

نیغه دهنه اسب ۱۰۰۰تا۹۰۰پیش ازمیلاد (موزه بریتانیا)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org





کارد مفرغی و مجسمه شکار و انگشتری ازدالفان لرستان

PDF.tarikhema.org
PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



پلان



نمای روبرو

طرح نقش‌شکار روی‌انگشتری مکشوف از دلفان لرستان

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

فصل دهم

بروجرد*

بروجرد که در گویش محلی امروزلری «ورو گرد۱» و در گویش محلی بروجرد «وروپرد۲» نامیده میشود ، محدود است ازشمال به ملایرو اراك و ازجنوب به کوههای «گری» و شهرستان خرم‌آباد واز خاور به شهرستان الیگودرز ، واز باختر به نهاوند .

وسعت آن نزدیك به ۲۶۰۰ کیلومترمربع و بلندی آن ازسطح دریا ۱۶۰۰ متر است وجمعیت شهرستان (شهر و بخشهای تابع) رویهم ۱۷۶۵۰۰ نفراست۳ .

بخشهای مهم بروجرد عبارتبداز دورودواشترینان وفاصله آن تاخرم‌آباد ۱۱۰ کیلومتراست. ازگذشته دور یکی ازشهرهای لرستان

*ـ دراین فصل صرفاً آثار بروجرد معرفی میشوند و این کار بخاطر رابطه فرهنگی و پیوستگی تاریخی است که بین بروجردولرکوچك وجودداشته‌است.

۱ـ Verugerd ۲ـ Vuriyerd

۳ـ این رقم برابر آمارنامه استان لرستان مربوط بسال ۱۳۴۵ است .

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

محسوب میشده و امروز نیزیکی از شهرهای استان لرستان است. گویش مردم آن مخصوص است و به لری نزدیك است.

پیشینهٔ تاریخی بروجرد

در مورد بروجرد پیش از اسلام، اطلاعات زیادی نداریم. ولی بی‌شك جزء منطقه پهله بوده که تمامی پهله در عصر اسلامی جبال یا کوهستان نامیده میشد. اما شاید شهری مشهور نبوده است و بقول دمورگان، اگر از روی بناهای کمی که دارد، قضاوت کنیم بنظر نمیرسد شهری خیلی قدیمی باشد، هرچند که مردم احداث آنرا به عصر ساسانیان نسبت میدهند ۱.

ابن الندیم در کتاب الفهرست، از گفتهٔ ابن مقفع که از ایران زمان ساسانی کاملا آگاهی داشته؛ همین نکته را آورده است که میگوید:

(پهله نامیست که برپنج شهر می نهادند و آن اصفهان وری و همدان و ماه‌نهاوند و آذربایجانست) که بعدها عرب بر آن نام جبال نهادند.

بهرصورت برابر تقسیمات بعدی عصر اسلامی، استانهای غربی به پیروی از تقسیمات ساسانی معمول بود؛ و در عصر اسلام ماه بصره نیز دو حاکم نشین داشت: نهاوند و بروجرد که حد وسط درآمد سالیانه

۱ ـ جغرافیای غرب ایران نوشتهٔ دمورگان بـرگردان دکتر کاظم ودیعی. صفحهٔ ۱۵۵.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

و مالیاتی آن که به بصره فرستاده میشده است ۸۰۰ هزار درهم عنوان شده است .

با بررسیها و نظری دیگر ، «پهلو» یا پهله نام سرزمینی بوده که شاهنشاهان اشکانی ، نخست در آن بپادشاهی آغاز کرده اند که شامل اصفهان ، ری و همدان و کرمانشاهان و دینور و ماسبذان و مهرجانقذق و نهاوند ، ماه بصر ، و ماه کوفه و سیمره ، قم و قزوین و کومش و آذربایجان می باشد . یعنی سرزمین عراق و کرمانشاهان و همدان و لرستان و خوزستان و آذربایجان امروز .۱

حتی در تقسیمات جغرافیائی جغرافی دان ارمنی بنام موسی خورنی ، از بروجرد پیش از اسلام نامی برده نشده است . از اینجهت است که آگاهی ما در بارهٔ بروجرد از دوره اسلام آغاز میشود ، تنها صحبت در باره کلمه «گرد» و کلمات مختوم به این کلمه است که باز چیزی دست نمیدهد .

لسترنج نیز نظر اتیکه پیش از این صاحبان مسالك و ممالك در آثار خود آورده نقل کرده و اضافه نموده است : (که پس از آنکه حموله وزیر خاندان ابودلف که ذکرشان گذشت در آنجا مسجدی ساخت ، بر آبادی آن شهر افزود) و نیز به نقل از ظفرنامه شرف الدین علی یزدی مینویسد : (چندین جا در شرح جنگ های امیر تیمور از بروجرد که آنرا بصورت ، و بروجرد

۱ـ رجوع شود به تاریخ تمدن ایران ساسانی از انتشارات دانشگاه ؛ تألیف شادروان نفیسی صفحات ۲۸۶-۲۸۷ و ۳۱۵

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

نوشته است ، نام برده و گوید بفرمان امیر تیمور قلعهٔ آن موسوم به ارمیان از نو ساخته شد۱.)

در یادداشتهای آقای دکتر شهیدی ، برگی مربوط به کلمهٔ بروجرد به نقل از شادروان استاد پورداوود ، دیدم که استاد از شادروان مینورسکی نقل کرده بود که نام «ویرو» Wiroy که در داستان ویس و رامین آمده و مربوط به عهد اشکانیان بوده ، همان است که بعدها بروجرد (در جنوب گوراب) شده است و نام شهر بروجرد از همین نام خاص مشخص است.) و بعد به استناد ظفرنامه ، جلد اول که کلمهٔ (وروجرد) را آورده است شاهدی بر مدعا ذکر شده است .۲

گرچه این اسم همانطوریکه اشاره شد به شکل‌های مختلف نوشته شده ولی باتمام اینها ، از محل و چگونگی و موقعیت جغرافیائی عهد ساسانی آن ، اطلاع درستی نداریم.

ابودلف الخزرجی ، مسعر بن المهلهل هم ، ضمن سفر خود به ایران در سفرنامه‌اش از نهاوند به کرج (منظور کرج ابودلف و آستانه کنونی اراك است) مینویسد: سپس از آنجا (یعنی نهاوند) به کرج رفتیم۳. و معلوم است مسیر اصلی که به بروجرد میآمده و از آنجا به کرج میرفته طی نکرده و شاید از راه میان بری که در آنوقت بوده عبور

۱ـ از یادداشتهای آقای دکتر جعفر شهیدی. باسپاس از لطف ایشان .

۲ـ سرزمینهای خلافت شرقی نوشتهٔ لسترنج؛ ترجمهٔ محمود عرفان صفحات ۲۱۶ و ۲۱۷.

۳ـ سفرنامه ابودلف در ایران ، برگردان آقای ابوالفضل طباطبائی ؛ صفحهٔ ۷۱

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کرده‌است. زیرا اگرازاین شهر میگذشت، شرحی از آن مینگاشت. امیداست تحقیقات فاضلانه اساتیدو کاوشهای باستان‌شناسی، مجهولات را آشکاروبرای ما آگاهیهای زیادی در برداشته باشد.

درباره وجه تسمیهٔ آن هم، اطلاع دقیقی در دست نیست و از اینجهت هرچه هم گفته شده مبنای حدس و گمان دارد نه علمی.

زیرا تنها با کلمه (گرد) بمعنی شهر نمی توان مطلبی کلی یافت.

اما با کیفیت مشخص و شهرتی که در سده‌های اول اسلامی داشته، پس از نفوذ اسلام از، اهمیت زیادی برخوردار بوده‌است که امکان این اندیشه را بمیان می آورد که در عصر پیش از اسلام هنوز حالت شهر نداشته است و رونق آن از دورهٔ اسلام شروع شده‌است.

تپه‌هایی که در دشت جنوبی بروجرد موجود است آثار سفالی حتی هم‌زمان باگیان دارند و بخوبی نشان میدهد که این رابطه در سراسر این دشت برقرار بوده‌است. که در جای خود به آنها اشاره خواهد شد.

سیاحان و جغرافی نویسان اسلامی از آن با املاءهای مختلف در آثار خود ذکر کرده‌اند از آنجمله استخری مینویسد:

(ورو گرد شهری فراخ نعمت است و وزرای آن آل بودلف را بوده است. درازا چندنیم فرسنگ باشد و زعفران خیزد از آنجا[۱].

ابن فقیه همدانی، حوالی ۲۹۰ هجری بنام بروجرد از آن اسم برده

۱ـ مسالك وممالك اصطخری به اهتمام آقای ایرج افشار ذیل (ذکر دیار کوهستان،) ص ۱۶۵.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بدون توصیف و شرحی ۱ .

صاحب حدودالعالم مینویسد : (پروگرد شهر کیست خرم و با نعمت. از وی زعفران و میوه های نیك خیزد ۲

درمشترك یاقوت حموی ، توصیفی از بروجرد ندارد ، ولی ذیل کلمه «رازان» قسمت ۲ مینویسد : (رازان کوی بزرگی است در بروجرد و از منسوبان بدان ، ابوالنجم بدر پسر صالح پسر عبدالله رازانی فقیه . ابوسعد ، نام وی را در شیوخ خویش آورده است و گفته است در غرّه سال ۵۴۷ در گذشته است. ۳) بروجرد از سال ۳۸۸ هجری به تصرف بدر پسر حسنویه برزیکانی در آمد. ٤

حمدالله مستوفی در نزهة القلوب در نیمه اول قرن هشتم درباره بروجرد مینویسد :

بروجرد ـ از اقلیم چهارمست وشهر بزرگ و طولانی و درو دو جامع عتیق و حدیث بوده است . آب و هوایش وسطست و شرابش نیکوست و درو زعفران بسیار بود ۵ .

صاحب مجمل التواریخ والقصص نیز در توصیف آن مینویسد :

۱ـ البلدان (ترجمه مختصر) بابرگردان ح ـ مسعود صفحهٔ ۹۵.

۲ ـ حدودالعالم بکوشش آقای دکتر منوچهر ستوده شماره ۷۲۷ انتشارات دانشگاه تهران صفحهٔ ۱٤۱.

۳ـ برگزیده مشترك یاقوت حموی برگردان آقای محمد پروین گنابادی ؛ صفحهٔ ۹۲. ٤ـ شرفنامه بدلیسی چاپ علمی صفحهٔ ٤۰ .

۵ـ نزهة القلوب، به کوشش آقای دبیرسیاقی؛ صفحهٔ ۷۸.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بروجرد: وزیر آن بودلف فرمودست شهـری فراخ و پرنعمت است و بسیار میوه؛ واز آنجامیوه بدیگر مواضع برند[۱].

بازمستوفی درتاریخ گزیده از بروجردبعنوان یکی ازشهرهای «لرکوچك» درقرن هفتم نام برده ومینویسد:

(درولایت لرکوچك، سه رودخانه است یکی آب سیلاخور که به‌دزپول‌میرود و دیگررودخانهٔ خرم آباد که به‌حویزه میرودو رودخانه کژکی که‌ازراه دزپول‌میرود.

وازشهرهای آنجا، سه، معموراست: بروجرد و خرم آبادو شاپورخواست ۲.) این‌خبرنشان‌میدهد ازاین تاریخ هم بروجردجزء لرستان‌محسوب‌میشده‌است.

در ظفرنامه هم، درشرح حملهٔ امیرتیمور به‌لرستـان نیز کلمه (وروجرد) ذکرشده وچنین آورده‌است:

(چون‌حضرت‌صاحبقران، سپهراقتدار درموضع شهریار رسید بازازلشکرجماعتی‌برگزید و امیرزاده میرانشاه را با بقیه سپاه آنجا بازداشت‌وفرمودکه‌چندان‌توقف‌نمایدکه‌اغرق‌ازاسترآباد برسدوخود بنفس مبارك باآن‌گروه گزیده‌متوجه صوب(وروجرد) شد و بتعجیل تمام‌براند.) پس‌از بیان‌وقایعی‌چنین‌ادامه‌داده‌است:

(....وآن‌حضرت‌روزجمعه غره ربیع‌الاخر بمبارکی و طالع

۱ـ مجمل‌التواریخ‌والقصص به‌تصحیح‌شادروان‌بهار، صفحهٔ ۵۲۳.
۲ـ تاریخ گزیده حمدالله‌مستوفی چاپ‌امیرکبیر صفحهٔ ۶۶۱

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

سعد به وروجرد نزول فرمود و امیرزاده عمر شیخ از ترون گذشته بپایه سریر اعلی رسید و اجازت طلبید. به‌مور چل خود، بجوانغار رفت و حضرت صاحبقران، سیف‌الدین قلداش را بکوتوالی قلعه وروجرد[1] نصب فرمود[2] ...)

دمورگان سیاح و باستان‌شناس نامی، با هیأت علمی خود از بروجرد دیدن کرده است و شرحی آورده که مختصری از آن نقل میشود:

(ملایر و بروجرد بخشهایی‌اند بغایت پرجمعیت و آباد، دهات بزرگ، بسیار بهم نزدیکند و درجلگه معمولا بر روی تپه کوچك مصنوعی یا طبیعی بناشده‌اند. درمناطق بیشتر حادثه دیده، ده‌ها، بر دامنهٔ کوهپایه‌هاست. درهردو صورت، این امر برای اجتناب از رطوبت است؛ وسکنه، خانه‌های خود را دربالای سطح مزارع خود که دائماً مشروبند و موجب تب‌های مضر میگردند، میسازند.

سه مرکز جماعت عمده عبارتند از بروجرد و نهاوند و دولت آباد. اولی حاکم‌نشین لرستان است، دومی حاکم‌نشین ملایر است و این افتخار با دولت آباد تقسیم میگردد.

بروجرد اگر از روی بناهای کمی که دارد قضاوت کنیم، بنظر نمی‌رسد شهری خیلی قدیمی باشد. هرچند هم سکنه، بنا و احداث آن

۱- ظاهراً منظور از قلعه وروجرد همان قلعه رومیان است که برای اطلاع بیشتر به شرح تپه (قلا رمیان) درصفحات بعد مراجعه فرمائید.

۲- ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی چاپ امیرکبیر تصحیح آقای محمدعباسی جلد اول صفحات ۴۲۰ و ۴۲۱.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

رابه‌سانیان(خسرو)نسبت‌دهنده.

این‌شهر تقریباً مشتمل‌بر ۲۰ هزار نفوس است و خوب و تمیز ساخته شده و در اطراف آن ازجمله باغات زیبا، یکی‌باغ‌شاه‌است که‌بلحاظ چنارهای زیبایش قابل توجه است و سابقاً فتحعلیشاه در آنجاقصری‌داشته‌است‌که امروز جزخرابه‌های‌بی‌شکل وقواره‌ای، از آن‌بجای نمانده‌است.

بازار بروجردکاملا پرآذوقه و وسیع است و دارای یك کاروانسرای‌زیباویك دفتر پست‌وتلگراف میباشد.

سابقاً بروجرد محصور به حصاری بوده‌که هنوز خرابه‌ها و دروازه‌های‌آن برجا؛ دیده میشود .امابعلت حضور دائمی پادگان‌ها و ترسی‌که‌تفنگهای‌خان‌دار دور زن، به‌کوچ‌نشینان القاءکرده این دفاع بیفایده‌شده است ۱

بااین‌توضیحات وشواهد بروجرد شهری است‌که بنای آن از دورهٔاسلامی یعنی از قرن سوم‌هجری آغازشده‌است.

بروجرد امروز

بروجردتاقبل‌از تغییرات‌فعلی‌شهری، دارای‌بافت‌قدیمی‌وبسیار

۱ ـ جغرافیای‌غرب ایران،نوشته‌ژاك دومورگان، ترجمهٔ آقای‌دکتر کاظم ودیعی‌صفحات ۱۴۴ تا ۱۵۵ .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

زیبائی بود و اکنون نیز ساختمانهای قدیمی و مسکونی بسیار زیبایی بادر وپنجره‌ها و ارسی‌های قدیمی دارد؛ ولی بیشتر بناهای خوب آن بعلت نامجوئی‌های شهرداران، باکشیدن خیابانهای عریض وطویل آنها را خراب کردند و برحاشیه خیابانهای کشیده‌شده، بناهای رنگ و روغن زده و بی‌مایه از هنرمعماری و زیبائی، بجای آثار ارزنده قبلی ساخته‌اند

بازار کهنه بروجرد اکنون هم‌طرح قدیمی خود را حفظ کرده و صنوف مختلف در هر گوشه آن بکار مشغولند. بناهای قدیمی دیگر آنرا نیز با کمال تأسف آهنی و یاآهن پوش کرده که اکنون خوشبختانه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی و وزارت فرهنگ و هنر برای احیای برخی از این بناها و بحال اول برگرداندن آنها میکوشد. ولی حقیقتی تلخ است که نوگرایی بی‌مایه و هنر امروز، چنان در مردم اثر کرده است که آثار زیبای قدیمی را خراب کرده و بجای آنها آثاری بی‌ارزش میسازند و یا باالحاقی‌های بیهوده، آنها را از رونق میاندازند. بهرصورت اگر بروجرد بهمین خیابانهای موجود اکتفا کند، با آثاری که دارد میتواند یك شهر جاذب توریست باشد.

آثار بروجرد

در دشت جنوبی بروجرد تپه‌هایی است که از نظر شناسائی دارای اهمیت بسیارند، متأسفانه روستائیان، ناآگاه، قسمت‌هائی از این

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آثار را کنده و به‌زمینهای زراعتی خودبرده‌اند یا برروی آنها ساختمان کرده‌اند. بعضی از این‌تپه‌ها از دوره پیش از تاریخ آثاری رادارا هستند .

تپه‌قرق[۱]

تپه‌قرق‌درروستائی بهمین‌نام در ۲٤کیلومتری جنوب خاوری بروجرد، و برجانب شرقی‌راه‌اسفالته سراسری قرار دارد . تا پنج طبقه دراین‌تپه مشخص و آشکاراست .

سفالهای منقوش هم‌زمان‌گیان و نیزکوهدشت لرستان‌در آن مشاهده‌شد. درساختمان ظروف‌سفالی‌همان ظرافتی‌که درآثارگیان بکاررفته مشاهده‌میشود . نقشهای سفالها برنگ‌اخرایی و به اشکال هندسی و یا سبدباف است . سفالهای تمدن دوره‌های‌بعد،از جمله عصراشکانی نیز در این‌تپه مشاهده‌شد.

تپهٔ (قلابایی[۲])

این‌تپه در روستایی بهمین‌نام در٤کیلو متری بروجرد واقع

۱-Ghorogh

۲-Ghelâbâyi: درگویش‌محلی(قلا)بمعنی قلعه است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شده‌است. آثار سفالی این تپه نیز مهم بوده‌است و آثاری مشابه طبقه زیرین تپه قرق دارد:

تپهٔ قلارمیان «رمیو»

در روستای «رمیو[۱]» یا «رمیان» تپه‌ای است نسبتاً بزرگ که بنام همین روستا مشهور است. این روستا بعلت گسترش شهر بروجرد اکنون به شهر نزدیك است و فاصله آن تقریباً ۳ کیلومتر است. (تصویر شمارهٔ ۱)

آنچه از این تپه باقی است، نشان دهندهٔ آنست که آثار چندین تمدن را میتوان در آن باز یافت.

با آخرین خبر، حتی تا قرن نهم یکی از قلعه‌های مهم بوده‌است.

صاحب منتخب التواریخ معینی دربارهٔ بحکومت رسیدن ملك عزالدین، یکی از حکام و اتابکان لرکوچك شرحی دارد که از آنجمله مینویسد:

(ملك عزالدین درسن ۱۲ سالگی بتاریخ خمسین و سبعمایه بر سریر حکومت پدر بحکم ولایت عهد بنشست. مردی مبارك نهاد، لطیف طبع و فاضل و عاقل بود. وزارت خود را به خواجه محمود بن محمد چاغری رجوع کرد. و درایام دولت خود باصلاح خراببهای لرستان مشغول شد. و باندك زمانی بمرتبهٔ اول رسید ..... بعداز آنکه درسنه

۱- Remiyo

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تسعین وسبعمایه (۷۹۰ هجری قمری) حضرت سلطان غازی، انارالله برهانه ، اورا درقلعهٔ «رومیان» که به نیم فرسنگی وروجرد واقع است، محاصره کردواورا باسایر فرزندان دست گیر کردو بسمرقندبرد... ۱)

بااین توصیف دراین زمان قلعه رومیان معمور و آبادان بوده ونام قلعه هم «رومیان» ضبط شده و فاصله آن امروزهم همانست که ذکر شده است. درظفرنامه نیز بهنگام حمله تیمور درقرن هشتم هجری به لرستان از آن بنام قلعه وروجردنام برده شده که بفرمان تیمور؛ یکی ازامرای او بنام سیف الدین قلداش به کوتوالی آن منصوب شده است ۲

در شرفنامه بدلیسی، همین واقعه و نام قلعه راچنین ذکر کرده است :

ملك عزالدین قائم مقام پدر شده، سلاطین عراق با او پیوند کردند ومرتبهٔ بلند یافته عالیجاه شد. امیرتیمور گورکان ، از قلعه «وامیان» که نیم فرسخی بروجرداست، اورابعدازمحاصره ، درسنه ۷۹۰ بیرون آوردبه سمرقندفرستاد . ملاحظه میشودکه در اینجا وامیان که همان رامیان است ، ذکر شده است واشتباهاً «ر» «و» نوشته شده است ۳

تپه های مهم دیگری دراطراف و بخشهای بروجرد واقع شده و به شرح زیر اند:

۱ـ کتاب منتخب التواریخ معینی نطنزی به تصحیح ژان اوپن چاپ خیام؛ صفحات ۶۴ و ۶۵.

۲ـ ظفرنامه شرف الدین علی یزدی، چاپ امیرکبیر جلداول ؛ صفحهٔ ۴۲۱.

۳ـ شرفنامه بدبدلیسی ، صفحهٔ ۷۲

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۱ـ تپه عزیز آباد واقع در روستای عربان چالان‌چولان، بفاصله ۲۴ کیلومتری بروجرد؛

۲ـ تپه سین آباد در روستای «در آستانه» ۱۲ کیلومتری بروجرد.

۳ـ تپه‌ولیو [۱] در روستایی بهمین نام در ۲۴ کیلو متری جنوب غربی بروجرد، کنار جاده سراسری.

۴ـ تپه‌شاهزاده ملك، واقع در روستای آفرینه در ۲۷ کیلومتری جنوب بروجرد؛

۵ـ تپه‌چالان‌چولان در روستایی بهمین نام واقع در ۳۵ کیلو متری جنوب بروجرد؛

۶ـ تپه سیاکله؛ در دهکده‌ای بهمین نام در بخش دورود [۲]

۷ـ تپه‌سنگر در روستای سنگر واقع در بخش دورود.

۸ـ تپه«رزور۳» در روستایی به‌این نام در دورود.

۹ـ تپه «سمبه‌ده۴» در روستای سمبه‌ده دورود.

۱۰: تپه «کلنگنه۵» در روستایی به این نام در بخش دورود.

و نیز تپه‌های زرگران علیا و سفلی؛ لوان، کاغه، چغادران، چغاده و قلعه‌زال رامیتوان نام برد.

۱- Veliyo

۲- قبلا نام دورود را بین‌النهرین میگفتند. بعلت آنکه ملتقای دورود خانه است که یکی از کوههای گری و بروجرد ولرستان سرچشمه میگیرد و دیگر در کوههای بختیاری و در دهانهٔ تنگه دورود بهم می‌پیوندند و باهم رود دزیاسزاررا تشکیل میدهند که اکنون سد محمدرضاشاه (دز) دراندیمشك بر روی آن زده شده است.

۳- Rezvar ۴- Sombedeh ۵- Kolangone

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

امامزاده جعفر

درشرق‌شهر بروجرد؛ وتقریباًدرانتهای خیابانی که‌اخیراً کشیده شده و بنام خیابان جعفری موسوم است ، درشمال انتهای خیابان درمیان گورستانی قدیمی بقعه‌ای‌است‌مطبق وبسیار جالب که نمونه‌ای ازمعماری‌عصرسلجوقی است (تصویرشماره۲)

طبقات‌بقعه۱۸ طبقه‌است، غیراز مخروطی انتهایی که گچ کاری شده‌است.

اندازه‌کل زیربنای‌مقبره ۲۲×۲۰ مترو ارتفاع گنبد نزدیك به ۲۵متراست .

اصل‌قبردرطبقه‌ای‌زیرمعجرکنونی قراردارد و بوسیله ٦پله‌از کف‌حرم‌پائین‌میرود. آنچه‌که‌تقریباً یکدست‌وسالم مانده‌است طبقات بقعه‌است. والا ، نمای‌اطراف‌حرم ، اصالت‌معماری‌اصلی‌راازدست‌داده وبسرو‌ردر آن‌تغییراتی‌داده‌اند.

درگاه‌ورودی‌مقبره، شرقی‌است‌ودارای‌دودستك‌یانشیمن‌است ، که همگی باکاشی‌های عصر صفوی و قاجاری مزین بوده ، که تعدادی‌ازکاشیهارا برداشته‌یاشکسته‌اندوروی آنهارا باگچ ، پرویاسفید کرده‌اند ۱.

۱ـ اخیراً اداره کل فرهنگ‌وهنرلرستان با اعتبارات سازمان ملی حفاظت‌آثار باستانی و کمك‌اداره‌اوقاف‌بروجرد تعمیرات؛ اساسی آنرا باکیفیت‌اصالت بنا؛ مطابقت داده‌وهنوزاین کارادامه‌دارد.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بر درگاه، دری از چوب کارگذاشته شده به اندازه ۱/۵×۲ متر که بر روی آن کنده کاریهائی جالب توجه و نیز بر حاشیه آن آیاتی از قرآن کنده شده و تاریخ ساختمان این در، ۱۲۰۳ هجری قمری نوشته شده است. نام استادسازنده آن نیز علی اصغر بروجردی ذکر شده است. بانی این در، شخصی بنام تقی خان بوده است که بالای سر درگاه برسنگی این اشعار نوشته شده :

سپهر رتبه تقی خان که شبه او هرگز
ز دودمان بشر مادر زمانه نزاد
رواق جعفر موسی که چون دل عشاق
شکسته بود ز آسیب این خراب آباد
بسعی همت او در زمانه شد اکنون
چو طاق ابروی خوبان گره گشای مراد
بعقل از پی تاریخ او سروشی گفت
(بگو معین تقی جعفر بن موسی باد)

که همانطوریکه اشاره شد باحساب ابجد در مصراع آخر، در سال ۱۲۰۹ رواق بیرون یعنی کفش کن تعمیر و تجدید طاق شده است.

بر اطراف در نیز اشعاری بر روی چوب در کنده شد، که تاریخ ساختمان آنرا چنین ذکر کرده است :

از پی تاریخ اتمامش شد این ورد حسین
(برگشا یا رب ببانی باب لطفی از کرم)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

که بحساب ابجد ۱۲۰۳ هجری قمری میشود .

این در به کفش کن حرم باز میشود که طول و عرض آن ٤ × ١٦/٥ است. پس از کفش کن، رواقی است به پهنای ٤ متر که در دو طرف آن چند حجره کوچك ساخته شده و اکنون مقبرهٔ خصوصی بعضی از اهالی بروجرد است.

این کفش کن و رواق؛ دارای اطاقی بزرگ و چند زنجیره است که با آجر ساخته شده است و مقرنس هایی در زوایای آن بکار گرفته شده است. در ورودبه حرم اصلی و محل ضریح، از چوب ساخته شده ولی چنان کنده کاری و منبت کاری زیبائی برروی لنگه های در و حاشیه آن پیاده شده که هر بیننده را مدتها بخود مشغول میسازد. و شاهکاری از هنر دورهٔ صفوی است .(تصویر شمارهٔ ۳)

اندازهٔ چهار چوب در، ۱/٦٦×۲/۳۵ متر و دارای دو لنگه در است، که اندازهٔ هریك ۵۲×۱۷۵ سانتیمتر می باشد. بربالای در؛ کتیبه ای است باخط نسخ بسیار جالبی بطول ١٦٦ و پهنای ۸ سانتیمتر کنده شده و متن آن چنین است:

(قسمتی زیر گچ رفته بود) .... فی ظهور امامزاده عظیم الشأن سیدالسادات فی العالم ؛ امامزاده جعفربن موسی الکاظم علیه السلام فی تاریخ سبع و عشر و تسعمائة (۹۱۷) .

براین درزنجیری ازدوطرف هرلنگه در به زنجیری که ازچوب سردرآویزان است قلاب شده است . (به تصویر شمارهٔ ۳ توجه فرمائید.)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

نام بانی بر کتیبه دیگری برروی چهارچوب چنین نوشته شده است.

(بانی حسین بن محمود داوردیا). وهمین حسین بن محمود در سال ۹۳۷ هجری قمری فوت نموده و درکنار حجره شمالی دفن شده و بر سنگ مرمر سیاه رنگی که بر کناره راست درگاه حرم بر دیوار نصب است باخط نسخ چنین نوشته شده است، (هذا قبر حسین بن المحمود داوردیا. فی تاریخ ۹۳۷.) (تصویر شمارهٔ ٤٤).

ضمناً بر اطراف وحاشیه در چوبی کلمات «الله» مکرر گچ بری شده است که کار گچ بری آن چندان جالب نیست.

برسمت جنوبی کناره درگاه، سنگ قبر دیگری از مرمر به اندازهٔ ۳۸×۵۰ سانتیمتر بر دیوار نصب شده که برحاشیه آن آیاتی از قرآن به صورت برجسته حجاری شده است. ظاهراً نامی که اکنون بر آن کنده شده نام صاحب اولی این سنگ نیست وممکن است بر این سنگ دوبار نام منوفی کنده شده باشد؛ سنگ قبر مربوط به خانمی است بنام «شاخاتون». برروی این سنگ چنین نوشته شده است: (وفات یافت عصمت و مرحمت پناه شاه خاتون بنت پورقلی سنه ۱۲۰۶).

داخل حرم هشت ضلعی است و دروسط معجری از چوب وورشو ساخته قرارداده شده ولی همانطوریکه اشاره شد اصل قبر در طبقه زیرین قرار دارد که سردابه آن باطاق آجری به بلندی ۳ متر زده شده . اصل قبر ۲/۷۰×۱۰/۳ متر است ازسنگ مرمر حجاری شده.

در مورد صاحب قبر ، مردم اورا فرزند امام موسی کاظم (ع)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

میدانند ولی یکی از حضرات روحانیون که برای آگاهی از مدفون این بقعه بحضورش رفته بودم گفتند که نام اصلی صاحب این قبر عبدالله ابن الحسن المکفوف ابن الحسن الافطس ابن علی الاصغر ابن الامام علی بن الحسین علیه السلام است و این بیت را از کتاب منظوم مرحوم آقا سیدحسین بروجردی موسوم به منظومه نخبة المقال فی علم الرجال نقل کرد .

وذوالکرامات ابن ظلم مادونا
وفی البروجرد شهید أدفنا

و در یادداشتهای آقای استاد دکتر جعفر شهیدی از صاحب بقعه چنین یادشده :

ذکر من ورد بروجرد من ولد الحسین بن علی بن ابی طالب ثم من اولاد الحسن الافطس منهم من ولد الحسن المکفوف بروجرد و مات بها .

(ابوالقاسم جعفر بن الحسن بن علی بن الحسن المکفوف بن الحسن الافطس . عقبة ابوالحسین موسی و ابوعبدالله و ابوالعباس احمد و محمد و علی والقاسم و عن ابی جعفر الحسین النسابه رحمه الله و آخرین فی لیل ذکر من ورد بروجرد من اولاد العباس بن علی بن ابی طالب علیه السلام منهم من ولد الفضل بن ا..... خوانده نشده) بن عباس بن علی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام .). ولی مأخذ ذکر نشده بود.[۱] بهر صورت به‌احتمال زیاد نسبت به ائمه میرساند.

دریکی‌ازحجرات، سنگ‌قبری ازمرمرسفید باخط کوفی بسیار زیبائی‌بودکه‌موقع مغتنم‌بودوازآن‌عکسی گرفتم و باکمك‌جناب آقای دکترمنوچهرستوده استاد عزیزآنرا خواندیم.سنگ قبرمربوط به‌زنی بوده‌است.بروسط سنگ نوشته‌شده بود.

کل‌نفس‌ذائقةالموت والیه ترجعون. وبرحاشیه آن چنین‌نوشته شده‌بود:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. هذاقبرست النساء بنت‌العباس بن‌حسن بن‌عباس رحمهاالله و غفرلها مات سنة احـدی و خمس‌مائه) (۵۰۱ هجری‌قمری. [۲])تصویرشمارهٔ ٦ .

مسجد جامع

درقسمت شرق بروجرد، مسجدی است قدیمی‌وجالب. واز

۱-ازچهاربرگ پی‌درپی از یادداشتهای‌جناب‌آقای دکتر جعفر شهیدی نقل شد. باسپاس‌ازلطف‌ایشان.

۲- این‌سنگ مرمری‌زیبارا به‌خادم‌آن‌که‌منزلش‌نیز در پشت‌حرم‌بود، سپردم (یعنی‌درسال ۱۳٤٦).سال بعدکه مراجعه‌کردم خادم‌فرارکرده‌بودوسنگ‌رانیزبا خود برده بود وهنوزمادرش از نذورات بقعه‌اعاشه‌میکرد . به‌پدرزن‌خادم‌آقای مکی که دربروجرد صحاف‌است موضوع‌را گفتم و سنگ راطلب کردم. اواظهار بی‌اطلاعی‌میکرد. ولی‌معلوم‌بودکه درگفتارش صداقت‌نیست. بهرصورت سنگی نفیس‌بودهم ازنظرحجاری‌وهم‌ازنظرخط.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بناهای کهن شهر محسوب است. ظاهراً این مسجد یکی از دو مسجدی است که حمدالله مستوفی در نزهت القلوب عنوان کرده است که در برو جرد دو جامع عتیق و حدیث بوده است. [۱] (تصویر شمارهٔ ۷) [۲] و قدیمی‌ترین مسجد شهر است:

اهالی معتقدند که بنای اصلی این مسجد آتشکده بوده است؟!؛ ولی آنچه که مؤید این نظر باشد و نشانه‌ای برای اثبات این ادعا، در بنای کنونی دیده نشد.

مسجد از یك قسمت وسط به طول و عرض ۱۰×۱۰ متر و دو قسمت طرفین هریك به اندازه ۱۰×۲۰ متر تشکیل شده که گنبدبر بنای میانی زده شده و طاق دو جداره داشته است که قسمت گنبدی آن همانطوریکه در عکس دیده میشود سالها پیش ویران شده است. ارتفاع تا کف نزدیك به ۲۰ متر است. در قسمت پائین و مشرف به کف ساختمان میانی، پنجره‌های مشبکی با کاشی سبز ساخته شده که برای هواکش بیشتر از آنها استفاده میشده است.

بر بالای محراب این قسمت و برسراسر آن با آجر و به خط کوفی کلمات مقدسی نوشته شده است. «مشابه آنچه در مسجد جامع اصفهان موجود است» این قسمت اخیراً بهنگام تعمیر آن و برداشتن گچ کاریهای الحاقی، بیرون افتاده و دیوار محراب آن تا نزدیك به ۱/۵ متر با کاشی تیره کاشی کاری شده است. و بربالای آن گچ بری

۱ـ نزهت القلوب بکوشش آقای دبیرسیاقی، صفحهٔ ۷۸.

۲ـ این تصویر، قبل از تعمیرات و ساختن بقعهٔ تازه آن برداشته شده است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

نه‌چندان زیبائی شده‌است و در کادری مستطیل شکل نوشته‌شده‌است.

(بسم‌الله الرحمن الرحیم . الهم صل علی‌محمد و آل محمد)

(تصویر شمارهٔ ۸.)

کفش کن آن نیز دارای طاقی جناقی‌است با لچکی‌های بالای آن‌که تزیین جالبی ندارد.(تصویر شمارهٔ ۹.)

در ورودی آن‌از چوب و دارای دو لنگه‌است و اندازه هر لنگه آن ۷۵×۲۲۰ سانتیمتراست و بر دماغه لنگه شرقی آن دو بیت که‌در مصراع آخر آن ماده تاریخ ساختمان آن ذکر شده، کنده‌کاری شده است.

کرد سلطان محمد ایـن در را
بهر این قبله گاه عجـز و نیـاز
سال تاریخش از خـرد جستم
گفت«از این در درای وقت نماز»

که‌بحروف ابجد سال ۱۰۹۲ هجری قمری‌است. تصویر شمارهٔ ۱۰

این مسجد قبلا گلدسته نداشته‌است. درسال ۱۲۰۹ بـدستور شخصی‌بنام‌نقی‌خان‌رازانی که‌ظاهراً همان‌شخص‌نیکوکاری بوده‌که در بقعهٔ امامزاده‌جعفر نیز کارهائی انجام‌داده، ساخته‌شده‌است. در کنار محراب ، منبری زیبا و ۹مقامی یا۹پله‌ای از چوب ، گذاشته شده‌که برکنارهٔ‌مقام‌یا‌پله‌ششم، این‌دوبیت برای [redacted]ده تاریخ کنده‌کاری شده است.(تصویر شمارهٔ ۱۱ازمنبراست.)

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شکر که از لطف خدای جهان
یافت ز نو زیب، زمین و زمان
از پی تاریخ چنین منبری
گفت خرد «منبر اخلاص‌دان»

که بحروف ابجد تاریخ ساختن آن ۱۰۶۸ است.

متأسفانه بعنوان کار نیك ولی ناآگاهانه درهای مشبك چوبی حجرات آنرا به آهنی تبدیل کرده بودند که خدای را از این کار نیك خوش نیاید. و کاش مؤمنان اجازه ندهند در این بنای زیبا و کهن اسلامی دخل و تصرفی نابجا، بشود.

در قسمت شمالی صحن، شبستانی است که یك متر و نیم کف آن از زمین صحن حیاط مسجد پائین‌تر است. شبستانی بزرگ و بنایی است کهن که دارای ستونهای متعددی است. بر این شبستان دری چوبی کار گذاشته شده است که نقشهای برجستهٔ چوبی دارد.

ورودی مسجد از کوچه‌ای است که از غرب مسجد میگذرد. بر این ورودی دری بزرگ از چوب و تزیین شده بربالای لنگه سمت راست جمله (انا مدینة العلم و علی بابها) و بر لنگه دیگر قرینهٔ نیز کلماتی مقدس نوشته شده است. (تصویر شماره ۱۲) دری زیباست و باکنده کاریهای خوب.

بربالای این در سنگ نوشته‌ای به اندازه ۳۸×۲۵ سانتیمتر نصب شده که برروی آن ٦ سطر برجسته نوشته شده و مربوط به زمان

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شاه‌عباس اول و متن آن چنین است.

سطر ۱ : فرمان همایون اشرف...

سطر ۲ : اقدس اعلی ابوالمظفر شاه عباس...

سطر ۳ : بهادر خان شرف نفاذ یافت...

سطر ٤ : آن که چون ممالك محروسه از نزول...

سطر ۵ : مرفه الحال ند شفقت مرحمت شاهانه نیز ...

سطر ٦ : درباره نزول بر وجرد از لوازم شمرد...

در پائین سطر پنجم تاریخ آن چنین نوشته شده است (بتاریخ اثنی و عشرین و الف ۱۰۲۲) تصویر شماره ۱۲.

ظاهراً بنابه نقل، این فرمان مربوط به همین سال است که شاهویردی خان عباسی از اتابکان لر کوچك به بروجرد حمله کرد و اغورلو سلطان بیات را که از جانب شاه‌عباس به حکومت بروجرد گماشته شده بود کشت و شاه‌عباس پس از واقعه تصمیم گرفت کار شاهویردی عباسی را یکسره نماید. باقشونی به بروجرد آمد و گویا مردم درخواست کردند که شاه عباس به بروجرد نزول اجلال نمایند و این تقاضا مورد قبول واقع شد. هم در این سفر شاه‌عباس به میرخسرو دستور داد تا برادر خود بنام میرحیدر گودرزی را که از اعیان بروجرد بود در مقابلش شکم درید. [۱]

۱- برای آگاهی بیشتر به صفحات ٤٦۵-٤٦۹، ٤۷۱؛ ۵۰۱، ۵۳۷؛ ۵۳۸ و ۵٤۱ تاریخ عالم‌آرای عباسی نوشتهٔ اسکندربیك و نیز جلددوم کتاب زندگانی شاه‌عباس نوشتهٔ آقای نصرالله فلسفی صفحات ۱۲۹ و ۱۳٦ مراجعه شود.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بقعهٔ شاه زواریون *

در ۵ کیلومتری شمال بروجرددرمحلی بنام زواریون بربالای بلندیها، گورستانی است قدیمی و کهنه. درکنار این گورستان بنای زیبایی آجری قراردارد که ازیك بقعه بلندهرمی ۸ ترکی و دو استراحتگاه در طرفین آن تشکیل میشود. (تصویر شمارهٔ ۱۴)

در مقبره بسوی جنوب باز میشود. حریم آن بطول ۲۸×۲۵ متر باآجر محصور شده است. کفش کن مقبره فضائی است به طول ۶ متر و عرض ۳ متر، که در دو طرف آن دو دهلیز یادومکان برای اقامت و استراحتگاه زائران ساخته شده است. طول و عرض اقامتگاه شرقی ۲×۱۰ متر و غربی ۴/۵×۱۰ متراست. درشرقی پهن تر از غربی است.

این گنبد ۸ ترك، دو جداره بوده ودیوارو پایه پشت آن باسنگ چیده شده که قسمتهائی از آن نیز ویران شده است. (تصویر شمارهٔ ۱۵)

درداخل مقبره قبری با معجری ساده از چوب ولی سقف آن گچ بریهائی به نقش ستاره دارد. (تصویر شمارهٔ ۱۶)

برای شناسائی مقبره به اتفاق دوست عزیزم شادروان حاج

---

*- درسفر برای دیدن این بنا دوست عزیز و یکرنگم شادروان حاج علی محمد حجتی که عمری صادقانه دردوستی پایدار بود مراهمراه و هم گام بودو کمکش برای من ارزنده. متاسفانه ایشان درسال ۱۳۵۳ بعلت حادثه اتومبیل در راه بروجرد به اراك برحمت ایزدی پیوست. یاداو وصفای باطنش برای من گرامی است،

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

علی محمد حجتی که خود از معاریف بروجرد بود به دهی رفتیم در اطراف آن دهی بنام (آقائی) . از معمرین و ریش‌سفیدان درباره صاحب این بقعه پرسش کردیم ولی کسی آگاهی و اطلاعی نداشت و میگفتند اخنوع پسر نوح است. ؟!

نگارنده بابررسیهایی که نمودم ممکن است بتوان گفت که این گنبد متعلق به سلطان برکیارق پادشاه سلجوقی باشد. زیرا به نقل مورخین ابوالمظفر رکن‌الدین سلطان برکیارق در سال ۴۹۸ عازم بغداد شد و در بروجرد بعلت بیماری «بواسیر» در روز پنجشنبه دوم ربیع‌الاخر سال ۴۹۸ درگذشت.[۱] و بروایت حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده سلطان برکیارق عزیمت بغداد کرد و در راه رنج سخت شد، پسر خود ملکشاه را ولیعهد گردانید و باتابك ایاز سپرد و در دوازدهم ربیع‌الاول سنهٔ ثمان و تسعین واربعمایه به بروجرد درگذشت . بیست و پنج سال عمر داشت و دوازده سال و هشت ماه پادشاهی کرد.[۲] این تنهایك استنباط است . درصورتیکه برخی معتقدند جنازه برکیارق به اصفهان برده شد و در آنجا مدفون گردید . در اینصورت نام مدفون نامعلوم خواهد بود*

۱- تاریخ جهان آرا، صفحهٔ ۱۰۹.

۲- تاریخ گزیده حمدالله مستوفی به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی، صفحهٔ ۴۴۴ .

*- بنابه تأکید و اظهار دانشمند محترم آقای دکتر لطف‌الله هنرفر استاد دانشگاه اصفهان قبر برکیارق در اصفهان است. بدینوسیله از توضیح ایشان سپاسگزارم .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بقعهٔ محسن بن‌علی

برسینهٔ کوه‌مشهور به «دیارگاه» بفاصله ۲۸ کیلومتری جنوب شرقی بروجرد، روستایی‌است باقناتها وچشمه‌های‌پرآب‌وپردرخت‌و باغهای‌میوه ودرختان گردو وچنار کهنسال . دهی است پرنفوس‌و خانه‌های‌روستایی‌بهم‌متصل .

برقسمت‌شمالی‌وبالای‌ده، بقعه‌ای‌است که‌باسنگ‌و آجرساخته شده است.

طاق ایوان کفش‌کن‌آن فرو ریخته و اهالی آنرا تیرپوش کرده‌اند . طاق بنا نیزکار جالب توجهی از معماری نیست . گنبد مخروطی‌شکل‌آن‌بربنائی هشت‌ضلعی‌که هرضلع آن۲/۵ متراست بنا نهاده‌شده‌است. (تصویرشمارهٔ۱۷) روی‌گنبد را با موزائیك و کاشی پوشانیده‌اند .

ارتفاع بقعه‌تقریباً ۱۳متراست. دروسط‌قبری‌است‌که بر روی آن ضریحی ازچوب‌ومشبك بانقش‌ستاره‌ای‌گذاشته شده‌است.

در ورودی آن چوبی‌است باتیکه‌کاریهائی به‌اشکال هندسی به‌بلندی ۱/۷۰ متر دری‌است‌قدیمی‌وعاری‌ازهنری‌فوق‌العاده.(تصویر شمارهٔ ۱۸)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

به اعتقاد مردم، این بقعه به محسن بن علی از اعقاب امام زین العابدین تعلق دارد. ولی هیچ کتیبه و یا نوشته‌ای برای آگاهی بیشتر بدست نیامد.

بقعهٔ ویلیو یا ویلیان

در ۲۴ کیلو متری جنوب غربی بروجرد بقعه‌ای است که از نظر معماری و بناکاری چندان جالب نیست و فرم بنا نمیتواند خیلی قدیمی باشد مگر قسمت طاق حرم، ایوان گلدسته‌های آن نیز قدیمی نیست. (تصویر شمارهٔ ۱۹)

درباره صاحب بقعه آگاهی درستی بدست نیامد. آقای حسین حزین در کتاب خود بنام تذکره حزین صاحب قبر را «ابوالعباس احمد بن ابراهیم» وزیر دانسته و مأخذ نقل قول خود را ذکر نکرده و اطلاع بیشتری دست نمیدهد.

در اطراف بقعه، گورستانی قدیمی از قرن ششم هجری بجاست. اغلب سنگ قبرهای آن بخط کوفی است و تاریخ یکی از آنها ۵۸۶ هجری نوشته شده بود.

مقبره شاهزاده ابوالحسن

خیابانی که اکنون در میدان رازان بسوی شمال میرود و به

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

خیابان صفا مشهور است، قبل از کشیده شدن خیابان محلهٔ میر نامیده میشده است. در محلهٔ میر، مقبره‌ای است که اکنون در گاه آن به خیابان باز میشود، و مورد احترام اهالی بوده و به شاهزاده ابوالحسن مشهور است و ساختمان آن تجدید بنا شده است.

بنای مقبره، شامل صحن کوچکی است و پس از آن ایوانی است مربع شکل ۴/۵×۴/۵ متر، حرم آن هشت ضلعی است و بلندی طاق آن نزدیک به ۶ متر است. در وسط دو ضریح چوبی و آهنی گذاشته شده و درمیان آنها، قبر قرار دارد. بر روی قبر، سنگی از مرمر سفید به اندازه ۳۳ × ۸۶ سانتیمتر گذاشته شده و بر وسط آن کلمه‌ای که نام صاحب قبر است عمداً تراشیده شده است و متن آن چنین است:

وسط آن نوشته شده: هذا قبر.... واطراف آن چنین است: بسم الله. الله لا اله الا هو والملائکة والوالعلم قائما، لا اله الا هو العزیز الحکیم. ان الدین عند الله، الاسلام.

بنا به اعتقاد مردم، نام و شجرهٔ صاحب قبر چنین است:

(ابوالحسن محمد بن حمزة بن الحسن بن المکفوف بن الحسن الافطس بن الامام علی زین العابدین علیه السلام)

در قسمت شرقی و بالای سر قبر، دو قبر مزین بکاشی است که اولی متعلق به سرلشکر طهماسبی است که در ضمن مسافرتی از خرم آباد به بروجرد در گردنه راز ان بدست اشرار کشته شد. قبر دیگر مربوط است به مرحوم شیخ محمد رضا دزفولی که یکی از روحانیون دزفول بوده است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

و شعر نیز میگفته‌است که دیوان او را مؤلف خود دیده‌ام و دارای اشعاری عرفانی است .

قبر آقاحسین

در شمال مقبره امامزاده جعفر ، در کنار دیوار آن ، قبری است ، که تاریخ آن ۱۱۶۹ هجری قمری ذکر شده‌است . بنا به نقل یکی از معمرین ، او کسی است که بنمایندگی مردم بروجرد در مجلس تاجگذاری و اولین آئین نوروزی نادرشاه افشار شرکت نموده است. بر روی سنگ قبر او چنین نوشته شده‌است.

هذا مضجع الشریف العالم ربانی آقاحسین قدس سره

افسوس از یگـانـه دوران خـود بـعهـد
آقاحسین که شرع از او یافت ، زیب و زین
از لمعهٔ شوارق ارشاد و فضـــل او
کسب ضیاء و نـور نمودند نیریـــن
قلـب شریف او در گنجینـه علـــوم
عکس ضمیر او بضیا نور مشرقیـــن
انموذج العلوم معانی او متیـــــن
در عقل و نقل واقف اسرار عالمیـــن

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

در صحبتش، معلم اول، تمام گوش
در مدرسش معلم ثانی تمام عین
مشائیان پیاده دوان در رکاب او
اشراقیان، برده از او فیض نشأتین
ازبارکشف وذوق، ازاو جمله مستفیض
جان جهان ، جهان معانی بخافقین
رست ازجهان فانی وپیوست با بقا
افتاد در عوالم ایجاد شور و شین
مکنون بسال رحلت او گفت بابکا
پر شد فلك زناله و فریاد یا حسین

۱۱۶۹ هجری قمری

tarikhema.org

سنگ نوشته‌ای دربازار بروجرد

همانطوریکه اشاره شدبازاربروجردبازاری قدیمی است که امروز مرکز ۷۰./. داد وستد اقتصاد شهری و روستائی است . و راسته‌های مختلف داردکه درهرراسته یك صنف بکارمشغولند. در راسته بازار بر بالاو نبش کوچه سه راهی، سنگ نوشته‌ای است که تاریخ آن ۱۲۰۹ هجری قمری است. متن این سنگ نوشته که شامل ٦ سطر است چنین است.

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۱ـ بتوسط آملك و آیوسف

۲ـ چون نواب مستطاب احتشام السلطنه روحی

۳ـ فدانا، امر صباغی را در عهد عالیجاه میرزا سیف‌الله موکول داشت

٤ـ بجهت رفاهیت الوان کارها و بزازها ، مهر الوان موقوف نمود. بلعنت خدا

۵ـ و نفرین رسول خدا گرفتار شود که بعد از این مهر را برقرار نماید .

٦ـ فیشهر ربیع الاخر ۱۲۰۹

مسجدشاه بروجرد

همانطوریکه در صفحات پیش آمد، سیاحان و صاحبان مسالك و ممالك سخن از دو مسجد عتیق و حدیث بروجرد آورده بودند که بی‌شك مسجد جامع یکی از آن دو مسجد است . مسجد دیگری که در خور چنان تعریفی باشد بایستی چنان کیفیتی را دارا باشد که به این توصیف مطابقت نماید.

نگارنده اعتقاد دارم که ظاهراً مسجدشاه کنونی که در عصر قاجار و بدستور حکام فتحعلیشاه ساخته شده است بر خرابه‌های مسجدی قدیمی بناشده است که از آن تعریف شده . تنها اختلاف بر این میماند که از دو

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

مسجد کهن ، این مسجد قدیمی یا عتیق بوده یا جدید. وحدیث. مرور زمان و فرسایش روزگار آنرا بحالی درآورده که حاکم قـاجار آن ویرانه را تجدید بنا نموده یا بخاطر نامجوئی و خودکامی خواسته نقشی از خویش براثری زیبا و تاریخی برنهد . نتیجـه آنکه مسجـد قدیمی و شاهکار معماری کهن را ویران نمود و مسجد کنونی را که به مسجد شاه معروف است برجای آن بنا کرده است . چون این حکام قاجار از این شیرین کاریهای زیاد میکرده اند چنانچه در طاق بستان و جاهایی دیگر.

غرض اینکه محل کنونی مسجد از قدیم مسجد بوده است. نقشه و کیفیت مسجد شاه بروجرد عیناً از روی طرح و نقشه مسجد شاه تهران ساخته شده است .

مشخصات مسجد

دارای صحنی است بطول و عرض ٤٧×٦١ متر که در وسط آن حوض بزرگی ساخته شده. دارای سه درگاه بزرگ است .درگاه شمالی که به خیابان جعفری باز میشود دارای طاق و مقرنسهایی زیبا است که با کاشی مزین شده و در وسط آن نیز گچکاریهایی است که متأسفانه میخهایی که برای سیم برق بسر روی آنها فرو کرده اند ، بـه کاشیها و گچ کاری لطمه وارد آورده است. در وسط گچ کاری جمله (السلطان فتحعلی شاه قاجار) گچ بری شده است. (تصویر شماره ۲۰)

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بر در گاه، دری چوبی دو لنگه‌ای کار گذاشته شده‌است که بر روی آن کنده کاریهایی مشاهده میشود. اندازه هر لنگه در ۱/۳۵×۳/۳۰ متر است. بر بالای لنگه راست نوشته شده (لمسجد اسس علی التقوی) و بر پائین آن نوشته شده است. (المنافق فی المسجد کالطرفی القفس) و بر بالای لنگه چپ کلمات پیغمبر است، (انامدینه العلم و علی بابها) و بر پائین آن جمله (المؤمن فی المسجد کالسمك فی الماء) برچوب در نقر شده است. تاریخ آن نیز ۱۲۹۱ هجری قمری است. (تصویر شماره ۲۱).

این در بادو راهرو شرقی و غربی به صحن مسجد راه می‌یابد. درست با همان کیفیت در شمالی مسجد شاه تهران.

راه ورود غربی به بازار دواتگران باز میشود. در گاه غربی به خیابانی که امروز به «صفا» مشهور است راه دارد. بر بالای در ورودی آن کتیبه‌ای بخط نسخ و طاق در نیز مقرنسهای درهمی دارد. بر دو طرف در، دو صفه ساخته شده است (تصویر شماره ۲۲).

در داخل مسجد و روبروی این در دیواره رواق با کاشیهای مشبك ساخته شده. رواق غربی نیز با مقرنسهای شکل یافته‌ای تزیین شده (تصویر شماره ۲۳)

شبستان جنوبی، زیر گنبد اصلی مسجد قرار دارد و با فضای دو رواق طرفین گنجایش نزدیك به هزار نفر جمعیت دارد. بلندی طاق ۱۷/۵ متر است و لچکی‌های طاق و حاشیه آن با کاشیهائی با دو رنگ سیاه و قهوه‌ای تزیین شده است. در چوبی شبستانی را برداشته و به

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

جای آن دری آهنی کار گذاشته‌اند که هیچ بابنا و معماری اصیل آن سازگار نیست. شبستان غربی آن شکست برداشته است که اینك باتعمیرات اساسی و فنی، هم ستونهای آن از زیر گچ درآورده شده و هم زیربنای ستونها محکم و پی‌بندی شده است. (تصویر شمارهٔ ۲۴)

محراب شبستان نیز گچ کاری شده و حاشیه پائین آن با کاشیهای قاجاری مزین است. و بر حاشیه بالای دیوار، بین طاق و محراب آیاتی از قرآن باخط ثلث نوشته شده ولی خط آن چندان خوب نیست. (تصویر شمارهٔ ۲۵)

ایوان شمالی مسجد نیز ۱۷ متر بلندی دارد و بربالای آن محلی برای اذان گفتن ساخته شده است. حاشیه‌های آن با کاشی‌های معرق تزیین شده و کلمات علی ولی‌الله برروی کاشیها نوشته شده است. (تصویر شمارهٔ ۲۶)

برپایه‌های اصلی ایوان شمالی، سنگ‌هائی تزیینی با نقش‌های برجسته بسیار جالبی روکاری کار گذاشته شده است که ارزش هنری چشمگیری را از نظر نقشگری برروی سنگ دارد. تعداد آنها ۶ قطعه بوده و اندازهٔ هریك ۶۵×۱۷۰ سانتیمتر است. (تصویر شمارهٔ ۲۷)

مسجد شاه بروجرد یکی از حوزه‌های علمیه دینی فعال ایران بوده است. دارای ۱۶ حجره برای طلاب می‌باشد. این حجرات همگی دارای درهای ارسی مشبك بوده که اینك فقط تعداد کم از آن باقی. این درها هریك خود شاهکاری از درهای مشبك بودند. (تصویر شمارهٔ ۲۸) یکی از این درها است:

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

از اساتید علمی و مذهبی که در این مسجد تدریس نموده اند مرحوم آیت‌الله بروجردی را میتوان نام برد که مقام تقوی آن عالم ربانی به جائی رسید که سالها رهبری شیعیان جهان را عهده‌دار بود، و پس از عزیمت به شهر مذهبی قم، چهره‌ای پرتوافکن یافت. زیرا فضای بروجرد برای انوار فکری او ناچیز بود.

برایوان غربی و بردیواره جنوبی ایوان، سنگ نوشته‌ای است که از زمان فتحعلی شاه باقی مانده است. که بزمان حکومت محمد تقی میرزا حسام‌السلطنه درجهت رفاه اهالی بروجرد، مالیات خبازان را بخشیده است. این سنگ نوشته شامل ۱۲ سطر است و متن آن چنین است. (تصویر شمارهٔ ۲۹)

۱ ـ بسم‌الله الرحمن الرحیم

۲ـ در عهد دولت روزافزون سلطان اعظم و خاقان الاکرم

۳ـ السلطان ابن السلطان فتحعلی شاه قاجار بیمن عاطفت و مرحمت

٤ـ نواب کامیاب، زبده دودمان شاهی حسام السلطنه محمد تقی میرزا.

۵ـ دام دولته مالیات و متوجهات و تکالیف دیوانی خبازی و نانی در بروجرد را

٦ـ موقوف و بتخفیف ابدی مقرون و نواب سابق الالقاب حکم محکم را مقیدمان

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۷ـ فرمودند که هر که خواهد از رعایا و یراپا از بلده ملوك به تغییر شغل

۸ـ قیام نماید، تغییر دهنده از رحمت خداوند و شفاعت حضرت رسالت

۹ـ دریوم ثغر مهجور و بلعن وطعن ابدی مفطور بوده، چنانچه جماعت مذکور

۱۰ـ خواهند..... از طریقه عدالت و انصاف انحراف

۱۱ـ ورزد مورد سخط خدا و لعنت رسول

۱۳ـ گرفتار باشند.

تحریر شهر محرم سنه ۱۲۴۸

دوخواهر

در شمال بقعهٔ امامزاده جعفر و درمیان گورستان کهنه، مقبره‌ای است بصورت هشت ضلعی که هر ضلع آن ۱/۸۵ سانتیمتر است. در ورودی آن بسوی مغرب است و بلندی طاق آن دارای ۶ متر است.

خادم وعده‌ای از زائران آن معتقدند که در این مکان دوخواهر مدفونند که بخاندان ائمه منسوبند.

قبلا سنگ قبری داشته است که آنرا برداشته‌اند، شاید هم خادم بی‌انصاف آنرا فروخته است.؟. بهر صورت مقبره از نظر معماری اهمیتی ندارد (تصویر شمارهٔ ۳۰)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بقعهٔ امامزاده قاسم

درمحل دو دانگه‌درشرق شهربروجرد و درمحله « چال‌پسه » ، آرامگاهی‌است که‌مشهوربه امامزاده قاسم است . بنا به اعتقادمردم آرامگاه‌متعلق به‌یکی‌ازسادات و روحانی فاضل وعالمی است بنام سیدقاسم‌بروجردی .بربالای‌درورودی‌سنگ نوشته‌ای است به‌اندازه ۳۵×۳۰ سانتیمتر وشامل ۵ سطرکه‌متن‌آن چنین‌است :

هذاالمرقدان‌الشریفان‌ـشهیدان‌المظلوم محمدبن‌احمدواخیر، حسن‌ابن‌موسی‌بن جعفر، صلوات‌الله علیهم . سنة عشرون بعد المائه فی‌ذالحجةالحرام : (تصویرشمارهٔ۳۱)

که‌ظاهراً این‌دو نفراز اجله‌علما بوده‌ودرحمله وقتل عام‌مغول بقتل‌رسیده‌اند.؟!

نگارنده هیچ مطلبی قابل‌اعتماد نیافتم ؛ برای‌آگاهی‌از اطلاعاتی‌که آقای‌حسین حزین جمع‌آوری کرده میتوانید به تذکره حسین‌حزین‌صفحات۱۱۴تا۱۱۸مراجعه‌نمائید .

مقبره‌حاج‌میرزا محمود مواهب طباطبائی

درانتهای‌خیابان‌صفای‌بروجرد، گورستانی بوده است‌که اکنون تبدیل‌به‌باغ‌ملی‌شده وجنب‌آن نیزبنای شیروخورشید بروجرد ساخته

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شده‌است. درداخل این باغ ملی؛ دو مقبره هست که یکی آهنی و مشهور به مقبره سید بحرالعلوم رحمة‌الله است. دومین مقبره در انتهای باغ با آجر ساخته شده و سردر آن نیز دارای کاشیکاریهائی است:

درداخل آن قبری است که تماماً کاشی کاری شده‌است. روی قبر نیز باخط نسخ خوبی شجره و نام صاحب قبر نوشته شده‌است (تصاویر ۳۲ و ۳۳

این قبر متعلق است به مرحوم حاج میرزا محمود مواهب از سادات جلیل‌القدر طباطبائی وازخویشاوندان مرحوم آیة‌الله حاج آقاحسین بروجردی است.

مرحوم حاج میرزا محمود مواهب، صاحب کتابی بوده‌است بنام مواهب که در فقه‌است.

نام خانوادگی او نیز از نام کتابش گرفته شده است و خانواده مواهبی بروجرد از فرزندان مرحوم حاج میرزا محمودند. تاریخ کاشیکاری روی قبر ۱۳۰۰ ذکر شده‌است.

قبر سیدجمال‌الدین واعظ اصفهانی

در جنوب ساختمان شهرداری بروجرد (بین ساختمان شهرداری و محلی که قبلا شهربانی بود) قبری است مربوط به شادروان سیدجمال‌الدین واعظ اصفهانی که یکی ازمجاهدان راه مشروطیت و

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

و پدر نویسنده صاحب نام آقای سید محمدعلی جمال‌زاده است . سید جمال‌الدین در سال ۱۳۲۶ هجری قمری بدستور امیر افخم حاکم لرستان و بروجرد شهید شد و محل قبر قبلا گورستان بوده و به‌احترام قبر سید، به‌جمالیه مشهور بوده‌است. سنگ قبری که درسال ۱۳٤۷ در آنجا دیدم ، اندازه‌اش ۷۲ × ۱۲۰ سانتیمتر بود و بر روی آن چنین نوشته شده بود .

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد بعشق
بهنگام جنبش آزادی ایران تنی چند از جوان
مردان ایران برای بیداری مردم جان بر کف
نهاده و فداکاری کردند و یکی از رادمردان
حق‌جو و حق‌گو ، سید جمال‌الدین خطیب مشهور
اصفهانی است که حق را گفت و در بروجرد
بسال هزار و سیصد و بیست و شش هجری
قمری ، در ماه شوال المکرم شربت
شهادت نوشید و چون آثار قبر او رو
بانهدام گذاشته بود. بسال هزار و سیصد و هفده
خورشیدی بشیوه نوینی تعمیر گردید
کتیبه امرداد ماه ۱۳۱۷ ـ فلسفی

چون این سنگ هم بعلت فرایش در شرف نابودی بود ، به‌همت انجمن آثار ملی گورسیدرا با کیفیتی درخور مقام او و با سنگ مرمر مشکی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

مرمت شد .

در باره مرحوم سید جمال‌الدین ، معمرین بروجردی ازقول بزرگترهایشان خاطراتی داشتند. دربارهٔمدت‌توقف وشهادت اوکه پس‌ازتبعیدسیدبه‌همدان ؛ چون‌حاکم‌همدان‌حاضر به‌کشتن اونشده‌بود اورابه‌بروجردبردندودربروجردبدستورامیرافخم همدانی‌که بامحمد علی‌شاه قاجارقرابت‌داشت ودراین وقت‌حاکم‌بروجردولرستان‌بود زندانی‌ساخته‌وپس‌ازمدتی‌به‌امرمحمدعلی‌شاه، امیرافخم‌اوراپنهانی بدست‌جلادسپرد. قاتل اومدتها بعد درنهایت بدبختی‌ونکبت، نابینا ومفلوك‌در پیاده‌روی یکی ازخیابانهای بروجرددربدترین‌شرایط‌مرد.

درباره‌نفوذکلام‌وتأثیرپذیری‌بیان‌گرم مرحوم‌سید جمال‌الدین اصفهانی مطالبی گفته‌شده‌که ازجمله‌آنها شرحی است‌که شادروان تیمسار فرج‌الله آق‌اولی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی برای جناب آقای سید محمد تقی مصطفوی نقل کرده وآقای سید محمد علی جمال‌زاده نویسنده‌گرانقدر نیزازقول ایشان‌آنرابرای نگارنده نقل نموده این است ، شادروان تیمسار آق اولی نقل‌کرده بودکه در آغاز جوانی قصد داشت به تحصیل در رشته پزشکی بپردازد و مانند پدرشان شغل شریف پزشکی در پیش گیرند . دراین روزها سید جمال‌الدین اصفهانی در مسجد حاج شیخ عبدالحسین (معروف به مسجد آذربایجانیها) در تهران منبر میرفتند . شادروان آق اولی یکروز پای صحبت و منبر سید جمال‌الدین رفته وبیانات اورا

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

میشنود. تیمسار آق‌اولی چنان‌تحت تأثیر کلام سید قرار میگیرد که فسخ‌عزیمت‌از تحصیل‌در رشته‌پزشکی‌میکندو بمدرسهٔ‌ژاندارمری‌میرود و معتقدمیشودکه‌برای‌خدمت به‌میهن ،بااوضاع واحوال‌آن زمان، رشته‌سپاهیگری‌لازم‌وضروری‌تر است. وبدین‌ترتیب تأثیرونفوذکلام سید مسیروجهت‌زندگی‌اجتماعی او راعوض‌میکند.۱

اضافات

پس‌از انتشار جلداول آثار باستانی‌و تاریخی‌لرستان ، باپیگیری درکارتحقیق‌برای جلددوم، آثاری‌بسیارمهم‌یافتم‌که میبایست درجلد اول ودرفصل مربوط چاپ میشد. از طرفی نادیده گرفتن این‌مطالب مصلحت‌نبود.بهرصورت در این‌قسمت‌یکی‌از این‌گزارشات‌که‌ازهمه مهمتربود خبری است مربوط‌به‌دخمهٔ‌محل‌دفن‌انوشیروان‌و آثار آن‌در کوه «کور۲» دیگر اینکه‌برخی‌سنت‌ها و معیارو واحدهای‌پیمایش و اندازه‌گیری‌ها معمول در روستاهای‌لرستان که‌ریشه‌ای قدیمی دارند ودرگفتگوهای‌این کتاب اغلب از آنها یادشده. همچنین‌اسامی‌تیره وطایف‌مسکون‌دردوبخش‌ملاوی‌والوارگرمسیرکه در فصول اول و دوم ازقلم افتاده بود. که‌بصورت‌نمودارتهیه‌شده واینك این‌مطالب :

۱-ازنویسنده ارجمندجناب‌آقای‌سیدمحمدعلی‌جمال‌زاده و نیز دوست فاضل آقای‌حاج‌احمداولیائی‌بروجردی که‌این اطلاعات را دراختیارنگارنده قرار دادند بی‌نهایت‌سپاسگزاروممنونم

۲- Kavar

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آیاغاریادخمه محل‌دفن انوشیروان پادشاه ساسانی درلرستان‌است ؟
اینهم‌قصه‌ای دیگردراین مورد*

ضمن گردش درلرستان برای نوشتن کتاب آثار باستانی ، روزی‌در دامنهٔ کوه(کور) درمنطقه«ماژین» ، یکی‌از روستائیان برایم حکایتی گفت که سینه بسینه نقل‌شد و اوهم ازپدرش‌شنیده بودکه قبر انوشیروان ، دراشکفت«کول‌کنی۱» قراردارداین‌موضوع مرابرآن داشت‌که تحقیقی بنمایم ، بر پیکره این قصه و مستندات دیگر یك روزشخصاً به‌اتفاق آقای‌مهندس حسن آقائی از محل‌دیدن نمودیم ، دراین‌دره‌افسانه‌ای وتطبیق آن‌باآثار «کول‌کنی» و فاصله‌های ذکر شده ، تفصیلی است که‌بشرح زیرازنظرخواننده ارجمندمیگذرد .

فکرمیکنم‌پادشاه‌نامی ساسانی‌خسروانوشیروان‌نیازی‌بتوصیف‌نداشته باشد ، زیرادربارهٔ زندگی ، دوران‌پادشاهی وعدالت ومزدك‌کشی و سایرخصوصیات‌وگسترش تمدن‌ودگرگونی‌های‌دیگر۴۸سال دوران

*این‌مطلب بصورت‌خطابه‌درپنجمین کنگره‌تحقیقات‌ایرانی‌دردانشکاه‌اصفهان درشعبه‌باستان‌شناسی‌خوانده‌شده‌ونیزدرشماره ۵۳و۵۲ ماه‌نامهٔ‌کاوه‌چاپ مونیخ صفحات۴۹تا۵۴ بچاپ‌رسیده‌است.

۲ - Kul Kanî :«کول»درگویش‌لری‌ولکی‌دره بن بست‌راگویند و «کنی» بمعنی‌چشمه‌است

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

پادشاهی او در شاهنامه‌فردوسی و آثار متقدمین و نیز بررسی‌های خاورشناسان و محققین دوستدارایران ودانشمندان‌ایرانی به‌تفصیل مطالبی‌بیان‌شده‌ودر آثارآنان آمده‌است. درپایان دوران پر ماجرای پادشاهی‌خود، بقول مؤلف مجمل‌التواریخ والقصص (بمداین‌ازدنیا برفت) .[۱]

امادربارهٔ محل دفن یادخمه‌ایکه جسد این پادشاه بزرگ در آن‌نهاده شده، رازی است سر بمهرکه تاکنون‌درمورد آن‌کم‌تحقیق شده وکم‌آگاهی‌حاصل‌گردیده‌است. ظاهراً با اعتقاد پادشاه ساساتی به‌معتقدات دین زردشت و دستورهای آئین‌بهی‌که‌دین زمان‌اوست، بایستی پس‌ازمرگش همانطوربکه فردوسی میگویداوامرش‌را انجام داده باشند، مأخذ معتبری که‌دراین باره‌گویاومبین کیفیت‌باشد؛ جز همین چند بیت از شاهنامه فردوسی که قسمتی از وصیتنامه اوست وافسانه‌ای‌که‌درتاریخ بناکتی آمده وچندموردیگردردست‌نیست. دو خبر شاهنامه و بناکتی چنین‌اند و بقیه نیز در کتابهائی چون دخمه انوشیروان ذکرشده است. برابراین‌دوافسانه‌احتمالاجسدانوشیروان بایددرکوههای‌لرستان دفن‌شده باشدکه‌دراین مقاله‌سعی‌شده دربارهٔ (کول‌کنی) که‌بعقیده‌مردم‌لرستان‌محل‌دفن‌انوشیروان‌است‌مطالبی‌بیاید

الف: شاهنامه

چو من‌بگذرم زین‌جهان فراخ
برآورد باید مرا خوب کاخ

۱ـ مجمل‌التواریخ‌والقصص، بتصحیح‌شادروان‌بهار؛ص ۵۶ .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بجائی کزو دور باشد گذر
نپرد برو کرکس تیز پر
سرآورد بر چرخ گردان بلند
ببالا فزون باید ازده کمند(۱)
نبشته برو بـــــارگاه مرا
بزرگان و جنگی سپاه مرا
وزآن پس برآرید درگاه را
نباید که بیند کسی شاه را
دگرگون بود کارآن بارگاه
نیابد کسی نزد ما نیز را
ز فرزند و از دودهٔ ارجمند
کسی کش زمرگ من آید گزند
بیاساید از بزم و شادی دو ماه
که این باشد آئین پس ازمرگ شاه
فراوان برآن عهد هرکس گریست
پس ازعهد، یکسال کسری بزیست[۲]

ب: افسانه تاریخ بناکتی

اما داستان و افسانه‌ای که در تاریخ بناکتی آمده است چنین است:

۱ـ هر کمند ۵ گز بوده است.
۲ـ جلد پنجم شاهنامه فردوسی به کوشش آقای دبیرسیاقی.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

حکایت دخمه انوشیروان

گویند مأمون خواست که بنای مداین و آن قصرها و کاخهای انوشیروان بیند، حسن بن سهل کاتب و احمد بن خالد الاحول را با خود ببرد و آن کاخها و بناها میدیدند و تعجب مینمودند، بعد از آن گفت، مرا باید که زیارت انوشیروان کنم، گفتند: فلان جای مردی است پیر و او داند که دخمه انوشیروان کجاست، او را بیاوردند، چون پیش مأمون آمد به زبان عجم ثنا گفت، پدر پدر من دخمه بان انوشیروان بود و میراث بمن رسیده است و اندر زنامه او من دارم، گفته است که پادشاهی از پادشاهان عرب از خویشان پیغمبر مرا زیارت کند، و نشانها داده است و تو به آن کس می مانی. مأمون را عجب آمد، بفرمود تا او را سه روز مهمانی داشتند پس پیر را پیش خواند و گفت: دخمه انوشیروان به مانمای، پیر گفت: در کوهی است و از اینجا تا آنجا پنج فرسنگ است، و چون آنجا روی، دره ای است بالای آن دوازده فرسنگ بر بالای آن کوهی است هفت فرسنگ، و دخمه بر سر آن کوه است، خانه ای است از سنگ خاره تراشیده و کوشکی سیصد گز، زمین او در سیم گرفته و سقف آن به زر و گوهرهای قیمتی آراسته و تختی از زر و مروارید در پیشگاه نهاده و جامه های زربفت به جواهر آراسته بر آن تخت افکنده و شاهنشاه بر آن تخت است که به زندگانی داشت، و تاج

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

برسربالین آویخته‌و تن را به داروها اندوده‌اندکه هرگز تباه نگردد و متغیر نشود، ودر آن کوشك طلسمها ساخته‌است که کس در آنجا نتواند رفت‌مگر آن پادشاه تازیان که‌او نشان داده‌است ومن‌این نشانها همه درتو می‌بینم .

مأمون گفت: ترارنجه‌بایدشدن‌و راه‌نمائی کردن، پیرگفت : راه آن کوه‌ویران کرده‌اند تاکس‌بر آنجانتواندشد، تدبیر آن بایدکرد تاآن راه آبادان کنی، مأمون‌فرمود: تاآلت‌واستادان‌وکارگران و چوبهاجمع کردندو برشتران‌نهادند ومأمون و خاصگیانی چند و آن پیربرفتند، چون به‌پایان کوه‌رسیدند آن‌راهها بساختند ، چون تمام شد، مأمون باسه‌کس‌و خادمی‌جنیبتی‌دردست گرفته روان‌شدندو بیست تاجامه‌زربفت و چند من‌کافور ومشك وعنبر باخود ببردند ، چون‌به نزدیك دخمه رسیدند مأمون‌پیاده‌شدتا به‌در دخمه رسید ، پیرگفت: اگر تو آنی که‌او نشان‌داده‌است حلقه‌دربگیرو بجنبان، مأمون‌حلقه‌در بگرفت‌و بجنبانید، کلیدی‌از بالای‌دربیفتاد، پیرگفت: درست ، شدکه تو آنی که‌او نشان‌داده‌است ، دربگشادند چندسوار دیدند باسلاح تمام به‌طلسم‌کرده، بر خود بجنبیدند وحمله‌کردند ، پیر مأمون راگفت : تازیانه از دست بیفکن، بینداخت ؛ ایشان ساکن شدند ، ازآنجا درگذشتند، به‌میان‌سرارسیدند، برگوشه‌صفه‌چهارشیردیدندکه آهنگ ایشان‌کردند، پیرگفت : آستین خودبرایشان‌افشان، بیفشاند، ایشان ساکن‌شدند، چون‌به‌در دخمه رسیدند چهارپاره‌شمشیرتیزازبالای در

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آویخته بود، می آمدومی شدکه کس رازهره نبودکه بدان نزدیك شدی پیرگفت؛ دستار از سرفروگیر وگستاخ درآی ؛ دستار از سر فرو گرفت، شمشیرهاساکن شدندو درآمد و آن عجایبها ازبسط وفرش و آلتهای زرین، ومیان سراخشتهای زرین و سیمین افکنده ودیوارها به جواهر قیمتی مرصع کرده ، بدیدند و پنج غلام به طلسم بساسلاح از دست راست تخت ایستاده وپنج ازچپ از پیش و پنج ازپس برخویشتن بجنبیدندو آهنگ ایشان کردند.

پیرگفت : یا امیرالمؤمنین ، آوازده که من کیستم ، مأمون آواز داد وازهیبت بیهوش گشت وچنان پنداشت که اوزنده است . بعد ازآن مأمون به سه جایگاه خدمت کرد وتواضع نمود وبرگوشهٔ تخت رفت وبنشست و حسن سهل و احمدخالد برپای ایستادند ، مأمون در روی شاهنشاه مینگریست وجامه های اورا میدید بعضی تباه شده بود؛ مأمون جامه های نو بروی افکندوتخت او بپوشانید وکافور و مشك و عنبر برآنجا پراکند و ازهر دو جانب سفیدی درمحاسن انوشیروان درآمده بودوعصابه ای ازدیبای برسر بسته ، چهارسطرمروارید برآنجا دوخته برشکل کتابت، مأمون دروی مینگریست واین آیت میخواندکه: «ان فی ذلك لعبرة لاولی الابصار».

بعد ازآن پیرگفت: این نوشته که براین عصابه است برخوان ، برخواند، یك سطراین بود : «گیتی که یزدان کردمراچه کوشش» .

دوم نوشته بود: «عمرتمام نیست مراچه خواهش» سوم «گیتی

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

جاویدنیست مراچه‌رامش ، چهارم «چه‌شایدکردکه نشایددانست » و هردودست برسینه‌نهاده وانگشترین گوهری درونشانده که‌هرروزنازو روشن بود. مأمون به‌تعجب به‌هرطرفی‌مینگریست. لوحی‌دید اززر، به خطی روشن نوشته‌بودکه‌پس‌ازمرگ من به‌چندین سال پادشاهی از پادشاهان عرب، بیایدوزیارت ماکند و ماراجامه نوپوشاندوخوش بوی‌گرداند، صفت‌اوچنین‌بودونام ونسب‌اوتاآدم‌چنین. (نگاه‌کردند این‌خود صفت‌مأمون‌بود) وهرچنددرکالبد ما جان نباشدکه عذر او خواهیم واورامهمان‌داریم ، اما این‌نوشته‌که‌در زیرزانوی من‌است پای‌مزداوست، برگیرد وعذرمابپذیرد. و دیگر آنکه سه‌کس با وی باشند: یکی‌ناقص بود باماخیانت کند. پادشاه‌تازیان‌بایدکه‌سزای او بدهد .

مأمون‌چون آن‌لوح برخواند، دست‌درزیرزانوی‌اوکرد، سنگی دیدبرآنجانوشته که‌دراین‌کوه‌به‌فلان جایگاه، ده‌گنج‌اززروجواهر و سیم‌است. بردارد ومارامعذوردارد. مأمون آن خط برداشت وزانوو دست‌اوببوسیدوخدمت کردوبازگشت. چون‌بیرون‌آمدخادم خواهش کردتازیارت‌کند، چون‌بازمیگشت ، انگشترین‌انوشیروان‌بیرون‌کرد وپنهان‌داشت. چون‌درراه‌شدند، مأمون‌باحسن‌واحمدگفت: بزرگوار پادشاهی‌که اوبوده است دانا به همه چیز، امااین‌سخن مشکل‌است که‌گفته‌است ناقصی‌بامن‌خیانت‌کند وسخن‌او دروغ‌نباشد. اندیشه کنیدتااین چه‌تواندبود؟. گفتند : ناقص‌خادم است، ندانیم تا اوچه

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کرده‌است، خادم‌را پرسیدندو دروی بجستند، انگشتری انوشیروان با او یافتند، مأمون پیاده باز گشت و کنار تخت او بوسه‌داد و انگشتری در انگشت او کرد، چون نگاه کرد بر چهار گوشه تخت چهار سطر نوشته بود: «هر که را پادشاهی نیست کامرانی نیست، هر که را زن نیست کدخدائی نیست، هر که فرزند نیست شادمانی نیست، هر که را این هر سه نیست بیماری نیست.»

پس مأمون بیرون آمد و این آیت میخواند:

«وماالحیوة الدنیا الامتاع الغرور» و چون به‌این گنجها رسید چنانکه نشان داده بود بر گرفت و شتران و چهارپایان پر از جواهر کرد و گویند توانگری مأمون و فرزندان و اسبابی که ساختند جمله از آن بود و چون به‌مداین رسید فرمود تا خادم‌را مثله کردند و بر درختی در آویختند تا مردم عبرت گیرند و آن راه که بر آن کوه کرده بود (فرمود) تا خراب کردند و آن پیرعجمی را بسیار بنواخت.[۱]

آنچه در این زمینه موجود است در ردیف همین قصه‌هاست که تکرار آن لزومی ندارد. آنچه از نقل شاهنامه و قصه دخمه در تاریخ بناکتی آمده‌است دو موضوع را روشنگر است، نخست آنکه شاهنامه آورده که شاه انوشیروان وصیت میکند پس از مردن مرا درجائی که عبور و گذر از آن دور باشد وحتی کرکس تیز پر بر آن پر نزند، دفن کنید و در دخمه را ببندید، دوم آنکه تاریخ بناکتی مینویسد، (پیر گفت: دخمه در کوهی است و از اینجا تا آنجا پنجاه فرسنگ). نتیجه آنکه جنازه

۱ـ تاریخ بناکتی از انتشارات انجمن آثار ملی. صفحات ۱۶۰ تا ۱۶۳.

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

انوشیروان دور از پایتخت ساسانی و در دخمه و کوهی دفن شده که نام آن کوه ذکر نشده است.

اما خبری که در جنوب لرستان در منطقهٔ «ماژین» واقع در کوه (کور[۱]) از دو نفر از معمرین ساکن آنجا شنیدم و بعضی دیگر نیز عنوان میکنند مفهوم آن چنین است که (انوشیروان قبل از مرگ وصیت کرد که جسدمرا در کوهی که ۶۰ فرسنگ دور از تیسفون باشد و کسی به آنجا نتواند راه یابد، دفن کنید. این مردم آنگاه، محلی را به من نشان دادند که بنام (کول کنی[۲]) مشهور است،

اطلاعات محلی و نیز قصه‌ای که سالها پیش عمویم از قول یکی از معمرین دوره جوانیش سینه به سینه نقل میکرد، مجموعاً مطالبی جالب بودند درباره تنگهٔ (کول کنی). مردم این تنگه را طلسم می پندارند و معتقدند شبها در این تنگه صداهای مهیبی مانند فریاد انسان و پرتاب سنگ و زوزه جانوران از آن بگوش میرسد و هر کس تنها در شب و یا غروب از آن عبور کند دیوانه خواهد شد.؟! و نام یکنفر که شب از این دره عبور کرده و تحت تأثیر این توهمات دیوانه شده است بردند که اکنون هم زنده است. اما قصه‌ای که عمویم شادروان حاج علی اکبر محروم شنیده بود و نقل میکرد این بود که بهنگام ورزیدن باد در شب صدائی شبیه به صدای بهم خوردن در، در انتهای تنگه شنیده میشود و یا وقتی سیلابهائی از تیغه‌های میانه دیوارهای

۱- Kavar ۲- Kul Kani «کول» در اصطلاح و گویش محلی تنگه‌ای از کوه است که بن بست باشد و «کنی» هم به معنی چشمه است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کوه به دره میآیند، باخود پوست لیمو و چیزی شبیه به آن همراه میآورند و داستانهائی شبیه به آنچه بیان شد.

بااین مقدمات لازم است شرحی در مورد کوه «کور» که وارث آثار تمدنهای گذشته است و تنگهٔ (کول کنی) که در آن قرار دارد، آورده شود.

کوه «کور» که امروز آنرا به غلط (کبیر کوه) نیز میگویند، طول آن در خاك لرستان بیش از ۱۷۰ کیلومتر است و در بعضی نقاط پهنای آن تا ۲۰ کیلومتر میرسد. این کوه از شمال باختری به جنوب خاوری کشیده شده است و دارای چین خوردگیهای منظم و دره های عمیقی است. فاصله آن تا تیسفون نزدیك به پنجاه فرسنگ است.

مرتفع ترین نقاط آن در بخش میانی بیش از ۳/۰۰۰ متر بلندی دارد و چون دیواری عظیم، لرستان را به دو قسمت پیشکوه و پشتکوه تقسیم نموده است، بعضی از قلل آن بیشتر سال پوشیده از برف است. در جنوب باختری دره های وسیعتری دارد.

در دره های شمالی و جنوبی آن، چشمه های پر آبی وجود دارد که اغلب بواسطه عمق بیشتر و پیچ و خمهای فراوان بریدگیها و دره های عمیق استفاده از آب آنها غیر ممکن است.

در تمام دره های این کوه افسانه ای، آثاری از دوره های مختلف پیش از تاریخ و تاریخی برجاست. کوه «کور» محل رخدادها، فتح ها و شکستها و کامها و ناکامی ها بوده است و خود شاهدی است تاریخی که در

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

سکوتش رازهای فراوانی میتوان خواند . مهمترین آثار شناخته شده در دره‌های این کوه ، (دره شهر) باقیمانده شهری است از دورهٔ ایلامیان که بنام ماداکتو مشهور بوده و در حمله آشوریها؛ به تاراج رفت و ویران شد و باز در عهد ساسانیان به اوج اعتلای خود رسید و عاقبت به قول مورخین ، زلزله ای ارکان تمدنی و ستونهای پایدار و محکم این شهر را فروریخت و جان بیشتر ساکنانش را گرفت و باز بدورهٔ اسلام هم رونق گرفت اما نه مثل گذشته ، و بنام صیمره مشهور بود که ابودلف عجلی آن را دیده و توصیف کرده است .

تنگه چوبینه ، آثاری از دورهٔ ساسانیان را در بردارد و به نقل اهالی ، منزلگاه تابستانی بهرام چوبینه بوده است . تنگه «شیخ ماخو» یکی از تنگه های زیبا کوه «کور» است و باقیمانده یك دژ ساسانی و یك آتشکده در آنجا هنوز هم برجاست .

ماژین[1] و تنگه ماژین (که ممکن است این کلمه در اصل مغین بوده باشد) ، آثاری بسیار ارزنده و پر اهمیت را در بردارد که خود چون ورق زرین تاریخ گفتنی های ناگفته زیادی را میتواند بیان کند . در جنوب شرقی دهکدهٔ ماژین ، تنگهٔ پرابهت و افسانه ای (کول کنی) قرار دارد ، دامنهٔ شمالی «کوه کور» در « ماژین » بسیار گرم است و مرکبات نیز در آنجا بعمل میآید .

۱- mâzhin

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

راه رسیدن به کول کنی

باید از خرم آباد با اتومبیل تا کیلو متر ۱۳۸ راه خرم آباد به اندیمشك را طی کرد و نرسیده به دهکده ای بنام (جلو گیر) از پلی که بر روی رود سیمره زده شده، گذشت و از دهکده ماژین راهی را در حدود ۵ کیلو متر به سمت باختر طی کرد تا بدهانه تنگه «کول کنی» رسید.

اولین بار نه و نیم صبح روز ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۳ به اتفاق آقای مهندس حسن آقائی که خود یکی از فرزندان روستایی آن منطقه است و پسرم کامیار و نیز دو نفر از راهنمایان محلی با اسب و قاطر از ماژین بطرف کول کنی حرکت کردیم. ساعت ۱۲ بدهانهٔ تنگه رسیدیم. تنگه ای است که دیوارهای سر بفلك کشید و نیز بالای تیغه های آن یکی از نقاط مرتفع کوه کور است. ساختمان طبیعی دره با کناره های مضرسی خود، یکی از بدایع طبیعت است. در دشت جلو تنگه، آثار ساختمانی از شهر کی پراکنده با قلوه سنگ و ملاط که میتوان ادعا کرد مربوط به پیش از اسلام است باقی است. (تصویر شماره ۳۴)

در دهانهٔ تنگه و در قسمت غربی آن غاری است وسیع و قشری ضخیم از خاك دارد و آثاریکه مشخص میکند که از هزاران سال پیش مسکون بوده و اکنون هم مورد استفاده زمستانی کپرنشینان محلی میباشد. در انتهای غار حوضی از کوه کنده شده به ۴۰×۹۳×۱۳۰ سانتیمتر بود (تصویر شمارهٔ ۳۵)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

این کپر نشینان، تیره‌هایی بنام (سات یاروند ۱) از ایل بهاروند و (ترکارونی ۲) از ایل دیرکوند میباشند . در ابتدای تنگه نیز آثار ساختمانهای سنگی قدیمی و نیز آبزن‌های سنگی دیده‌میشود . (تصویر شمارهٔ۳۶)

درمیان تنگه، چشمه آبی هست که‌متأسفانه درنیمه‌راه‌تمامی آب آن به‌زمین‌فرومیرود. از جمله آثار بسیارجالب و دیدنی. این‌تنگه نهری‌است از کوه دردیواره شرقی‌تنگه که‌از بالای‌محل فرورفتن آب تادهانهٔ‌تنگه که طول آن بیش از ۴۰۰ متر است ، برای رساندن آب بدهانه تنگه از کوه کنده‌شده، پهنای‌نهر، بین ۲۰ تا۱۵ سانتیمتر است که‌ازسنگ سخت کوه کنده‌شده‌است.(تصویرشمارهٔ ۳۷)

دربرخی نقاط نیز دیوارهٔ‌نهر باسنگ وملاط ترمیم‌شده‌است. (تصویرشمارهٔ۳۸)

راه‌تنگه‌بفاصله۵۰۰متراز دهانه تنگه تامحل غار و فرورفتن، آب، راهی‌است پرازصخره وپرتگاه که‌به‌سختی‌و دشواری‌آنراطی کردیم‌بازمانی‌نزدیک‌به‌نیمساعت. پهنای‌دهانه تنگه‌بیش‌از سیصدگام است‌درصورتیکه درقسمت‌میانی وبخصوص دردامنه غارمورد نظربه ۵ تا ۷گام میرسد . ارتفاع دیوارهای‌کوه در این نقطه‌از،کف دره بیش از سیصد متراست . در دیواره غربی به بلندی نزدیک به ۲۰ متر غاری است که برخی قصه‌ها در بارهٔ آنست . دست یافتن به غار

۱- Sâtyârvan ۲- Tarkâroni

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کاری مشکل همراه‌باخطرسقوط و مرگ است ومعبری که‌قبلا داشته خراب‌شده‌است. وعبور آن دشوارهمراه‌باخطر سقوط است . پهنای دهانهٔ‌غار نزدیك‌به۸ گام‌است وارتفاع آن تا۱۰ مترمیرسد. دهانهٔ غار سنگ‌چین شده وتنها از زاویه‌ای تنگ و بادیدی‌کم میشود دهانه و سنگ‌چین‌های آنرا دید . (تصویر شمارهٔ۳۹)

کف‌غار دارای شیبی‌تنداست‌که قسمتی از دهانهٔ غار باکف میانی‌باخاك‌دستی‌هم‌سطح‌شده‌است .

از این نقطه به‌بعد عبور از دره مشکل‌تر و مرگبارتر است، دیوارهای دوطرف بلندتر ودرنتیجه پژواك‌های صوت طولانی‌ترند . مردی‌بنام‌احمدازساکنین وبومیان محلی تصمیم‌گرفت خود را بغار برساند. بسختی و درشکلی‌که برای ما دلهره و ترس فراوان بهمراه داشت و برای او جسارت توام با غرور،وعاقبت‌خودرابغاررسانید

درسفری دیگرکه در روزهای ۲۷و۲۸ شهریور ۱۳۵٤ بهمراه آقایان‌عابدین‌کابلی باستان‌شناس ونیز چنگیزشیخ‌لی و مهندس‌حسن آقایی‌وپسرم‌کامیاربرای‌تحقیق‌درباره غارانجام شد.کابلی وشیخ‌لی واحمد به‌غار رفتند و بررسیهائی وسیله‌کابلی انجام شدکه نتیجه‌آن شگفت‌انگیزومعمای‌غاررا پیچیده‌ترکرد .

ازآثار بدست‌آمده‌سنگهای‌چاقوئی‌مربوط‌به‌اواخرعصرمیانی‌حجر، دوك،سفالهای‌هزاره‌دوم‌پیش‌ازمیلاد، وسفالهای دورهٔ‌اشکانی بود.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

باراهنمائی اهالی ویکی ازبومیان آشنامعلوم شدکه غاراصلی که‌موردادعای مردم‌است‌که جسد انوشیروان درآنجاست درانتهای دره‌قراردارد. روزبعدکابلی وشیخ‌لی به‌راهنمائی‌دونفر بسوی‌آنجا رفتندکه‌نتیجه بررسیهای انجام شده هنوز باابهام همراه میباشد: ولی سفری‌پرمخاطره‌دردره‌ای‌افسانه‌ای‌بود:

بهرصورت‌باعتقاداهالی«ماژین»، اشکفت«کول‌کنی»همان‌است که‌مردم میگویند مدفن انوشیروان است.زیرااهالی‌به‌اعتبارقصه‌های خبرگونه‌ای‌که به آنها رسیده ونیز تطبیق فواصلی‌که از شاهنامه و داستانهای محلی آمده، معتقدنداشکفت‌کول‌کنی محل دفن جسد انوشیروان‌است.

واحدهای‌زراعی‌ومقیاسات معمول درلرستان

۱ـ«واحدهای‌زراعی»

واحدهای‌زراعی‌عبارتند ازجفت Jeft و تیر Tir که هرجفت معادل شش‌تاهشت هکتاروهرهکتار مبذرپنجاه الی پنجاه وپنج من گندم‌است.پس‌درهرجفت‌چهارصدتاچهارصد وبیست من بذرافشانی میگردد.هرتیرمعمولا نیم‌هکتاروبذر بیست‌وپنج‌من‌است.ممکن‌است بیش‌ازاین‌هم‌باشد زیرابعضی تیرهاطول‌بیشتری‌دارند و برخی دارای طول‌کمتری‌هستند.گاهی یك جفت زمین در دومرحله کشت میشود، یعنی نیم‌آن بحال‌آیش است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

وجه تسمیه جفت عبارت است از مبذری که یك جفت یادو گاو شخم زن میتواند دریك روز شخم بزند از اینرو جفت گفته میشود .

۲ - آبیاری

در لرستان بواسطهٔ وجود چشمه‌های متعدد، زمینهای آبی فراوان است و تقسیم‌بندی آب به نسبت مقدار زمین است . مثلا یك ششدانگی که دارای یك چشمه آب است ابتدا نسبت به سهام عمده، آب تقسیم میگردد .*

سپس هر سهم عمده آب به نسبت تقسیمات کوچکتر برای یك زمان و ساعت معین در اختیار مالکین جزء قرار داده میشود و در تقسیمات ترتیبی داده میشود که فاصله بین دو نوبت آب بین هفت تا ده روز باشد ، ضمناً چنانچه مالکی وقت نوبتش نیازی به آب نداشته باشد آنرا مجاناً در اختیار دیگری که نیاز مند است میگذارد .

واحد آب

برای سنجش آب چشمه‌ها، واحد آب «سنگ Sang» است و آن مقدار آبی است که یك سنگ متوسط آسیاب را بچرخاند. ولی واحد آب در آبیاری «بیل» است و آن مقدار آبی است در حدود « سه و نیم اینچ » مثلا میگویند فلان مزرعه دو بیل آب لازم دارد یعنی مقدار آبی که بتوان بمزرعه رسانید هفت اینچ است .

*ـ خیلی از این سنت‌ها و واحدها اکنون معمول نیست و با قانون اصلاحات ارضی در آنها تغییرات مهمی حاصل شده است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شاخص مدت در تقسیم آب و آبیاری

برای تعیین مدت آبی که بایستی در اختیار سهم عمده یا سهام جزء باشد معمولا مدت سهم بزرگ از اول صبح تا غروب آفتاب و یا از غروب آفتاب تا طلوع آنست و برای تعیین اوقات سهام کوچکتر، در شب از حرکت ستارگان و در روز از سایهٔ درختان یا سنگ معینی استفاده میگردد.

جالب ترین شاخص مدت نوبت آب در بخش چگنی و دره‌شتان تشکن معمول است. سایه خود شخص مالك آب، شاخص نوبت آب است. مثلا نوبت آب کسی به نسبت سهم از سایه قبل از ظهر او است که به ده‌پا رسیده تا سایه بعد از ظهر او که به شش یا هفت پا رسیده باشد. برای تعیین و پازدن سایه شخصی که آب تحویل او است، در نقطه‌ای میایستد و ابتدا و انتهای سایه خود را در نظر گرفته آنرا با پا اندازه میگیرد. در بعضی جاها هم از ساعت استفاده میشود.

۳ - بهره مالکانه

تا قبل از اجرای قانون اصلاحات ارضی، اخذ بهره مالکانه بشرح زیر بود. بهره مالکانه به نسبت آبی یا دیم بودن زمین و دوری و نزدیکی آن بشهر و مرغوبیت آن متفاوت بوده و مالك فقط زمین و آب در اختیار زارع میگذاشت.

بهره مالکانه زمین های آبی نزدیك شهر نصف تمام عایدی و اگر دور از شهر باشد دو پنجم آن. عایدی بهره مالکانه زمین های دیم نزدیك

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شهر یکسوم و دور از شهر یکچهارم یا یکپنجم تمام عایدی بود. گاهی هم پس از کسر ۶./. از تمام محصول بنفع مالك؛ باقیمانده را به نسبت های بالا تقسیم مینمودند و مالك تنها از محصول حق داشت و کاه آن متعلق به زارع بود.

سرجفت

هر زارعی که در یك جفت زمین « شش تا هشت هکتار » به زراعت مشغول بود. علاوه بر بهره مالکانه ، بایستی یك رأس گوسفند یا شش کیلو روغن یا بهای آنرا به مالك تحویل میداد. این تقدیمی را « سرجفت Sarjeft » گویند .

چاریك داری « Câryak Dâri »

مالك یا زارع ، کار گر زارعی را استخدام مینماید ، و قطعه زمینی برای کشت در اختیار او با آب و بذر میگذارد تا کشت نماید همچنین کلیه مخارج روزانه و خوراك او بعهده صاحب زمین است . هنگام برداشت محصول یکچهارم تمام عایدی از آن کار گر زارع است و از این رو این عمل چاریك داری و کار گر زارع را « چاریك دار » مینامند .

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کی‌لو : Keylo

ازهرخرمن که بیش ازده‌کیل یا هفتاد من‌بود به‌نسبت هر ده کیل‌یك‌کیل به‌نماینده‌مالك‌یاضابط تعلق‌داشت . اگر از ۱۰ کیل‌کمتر بودنصف‌کیل‌برای‌او بود. این‌راکی‌لونه‌میگفتند.

«دامداری»

دامداری وپرورش دام‌یکی‌ازمنابع‌درآمدمردم روستااست‌و سالیانه بیش‌از ۶۰۰هزار(ششصدهزار) رأس‌گوسفند و بز و سیصد و بیست‌هزار گاو به‌بازارعرضه‌میگردد که‌بیشتر آن به‌شهرهای دیگرحمل و بفروش میرسداجرات‌چوپان برای‌چرانیدن دام‌درسال ازهرده‌رأس بز ومیش‌یك‌بزغاله‌بود.

دوپائی - Dopâyi

اصطلاحی‌است‌درداماری‌و آن چنانست‌که‌کسی چارپایی را به‌کسی‌میدهدکه‌تمام مخارج آنرا متحمل‌شود، در مقابل نصف‌یا دو پای‌آن چارپا به‌اوتعلق‌داردواین‌قاعده درتکثیربعدی آنها نیز صادق است .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

پرورش طیور از قبیل مرغ، خروس ، بوقلمون؛ مرغابی نیز معمول است که هر سال تعداد زیادی مرغ و خروس و تخم مرغ به شهرهای دیگر صادر میشود .

روغن حیوانی و پشم یکی دیگر از اقلام در آمد مردم روستاهای لرستان است و رقم دیگر صادراتی نیز محسوب میشود .

« مقیاسها »

الف : مقیاس وزن و پیمانه :

۱ - اوزان

۱-من پاترازی- manePâterâzi : دو برابر من معمولی است یعنی شش کیلو است .

۲- من تبریز- Mane Tabriz : برابر سه کیلو .

۳-من هشت عباسی- Mane Hashtabâsi : برابر با سه کیلو میباشد.

٤- من نه عباسی- Mane Noabâsi : برابر سه کیلو و هشتصد و پنجاه گرم یا پنجاه سیر .

۵-چارك- Châraک : برابر است با ده سیر یا ۷۵۰ گرم .

٦- پنجاه- Panjâ : برابر است با پنج سیر یا ۳۷۵ گرم.

۷-بیست و پنج- Panj -o- Bis : دو سیر و نیم یا ۱۸۷/۵ گرم .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۲ ـ پیمانه‌ها

۱ ـ کیل ـ Keyl : ظرفی است که برابر با پنج تا هفت من یعنی ۱۵ تا ۲۱ کیلو گرم گنجایش دارد.

« کیل ظرفی است که گنجایش این مقدار از گندم و مشابه آن را داشته باشد . »

۲ ـ کیله ـ Kila : یك کیله برابر با یك من یا سه کیلو از گندم یا مشابه آن است. کیله « ظرفی است که سه کیلو گنجایش داشته باشد. »

۳ ـ گمل ـ Gomal : مقداری از گندم و مشابه آن که در میان دو دست بهم متصل جای گیرد. آنرا مشت هم گویند .

٤ ـ لاتاس ـ lâtâs : مقداری از حبوبات است که در یك مشت باز جای میگیرد.

۵ ـ قپال ـ Ghapâl : آنچه از میوه یا سبزی که در میان یك دست یا انگشتان نیم باز و خمیده جای گیرد.

٦ ـ سیر ـ Sir : مقداری از برنج و یا حبوبات که در مشت بسته جای میگیرد .

۷ ـ گپ ـ GoP : لقمه‌ای از نان و مشابه آن .

۸ ـ کپ ـ KaP : مقداری از آرد هر یك از حبوبات و مشابه آن که در کف دست جای میگیرد .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۹ـ ژیر- Zhir : مقداری از هرچیزی که بصورت آردباشد و در میان دو انگشت سبابه و ابهام قرار گیرد.

ب : مقیاس طول :

۱ ـ منزل : فاصله‌ای که کاروانی در مدت یکروز طی میکرد [در حدود شش فرسنگ].

۲ـ فرسق- Farsagh : یافرسنگ برابر شش کیلومتر.

۳ـ بغل- Baqal : فاصلهٔ میان انگشت وسطی دو دست در حالیکه دست‌ها را بطور افقی بطرفین باز کنند.

٤ـ گز- Gaz : فاصلهٔ از سر انگشت وسطی تا روی بینی در حالیکه دست بطور افقی کشیده شده باشد و سر هم بطرف مخالف دست چرخانیده شود . معمولا این فاصله در حدود ۱۰٦ سانتیمتر است .

۵ ـ مرک ـ Merk : یا ذراع و آن فاصله آرنج تا نوک انگشت وسطی است که در حدود چهل و هفت سانتیمتر است که اگر پهنای چهار انگشت به آن اضافه شود نیم ذرع میشود .

٦ـ گم- Gom : یا گام ، فاصله یك گام است.

۷ـ پا- pâ : فاصله بین نوک پا تا پشت پا است.

۸ـ بگس- Beges : = وجب.

۹ـ قلاچ - Qollâch : فاصلهٔ بین دو انگشت ابهام و سبابه که بطرفین باز شده باشد (نزدیك ۲۰ سانتیمتر).

۱۰ـ چله- Chela : ریسمانی است از موی بز تقریباً نزدیك به ۱۰ متر که تنها در تقسیم زمین از آن استفاده میشود و اصطلاحاً «چلهٔ بهر» میگویند.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۱ نمائی از تپه قلعه رومیان یا قلا « رمیو »

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

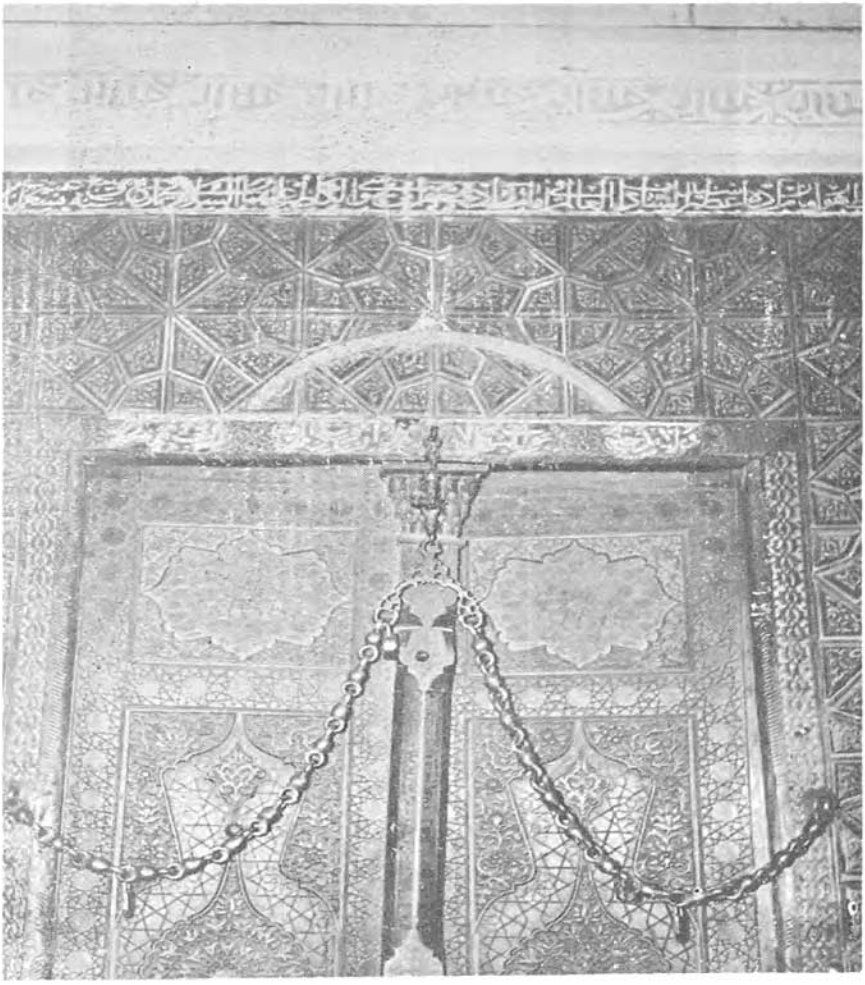


تصویر شمارهٔ ۲۵ بقعهٔ امامزاده جعفر واقع در بروجرد

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شمارهٔ ۳ درچوبی حرم امامزاده جعفر

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

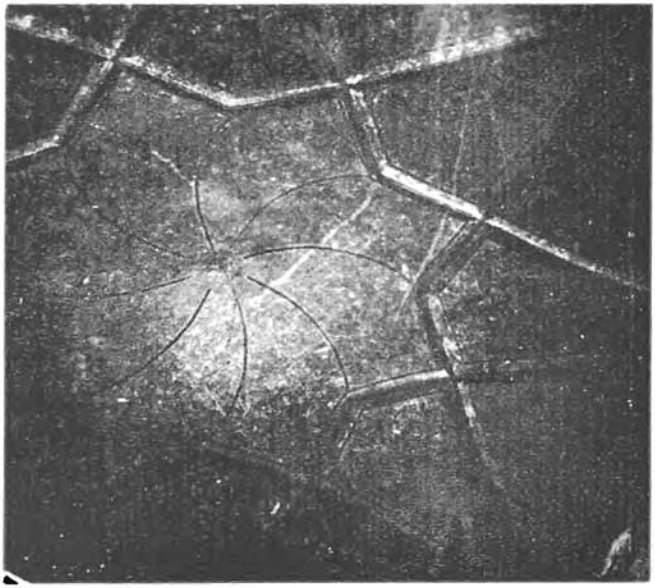
PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۴۹ سنگ‌قبر دوری بر حاشیهٔ شمالی درورودی حرم

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویرشمارهٔ۵سنگ قبرشاه خاتون برحاشیهٔ جنوبی درحرم

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شمارہ ۶۱ سنگ قبری بہ خط کوفی بنام ستالنساء بربوط بسال (۵۰ ہجری قمری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

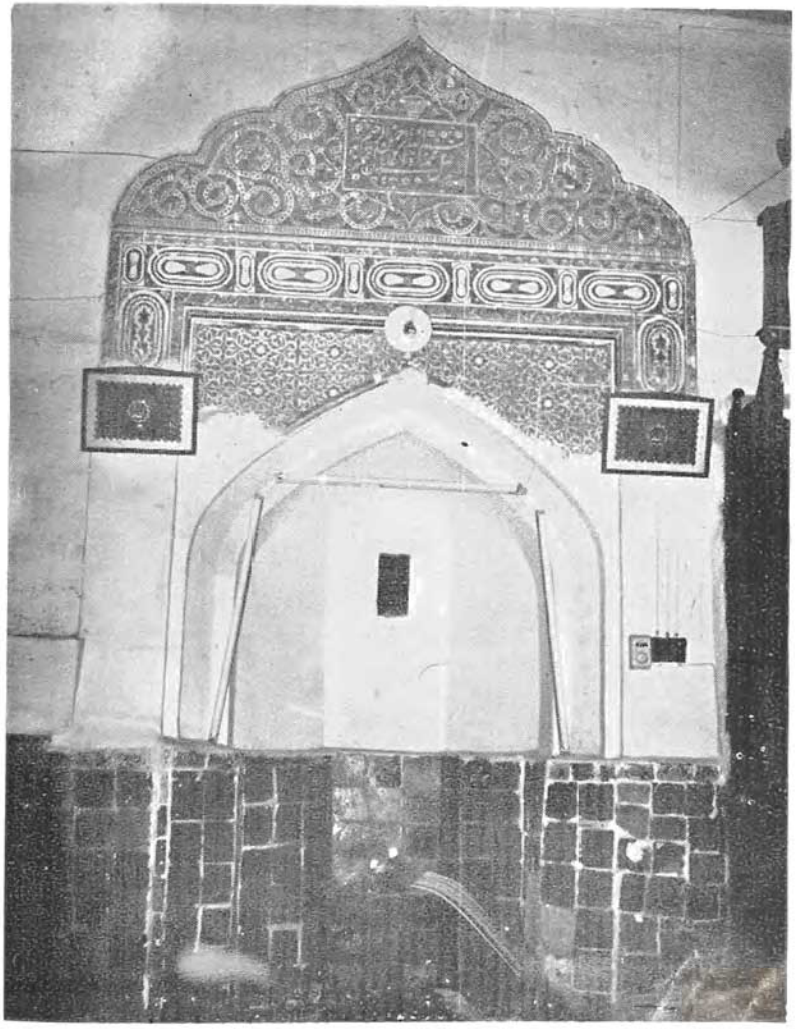
تصویر شمارهٔ ۷ نمائی از مسجد جامع بروجرد از بالا

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شمارۀ ۸ محراب مسجد جامع

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

تصویر شماره ۹ نمای روبروی شبستان مسجد جامع بروجرد

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

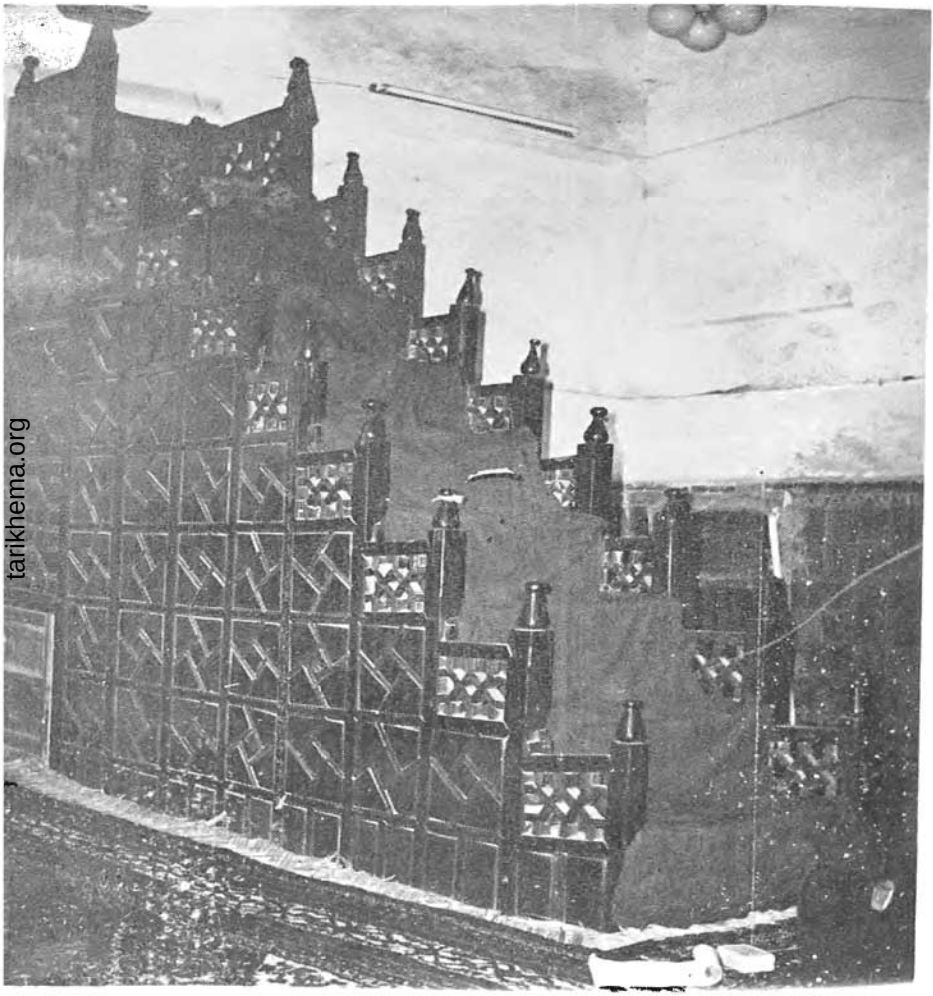


تصویر شمارهٔ ۱۰ درچوبی شبستان مسجد جامع

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

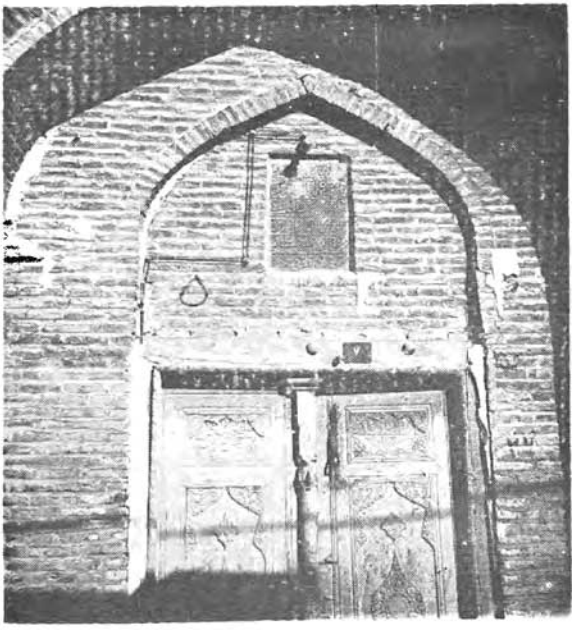


tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۱۱ منبر قدیمی مسجد جامع بروجرد

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



نصویرشمارهٔ ۱۲ درغربی مسجد جامع

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

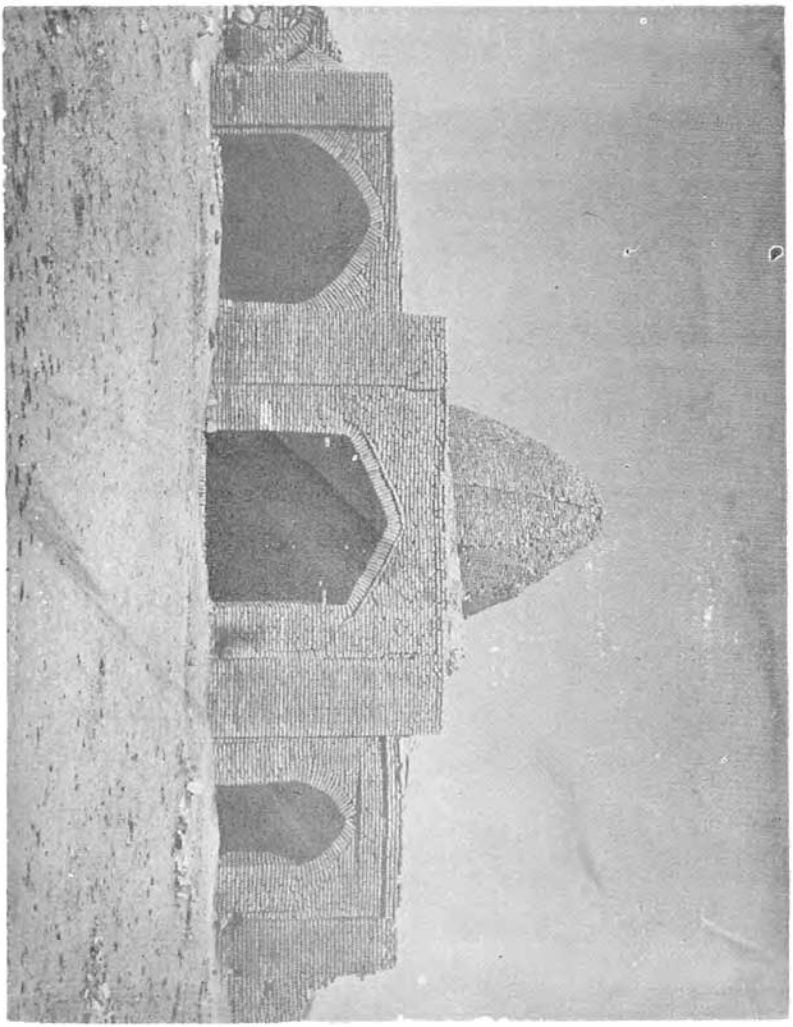


تصویر شمارهٔ ۱۳ سنگ‌نوشته مربوط به زمان شاه عباس بزرگ

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شمارهٔ ۱۴۵ نمائی از بقعهٔ شاهزواریو

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۱۵۵ نمائی از پشت بقعهٔ شاه زواریو

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

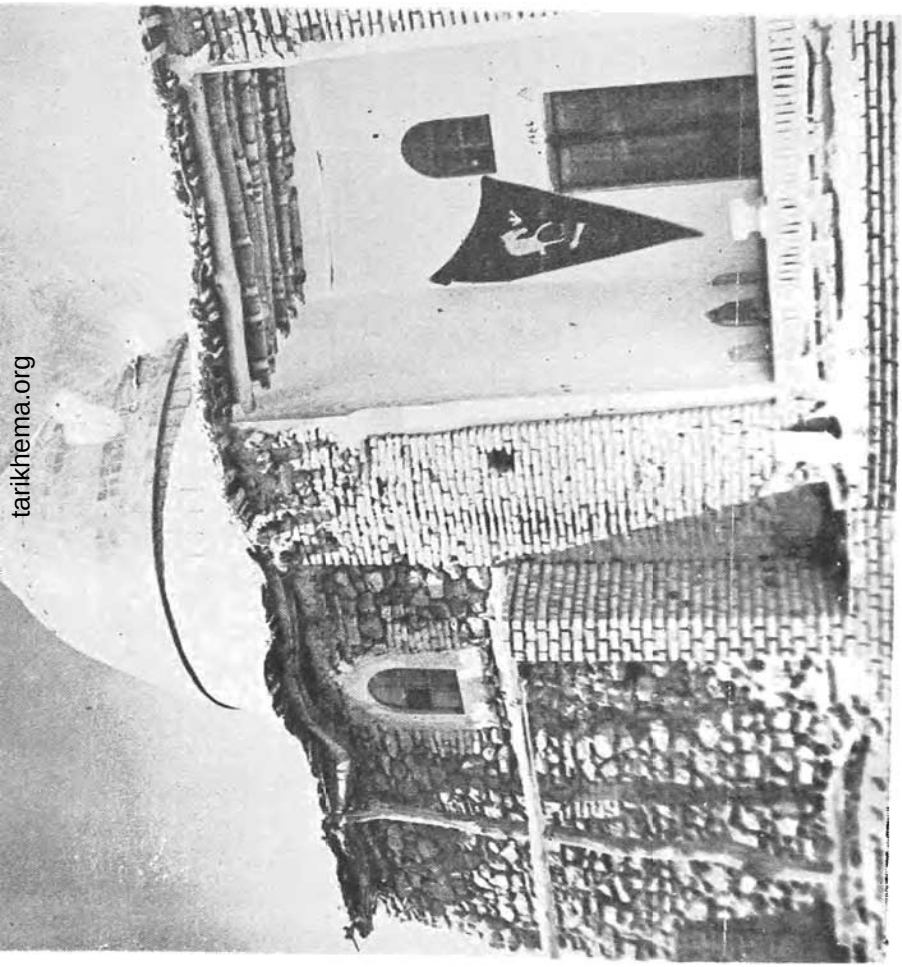


تصویر شمارهٔ ۱۶ گچبری سقف بقعه شاه زواریو

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شمارهٔ ۱۷ بقعهٔ محسن بن علی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شمارهٔ ۱۸ دربقعه محسن بن‌علی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

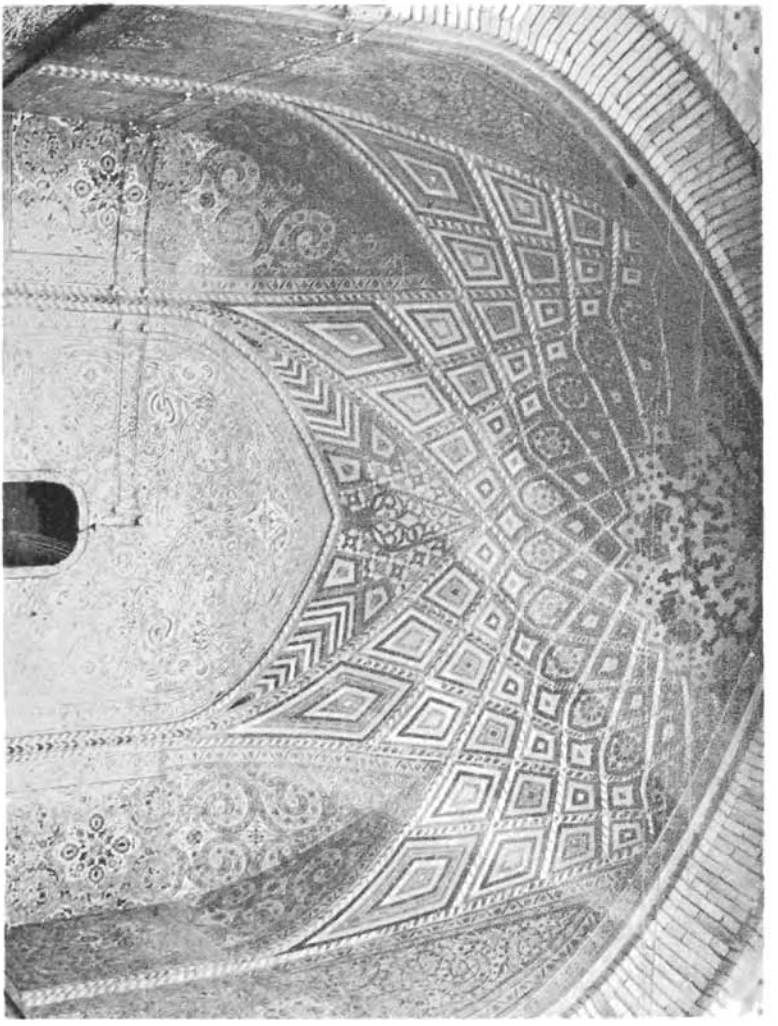
PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۱۹ بقعهٔ امامزاده ویلیو

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شمارهٔ ۲۰ کاشیکاریهای سردر ورودی شمالی مسجد شاه یزد جرد

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

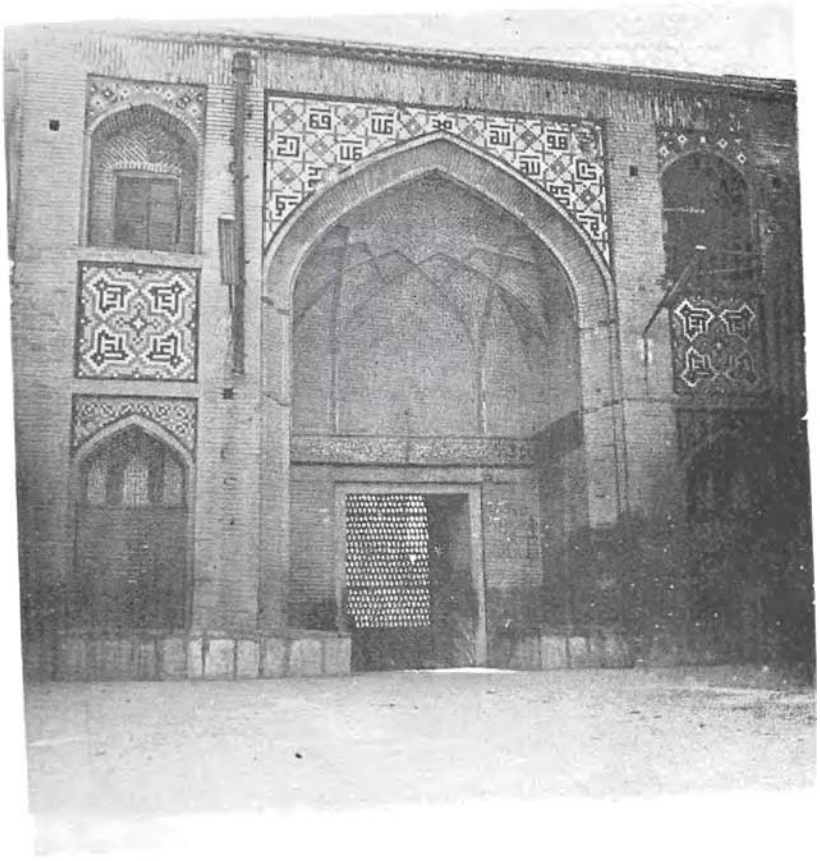
PDF.tarikhema.org



تصویر شمارهٔ ۲۱ در چوبی شمالی مسجد شاه

PDF.tarikhema.org

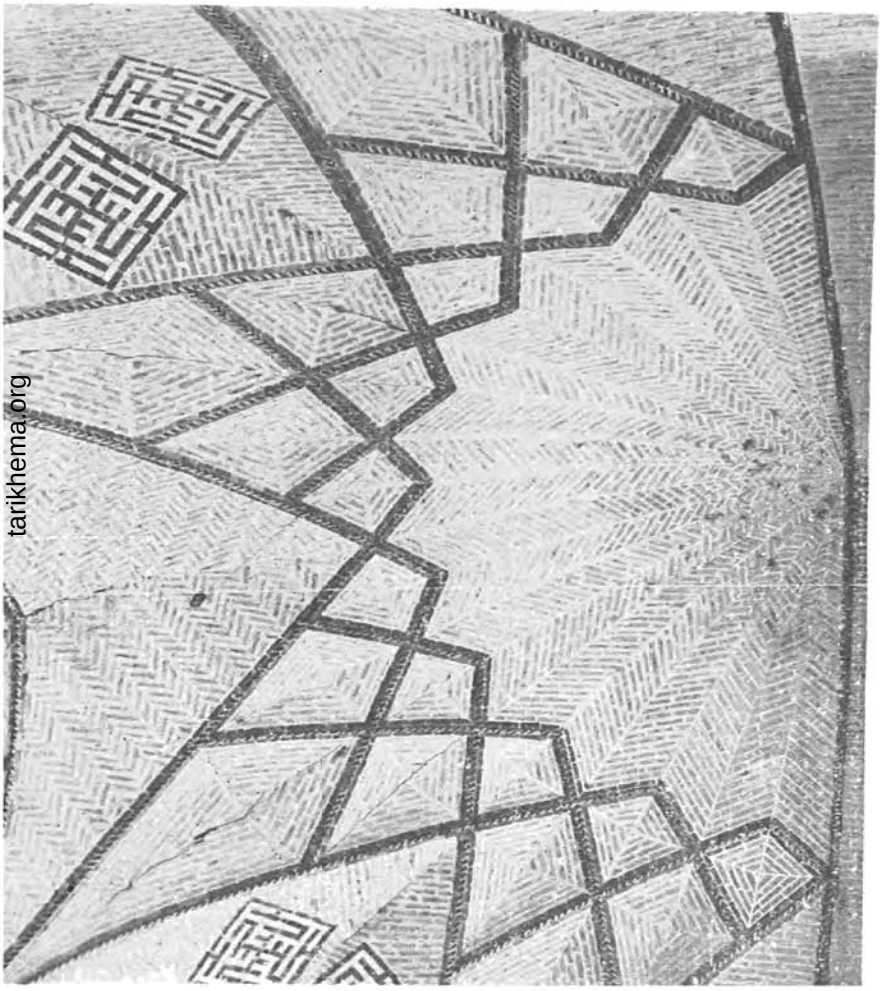
PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شمارهٔ ۲۳ آجرو کاشیکاری ایوان بارو اق غربی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۲۴ نمای شبستان جنوبی مسجد شاه بروجرد

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۲۵ محراب شبستان جنوبی

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۲۶ رواق یا ایوان شمالی و محل اذان گوئی بالای آن

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

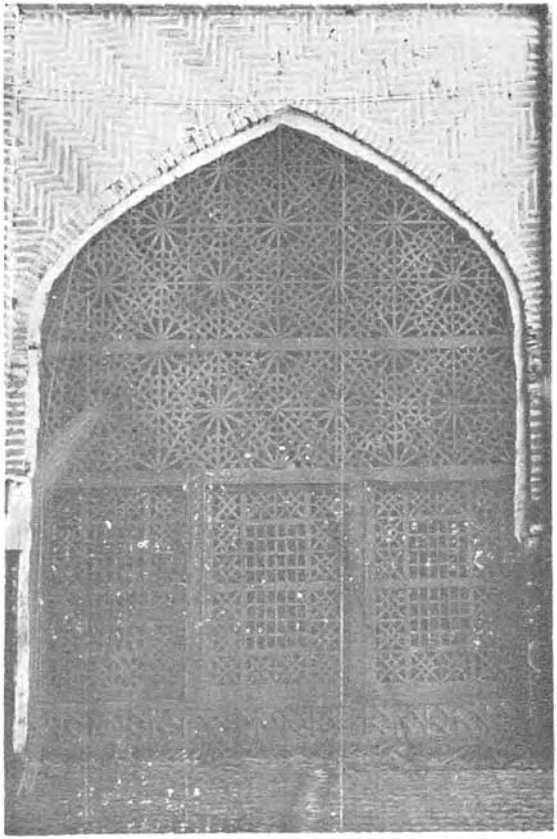


تصویر شمارهٔ ۲۷ یکی از سنگهای منقوش پایه‌های رواق شمالی مسجد

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شمارهٔ ۲۸ در مشبک یکی از حجرات مسجد جامع

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۲۹ سنگ نوشته مربوط به سال ۱۲٤۸ در رواق غربی مسجد

PDF.tarikhema.org

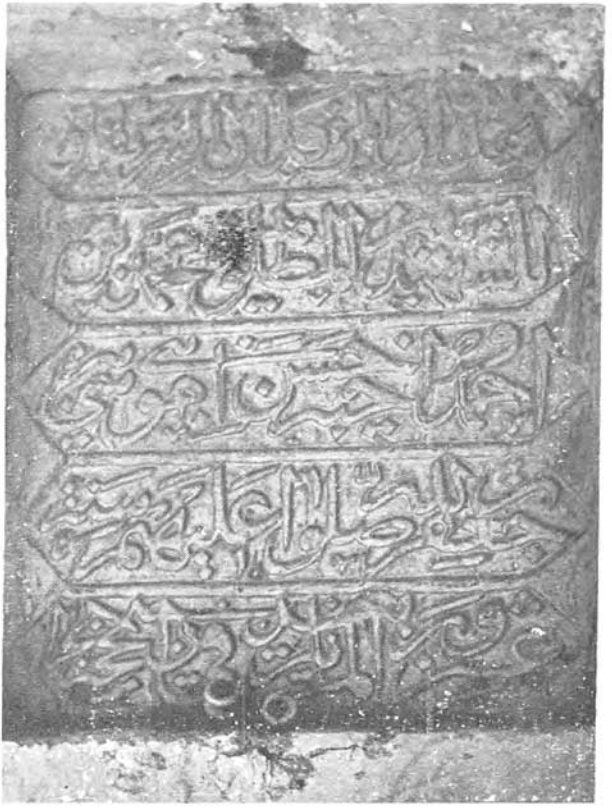
PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۳۰ مقبره دو خواهر ان در بیجور راه گورستان امامزاده جعفر

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شمارهٔ ۳۱ سنگ نوشته بر بالای مقبره امامزاده قاسم

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شمارهٔ ۳۲ قبر کاشیکاری شده مرحوم حاج میرزا محمود مواهب

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۳۴ نمائی از قبر و داخل مقبره مرحوم مواهب

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



تصویر شمارہ ۲۴۶ دھانۂ تنگہ کول کنی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۳۵ غار دهانه تنگهٔ کول کنی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تصویر شمارهٔ ۳۶ آثار بناو ساختمان در دهانهٔ تنگهٔ کول کنی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

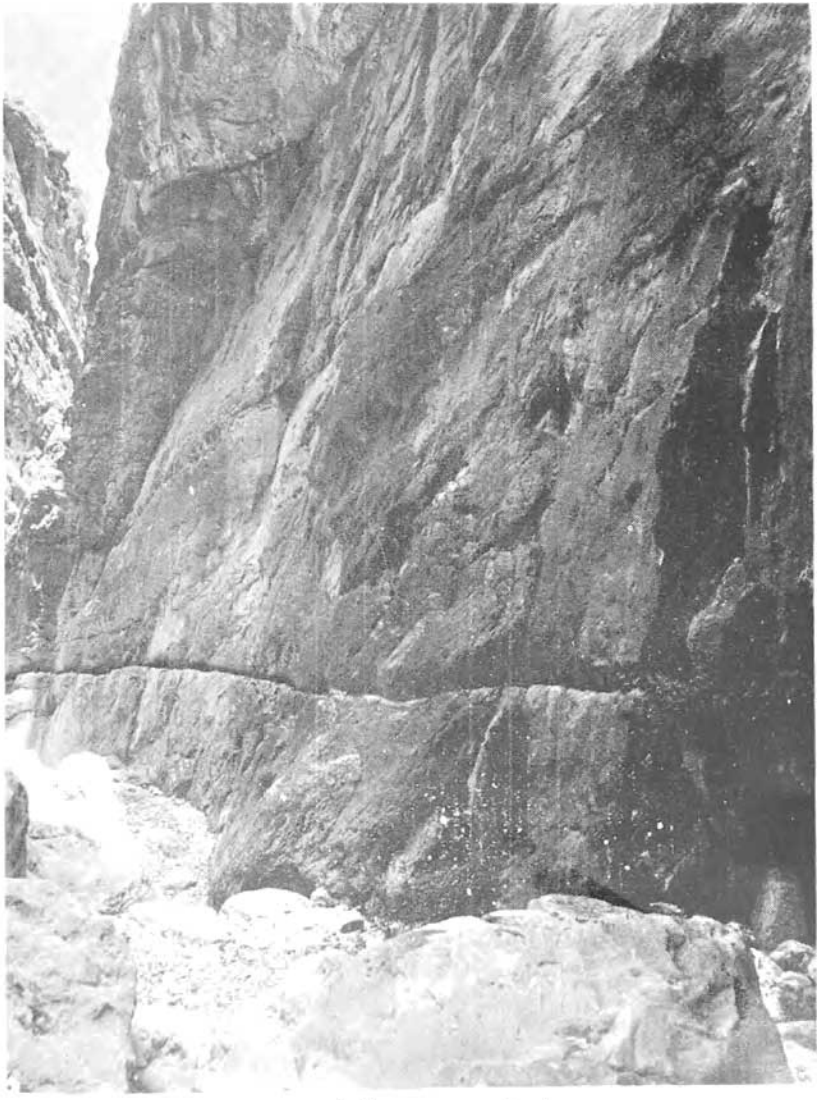
تصویر شماره ۳۷ قسمتی از نهر کنده شده در دیواره کوه نگاه کول گنی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

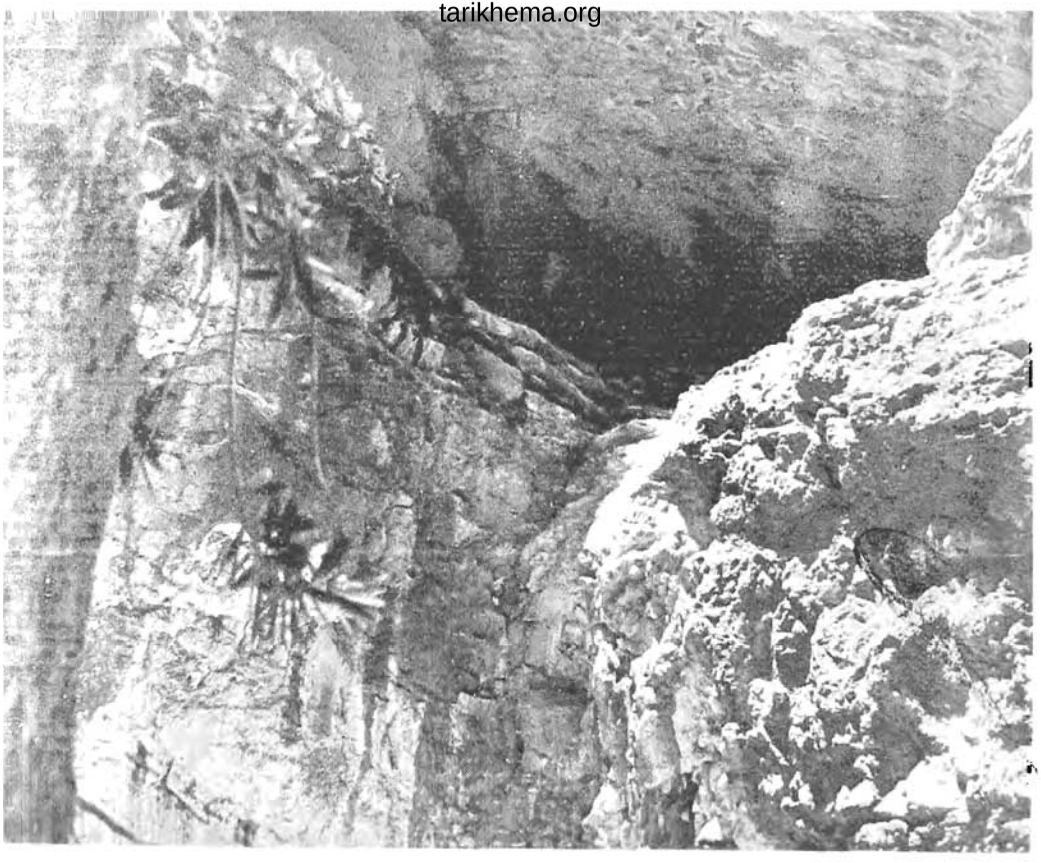
tarikhema.org



تصویر شمارهٔ ۳۸ قسمتی دیگر از نهر کنده شده

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شمارهٔ ۳۹ غار مشهور کول‌کنی که میگویند جسد انوشیروان در آن دفن شده‌است

PDF.tarikhema.org
PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

فصل یازدهم

فهرست اعلام

نام کسان

آشور نازیرپال ـ ۳۹۰
آق اولی (سپهبد فرج‌الله) ۵۴۲، ۵۴۳
آقا حسین بروجردی ۵۲۰ ، ۵۳۱
آل بودلف ۵۰۶
آقایی ـ حسن ، ۵۵۷
آهلك ۵۳۳
آیت‌الله بروجردی ـ ۵۳۷
آیوسف ۵۳۳

الف

ابراهیم ، ۳۱۰
ابرداوود ۲۸۹
ابن‌الندیم ۵۰۳
ابن جوزی ۲۶۷
ابن حوقل ۲۶۳
ابن فقیه همدانی ۵۰۶
ابن مقفع ۵۰۳
ابوالحسن ـ شاهزاده ۵۳۰
ابوالحسن محمد بن حمزه‌بن الحسین ۵۳۶
ابوالعباس احمدبن ابراهیم ۵۲۹
ابوالفضل طباطبایی ۵۰۵
ابوالقاسم جعفربن حسن‌بن علی ۵۲۰
ابوالقاسم طاهری ۴۵۴
ابوالمظفر رکن‌الدین سلطان برکیارق ۵۲۷
ابوالنجم بدرحسنویه ۳۴ ، ۵۰۷
ابودلف ۲۶۰ ، ۲۶۱ ، ۵۰۴
ابودلف‌الخزرجی ۵۰۵
ابو سعد ۵۰۷
ابوسعید اسفهسالار برسق ۲۶۶
ابوسعید آقسنقر برسقی ۲۶۶ ، ۲۶۷
ابوموسی ۲۶۳
احتشام‌السلطنه ۵۲۳
احمدبن‌الحسین‌بن علی‌الحسین مرعشی ۳۷

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

احمدبن خالدالاحوال ۵۴۷ ، ۵۴۹
احمدبن محمود ۱۹۴
احمد (حاج سید احمد طاهری) ۲۳۰
احمد فداله (سادات) ۴۳
احمدگیمه ۱۶۱
اردشیر بابکان ۲۵۴
اریك اشمیت ۳۲۹
استاد پورداوود ۲۶۱ ، ۵۰۵
استخری ۲۶۷ ، ۵۰۶
استرابن ۳۰۲ ، ۳۶۲
استین (اودل) ۳۲۹ ، ۳۶۲ ، ۳۶۸
اسفهسالار ابرداوود ۲۸۹
اشمیت ۳۶۲ ، ۳۶۴ ، ۳۶۹ ، ۳۷۰ ، ۴۱۴ ، ۴۱۶
اشی «الهه» ۴۱۷ ،
اصطخری ۲۶۷
اعلم (دکتر مصطفی) ، ۳۷۸ ، ۴۵۶
اعزق ۵۰۸
اغوزلو ۵۲۵
افشار ایرج ۲۶۲ ، ۵۰۶
اکبر تجویدی ۳۶۰
الحاج محسن خان ۵۱
المقتفی ۲۶۵
امام جعفرصادق علیه‌السلام ۱۴۰، ۱۹۳
امام زاده جعفر ۵۱۶
امام زاده جعفربن موسی‌الکاظم علیه ـ السلام ۵۱۸ ، ۵۲۳
امام زین‌العابدین (ع) ، ۵۲۹
امام علی‌النقی (ع) ، ۱۹۵
امام موسی‌الکاظم ۷-۱۷ ، ۵۱۹
امان‌الهی بهاروند، سکندر ، ۳۰۴
امیر اسفهسالار برسق‌کبیر ۲۶۶، ۲۶۷
امیر افخم ۵۴۱ ، ۵۴۲
امیر تیمور ۵ ـ ۹، ۱۵۴، ۱۹۰، ۵۰۵ ، ۵۰۸ ، ۵۱۴
امیر اسپهسالار برداوود ۲۷۲
امیر زاده عمر شیخ ۵ ـ ۱۹۰، ۵۰۹
امیر زاده میرانشاه ۵۰۸
امیر سیف ۶۲ ، ۶۳
امیر منصور بیك ۲۵۶
انده‌گدار ۳۵۶، ۳۶۳، ۳۶۷، ۳۹۹
انکیدو ۴۵ ، ۴۵۲
انوشیروان ۵۴۳، ۵۴۴ ، ۵۴۵، ۵۴۶
۵۴۷، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۸
اوردیا (حسین بن محمود) ۵۱۹
اورل استین ۱۰، ۲۷۲، ۳۰۴
اون تاش هوبان ۳۸۵، ۳۹۰، ۳۹۷
اونگناد ۴۴۴
اهورامزدا ۴۱۱
ایرج افشار ۲۶۲، ۵۰۶
ایشتار ۲۶۱، ۳۱۷
ایندرا (خدای طوفا درهند) ۴۳۲

ب

بابا ابراهیم ۴۲

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

باباخلیل اکبر ۱۲۲،۱۲۱،۱۲۰،۴۲
بابا خوارزم ۴۷
بابا زید (بویزه) ۱۲۶،۴۵،۴۴
بابا قلندر ۴۲
بابای لنگ ۷۲
بادیبه (ژان پل) ۴۵۲،۴۳۶،۴۳۴
باستانی پاریزی (دکتر) ۲۶۱،۲۶
باطنیان ۲۶۷،۲۶۶،۲۶۵
بدر پسر حسنویه ۳۴،۳۳، ۳۶، ۲۶۴
۵۰۷ ،۲۷۹
برسق خداوندیشتر ۲۶۵
برکیارق ۲۶۶
بلی سر ۳۹۲
بودلف (وزیر) ۵۰۸
بودنی (مك) ۳۵۸،۳۵۷،۳۵۶،۳۵۴
بهاءالدین ابوالشرف صالح ۳۷
بهاءالدین سمنانی ـ ۴۲
بهار (ملك‌الشعرا) ۵۰۸
بهرام ۳۶
بهرود(حبیبی)۳۹۹،۳۶۷،۳۶۳،۳۰۲
بهنام (عیسی) ۴۳۴،۳۶۸

پ

پرجیاتا (خدای‌طوفان) ۴۳۲
پروفسورکون ۳۵
پرویز (ناتل خانلری) ۴۷
پوپ ۳۹۹ ، ۴۰۷
پورادا ۳۶۸
پورقلی ۵۱۹
پیراحمد ۴۲
پیرنیا (داریوش) ۴۵۶
پیوتروسکی ۴۰۷

ت

تجویدی (اکبر) ۳۶۰
ترك امیر ۳۰۰
تقی خان دازانی ۵۲۳،۵۱۷
توپال پاشا ۲۵۵
تیمسار فرج‌الله آق اولی ۵۴۳،۵۴۲

ج

جان ساطان ۲۵۷
جرایری (سید نعمت‌الله) ، ۱۳۶
جعفربن موسی‌الکاظم ۵۱۸
جعفر شهیدی (دکتر) ۵۲۱،۵۲۰
جلال ستاری ۴۳۴
جمال اکبر ۴۶
جمال زاده(سید محمدعلی) ۵۴۲،۵۴۱
۵۴۳

ح

حاج آقا حسین بروجردی ۵۴۰
حاج احمد اولیائی ۵۴۳

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

حاج حیدر ایوتین ۳۰۵
حاج علی اکبر محروم ۵۵۲
حاج علی محمد حجتی ۵۲۶،۵۲۷
حاج مرید حسنوند ۲۵۴،۲۵۷
حاج میرزا محمود مواهب طباطبائی ۵۳۶ ، ۵۴۰
حاجی احمد خان ۲۵۶
حبیبی (بهروز) ۳۶۳، ۳۶۷، ۳۹۹
حجتی علی محمد ۵۲۶،۵۲۷
حسن آقایی ۵۴۴ ، ۵۵۷
حزین ، حسین ۵۲۹،۵۳۹
حسام‌الدین خلیل ۱۵۳،۱۵۴
حسام‌الدین شوهله ۱۳۲
حسن بن سهل ۵۴۷ ، ۵۴۹
حسنویه برزیکانی ۲۶۶،۲۶۴
حسین‌بن علی‌بن‌ابیطالب ۵۲۰
حسین برزیکانی ۲۶۴
حسین‌بن عثمان‌الفرابی‌البرسقی ۲۶۸
حسین بن محمود اوردیا ۵۱۹
حسین خان ساکی ۲۵۶
حسین خان ۳۹،۴۰،۱۱۹
حمدالله‌مستوفی ۴،۸، ۱۵۰،۱۶۱،۲۶۲، ۲۶۳،۲۶۸،۵۰۷،۵۰۸،۵۲۲
حمودابی ۳۹۶،۴۳۶

خ

خادم‌الفقرا (داوودبن محمد) ۸
خان‌الماس ۳۰۰
خان بابا ابن عبدالعلی ۳۱۱
خدایی خان ۲۵۶
خلف ۴۳
خلیل‌اکبر بن‌پیراحمد ۴۲،۱۲۰،۱۲۱، ۱۲۲
خلیل‌کر = خلیل اکبر
خواجه قوام‌الدین درگزینی ۲۶۴
خواجه محمودبن محمد چاغری ۵۱۳

د

داریوش شاه ۲۶۱
داریوش پیرنیا ۴۵۶
داوود برادر مسعود ملکشاه ۲۶۵
داوودبن محمد (خادم‌الفقرا) ۸
دبیرسیاقی ۲۶۲، ۲۷۰، ۵۰۷، ۵۲۲، ۵۴۶
دزفولی ، محمدرضا ۵۳۰
دکتر شهیدی ، جعفر ۵۰۵
دکتر معین ۲۶۹
دوسو ۴۱۷،۴۲۲
دومزیل ۴۳۲
دو مورگان ، ژاك ۱۳ ، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۹۲،۲۲۱،۲۵۰،۳۵۵، ۳۶۲،۳۶۸، ۵۰۳،۵۰۹،۵۱۰
دیاکونف ۳۵۶،۴۰۷

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ر

رازانی تقی خان ۵۲۳
راشد پسر مسترشد ۲۶۵
راوندی ۲۶۲
رضاشاه‌کبیر ۱۳،۱۵۶،۲۲۱،۲۷۹
رودرا (خدای طوفان) ۴۳۲

ز

زرتشت ۵۴۵

ژ

ژاك دومورگان فرانسوی ۲۲۱،۳۵۵
۳۶۲،۳۶۸
ژان اوپن ۵۱۴
ژان پل بادبیه ۴۳۴،۴۳۶،۴۵۲
ژ ، کنتنو ۳۸۵،۴۴۴

س

سارگن ۳۹۲،۳۹۳،۴۲۸
سپهبدزم آدا ۱۸۱،۲۱۷،۲۲۲،۲۵۰
۲۹۷
سپهسالار مودود ۲۶۶،۲۶۷
ستاری ، جلال ۲۳۴
ست‌النساء بنت‌العباس ستوده ، منوچهر ۳۴
سرتیپ محمد حسین ۱۸
سرخاب‌ن علی ۱۶۱،۱۶۲
سرلشکر طهماسبی ۵۳۰
سروش ۴۱۰،۴۱۱،۴۱۳،۴۱۴،۴۱۶
سکندر امان الهی بهادوند ۳۵۴
سل‌سل ۲۵۴،۲۵۵
سلطان غازی ۵۱۴
سلطان محمد ۵۲۳
سلطان محمود ۲۶۴
سلطان محمودبن علی ۷۱
سلطان ملکشاه سلجوقی ۲۶۶
سلفی ۱۴
سمنانی ، بهاالدین ۴۲
سناخریب ۳۹۹
سنجر سلطان ۲۶۴،۲۶۷
سودیا (خدای هند) ۴۳۲
سهراب ۱۵۷
سید احمد ۴۳
سید جمال‌الـدین واعظ اصفهانی ۵۴۰
۵۴۱،۵۴۲
سید حیدر ۴۳
سید سلیمان ۴۳
سید سهم‌الدین ۴۵،۱۲۷
سید علی ۴۳
سید علی‌بن سید محمدبن سیدعبدالله بن‌ـ
موسی‌کاظم ۴۲،۴۳

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

سید قاسم بروجردی ۵۳۹
سید محمد ۴۳
سید محمد تقی ، مصطفوی ۵۴۲
سید محمد ۴۳
سید محمدعلی جمال زاده ۵۴۲،۵۴۱
۵۴۳
سیف‌الدوله صدقه ۲۶۷
سیف‌الدین دستم ۱۵۷،۱۵۳،۱۵۰
۱۷۸،۱۷۷،۱۵۹،۱۵۸
سیف‌الدین قسیم‌الدوله ۲۶۶
سیف‌الدین قلداش ۵۱۴،۵۰۹،۱۹۰

ش

شاخاتون ۵۱۹
شافر ۳۹۴،۳۹۳،۳۹۲
شاه احمد ۳۷،۳۶
شاه اسماعیل صفوی ۴۲
شاه‌چراغ (شاهـزاده احمد) ۱۸،۱۷
۱۶۱،۱۴۸،۱۲۹،۷۴،۷۳
شاه حسین ۴۲
شاهرخ ۴۳
شاه دستم بن شاه حسین عباسی ۴۲
شاهزاده محمد ۴۲
شاه زواریان ۵۲۶
شاه عباس کبیر ۵۲۵،۴۰،۲۰
شاهویردی خان ۵۲۵،۴۰،۳۹،۲۰
شجاع‌الدین خورشید ۳ ، ۴، ۳۹،۳۷
۱۶۲،۱۶۱،۱۵۳،۱۵۰
شرف‌الدین ابوبکر ۱۶۱،۱۵۹،۱۵۵
شرف‌الدین علی یزدی ۵۰۴
شعار ، جعفر ۲۶۲
شوهله، حسام‌الدین ، ۱۶۲،۱۶۱
شهاب‌الدین، سلیمان شاه‌ایـروه ۱۵۳
۱۶۱
شهنشاه، شجاع‌الدین خورشید ۴۳،۴۰
۱۱۸،۱۱۶،۱۱۵،۱۱۴،۱۱۳،۳۷
شیخ لی ، چنگیز ۵۷۷
شیخ محمد رضا دزفولی ۵۳۰
شیخ منتخب‌الدین ۳۷
شیخ میکائیل ۱۹۰
شیفر ۳۶۸

ص

صالح پسر عبدالله دازانی،فقیه ۵۰۷

ط

طالب علی ۱۳۰،۴۷
طاهری ، ابوالقاسم ۴۵۴
طاهری ، حاج سیداحمد ۴۳
طغرل پسر محمد ملکشاه ۲۶۴
طهاسب قلی سلطان اینانلو ۴۰

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ظ

ظل‌السلطا ۵۱
ظهیرالدین نیشابوری ۲۶۲

ع

عابدین کابلی ۵۵۷
عاصمی ، محمد ۴۵۲
عباس علی ۲۸۱
عبدالحسین نوایی ۵۲۷
عبدالله بن حسن‌المکفوف ۵۲۰
عثمان پاشا ۲۵۵
عرفان محمود ۲۶۳
عزالدین گرشاسف ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۶۱
عزالدین مسعود ۲۶۷
علاالدین ۳۰۰
علامه مجلسی ۵۲
علی‌اصغر بروجردی ۵۱۷
علی‌بن‌ابیطالب (ع) ۲۹۹
علی‌بن بدر ۱۵۹
علی‌کرباسی ۴۵۶
عماد ۲۶۷
عیسی بهنام ۳۶۸، ۴۳۴

ف

فتحعلی شاه ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۷
فرانك هول ۳۵۳، ۳۵۵
فرخ جان ۲۵۷
فردوسی ۵۴۵
فلسفی ، نصرالله ۵۲۵
فیروز ۱۸۰
فیلیس اکرمان ۴۰۷

ك

کابلی ، عابدین ۵۵۷
کاظم‌کاظمی ۳۱۲
کاه‌یار (ایزدپناه) ۵۵۷
کدخدا سهراب ۱۵۷
کرباسی ، علی ۴۵۶
کریمی ، دکتر ۱۰، ۳۴، ۱۰۸، ۳۶۳
کلیرگاف ۴۵۳
کودورنانخونته ۳۷۷
کودی‌گالزوی اول ۳۹۱
کیقباد ابن هزار اسب دیلمی ۲۶۷

گ

گاف ، کلیر ۴۵۳
گدار ۳۰۲، ۳۵۶، ۳۶۳، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۹۴، ۳۹۹، ۴۱۴، ۴۲۴، ۴۳۴، ۴۳۷، ۴۴۳
گرشاسف،عزالدین ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۶۱
گگ احمد ۱۷

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

گودرزی ، میرحیدر ۵۲۵
گیرشمن ۲۵۰، ۲۶۹، ۳۵۶، ۳۶۲،
۳۶۷،۳۶۸،۴۰۷،۴۳۲،۴۳۴،۴۴۴
گیل‌گمش ۳۲۵، ۳۸۱، ۳۸۵،۳۸۶
۴۳۸،۴۴۰،۴۴۱،۴۴۲، ۴۵۰،۴۵۱
۴۵۲،۴۷۰،۴۷۱،۴۷۲،۴۷۳
گیمه ۱۶۱

ل

لسترنج ۲۶۳ ، ۳۰۴ ، ۳۰۴ ، ۵۰۴
۵۰۵،
لطف‌الله‌هنرفر ۵۲۷
لوئی و انـدنبرگ ۲۶۳،۳۰۴،۵۰۴
۵۰۵

م

مارگیمه ۱۶۰،۱۷۹،۱۸۰
مادوتا (الهه هند) ۴۳۲
مأمون ۵۴۷،۵۴۸،۵۴۹،۵۵۰،۵۵۱
محسن بن علی ۵۲۸
محمدبن علی اردبیلی ۳۷
محمدبن احمد ۵۳۹
محمدبن عبدالله «ص» ۵۳۵
محمد پروین گنابـادی ۲،۱۴،۱۸۶
۵۰۷
محمد پسر ملکشاه ۲۶۴،۲۶۶،۲۶۷
محمد تقی میرزا ، حسام‌السلطنه ۵۳۷
محمد دیباج ۱۹۳
محمد رضاشاه ۱۴۶
محمد رضا معجزی ۲۳۳
محمد عاصمی ۴۵۶
محمد علی شاه‌قاجار ۵۴۲
محمد مهدی ۳۹
محمدبن علی سلطان ۷۱
محمودبن محمدبن ملکشاه ۲۶۶
محمود عباسی ۵۰۸
محمود عرفان ۵۰۵
مردوك (خدای بابل) ۳۷۷،۴۴۴
مسترشد ۲۶۵
مستوفی ، حمدالله ۱۵۰،۱۶۱
مسعربن‌المهلهل ۵۰۵
مسعود پسر ملکشاه ۲۶۴،۲۶۵
مصطفوی ، سید محمد تقی ۵۴۲
مصطفی اعلم ۳۷۸،۳۸۴،۴۵۶
معجزی محمد رضا ۲۳۳
معمار یوسف فشنگچی ۲۷۹
معین‌الدین نطنزی ۲۲۰
مك بودنی ۳۵۴،۳۵۶،۳۵۷،۳۵۸
ملانیاز ۳۰۰
ملك عزالدین(اتابك لرکوچك) ۱۹۰
۵۱۳،۵۱۴
ملگارد ۳۶۹
ملکیش ویلی ۴۰۷
منصور بیك ۴۰

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

منوچهر ستوده ۲، ۲۶۲، ۵۰۷، ۵۲۱
موسی بن‌جعفر (ع) ۳۰۱
موسی خودنی ۵۰۴
موسی‌کاظم ۱۷، ۳۷، ۴۲، ۴۷
مهدی صالح ۳۷
میترا (خدای مهر) ۴۱۱، ۴۱۷، ۴۳۲
میرحیدرگودرزی ۵۲۵
میرخسرو ۵۲۵
میرزا سیف‌الله ۵۳۳
میرزایان ، م ۴۳۴، ۴۵۲
مینودسکی ۵۰۵

ن

ناتل خانلری ، پرویز ۴۰۷
نادر ۴۳
نادر زاد ۴۵۶
نادرشاه ۲۵۵، ۵۳۱
نادین آهه ۴۴۴
نارام سن ۳۹۲، ۳۹۳
ناصرالدین شاه قاجار ۴۹، ۵۱، ۴۰
نصرالله فلسفی ۵۲۵
نطنزی ، معین‌الدین ۲۲۰
نعمت‌الله جزایری ۱۳۶
نفیسی ، سعید ۲۶۴، ۲۷۹، ۵۰۴
نورالدین محمد ۴

و

واروتا (خدای طوفان) ۴۳۲
ولیو ۵۲۹
واندنبرگ ، لویی ۲۷۱، ۳۶۲، ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۸۴
ودیعی ،کاظم ۱۸۳، ۲۲۱

ه

هایتی ۳۶۸
هرتسفلد ۳۴
همدانی ، امیر افخم ۵۴۲
هنرفر ، لطف‌الله ۵۲۷
هول ، فرانك ۳۵۳

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

فهرست جغرافیایی

آ ـ الف

آبدانان ۳۷۱،۳۷۵
آتشکده اروخش ۲۶۱ ، ۲۶۲، ۲۶۸
۲۷۲،۲۸۰،۲۸۲،۲۸۳
آذربایجان ۴۰۰،۵۰۲،۵۰۴
آسیای مرکزی ۴۴۶،۴۵۰
آسیای غربی ۴۱۳
آسیای صغیر ۴۰۸،۴۱۶،۴۳۸،۴۴۶
آفریقا ۵۱
آلتامیرا ۳۵۹
آلمان ۳۶۳
آوسرده (آب سرده) دهستان ۲۱۷
آوسو ودهستان ـ رودخانه ۱۸۲،۱۸۶
اراك ۴۷،۵۰۲،۵۰۵،۵۲۶
ادانیه ۲۶۷
اردن ۳۵۷
اروپا ۳۵۹،۳۶۲،۳۶۳،۴۱۷،۴۲۱
ازگنه ، (کوه) ۱۸۶
ازنا (دهکده) ۱۴۷،۱۸۲،۱۸۷،۱۸۸
۱۸۹،۱۹۱
اژه ۴۲۲
استان ایلام ۳۶۱،۳۶۸
استرآباد ۵۰۸
اسپانیا ۳۵۷،۳۵۹
اسکاندیناویا (شبه جزیره) ۳۶۳
اشترانکوه ۲۱۸،۲۴۹
اشترینان ۵۰۲
اشرف‌آباد ۳۱۲
آشور (سرزمین) ۲۶۱
اصفهان ۱۴،۴۳، ۲۶۵،۵۰۳،۵۰۴
۵۲۲،۵۲۷،۵۴۰،۵۴۱،۵۴۲
افرینه ۲۰،۵۱۵
افغانستان ۳۵۷،۳۷۳،۴۵۰
اکبر آباد (دهکده) ۱۸۷
اکد ۴۳۶
الوارگرمسیری (بخش) ۱ـ۲
الیشتر ۱۸۲،۱۹۳،۲۴۹،۲۵۱تا۲۵۴
۲۰۷،۲۱۸،۲۲۴،۲۲۹، ۲۳۶،۳۶۳
۲۵۶،۲۶۸،۲۸۰،۳۰۲،۳۲۰
امریکا ۳۵۳،۳۵۷
املش ۳۷۹
امیر (دهکده) ۳۳۷
امیرآباد ۱۹۱
امیر سیف (دهکده) ۳،۷،۱۰
انارکی (رود) ۲

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

انجمن آثار ملی ۵۵۱
اندیمشك ۳۴،۳۰ ، ۳۷ ، ۱۴۷،۴۴
۵۱۵،۱۶۱،۱۴۹
انگلستان ۳۵۳،۳۷۷،۳۵۳
اور ۴۴۲،۳۷۳
اورارتو ۳۹۹،۴۰۷،۴۲۲،۴۲۹:۴۳۱
اوروك ۳۹۲
اوگاریت(رأس‌الشمرا) ۳۹۴،۴۴۶
ای ت ون (دهستان) ۲۹۲،۲۹۳
ایران ۲۶۱،۲۹۶
ایرانشهر ۳۰۶
ای یت‌ون (اولاقوا) ۲۹۲،۲۹۳،۳۰۹

ب

بابل ۳۶۲،۳۶۴،۳۶۸، ۳۷۷، ۳۹۵
۴۲۲،۴۳۶،۴۴۵،۴۷۰
باریك آو (کوه) ۲
باریگاه‌کوه ۲۷۷،۳۲۵
باغ شاه ۵۱۰
باغ میر (کوه) ۱۸۲
بالادود ۲
بالاگریوه ۱۹،۴۹
بالکان ۳۹۶
بایه (دهکده) ۱۸۷،۱۹۰،۱۹۱،۱۹۳
بتکی(دهکده ، گودستان) ۲۸۹،۳۴۰
۳۴۱،۳۴۲
بدخشان (نام قبلی افغانستان) ۳۷۳
بردبل ۳۷۶
برفتو (کوه) ۱۹۳
بروجرد ۱۸۱،۲۱۷،۳۱۲،۵۰۲ تا
۵۰۴،۵۲۶ تا ۵۳۰،۵۴۰تا۵۴۳
بریتانیا ۴۰۰،۴۵۵
بزکن (کوه) ۲۹۳
بزگیر (کوه) ۲۳۰
بسوم (بسطام) دهستان ۱۵۰
بغداد ۴۰،۲۶۵،۳۹۱،۳۹۲،۴۳۹
بلوئیك ۳۶۸،۳۷۰،۳۷۸
بلغارستان ۳۲۳
بلکیس‌کوه ۱۸۹
بلوران (دهکده) ۲۹۹
بلوو (کوه) ۱۸۲
بنادکیو ۱۵۶
بن‌دیز ۱۵۶
بن سرمه ۳۷۱
بنه سره (کوه) ۱۹۱
بوخارز(باباخوارزم) دهکده‌مقبره ۴۸
بووالی(دهستان) ۲۱۷،۲۲۶
بووه میری (کوه) ۲۹۳
بیژنوند (قریه) ۲۷۵
بیستون ۲۶۱
بین‌النهرین ۳۵۴،۳۶۸،۳۷۲،۳۹۱
۳۹۵،۴۱۰،۴۱۳،۴۳۷،۴۳۸ ،۴۴۶
۴۵۰

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

پ

پاپی (بخش) ۱۴۵،۱۹ تا ۱۵۵،۱۴۹
۱۸۸،۱۸۱،۱۶۱
پادیس ۴۵۶،۴۵۵،۴۰۰
پاسنگر (غار) ۳۵۳
پشتکوه ۳۷۳،۳۷۰،۳۶۸،۳۶۱،۲۵۶
پل دختر (مرکز بخش) ۵۱،۴۹،۲۲
پله بواس ، دهکده ۱۵۵
پهلو ۵۰۴
پهله ۵۰۴،۵۰۲
پهنامیل ۳۸
پنگووه (روستا) ۱۵۵
پیرجید (روستا) ۱۵۵
پیر دوسی (گذرگاه ، دهکده) ۳۰۷
پیرماهی (دهکده) ۲۲۷
پیشکوه ۳۶۸،۳۶۱
پیل هرو (دهکده) ۱۸۴،۱۸۲

ت

تادیك در (کوه) ۱۸۲
تاف (کوه) ۱۹۲
تایی (دهکده) ۴۵،۴۲
تبریز ۴۹۸
تپه اصلانشاه ۲۷۳
تپه امرائی ۲۷۲
تپه امیری ۲۷۳
تپه اولاد علی ۲۷۴
تپه بابا جان ۴۵۴،۴۵۳،۳۰۹
تپه بایه ۱۹۱
تپه باغ ۱۹۱
تپه بنکی ۲۷۳
تپه بردبل ۲۷۳
تپه بساط آباد ۲۷۴
تپه بهمن یکرزگی ۳۰۹
تپه بید قطار ۲۷۴
تپه پاقلا ۱۵۷،۱۵۶
تپه پشت تنگ ۳۰۹
تپه پیامنی ۱۸۹
تپه توده ریز ۲۴۵،۲۳۳
تپه چالان چولان ۵۱۵
تپه چنابل ۲۲۶
تپه چنادران ۵۲۵
تپه چناده ۵۱۵
تپه چم تکله ۲۷۳
تپه چم سرکه ۲۷۳
تپه جیب وند ۳۰۹
تپه حسنلو ۳۷۵
تپه حسین آباد خیاط ۲۷۳
تپه حسین خان ساکی ۱۸۹
تپه حمام ۳۰۷
تپه خان جان خانی ۲۴۶،۲۳۴
تپه خره سی ۲۲۷

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تپه دار (دوستا) ۱۵۵،۱۵۶،۱۵۷
تپه دماویزه ۳۷۰
تپه رزور ۵۱۵
تپه زرگران سفلی ۵۱۵
تپه زرگران علیا ۵۱۵
تپه سراب باغ
تپه سراب دادا ۲۲۷
تپه سراب شیخ‌آباد ۲۷۴
تپه سنگر ۲۳۴،۵۱۵
تپه سهراب ۱۵۰،۲۳۷
تپه سیاکله ۵۱۵
تپه سیکوند ۳۰۹
تپه سیلك ۴۴۴،۳۷۹
تپه سین‌آباد ۵۱۵
تپه شاهزاده ملك ۵۱۵
تپه شهن آباد ۳۰۹
تپه شهواد آقا ۲۷۲
تپه طرهانی ۲۷۳
تپه عزیزآباد ۵۱۵
تپه علی‌آباد ۱۸۸،۱۸۹
تپه فقایی ۳۳۶
تپه قلاکاسیو ۲۲۵
تپه قنبر علی ۲۷۳
تپه کاغه ۵۱۵
تپه کاکاشرف ۱۵۰
تپه کرنوکر ۲۲۶
تپه کفتارلو ۳۷۰
تپه کله جو ۲۳۴
تپه گچی ۲۲۶
تپه گریت ۱۵۰،۱۵۲
تپه گنل‌کو ۲۲۷
تپه گیان ۲۳۴،۳۷۰،۳۷۵،۳۹۴
تپه لم دره ۲۲۶
تپه ماردلیك ۳۷۹
تپه واشیان ۲۲،۱۳۹
تپه تخت جمشید ۳۹۹،۴۱۳،۴۱۹
تخت خان آبدانان ۳۷۱
تخت شاه ۲۹۰،۳۴۳
ترکیه ۳۵۷
تقی‌آباد (دهکده) ۱۸۷،۱۹۱،۲۷۳
تکریت ۲۶۷
تل احمر ۳۹۲،۳۹۴
تل اسمر ۳۷
تل بادسیپ(تل احمر) ۳۹۲
تل شمرا ۳۷۳
تلیاب بووالی (دوستا ، تپه) ۳۰۹
تنگ پری (تپه) ۳۰۹
تنگه چمشك ۲۲،۲۹
تهران ۳۹۳،۴۳۸،۵۳۴،۵۴۲
تیشه‌کن ۲۲۶

ج

جایدد،دهستان ۳۴،۴۷
جبال ۳۰۳،۵۰۳
جزایر اژه ۴۲۲

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

جزیره قبرس ۳۹۴
جلگه خلج ۳۶
جمشیدآباد (دهکده) ۱۸۷
جوانفار ۱۹۰
جیازه (کوه) ۲۹۳

چ

چال په (محله) ۵۳۹
چال خایه (کوه) ۱۸۲
چاپلق ۱۸۷
چشمه برقی ۲۵۱
چشمه بید ۲۷۴
چشمه تلاسه (روستا) ۱۵۵
چشمه شاقلی ۲۷۴
چشمه شفا ۳۰۶
چشمه‌کیو ۲۳۰
چشمه ماهی بازان ۲۳۰
چفازنبیل ۳۱۷
چفلوندی (بخش) ۱۸۱
چك دیز (کوه) ۲۳۰
چگنی (بخش) ۲۵۶،۲۷۶:۲۹۲،۲۹۵
۳۰۴،۳۵۶
چل‌نوالقو (کوه) ۲۴۹،۲۹۰
چم باغ (روستا) ۱۵۵
چمشك (روستا) ۲۰،۴۵،۵۰
چم ذکریا (دهکده) ۳۰۴.۳۱۳
چم‌گرداب ۳۰
چنارکل ۱۴۷،۱۵۵
چنار هشکه ۱۵۵
چناده (کوه) ۲،۳۰
چوبیه (تنگه) ۵۵۴
چوتاش (دهکده) ۱۶۰
چوواری (دهکده) ۳۰۹
چویرشا (کوه) ۱۹۴،۱۹۵
چه رضا (روستا) ۱۵۵
چین ۳۱،۴۰۲،۴۰۳
چین زال ۹

ح

حاجی آباد (روستا) ۱۵۵
حاجی بادیك آو، کوه ، روستا ۵
حسین‌آباد (ایلام امروزی) ۲۵۵
حسنیه ۱،۹،۱۴،۲۱۹
حلب ۲۶۷
حله ۲۶۷
حومه (بخش) ۲۱۷،۲۲۱،۲۳۲

خ

خاك مالگه (کوه) ۲۱۸
خاوه ۲۹۲،۳۶۳
خاور زمین ۳۰۶
خاور میانه ۴۳۵،۴۵۱
خراسان ۲۶۷

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

خرم آباد ۱۹ تا ۲۲، ۳۰، ۳۷، ۴۴
۲۱۷ ، ۲۲۹، ۲۳۶، ۳۵۵، ۳۶۸، ۳۷
۵۳۰
خرما باد ۳۰۳
خره سی (دهکده) ۱۸۷
خسرو خانی ۳۰۹
خوپری (کوه) ۲۹۳
خودوین (ناحیه) ۳۷۹، ۴۱۹
خوزستان ۱، ۱۳، ۱۴، ۴۹، ۵۱، ۲۶۴

د

دالوند (دهستان) ۱۸۱، ۱۸۵
دانشگاه اصفهان ۵۲۷، ۵۴۴
دانمارك ۳۵۳، ۳۶۹
در آستانه (دوستا) ۵۱۵
دره آش (تنگه) ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۸۰
دروازه (دهکده) ۲۷۷، ۳۲۳
دره رومشکان ۳۶۹
دره سند ۴۰۳
دره کوگان ۲۲، ۷۶
دره گرداب ۸
دره منگره ۵۷
دره نسو (دهستان) ۴۶
دره هومیان ۳۵۵، ۳۵۸
دریاچه رضائیه ۳۹۸
دریای خزر
دز (دورکوه) ۱، ۴، ۵، ۷، ۵۱۵
دزپول ۵۰۸
دزفول ۴۹، ۱۸۳، ۲۵۶
دشت کره گه ۱۹، ۴۶، ۱۴۷، ۲۵۵
دلفان، دلفو(بخش) ۱۸۵، ۲۷۶، ۲۹۱
۲۹۳، ۲۹۵، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۹، ۳۱۴
۴۵۳، ۵۰۰، ۵۰۱
دم‌آویزه ۲۹۳، ۲۹۶، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۶
دم غزنیه (کوه) ۱۸۲
دم هر (کوه) ۲۹۳
دوآب (دهستان) ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۷۹
دوآب زالی (تپه) ۳۰۹
دورق (دهکده) ۲
دورود (بخش) ۵۱۵
دوریژه (کوه) ۲۵۰
دولت آباد ۵۰۹
ده آقایی ۵۲۷
ده پیر (دهستان) ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱
۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۴۵، ۲۴۶
ده رحم (دهستان) ۲۵
دهستان تاف ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۵۵، ۱۵۶،
۱۶۰
دهستان تشکن ۲۳۵
دهستان کاکاشرف ۱۴۵، ۱۵۵، ۱۵۶،
۱۵۷، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶
دهستان کرکی ۴۷، ۵۵
دهستان کشور ۱۴۵
دهستان گازه ۱۴۵
دهستان گریت ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۰

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۱۵۵،۱۵۶،۱۵۷،۱۷۲،۱۷۳،۱۸۸
دهستان مال اسد ۲۱۷،۲۱۹،۲۲۴،
۲۲۵
دهکدهٔ باده ۴۲
دهکده چنابل ۲۲۶
دهکده چقلوندی ۲۲۰
دهکده سر تنگ قلا ۱۵۰،۱۵۱،۱۶۵
۱۶۶،۱۶۹
دهکده قاسم آباد ۲۳۷
دهکده کمالوند ۲۳۰
دهکده گجی ۲۲۶
دهکده گوشه ۳۸،۴۸،۱۱۳
دهکده وارك ۱۴۶
دهکده ممولو ۳۲،۴۶
دهکده نوژیو ۱۵۶،۱۶۰
دهلران ۳۵۳
دینور ۲۶۴،۲۶۵،۳۰۳،۳۰۴،۵۰۴

ر

رازان میدان ، دهکده، گردنه ۵۳۰
دهستان ۱۸۱،۱۸۵،۱۸۶،۱۹۶،۵۰۷
۵۲۶،۵۳۰
راس شمرا (شهر) ۳۹۴،۴۴۶
رباط نمکی (دستان) ۲۳۰،۲۳۱،
۲۳۲،۲۳۴،۲۴۷،۲۴۸
رودخانه رباط ۲۳۰
رحبه (شهر) ۲۶۶
رضائیه ۳۹۸
رود خرم‌آباد ۱۹،۱۴۷،۲۳۰،۲۷۹
رود فرات ۳۹۲
رم ۴۳۱،۴۵۶
رومشکان ۲۳۴،۳۶۲،۳۷۰
رمضان آباد (تپه) ۳۰۹
رمیو ، (رومیان) روستا ۵۱۳
روسیه ۳۹۸،۴۰۷
رودخانه زال ۲۰
رود زز ۲۵۱
رودسمیره ۱۹،۲۰،۳۰،۳۴،۹۹،۱۰۹
۳۶۸
رودخانه‌کاکاشرف ۱۴۷
رودخانه‌کرگانه ۲۳۰
رودخانه‌گریت ۱۴۶
رودکشکو ۱۹،۳۳،۳۴،۲۱۸
رودخانه وارك (کشور)۱۴۶
رومشته دارمرو (تپه) ۲۷۳
ری ۳ ۵،۵۰۴
ریمله (دهستان) ۲۲۹،۲۳۱،۲۳۲

ز

زاخه ۱۸۱
زاغه ۱۸۱،۱۸۲،۱۸۳،۱۸۷،۱۸۸،
۱۹۱،۲۱۷،۲۱۸،۲۱۰،۲۵۱
زاگرس ۳۶۸،۳۸۴،۳۹۰،۳۹۱ تا
۳۹۳،۳۹۸،۳۹۹،۴۳۵،۴۳۶،۴۴۵

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

زال دهکده رود ۹، ۱۰
زردلی (کوه) ۱۸۶
زرده سوار (تپه) ۳۰۹
زری مشت (کوه) ۲۵۰
زشت (تپه قریه) ۲۷۳ ۲۷۵
زینت مرده (کوه) ۲۸۳
زیویه ۳۹۹

ژ

ژنو ۴۳۵، ۴۳۸، ۴۴۷، ۴۵۶

س

سپیددشت (بخش، ایستگاه راه آهن) ۱۴۹
ستاده ۲۶۱
سد محمد رضاشاه ۵
سرآب الی ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۷۰، ۱۷۱
سرآب الیاس ۲۱۸
سراب امیر (چشمه ـ دهکده) ۲۸۵، ۲۸۷
سراب اوسرده (چشمه) ۲۱۸
سراب آهنگران ۲۵۱
سراب تلخ ۲۳۷
سراب جلدو ۱۵۱
سراب چنار (تپه ـ چشمه) ۲۷۳
سراب چهار شاخ ۲۵۱
سراب دارا ۲۱۸
سراب سیل گرگی (چشمه) ۲۱۸
سراب عمارت ۲۵۶
سراب فتح‌الله ۲۵۱
سراب کشت ورزه ۲۵۱
سراب گر ۳۰۹
سراب گنجعلی ۲۱۸
سراب نرم (دهستان) ۲۱۷، ۲۱۸
سرخ دم (دهکده) ۳۶۹، ۳۷۰، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۸، ۴۱۴، ۴۲۹، ۴۳۱
سرخه‌کوه ۲۵۰
سرسام‌گود ۲۵۰
سرکانه ۱۴۷
سرکشتی (کوه ، قریه) ۲۹۳، ۳۰۵
سرنجه (کوه) ۱۸۲
سزار (رود) ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷
سفیدکوه ۲۵۰، ۲۷۴، ۲۷۶
سکوند (قریه، ایل) ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۹
سلطان مشرق (تپه) ۲۸۵، ۲۸۶
سمرقند ۵۱۴
سمسا (غار) ۲۷۰، ۳۲۰
سمها ۲۷۰
سنجابی (دهستان) ۳۰۹
سودیه ۳۹۴، ۴۲۸، ۴۴۶
سویس ۳۶۳
سیاه‌کمر (کوه) ۱۸۲، ۱۸۷

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

سیبری ۴۳۹،۴۴۶
سی زیوا (سیدزیبا ، تنگه، بقعه) ۲۸۶
۱۹۲
سیلاخور (دهستان ، رودخانه) ۵۰۸
سیلك ۳۷۶،۴۰۳،۴۰۵،۴۲۴،۴۲۵
سیمره (منطقه ، رود) ۷،۲۹۶،۵۰۴

ش

شابرخواست(شهرباستانی) ۲۶۲،۲۶۳
شاپورخواست= شابرخواست ۲۶۳ ،
۲۶۶،۲۶۴،۲۷۹،۲۹۰،۵۰۸
شبه جزیره اسکاندینا ویا ۳۶
شبه جزیره هندوستان ۳۵۷،۳۶۲
شترمل (کوه) ۲۵۰
شخسك (کوه) ۵۰
شترمل (تپه) ۲۷۳
شکرآباد (تپه) ۲۷۳
شوش ۲۰،۲۳۳، ۳۷۰، ۳۷۳،۳۸۶،
۳۹۳،۳۹۷،۴۴۶
شوشتر ۵۲
شهرداری بروجرد ۵۴۰
شیخ (دهکده) ۷
شیخ گردنه ۳
شیخ ماخو (تنگه ، قلعه) ۵۵۴
شیراز ۵۱
شیکاگو ۳۶۵
شینه (دهکده، قلعه) ۲۷۶،۲۸۴،۳۲۳
۳۳۵

ص

صدمره= سمیره= صمیره ۴۰،۱۵۰،
۳۰۳،۳۷۰
صفا (خیابان) ۵۳۵،۵۳۹
صیمره ۵۵۴
طاق سید ۴۲
طالش ۳۶۳،۳۷۸،۳۷۹،۳۹۴
طرازك ۴
طرهان (بخش) ۲۹۲ ، ۲۹۵، ۲۹۹،
۳۵۶،۳۶۲

ع

عباس‌علی (گذرگاه) ۲۸۰،۲۸۲،۳۲۷
عبدالحسین (تپه) ۳۰۹
عراق ۵۱،۲۶۴،۲۶۵،۳۹۱
عربان(دوستا)۵۱۵

ف

فارا ۴۴۲
فتح‌آباد (دهکده) ۱۸۷
فرانسه ۳۵۳،۳۵۹،۳۶۳،۴۵۶
فرنگ۲۶۷
فقایی (کوه) ۲۸۵
فیروز آباد(قریه) ۲۵۰

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ق

قاجار ۵۳۳،۵۳۴،۵۳۶،۵۴۲
قبرس (جزیره) ۳۹۴
قرق (تپه) ۵۱۲،۵۱۳
قفقاز ۳۶۲ ۳۶۳،۳۷۸،۳۸۴، ۴۲۱، ۴۴۶
قلابایی (تپه) ۵۱۲
قلابردی (تپه ، دهکده) ۲۳۶،۲۷۴
قلادمیان (تپه) ۵۰۸،۵۱۳
قلایی (دهستان) ۲۵۰، ۲۵۱ ، ۲۵۲، ۲۷۴،۲۸۴،۳۱۳،۳۳۵
قلعه ادومیان ۴ ۶۰۵ ۵۱۴،۵
قلعه بی‌بی (تپه) ۳۰۹
قلعه رحیم (تپه ـدهکده) ۲۲۴،۲۲۵، ۲۴۳
قلعه زال (تپه) ۵۵
قلعه‌کاسیو (دهکده) ۲۲۵،۲۴۴
قم ۴۷،۵۰۴،۵۳۷
قمش (تپه) ۳۰۹
قنبر علی (تپه) ۲۷۳
قیلاب ۹

ک

کادمه یا (قاید رحمت) دهستان ۱۸۱، ۱۸۵،۲۵۱
کادون (رود) ۲۱۸،۲۴۹
کاظم آباد (تپه) ۲۷۴
کاکا رضا (پل ، رودخانه) ۲۵۰،۲۷۹
کاکاشرف (دهستان) ۱۸۶
کاکاوند (دهستان) ۰۹۴،۳۰۹
کرت آباد (تپه) ۲۷۲،۲۷۳
کرح ۵۰۵
کرکوك ۳۹۸،۴۴۲
کرکی (قریه) ۲،۳
کرکمیش ۳۹۲
کرگونه (رودخانه) ۱۸۲
کرمانشاه ۴۴ ، ۲۶۱ ، ۲۹۲،۲۹۶، ۳۹۸،۵۰۴
کره‌گا ـ کره‌گه (دشت) ۲،۱۹،۴۶ ۱۴۷،۲۵۵
کژکی (رود) ۵۸
کشکو (رود) ۱۸۲،۲۵۱،۲۷۴،۲۷۶ ۲۷۹
کفراج (دهکده ـ تپه) ۳۰۹
کلاردشت ۳۹۷
کل نام (کوه) ۲۹۳
کلك (تپه) ۲۸۱،۳۰۹
کلو فرنگی (کوه) ۱۸۲
کنگر زرد (تپه ـ کوه) ۱۸۲،۱۹۲
کوس (کوه) ۳۸
کوسه (کوه) ۲۵۰
کوفه ۳۰۳
کوگو (کوگان) غار ۲،۲۲،۲۳

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کول‌کنی (دره) ۵۵۲،۵۵۳،۵۵۵
کول‌گو (راه‌کوهستانی) ۳
کوله مرز (دهکده) ۲۹۳
کوه ازگنه ۲۱۸
کوه اوچنار ۲۳
کوه بلومو ۲۱۸
کوه تاف ۱۴۵،۱۴۶
کوه ترس ۱۴۵
کوه چال غوردج ۲۳۰
کوه خاك مالکه ۱۸۲
کوه دایاداق ۲۳۰
کوهدشت ۲۳۴،۳۵۵، ۳۵۶ ، ۳۵۷،
۳۵۸،۳۶۴،۳۶۵،۳۷۰، ۳۸۷،۳۹۰،
۴۰۶
کوه دهلیج ۲۰
کوه دیرو ۱۵۱
کوه رنجه ۲۱۸
کوه سر تنگ ۱۵۱
کوه سیاکمر ۲۳۶،۲۳۷،۲۳۰
کوه شانشین ۲۱۸
کوه شتر مل ۲۱۸
کوه شیشه ۲۱۸
کوه غزال ۲۰
کوه‌کرناس ۱۴۵
کوه‌کلو ۱۴۵،۱۵۵،۱۵۶،۱۵۸،
۱۵۹
کوه‌کله جو ۲۲۵
کوه‌کوچیل ۴۳۰
کوه‌کود ۱۹،۳۱،۳۶،۳۶۸،۵۴۳،
۵۴۴
کوه‌کوس‌کووه ۲۰،۳۸
کوکیالو ۱۹،۲۰
کوه‌کیرف ۴۶،۱۴۵
کوه‌گری ۲۱۸
کوه‌گوشواده ۴۶
کوه‌گیر ۲۱۸
کوه لره ۴۱
کوه مادمژ ۲۱۸
کوه مین او ۴۳
کوه هشتاد پهلو ۲۰
کوه یووز ۱۴۵
کهمان (رودـ دره) ۲۵۱،۲۸۰،۲۹۰
کیش ۳۷۳
کیلوو ۳۵۷
کیو ۱۸۶
کیووه (تپه) ۱۹۱

گ

گاماسیو (غار ، رود ، دهکـده) ۲۶۰
۲۶۱،۲۹۰،۳۱۷
گامیش‌کشته ۲۸۷
گاشمـار (تنگـه) ۲۷۵،۲۷۶،۲۹۳،
۳۰۴

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

گرادجنه ۳۵۳
گراو (دهکده) ۲۳۰
گرداب (دهکده ، چشمه) ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۰، ۵۹
گردله (کوه) ۱۸۲
گرکو (تپه ـ دهکده) ۱۸۴، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۳، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۳
گری (کوه) ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۹۳، ۳۱۷
گریت (تپه) ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۸۶، ۱۹۰
گریران (دهکده ، تپه) ۲۷۱، ۲۷۲، ۳۲۱، ۳۷۲
گل باغی (دهکده) ۲۲۶
گل زرد (تپه) ۲۷۳
گلم‌کیو (دهکده) ۲۹۳، ۳۰۹
گنجره (کوه) ۳۱۴
گنل‌کو (تپه) ۲۲۷
گوداب ۵۰۵
گورستان چمشك ۲۹، ۹۴، ۹۵، ۹۶
گوهرگوش (تپه) ۳۰۹
گیرچو (تپه) ۱۹۱
گیان (تپه) ۲۳۴، ۳۷۰، ۳۹۴، ۴۵۴، ۵۰۵، ۵۱۲
گیلان ۳۹۷

ل

لاسگو ۳۵۹
لاشتر ۲۶۰ تا ۲۶۲
لاگاش ۴۴۲
لرستان ۱، ۵، ۱۲، ۱۳ و بیشترصفحات
لم دره (تپه) ۲۲۶
لندن ۴۵۳، ۴۵۵، ۴۵۶
لوان (تپه) ۵۱۵
لودشت (شهر) ۱۵۰
لوور (موزه) ۳۵۳، ۳۹۳، ۳۹۴، ۴۳۸، ۴۵۵، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۸، ۴۷۹، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۵، ۴۹۸
لیریایی ۱۴۷، ۱۴۹
لیشتر ـ لاشتر ـ الیشتر ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵

م

ماچین ۳۱
ماری ۲۶۲
مازر ۱۴
مازو ۱، ۱۴، ۱۵
مازین ۲
ماژین ۳۷، ۵۵۲، ۵۵۴، ۵۵۸
ماسا ۲۶۱
ماسبذان ۵۰۴
مانرود (نهر) ۲۷۰مانکره ۴، ۵، ۷، ۹
ماه بصره ۳، ۵۰۳، ۵۰۴

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ماه‌کوفه ۲۶۴، ۳۰۳
ماه نهاوند ۵۰۳
ماهیدشت ۳۰۲، ۳۶۳
مایرود ۲۷۰
مترو پولیتن (موزه) ۴۳۲
مجارستان ۳۶۳
محله میر ۵۳۰
محمدآباد (دهکده) ۱۸۷
مخمل‌کوه ۲۳۰
مدیترانه(منطقه)۳۵۷
مدینه طیبه ۴۳
مرسما ۲۷۰
ملاقربانی (چشمه) ۲۱۸
ملاوی ۱۹، ۲۰، ۳۲، ۳۴، ۳۶، ۴۱، ۴۷، ۴۹، ۱۴۵، ۵۴۳
ملایر ۴۷، ۳۱۱، ۵۰۲، ۵۰۹
ملك آباد (دهکده) ۱۸۹
مله ارجنه ۲۹۳، ۳۱۳
مله امیری ۲۵۶
مله تخت ۲۲۷
مله تکال ۳
ممولو (دهکده) ۱۹۰
ممیل (دهکده- تپه) ۱۸۷، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۴
منگره ۱، ۲، ۳
موزه بریتانیا ۴۰۰، ۴۵۵، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۶، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۷،
۴۷۸، ۴۸۰، ۴۸۵، ۴۹۲، ۴۹۴، ۴۹۶،
۴۹۹
موزه بغداد ۳۹۳
موزه تهران ۳۹۳، ۳۹۴، ۴۷۱، ۴۷۳،
۴۷۵، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۷، ۴۹۱
موصل (شهر) ۲۶۶، ۲۶۷
مونیخ ۴۵۶، ۵۴۴
موهنجودارو ۴۲۱
مهراب‌کوه ۲۹۳، ۳۱۰
مهرجا نقنق ۵۰۴
میان شهر ۲۷۸
میان‌کوه ۲، ۱۹، ۳۲، ۴۱، ۱۹۱
می‌چاکو۲۹
میربك ، دهستان ۲۹۲، ۳۰۹
میرفلا (تپه) ۱۸۹
می‌گلال ۱۴۷
میل میلك (دهکده) ۱۸۷، ۱۸۹

ن

نجف ۵۲
نرگس دول (چشمه دهکده) ۲۷۴
نساء، تیزه ۲۵۰
نقش‌رت آباد (تپه) ۳۰۹
نمك ۲۱۹، ۲۴۱
نورآباد ۳۷، ۲۹۳، ۲۹۹، ۳۰۴، ۳۰۶،
۳۱۲، ۳۱۳

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

نوشووه (دوستا) ۱۵۵
نهاوند ۱۹۰،۲۵۵،۲۶۰،۲۶۱،۲۶۲
۲۶۳،۲۹۰،۳۱۲،۳۷۵،۵۰۲،۵۰۴
نیازآباد (تپه) ۲۷۳
نیرالی (دهستان) ۲۹۲
نینوا ۳۹۳،۳۹۹،۴۲۹

و

واشیان (تپه) ۲۲،۱۳۹
واشجان (دهکده) ۱۵۸
ورکوه ۲۱۷
ورازده۲۸۳
ورکبود ۳۷۱
وروجرد ۱۹۰،۵۰۵،۵۰۸،۵۱۴
وروگرو ۵۰۲،۵۰۵،۵۰۶
وروبرد ۵۰۲
وری ۳۹۴
ولاش (قله) ۲۵۰
ولم (رودخانه) ۲۷۹
ولیو (تپه ـ دهکده ـ مقبره) ۵۱۵
ویسیان ۱۹،۴۶

ه

هادی آباد ۱۹۱
هدمین ۳۰۳
هرسین ۳۷۰،۲۹۲،۴۳۹
هرو (بخش) ۲۱۷،۲۲۰،۲۲۱تا۲۲۴
۲۵۰،۲۵۱
هره باغ ۳۱۴
هسکوان (تپه) ۲۷۳
همدان ۴۷،۵۰۳،۵۰۴،۵۴۲
هلیلان ۳۶۹
هندوستان ۳۵۷،۳۶۲،۴۲۱،۴۲۲
هندی (تپه) ۲۷۴
هنوم (دهستان ـ کوه) ۲۵۰،۲۵۱،
۲۸۸
هومیان ۳۵۵،۳۵۸
هویزه ۵۱،۵۰۸
هی‌گر (قله) ۲۵۰

ی

یارآباد (دهکده) ۳۰۷،۳۱۴
یارآباد خان‌آباد ۳۰۹
یاسی‌کوه ۱۸۶،۱۹۳
یونان ۴۱۳،۴۳۰،۴۳۱،۴۳۷
یافته (کوه ـ غار) ۳۵۳

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

نام ایلها، طایفه‌هادودمانها ، نژادها

آدوو ۱۸۴
آخیسه وند ۲۹۸
آریایی ۲۷۵،۳۶۲،۴۳۲،۴۴۵
آزاد خان ۲۵۹
آشودی ۳۶۴ ، ۳۸۱ ، ۳۸۴،۳۹۳، ۳۹۷،۳۹۹،۴۰۸،۴۲۲،۴۲۴، ۴۲۹
۴۳۷،۴۴۴
آقاخان ۲۹۹
آلای نو ۲۲۳
آهنگر ۲۵۸
آهوقلندری ۴۳
ابراهیم‌خان ۲۵۷
ابوالعباسی (قبیله) ۲۲۰
اتابك ۲۵۷
اتابك‌لر کوچك ۲۰،۳۹،۴۰،۴۲،۱۵۸
۱۶۱،۱۶۲،۲۲۰،۲۳۸،۵۲۵
احمد ۲۵۹
احمدعلی ۲۵۹
اختیار ۲۹۹
اسدالهی ۲۵۹
اسبی ۲۹۹
اشکانیـان ۲۷،۲۹،۳۰، ۲۷۶،۵۰۴
۵۰۵.
اصلوشه (اصلانشاه) ۲۵۹
اصله مرز ۲۲۳
اصغر ۲۳۲
اکبری ۲۵۸
اگده ۳۹۲،۳۹۳
الماس ۲۲۳
الفسونه ۲۹۸
امرایی ۲۵۸
امیر ۲۵۶
اودضا ۲۵۸
اوسر ـ مقابل صفحه ۲۰
اولاقوا ۲۹۸
اهل حق ۱۵
ایازکی ۲۲۰
ایل بیرانوند ۲۱۹،۲۲۰،۲۲۲،۲۲۳
ایلام ۳۷۳، ۳۷۹،۳۸۵،۳۹۰،۳۹۲،
۳۹۳،۳۹۷، ۴۳۴،۴۴۳،۵۵۴
ایمان‌جان ۲۵۷
ایوت ۲۹۶
ایناتو ۱۸۴
ایمانقلی ۲۲۳

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ایناخ ۲۵۸
ایوه‌شو ۱۸۴
ایوت ۲۹۶
ایوت‌ین ۲۹۸

ب

بابایی مقابل صفحه ۲۰
باجول وند (طایفه) ۱۸۴
بادانی ۲۲۳
باریکه‌وند۲۹۲
بازگیر۲۳۲
باطنیه۲۶۷
باله۲۹۷
بختیار۲۹۷
بختیاری ۴۹، ۲۱۸، ۲۵۰، ۲۵۶، ۳۵۷
بختوبك۲۵۸
برخودداد۲۹۸
برسق۲۶۴، ۳۱۹
برسقیان۱۹۲، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸
بزن۲۲۳
بساکی ۲۵۶
بسوم (بسطام) ۲۵۸
بك‌بك ۱۴۹
بگری۱۴۹، ۱۸۴
بگلر ۲۵۹
بماشه۲۵۹
بواطنه ۲۶۷
بوحسین۲۵۸
بور۲۳۲
بووالی۲۹۷
بوه۲۵۸
بهاروند ۱ دوبروی صفحه ۲
بهمن۲۹۸
بیژنوند۲۹۶، ۲۹۷

پ

پادت۳۰، ۲۳۵، ۲۳۸
پارسها۲۶۲، ۳۶۳، ۴۱۳
پشم۲۵۷، ۲۹۷
پمه‌حر (پنبه خود) ۱۸۴
پنه‌بر۲۹۸
پودرسر تیپ۱۸۵
پولاد۲۵۷
پهلوان قلی۲۵۷
پیامنی ۱۸۵
پیردایه۲۲۳
پیرکه۲۵۸
پیرولی۲۹۸

ت

تاجینه‌وند۲۹۸

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تاری۲۲۳
تالو۲۵۹
ترکادونی۵۵۶
توشمال۲۹۹
تونایی۲۹۸
توه‌یی۱۴۹
تیخن۲۵۸

ج

جافر۲۹۸
جان سلطان مادری۲۵۸
جشنیو۱۸۵
جعفری۱۴۹، ۱۵۷
جمی۱۶۱
جوانمرد۲۵۷
جوپرود(روبروی صفحه۲)
جودکی = جویکی ۲۰، ۵۰، ۸۴۹،
۱۸۵
جی‌جه‌وند روبروی صفحه۲۰، ۲۲۳

چ

چراغ بك ۲۵۸
چرم‌آرن۲۲۳
چقل۲۲۳
چقلوند۲۲۳
چکمه‌سی۱۸۵
چگنی۱۸۵
چلوی۲۲۳
چنگایی۲۳۲
چنگروی۲۲۰
چواری۲۹۹
چهارتخمه۲۵۸

ح

حاتم۲۹۷
حاجی۲۵۸
حسن‌آباد۲۹۸
حسن‌گایاد۱۸۵
حسنوند(ایل)۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶
حسین‌بك۲۲۳
حسین‌خان۲۳۲، ۲۵۹
حسینخانی۱۸۵
حسینعلی۲۲۳
حق‌نیر(حق‌ندر)۲۵۸
حموله(خاندان)۵۰۴
حیدر۲۵۹
حیدرآباد ۲۹۸
حیدرخان۲۵۷
حیدروند مقابل صفحه۲

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

خ

خالی۲۹۹
خالوند۲۹۸
خانه۲۹۹
خدایی۱۸۵
خدمه۱۴۹
خرمدینان۲۷۹، ۳۰۳
خرمی ۱۸۵
خسربك۲۵۸
خسروی۱۸۵، ۱۸۸
خلف۱۸۵
خلیفه بوود۲۹۷
خلیفه‌حلاله۲۹۸
خلیفه موود۲۹۸
خلیفه‌وند۱۸۵
خلیل‌بك ۲۲۴
خلیلو۱۸۵
خمسه ۲۵۸
خوپرد۱۸۵

د

دارچین۲۲۳
داوودعباسی۲۲۰
دپل‌دو۲۹۸
درویش با بای بردگ۲۹۸
درویش‌وند۱۴۹
دسته‌وند۲۹۸
دشنی‌نو۲۲۳
دکوه‌وند۲۵۸
دکومیی۲۵۸
دلفو۱۸۵، ۲۳۲، ۲۵۰
دلفی(خاندان)۲۹۶
دلیرو۲۹۶
دوله‌شه۲۳۲، ۲۵۷
دم‌دار۲۵۸
ده‌نوفرحشه۲۹۸
دینارو‌ند مقابل‌صفحه۲۰
دیوه‌کو۲۲۳

ذ

ذکرالهی۲۵۸

ر

رباطی۲۳۲
رحمان‌شه۲۵۷
رحمتعلی۲۵۸، ۲۵۹
رزمی۲۵۸
رش۱۸۵
رشنو مقابل‌صفحه۲۰، ۴۱۱
رشیدی۲۵۹

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

رعیت۲۹۷، ۲۹۸
رکرک۲۳۲
رموشه۲۳۲
روزبهانی۲۲۰
روی‌تنه‌وند۲۵۷

ز

زالی۲۹۷
زدینی۲۵۸
زنجفیل۱۸۵، ۲۲۳
زنگنه۲۲۰
زنگی‌وند۲۹۸
زهر۱۴۹۰
زهووی۲۵۸
زیدبهرام۲۹۸
زیدعلی۲۳۲
زین‌العابدین۲۳۲
زینل۱۸۵
زیویار۲۵۷

س

سات‌یاروند۵۵۶
ساد۲۲۳
سادات احمد فداله۴۳
سادات خلف وند۴۳، ۱۵۷
سادات شاه‌ایدالانی۲۹۸
سادات شاهیوند ۴۳
سادات شاهرخ‌وند۴۳: ۲۳۲
سادات طاهروند۴۳، ۲۳۲
سادات مرتضی‌وند۴۳
سادات ندروند ۴۳
سارگونیت‌ها۴۵۱
ساسانی = ساسانیان ۲۳۵، ۲۷۲، ۵۰۳
ساکی۱۸۵، ۲۵۶
سالار۲۳۲
سبزعلی۲۲۳
سپهوند۲۳۲
سکاها۱۸۳، ۱۸۴، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۳۸
سکوند رحیم‌خانی۱۸۳
سلاجقه۲۶۴، ۲۶۶، ۲۹۰
سلار۲۵۸
سلورزی۲۲
سلوکی۲۷۸
سماعیل‌وند۲۵۸
سنجابی۲۹۹
سوخته‌زار۲۵۷
سومریان۳۶۴، ۳۷۳، ۳۹۶، ۴۰۷، ۴۱۹، ۴۲۲، ۴۳۴، ۴۳۸، ۴۴۰، ۴۴۳، ۴۴۷، ۴۵۱
سهل‌علی ۲۹۸
سی۲۲۳
سیاه‌پوش۲۵۸
سیت۳۹۸، ۴۲۳، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۷

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

سیرمی۱۴۹
سیفلو۱۸۵
سیکه‌وند۲۳۲

ش

شاهیوند۲۹۷
شره‌بك۲۲۴
شفیع۲۵۹
شلکه۲۲۳
شمسی۲۲۳
شوردی۱۸۵، ۲۲۳
شوو۱۸۵
شهبازبگی۲۹۸
شه‌جو۲۵۹
شهسوارو‌ند۲
شیخ۱۴۹
شیخ‌آباد۲۹۸
شیرالله۲۵۹

ص

صادقی۱۴۹، ۲۵۸
صافی۱۸۵
صالح۲۹۸
صفر۱۸۵، ۲۲۳
صفرالی۲۵۷
صفرعلی۲۲۳
صنوبر۱۸۵
صوفی‌وند۱۸۵
صید هاشمی۲۵۹

ط

طالب‌وند۲۹۸
طاهروند۱۸۵
طهماس (طهماسب)۲۲۳

ع

عالیخانی۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۸
عبدالملکی۲۲۰
عثمانیها۲۵۵
علی۲۵۸، ۲۵۹، ۲۹۸
علی‌آبادکن‌سرخه۲۹۸
علی‌دوست۱۸۵
علی‌صالح۲۲۳، ۲۵۹
علی‌محمدی۲۵۸
علی‌مهت۲۵۹
علی‌میرزایی۲۹۸
عوض۲۵۹
عوضعلی۲۵۷

غ

غیب غلام۲۹۸

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ف

فتح الهی ۲۵۸
فراش ۱۸۵
فرج ۲۵۹
فرخ جان مادری ۲۵۷
فرخ شه ۲۵۹
فضلی ۲۲۰
فلك الدین ۲۹۸
فریا ۲۹۸

ق

قاجار ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۷، ۵۴۲
قاسمعلی ۲۲۳
قلاوند ۱، روی صفحه ۲، ۹، ۲۵۴
قلابی ۲۵۴، ۲۵۹
قل نره شی ۲۵۷
قلی ۱۸۵
قمر بك ۲۲۳
قوتل ۲۹۷
قیاس وند ۲۵۵

ك

کاسیتها ۳۶۲، ۳۶۵، ۳۶۷، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۴۰۸، ۴۳۶
کاظمی ۱۸۵
کاکا ۲۹۶
کاکاوند ۲۹۸
کاکول وند ۲۵۷
کاید ۱۸۵
کر ۱۸۵، ۲۲۳، ۲۳۲، ۲۵۸
کرد ۲۵۸، ۴۴۹
کرد علیوند (مقابل صفحه ۲۰)
کردی ۲۵۹
کرکر ۲۵۹
کرم الهی ۲۵۸
کرمعلی ۲۹۹
کرموند (مقابل صفحه ۲)
کرویس ۲۹۸
کرنوکر ۱۸۵
کره جان ۲۵۸
کشوری ۱۴۹
کلوکچ (کلاه کچ) ۲۵۸
کل رضا ۲۵۸
کمال جمال ۲۹۸
کمالوند ۲۳۲
کورکور ۱۸۵
کوسن ۴۳۷
کوسه ۱۸۵، ۲۹۷
کولیوند ۳۵۴، ۲۵۹

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

گ

گاوکش(مقابل‌صفحه۲۰)
گراوند۱۴۹
گرزی۲۳۲
گرزین۲۵۸
گرگووی۱۸۵
گلاب۲۲۳
گل‌اندام (روبروی صفحه۲)
گله‌دار۲۳۲
گنجعلی۲۲۴
گیلاس۲۹۹
گیمری‌وند۱۴۹

ل

لت‌وند (مقابل‌صفحه۲۰)
لر۴۵۴، ۴۴۶، ۴۴۵
لرکوچك۲۵۵، ۵۰۸
لرکه۲۵۹
لك۱۸۵، ۲۲۰
للری۱۴۹
لنگانی(مقابل‌صفحه۲۰)
لور۲۲۳

م

مادها ۱۸۴، ۳۶۲، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۷
۴۱۹، ۴۲۷، ۴۳۳، ۴۴۷، ۴۵۴
ماکنالی۱۸۵
مال‌اسد۲۲۳
مال‌زیری
مال‌مومه ۱۴۹
مال‌مومه۲۹۷
مانگره۲۲۰
متش۲۲۳
مختوا ۱۸۵
محمد۲۲۳
محمدجان ۲۵۷، ۲۹۸
محمدرحیم ۲۵۹
محمدصالح۲۵۸
محمودوند(مقابل‌صفحه۲۰)
مخوردزا ۲۹۷
مدهنی۱۴۹
مراد۱۴۹
مرادآباد۲۹۸
مرادی۱۴۹، ۲۳۳
مرادعلیوند (روبروی‌صفحه۲)
مرشدخان۲۵۶
مرضا۱۸۵
مرید۲۲۳
مزدائی۴۱۲
مسخیالی۱۸۵
مشل۲۵۸
مصطفی‌وند۲۲۳، ۲۳۳

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

مظفر ۲۹۸
مفر ۲۵۷
ملاحده ۲۶۵
ملك احمد ۲۳۳
ملکشاهی ۱۸۵
ملکه ۲۵۹
ملکی ۲۵۸
مومه ۲۹۶
مومو ند ۲۹۸
منجری ۱۴۹
مهدیخانی ۲۳۳، ۲۵۶
مهراب ۲۲۳
مهرعلی ۱۴۹، ۲۹۹
میان تنگی ۲۹۸
میخك ۱۸۵، ۲۲۳
میر ۱، ۲۰
میربك ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸
میرچاده (دوبروی صفحه ۲)
میردیرکوند (دوبروی صفحه ۲)، ۲۰
میرزاجان ۲۵۷
میرزاوند (دوبروی صفحه ۲)
میرعالیخانی ۲
میرعباس ۲
میرمحمد طاهری (مقابل صفحه ۲۰
میرمیردنیائی (مقابل صفحه ۲۰)
میمی ۲۵۸

ن

نادعلی ۲۵۷
ناصری ۱۴۹
نام خدا ۲۵۸
نجف‌وند (مقابل صفحه ۲۰)
نخود ۱۸۵
ندر ۲۵۷
ندروند ۱۸۵
نصرالهی ۲۵۸
نظرعلی‌وند (مقابل صفحه ۲۰)
نقدعلی ۲۵۹
نقی ۲۲۳
نماله ۱۸۵
نورالهی ۲۵۸
نورعلی‌وند (مقابل صفحه ۲۰)
نورمحمدخان ۲۵۹
نیرالی ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹
نورعلی = نیرالی ۲۹۲

و

ولدوند ۲۹۸
ویس‌ویس ۲۵۸

ه

هاشم ۲۵۹

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هپلو ۲۵۹
هخامنشیان ۲۷۲، ۳۷۸، ۳۹۰، ۳۹۹
۴۲۲
هرشیروند ۱۴۹
هفت‌تخم (مقابل صفحه ۲۰)
همی‌وند ۲۹۷
هندواروپائی ۴۴۵، ۴۴۷
هنی ۲۲۳، ۲۵۵
هومنی ۲۵۸
هونابی ۲۹۸
هوویل ۲۵۹
هیتی ۴۴۶

ی

یادگار ۲۹۸
یاداحمد ۲۲۳
یارحسین ۲۵۸
یارسین ۲۳۳
یاره ۲۵۹
یاقوند ۱۴۹
یمینی ۲۵۸
یوسف‌بك ۲۵۸
یوسف‌وند ۲۵۴، ۲۵۵

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بناها و مکانها

آ

آخررخش (استودان مهری) ۹۷،۳۰
۹۹،۹۸
آتشکده ادوخش‌یا ادخش ۲۶۲،۲۶۱
۲۸۳،۲۸۱،۲۸۰،۲۷۲،۲۶۸

ب

بقعه‌امامزاده‌قاسم۵۳۹
بقعه امام زاده قاسم ۳۳۸،۲۸۸،۲۸۷
۳۳۹
بقعه امیر سیف۶۳،۶۲
بقعه‌بوخارز (باباخواردزم)۴۸
بقعه‌بومیل۱۹۴
بقعه سلطان محمودبن‌علی۷۱،۱۵،۱۴
بقعه سیدزیوا(سیدزیبا)۱۹۳،۱۹۲
بقعه شاهزاده ابراهیم۳۰۹
بقعه شاهزاده احمد۱۷،۱۶
بقعه شاه زوادیون۵۲۶
بقعه شاه‌زیدعلی۱۹۶
بقعه شهنشاه ۱۱۵،۱۱۴،۱۱۳،۴۰
۱۱۷،۱۱۶
بقعه مادگیمه۲۳۷
بقعه محسن‌بن‌علی۵۲۹،۵۲۸
بقعه محمدحنفیه ۱۹۵،۱۹۴
بقعه ویلیو ۵۲۹

پ

پل‌تنگ۳۷
پل‌زال۶۴،۱۲،۱۰،۹
پل‌کاکارضا۲۷۹
پل کرودختر ۴۷،۴۴،۳۵،۳۴،۳۲
۱۱۱،۱۱۰،۱۰۷،۱۰۶
پل‌کلهر (مشهوربه ممولو) ۱۰۱،۳۲
۱۰۵،۱۰۴،۱۰۲
پل‌موسی‌خانی۱۶۰

ز

زوادیون (بقعه)۵۲۶
زی‌صوفیه۲۶۷

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

غ

غاربردسفید۳۵۵
غارپاسنگر۳۵۳
غارپیردوسی۳۰۶
غارقمری۳۵۳
غارکنجی۳۵۳
غارکوگو(کوگان)۲۲، ۸۱تا۹۰
غارکولکنی۵۴۴،۵۴۵
غاراردجنه۳۵۳
غاریافته۳۵۳

ق

قبرامامحسن۳۱۳
قبرباباکاووس۲۸۸
قبرپیراحمد۱۹۱
قبرپیرسلیمان۱۹۱
قبرپیرماهی ۲۲۷
قبرپیرمحمد۳۱۴
قبرسرمگو۲۳۵
قبرسیدعلیمحمد وسیداحمد۹
قبرشاه ابدالان۳۱۴
قبرشاه عبداله ۱۹۵
قبرشیخ مهدی۳۱۴
قلعهاوسر۴۹
قلعه بهرام۳۶، ۱۱۲
قلعه پینه۲۱۸
قلعهچارتا۴۹
قلعهچمشك۴۴، ۱۳۳تا۱۳۵
قلعه حسینی یاحسنیه ۱۴، ۷۰
قلعه خانجان۱۵۰
قلعه دز۵۸
قلعه رزه ۱۲، ۴۹، ۶۵تا۷۰
قلعه رضا = قلعهرزه۱۳
قلعه سرقلا۱۰، ۱۱، ۶۰، ۶۱
قلعه سروگل۴۹
قلعه شاه‌نشین۲۷۷، ۲۷۸، ۳۲۳، ۳۲۶
قلعه شایی‌لو۲۷۷، ۲۷۸، ۳۲۳
قلعه شعیب ۲۳۵
قلعه شهنشاه۴۴، ۴۸، ۱۳۱، ۱۳۲، ۵۰
قلعه شیخ ماخو۵۵۴
قلعه شینه۲۷۶
قلعه فلك‌الافلاك۲۷۹، ۲۸۵
قلعه،قلاجق۲۳۷
قلعه کفراج۳۰۶
قلعه کوگان۲۷، ۹۲، ۹۳
قلعه گریت۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۴
قلعه مظفری ۲۵۰، ۲۵۶، ۲۶۳، ۲۸۰، ۲۸۹، ۲۹۰
قلعه منگره ۵۸
قلعه مهرعلی۱۵۰
قلعه میش‌وند۴۹
قلعه‌نصیر۴۹، ۱۹۱
قلعه‌نیسار۳۷۱، ۳۷۴

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

گ

گنبدبابابزرگ۳۰۴، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۴۴
۳۴۵، ۳۴۷، ۳۵۰
گنبدبابای لنگ۱۵، ۱۶
گنبدحاجی بادیک۷، ۸
گنبدکال نازاد۳۱۱، ۳۱۲، ۳۴۹
گنبدکاکارضا ۲۸۸

م

مسجدجامع اصفهان۵۲۲
مسجدجامع حاج شیخ عبدالحسین۵۴۲
مسجد شاه ۵۳۳، ۵۳۶
مسجد شاه‌بروجرد۵۳۴
مسجد شاه‌تهران۵۳۴، ۵۳۵
معبد شوشینیک۳۹۳
مقبره امامزاده جعفر۵۳۱، ۵۳۸
مقبره تاج‌الدین۷
مقبره حاج بکتاش ۲۸۴، ۲۸۵، ۳۳۵
مقبره حاج‌میرزامحمودمواهب‌طباطبائی
۵۳۹
مقبره داوود خادم ۷
مقبره دوخواهر۵۳۸
مقبره سیدبحرالعلوم ۵۴۰
مقبره سیدنعمت‌الله جزایری۵۱
مقبره شاهزاده ابوالحسن ۵۲۹، ۵۳۰
موزه ژنو۴۳۵، ۴۳۸، ۴۵۰

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

نام کتابها

البلدان ۵۰۷
اوستا ۴۱۱
ایران از آغاز تا اسلام ۲۶۹
بابك خرم دین ۲۷۹
باستان‌شناسی ایران ۲۷۱
برگزیده یاقوت حموی ۱۸۶،۱۴۰۲
تاریخ بناکتی ۵۵۱،۵۴۶،۵۴۵
تاریخ تمدن ایران ساسانی ۵۰۴،۲۶۴
تاریخ جهان آراء ۵۲۷
تاریخ گزیده ۱۶۱،۱۵۹،۱۵۴،۸،۴
۵۶۷،۵۰۸،۲۶۵، ۲۵۵
تذکره حزین ۵۲۹
تربیون دوژنو (دوزنامه) ۴۵۳،۴۳۴
جامع الرواة ۳۷
جغرافیای غرب ایران ۲۵۰،۱۸۳،۱۳
۵۱۰
جغرافیای نظامی ایران ۱۸۲،۱۸۱
۲۲۵،۲۱۷
حدود العالم ۵۰۷،۲۶۲،۲
خاتون هفت قلعه ۲۶۲،۲۶۱،۲۶۰
راحة الصدور ۲۶۵،۲۶۴،۲۶۲
راههای باستانی و پایتخت‌های قدیمی غرب ایران ۲۷۲،۱۰
زندگانی شاه عباس ۵۲۵
سترابون ۴۳۷
سرزمینهای خلافت شرقی ۲۶۳، ۵۰۵
سفرنامه ابودلف ۵۰۵،۲۶۰
سلجوقنامه ۲۶۲
سیر فرهنگ ایران در بریتانیا ۴۵۴
شاهکارهای هنر ایران ۴۰۷
شاهنامه فردوسی ۵۴۶،۵۴۵
شرح تهذیب ۵۲
شرفنامه بدلیسی ۵۱۴،۵۷۰،۲۷۰
صورة الارض ۲۶۲
ظفرنامه علی یزدی ۵۰۵،۵۰۴،۱۹۰
۵۱۴،۵۰۹
عالم آرای عباسی ۵۲۵،۳۰۳،۲۵۵،۴۰
فرهنگ نفیسی ۲۸۴
قرآن ۵۳۶
کامل ابن اثیر ۲۶۷
کتاب هفته ۳۶۴
لغت‌نامه دهخدا ۲۶۷
ماهنامه کاوه ۵۴۴
مجله بررسی‌های تاریخی ۳۶۳

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

مجله باستان‌شناسی وهنر ایران ۳۵۶، ۳۶۳، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۹۹، ۴۳۴، ۴۵۴
مجمل‌التواریخ و القصص ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۴۵
مرآت‌البلدان ۲۶۱
مسالك و ممالك استخری ۲۶۰، ۳۰۰، ۵۰۶
مشترك یاقوت حموی ۵۰۷
معجم‌البلدان ۲۶۰
مفرغ‌های لرستان ۳۷۸، ۳۸۴
مواهب ۵۴۰
منتخب‌التواریخ معینی ۱۵۴، ۱۵۹، ۲۲۰، ۲۵۵، ۴۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴
نامه مینوی ۲۶۸
نخبة‌المقال ۵۲۰
نزهت‌القلوب ۲۶۲، ۲۶۸، ۲۷۰، ۵۲۲، ۵۰۷
نقاشیهای ایرانی ازکهن‌ترین روزگار تادوران صفوی ۳۶۰
ویس‌ورامین ۵۰۵
هنرایران ۲۵۰، ۳۰۲

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

فهرست مراجع و ماخذ

۱ ـ الفخری تألیف محمدبن علی‌معروف به‌ابن‌طقطقی .

۲ ـ ایران از آغاز تا اسلام .تألیف گریشمن ، ترجمهٔ شادروان دکتر معین .

۳ ـ بابك خرم دین . تألیف شادروان سعید نفیسی.

۴ ـ باستان‌شناسی ایران باستان ،نوشته‌لوپی واندنبرگ،ترجمه عیسی بهنام .

۵ ـ برگزیده‌مشترك‌یاقوت‌حموی‌ترجمه محمدپروین‌گنابادی .

۶ ـ تاریخ بناکتی‌بکوشش‌دکتر جعفرشعار ازانتشارات انجمن آثارملی .

۷ ـ تاریخ‌تمدن‌ایران ساسانی ، تألیف شادروان‌سعیدنفیسی.

۸ ـ تاریخ جهان‌آراء . تألیف قاضی احمدبن غفاری قزوینی .

۹ ـ تاریخ جهانگشا تألیف جوینی.

۱۰ ـ تاریخ حزین تألیف حزین اصفهانی .

۱۱ ـ تاریخ عالم‌آرای عباسی . تألیف اسکندر بیك .

۱۲ ـ تاریخ عالم‌آرای نادری . نوشته محمد کاظم ، جلد اول ، چاپ مسکو .

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۱۳ ـ تاریخ گزیده تألیف حمدالله مستوفی .
۱۴ ـ تاریخ ماد تألیف دیاکونف ترجمه آقای کشاورز .
۱۵ ـ تاریخ‌مغول ، نوشته شادروان عباس اقبال آشتیانی .
۱۶ ـ تاریخ یعقوبی تألیف احمدبن‌ابی‌یعقوب.
۱۷ ـ تذکره حزین ، نوشته حسین حزین .
۱۸ ـ جامع‌الرواة ، نوشته محمدبن علی اردبیلی .
۱۹ ـ جغرافیای غرب ایران تألیف دومورگان ترجمه دکتر کاظم ودیعی .
۲۰ ـ جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی ، نوشته گی‌لسترنج، ترجمه عرفان
۲۱ ـ جغرافیای نظامی‌لرستان. نوشته شادروان‌سپهبدحاجبیعلی رزم آراء.
۲۲ ـ حدود العالم ، چاپ دانشگاه ، به اهتمام دکتر منوچهرستوده .
۲۳ ـ خاتون هفت قلعه ، نوشته دکتر باستانی پاریزی .
۲۴ ـ دائرةالمعارف اسلامیه ، تألیف عبدالعزیزصاحب‌جواهر.
۲۵ ـ راحةالصدور وآیةالسرور تألیف راوندی .
۲۶ ـ روزنامه تربیون دوژنو . اکتبر ۱۹۵۷ چاپ ژنو .
۲۷ ـ زندگانی شاه عباس تألیف نصرالله‌فلسفی ،
۲۸ ـ سفرنامه‌ابودلف‌مسعربن‌مهلهل، ترجمه‌ابوالفضل‌طباطبائی.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۲۹ ـ سلجوقنامه ، نوشته ظهیرالدین نیشابوری

۳۰ ـ سیرفرهنك ایران در بریتانیا ، تألیف ابوالقاسم طاهری، از انتشارات انجمن آثارملی .

۳۱ ـ شاهنامه فردوسی .

۳۲ ـ شاهکار های هنر ایران ، نوشته پوپ ، ترجمه دکتر ناتل خانلری .

۳۳ ـ شرفنامه بدلیسی تألیف شرف‌الدین بدلیسی .

۳۴ ـ صورةالارض تألیف ابن حوقل ، ترجمه دکترجعفرشعار

۳۵ ـ ظفرنامه نوشته‌علی‌یزدی.

۳۶ ـ فرهنك نفیسی

۳۷ ـ فهرست ابن‌الندیم. ترجمه رضا تجدد

۳۸ ـ فهرست‌رجال‌منتجب‌الدین

۳۹ ـ فرهنك لری،نوشته‌حمید ایزدپناه

۴۰ ـ کامل‌ابن‌اثیر ـ چاپ مصر

۴۱ ـ لغت نامه‌دهخدا

۴۲ ـ مجله یغما

۴۳ ـ مجله باستان شناسی وهنر ایران شماره های ۳ و۴

۴۴ ـ مجله بررسیهای تاریخی سال دوم شماره ۶

۴۵ ـ مجمل‌التواریخ‌والقصص،به‌تصحیح‌شادروان‌ملك‌الشعرا بهار

۴۶ ـ مرآت‌البلدان

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

۴۷ ـ مسالك وممالك استخری به‌اهتمام ایرج افشار

۴۹ ـ منتخب التواریخ معینی تألیف معینی‌نطنزی

۵۰ ـ نامه مینوی

۵۱ ـ نقاشیهای ایران از کهن ترین روزگار تادوران صفوی ، نوشته اکبر تجویدی

۵۲ ـ نزهت‌القلوب تألیف حمدالله مستوفی، به‌اهتمام‌دبیرسیاقی

۵۳ ـ هنر ایران‌تألیف‌اندره‌گدار ترجمه بهروزحبیبی

هنر ایران ، تألیف دکترگیرشمن،ترجمه عیسی بهنام

1 BROUZES IRAN LURISTAN

***

CAUCASE
LOUIS VANDENBERCHE
2 ANCIENT BRONZES FROM LURISTAN
P.R.S. MOOREY
3 The Prehistory of South Western IRAN
Aprlinimary Report By
Frank Hole Rice Uniyersity

پایان

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org



بخش چگنی

حدود بخش

راه آسفالته

جاده اصلاحیه

جاده شوسه

جاده خاکی

جاده مال رو

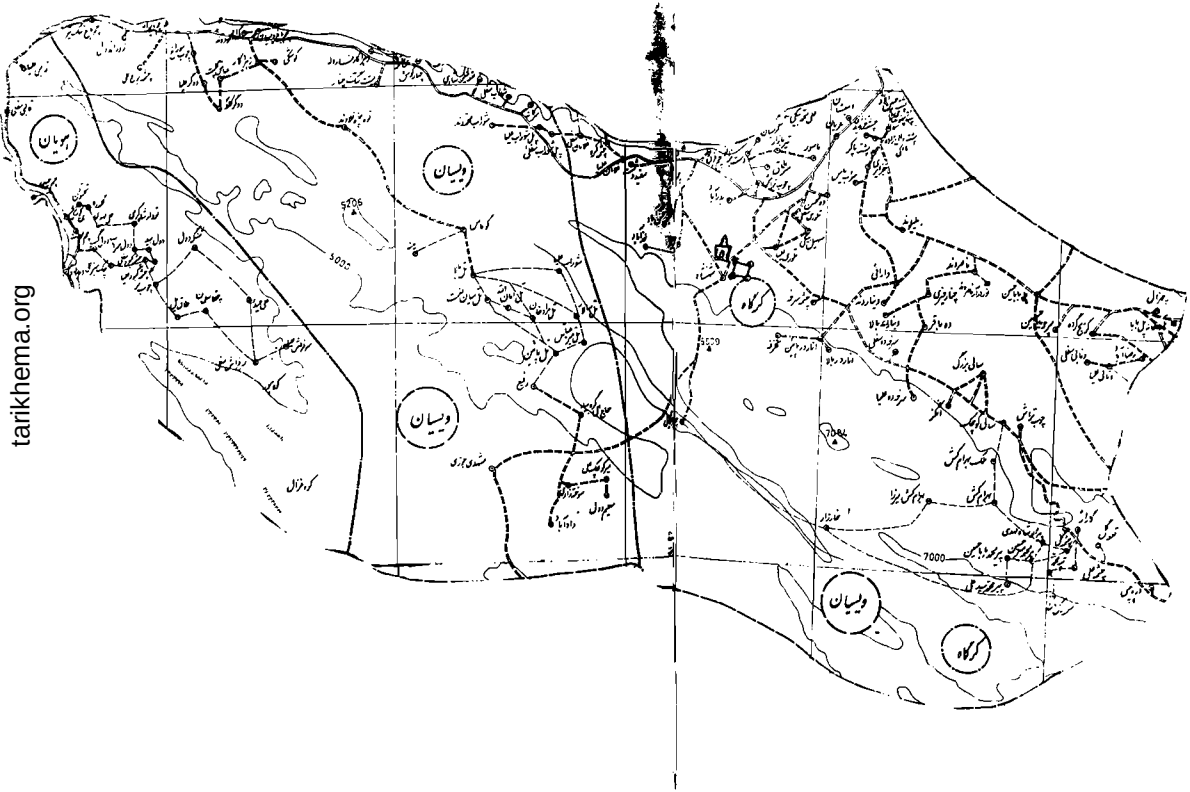
پل

امامزاده

پاسگاه ژاندارمری

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

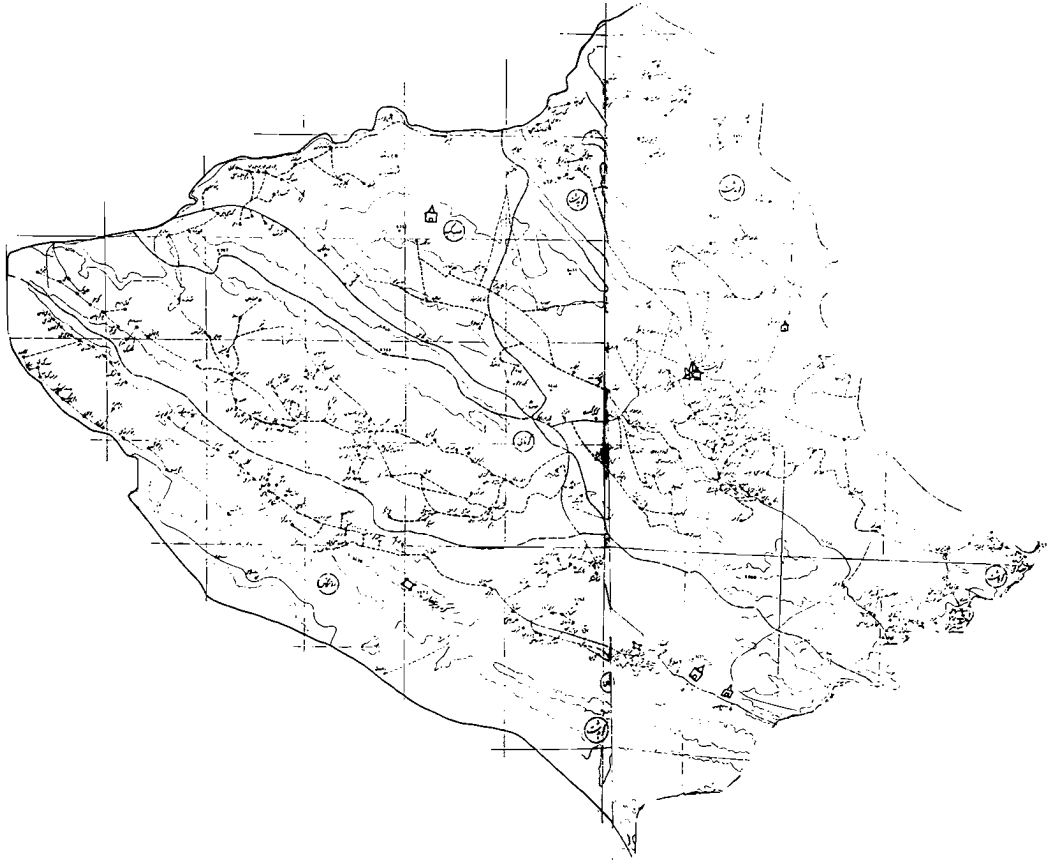


بخش ویسیان

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



بخش طرهان

- حدود بخش
- راه‌آهن
- جاده اسفالته
- جاده شوسه
- جاده خاکی
- جاده مال‌رو
- پل
- امامزاده
- پاسگاه انتظامی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org



tarikhema.org



یك قطعه مفرغ که در تاریخ ۲۵۳۵/۱/۴ شاهنشاهی از دهکده (خاتون پان) بخش دلفان وسیله اهالی یافت شد و مأموران بموقع آنرا ضبط و به‌فرهنگ و هنر تحویل دادند.
دهنه با دو گوزن که هر گوزن در زیر پای گوزنی خوابیده دارد.
بلندی هر گوزن ۱۴ سانتیمتر. اندازه میله اتصال وسیله ۲۵ سانتیمتر وزن ۱۳۵۰ گرم.
از اداره کل حفاظت آثار باستانی بخاطر در اختیار گذاشتن اسلاید این مفرغ سپاس دارم.

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

فهرست انتشارات انجمن آثار ملی

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۱	فهرست مختصری از آثار و ابنیهٔ تاریخی ایران	شهریورماه ۱۳۰۴
۲	آثار ملی ایران (کنفرانس پروفسور هرتسفلد)	مهر ماه ۱۳۰۴
۳	شاهنامه و تاریخ (کنفرانس پروفسور هرتسفلد)	شهریورماه ۱۳۰۵
۴	کشف دولوح تاریخی درهمدان (تحقیق پروفسور هرتسفلد ـ ترجمهٔ آقای مجتبی مینوی)	اسفند ماه ۱۳۰۵
۵	سه خطابه دربارهٔ آثار ملی و تاریخی ایران (از محمد علی فروغی و هرتسفلد و هانی‌بال)	مهر ماه ۱۳۰۶
۶	کشف الواح تاریخی تخت جمشید (پرفسور هرتسفلد)	بهمن ماه ۱۳۱۲
۷	کنفرانس محمدعلی فروغی راجع به فردوسی	بهمن ماه ۱۳۱۳
۸	تحقیق مختصر در احوال و زندگانی فردوسی (به قلم فاطمه سیاح)	۱۳۱۳
۹	تجلیل ابوعلی سینا درپنجمین دورهٔ اجلاسیهٔ یونسکو درفلورانس	اسفند ماه ۱۳۲۹
۱۰	رسالهٔ جودیهٔ ابن سینا (به تصحیح آقای دکتر محمود نجم‌آبادی)	اسفند ماه ۱۳۳۰
۱۱	رسالهٔ نبض ابن‌سینا (به‌تصحیح آقای سیدمحمدمشکوة استاددانشگاه)	اسفند ماه ۱۳۳۰
۱۲	منطق دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (به تصحیح آقایان سیدمحمدمشکوة و دکتر محمد معین استادان دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۳	طبیعیات دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (به‌تصحیح آقای سیدمحمدمشکوة)	۱۳۳۱
۱۴	ریاضیات دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (به تصحیح آقای مجتبی مینوی)	۱۳۳۱
۱۵	الهیات دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (به تصحیح آقای دکترمحمد معین)	۱۳۳۱
۱۶	رسالهٔ نفس ابن‌سینا (به تصحیح آقای دکترموسی عمید استاددانشگاه)	۱۳۳۱
۱۷	رساله‌ای درحقیقت وکیفیت سلسلهٔ موجودات (به تصحیح آقای دکتر موسی عمید استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۸	ترجمهٔ رسالهٔ سرگذشت ابن سینا (از آقای دکترغلامحسین صدیقی)	–
۱۹	معراج نامهٔ ابن‌سینا (به تصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی)	–
۲۰	رسالهٔ تشریح اعضاء ابن‌سینا (به تصحیح آقای دکترغلامحسین صدیقی)	–
۲۱	رسالهٔ قراضهٔ طبیعیات منسوب به ابن‌سینا (به تصحیح آقای دکترغلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	–

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۲۲ـ	ظفرنامه منسوب به ابن‌سینا (به تصحیح آقای دکترغلامحسین صدیقی)	۱۳۴۸
۲۳ـ	رسالهٔ کنوزالمعزمین ابن‌سینا (به تصحیح آقای جلال‌الدین همائی)	۱۳۳۱
۲۴ـ	رسالهٔ معیارالعقول ـ جرثقیل ـ ابن سینا (به تصحیح آقای جلال‌الدین همائی استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۲۵ـ	رسالهٔ حی‌بن‌یقظان ابن‌سینا باترجمه وشرح فارسی‌آن ازیکی ازمعاصران ابن‌سینا (به تصحیح آقای هانری‌کربن)	۱۳۳۱
۲۶ـ	جشن‌نامهٔ ابن سینا (مجلد اول ـ سرگذشت و تألیفات و اشعار و آراء ابن‌سینا) تألیف آقای دکتر ذبیح‌الله صفا استاددانشگاه	۱۳۳۱
۲۷ـ	ترجمهٔ مجلداول جشن‌نامه به فرانسه (به وسیله آقای سعیدنفیسی)	۱۳۳۱
۲۸ـ	ترجمهٔ اشارات وتنبیهات (به تصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر)	۱۳۳۲
۲۹ـ	پنج رسالهٔ فارسی وعربی از ابن‌سینا (به تصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر استاد دانشگاه)	۱۳۳۲
۳۰ـ	آثار تاریخی کلات وسرخس (تألیف آقای مهدی بامداد)	بهمن ماه ۱۳۳۳
۳۱ـ	جشن‌نامهٔ ابن‌سینا مجلد دوم (حاوی نطقهای فارسی اعضای کنگره ابن سینا)	۱۳۳۴
۳۲ـ	جشن‌نامهٔ ابن‌سینا مجلد سوم (کتاب‌المهرجان لابن سینا) حاوی نطقهای عربی اعضای کنگرهٔ ابن‌سینا	۱۳۳۵
۳۳ـ	جشن‌نامهٔ ابن‌سینا مجلد چهارم (شامل خطابه‌های اعضای کنگرهٔ ابن سینا به زبانهای آلمانی وانگلیسی وفرانسوی)	۱۳۳۴
۳۴ـ	نبردهای بزرگ نادرشاه (بقلم سرلشکر غلامحسین مقتدر)	۱۳۳۹
۳۵ـ	جبر ومقابلهٔ خیام (به تصحیح وتحشیهٔ آقای دکترجلال‌مصطفوی)	۱۳۳۹
۳۶ـ	شاهنامهٔ نادری تألیف مولانا محمدعلی فردوسی ثانی (به تصحیح وتحشیهٔ آقای احمد سهیلی خوانساری)	۱۳۳۹
۳۷ـ	اشترنامه شیخ فریدالدین عطار (به تصحیح وتحشیهٔ آقای دکترمهدی محقق)	۱۳۳۹
۳۸ـ	حکیم عمرخیام بعنوان عالم جبر تألیف آقای دکترغلامحسین مصاحب	۱۳۳۹
۳۹ـ	نادرشاه تألیف آقای دکتر رضازادهٔ شفق استاد دانشگاه	۱۳۳۹
۴۰ـ	درهٔ نادره تألیف میرزا مهدی خان (باتصحیح وتحشیهٔ آقای دکتر سید جعفرشهیدی)	۱۳۴۰

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۴۱ـ	شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین عطار تألیف آقای فروزانفر استاد دانشگاه	۱۳۴۰
۴۲ـ	خسرونامه تألیف شیخ فریدالدین عطار (به تصحیح و اهتمام آقای احمد سهیلی خوانساری)	۱۳۴۰
۴۳ـ	نامه‌های طبیب نادرشاه ترجمهٔ آقای دکتر علی‌اصغر حریری (به‌اهتمام آقای حبیب یغمائی)	۱۳۴۰
۴۴ـ	دیوان غزلیات و قصائد عطار (به‌اهتمام و تصحیح آقای دکتر تقی تفضلی)	۱۳۴۱
۴۵ـ	جهانگشای نادری تألیف میرزا مهدی‌خان استرآبادی (با تصحیح و تعلیقهٔ آقای سید عبدالله انوار)	۱۳۴۱
۴۶ـ	طربخانه (رباعیات حکیم عمر خیام نیشابوری) تألیف یار احمد بن حسین رشیدی تبریزی (با مقدمه و تصحیح و تحشیهٔ آقای جلال‌الدین همائی استاد دانشگاه)	۱۳۴۲
۴۷ـ	نادرهٔ ایام، حکیم عمر خیام و رباعیات او به قلم آقای اسماعیل یکانی	۱۳۴۲
۴۸ـ	اقلیم پارس (آثار باستانی و ابنیهٔ تاریخی فارس) تألیف سید محمدتقی مصطفوی	۱۳۴۳
۴۹ـ	سفارش‌نامهٔ انجمن آثار ملی	اردی بهشت ۱۳۴۴
۵۰ـ	یادنامهٔ شادروان حسین علاء	۱۳۴۴
۵۱ـ	ذخیرهٔ خوارزمشاهی، تألیف زین‌الدین ابوابراهیم اسماعیل جرجانی سنهٔ ۵۰۴ هجری (به اهتمام و تصحیح و تفسیر دکتر محمد حسین اعتمادی ـ دکتر محمد شهراد ـ دکتر جلال مصطفوی (کتاب نخستین)	۲۵ شهریور ۱۳۴۴
۵۲ـ	دیوان صائب، باحواشی و تصحیح به‌خط خود استاد ـ مقدمه و شرح حال به‌خط و خامهٔ استاد امیری فیروزکوهی	۱۳۴۵
۵۳ـ	عرائس‌الجواهر و نفایس‌الاطایب تألیف ابوالقاسم عبدالله کاشانی به سال ۷۰۰ هجری به کوشش آقای ایرج افشار	۱۳۴۵
۵۴ـ	ری باستان (مجلد اول) مباحث جغرافیائی شهر ری به‌عهد آبادی تألیف دکتر حسین کریمان	۱۳۴۵
۵۵ـ	خیامی‌نامه (جلد اول) تألیف استاد جلال‌الدین همائی	آبان‌ماه ۱۳۴۶

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۵۶ـ	فردوسی وشعرا وتألیف آقای مجتبی مینوی استاد دانشگاه	آبان‌ماه ۱۳۴۶
۵۷ـ	خردنامه تألیف ونگارش ابوالفضل یوسف بن علی مستوفی به‌کوشش آقای عبدالعلی ادیب برومند	فروردین۱۳۴۷
۵۸ـ	فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان‌عربی تألیف آقای سید محمدعلی امام شوشتری	تیرماه ۱۳۴۷
۵۹ـ	کتابشناسی فردوسی ، فهرست آثار و تحقیقات در بارهٔ فردوسی و شاهنامه ، تدوین‌آقای ایرج افشار	مرداد ۱۳۴۷
۶۰ـ	روزبهان‌نامه به‌کوشش‌آقای محمدتقی دانش‌پژوه	اسفند ۱۳۴۷
۶۱ـ	کشف‌الابیات فردوسی(جلداول) به‌کوشش دکترمحمد دبیرسیاقی	اردیبهشت ۱۳۴۸
۶۲ـ	زندگی ومرگ پهلوانان در شاهنامه نگارش دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن	خرداد ۱۳۴۸
۶۳ـ	آثار باستانی‌کاشان ونطنز تألیف‌آقای حسن نراقی	مهر ۱۳۴۸
۶۴ـ	بزرگان شیراز تألیف آقای رحمت‌الله مهراز	آبان ۱۳۴۸
۶۵ـ	آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان تألیف‌آقای احمد اقتداری	آذر ۱۳۴۸
۶۶ـ	تاریخ بناکتی به‌کوشش‌دکترجعفرشعار	دی ۱۳۴۸
۶۷ـ	عهد اردشیر برگردانندہ به فارسی‌سید محمدعلی امام شوشتری	دی ۱۳۴۸
۶۸ـ	یادگارهای یزد (جلد اول) تألیف‌آقای ایرج افشار	بهمن ۱۳۴۸
۶۹ـ	ری‌باستان (مجلد دوم) تألیف‌آقای دکترحسین کریمان	خرداد ۱۳۴۹
۷۰ـ	ازآستارا تا استارباد (جلد اول بخش اول)، آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه‌پس، تألیف دکتر منوچهر ستوده	تیر ۱۳۴۹
۷۱ـ	یادنامهٔ فردوسی حاوی مقالات وچکامه‌ها به مناسبت تجدیدآرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی	آبان ۱۳۴۹
۷۲ـ	فردوسی و شاهنامهٔ ادبه اهتمام‌آقای حبیب یغمائی	آذر ۱۳۴۹
۷۳ـ	فیلسوف ری، محمدبن‌زکریای‌رازی تألیف‌آقای‌دکترمهدی‌محقق	آذر ۱۳۴۹
۷۴ـ	سرزمین قزوین تألیف‌آقای دکتر پرویز ورجاوند	آذر ۱۳۴۹
۷۵ـ	یادنامهٔ شادروان سیدحسن تقی‌زاده به اهتمام حبیب یغمائی	بهمن ۱۳۴۹

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۷۶ـ	ذخیرهٔ خوارزمشاهی تألیف زین‌الدین ابوابراهیم اسماعیل جرجانی سنهٔ ۵۰۴ هجری به اهتمام و تفسیر و تصحیح دکتر جلال مصطفوی ـ (کتاب دوم)	بهمن ۱۳۴۹
۷۷ـ	نظری اجمالی به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت‌شناسی آن تألیف آقای دکتر محمدجواد مشکور	بهمن ۱۳۴۹
۷۸ـ	تاریخچهٔ ساختمانهای ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان نوشتهٔ آقای یحیی ذکاء	فروردین ۱۳۵۰
۷۹ـ	کشف‌الابیات شاهنامهٔ فردوسی ـ جلد دوم ـ به کوشش دکتر محمد دبیرسیاقی	خرداد ۱۳۵۰
۸۰ـ	آثار باستانی و تاریخی لرستان ـ جلد نخست ـ تألیف آقای حمید ایزدپناه	تیر ۱۳۵۰
۸۱ـ	دردربار شاهنشاه ایران، تألیف ا. کمپفر آلمانی ـ ترجمهٔ آقای کیکاووس جهانداری	مرداد ۱۳۵۰
۸۲ـ	نگاهی به شاهنامه، تألیف آقای پروفسور فضل‌الله رضا	شهریور ۱۳۵۰
۸۳ـ	مونس‌الاحرار فی دقایق‌الاشعار (جلد ۲) تألیف محمد بن بدر جاجرمی به سال ۷۴۱ هجری با تحشیه و تفسیر آقای میرصالح طبیبی	شهریور ۱۳۵۰
۸۴ـ	مقدمه‌ای برشناخت اسناد تاریخی تألیف سرهنگ دکتر جهانگیر قائم‌مقامی	شهریور ۱۳۵۰
۸۵ـ	فرهنگ شاهنامه تألیف دکتر رضازادهٔ شفق	مهر ۱۳۵۰
۸۶ـ	دانش وخرد فردوسی فراهم‌آوردهٔ دکتر محمود شفیعی	مهر ۱۳۵۰
۸۷ـ	وقفنامهٔ ربع رشیدی (چاپ عکسی) ازروی نسخهٔ مورخ ۷۰۹ قمری زیر نظر آقایان مجتبی مینوی و ایرج افشار	اسفند ۱۳۵۰
۸۸ـ	ذیل جامع‌التواریخ رشیدی تألیف حافظ ابرو مورخ دوران تیموری با مقدمه و تعلیقات آقای دکتر خانبابا بیانی	اسفند ۱۳۵۰
۸۹ـ	از آستارا تا استارباد (مجلد دوم) آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه پیش تألیف دکتر منوچهر ستوده	خرداد ۱۳۵۱
۹۰ـ	نصیحة‌الملوك تألیف امام محمد غزالی با مقدمه و تصحیح و تحشیهٔ استاد جلال‌الدین همائی	آذرماه ۱۳۵۱
۹۱ـ	آثار باستانی آذربایجان (جلد اول ـ آثار تاریخی شهرستان تبریز) تألیف آقای عبدالعلی کارنگ	آذرماه ۱۳۵۱
۹۲ـ	مجموعهٔ انتشارات قدیم انجمن	دی‌ماه ۱۳۵۱

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۹۳-	مجموعه مقالات فروغی دربارهٔ شاهنامه و فردوسی باهتمام آقای حبیب یغمائی	بهمن ماه ۱۳۵۱
۹۴-	داستان داستانها (داستان رستم واسفندیار) تنظیم متن وشرح وتوضیح به کوشش دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن	اسفندماه ۱۳۵۱
۹۵-	فردوس در تاریخ شوشتر تألیف علاءالملك حسینی شوشتری (قرن ۱۱ هجری) با مقدمه وتصحیح وتعلیق آقای جلال محدث	خردادماه ۱۳۵۲
۹۶-	تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری تألیف دکتر محمدجواد مشکور	تیرماه ۱۳۵۲
۹۷-	ذخیرهٔ خوارزمشاهی تألیف زین‌الدین ابوابراهیم اسمعیل جرجانی سنه ۵۰۴ هجری باهتمام وتفسیر وتصحیح دکتر جلال مصطفوی جلد سوم	شهریور ۱۳۵۲
۹۸-	ترجمه یك فصل از آثارالباقیه ابوریحان بیرونی بخامه علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه و ملاعلی محمد اصفهانی بکوشش آقای اکبر داناسرشت با مقدمه والحاقاتی ازایشان	آبان ۱۳۵۲
۹۹-	مادها و بنیانگذاری نخستین شاهنشاهی در غرب فلات ایران تألیف آقای جلیل ضیاءپور	بهمن ۱۳۵۲
۱۰۰-	سیرفرهنگ ایران دربریتانیا یا تاریخ دویست‌سالهٔ مطالعات ایرانی تألیف آقای دکتر ابوالقاسم طاهری	اسفند ۱۳۵۲
۱۰۱-	آثار ملی اصفهان تألیف آقای ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی	اسفند ۱۳۵۲
۱۰۲-	سیراف (بندطاهری) تألیف آقای غلامرضا معصومی	اسفند ۱۳۵۲
۱۰۳-	فرهنگ فارسی به‌پهلوی تألیف آقای دکتر بهرام‌فره‌وشی استاد دانشگاه تهران	فروردین ۱۳۵۳
۱۰۴-	کتابشناسی کتابهای خطی تألیف شادروان دکتر مهدی بیانی استاد فقید دانشگاه به‌کوشش آقای حسین محبوبی اردکانی	خرداد ۱۳۵۳
۱۰۵-	تاریخ بافت قدیمی شیراز تألیف آقای کرامت‌الله افسر	مرداد ۱۳۵۳
۱۰۶-	فرار از مدرسه دربارهٔ زندگی و اندیشهٔ ابوحامد غزالی تألیف آقای دکتر عبدالحسین زرین‌کوب	مرداد ۱۳۵۳
۱۰۷-	بیرونی‌نامه ـ پژوهش ونگارش آقای ابوالقاسم قربانی	مهرماه ۱۳۵۳
۱۰۸-	جامع جعفری ـ تاریخ یزد دردوران نادری و زندیه وعصر سلطنت فتحعلی‌شاه ـ تألیف محمدجعفر بن محمد حسین نائینی متخلص به «طرب» به‌کوشش آقای ایرج افشار	آبان ۱۳۵۳

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۱۰۹ـ	کتاب التفهیم لاوائل صناعة التنجیم ، تألیف ابوریحان محمدبن احمد بیرونی خوارزمی ، با تجدید نظر و تعلیقات ومقدمهٔ تازه به خامهٔ استاد جلال‌الدین همائی	دی‌ماه ۱۳۵۳
۱۱۰ـ	(دیارشهریاران) آثاروبناهای‌تاریخی خوزستان جلد نخستین بخش اول ـ تألیف آقای احمد اقتداری	خرداد ۱۳۵۴
۱۱۱ـ	(دیارشهریاران) آثاروبناهای تاریخی خوزستان جلد نخستین بخش‌دوم ـ تألیف آقای احمد اقتداری	خرداد ۱۳۵۴
۱۱۲ـ	احوال‌واقوال‌شیخ ابوالحسن‌خرقانی بضمیمهٔ منتخب‌نورالعلوم تألیف آن‌عارف‌بزرگوار، باهتمام استاد مجتبی مینوی	تیرماه ۱۳۵۴
۱۱۳ـ	شرح احوال وآثار ودوبیتی‌های باباطاهرعریان به‌انضمام شرح وترجمه‌کلمات قصار وی منسوب بعین‌القضاة همدانی(؟) با اصل وترجمهٔ کتاب (الفتوحات‌الربانیة فی‌مزج‌الاشارات‌الهمدانیة) بشرح وتفسیرمحمدبن ابراهیم مشهور به خطیب وزیری‌بکوشش دکتر جواد مقصود	تیرماه ۱۳۵۴
۱۱۴ـ	کتاب « الغارات » تألیف ابواسحق ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی‌کوهی اصفهانی باهتمام و تصحیح استاد میر جلال‌الدین محدث (بخش نخست)	شهریور ۱۳۵۴
۱۱۵ـ	کتاب « الغارات » به شرح مذکور درشمارهٔ ۱۱۴ (بخش دوم)	شهریور ۱۳۵۴
۱۱۶ـ	یادگارهای یزد(جلد دوم‌باضمیمه ـ شهریزد) تألیف ایرج افشار	شهریور ۱۳۵۴
۱۱۷ـ	تاریخ روابط بازرگانی‌وسیاسی‌ایران وانگلیس ازدوران فرمانروائی مغولان‌تاپایان‌عهدقاجاریه(جلداول)تألیف دکترابوالقاسم‌طاهری	مهرماه ۱۳۵۴
۱۱۸ـ	ازآستارا تااستارباد (مجلدششم) شامل‌اسنادتاریخی گرگان‌بکوشش آقایان مسیح ذبیحی ودکترمنوچهر ستوده (بخش نخست)	مهرماه ۱۳۵۴

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۱۱۹ـ	ازآستارا تا استارباد «مجلد هفتم بشرح مذکور درشماره ۱۱۸ (بخش دوم)	آذرماه ۱۳۵۴
۱۲۰ـ	سفر نامه حکیم ناصرخسرو به‌کوشش وتصحیح دکترمحمددبیرسیاقی	بهمن‌ماه ۱۳۵۴
۱۲۱ـ	آثار باستانی خراسان ـ جلد اول شامل آثار و ابنیه‌تاریخی‌جام ونیشابور وسبزوار ـ اثرآقای‌عبدالحمید مولوی	اردی‌بهشت‌ماه ۲۵۳۵شاهنشاهی (۱۳۵۵خورشیدی)
۱۲۲ـ	تاریخ باستانی ایران برپایهٔ باستان‌شناسی تألیف هرتسفلد ترجمهٔ علی‌اصغرحکمت استاد ممنازدانشگاه‌تهران	اردی‌بهشت‌ماه ۲۵۳۵شاهنشاهی (۱۳۵۵خورشیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org